



[]

چندین هفته
شهرستان
پایه

نام کتاب: چنین گفت میرحسین

عنوان فرعی: مجموعه سخنرانی‌ها، گفتگو‌ها، بیانیه‌ها، یادداشت‌ها، اطلاعیه‌ها و

پیام‌های میرحسین موسوی؛ از بهمن ۱۳۸۷ تا اسفند ۱۳۸۹

تهیه و گردآوری: کانون دکتر علی شریعتی (دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه)

با همکاری سایت خبری تحلیلی «کلمه»

ویراست نخست: خرداد ۱۳۹۱

۱۱۸۳ صفحه

شمارگان: ما پیشماریم



www.kalame.com

www.kanoon-shariati.com

- فهرست..... ۲
- پیشگفتار کانون دکتر علی شریعتی..... ۷

فصل اول: این زمان، زمانی دیگر است.

- پس از بیست سال ۱۲
- این زمان، زمانی دیگر است = بیانیه اعلام حضور در انتخابات ریاست جمهوری ۸۴
- حرکت از نازی آباد - نخستین سخنرانی پس از اعلام کاندیداتوری ۹۲
- پیام به سید محمد خاتمی پس از انصراف ایشان از نامزدی انتخابات ۱۰۳
- نخستین مصاحبه مطبوعاتی پس از نامزدی در انتخابات ۱۰۷
- اطلاعیه درباره طنز سید ابراهیم نبوی (و دیگر طنز نویسان) درباره فاطمه رجبی ۱۴۹
- دیدار با مراجع ۱۵۳
- جنگ خاتمه یافته و اقتصاد جنگی پایان یافته است ۱۷۲
- به حزب اعتقاد دارم - در دیدار با تعدادی از فعالان سیاسی، اعضا و دبیران کل احزاب ۲۰۷
- راهبردهای اصلاح طلبی - دیدار با نخبگان استان خراسان ۲۱۶
- نامه مشترک موسوی و کروبی به دبیر شورای نگهبان ۲۲۲
- بیانیه درباره حقوق اقوام ایرانی ۲۲۵
- منشور حقوق بشر ۲۳۲
- واکنش به روند تقلب در انتخابات ۲۴۳

فصل دوم: هرگز تسلیم این صحنه آرائی خطرناک

نخواهم شد

- ۲۴۶ یانیهی شماره یک ؛ پایداری در برابر شعبده بازی
- ۲۵۰ نامه به علما و مراجع
- ۲۵۲ بیانیهی شماره دو؛ ابطال انتخابات، تنها راه حمایت از مردم و دولت
- ۲۵۶ سخنرانی در جمع تظاهر کنندگان ۲۵ بهمن؛ حماسه بزرگ
- ۲۶۰ بیانیه شماره سه ؛ موج سبز
- ۲۶۵ بیانیهی شماره چهار ؛ پنج شنبه همه جا عزاداری کند
- ۲۶۷ بیانیهی پنجم؛ آمده بودم تا بگویم
- ۲۷۷ بیانیه ششم؛ کشور متعلق به شماست
- ۲۸۰ با جامعه جدیدی روبرو هستیم – دیدار با جامعه شناسان
- ۲۸۵ صدای اعتراض مردم باشید = پیام به ایرانیان خارج از کشور؛
- ۲۸۹ بیانیه هفتم = کلمه سبز
- ۲۹۲ بیانیه هشتم – مجرمان انتخاباتی در کنار مسببان اصلی اغتشاشات اخیر قرار گرفته اند
- ۲۹۷ بیانیه نهم؛ امید بذر هویت ماست
- ۳۱۸ منشوری فراتر از جبهه ها و گروههای سیاسی تدوین می کنیم
- ۳۲۴ بیانیه دهم ؛ بیدادگاههای نمایشی
- ۳۲۸ راه سبز امید در راه است...
- ۳۳۶ تقدیر از شیخ شجاع – نامه به حجت الاسلام و المسلمین مهدی کروبی
- ۳۴۰ بیانیه یازدهم؛ راه سبز امید را زندگی کنیم
- ۳۷۱ بیانیه دوازدهم؛ بهشتی های مظلوم
- ۳۷۴ یانیهی سیزدهم ؛ چگونه راه سبز امید را زندگی کنیم؟
- ۳۹۰ جنبش سبز خط کشی های کاذب را بی اعتبار کرد
- ۳۹۹ پذیرش بحران و به رسمیت شناختن حق مردم، تنها راه حل مشکلات است

- پیام تسلیت در پی شهادت فرماندهان سپاه در اقدام تروریستی سیستان و بلوچستان ۴۱۳
- یک دست را ببندند، صدها دست باز می شوند ۴۱۶
- بیانیه چهاردهم - سیزدهم آبان میعاد است تا به یاد آوریم که مردم رهبرانند ۴۲۳
- شکستن پی در پی نهادها یا تخریب قوانین بویژه قانون اساسی حلال مشکلات ما نیست ۴۳۶
- ۱۳ آبان در خیابان علیه «شهامت مردم» لشکرکشی کردند ۴۷۴
- بیانیه پانزدهم - بسیجی واقعی ۴۸۹
- جامعه علوی به رنگ سبز انداختن نیست ۵۰۳
- بیانیه شانزدهم - در میدان وجدان های مردم، خاکریزهایتان در حال سقوط است ۵۱۰
- دانشجویان از مستضعفان بی خبر نباشند ۵۲۸
- پیام تسلیت به مناسبت رحلت آیت الله منتظری (ره) ۵۳۹
- پیام تشکر و خداحافظی از فرهنگستان هنر ۵۴۱
- بیانیه هفدهم - وقایع عاشورا - راه حل های برون رفت از بحران ۵۴۳
- پیام تسلیت به مناسبت شهادت دکتر مسعود علیمحمدی ۵۵۹
- انقلاب به اهداف خود نرسیده است ۵۶۱
- دیدار با دانشجویان - به مناسبت دهه فجر ۵۸۶
- آرزو دارم نمایشگاهی از پوستر های جنبش سبز را در کشور ببینم ۶۱۲
- حماسه ۲۵ خرداد نباید فراموش شود ۶۴۰
- سال صبر و استقامت - پیام تصویری به مناسبت نوروز ۱۳۸۹ ۶۵۶
- امام (ره) هیچ تصمیمی که مربوط به سرنوشت مردم بود را به تنهایی اتخاذ نمی کرد ۶۶۷
- می ایستیم تا جناح حاکم به قانون اساسی برگردد ۶۷۵
- تغییر با ایده متولد می شود = رسانه برای ما حیاتی است ۶۸۶
- دامنه گسترش آگاهی ها را به روستائیان کارگران و کشاورزان بکشانید ۶۹۳
- مردم دنبال عدالت هستند - پیام به مناسبت روز کارگر و روز معلم ۷۲۵
- زبان ها و فرهنگ های متنوع از ذخایر این سرزمین هستند ۷۳۶
- پیام تسلیت به مناسبت درگذشت معلم عشایر ۷۴۱

- بیانیه در واکنش به اعدامهای دسته جمعی ۷۴۳
- تا زمانی که گفتان سبز عمومی نشود، تغییری ایجاد نمی شود ۷۴۵
- آیا روش دولتمردان کوچکترین تناسبی با سیره فاطمه(س) دارد؟ ۷۷۰
- به مردم بازگردید آنگاه صبح امید فرا خواهد رسید ۷۷۴
- خرافه گرایی امروز در خدمت فساد سازمان یافته سیاسی و اقتصادی است ۷۸۴
- کشور با آزادی و عدالت اداره می شود، نه با زندان اوین ۷۸۹
- برخی، مردم را فقط برای تشریفات و مراسم می خواهند ۸۰۲
- محکوم کردن جنایات رژیم صهیونیستی ۸۰۷
- گفتگو درباره امام خمینی ۸۰۹
- هتاکای عده ای در مقابل تریبون سخنرانی نمی توانست بدون مهندسی قبلی صورت بگیرد ۸۲۴
- کنفرانس مطبوعاتی (ویدئو کنفرانس) به مناسبت سالگرد انتخابات ۸۸ ۸۲۹
- برای حفظ جان و مال مردم، راهپیمایی برگزار نخواهد شد ۸۹۴
- اطلاعیه پیرامون ۲۲ خرداد و هتک حرمت بیوت مراجع ۸۹۹

فصل سوم: نقشه راه؛ منشور جنبش سبز

- بیانیه هجدهم و منشور جنبش سبز (ویراست نخست) ۹۰۴
- پیام تسلیت به مناسبت رحلت علامه محمد حسین فضل الله ۹۳۱
- تحریم ها آخرین میخ را به تابوت چشم انداز بیست ساله خواهد کوبید ۹۳۳
- تسلیم شدن برابر کژی ها باعث انحراف و فجایع بیشتر می شود ۹۴۶
- هر کس هر جا از حق و قانون دفاع کند عضو جنبش سبز است ۹۵۳
- پیام به مناسبت حادثه تروریستی زاهدان ۹۶۲
- کشور را با دروغ و سرکوب و پرکردن زندانها نمی توان اداره کرد ۹۶۴
- ناگفته های جنگ ۹۷۳
- رویکرد اقتدارگرایانه یا انتخاب مردم ۹۸۷
- تعدد روزنامه نگاران زندانی، نشانی از حقانیت جنبش سبز ۹۹۷

- پیام به زندانیان سیاسی اعتصاب کننده..... ۱۰۱۳
- دادخواهی از جنتی به مراجع ۱۰۱۵
- دلبستگان جنبش سبز به شدت به اصول اخلاقی پایبندند ۱۰۲۵
- جنبش سبز زمینه آشتی ملی را فراهم آورده است ۱۰۳۱
- واکنش جنبش سبز به هر گونه تهدید بیگانه با حفظ حد و مرز با اقتدارگرایان ۱۰۳۵
- مردم از خود می پرسند - یادداشت به مناسبت شب قدر ۱۰۴۰
- پیام میرحسین موسوی به درباره حملات سازمان یافته به منزل مهدی کروبی ۱۰۵۴
- جنبش سبز با محدودیت های امنیتی و حذف همراهان آن متوقف نمی شود ۱۰۵۶
- سیاستهای ویرانگر کنونی را به رفاندوم بگذارید ۱۰۶۴
- پیام به مناسب آذر ماه / آگاهی چشم اسفندیار خودکامگان است ۱۰۷۹
- گفتگو با قلم سبز (روزنامه تک برگی)؛ توطئه بیست ساله ۱۰۹۴
- برماست که کاری زینبی کنیم - یادداشت به مناسبت ماه محرم ۱۱۰۳
- پیام ایستادگی شما را نسیم سبز رساند، اعتصابات را بشکنید ۱۱۱۵
- راهکار مقابله با دروغ ها و تهمت ها؛ هر شهروند یک رسانه ۱۱۱۷
- پیام تسلیت میرحسین موسوی در پی سقوط هواپیما ۱۱۲۹
- اتکای جنبش سبز به مردم را افتخار آن می دانم ۱۱۳۰
- فراعنه زمانی صدای ملت را می شنوند که دیر شده است ۱۱۳۲
- درخواست مجوز برای برگزاری راهپیمایی ۱۱۳۶
- بیانیه مشترک به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب ۱۱۳۸
- پیام خطاب به ملت درباره راهپیمایی ۲۵ بهمن ۱۱۵۴
- منشور جنبش سبز (ویراست دوم) ۱۱۵۶

پیشگفتار

قرار بود ما ایرانیان، در هر کجای جهان که هستیم، هسته های اجتماعی را در میان خود تقویت کنیم. قرار بود خانه هایمان را رو در روی یکدیگر بسازیم؛ به تعبیر قرآن خانه های خود را قبله قرار دهیم.

به پیروی از این قرار، جمع کوچک دانشجویی ای را تشکیل دادیم. اولین سوالی که خودمان را با آن مواجه دیدیم این بود که ما کیستیم؟ کجا می خواهیم برویم؟ و چه باید بکنیم؟ گفتگو های مفصلی در گرفت. با افراد گوناگون گفتگو کردیم. تلاش کردیم از تجربه های

دیگران بهره ببریم. بهترین بستر برای یافتن پاسخ این پرسش ها را جستجو در تجربه جنبش سبز یافتیم. بجز تجربه های شخصی و روایتهای دوستانمان، کمتر متن مدون و منسجم و یا منبع قابل اعتنایی یافتیم که بتوانیم تجربه جنبش سبز را استخراج و پاسخ پرسشهایمان را در آن بیایم.

با جستجوی فروان در نهایت به یک منبع غنی و سرشار رسیدیم. منبعی که از فرط نزدیک بودن به ما، در نگاه نخست آن را نمی دیدیم.

بیانیه های میرحسین موسوی نه فقط روایت اصیل فردی که آرا و حمایت جمع بزرگی از هموطنانمان را پشت خود داشت، که صدای خود مردم بود. همان چیزی که در پی آن بودیم. هنر بزرگ میرحسین فهم و نزدیکی با نبض جوامعه است. این موضوع وقتی برایمان روشن تر شد که بیانیه های میرحسین را به دنبال هم مرور کردیم. این متن ها صدای مردم معترضی است که امید به یک آینده روشن تر داشتند. با خواندن پیوسته

این متن ها ما به عمق تاریخ جنبش می رویم. این متنها داستان مردمی است که جنبش سبز را آفریدند. روایت ترس ها و بیم های ما. ترسیم گر خواست ها و رویاهای ما. حاوی گفتگو های ما مردم و میرحسین.

برای این که این روایت غنی و منسجم میرحسین از خواسته های یک ملت دست نخورده باقی بماند از افزودن توضیح به این مجموعه خودداری کردیم. تنها برای اینکه مجموعه کامل باشد، علاوه بر بیانیه های ۱۸ گانه میرحسین، مجموعه سخنانی ها، پیامها، اطلاعیه ها، یادداشت ها و گفتگوهای وی از بهمن ۱۳۸۷ تا اسفند ۱۳۸۹ گردآوری شده است. اصالت و دقیق بودن متن ها نیز به کمک سایت میرحسین موسوی «کلمه» مورد بررسی قرار گرفته است.

یکی از ایده های راهگشای میرحسین موسوی، پیشنهاد مطالعه کتابهایی به صورت دسته جمعی بود. در این راستا، او در یکی از دیدارهای اندکی که در دوران حصر غیرقانونی با دخترانش داشت، کتاب

«گزارش یک آدم ربایی» و «وجدان بیدار» را جهت مطالعه و بویژه مطالعه گروهی به جامعه معرفی کرد. ایده ای راهگشا که با پیشنهادی آگاهانه بسیار موثر افتاد و هر دوی این کتاب ها در اندک زمانی در بازار کتاب نایاب گشت و نسخه های افسست و اینترنتی آن بارها و بارها تجدید چاپ دست به دست بین مردم چرخید. مجموعه «چنین گفت میرحسین» هم می تواند پیشنهادی برای کتابخوانی های دسته جمعی در گروه هایمان باشد. ما در جمع کوچک خودمان با این کار تصویری روشن تر در مقابل پرسشهای که در بالا آمد پیدا کردیم.

در پایان لازم می دانیم از سایت «کلمه» که ما را در راه تهیه و انتشار این مجموعه یاری کرد سپاسگذاری کنیم.

کانون دکتر علی شریعتی

خرداد ۱۳۹۱

فصل اول:

این زمان، زمانی دیگر است...

نخستین گفت و گوی میرحسین

پس از بیست سال...

سه شنبه ۱ بهمن ۱۳۸۷

او اکنون به همان اندازه در شکست سکوت خود مصمم است که در آن دو دهه سکوت مصمم بود. میر حسین موسوی بی تردید نمونه‌ای منحصر به فرد در تاریخ سیاست ورزی ایرانی است که در اوج اقبال عمومی، سکوت را به تقسیم کردن اعتماد مردم با دیگر صاحبان قدرت ترجیح داد.

همچنان که سکوت ۲۰ ساله او ناگفته‌هایی بسیار دارد، یک دهه مدیریت او بر کشوری که در اولین سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هزاران بحران اقتصادی و

اجرایی را همزمان با جنگ تجربه کرده است، ناگفته‌هایی شگفت دارد .

او از پیچیدگی‌های رصد کردن امور اجرایی و مدیریت تأمین نیازهای اقتصادی کشور در شرایط سخت جنگ سخن می‌گوید. گویی اتاق نخست وزیر، اتاق مدیریت بحران کشور بوده است .

نخست وزیر برای نخستین بار از پیچیدگی‌ها و دشواری‌های فرآیند تدوین سناریوی‌های فوق محرمانه مدیریت بحران در اداره امور عمومی در دهه نخست پرده برمی‌دارد، سناریوهایی که گاه تنها ۹ نسخه از آن تدوین شد .

اما استراتژیست مدیریت بحران که بیشترین بهانه را برای مسدود کردن و محرمانه کردن جریان اطلاعات در دولت خود داشته است، از مزایا و کارکردهای مثبت روابط دموکراتیک دولت و مجلس و انتشار جزئیات اسناد بودجه ارزی کشور و تعامل دیدگاه‌های مختلف

اقتصادی در درون دولت دهه نخست انقلاب برای مدیریت بحران سخن می گوید .

قدرت اداره مهندس موسوی به معنای قدرت اداره کشور با کمتر از ۵ میلیارد دلار درآمد ارزی و به تعبیری کمتر از ۸ درصد درآمد برخی از سال های کنونی است، به گونه ای باورنکردنی بسیاری از شاخص های اقتصادی ای که حاصل مدیریت او در اوج جنگ و بحران اقتصادی کشور است، در مقایسه با دوران پس از جنگ موفق ترند، اما اولین گزاره های میرحسین برای روایت سازوکارهای اداره امور عمومی در دهه نخست، توصیف موفقیت های خود و تیم کارشناسانش نیست؛ او از «مدیریت یک ملت بر خود» سخن می گوید. میرحسین با ادبیاتی ساده و صادقانه به توصیف مفهوم جامعه شناختی «سرمایه اجتماعی» و نقش آن در مدیریت بحران های دهه نخست می پردازد که خود حاصل تحولی عمیق در مناسبات دولت - ملت در دهه نخست است .

او که اکنون رنج سال‌ها نادیده گرفته شدن این سرمایه بزرگ ملی را در سینه دارد، به خوبی توضیح می‌دهد چگونه سرمایه اجتماعی، قدرت بازسازی همزمان با جنگ را به دولت دهه نخست انقلاب می‌داده است .

نخست وزیر دهه نخست انقلاب تفسیر پدیده‌های اجرایی این دهه را مستلزم درک زمینه‌های عملی و فکری وقوع این پدیده‌ها می‌داند. شاید به دلیل غفلت از اهمیت درک همین زمینه‌ها ست که برخی از اطلاعات این متن برای خوانندگان شگفت انگیز باشد. واقعیت این است که دولت میرحسین موسوی بنیانگذار سیاست گذاری در بسیاری از محورهایی است که رقیبان و رندان سعی کردند با سوء استفاده از سکوتش، دولت وی را به نادیده گرفتن آن‌ها محکوم کنند .

آنچه که پیش روی دارید بخشی از اسناد تاریخ انقلاب اسلامی است که تا کنون در سینه مدیر دهه نخست انقلاب مستتر مانده است. اسنادی که بی‌تردید استمرار روایت آن‌ها از سوی میرحسین موسوی وقوع

یک تحول گفتمانی در سیاست داخلی ایران را به دنبال خواهد داشت. آنچه برای ما روشن است این واقعیت است که او سکوت خود را شکسته است .

متن مصاحبه سایت خبری تحلیلی «کلمه» با مهندس میرحسین موسوی با محوریت تبیین دیدگاههای اقتصادی پیش روی شماس است .

...

«کلمه»: ما در آستانه سی‌امین سال پیروزی انقلاب هستیم و این فرصتی است که همهٔ گروه‌ها، جناح‌ها، صاحب نظران و اندیشمندان به تحلیل و بررسی تجربیات سی سال گذشته انقلاب اسلامی بپردازند. روشن است که هر تفکری برای ارائهٔ برداشت خود از تجارب ۳۰ سال گذشته ابتدا باید برداشتی را که از زمینهٔ فکری و عملی حاکم بر این دوره داشته است، توضیح دهد، از این رو به نظر می‌رسد که توضیح دربارهٔ فضای فکری حاکم بر دوران ابتدای انقلاب نقطه شروع مناسبی برای این گفت‌وگو باشد .

میرحسین موسوی: برای پاسخ به این پرسش معتقدم که باید کمی به قبل از انقلاب برگردیم. به یاد دارم که از دهه ۴۰ شمسی توجه ویژه به مسایل اقتصادی در ایران آغاز شد. از آن زمان به بعد هر اندازه که ما به انقلاب نزدیک تر می‌شویم، نگاه گروه‌ها نیز به مسئله اقتصاد جدی‌تر می‌شود. یکی از نگرش‌ها در آن دوران نگرش مارکسیستی بود، مارکسیست‌ها در فضایی شناور بودند که مسایل اقتصادی برای آن‌ها بسیار مهم بود. ▀

از سوی دیگر درشرایطی که همه راه‌حل‌های سیاسی برای تغییر رژیم شاهنشاهی بسته شده است، با ۱۵ خرداد سال ۴۲، نقطه عطفی در مسیر مواجهه سیاسی با رژیم ستمشاهی پدید می‌آید و توانمندی‌های حرکت‌های اسلامی به طور ناگهانی ظهور می‌یابد. از این پس ما شاهد اوج‌گیری بحث‌های اقتصادی در میان گروه‌های اسلامی هستیم. ▀

البته اندیشه‌های مارکسیستی نیز انگیزه دیگری برای فعال شدن گروه‌های اسلامی در پرداختن به پرسش‌های اقتصادی معاصر خود محسوب می‌شوند، گروه‌های اسلامی به عنوان یکی از جریان‌های در حال رشد در این دوران متوجه شدند که مسائل اقتصادی مطرح شده، از جمله مسئله‌های مهمی است که هرگز نمی‌توانند به راحتی از کنار آن عبور کنند، بلکه آن‌ها ناگزیر از مواجهه مستقیم با این پرسش‌ها و نظریه‌پردازی درباره آن هستند. از این رو آن‌ها تلاش‌های نظری وسیعی را برای پاسخ به این پرسش‌ها آغاز کردند. در این زمینه مجموعه بررسی‌های نظری شهید بهشتی، شهید مطهری، شهید صدر و آیت‌الله طالقانی فوق‌العاده است. البته صاحب‌نظران دیگری هم با قوت و ضعف به بررسی مسئله‌های اقتصادی پرداختند. کتاب‌های زیادی در این زمینه وجود دارد.

در واقع ما در زمینه فکری خاصی قرار داشتیم که همه جریان‌های مبارز یک کتاب اقتصادی نیز داشتند.

اما خطایی که در این دوران رخ می‌دهد کپی کردن اندیشه‌های مارکسیستی از سوی برخی از گروه‌های اسلامی است. مجاهدین خلق در این رابطه کتابی داشتند که به شدت مارکسیستی بود. به همین دلیل به ویژه در دهه ۵۰ شمسی کتاب‌های دیگری برای مقابله با این نوع اندیشه منتشر شد که نویسندگان آن‌ها سعی داشتند راه حل‌های اسلامی ناب‌ی دربارهٔ مسائل اقتصادی ارائه دهند. البته برخی خود را درگیر پرسش‌های مطرح شده از سوی اقتصاد مارکسیستی نمی‌کردند، اما برخی دیگر همچون شهید بهشتی، شهید مطهری و شهید صدر پاسخ‌هایی منطقی برای این پرسش‌ها ارائه می‌کردند.

در این دوران گروه‌های اسلامی و مارکسیستی کاملاً از نظر ایدئولوژیک دو نیروی مقابل هم محسوب می‌شوند. البته باید توجه کنیم به رغم آنکه نظام‌های عقیدتی و سیاسی مختلف همچون نظام‌های فاشیستی، لیبرال، مارکسیستی و... به کلی با یکدیگر متفاوتند، اما از

برخی شاخص ها و قواعد تقریباً مشابه نیز در اقتصاد استفاده می کنند، در این صورت نمی توان به علت مشترک بودن برخی از این قواعد همه آنها را از منظر ایدئولوژیک نزدیک به هم دانست. بنابراین، اگر ما با برخی از واژگان مشترک همچون عدالت اجتماعی در دو ایدئولوژی متفاوت مواجه بودیم، هرگز به معنای این نیست این دو ایدئولوژی از منطق یکسانی برخوردارند.

نکته مهمی که در نوع تحلیل ها و قضاوت ها ی امروز درباره این دوران اثرگذار است، تأثیر پذیری قضاوت ها از گرایشات و انگیزه های سیاسی تحلیل گران است. به گونه ای که بسیاری از تحلیل گران، شرایط حاکم بر روزهای آغازین انقلاب اسلامی و جنگ را نادیده می گیرند و در این صورت تحلیل آنها از انتزاعی بودن و نوعی بی ربطی با واقعیت های تاریخی و زمینه های عملی و فکری موجود در مقطع مورد بررسی رنج می برد. بنابراین یکی از مهم ترین ویژگی های جامعه شناسختی اولین روزهای پس از پیروزی انقلاب

اسلامی انبوه مطالبات مردم در تغییر روندهای ظالمانه و ناعادلانه موجود نظام گذشته است .

اگر به یاد داشته باشید از آخرین کارهایی که مردم پیش از پیروزی انقلاب انجام دادند، شکستن شیشه‌های بانک‌ها بود. آن‌ها به شدت به وابستگی اقتصاد کشور به غرب معترض بودند. پس از پیروزی نیز به شدت نسبت به عنصر وابستگی اقتصادی بدبین بودند. در اصول قانون اساسی نیز بر مسئله عدم وابستگی اقتصادی تاکید شده است. این موضوع از جمله مهم‌ترین مطالبات مردم بود. حافظه جمعی مردم عصر امتیاز دادن‌ها را به ویژه در دوره قاجار از یاد نبرده بود .

بنابراین نظامی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی روی کار می‌آید، طبیعی است که نسبت به مطالبات مردم واکنش نشان دهد. به ویژه اگر در نظر داشته باشیم که به وضوح در طول دوران مبارزات انقلاب درباره این مطالبات شعار داده شده بود؛ بنابراین نادیده گرفتن

آن‌ها خود منجر به شکل گرفتن بحران مشروعیت می‌شد .

با توجه به بی‌عدالتی‌ها و ظلم‌هایی که قبل از انقلاب در رابطه با زمین در سطح کشور وجود داشت در همان روزهای آغازین پیروزی انقلاب اسلامی مسئله زمین مشکلاتی اساسی برای انقلابیون ایجاد کرد تا آنجا که موضوع جنبه‌ای امنیتی پیدا کرد؛ شاید روز دوم یا سوم پس پیروزی انقلاب اسلامی، چریک‌های به اصطلاح فدایی خلق در ترکمن صحرا شروع به توزیع زمین‌ها کردند. طبیعی بود که اگر نظام راه‌حلی برای مواجهه با مطالبات جدید مردم نداشت حتی شکست انقلاب هم پیش‌بینی می‌شد .

در همان روزهای آغازین انقلاب اسلامی مسئله مصادره‌ها توسط شورای انقلاب و قوه قضائیه شروع می‌شود که تا کنون به درستی تجزیه و تحلیل نشده است. البته اگرچه مسئله مصادره‌ها به دولت به معنای قوه مجریه نسبت داده می‌شود اما واقعیت این است که

دولت زمان جنگ هیچ دخالتی در آن ندارد. اما مصادره‌ها در جو خاصی اتفاق می‌افتد که در پیش توضیح دادم .

اهداف بخش عمده‌ای از اقدامات روزهای آغازین انقلاب اسلامی که در قالب قوانین زمین، تشکیل جهاد سازندگی و... صورت گرفت معطوف به عدالت اجتماعی، رسیدگی به قشرهای مستضعف و نوع ویژه‌ای از اقتصاد بود، که در قانون اساسی تبلور پیدا کرد. این ایده‌ها همچنین بخشی از مهم‌ترین مواضع انتشار یافته حزب جمهوری اسلامی است .

«کلمه»: نکته جالب دیگری که اشاره به آن در این زمینه می‌تواند در فهم واقعیت ما را یاری کند، این است که به دلیل موضع‌گیری‌های انتقادی جدی متفکرینی همچون شهید بهشتی و شهید مطهری در برابر مارکسیست‌ها، همچنین اهتمام و احترام جدی ایشان به حقوق مالکیت، این بزرگواران در زمان حیات خود

متهم به راستگرایی شدند؛ چنانکه بیشترین شعارها علیه شهید بهشتی در زمان حیاتشان این است که ایشان تمایلات سرمایه‌داری دارد .

میرحسین موسوی: در همان دهه اول انقلاب در گروه‌های اسلامی گروه‌های کوچکی دیده می‌شد که نگاه این متفکران را نمی‌پسندید و اعتقاد داشتند نباید به ریشه‌ها و مبانی اندیشه اقتصاد اسلامی پردازیم. (در واقع آن‌ها اجتهاد و نظریه‌پردازی بزرگانی همچون شهید بهشتی و شهید مطهری را در مواجهه با مسائل جدید را برنمی‌تابیدند) اگر دقت کنید به یاد می‌آوریم که حتی محدودیت‌هایی برای انتشار عقاید اقتصادی شهید بهشتی و شهید مطهری در آن زمان وجود داشت. بعدها با سیاست‌هایی که اعمال شد این گروه‌ها قدرت پیدا می‌کنند و نقد کردن آثار نظریه پردازان نوگرای اقتصاد اسلامی را آغاز می‌کنند، اما از آنجا که این نقدها از موضع علمی انجام نمی‌گیرد و متون اصلی

به طور دقیق بررسی نمی‌شوند، انتقادات تنها در تهمت‌زدن و انگ چپ‌زدن و انگ کمونیستی‌زدن خلاصه می‌شود. این گروه‌ها با تهمت‌های خود، انقلاب ما را، انقلاب چپ تصویر می‌کنند، این در حالی است که در عالم واقع، انقلاب ما بنیادهای اسلامی، دینی و معنوی داشت .

به باور من ما اقتصادی با هویت ویژه خود به نام اقتصاد اسلامی داریم. هر اندازه که از این واقعیت طفره برویم، اما نمی‌توانیم آن را نفی کنیم. معتقدم موضوعات مطرح شده در اقتصاد اسلامی همچون انفال، ربا، وقف، زکات، خمس، وصیت، احتکار فوق‌العاده مهم است. اما نباید دید افرادی را که دربارهٔ اقتصاد اسلامی شروع نظریه‌پردازی کرده‌اند محدود کنیم. آن‌ها سعی کردند از تمام تجربیات بشری استفاده کنند و با مسایلی که یک دولت مدرن با آن روبرو می‌شود، روبرو شوند و راه‌حلهایی برای آن داشته باشند .

«کلمه»: در آن دوره امام خمینی (ره) بحث کوخ نشینان در برابر کاخ نشینان و جنگ فقر و غنا را مطرح کردند، این ها نشان می دهد که هر کسی اسلام را خوب درک می کند سمت گیری های انقلابی و منتقدانه ای در برابر تبعیض و تضاد فاحش طبقاتی دارد، اما معنای این سمت گیری این نیست که او تمایلات سوسیالیستی دارد، نظر شما در این باره چیست؟

میرحسین موسوی: احساس من بر این است که نکات برجسته ای در اقتصاد اسلامی وجود دارد که تا کنون روشن بیان نشده است. در اقتصاد اسلامی اخلاق و رفتار ویژه ای در تبادل و تعامل با مسائل اقتصادی جامعه وجود دارد که جامعه را به سمت عدالت و قسط می برد، در حالی که مالکیت نیز در این جامعه محترم شمرده می شود، انگیزه های شخصی در آن وجود دارد، پول در آن وجود دارد، اما هر کدام از این مفاهیم کارکرد خود را دارند .

باید به نکته‌ای اشاره کنم که معتقدم توجه به آن، علاوه بر درک گذشته می‌تواند تا حدودی در تحلیل وضع موجود و درک ریشه‌های مشکلاتی که با آن مواجه هستیم نیز به ما کمک کند .

قبل از انقلاب ما به سمت جامعه‌ای می‌رفتیم که همه‌چیز در آن خرید و فروش می‌شد و به اصطلاح امروزی‌ها جامعه‌ای با خصلت و منش سوداگرانه بود. در این نوع جوامع همه‌چیز کالایی است و با پول سنجیده می‌شود. ارزش‌های فرهنگی به سمت ارزش‌های اقتصادی ریزش پیدا می‌کند و امکان خرید و فروش هر چیزی وجود دارد. کاملاً روشن است که اقتصاد اسلامی این چنین نیست .

جامعه‌ای که بعد از انقلاب ساخته شد، جامعه‌ای بود که در آن ارزش‌های فرهنگی بر ارزش‌های اقتصادی غالب بود .

در دهه اول انقلاب، این گذشت و ایثار مردم بود که کارها را پیش می‌برد و ریزش ارزش‌های اقتصادی به

سمت ارزش‌های معنوی و فرهنگی نقش بزرگی در اداره امور اقتصادی کشور داشت. به همین دلیل من معتقدم سهم مردم در آن دوران بسیار بالاتر از سهم دولت بود، به باور من ندیدن این سهم ما را به راه‌حل‌های می‌کشاند که خیلی از آن نتایج خوبی نگرفته‌ایم .

به یاد دارم دارم در آن دوران سفری به خراسان داشتم. در آن سفر به قائنات هم رفتیم؛ جایی که زعفران زیادی دارد. آن روز در ملاقاتی که با مردم داشتم متوجه شدم بیشتر جوانان روستا به جبهه رفته‌اند. مشخص بود بیشتر خانواده‌های روستا هم دامدار و کشاورز هستند .

چند روز بعد از اینکه به تهران برگشتم، هنگامی که وارد ساختمان اداره شدم، دیدم که بوی زعفران همه ساختمان را فرا گرفته است. بعد رفتم و دیدم داخل یکی از اتاق‌ها پر زعفران است؛ زعفران‌هایی که مردم برای ارسال به جبهه‌ها فرستاده بودند. حتماً می‌دانید محصول زعفران به سختی بدست می‌آید و چین اول آن

هم برای روستائیان بسیار مهم است. بنابراین شما با یک روستایی روبرو بودید که در آن شرایط جنگی از دولت کمترین درخواست را داشت، ضمن آنکه از آن اندک محصولی هم که داشت بهترین آن را برای جبهه‌ها می‌فرستاد .

از آن مهم‌تر یا خودش به جنگ می‌رفت یا فرزندانش را به جبهه می‌فرستاد و خانواده‌اش هم درگیر این قضیه بود. سهم این روحیه که هم در اقشار شهری و هم در اقشار روستایی وجود داشت، هیچ‌گاه در اداره مسایل اقتصادی کشور ارزیابی نشد. آن زمان ما هم محاصره اقتصادی بودیم و هم دشمن تأسیسات اقتصادی و زیربنایی را بمباران می‌کرد، وضعیت خوبی نبود اما کشور پایداری می‌کرد، بخش عمدهٔ این پایداری به دلیل سهمی است که قشرهای مستضعف در اقتصاد جنگی داشتند .

اما می‌توانیم تصور شرایطی عکس این وضعیت را داشته باشیم. اگر این قشرها چه شهری، چه روستایی و

چه عشایری خواسته‌های فزاینده اقتصادی داشتند و سهم‌خواهی می کردند و این صبر را نداشتند، طبیعتاً دولت آن زمان، نمی‌توانست سیاست‌های خود را عملی کند. به نظر من سهم تحمل و صبوری مردم در دستاوردها و پیروزی‌های دههٔ اول انقلاب و پایداری کشور در جنگ فوق‌العاده بالاست، اما متأسفانه این نقش به خوبی توصیف نشده است .

«کلمه»: اجازه می‌خواهیم فضای بحث را عوض کنیم و به مسائل و موضوعاتی که به دورهٔ مسولیت شما نزدیک‌تر است بپردازیم. دولت جنگ ناگفته‌های بسیار زیادی دارد. چنانکه توضیح دادید همواره این امکان وجود دارد که به دلایلی سیاسی، واقعیت‌های تاریخی به درستی بیان نشده و یا از بیان آن‌ها خودداری شده باشد. این در شرایطی است که دست یابی به یک روایت درست از این دوران برای ما اهمیت زیادی دارد؛ چرا که ما تجربه‌های ملی بی‌نظیر و بسیار پیچیده‌ای در این

دوران داریم که مسلماً تحلیل درست آن‌ها می‌تواند در درک تحولات امروز نیز ما را یاری کند .

میرحسین موسوی: برای پاسخ به این پرسش شما نیز باید بازگشتی به دوران قبل از انقلاب داشته باشیم، قبل از انقلاب خصوصاً از سال ۵۰ به بعد اتفاقاتی وسیع و غیرعادی در اقتصاد ایران روی داد که مهم‌ترین آن تحول قیمت نفت بود. افزایش قیمت نفت منجر به بازبینی برنامه پنجم شد. گفته می‌شود و البته من هم در گزارش‌هایی که بررسی کرده‌ام به این نتیجه رسیده‌ام که موفق‌ترین برنامه رژیم سابق برنامه چهارم بود، البته برنامه پنجم هم تا اندازه‌ای بسته شده بود، اما نکتهٔ مهم اینجاست که این برنامه با تجدیدنظری که پس از افزایش قیمت نفت ایجاد می‌شود، عملاً منتفی شد. در این باره اخطارها و تذکری‌هایی توسط کارشناسان به مسئولان داده می‌شد که بسیار عبرت‌آموز است. در کنفرانسی که آن‌ها برای بازبینی برنامه پنجم در رامسر

برگزار کردند، متغییر افزایش قیمت ها را بررسی می کنند. شنیده ام که یکی - دو کارشناس برنامه و بودجه با شجاعت در این کنفرانس اعتراض می کنند و با صراحت اعلام می کنند که این برنامه ممکن است منجر به فروپاشی رژیم شود، اما با تلخی با آن ها برخورد می شود و به آن ها توجهی نمی کنند .

این رویه برنامه ریزی خود عامل آشفتگی می شود، نکته مهم اینجاست که جاه طلبی های رژیم در این دوران تنها در حیطه اقتصادی نیست، بلکه در حیطه های دیگر هم جاه طلبی هایی وجود دارد که هزینه های سنگین اقتصادی بر کشور بار می کند. جاه طلبی های شاه همچون نقشی که او سعی می کند از نظر امنیتی در خلیج فارس عهده دار شود و یا وظیفه ای که او در ارتباط با صلح اعراب و اسرائیل برای خود تعریف می کند، همکاری های شاه با سران اسرائیل همه و همه دربردارنده هزینه های سنگینی برای اوست. او حتی برای خود رسالت کمک به کشورهای دیگر را تعریف

می‌کند که بدهی‌های زیادی را برای کشور به بار می‌آورد، بدهی‌هایی که هیچ‌گاه گفته نشد چگونه پس از انقلاب پرداخت شد .

باید بگوییم که بیشتر این بدهی‌ها ناگزیر در زمان جنگ پرداخت شد. حتی به دولت فرانسه در قبال سوختی که قرار بود در آینده برای نیروگاه‌های اتمی تحویل گرفته شود وام کلانی داده شد؛ البته در زمان نخست‌وزیری شیراک ما گفت‌وگویی برای باز پس گرفتن این وام داشتیم که به نتیجه هم رسید و آن وام را پس گرفتیم . علاوه بر تمامی مشکلات پیش گفته سرازیر شدن روستاییان به حاشیه‌های شهرها و ایجاد حاشیه‌نشینی و مشکلات اجتماعی - اقتصادی‌ای از این دست ما را در شرایط خاصی قرار می‌داد .

در بستر این مشکلات، حرکت ایدئولوژیکی که به طور وسیع زمینه‌ساز انقلاب است، روی اقشار مختلف مردم اثر می‌گذارد و شورش‌هایی را ایجاد می‌کند. به دنبال

آن شاهد تظاهرات میلیونی و پیوستن مردم به انقلاب اسلامی هستیم .

باید متذکر شوم؛ اگر چه برداشت من این است که وضعیت دوران پایانی عمر رژیم از نظر اقتصادی وضعیت نامطلوبی بوده است، اما بحران به اندازه‌ای نبوده که باعث سقوط رژیم شود، اگر عنصر ایدئولوژی، اعتقاد و رهبری امام خمینی و حرکتهای اسلامی را کنار بگذاریم، ما شبیه این وضعیت اقتصادی ایران را در کشورهای دیگری نیز مشاهده می‌کنم که به رغم وجود مشکلات مشابه، اما با انقلاب مواجه نشدند. گاهی مشاهده می‌کنم در تجزیه و تحلیل‌هایی که از سقوط رژیم سابق نقل می‌کنند، عنصر اقتصاد را به اندازه‌ای برجسته می‌کنند که گویا بحران‌های اقتصادی تنها عنصر سرنگون‌کننده رژیم شاه بود .

البته بازهم تأکید می‌کنم این تحلیل هرگز به این معنا نیست که بحران اقتصادی در زمان شاه جدی نبوده یا

تأثیر این بحران‌ها در پیروزی انقلاب اسلامی نادیده گرفته شود .

دولت زمان جنگ چه زمان شهید رجایی و چه بعد از دولت شهید رجایی با آشفتگی شدیدی در اقتصاد کشور روبروست. در آن زمان برنامه و بودجه مختل است و اقتصاد کشور کاملاً در حال تب و تاب قرار دارد، علاوه بر آن ترورهای وسیع منافقین شروع شده است. البته به دلیل آنکه ترورهای منافقین وسیع بود، حرکت‌های گروه‌های مسلح دیگر زیر سایه قرار گرفت. ما بحران‌های مربوط به کردستان و ترکمن صحرا را داشتیم گروه چریک‌های فدایی خلق مربوط به اشرف دهقان در حال بمب‌گذاری حتی در بندرعباس بودند .

بنده وقتی وارد دولت شدم خیلی با اقتصاد آشنایی نداشتیم، اما معتقد بودم که نیروی کارشناسی خوبی در کشور وجود دارد، که بسیار به ضرورت استفاده از آن در مدیریت و ادارهٔ امور عمومی جامعه اعتقاد داشتم. اولین اقدام را در اقتصاد کشور سامان دادن برنامه و

بودجه دانستم. برنامه و بودجه به دلیل مشکلاتی که داشت یک سال قبل از آن موقتاً تعطیل بود. به یاد دارم سال ۵۹ بودجه سال ۶۰ در نخست‌وزیری بسته شد. برای همین زمانی که دولت جدید شهید باهنر تشکیل می‌شود، اولین کاری که مورد توجه قرار می‌گیرد احیای برنامه و بودجه است، اما متأسفانه در آن ایام آقای باهنر به شهادت می‌رسند .

هنگامی که مسئولیت دولت را عهده دار شدم، توسعه و راه‌اندازی برنامه و بودجه اهمیت زیادی برای من داشت و تأکید زیادی بر احیای برنامه و بودجه در دولت داشتم. احساس می‌کردم بدون زنده شدن این سازمان ما نمی‌توانیم کاری از پیش ببریم، اما متأسفانه برای این کار با مشکلات زیادی مواجه شدم. تحولات عمیقی که در دو - سه سال پیش از آن رخ داده بود، واقعیت‌های اقتصادی و شاخص‌ها اطلاعاتی و آماری را زیر و رو کرده بود. از سوی دیگر بسیاری از اسناد و مدارک اقتصادی نیز مخدوش بود. به همین دلیل با انگیزه نگارش برنامه

اول، یک حرکت ملی شکل گرفت. نقطه آغاز آن تولید اطلاعات توسط همکاران در استان‌ها بود. برنامه‌ای برای تولید اطلاعات ارائه شد و براساس آن در حدی که امکان داشت اطلاعات اقتصادی در سطح شهرها و روستاهای کوچک و بزرگ جمع آوری شد و سپس اطلاعات در دولت تلفیق شد. از مجموعه این اطلاعات برای اولین بار سندی تهیه شد که بر پایه آن برنامه اول طرح‌ریزی شد.

در تدوین این برنامه کارشناسان برجسته‌ای نقش داشتند که از آن جمله باید از مرحوم عالی نسب یاد کرد. واقعیت این است که سهم ایشان در اداره اقتصاد کشور در دوران جنگ قابل قیاس با افراد دیگر نیست.

برنامه اول در مجلس تصویب نشد. باید اذعان کنم دلیل تصویب نشدن آن برخی از محاسبات غیر واقعی آن بود. برخی کارشناسان در برنامه اول، بار جنگ و هزینه‌های آن را روی اقتصاد کشور کم گرفته بودند و در مقابل درآمدهای نفتی و امکانات کشور را زیادی

برآورد کرده بودند. اما با وجود این نقصان ها فرآیند تدوین برنامه در نظم دادن اندیشه برنامه ریزی در کشور فوق العاده سهم داشت؛ به گونه ای که می توان گفت برنامه های بعدی نیز از آن چهارچوب متأثر بود .

هنگامی که من مسئولیت دولت را عهده دار شدم، تقریباً بین ۸ تا ۹ میلیارد دلار تعهدات اسنادی داشتیم، و هنگامی که دولت را نیز تحویل دادم، نزدیک به همین مقدار تعهدات اسنادی داشتیم، با این تفاوت که به رغم آنکه قیمت نفت در ابتدای انقلاب به دلیل وقوع انقلاب بالا رفت، اما هم به دلیل جنگ و هم به دلیل یک محاصره اقتصادی اعلام نشده، فروش نفت کشور به شدت پایین آمده بود. بطور مثال ژاپن قرار داد خرید ۶۰۰ هزار بشکه نفت از ایران را به زیر ۲۰۰ هزار بشکه تقلیل داده بود. کشورهای اروپای غربی نیز خرید نفت از ایران را کاهش دادند، به این ترتیب ما در همان لحظات آغاز کار دولت با بحرانی ارزی روبرو شدیم. هیچ گاه این مسائل تا کنون عنوان نشده است .

مدیریت بحران کاهش فروش نفت یکی از مهم‌ترین مسوولیت‌های دولت بود. در آغاز حسن نیتی وجود داشت مبنی بر اینکه برخی از کشورها از ما حمایت می‌کنند. تصور می‌کردیم که ما می‌توانیم از آن‌ها کمک مالی بگیریم. به یاد دارم که مرحوم نوربخش را به الجزایر و لیبی فرستادیم تا بلکه از آن‌ها وامی بگیریم، چون واقعاً دستمان خالی بود، حتی برای کالاهای اساسی بودجه نداشتیم. زمانی که مرحوم نوربخش آماده رفتن بودند به ایشان گفتم که اگر آن‌ها به طور مستقیم کمک نکردند، در بانک‌های کشور ما سپرده‌گذاری کنند. اما ایشان رفت و دست خالی برگشت و کاملاً برای ما مسجل شد که با فضای بی‌رحمانه‌ای از نظر واقعیت‌های اقتصادی روبه رو هستیم ■

معاملات **BTC** (معاملات تهاتری) که ما بعداً با برخی از کشورها برقرار کردیم، تدبیری برای مدیریت بحران کاهش فروش نفت در محاصره اول اقتصادی بود. برای

نمونه با ترکیه یک حساب مشترک باز کردیم و در قبال وارداتی که از آن کشور داشتیم به آن ها نفت می دادیم. این الگو را برای کشورهای بلوک شرق هم پیاده کردیم، این ابتکار کمی باعث افزایش صادرات نفتی شد، البته هیچ گاه این مسائل باز گو نشده است .

در اواخر جنگ فشار بسیار زیادی به دولت وارد می شد، بمباران پالایشگاه ها و تلمبه خانه های نفتی، کاهش قیمت نفت و مسایلی که بعداً پدید آمد باعث شد که مدیریت اقتصادی کشور وضعیت بسیار پیچیده تر و پر مسئله تری پیدا کند. به یاد دارم، گاه در هفته دو بار جلسه شورای اقتصاد برگزار می شد. مرحوم عالی نسب نماینده نخست وزیر در شورا بود و نظارت و راهبری او در تنظیم سیاست های پولی فوق العاده مؤثر بود. تمام دستگاه به نوعی روی مسئله اقتصاد حساس شده بودند .

از تدبیرهای دیگری که برای حل بخشی از مشکلات اقتصادی مردم، اندیشیده شد، طراحی ستاد بسیج

اقتصادی بود. این ستاد با هماهنگی و مشارکت همه دستگاه‌ها نقش عظیمی در مدیریت برخی از مسئله‌های اقتصادی دوران جنگ بازی کرد.

واقعیت این است دستاوردهای آن دوران در اداره امور عمومی و غلبه بحران‌های اقتصادی کشور، حاصل مجموعه خرد جمعی است در این دوران همه کار می‌کردند و من نیز در این میان نکاتی را از دوستان، اقتصاد دانان و صاحب‌نظران آموختم، بیشترین تکیه من بر عقل و خرد جمعی بود. به همین دلیل خاطره خوش مردم از دستاوردهای آن دوران نیز به سیاستی بر می‌گردد که بر اساس آن در کل دولت تصمیمات جمعی گرفته می‌شد. بدیهی است که نقصان‌های آن دوران مربوط به افرادی مثل من است.

«کلمه»: یکی از برجستگی‌های نحوه تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری در آن دوران این است که به رغم اضطرارهای ناشی از جنگ و ترور که می‌توانست توجیهی برای تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده و سیاست‌زده

باشد، اما تصمیم‌گیری‌های کشور در سطح کل نظام تمکین خارق‌العاده‌ای نسبت به نظام کارشناسی داشت .

میرحسین موسوی: این موضوع نیز یکی از ناگفته‌های مهم این دوران است. من یاد گرفتم که نظام کارشناسی را نه به عنوان مانع، بلکه به عنوان مسیر طبیعی تصمیم‌گیری‌ها تلقی کنم، یکی از ایده‌هایی که ابتدای انقلاب وجود داشت و گاه کمی نیز اوج گرفت این بود که برای تصمیمات انقلابی هر اندازه که ساز و کارها و موانع کمتر باشد بهتر است. بخشی از این موانع شوراها و گروه‌های کارشناسی دستگاه‌ها تلقی می‌شد. اما من معتقد بودم که نمی‌توانستیم کارکرد مشارکت کارشناسان و نمایندگان بخش‌های مختلف دولت، که شوراهای عالی زمینه آن را فراهم می‌کرد حذف کرد. به هر حال هر یک از این افراد بخشی از منافع کشور و گروه‌ها را نمایندگی می‌کردند. تصمیمی که در مجموعه دولت گرفته می‌شد در واقع تصمیم بهینه برای رعایت

منافع همه گروه‌ها بود. در هیچ شرایطی، هیچ کس، نمی‌تواند جای این حرکت‌های جمعی را بگیرد. ■

برای نمونه گرایش وزارت صنایع با گرایش وزارت بازرگانی متفاوت بود. بدیهی است که این دستگاه‌ها در یک خط قرار نمی‌گیرند. به باور من دعوای نمایندگان این دستگاه‌ها و در کنار هم بودن آن‌ها به نفع کشور است. ■

ما آموختیم که بهره گرفتن از این مشارکت و کارکرد شوراهای عالی در فرآیند تصمیم سازی و تصمیم گیری اهمیت بسیار بالایی دارد؛ به عنوان یکی از تجارب دهه اول انقلاب، باید عرض کنم که اگر این رویکرد نادیده گرفته شود، حتماً دچار خسارت می‌شویم. هر کس با هر توانایی ذهنی و نبوغی بی‌نیاز از این سازوکار تصمیم سازی نیست. این طبیعی است که هر فردی در هر جایی مسئولیتی می‌گیرد، جهت‌گیری داشته باشد، اما اگر جهت‌گیری وی اثرگذار نباشد، نباید از اهمیت کار کارشناسی غافل شد. به باور من باید تا آنجا که

امکان دارد به این موضوع اهمیت داد. به همین دلیل ما بعضاً ایراداتی هم به برخی برنامه‌هایی که خارج از دولت صورت می‌گرفت داشتیم. به طور مثال یک کمیته حمایت از جنگ داشتیم به نام شورای عالی پشتیبانی جنگ که چند سال آخر جنگ برای اینکه بتواند تصمیماتی میان بر بگیرد تشکیل شد. سران سه قوه نیز عضو آن بودند و حضرت امام (ره) نیز اختیاراتی به این شورا داده بودند. برخی اوقات در این شورا تصمیماتی درباره اختیارات دولت می‌گرفتند. من اعتقاد داشتیم اگر این تصمیمات از مسیر خود دولت بگذرد معقول‌تر است برای مثال در سال ۶۷، فکر می‌کنم در آن شورا نزدیک به ۴۰ میلیارد تومان که آن زمان بودجه زیادی بود، برای پشتیبانی از جنگ تصویب شد. ما می‌گفتیم اگر این پول در خود دولتی که متمایل به پشتیبانی از جنگ است تصویب شود بهتر است، چون روی آن کار کارشناسی بیشتری انجام می‌شد. البته بنا به ضرورت‌های جنگ این کار صورت نگرفت. اما برداشت

من این بود که هر اندازه که این نوع تصمیمات در معرض دید کارشناسی گذاشته شود و از دیدگاه‌های تمام دستگاه‌ها با گرایش‌های مختلف در بررسی آن‌ها استفاده شود، نتایج بهتری گرفته می‌شود. ▀

«کلمه»: نکته قابل توجه دیگر که در ظاهر خلاف قواعد اداره امور عمومی در دوران جنگ است، شفافیت و صداقت عملکرد دولت در این دوران است. برای نمونه با اینکه در آن دوران هزاران توجیه قابل قبول می‌توانست وجود داشته باشد که دولت تخصیص‌های بودجه ارزی را پنهان کارانه انجام دهد، نه تنها دولت خود ده‌ها سازوکار کنترلی درون دولت گذاشته بود، بلکه حتی در کنار بودجه ریالی، بودجه ارزی را نیز برای تصویب به مجلس ارائه می‌کرد. ▀

میرحسین موسوی: به طور کلی در دولت این احساس و رویکرد جدی وجود داشت که باید با مردم صادق بود.

چون دولت مردم را قابل اطمینان می‌دید، به این معنا که اگر اطلاعات شفاف به دست مردم می‌رسید به دولت کمک می‌کردند. به همین دلیل اینکه چیزی از مردم پنهان نماند، تبدیل به یک اصل و خصلت اخلاقی دولت شده بود. من در این باره خاطره^۱ شیرینی دارم که نشان دهنده^۲ نوع رابطه دولت - ملت درباره^۳ موضوعی است که از یک سو به مسئله‌ها و نیازهای ارزی کشور و از سوی دیگر به نیازهای معیشتی مردم بر می‌گشت .

اواخر جنگ پس از آتش‌بس، بازدید از پالایشگاه آبادان داشتم. می‌دانید که این پالایشگاه در دید مستقیم تیر دشمن بود و در زمان جنگ با خاک یکسان شده و واقعاً خاکس‌تر بود. مدیر خیلی خوبی داشتیم که البته هنوز هم هست اما در حال حاضر بیکار است. ایشان سهم عظیمی در برخی از مهم‌ترین پروژه‌های صنعتی کشور از جمله پالایشگاه آبادان و ذوب آهن داشتند. زمانی که به آبادان رفتم ایشان به من گفت: من

در اینجا صد روزه پالایش نفت را آغاز می‌کنم. از آنجایی که پالایشگاه با خاک یکسان شده بود، بازسازی آن طی ۱۰۰ روز بعید به نظر می‌رسید. گفتم چگونه؟ گفت: شما فقط کمی کمک ارزی کنید. گفتم این مسئله را در مقابل خبرنگاران اعلام کنم گفت: بله اعلام کنید .

در آن دوران آقای میرزاده معاون اجرایی بود من به ایشان گفتم بررسی کنید که چه اندازه ارز برای بازسازی پالایشگاه نیاز است. ایشان اعلام کرد: ۷۰ میلیون دلار ارز لازم است. من این موضوع را پشت تریبون در مقابل خبرنگاران اعلام کردم، بگذریم که ایشان ۹۸ روزه پالایشگاه آبادان را با ظرفیت حدود ۲۰۰ هزار بشکه نفت احیا کرد، اما نکته‌ای بسیار پر اهمیت‌تر وجود دارد. من از آبادان مستقیم به تبریز رفتم. در مسجد جامع تبریز جمعیت زیادی حضور داشتند. در آنجا ماجرایی که در آبادان اتفاق افتاده بود را با مردم در میان گذاشتم و اعلام کردم ما در مقابل اینکه ۱۰۰ روزه پالایشگاه آبادان احیا شود، ۷۰ میلیون دلار تقبل

کردیم به همین دلیل نمی‌توانیم یک کوپن برنج را در کشور توزیع کنیم. من هنوز فریاد الله اکبری که مردم در حمایت از این موضوع سردادند هیچ جای دیگری نشنیدم. این در حالی است که در زمان جنگ آذوقه فراوان نبود و کوپن برنج برای مردم خیلی مهم بود، اما آن‌ها می‌دانستند که این بودجه صرف چه نوع کاری می‌شود. این شفافیت و اعتماد باعث پشتیبانی بیشتر مردم از سیاست‌های کل نظام و دولت می‌شد. دولت زمان جنگ هیچ چیز پنهانی نداشت، تمام مسائل به مردم گفته می‌شد و مردم نیز اعتمادی متقابل به دولت داشتند. بدیهی است که در این نوع رابطه دولت - ملت، اعتماد مردم، خود بزرگ‌ترین سرمایه برای دولت بود. این منطق اقتضا می‌کرد که دولت دربارهٔ مسایل ارزی رویه‌ای کاملاً شفاف را دنبال کند. البته از همان روزهای آغاز بکار دولت ما با بحران ارزی مواجه شدیم. در سال‌های ۶۳-۶۴ قدری افزایش درآمد داشتیم، اما بعداً دوباره درآمدها کاهش یافت. کنترل این بحران را

می‌توان حداقل مدیون ۲ خصلت اخلاقی دولت در فرآیند سیاست‌گذاری عمومی دانست؛ نخست شفافیت اطلاعاتی و اعتماد متقابل دولت - ملت، و دوم اعتقاد به عبور تصمیمات دولت از سازو کار کارشناسی و تعامل قوی میان بخشی کارشناسان دستگاه‌های مختلف در قالب کمیسیون‌ها و شوراهای عالی تصمیم‌گیر دولت .

«کلمه»: در چه سازوکاری شما به این ایده رسیدید که درباره نوع تصمیم‌سازی‌های ارزی این گونه با مجلس تعامل شفاف داشته باشید؟

میر حسین موسوی: اواخر سال ۶۰ بود که به ذهنم رسید تا یک جدول توزیع ارز ایجاد کنیم، این تصمیم در واقع مقدمه تشکیل کمیته تخصیص ارز بود که منجر به ضابطه‌مند شدن و کنترل فراز و نشیب‌های ایجاد شده در درآمد ارزی دولت شد .

البته از سوی دستگاه‌های مختلف چه داخل دولت و چه خارج دولت فشارها و اعتراضات زیادی در خصوص این جداول به دولت وارد می‌شد، اما ما درباره نوع تصمیم گیرهای بدون منطق در این باره احساس خطر می‌کردیم. واقعاً اگر در سامان دادن منطق مدیریتی توزیع ارز در کشور کمبود می‌داشتیم و از اهمیت این موضوع غفلت می‌کردیم، خسارت‌های زیادی به کشور وارد می‌شد، این مسئله به اندازه‌ای پراهمیت بود که به نظر می‌آمد غفلت از آن به بهای شکست جنگ تمام شود. برخی از مصارف ارزی اهمیت راهبردی ویژه‌ای برای کشور داشت. برای نمونه اصلاً امکان نداشت از تأمین بنزین هواپیما یا برخی از کالاهای اساسی مردم همچون گندم صرف نظر کرد. برخی از نهادهای کشاورزی فوق‌العاده حساس بودند و هر یک از این موارد مخارج و هزینه‌هایی را می‌طلبیدند که در کنار هزینه‌های جنگ، مدیریت تأمین و تخصیص منابع ارزی را با پیچیدگی‌های راهبردی دو چاندانی مواجه می‌کرد.

بین سه میلیارد تا سه میلیارد و دویست میلیون دلار هزینه‌های جنگی بود و تأمین این بودجه هر اندازه که ثبات بیشتری پیدا می‌کرد عاقلانه‌تر بود. در این شرایط معتقد بودیم که اگر مجلس در جریان این مسائل قرار بگیرد و تصمیمات دولت از مسیر مصوبات مجلس عبور کند، به جای آنکه کار دولت سخت‌تر شود، آسان‌تر نیز خواهد شد، چرا که در آن دوران اساساً ما فاصله‌ای میان اهداف دولت و مجلس نمی‌دیدیم، البته طبیعی است که عبور تصمیمات دولت از مجلس محدودیت‌هایی را نیز در تصمیم‌گیری برای دولت ایجاد می‌کرد و گاه خود زمینه طرح اعتراضاتی را برای دولت ایجاد می‌کرد، اما دولت کاملاً به این نتیجه رسیده بود که مشارکت هر چه بیشتر مجلس در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در مجموع اداره کشور را که سهل‌تر و منطقی‌تر می‌کند. ■

«کلمه»: می‌دانیم که در بررسی شاخص‌های اقتصاد کلان دولت در زمان جنگ، یکی از شاخص‌های قابل توجه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است، این شاخص‌ها نشان می‌دهد که در سال‌های ۶۲ و ۶۳، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران به رکوردی می‌رسد که در مقیاس دهه‌های گذشته بی‌سابقه است و حتی می‌توان گفت تا ۱/۵ دهه بعد نیز کشور باز هم به این رکورد نمی‌رسد. در حالی که برخی از پارامترهای اقتصادی و سیاسی، از جمله شرایط پس از انقلاب، جنگ، تحریم و... علی‌القاعده اقتضا می‌کند که بخش خصوصی وارد عرصه سرمایه‌گذاری نشود. به هر حال شرایط کشور شرایط ویژه‌ای است همان طور که شما اشاره فرمودید خواسته یا ناخواسته مصادره‌ها و تعرض به حقوق مالکیت‌ها هم در آن زمان وجود دارد. به نظر جنابعالی تا چه اندازه می‌توان اوج‌گیری سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این دوران را می‌توان ناشی از پیوند عمیق دولت و جامعه تلقی کرد .

میرحسین موسوی: من احساس می‌کنم که علامت‌هایی که از سوی مجموعه دولت به بخش خصوصی داده می‌شد حمایت قوی و بازگشت به تولید داخلی بود. این موضوع برای ما مثل مرگ و زندگی بود. این کار به شکل‌ها و در قالب سیاست‌های مختلف انجام می‌گرفت. یکی از آن‌ها نوع سیاست گذاری‌های انجام گرفته در پروژه‌های خود دولت بود. دولت خیلی سریع به این نتیجه رسید که با مسایل و مشکلاتی که در جنگ داریم، نمی‌توان به صورت یکسان به همه نیازها پرداخت. اهمیت واژه تخصیص را در واقع آن زمان دریافتم.

در آن دوران ما بخش ویژه‌ای تشکیل دادیم و در قالب آن مجموعه‌ای از طرح‌ها را به عنوان طرح‌های انقلاب برگزیدیم و جدا کردیم. آقای هاشمی‌طبا هم که قبلاً وزیر صنایع بودند، مسوولیت این بخش را عهده دار شدند. اساس کار ما در این بخش براین شد که به

هیچ وجه مسایل جنگ نباید روی این طرح ها اثر بگذارد و ما در هر شرایطی باید این طرح ها را پیش ببریم. طرح فولاد مبارکه یکی از این طرح ها بود که در دوران جنگ آغاز شد و تا پایان جنگ نیز بیش از ۸۰ تا ۹۰ درصد آن به اتمام رسید. راه آهن بافق - بندعباس، پروژه های گسترده^۱ بهداشت عمومی که آقای دکتر مرنندی اجرا کردند و واقعاً از افتخارات نظام و مورد تایید جهانی است، بخشی از این طرح ها بودند.

به باور من در آن ایام این رویه سیاست گذاری دولت، نوعی علامت دادن به بخش خصوصی برای توسعه بود. این تصمیم نشان می داد که دولت قصد دارد سیاست های باثباتی را داشته باشد. البته موفقیت یا عدم موفقیت دولت در این زمینه مسئله دیگری است.

سیاست دیگر دولت رسیدگی دائم به مشکلات واحدها از طریق بازرسی و بهره گیری از نظریات کارشناسان برای تسهیل زمینه فعالیت آن ها بود. در یکی از گزارش ها تعداد صنوف تولیدی ۶۵۰ هزار واحد اعلام

شد که تقریباً حدود ۲ میلیون نفر شاغل داشتند. چنان که توضیح داده شد، بودجه ارزی کشور در آن دوران کم بود، با این حال صد میلیون دلار برای تأمین نیازهای ارزی این واحدها تخصیص داده شد. تأمین ماشین‌های تراش **CNC** مورد نیاز این واحدها که هنوز هم از جمله بهترین ماشین‌های تراش موجود در کشور است، یکی از زمینه‌های تخصیص این بودجه ارزی بود، در آن دوران دولت به طور مکرر سیاست‌هایی از این دست را برای رشد بخش خصوصی توسط کارشناسان تدوین و به اجرا می‌گذاشت. بخشی از این سیاست‌ها در روابط و پیوندهای بخش تولید با جنگ دیده می‌شد. ■

شاید تا کنون این بخش از مسائل دفاع مقدس روایت نشده باشد، اما به ویژه در دو - سه سال پایانی جنگ که کمبود ارز به تعبیری کارد را به استخوان رسانده بود، اغلب صنایع در سراسر کشور به نوعی مشغول تأمین نیازهای صنایع دفاعی بودند. برای نمونه پوسته نوعی از خمپاره در کارخانه‌ها و کارگاه‌های مختلفی تولید می‌شد

و به این ترتیب سازوکار و روابط گسترده‌ای میان بخش‌های مختلف تولیدی کشور پدید آمده بود که تقریباً اکثر آن‌ها بخش خصوصی بودند .

ما اعلام کردیم از بخش تولید حمایت می‌کنیم، اما منافع عده‌ای با سیاست دولت در حمایت از بخش‌های تولیدی سازگار نبود. در این دوران دولت نوع تجارتی را که در چهارچوب خدمت به اهداف اقتصاد ملی بود نیز مورد حمایت قرار داد، اما در پیش گرفتن این سیاست تجاری اعتراض برخی را برانگیخت، برخی نیز در بخش بازرگانی زیاد از حد طلب گشایش می‌کردند که پاسخگویی به آن‌ها در شرایط جنگی اصلاً امکان‌پذیر نبود.

جالب این است که برخی با اشاره به این نوع سیاست‌های دولت، این گونه تبلیغ می‌کردند که کارها دولتی شده است، این در حالی است که من بارها گفته‌ام و خوب است در این مصاحبه هم تاکید کنم، در تجربه برخی از کشورهایی که مهد سرمایه داری

محسوب می‌شوند، همچون انگلستان دیده می‌شود هنگامی که در شرایط جنگی قرار گرفته‌اند، کارگاه‌های کوچک حتی کارگاه‌های دو نفره را از هنگام تحویل مواد اولیه تا دریافت محصول زیر نظر دولت اداره می‌کردند، بنابراین با بررسی تجربه‌های دیگر کشورهای جهان در ادارهٔ امور عمومی در شرایط جنگی به راحتی می‌توانیم به این نتیجه دست یابیم که شاید یکی از ملایم‌ترین سیاست‌ها در ایران تجربه شده است، اما روشن است که حتی ملایم‌ترین سیاست‌ها در این زمینه می‌توانست منافع عده‌ای را که می‌خواستند تمامی منابع در اختیارشان باشد، تحت تاثیر قرار دهد و آن‌ها را ناراضی کند .

«کلمه»: از شما نقل می‌شود که در همان دوره این ایده در ذهن شما و دولت شکل گرفت که در زمینه واگذاری برخی از بنگاه‌های مصادره شده به بخش خصوصی اقداماتی آغاز شود. این موضوع مربوط به کدام دوره از

حیات دولت می‌شد؟ این اقدامات چقدر تحقق پیدا کرد
و چه واکنش‌هایی را در پی داشت؟

میرحسین موسوی: این بحث به طور جدی در سال ۱۳۶۵ یا ۱۳۶۶ پیگیری شد. یادم هست با وزیر وقت صنایع به سمت اراک می‌رفتیم که در آنجا این موضوع مطرح شد. به دنبال این موضوع مرحوم عالی نسب شروع به تهیه طرحی در این زمینه کرد، خانه کارگر هم به طور همزمان در سیاست گذاری در این زمینه مشارکت کرد، اما به دلیل آشفتگی‌های آخر جنگ و گرفتاری دستگاه‌ها و عدم توانایی سازمان برنامه و بودجه در این زمینه، تهیه طرح خیلی سریع پیش نرفت. باور من این بود که اگر اجرای واگذاری به صورت اصولی و با در نظر گرفتن تمام اصول قانون اساسی انجام می‌شد، می‌توانست به طور کامل در خدمت اشتغال باشد و دسترسی مردم به ابزار کار را راحت‌تر کند، اما اجرای این سیاست نیازمند یک مدیریت

منسجم بود. در دنیا کشورهایی در این زمینه موفق بودند که واگذاری‌ها را با قوت و قدرت بالا انجام دادند، متأسفانه ما به این مرحله نرسیده بودیم. به هر حال زمان و پایان کار دولت به ما اجازه نداد و این اقدام در شکل‌های دیگر در دولت‌های بعدی دنبال شد. ■

«کلمه»: رکورد دیگری که در دوران جنگ در اقتصاد ایران ثبت شده است، نرخ تورم سال ۱۳۶۴ است که هنوز هم پائین‌ترین نرخ تورم در تاریخ انقلاب اسلامی است. چه ذهنیت و حساسیت‌هایی شما را به سمت اجرای سیاست‌هایی برد که علیرغم شرایط خطر جنگی توانستید چنین کارنامه درخشانی را رقم بزنید؟

میرحسین موسوی: باید بگوییم که بدون هیچ اغراقی تا حد بسیار زیادی دستیابی به این موفقیت حاصل نوع رفتار اقتصادی و سیاسی مردم بود و جامعه سهم بسیار بالایی در این زمینه داشت. ■

در یکی از سفرها به خرم آباد، هنگامی که با هلی کوپتر برمی گشتیم، سیاه چادرهایی را در مسیر دیدیم، در جمع یکی از ایلات خون گرم آنجا هلی کوپتر فرود آمد، اهالی دور ما جمع شدند، مشکلاتشان را می گفتند. جمع زیادی هم نبودند. در مجموع با افراد داخل هلی کوپتر ۴۰ - ۵۰ نفر می شدیم. در آنجا من گفتم که شما چه درخواستی دارید تا ما فوراً برای شما انجام دهیم. چهره پیرمردی که جوابم را داد هیچگاه فراموش نمی کنم. او گفت: «مگر می شود ما از شما درخواستی داشته باشیم. زمان جنگ است. ما باید به شما کمک کنیم.»

من باور دارم که هرگز، سهم مردم که امروز در ادبیات تخصصی علوم اجتماعی از آن به عنوان «سرمایه اجتماعی» یاد می شود، محاسبه نشده است در حالی که در دوره ٬ جنگ بدون اغراق سهم فوق العاده مردم در همه موفقیت هایی که در شاخص های اقتصادی به

دست آمد، دیده می‌شود و دارای اهمیت بسیار بالایی است .

دولت هم البته متوجه کمبودها و نقاط حساس و بحرانی بود. اقداماتی از زمان شهید رجایی در خصوص برخی کالاها شروع شد. سهمیه بندی برنج در آن دوره آغاز شد. پس از آن با تشکیل ستاد بسیج و اختیارات وسیعی که این شورا پیدا کرد، تلاش شد تا در بالاترین سطح به مدیریت تأمین نیازهای مردم در طول دوران مواجهه با کمبودهای وسیع رسیدگی شود. تفکیک‌ها توسط دولت شروع شد. معیشت و خدمات مورد نیاز مردم، از بقیه حواشی جدا شد و کاملاً مشخص بود با توانایی‌ها و منابع محدودی که داشتیم باید توجه ویژه‌ای به این نیازها بشود. تأمین کالاهای مورد نیاز مردم، بر اساس گزارشات آماری دقیق و با حساسیت ویژه‌ای می‌شد تا در حد توان فوراً در اختیار مردم گذاشته شود. اگر کمبودی بود فوراً توسط ستاد بسیج

که شبیه یک سیستم هوشمند عمل می‌کرد دریافت و راه حل مناسب اندیشیده می‌شد .

برای درک اهمیت و پیچیدگی‌های این سیستم هوشمند می‌توان به ساز و کار برنامه ریزی برای تأمین شیر خشک، به عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای کشور اشاره کرد. زمانی می‌توانستیم با اختصاص ۸۰ میلیون دلار مشکل شیر خشک را در کشور برطرف کنیم چون شیر خشک در آن زمان برای مادرها اهمیت ویژه داشت، اما به جایی رسیدیم که این ۸۰ میلیون دلار را نیز نداشتیم. تأمین شیر تازه به جای آن یکی از راه حل‌ها بود اما باید بررسی می‌شد که قیمت آن چگونه باشد؟ چگونه به خانواده‌ها برسد؟ و... عده‌ای مسئولیت داشتند در این زمینه برنامه‌هایی طراحی و راه حل‌هایی ارائه دهند .

مهم‌ترین محور در نوع سیاست گذاری‌های انجام گرفته در دولت کنترل بودجه بود. امروز بودجه دوران جنگ قابل بررسی است؛ در آن دوران سعی می‌شد تا

بودجه در ضرورت و حداقل خودش باشد. ما کسری بودجه هم داشتیم، اما کسری بودجه شفاف بود. اجازه می‌دادیم که تلخی این کسری به وضوح دیده شود، موضوع نقد شود و راه‌حلهایی پیدا شود، اما این فشارها باعث نمی‌شد که مشکلات مردم را نادیده بگیریم. ▀

خاطره‌ای را از حضرت امام (ره) نقل کنم که خیلی جالب است. زمانی در تدوین یکی از بودجه‌های دوران جنگ، دوستان مجلس برای اینکه درآمد دولت را افزایش دهند قیمت سیگار را بالا بردند. انحصار سیگار دست دولت بود، قاچاق هم کم بود. ما زمانی خدمت امام (ره) رسیدیم و گزارش‌های آن دوران و کارهای انجام گرفته را ارائه کردیم. ▀

امام فرمودند: شنیدم می‌خواهید سیگار را گران کنید. گفتم: من دوست ندارم چیزی که برای مردم هست را گران کنم. فرمودند: اما من شنیدم می‌خواهید گران کنید. نمی‌خواستیم شکایت از دوستان مجلس کنم و

این کار را هم نکردم، تنها گفتم که دوستان مجلس به این دلیل که درآمدهای دولت زیاد شود، مقداری قیمت را بالا بردند .

ما در شرایط بحرانی جنگ قرار داشتیم و در این شرایط حمایت‌ها رابطه عاطفی و پیوستگی متقابل دولت - ملت از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بود امام در پاسخ فرمودند که شما بروید بگوئید تعیین قیمت (در این شرایط) مربوط به رهبری است و من مخالف هستم .

بعد از اینکه از دفتر امام خارج شدم به دوستان مجلس تلفن زدم، نمی‌دانم کدامیک از دوستان بودند اما به ایشان گفتم که من موضوع را با امام مطرح نکردم؛ خودشان می‌دانستند که چنین بحثی در مجلس وجود دارد. چند نفر از دوستان مجلس وقت ملاقات گرفتند و سریع خدمت امام (ره) رفتند تا مسئله را برطرف کنند.

حضرت امام (ره) در نهایت راضی نشدند و فرمودند: سیگارهایی که گران قیمت است و مرفهین می‌کشند (سیگارهای لوکس) را گران کنید و سیگارهای ارزان

قیمت (اشنو) را گران نکنید. این جهت گیری در همه جا وجود داشت. یکی دیگر از مواردی که نقش آن در آن دوران خیلی دیده نشده و واقعا زحماتی که دوستان کشیدند ناگفته ماند، سیاست گذاری و اقدامات انجام گرفته در سازمان حمایت از تولید کننده و مصرف کننده بود که متأسفانه این نهاد در نهایت تضعیف شد. در آن دوران این سازمان مدیر دلسوزی داشت و سازمان به معنای واقعی بسیج شده بود. هم کالاهای وارداتی و هم کالاهای تولیدی را زیر نظر داشت. دولت هم به طور مستمر از آن‌ها گزارش و راه حل می‌خواست. الان که بحث یارانه‌ها طرح شده است بد نیست اشاره‌ای به یارانه‌های ثبت شده آن دوران داشته باشم. در آن دوران در بالاترین سطح یارانه‌ها به رقم ۱۴-۱۵ میلیارد تومان رسید و بعد هم کم کم با سازو کار خاصی حذف شد.

با کمک این سازمان ما توانستیم بسیاری از بحران‌ها را مدیریت کنیم. برای نمونه دولت مجبور بود مقداری مواد

اولیه برای تأمین نیاز مرغ داری ها وارد کند. در مقابل آن، معلوم بود که واحدهای تولیدی تا چه اندازه و با چه سازمان دهی ای باید گوشت به سیستم توزیع تحویل دهند. بنابراین بی آنکه سیستم تولید دولتی باشد، اما مسیر تولید سیاست گذاری شده و کاملاً تعریف شده بود. ■

در بخشی از موادی که به کارخانه ها یا سازمان های تولیدی داده می شد نسبت به محصولات تولیدی مقداری سود تعریف می شد. از ما به التفاوت این سودها هزینه ً یارانه ها تأمین می شد که در مواردی به کمک کالاهای اساسی می آمد. ■

«کلمه»: در آن دوران فشارهای شدیدی برای تضعیف ارزش پول ملی به دولت وارد می شود و البته دولت نیز در مقابل خیلی مقاومت کرد؟ درباره تجارب خود در این باره توضیح دهید؟

میرحسین موسوی: این یکی از دشوارترین کارهای دولت بود. بسیار علاقه مندم که سیاست‌ها و مسئله‌های ارزی کشور از فاصله‌ای حتی طولانی‌تر از سی سال قبل ارزیابی و مقایسه شود. ■

در دوران جنگ اول باور قطعی داشتم که قدرت ریال و قدرت پولی ما حتی نسبت به قیمت‌هایی که اعلام می‌شد، خیلی بالا بود. دوم اینکه حتی اگر ارز به صورت کالا عرضه و تقاضا می‌شد باید همچون یک کالای استراتژیک؛ همچون فشنگ یا گندم مورد بررسی قرار می‌گرفت و نمی‌توانستیم به راحتی از آن صرف نظر کنیم. مسئله اینجاست، هنگامی که شما با کمبود گندم مواجه می‌شوید، ممکن است تمام ثروت یک کشور را بدهید تا برای بقا کمی گندم بگیرید. در واقع ارز برای ما ابزاری بود که می‌توانست دفاع را امکان‌پذیر کند و در مقابل دشمن جلوی شکست ما را بگیرد. اگر از ارزی که داشتیم خوب استفاده نمی‌کردیم، به این معنا بود که

تولیدات کشاورزی نداشتیم و در واقع به قحطی و گرسنگی می‌رسیدیم.

در همان سال‌های اول، متوجه شدم که یکی از نقاط حساس ما مسئله ارز است. دلیل بمباران پایانه‌های نفتی و تلاش‌های کشورهای غربی برای کاهش میزان تولید و صادرات نفت ایران هم، کاستن از میزان درآمد ارزی کشور و فراهم کردن زمینه تسلیم کشور بود. برای همین در هر تصمیمی که برای ارز گرفته می‌شد، حساس بودیم. بعد از اینکه ارز تقسیم بندی شد، بیش از نود و چند درصد ارز یک قیمت داشت، این در حالی است که بعداً گفته شد نرخ ارز دولت در زمان جنگ، ۱۴-۱۵ نرخ بود اما کسی به این حقیقت توجه نکرد که شاید حدود ۹۵-۹۶ درصد ارز تک نرخ بود و تنها دو - سه درصد آن به دلیل برخی سیاست گذاری‌ها با قیمت‌های متفاوتی توزیع می‌شد، مثلاً ارز مورد نیاز بخش درمان یا ارز صادراتی قیمتی جداگانه داشت.

یادم هست که هنوز مرحوم «نوربخش» رئیس بانک مرکزی بود، بحث بسیار تندی درگرفت که قیمت ارز را تعدیل کنیم. در آن زمان احساس نگرانی کردم. خواستم تا موضوع در شورای اقتصاد بحث شود. رئیس محترم مجلس هم در جلسه شورای اقتصاد آمدند و با بقیه دوستان بحث مفصلی در این باره انجام شد. جمع بندی من در آن جلسه این بود که باید این موضوع مورد مطالعات تطبیقی قرار گیرد؛ یعنی بررسی شود کشورهایی که قبلاً در قیمت ارز تعدیل ایجاد کردند آیا در این زمینه موفق بودند؟ قرار شد که آقای نوربخش رئیس بانک مرکزی این کار را انجام دهند.

من هم پیشنهاد دادم تا آقای عالی نسب هم همکاری کنند. قرار شد این دو نفر مطالعات جداگانه‌ای در این خصوص انجام دهند. مطالعات حدود دو ماه طول کشید و باز هم جلسه‌ای با همان افراد تشکیل شد. ابتدا آقای نوربخش گزارش داد که بیش از ۵۰ کشور را مطالعه کرده بود. ایشان گفتند که این سیاست در اغلب

کشورها منجر به شکست شده است. مرحوم عالی نسب هم گفت: در صورت تضعیف ارزش پول ملی، ۳۰۰ میلیارد تومان کسری بودجه می‌آوریم. ۳۰۰ میلیارد تومان در آن زمان یعنی نزدیک کل بودجه کشور. کل بودجه کشور در آن زمان ۴۰۰ میلیارد تومان بیشتر نبود. در آن جلسه این تصمیم منتفی شد. تا پایان جنگ و تا زمانی که موضوع واردات بدون انتقال ارز مطرح شد، دولت همین موضع را دنبال کرد. به نظر من موضوع واردات بدون انتقال ارز هم به سیاست‌های دولت لطمه زد که از دست ما هم کاری ساخته نبود.

هنوز هم قضاوتم بر آن است که در آن دوران کوچک‌ترین تغییری در قیمت ارز منجر به اختلالات بسیار جدی در صحنه ملی می‌شد. کاش به آن تجربیات توجه می‌شد. تک نرخی کردن ارز در ژاپن بعد از جنگ در دهه ۶۰ صورت گرفت یعنی زمانی که ۱۴-۱۵ سال از جنگ آن‌ها می‌گذشت که برای آن کشور خیلی مفید

بود و می‌توانستند مدیریت منابع ارزی خود را داشته باشند .

در آن زمان برخی اعتقادشان بر این بود که اگر ارز آزاد شود به نقطه تعادل می‌رسد و فراوانی ایجاد می‌کند. من اصلاً به این موضوع اعتقاد نداشتم. ۶- ۷ میلیارد دلار ارز نمی‌توانست این نقش را داشته باشد. در حالی که نیاز مصرفی در جامعه‌ای که جنگ هم نباشد بی‌انتهاست. در آن زمان نیاز ما از خمپاره، گلوله‌های توپ و اسلحه گرفته تا گندم و دارو بسیار شدید بود. واردات دارو در آن سال‌ها بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون دلار بود که توان پرداخت وجود نداشت، البته این مشکل باعث شد تا صنایع دارویی شکوفا شود و به اصطلاح به خودکفایی نسبتاً خوبی در این زمینه برسیم. به هر حال این نوع نیازها به اندازه‌ای ضروری بودند که نمی‌توانستیم از آن‌ها صرف نظر کنیم و قیمت ارز را دستخوش این نوسانات کردن نمی‌توانست مفید باشد. دولت ارز را برای این نوع مصارف به گونه‌ای تنظیم کرد

تا حساب‌های ملی این‌ها به صورت یارانه‌ای که در بودجه درج می‌شود باشد تا به خود بودجه فشار نیاید .

«کلمه»: به نظر می‌رسد وقتی ترکیب دولت را در زمان شما مورد بررسی قرار می‌دهیم در قیاس با دوره‌های بعدی به لحاظ جهت‌گیری‌های سیاسی، نوع نگاه به مسائل مختلف از جمله مسائل حوزه اقتصاد تفرق آرای بیشتری در آن دیده می‌شود. با توجه به مسوولیت سنگین دولت در فرآیند سیاست‌گذاری عمومی، به نظر می‌رسد تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری به ویژه در شورای‌های عالی بدون تضارب آرا و افکار مختلف نمی‌تواند رویه موفق‌تری برای سیاست‌گذاری باشد، از این منظر در واقع دولت باید محلی برای مشاهده نوع نگاه‌های متفاوت به مسائل اقتصادی و سیاسی هم باشد. در دوره‌های بعدی این وضعیت تغییر پیدا کرد. تلقی شما به عنوان رئیس دولت در آن زمان از این وضعیت چه بود؟ آیا کشور از ناحیه دولتی که محل تضارب این

آرا گوناگون بود می توانست سود ببرد؟ و آیا دولتهایی که یکدست تر هستند و نگاههای داخل آن یکسان تر است موفق تر نبودند؟

میرحسین موسوی: من اولی را بیشتر می پسندم. به این شرط که به نقطه ای نرسد که منجر به حرکت های سیاسی برای مختل کردن کارهای دولت شود .

در دولت آن زمان این دیدگاه حاکم بود که هر فردی کارشناسانه و علمی کار کند، سازوکارهای مدیریتی قوی ای را بکارگیرد و از نیروهای برجسته و خوب استفاده کند، دیدگاه ها و محصول تلاش های او نادیده گرفته نمی شود. به همین دلیل اختلاف عقاید زیادی در دولت بود و گاهی هم دعوا می شد. مثلا درباره بانکداری اسلامی برخی دوستان به نظرشان غیر شرعی می آمد و وارد این موضوعات نمی شدند، اما وجود چنین اندیشه هایی در شورای اقتصاد باعث بحث های مفصل می شد تا به نتیجه برسیم. اختلاف آرا می توانست باعث

تحول شود. هم اکنون نگاهها عوض شده است. اما من هیچ گاه احساس نکردم این بحثها مزاحمت‌هایی برای کار ایجاد می‌کند به شرط آنکه قواعد بازی رعایت می‌شد، به این معنا که اگر شورای اقتصاد نهادهای رسمی و دولت تصمیمی می‌گرفت، در نهایت این تصمیم‌ها باید از مسیر مجاری رسمی عبور می‌کردند تا اگر نقصی در آنها وجود داشت، این نقص برطرف می‌شد.

به نظرم این اختلافات باعث رشد و شکوفایی بود. هیچ مشکلی پیدا نمی‌کردیم. نگاه متفاوت بخش‌های مختلف بازتابی از قواعد و واقعیت‌های اجتماعی ما بودند. این نگاه‌ها که از خارج که نیامده بودند. ما در آن زمان به معنای کامل در داخل کشور استقلال داشتیم و هیچ گاه تحت تاثیر مسائل بیرون از مرز قرار نگرفتیم.

در آن دوران روحیه‌ای به وجود آمد که به اصطلاح در کلام حضرت امام (ره) خلاصه می‌شد. قریب به مضمون

کلام این بود: کسی که نمی‌تواند اینجا کار کند جای دیگر کار کند .

معنای این حرف آن بود که دوستی‌ها، آشنایی‌ها، رفاقت‌ها جای خود را داشت اما افرادی که نمی‌توانستند باهم کار کنند می‌رفتند و در جای دیگر مشغول می‌شدند و مشکلی هم ایجاد نمی‌شد. در دولت هم، همین شرایط حاکم بود .

افراد مختلف با گرایش‌های سیاسی مختلفی حضور داشتند که با رفاقت به خوبی با هم کار می‌کردند. در جلسه‌های کاری دولت و شورای اقتصاد نظر خودشان را مطرح می‌کردند و در نهایت اکثریت هر چه تصمیم می‌گرفت اجرا می‌شد، مشکلی هم پیدا نمی‌کردیم .

هر فردی در هیأت دولت و یا در مجامع رسمی نماینده بخشی از منافع کشور است. تصمیم‌گیری دربارهٔ موضوعاتی که در جلسات دولت در معرض داوری گذاشته می‌شد، بسیار دشوار بود؛ از جمله این موارد موضوع بودجه بود. بودجه مشکل‌ترین کار دولت بود.

برای اینکه بودجه شفاف باشد، نزدیک دو ماه، ارقام و اعداد بودجه دست به دست در دولت می‌گشت. هر یک از نمایندگان بخش‌های مختلف سعی می‌کردند تا اهمیت سهم بخش خود را با استدلال‌هایی که ارائه می‌کردند، توجیه کنند، گرایش‌های گوناگون در موضوع بودجه بازتاب خود را نشان می‌دادند، اما در کنار تمامی این دشواری‌ها، در نهایت تن دادن به این فرآیند که اجازه دهیم تا حرکت قانونی، انجام گیرد و همه نظرات مطرح شود، مسئله بسیار مهمی بود. ■

«کلمه»: موفقیت دولت در مدیریت بحران‌های سال ۱۳۶۵ از جهات مختلف نقطهٔ عطفی در کارنامهٔ آن محسوب می‌شود. در این سال نخستین شوک معکوس نفتی اتفاق افتاد، موشک باران شهرها شروع شد، استراتژی عراق انهدام تاسیسات اقتصادی ایران شد. در آن دوران به یک باره چالش تورم و بیکاری و کمبودها با

هم پیدا شد. چگونه آن دوره با موفقیت در مدیریت بحران‌های متعدد سپری شد؟

میرحسین موسوی: آن دوره دوران سخت و ویژه‌ای بود. مسائل سیاسی پشت پرده‌ای هم وجود داشت. به طور مثال بیم محاصره کامل مطرح بود که در سطح سران سه قوه هم مورد بررسی قرار گرفت. دولت متعهد شد برنامه‌ای برای بدترین شرایط ارائه کند. این تصمیم منجر به آن شد که برنامه‌ای تحت عنوان شرایط نوین اقتصادی تدوین شود. سه سناریوی مختلف در این برنامه مطرح شد؛ وضعیت قرمز، وضعیت زرد و وضعیت آبی. سناریوی وضعیت قرمز که بدترین وضعیت کشور را تصویر می‌کرد، دربارهٔ شرایطی در نظر گرفته می‌شد که تنگه هرمز بسته شود، گلوگاه‌های مهم مواصلاتی ما بمباران شود، نفت هم نتوانیم صادر کنیم و حتی جلفا هم بسته شود و شوروی هم راه خودش را بر ما ببندد؛ در این صورت چه اقداماتی باید صورت می‌گرفت. مثلاً

پلی داشتیم در حاجی آباد نزدیک بندرعباس که اگر بمباران می شد، نقل و انتقال کالا در این محور قطع می شد یا پل قطوری که رابطه ما را با ترکیه قطع می کرد که البته بارها هم بمباران شد؛ این بدترین شرایط مفروض بود که بر اساس آن طرح هایی خیلی سری تهیه می شد .

در این طرح ها مسائلی حیاتی که از آن نمی توان گذشت و حداقل ممکن برای اداره کشور محسوب می شد، ارزیابی شدند و راه حل هایی برای آن ها تدارک دیده می شد. کارشناسان دولت در تدوین این برنامه حتی آن اندازه ریز شدند که موضوع پل های استراتژیک را نیز دیده بودند؛ برای نمونه خورهای حاشیه دریای عمان بررسی شد که از آنجاها چه میزان کالا می توان وارد و صادر کرد. نتایج دیگر این بررسی آن بود که حداقل به صدور ۲۰۰ هزار بشکه نفت نیاز داشتیم، برنامه ای تهیه شد که اگر بخواهیم حداقل این سطح صادرات را حفظ کنیم، حتی از طریق قاچاق هم شده باید این حجم

صادرات انجام گیرد، تا حداقل نیازهایمان تأمین و مشکلات بحرانی برطرف شود. برای تک تک مسائل طرح داده می‌شد. افرادی که این طرح‌ها را تهیه می‌کردند، ۱۵ نفر از وزرا بودند که در ساختمانی جلسه می‌گذاشتند، موضوع را بررسی می‌کردند، اسناد و مدارک جلسه هم همانجا می‌ماند چراکه اطلاعات حیاتی کشور نباید به بیرون درز پیدا می‌کرد.

در انتها معنای این طرح که تنها ۹ نسخه از آن تکثیر شد و یکی هم برای حضرت امام (ره) فرستاده شد، این بود که در بدترین شرایط کشور می‌تواند ۲۰۰ هزار بشکه نفت صادر کند، ضمن اینکه مقاومت در جنگ نیز ادامه پیدا کند. این یک برنامه بود. سناریوی دوم کمی بازتر بود و سناریو وضعیت آبی هم وضعیت عادی کشور بود. طرح‌های مربوط به هر یک از این سه وضعیت تهیه شد. البته ما هیچ‌گاه به وضعیت قرمز نرسیدیم، اما همین طرح دید ما را به محدودیت‌ها باز کرد که باید مواظب چه بخش‌هایی باشیم.

هنگامی که بحران‌های ارزی پدید آمد و به شدت قیمت نفت کاهش یافت، همزمان بمباران خارک و حتی جزیره سیری هم افزایش پیدا کرد، به علاوه تلمبه خانه‌هایی که نفت را به پالایشگاه‌ها می‌رساندند، همه در معرض بمباران قرار گرفتند. این وضعیت باعث شد که به منابع ارزی اهمیت ویژه‌ای داده شود. هفته‌ای یکبار گزارشی خیلی سری در مورد جدول پرداخت‌های خارجی داده می‌شد تا معلوم شود که هفته‌های بعد چه شرایطی خواهیم داشت. تمام متغیرها به شدت کنترل می‌شد. الحمدلله به دلیل اینکه نقاط حساسی که برای مردم و برای پایداری مهم بود در برنامه‌ها دیده شد و به آن پرداخته شد، با روحیه‌ای که مردم داشتند این بحران پشت سر گذاشته شد.

مدیران هم در آن دوران به مانند مردم همراهی بسیار داشتند. یادم هست مسئولی در آن زمان در پالایشگاه اصفهان بود. پالایشگاه اصفهان چندین بار بمباران شد و چون مکان بسیار حساسی بود اگر از بین می‌رفت

مشکل پیدا می کردیم. زمانی تلفن کردند و گفتند آنجا بمباران شده است. از شهدا و زخمی ها پرس و جو کردم که گزارش دادند. آن وقت رئیس قسمت را خواستم تا با او صحبت کنم، گفتند رفته سر برجکی که خراب شده، گروه تشکیل داده تا کار بازسازی آنجا را شروع کند. یکی از راهبردهایی که آن موقع بارها در دولت به صورت علنی اعلام شد؛ این بود که ما منتظر اتمام جنگ برای بازسازی نمی شویم. حتی اگر پالایشگاه یا مکان های حساس بمباران می شد، حتی اگر ده بار هم این اتفاق می افتاد، با این خوش خیالی که ابتدا باید جنگ تمام شود، بعد بازسازی شروع شود، منتظر نمی ماندیم. مدیران به این مسئله اعتقاد داشتند .

نمونه دیگری هم چون جنبه عاطفی دارد برای شما نقل می کنم. در کارخانه آلومینیوم سازی اراک دیگ هایی با مواد مذاب وجود دارد، این دیگ ها بسیار حساسند. آنجا بمباران شد و تعدادی شهید و زخمی داشتیم. تماس گرفتم تا شرایط را ارزیابی کنم. متوجه

شدم ضمن اینکه عده‌ای دلهره بیرون کشیدن جنازه‌ها و زخمی‌ها را دارند، عده‌ای دیگر هم دلهره حفظ و نگهداری دیگ‌های مخازن مذاب را دارند، این را دیگر نمی‌توان مدیریت یک جمع بر یک کشور نامید. می‌خواهم بگویم، کل کشور خودش را مدیریت می‌کرد تا بتواند با مشکلات روبرو شود. در سطح خانواده هم این سازو کار حاکم بود. شب‌هایی که تهران بمباران می‌شد در بسیاری از موارد به صورت ناشناس به سطح شهر می‌رفتم و در رفتار مردم می‌دیدم که چگونه خود آن‌ها خودشان را مدیریت می‌کردند؛ به گونه‌ای که شاید حکومت به طور متمرکز از عهده این اقدامات بر نمی‌آمد.

«کلمه»: مباحث دو دهه بعد از جنگ و افق‌های پیش رو باقی ماند و زمان هم به اتمام رسیده است؟ اگر صحبت پایانی دارید بفرمایید؟

میرحسین موسوی: مهم نیست. دیگران هم می‌توانند درباره این دوران‌ها صحبت کنند. باز هم می‌گوییم که این سخنان تنها برای گفتن تجربیات دهه انقلاب عنوان شد که حاصل تلاش ملت و مدیران خوب کشور بود. من این مسائل را گفتم تا شاید بهره‌ای از آن‌ها گرفته شود و گرنه به آن دوره نقدهای زیادی هم وارد می‌شود که ما همه آن‌ها را قبول داریم، اما نباید زحمات و تلاش‌ها نادیده گرفته شود. باید متوجه شویم که همه امکانات و سرمایه ما، پول و ریال و ارز نیست بلکه سرمایه‌های دیگری هم هست که به کمک آن‌ها در آن دوران توانستیم با کمبودها روبرو شویم. ما باید هوای این سرمایه‌ها را داشته باشیم. این سرمایه‌ها خارج از دست دولت است اما دولت‌ها می‌توانند در جذب آن‌ها موثر باشند .

بیانیه اعلام حضور در انتخابات ریاست جمهوری

بسم الله الرحمن الرحيم

انتخابات ریاست جمهوری که بزرگترین جشنواره جمهوریّت در نظام ماست نزدیک می شود. در آستانه این رویداد سرنوشت ساز جای آن است که هر جان شیفته عدالت و آزادی و استقلال و توسعه که به تحقق این آرمان ها در چارچوب جمهوری اسلامی فکر می کند به وظائف و تعهدات خود از نو بیندیشد و با هدف استقرار یک جامعه ارزشی مبتنی بر آموزه های اسلام ناب محمدی (ص) و متکی بر اندیشه های حضرت امام خمینی مسئولیت خویش را بازشناسی کند. بر مردم شریف ایران پوشیده نیست که اینجانب طی ماه های گذشته با کمک و همفکری آنان در تکاپوی این جستجو

بوده‌ام؛ وضعیت کشور، انتخاب‌های پیش‌رو، حوادث ممکن، ظرفیت‌های موجود و بسیاری نکات خرد و کلان دیگر را مورد دقت قرار دادم و هرچه پیشتر رفتم همان دلایل و عواملی که در وهله‌های گذشته به عدم حضور در صحنه انتخابات فرا می‌خواندند بیشتر مرا متقاعد کردند که این زمان زمانی دیگر است و حضور را ایجاب می‌کند. اینک نه از روی خودپسندی تا ارزش‌ها و ارجمندی‌های همگنان را نادیده بگیرم، و نه از سر تجاهل تا مشکلات پیش‌رو را ناچیز و بضاعت اندکم را کافی از توکل به خداوند بدانم، بلکه به امید ادای وظیفه قصد خویش را برای نامزد شدن در دوره دهم از انتخابات ریاست جمهوری اعلام می‌نمایم.

مستضعفان این مطمئن‌ترین پایگاه برای ارزش‌های برآمده از انقلاب اسلامی و آماده‌ترین قشر برای اصلاحگری و پایبندترین پشتوانه برای اصول و اصول‌گرایی صبورانه به‌گوشند که آیا فرزندان صدرنشین‌شان همچنان به جایگاه عزیز آنان اقرار

می کنند و بر وظایف تخطی ناپذیرشان در حمایت از منافع محرومین اصرار می کنند. معنای این انتظار را چگونه لمس کرده است کسی که نداند در سفره های کوچک آنان اولی تر از نان اعتنای صادقانه به ارزش هایی است که جان جوانانشان را خرج آن کرده اند؟ این اولویتی است که چشمه های برکت را از زمین می جوشاند. تنها نمونه ای از این جوشش دست آوردهای برگشت ناپذیر جوانان دانشمند ما در زمینه انرژی هسته ای است. اگر سرهای آنان در مقابل اجنبی خم بود و یا احساس می کردند که آزادی گفتن و شنیدن و انتخاب کردن ندارند هرگز چنین جوشش هایی از آنان سر نمی زد. ما این کامیابی ها را با هزینه کردن بودجه های نجومی به دست نیاورده ایم، بلکه ارزش ها هستند که چنین میوه داده اند و برکت آفریده اند.

به ویژه جا دارد که ارزش آزادی در این عصر مورد توجه چندین باره قرار گیرد. این آرمانی است که خرازی ها و باقری ها و باکری ها در پای آن جان داده اند، زیرا اگر

آنان و یارانشان نمی‌ایستادند از جمله نخستین نعمت‌هایی که از ما سلب می‌شد آزادی بود. ما را چه می‌شود که به کمترین بهانه خانه آرزوهای همت را خراب می‌کنیم تا به جایش برج‌هایی از جاه‌طلبی خود بسازیم؟ باید بدانیم که گشودگی در مقابل انتظار مستضعفان و بازگشت به ارزشها هرگز کوشش برای یافتن راه حل‌هایی که به نیرومند شدن اقتصاد کشور بیانجامد، فضای کسب و کار را رونق دهد و از نیروهای مولد و تولید ملی حمایت همه‌جانبه کند از اهمیت نخواهد انداخت.

شاید کسانی تصور کنند عجله برای عملی کردن چنین نیت خیری استفاده از هر شیوه‌ای را مباح می‌کند، ولو این که شامل قانون‌شکنی‌های گسترده باشد. این کار صرفاً نقض عهد با ملت نیست بلکه انکار خرد جمعی است. اینجانب صراحتاً اعلام خطر می‌کنم که تداوم چنین رویه‌ای به آشفته‌گی‌های لاعلاج در نظام مدیریتی منجر می‌شود، تا جایی که یک روز در کشور سنگی بر

روی سنگ نماند. آیا فرصت هایی که تبعیت از قانون در اختیار قرار می دهد پیش از این مستهلک شده است که دست به این بازی خطرناک می زنیم؟ قانون اساسی ما برای رسیدن به همین اهداف دارای ظرفیت های عظیمی است که همچنان می توانند به فعلیت برسند. به ویژه راهبردهای ارزشمندی که اصل های ۴۳ و ۴۴ از این میثاق ملی را شکل داده اند نیاز به توجه بیش از پیش دارند و ما موظفیم منابع کمیاب موجود را با تخصیص حداکثری در جهت تحقق هرچه کاملتر آنها به کار بندیم و از هدر دادن این منابع در خدمت منافع کوتاه مدت و اغراض سیاسی کم بها جلوگیری کنیم.

اینجانب ادعا نمی کنم که اهداف پیش رو به صرف انتخاب یک شخص قابل دستیابی است، بلکه خواست عمومی برای تجدید نظر در سیاست ها و گسترش گفتمان انقلاب اسلامی و تکیه بر ارزش های بنیادین زائیده از آن در سطح عموم است که می تواند ضامن چنین تحولی باشد. حتی در آن صورت نیز نباید منتظر

معجزه بود. به یاد داشته باشیم که یک قدم پیشرفت که واقعا محقق شود بر آرزوهای درازی که جامه‌ی عمل نمی پوشند برتری دارد.

به زودی شور مبارزات انتخاباتی فراگیر می شود و در حرارت آن هر شخص و گروه جریه‌هایی از آنچه که هست را به مردم می چشاند و نمونه‌ای از دولتی که برقرار خواهد کرد را در معرض دیدگان بینا قرار می دهد. شاید نتوان یک انتخابات جدی را در فضایی خالی از خرده گیری، به ویژه نسبت به دولتی که حاکم است در نظر آورد. با این همه لازم است که احترام دولت قانونی جمهوری اسلامی به دقت رعایت شود و انتقادات به صورت روشنگرانه، مستدل، دلسوزانه و نه با قصد فریب ارائه گردد.

در جریان فعالیت های انتخاباتی، ستاد اینجانب حق چاپ و تکثیر عکس مرا نخواهد داشت و از علاقمندانی که ممکن است به صورت خودجوش وارد صحنه تبلیغات شوند نیز انتظار دارم که به این خواسته‌ی

خدمتگزار خود توجه کنند. از نظر من نوشته ساده یک شهروند علاقمند به سرنوشت کشور در پشت شیشه‌ی مغازه‌اش دلنشین‌ترین و موثرترین الگوی تبلیغاتی است. این نه بدان معناست که استفاده از تصویر را الزاماً مسرفانه و یا فریبکارانه بدانم، بلکه می‌خواهم از کارهایی که شایعه شیوعشان را در فصول انتخابات شنیده‌ام، و امیدوارم هرگز واقع نشده باشند، به اکیدترین وجهی پیشگیری کنم. هرگونه عمل خلاف اخلاق حضور و نشاط مردم را در صحنه انتخابات خدشه‌دار می‌کند. چنانچه نام اینجانب در معرض اسائه قرار بگیرد انتظار از علاقمندان و حامیان سکوت است، چه رسد به آن که خدای‌ناکرده خود مرتکب هتک حرمت و بی‌ادبی نسبت به کسی شوند و نوشته یا گفته ناحقی را اشاعه دهند. علاقمندان مطمئن باشند اگر مواردی رخ دهد که بر حسب موازین اخلاقی و قانونی نیاز به پیگیری داشته باشد ستاد به وظیفه خود در این زمینه عمل می‌کند. همچنین از همه عزیزان و دوستان

تقاضا دارم به هیچ وجه از امکانات و اموال عمومی، چه به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم، در امور انتخاباتی استفاده نکنند.

و سرانجام وحدت؛ حل مسائل بزرگ نه فقط نیاز به همفکری همه اندیشه ها و گفتمان ها، که به وحدت و انسجام تمامی نیروهای توانمند کشور نیز نیازمند است. امیدوارم با پختگی و حکمتی که در دلسوزان وجود دارد بتوانیم سرانجام به این هر دو ضرورت پاسخی درخور بدهیم.

برای مردم ایران آرزوی بهروزی می کنم و از ایزد منان تقاضا دارم به بهترین وعده هایی که به برترین بندگان خویش داده است درمورد این ملت بزرگوار وفا کند، که پیامبرانش گفته اند: فمن تبعنی فانه منی.

میر حسین موسوی

۲۰ اسفند ۱۳۸

نخستین سخنرانی پس از اعلام نامزدی

حرکت از نازی آباد...

۲۵ اسفند ۱۳۸۷

میرحسین موسوی در اولین سخنرانی خود بعد از اعلام کاندیداتوری در مسجد حجت نازی آباد تهران گفت: آیا در سال‌های فراوانی ارز نفتی، که به صورت غیرعادی ذخایر ما را بالا برد، برای سال‌های کمبود و قحطی برنامه‌ای ریخته‌ایم؟

میرحسین موسوی در اولین سخنرانی خود بعد از اعلام کاندیداتوری در مسجد حجت نازی آباد تهران، در حالی که با شعار «میرحسین قهرمان حامی مستضعفان» وارد این مسجد شد، با بیان اینکه افتخار می‌کنم در نازی آباد و در این مکان مقدس صحبت می‌کنم، گفت: محله

نازی آباد مکانی است که با اهدای خون شهیدان، وفاداری خودش را به اسلام و ایران ثابت کرد. ■

وی که سخنان خود را بر الزامات دهه چهارم انقلاب و نیز میلاد حضرت محمد (ص) اختصاص داده بود در بخش نخست سخنان خود به دستاوردهای انقلاب ایران از جمله استقلال اشاره کرد و با بیان اینکه در یک طیف گسترده دگرگونی‌هایی نسبت به قبل از انقلاب به دست آورده‌ایم، اظهار داشت: استقلال در کشور ما فرصت بی‌نظیری را ایجاد کرده و ارزش این فرصت زمانی برای نسل جوان ما آشکار می‌شود که بتوانیم زمان قبل از انقلاب را برای آن‌ها ترسیم کنیم. ■

نخست وزیر دوران دفاع مقدس تاکید کرد: استقلال هنوز در این جهان پرآشوب یک مزیت نسبتاً قوی در جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. میرحسین موسوی با ترسیم فضای قبل از انقلاب گفت: قبل از انقلاب ده‌ها مستشار نظامی در بخش‌های مختلف کشور حضور داشت و ایران جزو حلقه دفاعی غرب در منطقه

محسوب می‌شد و در تحولاتی که در منطقه صورت می‌گرفت ایران در خدمت منافع غرب بود .

وی تصریح کرد: زمانی که درآمد نفتیمان از ۱۳۵۲ افزایش پیدا کرد نقش ژاندارمری غرب در خلیج فارس به ایران سپرده شد و از طرف دیگر ما جزو مهم‌ترین خریدارهای اسلحه آمریکایی بودیم ولی متأسفانه این خریده‌ها در وضعیت عادی صورت نمی‌گرفت .

میرحسین موسوی با بیان اینکه بیشترین تصمیم‌گیری‌ها در کشور در قبل از انقلاب، متأثر از نقش سفارتخانه‌های کشورهای بزرگ در ایران بود به دفاع مقدس اشاره کرد و گفت: همه ملت ما در این دفاع شرکت کردند و اگر پایداری آن‌ها نبود اکنون در یک نقطه دیگر جهان بودیم .

وی افزود: بعد از جنگ‌های ایران با روس که منجر به جدایی بخش‌های قابل توجهی از سرزمین ما شد یک ترس و وحشتی برای قدرت‌های غربی در کشور ما ایجاد شد و این ترس و وحشت باعث شد که پادشاهان ما در

سال‌های بعد با بی‌درایتی خود قطعاتی از کشورما را از دست دادند .

وی خاطرنشان کرد: دفاع مقدس خوف از مرگ و خوف از ایستادگی را در کشور ما از بین برد و مردم برای حفظ کشور اسلام در برابر مرگ ایستادند و این هراس را از خود بیرون کردند .

نخست وزیر دوران دفاع مقدس ادامه داد: ملتی که بعد از دفاع مقدس متولد شد ملت شجاعی بود که از قدرت‌های بزرگ نمی‌هراسید و این یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌ها برای دفاع از کشور بود و ترس از ایستادگی یک عامل بازدارنده در مقابل قدرت‌های بزرگ بود .

وی یادآور شد: استقلال فقط مساله‌ای نیست که یک سرافرازی به ملت می‌بخشد بلکه فرصت‌های خوبی را برای پیشرفت و توسعه برای کشور به وجود می‌آورد .

میرحسین موسوی با بیان اینکه بدون این استقلال و دفاع مقدس چنین سرمایه‌ای را در کشور نمی‌شد ایجاد کرد، اظهار داشت: بدون استقلال و دفاع مقدس فرصت

دستیابی و تکنولوژی هسته‌ای امکان پذیر نبود و فقط در سایه استقلال امکان دستیابی به چنین تکنولوژی‌ای امکان پذیر خواهد بود .

وی به تحریف‌هایی که علیه کشور انجام می‌شود اشاره کرد و گفت: آیا توانسته‌ایم از این فرصت (استقلال) استفاده کنیم و فاصله خود را با کشورهای که در دو دهه اخیر در آسیا با نرخ رشد بالای ۱۰ درصد پیش‌تاز بوده‌اند استفاده کنیم؟

نخست وزیر دفاع مقدس به سند چشم انداز ۲۰ ساله که به گفته وی نقشه راه کشور محسوب می‌شود اشاره کرد و این سند را صرفاً اقتصادی ندانست و در همین ارتباط خاطرنشان کرد: این سند جنبه امنیتی هم دارد و اگر بخواهیم تمامیت خود را حفظ کنیم باید همراه با سند چشم انداز ۲۰ ساله پیش برویم و براین باور باشیم این سند اهمیت فوق العاده‌ای دارد .

وی با انتقاد از بی‌توجهی دولت به سند چشم انداز ۲۰ ساله خواستار اصلاح روش‌های دولت در خصوص سند

چشم انداز ۲۰ ساله شد. میرحسین موسوی با بیان اینکه ما یک سری فرصتهایی در اختیار داریم، به خطرهایی که کشور با آن روبرو است، اشاره کرد و نسبت به غافل شدن از طرح خاورمیانه بزرگ انتقاد کرد.

میرحسین موسوی با اشاره به شب میلاد پیامبر اکرم (ص) گفت: امام در دو سال آخر عمرش بارها در سخنرانی‌ها و اطلاعیه‌هایش به اسلام ناب محمدی تاکید می‌کرد و اصل مساله‌ای که ایشان می‌خواستند به مردم منتقل کنند این بود که همه ادعاها درباره اسلام درست نیست.

وی افزود: دقت به این مساله اهمیت زیادی دارد. اسلام مصون از هر نوع جعل است و این نوع اسلام توسط پیامبر اکرم (ص) به عنوان اسوه معرفی شده است و اسلام پیامبر از هر نوع آلودگی مبرا است.

نخست وزیر دوران دفاع مقدس با بیان اینکه مشکلی که در طول تاریخ وجود داشته، آلوده شدن اسلام با

گرایش‌های مختلف است اظهار داشت: وقتی حضرت امام بحث ولایت فقیه را در نجف باز کرد اولین قدم را برای معرفی اسلام روز برداشت و دلیل مقاومت‌های بعدی ما برای رسوخ این اسلام در جامعه بود. حضرت امام این اسلام را رهایی بخش معرفی کردند که پابرهنگان و فقرا صاحب او خواهند بود .

میرحسین موسوی تصریح کرد: اسلامی که در مقابل مقدس نماهایی متحجر، سرمایه داران خدان‌شناس و مرفهین بی‌درد امام معرفی کرد اسلامی بود که به شدت با مسایل جامعه مشکل دارد. وی افزود: امام با مرفهین بی‌درد مخالف بود و با سرمایه‌های هم که در خدمت غارت کشور بودند مخالفت می‌کرد .

نخست وزیر دوران دفاع مقدس گفت: ما با مرفهینی مخالف هستیم که در میان مشکلات مردم رژه تجمّل می‌روند و با خودروهای چند میلیونی یک حالت سرکوبی را در قشرهای پایین جامعه ایجاد می‌کند .

وی ادامه داد: امام به دنبال خدشه دار کردن رابطه کارگر و کارفرما نبود و دنبال این هم نبود که جامعه ما را کالایی کند. رییس فرهنگستان هنر اظهار کرد: وقتی شهید باکری به درجه شهادت می‌رسد متوجه می‌شویم که او مهندس مکانیک است ولی این به دلیل آن است که در آن زمان مدرک ارزش نبود و افراد برای بالا رفتن از نردبان قدرت مدرک‌ها را خرید و فروش نمی‌کردند .

وی با بیان اینکه اکنون از اسلام ناب فاصله گرفته‌ایم، تصریح کرد: در جامعه‌ای که کاخ‌ها برافراشته و پول‌های عظیم برای گرفتن جشن‌های مختلف ریخت و پاش می‌شود، باید احساس خطر کنیم .

میرحسین موسوی اظهارداشت: در جامعه اسلامی ایثار و پایبندی به ارزش‌ها مهم است که منزلت اجتماعی را ایجاد می‌کند. ما با پیروزی انقلاب به نحوی تغییر کردیم و ارزش‌ها از مصرف به چیزهای دیگر تبدیل شد و دلیل حفظ استقلال ما هم تاکنون در همین مساله آشکار است .

وی اضافه کرد: در اول انقلاب ارزش‌های قشرهای ضعیف بود که یک نوع چیرگی در جامعه پیدا کرد. نخست وزیر دوران دفاع مقدس تاکید کرد: اسلام ناب مخالف تحجر است و از همه تجربیات بشر استفاده می‌کند. در دید متحجرانه از همه نیروها استفاده نمی‌شود و به برنامه‌ها اعتنایی نمی‌شود. ▀

وی با اشاره به سریال حضرت یوسف (ع) گفت: وقتی که حضرت یوسف (ع) مورد اعتماد فرعون قرار گرفت، گفت که اداره کشور را به من بسپار و او توانست از یک بحران ۱۴ ساله با استفاده از همه نیروهایش عبور کند. وقتی هفت سال فراوانی و بعد هفت ساله قحطی در آن زمان اعلام شد حضرت یوسف (ع) از همه روش‌ها و نیروهایش استفاده کرد تا بتواند در سال‌های قحطی تمدن را حفظ کند چرا که برخی از قحطی‌ها تمدن‌های بزرگی را از بین برده است. ▀

وی خطاب به مسوولین کشور افزود: آیا در سال‌های فراوانی ارز نفتی، که به صورت غیرعادی ذخایر ما را بالا

برد، برای سال‌های کمبود و قحطی برنامه‌ای ریخته‌ایم؟ آیا در سال‌های فراوانی درآمد ارزی، گوش به نقد کارشناسی داده‌ایم و آیا به حرف‌های متخصصان و کارشناسان سیاسی گوش داده‌ایم که فراز و نشیب‌های سیاست را به ما یادآوری کرده‌اند؟

نخست وزیر دوران دفاع مقدس با بیان اینکه اسلام ناب برای یک دوره خاص نیست، اظهارداشت: همیشه می‌شود از اسلام ناب استفاده کرد. این اسلام از برنامه ریزی استقبال می‌کند و نمی‌تواند سازمان برنامه بودجه را منحل کند. اسلام ناب به ما توصیه می‌کند که از همه نیروهای کشور استفاده کنیم و بازوانی بلند داشته باشیم و قدر گوناگونی نیروهایمان را بدانیم و آن‌ها را تهدید به حساب نیاوریم ▪

وی ادامه داد: در کشور ما که استقلال وجود دارد دولت‌ها باید به سمتی بروند که از همه نیروها استفاده کنند، نه اینکه به بخش قابل توجهی از مدیران کشور بی‌اعتنایی شود. رییس فرهنگستان هنر متذکر شد ما

سرمایه‌های بی‌نهایتی نداریم و بزرگ‌ترین منبع کشور ما مردم هستند و بعد ذخایر نفتی و سایر منابع .

وی افزود: منابع کشور باید در اختیار اهداف استراتژیک باشد؛ نه اینکه این منابع را در خدمت پروژه‌های کوچک که رضایت عامی در جامعه ایجاد می‌کند به کار گیریم .

میرحسین موسوی در پایان سخنانش گفت: استفاده از این منابع کمیاب به غیر از اهداف راهبردی جزو مسایلی است که عدم توجه به آن فساد در جامعه زیاد می‌کند و اگر ما به اسلام ناب برگردیم باید با دقت بیشتری از منابع کشور استفاده کنیم.

پیام به سید محمد خاتمی پس از انصراف وی از نامزدی انتخابات

بسم الله الرحمن الرحيم

برادر عزیز جناب حجت الاسلام و المسلمین سید محمد
خاتمی

با سلام، پیام دلسوزانه شما را مطالعه کردم و از اظهار
لطفی که به این فرزند کوچک مردم و دوست قدیمی
خود نموده بودید منفعّل شدم. برای سال‌ها به عنوان
یک شهروند از این که شخصیت عزیزی چون شما
ریاست این جمهوری را بر عهده گرفته است لذت
می‌بردم و به آن افتخار می‌کردم. زمانی که نسل
نواخته تلالو آرمانهای خود را در آن چهره ملاقات
می‌کرد و به هیجان می‌آمد به همراه آنان خود را جوان
می‌دیدم. این احساس همچنان که هنوز با آنان
باقیمانده است با اینجانب نیز هست و ذخیره‌ای است

برای اسلام و انقلاب و سعادت‌ی که مردم ما به راستی مستحق‌اند. بسیار تاسف خورده‌ام که مخالفان چگونه می‌توانند نقشی را که در بزنگاهی خطیر از انقلاب اسلامی برای اصلاح‌طلبی بر عهده گرفتید نبینند و یا موافقان با امید افزایش مطالبات از تاکید بر دست‌آوردهای بزرگی که داشته‌اید چشم‌پوشی کنند، تا جایی که فضا برای غفلت از آنها باز شود؛ غفلت نه فقط از کامیابی‌های دوران‌سازی که درکشان به مرور زمان و یا نگاه‌های عمیق نیاز دارد که حتی حقیقت‌روشنی چون نقش دولت شما در انشای پیشرفت‌های بدست آمده در زمینه انرژی هسته‌ای و یا ارتقای موقعیت جهانی نظام و کشور.

خود می‌دانید که اینجانب چون شما راه درست را اصلاحات همراه بازگشت به اصول، و نیز پیرایش و نوزایی در این مسیر تلقی می‌کنم و اگر مختصات زمانه ایجاب نمی‌کرد برای تداوم این طریق کسی را مناسب‌تر از پایه‌گزار آن نمی‌دانستم. همچنین و همان‌گونه که در

ملاقات حضوری عرض کردم دقت و صحت برآوردی که از این مختصات دارم را برگشت ناپذیر نمی‌بینم و اگر فارغ از رودربایستی‌هایی که تاریخ بر ما نخواهد بخشید و ملاحظات‌هایی که در مقایسه با منافع ملی جا دارد نادیده گرفته شوند، رای دوستان و غالب بر همه نظر شما این ارزیابی مرا تایید نکند بر آن اصرار نمی‌کنم. همچنین فرصت و فسحت مجال را برای اتخاذ بهترین تصمیم و وصول وحدتی که نیروهای همفکر و همسنگر بدون تردید به آن می‌رسند هنوز گسترده می‌دانم و تاخیر خود یا شما یا هریک از دیگر دوستان را در خروج از صحنه مفید به شورانگیزتر شدن فضای انتخابات می‌شناسم.

در عین حال اگر تصمیم شما قطعی است، انتظار تمامی مردم ایران و در میانشان اینجانب از تعهد اسلامی و انقلابی که در آن جان عزیز سراغ گرفته‌ایم این است که نقش شما در تحقق آرمان‌هایی که پیش‌رو داریم همچنان ادامه یابد. به ویژه برای توسعه جامعۀ مدنی که

دغدغه عصری نیروهای فهیم و دلسوز کشور است نیاز
به سرمایه گذاری های جدی چون تلاش و تکیاوی
مشخص شماست.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

میر حسین موسوی

۲۷ اسفند ۱۳۸۷

نخستین گفتگوی مطبوعاتی پس از نامزدی

۱۷ فروردین ۱۳۸۸

مهندس موسوی با تأکید بر قانون‌گرایی در کشور، گفت که وقتی قانون‌گریزی به یک رویه تبدیل شود باید نسبت به نظام احساس خطر کنیم.

به گزارش قلم‌نیوز، نخست‌وزیر دوران دفاع مقدس بعد از ظهر امروز دوشنبه در نخستین نشست خبری خود پس از اعلام کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری، با بیان اینکه این نگاه متأثر از شرایط جهانی و داخلی است، افزود: جامعه ما در چهار سال گذشته تغییراتی داشته است و اتفاقاتی که افتاده است، می‌تواند در تصمیم‌گیری مردم موثر باشد.

وی گفت: این تاثیر زمانی است که با تکیه بر کرامت انسانی که یکی از تجلی‌های آن در چارچوب یک انتخابات آزاد، عادلانه و رقابتی می‌تواند بروز کند، در مردم امید به وجود بیاورد و احساس کنند فضایی در این زمینه وجود دارد. بنابراین جزء وظایف اصلی دولت، ملت، همه نهادها، ارگان‌ها و رسانه‌هاست که از یک انتخابات آزاد رقابتی منصفانه حمایت کنند.

موسوی در ادامه با اشاره به انگیزه حضور خود در صحنه و نیز توضیح درباره فعالیت‌هایش در طول ۲۰ سال گذشته، گفت: سال ۶۸ کار بنده در دولت تمام شد و در آن دوره، تجدیدنظری نیز در قانون اساسی انجام شده بود و خود به خود پست نخست‌وزیری برداشته شده بود. بنده نه تنها در آن مقطع بلکه در مقاطع قبلی هم فکر می‌کردم که ما انقلاب کردیم که افراد در یک پست و مقام، همیشگی و جاودانی نباشند.

وی با اشاره به اینکه بنا بر قانون اساسی، امید بود که سلیقه‌های گوناگونی به صحنه بیایند، گفت: من معتقدم

اگر این قوانین به درستی رعایت شوند، هر عقیده و فکری می‌تواند وجود داشته باشد زیرا یک نظام در طول زمان تثبیت می‌شود و هیچ مسئولی هم نمی‌تواند روی کار بیاید مگر اینکه تفاوت‌هایی با فرد قبلی داشته باشد. ابتدا برادر بزرگوارمان آقای هاشمی تشریف آوردند و بعد هم آقای خاتمی تشریف آوردند که من هم در سال ۷۶ همان نظر را داشتم.

موسوی در ادامه افزود: هیچگاه این نگرانی را نداشتم که فردی از جناح راست یا چپ به روی کار بیاید. هرچند ممکن بود که خودم گرایش خاصی داشته باشم، اما اصل را در خود نظام می‌دانستم و اعتقادم این بود که هر چند به صورت سینوسی ولی کشور به پیش خواهد رفت. اگر کسی در کاری افراط می‌کرد، فرد بعدی تلاش می‌کرد، آن را تعدیل کند. در انتخابات ریاست جمهوری نهم هم افراد گوناگونی آمدند و انتخابات انجام شد.

موسوی گفت: آنچه در دوره جدید من را به سمت حضور راند و از هفت - هشت ماه پیش که بحث

انتخابات ریاست جمهوری مطرح بود، هر وقت از من در این مورد سؤال می شد، بر خلاف همیشه جواب نه، ندادم، این بود که احساس کردم خود آن قواعد و قوانین در حال آسیب خوردن و از بین رفتن است و این انگیزه ورود من بود و از همان ابتدا که این بحث ها مطرح شده بود نیز این فکر را داشتم اما هر چه زمان گذشت بر این فکر خود مصر تر شدم.

وی با بیان دلایل حضور خود برای انتخابات ریاست جمهوری گفت: یکی از مهمترین دلایل حضور من، مسأله قانون گریزی است. اجرای قانون هر چند در شکل صوری، قدم اول برای حفظ و حراست از کرامت انسانی و حفظ منافع ملی است.

موسوی با بیان اینکه وقتی شرایطی ایجاد کنیم که قانون گریزی نه یکبار بلکه بارها تکرار و تبدیل به رویه شود باید نسبت به نظام خود احساس خطر کنیم ادامه داد: ممکن است قانون گریزی با نیت خوب هم صورت

گرفته باشد اما فکر می‌کنم هیچ مساله‌ای بالاتر از اجرای قانون نباشد.

وی دومین دلیل عمده حضور خود در انتخابات ریاست جمهوری را برهم خوردن ساختارهای تصمیم‌گیری در کشور عنوان کرد و گفت: مسأله دوم به هم زدن ساختارهایی در سیستم تصمیم‌گیری است که به هم خوردن آنها امکان تصمیم‌گیری عقلانی را در کشور از بین می‌برد و حفظ این ابزارها بسیار مهم است. وقتی در نظام تصمیم‌گیری درست را به هم بزنیم امکان تصمیم‌گیری درست در شرایط پیچیده را از دست می‌دهیم و به قهقرا می‌رویم.

موسوی با بیان اینکه دلیل بعدی، مسأله عدم شفافیت گردش اطلاعات در کشور بود، گفت: بنده نه یک بار، نه دوبار، نه ده بار بلکه بارها این مسأله را دیده‌ام که مردم، نخبگان و همه قشرهای ما با آمارهای متفاوتی مواجه شده‌اند و امکان تشخیص درست را از دست داده‌اند. وقتی گردش آزاد اطلاعات در کشور وجود نداشته باشد

امکان تصمیم‌گیری درست از بین می‌رود و یکی از اساسی‌ترین حقوق ملت از آنها سلب می‌شود. سیاست‌های اجرایی در زمان جنگ، در بسیاری از کشورها آزموده شده بود.

موسوی در ادامه به پرسش و پاسخ با خبرنگاران، در پاسخ به سوال روزنامه اطلاعات در باره اینکه ذهنیت مردم از موسوی به زمان جنگ برمی‌گردد و به نوعی سیاست اقتصاد کوپنی را تداعی می‌کند و اکنون چه سیاستی در زمینه اقتصادی اتخاذ خواهد شد گفت: من بارها گفتم شرایط جنگ این سیاست‌ها را ایجاب می‌کرد و این به کشور ما منحصر نیست و همه کشورها در جنگ در صورتی موفق بودند که بر اقتصادشان نظارت داشته باشند و یکی از نمونه‌های آن کشور انگلستان است. من بارها گفتم انگلیسی‌ها حتی ورود و خروج کالاها را تحت کنترل داشتند. ژاپن قیمت ارز را در کشورش زمانی شناور کرد که ۲۰ سال از جنگ گذشته بود.

پس از جنگ با توجه به شرایط جدید و درآمدهای ارزی و فعال شدن ۵ استانی که به دلیل جنگ از مدار تولید کنار رفته بود سیاست های جدیدی اتخاذ شد و کارهایی شروع شد و سیاست های اقتصادی به اصول و بنیادهایی بر می گردد و تحت شرایط مختلف سیاست ها عوض می شود. در شرایط جدید قرار نیست سیاست های زمان جنگ دنبال شود.

وی در مورد راه حل های اقتصادی گفت : در این زمینه در برخی زمینه ها اجماع هست و در برخی زمینه ها اختلاف نظر وجود دارد. الان بیش از ۱۰۰۰ نفر دکترای اقتصاد داریم و با تکیه بر آنها برنامه های خوبی می توان داشت.

وی ادامه داد اگر از من سوال می کنید در قدم اول چه کاری باید صورت بگیرد می گویم قدم اول ایجاد ثبات مدیریتی در کشور باید ایجاد شود و نگاهی به بودجه بیاندازد و تغییراتی را در آن ایجاد کند و در قدم های بعدی راه اندازی تولید و امید دادن به مردم ، بخش

خصوصی و نیروی کار را باید در دستور کار قرار داد. وی کنترل افزایش نقدینگی و ثبات ارزش پول کشور را از دیگر سیاست ها دانست و گفت: دشوارترین مشکل دولت تورم و بیکاری است و این جز با نگاه نو به بخش خصوصی و تولید حل نمی شود.

دفاع از آزادی کانال های تلویزیونی.

موسوی در ادامه در پاسخ به سوال مهر درباره آزادی تلویزیون های خصوصی گفت: من در مجلس بازمی بینم قانون اساسی سال ۶۸ و سخنگوی اجرایی آن مجلس بودم جزو مواردی که از پیشنهادات بنده بود و من از آن دفاع کردم آزادی کانال های تلویزیونی با مدیریت نظام بود و هنوز هم اعتقادم عوض نشده در آن جلسه یکی از دوستان گفت شما می خواهید همه چیز را دولتی کنید و این که باید دولتی باشد می خواهید خصوصی کنید و این موضوع رد شد. وی تاکید کرد: من هنوز بر ایده گذشته اصرار دارم با توجه به گسترش فضای رسانه ای جهان امروز حتی در عراق که کشور همسایه ماست

این موضوع دیده شده و ما امکان حرکت در فضای رسانه ای نداریم مگر اینکه آزادی عمل داشته باشیم ولی هر تغییری در این زمینه با توجه به قانون اساسی صورت خواهد گرفت و باید به قانون اساسی رجوع کنیم این قانون در اصل ۴۴ زاویه هایی را باز می کند. شاید باید منتظر بازنگری هایی باشیم و من در این زمان ها از این ایده دفاع می کنیم.

منتظر تغییرات در سیاست های عملی امریکا هستیم.

موسوی در پاسخ به سوال خبرنگار الجزیره در باره رابطه ایران و آمریکا و موضع گیری های اخیر باراک اوباما گفت : لحن اوباما نسبت به رییس جمهور قبلی تفاوت کرده و منتظر می مانم که ببینم این تفاوت ها چه تغییرات عملی در سیاست های آمریکا خواهد داشت البته سخنان اخیر اوباما در پراگ بر سخنان نوروزی سایه انداخته و وی اتهاماتی را متوجه ایران کرده و ادامه این اتهامات می تواند بر ارتباط ایران و

آمریکا سایه اندازد ما منتظریم ببینیم قدم های بعدی به کجا خواهد کشید.

گشت های ارشاد را جمع آوری می کنم.

موسوی در پاسخ به سوال خبرنگار اعتماد که پرسید «شما نخست وزیر دورانی بودید که دوران بگیر و ببند بود اگر شما رئیس جمهور شوید با طرح امنیت اجتماعی و طرح های مشابه چگونه برخورد می کنید و سوال دوم اینکه موضع شما درباره تحزب چیست آیا به احزاب در کابینه سهم می دهید یا خود را فراحزبی می دانید؟» گفت: پروژه امنیت اجتماعی اثرات سوء دارد و تامین کننده اهداف نظام ما نمی باشد و همه مسایل اجتماعی با تکیه بر مزیت های ما در اعتماد به جوانان و زنان باید تهیه شود و به صورت آمرانه و خشن هر نوع برخوردی که داشته باشیم آثار مثبتی نخواهد داشت. وی تاکید کرد: بخشی از برخوردها اساساً موضوعیت ندارد و با سونیت انجام می شود و این به

حساب نظام گذاشته شود و من این گشت ها را جمع خواهم کرد.

به تحزب اعتقاد دارم/ مشکلات کشور ناشی از نبود احزاب قوی است.

وی درباره تحزب گفت: من رییس دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی بودم و اهمیت تحزب را می دانم و یکی از کاستی های کشور نبود حزب های قوی است و بخشی از مشکلات انتخابات های ما به این مساله بر می گردد. اگر در زمینه حزب پیشرفت داشتیم مشکلات کمتری بود و اگر احزاب امیدوار باشند که در آینده می توانند سهمی در انتخابات داشته باشند برای ملت خودشان برنامه ریزی می کنند و نیروی انسانی تربیت می کنند. وی ادامه داد، معتقدم در این زمینه ضعف داریم و باید مشکلاتش را حل کنیم در این زمینه باید تشکل های سیاسی قوی در چارچوب قانون اساسی شکل بگیرد اما من مساله اعتقاد به تحزب را مساوی سهم دادن به احزاب نمی دانم اگر از سلیقه من درباره

گزینش مدیران سوال شود می گویم هر کسی که بتواند به کشور خدمت کند باید از او استفاده کرد من مخالف تغییرات اساسی در نیروهای وزارت خانه ها و تغییرات کامیونی نیروها هستم و باید از مدیرانی با تجربه قدیمی استفاده کرد و مدیران جدید را جذب کرد. من در زمان جنگ این کار را می کردم. در دولت من در زمان جنگ ۹ نفر بودند که کاملاً با منی کلی دولت مخالف بودند و ما هم اطلاع داشتیم اما با هم برای اعتلای کشور کار می کردند و نتایج خوبی می گرفتیم در آینده هم اینگونه خواهد بود.

نمی توانم با افراد ساختار شکن کنار بیایم و هیچ وقت هم در مقابل آنها سکوت نکرده ام.

موسوی در پاسخ به خبرنگار فارس که پرسید، علت سکوت شما نسبت به ساختار شکنی هایی که درباره دین و خط امام صورت گرفت چیست و خط قرمز شما با گروه های سیاسی و احزاب در کجاست؟ گفت: شرایط اوایل انقلاب به گونه ای بود که شهید بهشتی می

توانست با کیانوری و دکتر پیمان و نماینده چریک های فدایی خلق مناظره کند و با استدلال فضایی را در کشور باز کند. بنده آن مناظره ها را به این معنا نمی گیرم که آقای بهشتی افکار خود را به سطح حزب توده تقلیل می داد بلکه اینگونه بود که ایشان به برهان خود انقدر اعتقاد داشت که به مصاف یک اندیشه می رفت. وی ادامه داد، در کشور ما ممکن است ساختار شکنی را اینگونه تعبیر کنیم که کسی می خواهد با نظام بجنگد که حساب او با دستگاه های امنیتی است اما ممکن است کسی اعتقادش را به نظام از دست داده باشد اما در چهارچوب قانون عمل کند ما حق نداریم مثل کسی که از مدار شهروندی خارج شده با او مواجه شویم. وی تاکید کرد، من نمی توانم با افراد ساختار شکن کنار بیایم و هیچ وقت هم سکوت نکردم. من در همین ۲۰ سال دست کم سالی یک تا دو سخنرانی داشتم و مواضعم را بیان کردم و بر اساس همان مواضع عمل می کنم و در اطلاعیه ای که دادم این

اصول را به صراحت مطرح کردم و در آینده هم بر همین اصول متکی خواهم بود. موسوی گفت: من برای خودم قید درست نمی کنم و اینگونه نیست که سریع خط قرمز بکشم و افراد به غیر نظام یا خودی و غیر خودی تبدیل کنم من با اصلاح طلبان و اصولگرایان ارتباط قوی دارم و گفتم من اصلاح طلبی هستم که دایم به اصول رجوع می کنم و دستم را به کسانی که قانون اصول و نظام را قبول دارند دراز می کنم هنوز می گویم بسیج مدرسه عشق است و در عین حال می دانم در میان شعارهای اصلاح طلبی هم شعارهای زیبایی هست و به معنای این نیست که تایید آن شعارها اصول را نفی می کند.

یکی از آسیب های ما در سیاست خارجی افراط و تفریط هاست

در ادامه خبرنگار خبرگزاری فرانسه از او پرسید، گفته می شود شما شخصیت میانه رویی دارید چه کارهایی

انجام خواهید داد که چهره جمهوری اسلامی نه افراط و نه تفریط باشد و نظر شما درباره هولوکاست چیست؟

موسوی پاسخ داد، یکی از آسیب های ما در سیاست خارجی افراط و تفریط هاست در جایی ما تند رفتیم و در جایی مجبوریم کند برویم و این جریان ها به منافع ما لطمه جدی زده است درباره هولوکاست اسلام کشتن یک فرد را بر نمی تابد و این چهره اسلام است. بحث هولوکاست بحث اینکه چه تعداد یهودی بودند نیست بحث این است که آیا از هولوکاست که جنایتی اتفاق افتاده فلسطینی ها چه گناهی دارند و چرا باید تقاص جنایت نازی ها را پس بدهند اگر از این منظر نگاه کنیم خواهیم دید که ما مطابق همه هنجارهایی که بشریت به آنها معتقد است صحبت می کنیم.

گمان نمی کنم کسی به اندازه من با گرایش های جوانان اشنایی داشته باشد

وی در پاسخ به سوال ایسنا که پرسید: «برخی منتقدان می گویند آقای موسوی در ۲۰ سال گذشته ارتباطی با

جوانان نداشته و آیا جوانان نسل سوم آقای موسوی را می شناسند ؟ گفت: بین نسل های مختلف امکان گفت و گو قایل هستیم و من می توانم چنین ارتباطی را برقرار کنم من در ده سال گذشته در فرهنگستان هنر بودم و با جامعه میلیونی هنرمندان ارتباط داشتم و مهمترین استفاده کنندگان کالاهای فرهنگی ما جوانان هستند و گمان نمی کنم افرادی که تا این اندازه به گرایش های جوانان اشنایی دارند به اندازه من باشند یکی از مشغله های روزانه من درباره جوانان بود.

وی ادامه داد، به نظر من مهمترین مساله جوانان این است جوانان بیش از همه متاثر تغییراتی هستند که در جامعه رخ می دهد و نوع برخورد ما به این تغییرات بسیار مهم است برخی در جهت بستن تغییرات جهانی حرکت می کنند در حالی که این رویه موجب انباشت مسایل پشت یک سد می شود و در صورت شکست آن خطرات جدی کشور را تهدید می کند که یکی از مهمترین آنها جدایی جوانان از نظام است.

مشکل از اینجا شروع می شود که عده ای را خودی و عده ای را غیرخودی می نامیم

وی اظهار کرد: ما باید ماهیت تغییرات را بفهمیم قدرت ماهواره ها و رسانه ها را درک کنیم ، به دهکده جهانی توجه کنیم و در عین حال سعی کنیم تغییرات را مدیریت کنیم. یکی از مشکلات ما در مورد جوانان این است که اعتماد ما به جوانان کم شده و به محض اینکه کمی ظاهر آنها با ما تفاوت می کند هزار سو ظن در ذهن ما برانگیخته می شود. مورد دیگر این است که نهاد خانواده در کشور ما هنوز مهم است و همه متعلق به خانواده های بزرگی هستیم . خانواده ها بزرگترین کنترل کننده سلیقه های گوناگون هستند. مشکل از اینجا شروع می شود که ما در یک خانواده بزرگ عده ای را خودی و عده ای را غیرخودی می نامیم و نتیجه آن نوعی جدایی بین نسل های گوناگون است در حالی که در نهادهای سنتی که از ارزش های زیبای مذهبی متأثر هستند این جدا سازی ها وجود ندارد.

باید به جوانان اعتماد کنیم و بدانیم آنها کشور خودشان را دوست دارند

وی ادامه داد، آیا یک گشت امنیتی می تواند جوانان ما را حفظ کند یا پدربزرگی که سعی دارد نوه هایش را حفظ کند؟ من معتقدم ما بخشی از نهادهای سنتی را از دست می دهیم و برای اعتماد سازی باید به جوانان اعتماد کنیم و بدانیم آنها کشور خودشان را دوست دارند و سعی کنیم نظام ارتباط قوی با این نسل ایجاد کند.

موسوی تاکید کرد، این نسل فرزندان همان پدرانی هستند که دفاع مقدس را پیش بردند امروز جنگ نیست اما کشور مسایل دیگری دارد اگر اول انقلاب به جوانان اعتماد نمی کردیم ان همه نیرو در جبهه ها نداشتیم الان هم باید به فرزندان همان جوانان اعتماد کنیم

علاقتمندم از نظرات همه شخصیت ها با هر گرایشی استفاده کنم

در ادامه کنفرانس مطبوعاتی میرحسین موسوی خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران این سوال را مطرح کرد که در صورت انتخاب از با توجه به اینکه مشاور آقایان هاشمی و خاتمی بودید آیا برای مشاوره گرفتن از آنها استفاده می کنید یا نه؟

به گزارش "کلمه" موسوی در پاسخ به این سوال گفت: انتخابات فصلی برای تجدید نظر ملت ها نسبت به گذشته و آینده است. چه بسا واسطه ای برای نزدیک کردن نیروها و ایجاد وحدت در جامعه باشد. در مورد آقای خاتمی و آقای هاشمی به مشاورت این دو افتخار می کنم و هر کسی هم که رییس جمهوری باشد با طیب خاطر نظراتم را به ایشان اعلام کنم. من در آینده جرات نمی کنم به آقای خاتمی پیشنهاد شغلی بدهم هر چند از کمک ایشان استفاده خواهم کرد و انتظار دارم پیش از انتخابات نیز ما را مساعدت کنند و از مشورت های ایشان استفاده خواهم کرد. همانگونه که علاقمندم از نظرات همه شخصیت ها با هر گرایشی استفاده کنم.

اول انقلاب نظارت استصوابی نداشتیم و این بعدها به قانون تبدیل شد

خبرنگار دنیای اقتصاد نظر مهندس موسوی را درباره برگزاری انتخابات در ایران و نظارت استصوابی پرسید و گفت: در انتخابات دوره هفتم ۸۰ نفر از نمایندگان رد صلاحیت شدند موضع شما درباره چنین نظارتی چیست ؟ وی سوال دیگری مطرح کرد و گفت: شما فرمودید برنامه دارید که به بخش خصوصی امید بدهید ، برنامه عملیاتی شما در این زمینه چیست ؟

موسوی در پاسخ به این سوال گفت: ما اول انقلاب نظارت استصوابی نداشتیم و این بعدها به قانون تبدیل شد. این سوال دو بخش دارد و من با کنار گذاشتن آنها جواب می دهم.

موسوی گفت: رییس دولت موظف است به قوانین عمل کند حتی اگر به آن اعتقاد نداشته باشد دوم اینکه رییس دولت می تواند به قانون اعتقاد نداشته باشد و

اقدام کند که تحولی ایجاد کند و قوانین را به سمت مطلوب سیر دهد من به این روش اعتقاد دارم.

در مورد مجلس هفتم هم صریحا نظرم را اعلام کرده بودم و می توان به اسناد موجود مراجعه کرد.

نباید دنبال مافیای نفتی خیالی باشیم

وی ادامه داد: ما باید فضای کسب و کار را بهتر کنیم و اراده ای قوی می طلبد و نیازمند همکاری همه قوا هستیم. ما باید جلوی فساد مالی را بگیریم اما منظور من این نیست که باید دنبال مافیای نفتی خیالی باشیم اما با روش های اجرایی و مصوبات می توان زمینه های جرم خیری را کم کرد و در نهایت اگر فاسدی پیدا شد با همکاری قوه قضاییه باید عمل کرد.

وقتی ما در سه سال سه رییس بانک مرکزی عوض کنیم طبیعی است که سرمایه گذار داخلی و خارجی حاضر به مشارکت نیست

میرحسین موسوی ادامه داد: بخش خصوصی از شناور بودن سیاست ها می ترسد. کسی که زحمت کشیده و با

خون دل سرمایه ای جذب کرده با وجود سیاست های شناور نمی تواند سرمایه گذاری خوبی داشته باشد وقتی ما در سه سال سه رییس بانک مرکزی عوض کنیم طبیعی است که سرمایه گذار داخلی و خارجی حاضر به مشارکت نیست. من حمایت از تولید کننده داخلی را نیز به عنوان یکی از برنامه ها دنبال خواهیم کرد در دوران جنگ هم این برنامه را دنبال می کردم. برای همه ما باید دردناک باشد که پسته کالیفرنمایی در آجیل ما باشد امروز همه خبر دادند که صادرکنندگان خارجی مستقیم با کارخانه هایی که سالها رشد کردند تماس می گیرند که تولید را متوقف کرده و کالاهای آنها را به فروش برسانند.

تلاش می کنم اعتماد سازی کنم و بدبینی های تصنعی مربوط به موضع گیری های افراطی را از بین ببرم

موسوی در پاسخ به سوال خبرنگار جام جم که پرسید سیاست خارجی شما چگونه است و دولت نهم نگاه به شرق را مطرح کرد حال شما چه برنامه ای دارید؟

پاسخ داد: ما به دنبال تامین منافع ملی به صورت حداکثری هستیم و این کار نباید همراه با زیاده روی ها و تندروی ها بشود که به ما لطمه بزند، همچنین من سیاست تنش زدایی را در پیش خواهم گرفت و تلاش می کنم اعتماد سازی کنم و بدبینی های تصنعی و مربوط به موضع گیری های افراطی را از بین ببرم. درباره رابطه شرق یا غرب آنچه تعیین کننده است حفظ منافع ملی ماست و ما می خواهیم با همه کشورها چه شرق و غرب ارتباط داشته باشیم.

به ظرفیت سازی برای روابط جدید نیاز داریم/بهبتر است به سمت دوستی با ملت ها پیش برویم

به گزارش "کلمه" موسوی ادامه داد: بنده در صحبت های اخیر اشاره کردم کشوری در صحنه جهانی می تواند موثر باشد که با دست پر به این مصاف برود. وی

با ذکر مثال آمریکا گفت: قدرت بزرگی است و با ما مشکل دارد و می خواهد با ما برخورد کند ولی اول با اروپا هماهنگ می کند اما ما که می خواهیم درباره دنیا عمل کنیم چه متحدانی داریم؟ چقدر از مزیت های نسبی که در منطقه داریم استفاده کردیم؟ برنامه روشن برای ایجاد ارتباط خلاق و سازنده با کشورهای همسایه و آسیای مرکزی و قفقاز که مناطق تاریخی برای حضور ما هست نداریم. ما حتی در سازمان همکاری های شانگهای حضور روشنی نداریم. وی خاطر نشان کرد: البته ما دوستان محکمی داریم که باید آنها را به عنوان سرمایه حفظ کنیم و روابطمان را با آنها تقویت کنیم اما در عین حال به ظرفیت سازی برای روابط جدید نیاز داریم. دولت بعدی هر که باشد بهتر است به سمت دوستی با ملت ها پیش برود و تنش ها را از بین ببرد و این برای توسعه داخلی ما بسیار حیاتی است.

موضع ما رفتن برای ساخت تسلیحات هسته ای نیست

وی در پاسخ به سوال خبرنگار خبرگزاری اسپانیا در مورد مسایل هسته ای پاسخ داد: در نخستین سال های انقلاب بحث راه اندازی نیروگاه بوشهر وجود داشت حتی رژیم سابق قرار بود در رابطه با انرژی هسته ای با فرانسوی ها همکاری داشته باشند اما در سال های بعد از انقلاب این قراردادها نقض شد. در سال های بعد هم ما در نخست وزیری و هم در زمان دولت آقای هاشمی تلاش های زیادی انجام شد که کارهای قبلی به ثمر برسد اما از هر در وارد شدیم نشد و با کارشکنی کشورهای غربی مانند روسیه چین و آرژانتین مواجه شدیم. وی تاکید کرد اگر به انرژی هسته ای نمی پرداختیم به نوعی تصمیم به عقب گرد بود بنابراین مقرر شد برای رسیدن به تکنولوژی های برتر روی پای خود بیاییم. زمان آقای خاتمی کار جدی شروع شد و تکنولوژی در این زمینه پیش رفت تا پایان دوره ایشان کار پیشرفت زیادی کرده بود در همان دوران بحث تعلیق مطرح شد تا راه حلی برای رفع شبهات ارائه

شود، در سال های بعد تعلیق شکسته و مجتمع اصفهان راه اندازی شد. تصمیم کل نظام این است که باید این تکنولوژی را داشته باشیم ، عوارض عقب نشینی بسیار گسترده خواهد بود ما نباید عقب نشینی کنیم به همان اندازه که مساله عقب نشینی در جریان ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۳۰ اهمیت داشت. موضع ما رفتن برای ساخت تسلیحات هسته ای نیست.

موسوی ادامه داد: ما جزو نخستین کشورهایی بودیم که تعهد نامه را امضا کردیم و الان هم به تعهداتمان پای بند هستیم و مساله پیشرفت در این زمینه از مساله تسلیحات جدا شود و در این زمینه به اعتماد سازی بیشتری نیاز داریم و اگر این دو مساله به هم گره بخورد که الان اینگونه است حل مساله دشوار خواهد بود، موضع من در این زمینه کم کردن هزینه ها با مقاصد صلح آمیز است.

در همه برنامه و از جمله سند توسعه باید اصول سند چشم انداز رعایت شود

در ادامه خبرنگار جمهوری اسلامی از موسوی پرسید، مجموعه اقدام هایی که در ۴ سال گذشته انجام شده و شما به آنها انتقاد داشتید ناشی از نگاه خاص دولتمردان به مسایل سیاسی است حال همین رویکرد در حال تدوین برنامه ۵ توسعه است که شما در صورت انتخاب به عنوان رئیس جمهور آینده ملزم به اجرای آن هستید با برنامه ۵ توسعه تدوین شده دولت نهم چه خواهید کرد؟

موسوی در پاسخ به این سوال گفت: برنامه پنجم مشابه با اصول برنامه چهارم تدوین شده است و این اصول متأثر از برنامه چشم انداز ۲۰ ساله است در همه برنامه و از جمله سند توسعه باید این اصول رعایت شود، نحوه برخورد مجلس با لایحه یارانه ها هم این نوید را می دهد که مجلس برای توجه به این اصول در برنامه دقت لازم را داشته باشد.

حضور آقای کروبی به فضای گفتگو در جامعه کمک کرده است

در ادامه خبرنگار پرس تی وی از موسوی پرسید چه میزان احتمال می دهید که شما و آقای کروبی به توافق برسید و یک نفر به عنوان کاندیدا معرفی شود که موسوی پاسخ داد: ایشان از برادران بزرگوار ماست و فردی مستقل و شناخته شده هست و مواضع خودشان را دارند به هر حال این تصمیم فردی و مربوط به بنده نیست حضور ایشان به فضای گفت و گو در جامعه کمک کرده و اگر یکی از اهداف ما جلب ارای زیاد و روشنگری باشد حضور تک تک کاندیداها مغتنم است و ما از بودن ایشان در صحنه خوشحال هستیم اما اینکه نهایت کار به کجا بیانجامد باید منتظر باشیم و نتیجه هرچه باشد امیدواریم به نفع مردم باشد.

اعتقاد این است که محدودیت ها پاسخ نمی دهد خبرنگار نیویورک تایمز نیز با اشاره به فضای بسته کشور نسبت به گذشته پرسید آیا می خواهید این فضا را باز کنید و با توجه به فشارهای زمان آقای خاتمی چگونه این کار را می کنید؟

موسوی پاسخ داد : من تاکید کردم اجرای صوری قانون مقدمه ای برای تحول عمیق است. شما انتشاراتی را در نظر بگیرید که ۲۰ سال سرمایه گذاری کرده و با سختی سرمایه جمع کرده اما وقتی چند جلد از کتاب هایی که با سلیقه شما جور نیست را توقیف می کنید چه اتفاقی می افتد ؟ وقتی این انتشاراتی در معرض ورشکستگی قرار می گیرد اتفاقی که در سال های گذشته شاهد بودیم اما اگر رعایت قانون کنیم و به کتابی که یک بار مجوز گرفته اجازه بدهیم مشکلی پیش نمی آید و او به کارش ادامه می دهد. وی ادامه داد در مورد فضای مجازی هم اگر قانون را آنچنان که هست رعایت کنیم زمینه برای باز شدن مستعد است. روش من اجرای دقیق قانون در این زمینه هاست اعتقاد من این است که محدودیت ها پاسخ نمی دهد و مدیریت فضای سیاسی و فرهنگی کشور با مزیت های تمدنی و فرهنگی و اعتماد به مردم و سرمایه اجتماعی این قدرت را به ما می دهد که جریان توسعه یافتگی را تشدید کنیم.

در مساله فلسطین باید به آرای مردم رجوع کنیم

موسوی در پاسخ به خبرنگار تهران تایمز که پرسید اگر رئیس جمهوری بعدی ایران باشید از تشکیل دولت فلسطین در مرزهای ۱۹۶۷ حمایت می کنید یا خیر گفت :

موضع ما درباره مساله فلسطین با هنجارهای بین المللی همساز است و ما به آرای مردم رجوع می کنیم فلسطین سرزمین شناخته شده ای است و بر اساس نرم هایی که در جهان هست و کنوانسیون ها می توان مشکل فلسطین را حل کرد. تا مساله به این شکل حل نشود بحران اسرائیل باقی می ماند.

میرحسین موسوی در ادامه نشست مطبوعاتی امروز با خبرنگاران در پاسخ به سوال خبرنگار ایلنا مبنی بر اینکه آیا شروط شما برای حضور در انتخابات محقق شده که تصمیم به کاندیداتوری گرفته اید و اینکه آیا با بزرگان نظام و رهبری در این زمینه مشورت داشته اید، گفت: در سال های گذشته میل به حضور در انتخابات

نداشتم ولی اکنون توانایی هایی در خود دیدم که کاندیدا شدم و راه را ادامه خواهم داد. پیرامون حضور در انتخابات با کسی مشورت نکردم؛ البته مقام معظم رهبری به من وقت دادند که خدمت ایشان خواهم رسید. فکر نمی کنم کار خلاfi کرده باشم و بدون شک ایشان از حضوربنده یا هر شخص دیگری ناراحت نمی شوند، بلکه خوشحال خواهند شد.

به گزارش کلمه، وی درپاسخ به سوال خبرنگار سایت خبری عصر ایران، پیرامون نوع فعالیت ستاد انتخاباتی اش و ضعف های احتمالی آن، گفت: ستاد ضعیف نیست؛ روش ما نوع کار ستادهای دیگر متفاوت است؛ ما با پول کار نمی کنیم؛ اساس کار ما بر این نیست که با هزینه چند ده میلیارد تومانی در صحنه حضور داشته باشیم. فکر می کنم چاپ و پخش تصاویر بزرگ از کاندیدا در سطح شهر می تواند حداقل در درازمدت ذهنیت بدی در میان مردم ایجاد کند و البته از نظر زیبایی شناختی هم سالم نیست. این مساله می تواند باعث ایجاد

احساس سرکوب و دلزدگی میان مردم شود؛ ضمن اینکه هزینه گزافی هم دارد. وی با بیان اینکه شعار ستادمان "هر شهروند یک ستاد است"، گفت: در مورد استفاده از نیروهای سایر ستادها مثلاً ستاد آقای خاتمی حق انتخاب آنها باز است، ولی آنچه که مشخص است در هفته‌های اخیر استقبال از ستاد در حال افزایش است و در حد وسیع مشغول فعالیت هستیم و بسیاری از این مباحثی که مطرح می‌شود ناشی از اختلاف روش‌ها در اداره ستاد است.

میرحسین موسوی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا حضور شما به منزله ایجاد گفتمان جدید در عرصه سیاسی کشور است، خاطر نشان کرد: معتقدم باید برای وحدت صفوف ملت و اتحاد بیشتر گروه‌های اجتماعی تلاش بیشتری کرد و این مساله سرمایه بزرگ فعالیت ما است.

وی ادامه داد: معتقدم زنده کردن بخشی از شعارهای اول انقلاب نیاز جامعه ماست و با این شعارها می‌توان بسیاری از مسایل و مشکلات را حل کرد.

وی در پاسخ به سوال خبرنگار روزنامه اعتماد ملی که پرسید حضور شما در عرصه انتخابات، ورود یک گفتمان جدید است؛ آیا در آینده این جریان سیاسی را اداره خواهید کرد؟ گفت: گروه‌های سیاسی شعارهایی داشته و پشت این شعارها صف بندی می‌کنند؛ اما در بسیاری از موارد، متن جامعه متفاوت از گروه‌های سیاسی است. اگر به متن جامعه رجوع کنیم، ویژگی‌های خوبی از اصلاح طلبی را در آن می‌یابیم و این جامعه در عین حال به اصول پایبندی دارد.

خبرنگار روزنامه حیات نو از میرحسین موسوی خواست تا توضیحات بیشتری درباره موضع‌گیری‌اش نسبت به قضیه هولوکاست دهد که وی در این باره گفت: پیرامون قضیه هولوکاست صحبت‌های لازم انجام شد اما در عین حال این سوال مطرح است که در این اتفاق چند

نفر و چه کسانی کشته شده اند که طبق اعتقادات دینی و ملی ما کشته شدن هر بی گناهی جدا از آیین و مذهب او محکوم است. همچنین باید پرسید اگر هولوکاستی در کشور آلمان بوده است، این مساله چه ربطی به مردم مظلوم فلسطین دارد؟ چرا جهان غرب درباره این چنین کشتارهای جمعی و نسل کشی ها در غزه ساکت است؟ آیا این اتفاقات خود هولوکاست دیگری را پدید نمی آورد؟ اگر بحث این باشد که دولت های غربی از قضیه هولوکاست سوءاستفاده کرده و مردم مظلوم فلسطین را قتل عام کنند، بنده موافق چنین مساله ای نیستم و آن را مخالف اعتقادات اسلامی مان می دانم.

این خبرنگار همچنین پرسید در صورت انتخاب، آیا حاضر هستید با "اوباما" رئیس جمهور آمریکا، برای ایجاد روابط بین دو دولت، مذاکره کنید که میرحسین موسوی پاسخ داد: همانطور که در صحبت های قبلی هم پیرامون این مساله صحبت شد، فکر می کنم لحن

تبریک سال نو رییس جمهور آمریکا نسبت به موضع گیری های گذشته این دولت متفاوت بود اما وی در صحبت های اخیر خود مطالب دیگری را بیان کرد که بر اظهارات شان در عید سایه انداخت؛ ممکن است در آینده هم باز صحبت های دیگری را مطرح کنند که متفاوت تر از اظهارات قبل باشد. همینطور با بررسی هایی که ما در گذشته انجام دادیم، کارشکنی های بسیاری از دولت آمریکا در اقدامات عملی اش در کشورهای چون عراق و افغانستان وجود دارد که با اظهارات مقامات آنها سازگاری نداشته است. حال باید در آینده صبر کرده و مطالعه کنیم که تفاوت های کنونی تا چه اندازه واقعی است؛ به هر ترتیب ما هم به مانند دولت های دیگر اکنون در ایجاد روابط با آمریکا باید ببینیم این تعاملات تا چه به سود منافع ملی کشور و چه اندازه به ضرر آن است. این یک مساله طبیعی بوده که سیاستمداران آمریکایی هم مدنظر خواهند داشت.

میرحسین موسوی همچنین در پاسخ به سوال خبرنگار روزنامه آرمان درباره برنامه های او برای مبارزه با اعتیاد، گفت: بحث اعتیاد از اول انقلاب هم به عنوان یکی از مهمترین خطرهای جامعه ما مطرح بود که جلساتی هم برای این موضوع برگزار شد و مباحثی چون ترانزیت مواد مخدر و... هم مطرح شد و عده ای آن زمان پیرامون این مساله کار کردند، منتها یکسری مشکلاتی در هماهنگی بین قوا برای حل این مساله وجود داشت.

وی افزود: متأسفانه در سال های اخیر به هیچ وجه این جلسات تشکیل نشده است و در کنار آن به دلیل فراوانی این مشکل به نوعی به این مریضی عادت کرده ایم. نمی خواهیم زحماتی که برای مقابله با این پدیده شوم شده است، دست کم گرفته شود ولی معتقدم در سطح ملی حساسیت ها نسبت به این مساله کم شده است. معتقدم اگر به این مساله در کنار دیگر مسایل مهم کشور از جمله بیکاری باید توجه شود در

این زمینه راهکارهایی وجود دارد که قطعا آنها را مورد توجه قرار می دهیم.

همچنین خبرنگاری پیرامون برنامه های وی در سفرهای استانی و توجه به مشکلات استان ها و شهرهای مرزی کشور پرسید که موسوی گفت: برنامه سفرهای استانی ما به زودی اعلام خواهد شد؛ بنده قصد دارم به تمام استان های کشور سفر کنم و از نزدیک مشکلات کشور را با مردم در میان گذارم؛ حال اگر نتوانیم به همه استان ها سفر کنیم، این به علت کم علاقه گی به آن استان ها نیست بلکه تنها محدودیت زمانی می تواند دلیل آن باشد که در این صورت از مردم این استان ها عذرخواهی می کنم.

وی ادامه داد: بدون شک توجه به استان های آسیب دیده ما در زمان جنگ که به پنج استان خسارت های سنگینی وارد شد و بعضا در توسعه ساختاری آنها نیز تاثیرگذار بوده و برای حل شدن مشکلات شان نیاز به برنامه ریزی درازمدت است، وظیفه و برنامه هر دولتی

است که روی کار می آید. شنیده ام که آنها مشکلات وسیعی دارند و به طور طبیعی رسیدگی به وضع شان از برنامه های ما خواهد بود. می خواهم در سفرهای استانی کلیات را با مردم در میان بگذارم و در صورت لزوم وارد برخی جزئیات شد.

همچنین خبرنگار "برنا" از میرحسین موسوی پیرامون مساله مک فارلین که در سال ۱۳۶۵ مطرح شد، پرسید و گفت اکنون که شما معتقد به ایجاد فضای گردش اطلاعات هستید، چرا مشاورین شما در آن زمان مذاکراتی را با مسوولان آمریکایی داشته اند؟

میرحسین موسوی در این باره گفت: فکر می کنم پس از انتشار خاطرات آقای هاشمی دیگر فضای مبهمی در این باره وجود ندارد که بخواهیم به آن اشاره کنیم. اگر شما به پی گیری این مساله علاقمند هستید، کافی است به برخورد و موضع گیری حضرت امام (ره) نسبت به کسانی که می خواستند از این موضع اسلحه گرفته و شخصیت ها را از بین ببرند، رجوع کنید. این مساله

وقتی آشکار شد، در حدی که مقدور بود توسط آقای هاشمی بارها مطرح شد اما اینکه چه فردی یا افرادی مذاکره کردند، مثل آن است که بخواهیم اسامی افراد وزارت اطلاعات را معرفی کنیم، نمی‌دانم این چه نوع شفاف‌سازی است که در سوال شما مطرح می‌شود.

این خبرنگار همچنین از فردی نام برد که در ستاد انتخاباتی میرحسین موسوی مسوولیت دارد اما براساس سوابق او از آشوبگران دانشگاه بوده و سابقه زندان هم داشته است که این با تفکرات شما در بیان گرایش‌های فعالین ستاد انتخاباتی تان متناقض است که موسوی در جواب این خبرنگار گفت: فکر نمی‌کنم بیان کردن و متهم کردن فردی که اکنون قدرت دفاع ندارد، با اصول اخلاق اسلامی متناقض است. ستاد ما پول‌های کلان ندارد، نمی‌تواند سرچهارراه‌ها به مردم کاسه آش دهد، نمی‌تواند برای رای جمع کردن در میان مردم به عده‌ای پول داده و یا کیسه‌های سیب زمینی در میان مردم پخش کند.

وی افزود: مساله مهم گرایش کلی و حاکم در ستاد ماست که خط امامی بوده و پایبند اصول انقلاب، قانون اساسی و رهبری است. بدون شک اگر در برخی بخش ها مشکلی ببینم، آن را بررسی کرده و برخورد می کنم. در حال حاضر سایتی وجود دارد که هر چند روز یکبار مصاحبه های نادرستی را به نقل از بنده علیه افرادی دیگر منتشر می کند که گفتیم اگر نام او را بیان کنیم، مهم می شود که در این قضیه ما باید ببینیم چه جریانی و چه افرادی از آنها حمایت می کنند؛ معتمد این مسایل سوء تفاهم برانگیز است که باید در یک فضای درست اسلامی بررسی و مطرح شود. میرحسین موسوی همچنین در پاسخ به سوالی مبنی بر احتمال مطرح شدن عنوان نخست وزیری و در یک رده قرار گرفتن با ریاست جمهوری، گفت: قانون اجازه چنین کاری را به ما نمی دهد. بنده در جلساتی که در گذشته پیرامون این مساله گرفته شد مدافع حفظ نخست وزیری بودم و اینکه رییس جمهور در نقش تشریفاتی ظاهر شود اما

در نهایت باید به جایی می رسیدیم که یکی از این دو عنوان حرف آخر را در دولت بزند. آن زمان نظام و مردم تصمیم گرفتند که به جای نخست وزیری، رییس جمهور باشد و اکنون هم تغییر دادن چنین وضعیتی خسارت ها و هزینه های سنگینی را به مردم و جامعه متحمل کرده و به ضرر کشور ما خواهد بود که با آن موافق نیستیم.

کاندیدای ریاست جمهوری دهم در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا موافق جداسازی هسته اقتصادی کشور از هسته مرکزی هستید یا خیر؟ گفت: معتقدم بهره‌مندی‌ها نباید منزلت سیاسی بیافرینند. اگر بتوانیم بین دستیابی به منزلت سیاسی و بهره‌مندی‌های اقتصادی خطی بکشیم، راه وسیعی به سمت توسعه پیدا خواهیم کرد.

موسوی ادامه داد: این ایده در دنیا در بین برخی از نحله‌های فکری طرفدارانی دارد و آن این است که سیاست داخلی و خارجی ما در احساس امنیت سرمایه‌گذاران اثر دارد و باید با ملاحظه اثرات

بخش های دیگر را در بخش سرمایه گذاری در نظر بگیریم.

میرحسین موسوی در پایان این کنفرانس با تشکر از حجت الاسلام دعایی مدیرمسئول روزنامه اطلاعات به دلیل در اختیار گذاشتن آمفی تئاتر روزنامه اطلاعات برای برگزاری این کنفرانس عنوان کرد که دولت ها می روند و خدمات در کشور باقی می ماند، بحث های امروز هم به این معنا نیست که ما از خدمات مدیران کشور، وزراء، کارمندان و آقای رییس جمهور چشم پوشی کرده باشیم. در این کشور با نیت های خوب کارهایی صورت می گیرد اما انتخابات است و ما ایراداتی داریم. فکر می کنیم نگاه به این ایرادات امکان تجدید نظر درستی را ایجاد کند.

اطلاعیه در مورد طنز ابراهیم نبوی (و دیگر طنز نویسندگان)
درباره فاطمه رجبی

بسم الله الرحمن الرحيم

اینجانب در بیانیه اعلام نامزدی خود از فعالان سیاسی درخواست کرده بودم که حتی اگر در معرض توهین قرار گرفتم نسبت به این امر واکنشی نشان ندهند. هنوز مبارزات انتخاباتی چندان گرم نشده است و مطلب غیر قابل تحملی از سوی کسی بیان نگردیده که مقاله خانم نویسنده‌ای در انتقاد از اینجانب موضوع عکس‌العمل قابل تاسف یکی از نویسندگان مقیم خارج از کشور قرار گرفته است.

خداوند به قلمی شیرینی طنز می دهد و حتی آن را درخور ثبت در تاریخ ادبیات ملتی می کند که خود پیشتاز ادبیات بشریت است، اما صاحب آن قلم حد ادب را رعایت نمی کند و در مورد آن خانم نویسنده مطالبی به نگارش در می آورد که بی تردید بیان کننده ی آن زمانی که به پختگی برسد و در نظر آورد که چگونه احساس می کرد اگر همان جملات به هر علتی و هر بهانه ای در مورد زنانی از بستگان خود او بیان شده بود، آرزو می کند هرگز آن را ننوشته و هیچ گاه در هیچ کجا ثبت نشده بودند.

سخت ترین قشری گری ها و مزمن ترین خصومت ها و بدترین نیت ها برای بیرون کردن زنان ما از میدان سیاست و اجتماع نمی توانند آن جفا را بکنند که چنین مرزشکنی هایی موجب می شود، به صورتی که حق است اگر با رواج چنین شیوه هایی دیگر هیچ زنی جرات اظهار نظر در سطح جامعه را نداشته باشد. اینجانب به عنوان کسی که مخاطب نامه آن خانم محترم بوده ام به جز

اطلاع ناصحیحی که در مورد محل منزل مسکونی‌ام به ایشان داده‌اند مابقی این نوشته را نظری در میان نظرات یافتم که یک نامزد انتخابات ریاست جمهوری باید طاقت شنیدنش را داشته باشد .

امیدوارم ابراز تاسف این خدمتگزار مردم در پیشگاه تمامی بانوان از اقدام آن نویسنده‌ی مقیم خارج از کشور ارزش و اثری در تخفیف این امر داشته باشد .

میرحسین موسوی

۲۱ فروردین ۱۳۸۸

*این اطلاعیه زمانی منتشر شد که فاطمه رجبی (همسر غلامحسین الهام) واکنش‌های توهین آمیزی به کاندیداتوری میرحسین موسوی نشان داد. این واکنش‌ها دستمایه طنز نویسان کشور از جمله ابراهیم نبوی قرار گرفت. وی یادداشت طنزی با عنوان «دیرحسین موسوی و فاطمی عصبی» را منتشر کرد. یکی دیگر از طنز نویسان نیز یادداشتی با عنوان «فاطمی شاه، فاطمی ماه...» نوشت. در واکنش به این یادداشت‌ها میرحسین موسوی بیانیه‌ی بالا را منتشر نمود. در ادامه فاطمه رجبی با تکرار مواضع عصبی و توهین آمیز خود یادداشتی با این مضمون که «موسوی را هرگز نمی‌بخشم» را منتشر کرد. اما مشخص نشد که چرا میرحسین را نمی‌بخشد. ابراهیم نبوی هم در پاسخ به بیانیه میرحسین

موسوی، یادداشتی با عنوان «آقای موسوی ما با شما رابطه نداریم» و بر خلاف رجبی، به تحسین این رویکرد موسوی پرداخت و نوشت: «من خوشحالم که از نامزدی برای انتخابات دفاع می‌کنم که از توهین به مخالفش هم (اگر توهینی در کار باشد) خوشحال نمی‌شود».

دیدار با مراجع تقلید

۲۲ فروردین ۱۳۸۸

مهندس میرحسین موسوی در دیدار با مراجع تقلید، دغدغه‌ها و دلایل حضور خود در عرصه انتخابات را بیان کرد.

وی در دیدار با آیت‌الله العظمی صانعی، با بیان اینکه «من همواره معتقد بوده‌ام که مهم‌ترین وظیفه دولت این است که به قانون عمل کند»، احساس خطر نسبت به قواعد و اصول نظام را انگیزه خود برای حضور در عرصه انتخابات عنوان کرد و افزود: در دوره جدید برخی سیاست‌ها را می‌دیدم که افراد را می‌آزرد و احساس

کردم نمی توانم در این عرصه ساکت باشم؛ بنابراین وارد صحنه شدم .

نخست وزیر دوران دفاع مقدس با اشاره به مشکلات فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی کشور، اظهار کرد: این مسایل و مشکلات با سلیقه های ما که اول انقلاب را دیده بودیم و امام (ره) را درک کرده بودیم و نیز بعد از آنکه دیگر برادران ما سر کار بودند، سازگاری نداشت .

وی در ادامه با اشاره به تلاش های حضرت امام (ره) و ایجاد جامعه جدید که در آن حاکمیت، با ارزش ها بود و مسایل مادی و کوچک به فراموشی سپرده شد و بعد هم علی رغم سختی ها و مشکلات به دلیل حاکمیت همین ارزش ها، مردم به انقلاب و نظام پایبند ماندند گفت: وقتی این چارچوب به خوبی درک شود، با وجود فراز و نشیب هایی که به طور طبیعی در هر نظامی ممکن است وجود داشته باشد، اصل نظام از بین نمی رود. در سال هایی که جنگ تمام شد و خدمت ما هم در دولت خاتمه یافت، در ذهنم همواره این طور بود که نظام

جمهوری اسلامی برای این آمده است که افراد به صورت دائم‌العمر در یک پست و مقام نباشند و مردم در انتخابات مختلف فرصت تحقق این مساله را پیدا می‌کنند. بنابراین چندان نگرانی از این جهت نداشتم که کدام تفکر بر سر کار می‌آید تا اینکه به دورهٔ جدید رسیدیم ▪

موسوی با اشاره به اینکه استفاده از نیروهای کارآمد و نیز دستگاه‌های مشورتی کم کم در کشور ما نهادینه شده بود، از این موضوع ابراز تاسف کرد که در این دوره بخشی از این دستگاه‌ها و افراد حذف شدند ▪

وی ادامه داد: هر کس بر اساس دانایی خود مسؤول است بنابراین بنده بر همین اساس در صحنه حاضر شدم و قصدم این است که بنده و کسانی که در صحنه هستیم، عقاید و قواعد خود را بیان کنیم و مردم نیز انتخاب خود را انجام می‌دهند ▪

مهندس موسوی همچنین با تاکید بر صیانت از آرای مردم و برگزاری انتخاباتی رقابتی و آزاد، خاطر نشان

کرد: هر کس که در جامعه وارد صحنه می شود نگرانی هایی نسبت به صیانت از آرای مردم و برگزاری انتخاباتی رقابتی، آزاد و سالم دارد و این از دغدغه هایی است که فکر می کنم هر کاندیدایی داشته باشد؛ سعی می کنیم آنچه فکر می کنیم که درست است و نظر مشورتی است، با مردم در میان بگذاریم .

وی با تاکید بر نقش مرجعیت در جامعه، اظهار کرد: مرجعیت ما به دلیل استقلال و سابقه خوش در بین مردم یک نیروی تعیین کننده است و پشتوانه آن ها می تواند کمک کند که بهتر به اهداف خود برسیم .

مهندس موسوی در دیدار با آیت الله العظمی موسوی اردبیلی با اشاره به اهمیت و نقش مرجعیت در کشور گفت: اهمیتی که مرجعیت و روحانیت ما در مسایل سیاسی و اجتماعی کشور دارد، بسیار قابل توجه است و خود من از قدیم و حتی از سال ها پیش از انقلاب خدمت شخص شما ارادت داشتم و از راهنمایی هایتان همواره استفاده کرده ام .

نخست وزیر دوران دفاع مقدس افزود: با توجه به اهمیتی که مرجعیت در کشور ما دارد، در هر شرایطی در تصمیمات بزرگ کشور دخیل و تاثیرگذار است .

موسوی با بیان اینکه «مسایل و مشکلاتی که در سال های اخیر در کشور به وجود آمده، موجب شد تا در این دوره هر چه فکر کردم نتوانستم جواب نه بگویم» افزود: وقتی مسایل را ارزیابی کردم احساس کردم وظیفه دارم، وارد صحنه شوم؛ البته نتیجه به دست خداست ولی احساس کردم که من باید تلاش خود را در این زمینه انجام دهم .

وی با بیان این که در آینده هر اتفاقی بیفتد و هر کس که رئیس جمهور شود، حضور و نظر یک مرجعیت بیدار و آگاه به مسایل مختلف بسیار تعیین کننده است اظهار کرد: تاثیر مرجعیت بر افکار عمومی و تبعیت از آنها همواره ما را از مشکلات نجات داده است .

موسوی افزود: از قدیم مرجعیت و موضع گیری های آن در جامعه ما تعیین کننده بوده است و در حال حاضر این

تاثیر وسیع تر شده است و قطعا در آینده نیز این سرمایه در خدمت مصالح کشور به کار گرفته می شود .

وی در پایان آیت الله العظمی موسوی اردبیلی را یک عالم فرزانه و یک فرد سیاسی شناخته شده در کشور توصیف کرد و گفت: هیچ نهاد رسمی در کشور استقرار درست پیدا نمی کند مگر اینکه ارتباط خود را با مرجعیت حفظ کند .

مهندس موسوی در دیدار با آیت الله العظمی مکارم شیرازی نیز با اشاره به اینکه این نظام با تقدیم شهدا و رنج زیاد استقرار پیدا کرد و بدین ترتیب تغییرات اساسی در کشور ما ایجاد شد افزود: از همان ابتدا نقش مرجعیت بسیار مهم و تاثیرگذار جلوه می کرد و اکنون هم، چنین است یعنی اگر اتفاقی در جامعه می افتد مرجعیت نمی تواند نسبت به آن بی تفاوت باشد و سرشت جمهوری اسلامی نیز در این مسیر بوده است که این نقش را تثبیت کند .

وی اضافه کرد: با توجه به مشکلاتی که در جامعه دیدم، احساس وظیفه کردم که باید به صدا دربیایم و این مساله را هم از علمای خود یاد گرفته‌ایم و احساس می‌کنم که در این مرحله نیاز به ارتباط با مراجع بسیار ضروری است .

موسوی اظہار کرد: جوان که بودیم مانند همه جوان‌هایی که در خانواده و از خانواده مذهبی بودند، همیشه آرزوی حاکمیت دین و ارزش‌های دینی در جامعه را داشتیم. همه آرزو می‌کردند در چنین فضایی زندگی کنند اما کسی نمی‌دانست که از چه طریقی باید این مساله را عملی کرد و بدین ترتیب گاهی داشتن یک انتشاراتی یا مدرسه و امثالهم کار مهمی تلقی می‌شد .

وی افزود: این مساله ادامه داشت تا اینکه خداوند کمک کرد و مردم هم کاری را شروع کردند و بحث‌های امام (ره) درباره ولایت فقیه نیز زمینه مناسبی را فراهم کرد که یکی از مهم‌ترین بخش‌های آن، بحث امکان‌پذیر

جلوه دادن جایگزینی نظام شاهنشاهی در ذهن مردم بود .

موسوی گفت: امروز مسایل و مشکلات گوناگونی در کشور وجود دارد اما من این ها را بدان معنا نمی دانم که نظام قدرت خود را از دست داده است زیرا آثار انقلاب اسلامی حتی در خارج از مرزهای کشور مشهود است اما همه باید در این راه تلاش کنیم و انتخابات نیز مجالی برای همین مساله است .

نخست وزیر دوران دفاع مقدس در پایان با ابراز امیدواری نسبت به بهره گیری درست از راهنمایی های مراجع اظهار کرد: مردم در انتخابات این فرصت را پیدا می کنند که به گذشته و آینده نگاه و در نظر خود تجدیدنظر کنند یا اینکه انتخاب خود را تثبیت نمایند. ورود به این عرصه هم جنبه شرعی دارد و هم اگر نیت انسان پاک باشد، ثواب نیز دارد.

مهندس میر حسین موسوی در دیدار با آیت الله العظمی نوری همدانی نیز با انتقاد از عدم احیای شوراهای

تصمیم‌گیری در کشور، اظهار کرد: وقتی تصمیم‌گیری ناپخته شود، نتیجه این می‌شود که این همه پول داشته باشیم و هزینه زیادی کنیم اما نتیجه عکس آن را در جامعه شاهد باشیم.

وی با بیان اینکه انقلاب اسلامی هم در داخل ایران اثر عمیق گذاشت و هم در سطح دنیا آثار قابل توجهی داشت، افزود: دولت‌هایی که تشکیل شد، حاصل و برآمده از همین انقلاب اسلامی بزرگ بود و بنده هم در دوره‌ای به عنوان یک خدمتگزار در جریان امور اجرایی کشور قرار داشتم.

نخست‌وزیر دوران دفاع مقدس اضافه کرد: پس از اتمام کار بنده در دولت و نیز اصلاح قانون اساسی در سال ۶۸ بنده همواره اینطور در ذهنم بود که نظام جمهوری اسلامی برای این ایجاد شده که سلیقه‌های گوناگون با حفظ قواعد نظام می‌آیند و می‌روند و اگر آن قواعد حفظ شود مهم نیست فردی با گرایش به این سمت یا آن سمت بیاید؛ چرا که مردم در هر انتخابات تصمیم

می گرفتند. بدین ترتیب به کار فرهنگی مشغول شدم و در کنار آن به عنوان مشاور هم کمک‌هایی می‌کردم و در دانشگاه نیز تدریس می‌کردم.

وی با بیان اینکه وقتی دورهٔ جدید آغاز شد با توجه به ملاحظات که دیدم فکر کردم که به صحنه بیایم، اظهار کرد: تصمیم گرفتم با آمدن به صحنه از وضعیت موجود برای مردم صحبت کنم و برنامه‌ها را نیز بیان کنم. دغدغه بنده نسبت به مشکلاتی بود که در جامعه وجود دارد و البته دستاوردهایی داریم که متاثر از آمد و رفت دولت‌ها نیست؛ مثلاً استقلال کشور و روحیه مذهبی مردم و نیز علاقه به کشور و اسلام از جمله همین دستاوردهای انقلاب است.

موسوی در ادامه با تأکید بر حمایت از تولید ملی و انتقاد از واردات بی‌رویه به کشور اظهار کرد: متأسفانه الان شاهد هستیم که بازارهای اسلامی را کالاهای بیگانه گرفته‌اند و بسیاری از کارخانجات تولیدی ما ورشکسته شده‌اند و آنهایی هم که ورشکست نشده‌اند

تولید را تعطیل کرده‌اند و مشغول فروش کالاهای دیگران هستند .

نخست وزیر دوران دفاع مقدس، در تشریح این مطلب مثال‌هایی را عنوان کرد و گفت: به عنوان یک مثال ساده، پسته کالیفرنمایی را در آجیل تبریز می‌بینیم یا مثلاً برنج پاکستانی و هندی در شمال کشور فروش می‌رود اما برنج کشاورزهای شمال کشور خودمان روی دست خودشان می‌ماند. آن وقت می‌گوییم چرا اشتغال کم است و در نتیجه همین اشتغال کم، بیکاری و در نتیجه بیکاری، اعتیاد و بداخلاقی‌ها شکل می‌گیرد که ادامه این روند برای کشور به سود نیست. بنده از زاویه یک نقد منصفانه، مسایل را مطرح می‌کنم و این مردم هستند که در نهایت تصمیم خواهند گرفت .

موسوی بخشی از مشکلات موجود در کشور را به نظام تصمیم‌گیری و بخشی دیگر را به سیاست‌ها مربوط دانست و در مورد مساله نظام تصمیم‌گیری در کشور گفت: کشور با قواعد و شورهایی پیش می‌رود که ممکن

است گاهی کارها را کند، کند اما تصمیم گیری ها را معقول تر خواهد کرد .

نخست وزیر دوران دفاع مقدس، با بیان این که من احساس کردم که امروز نظام تصمیم گیری مورد تهدید است، اضافه کرد: بعضا شوراهایی در کشور مانند شورای پول و اعتبار و شورای آموزش و شورای اقتصاد که متأسفانه در این دوره حذف شدند و علی رغم اینکه دولت مایل به ادامه این ها نبود اما مجلس باز هم برای بازگرداندن آن ها تلاش کرد و بحث به مجمع تشخیص مصلحت نظام آمد که در آنجا به شکل قریب به اتفاق، به احیای این شوراها رای داده شد اما متأسفانه می بینیم علی رغم این مساله باز هم اجرایی نمی شود و باز هم این شوراها معطل مانده اند .

وی ادامه داد: در کنار این ها من معتقدم که یک فرد هیچگاه جای جمع را نمی گیرد و برآیند نظرها در این شوراها منجر به تصمیم گیری درست و عقلانی می شود اما وقتی این شوراها از بین می روند، امکان اینکه یک

فرد به جای جمع قرار بگیرد، فراهم می‌شود که در نتیجه تصمیم‌گیری‌ها ناپخته می‌شود در حالی که این همه پول داریم، نتیجه عکس می‌گیریم؛ البته من وجود سوءنیت را نفی می‌کنم اما به هر حال این‌ها نتایجی است که به دست می‌آید.

میرحسین موسوی با اشاره به اهمیت و میزان تعیین‌کنندگی مراجع در کشور اظهار کرد: فردی که به صحنه می‌آید باید به نیروهای تعیین‌کننده جامعه توجه داشته باشد و مراجع جزو این نیروهای تاثیرگذار و تعیین‌کننده هستند و جزو سرمایه‌های دینی و ملی ما محسوب می‌شوند. مرجعیت همواره هم، پناه مردم بوده و هم، مردم از طریق مرجعیت، خود را از فشار زورمندان حفظ کرده‌اند.

وی در پایان گفت: ما در قانون اساسی کشور، ولایت فقیه، مجلس، قوه مجریه و قضاییه داریم و در کنار این‌ها به اصل تفکیک قوا نیز اهمیت داده شده است. من مطمئنم که همه مراجع به سرنوشت انتخابات

اهمیت می دهند و مدافع یک انتخابات آزاد، منصفانه و رقابتی بوده و هستند .

مهندس میرحسین موسوی در دیدار با آیت الله جوادی آملی نیز گفت: مردم انتظار دارند مشکلاتشان در سایه ارزش های اسلامی حل شود و فارغ از حل مسایل معیشتی، وقتی مردم ببینند که اسلام مسایل را حل می کند موجب خشنودی آن ها خواهد شد .

وی با اشاره به فعالیت های سیاسی در دانشگاه ها قبل و بعد از انقلاب و رقابت هایی که بین گروه های اسلامی و گروه های چپ وجود داشت، ادامه داد: به لطف خدا، حضرت امام (ره) وارد عمل شد و بدیلی برای رژیم شاهنشاهی به وجود آورد و بدین ترتیب اعتراض ها و مبارزات سمت و سو پیدا کرد. اگر مردم دورنمایی از آینده داشته باشند، بیشتر منسجم می شوند و به پیش می روند .

نخست وزیر دوران دفاع مقدس در ادامه بیان کرد: هر حرکتی که نظام می کند، مورد توجه واقع می شود و این

تنها به دلیل نقش ما در خاورمیانه نیست؛ بلکه به نقش ما در جهان اسلام مربوط می‌شود. موفقیت نظام، دولت‌ها و کسانی که خدمت می‌کنند به طور مستقیم بر خشنودی مردم و ایمان و اعتقاد آن‌ها تاثیر دارد و من معتقدم که خشنودی مردم، خشنودی حضرت حق را در پی خواهد داشت .

موسوی، نقش مراجع در پیروزی انقلاب و پس از آن را قابل توجه، ارزیابی کرد و گفت: حضور مرجعیت موجب اتحاد در بین مردم شد؛ در ابتدا اعتراض‌ها، تلاش در ناامیدی بود و دورنمای روشنی وجود نداشت اما با اتصال مردم به مرجعیت و به ویژه رهبری امام (ره) چنین دورنمایی به وجود آمد .

موسوی در ادامه به مشکلاتی نظیر مشکلات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در جامه اشاره کرد و افزود: در دوره‌های قبل هر کس بر سر کار می‌آمد مبنا این بود که این قواعد و قوانین را رعایت کند و طبیعتاً فکر می‌کردم اگر اشتباهاتی هم کرده باشم، در کنار آن کارهای خوبی

انجام می‌دهم و دولت بعدی آن اشکالات را برطرف می‌کند؛ بنابراین دلهره‌ای از این نداشتیم که فکر کسی با فکر بنده مغایر است اما در شرایط جدید کمی دغدغه پیدا کردم و در این حضور هم تمام چارچوب‌های جمهوری اسلامی را مدنظر قرار داده‌ام .

وی در ادامه به حضور خود در عرصه انتخابات اشاره کرد و افزود: من یک فرد دهاتی بودم که انقلاب مرا به جلو پرتاب کرد و شاید این خصوصیت انقلاب‌ها باشد که افراد فرودست پیشرفت می‌کنند و در این مسیر قرار می‌گیرند؛ البته موقعیت هیچگاه حب ذاتی من نبوده است و بعد از اتمام کارم در دولت به کار فرهنگی مشغول شدم اما این اواخر مشکلاتی را احساس کردم و بر اساس توانایی‌هایی که در خود می‌دیدم، فکر کردم که باید کاری انجام دهم و در این راه سعی کردم که در حد وسع خود، نیتم را خالص کنم .

متأسفانه بخشی از ارزش‌هایی که به خاطر آن انقلاب کردیم، مخدوش شده است

نخست وزیر دوران دفاع مقدس، با بیان این که متأسفانه بخشی از ارزش هایی که به خاطر آن انقلاب کردیم، مخدوش شده است، اظهار کرد: همیشه از قدیم اعتقاد داشته ام که هر نوع تصمیم گیری حکومت در حوزه های مختلف اثر می گذارد و نارسایی هایی که امروز به وجود آمده، قلب مردم را آزرده کرده است. بخشی از مسایل هست که بدون توجه به همه ٔ حوزه ها قابل حل نیست و هیچکدام این ها به تنهایی نمی تواند مورد توجه قرار گیرد .

موسوی همچنین با بیان اینکه هر چقدر منابع کمیاب در خدمت اهداف بلندمدت تر به کار گرفته شود، برکات بیشتری دارد، یادآور شد: در زمان جنگ اگر ما درآمد کم، امکانات، اسلحه و ارز کم داشتیم، علت اینکه کشور حفظ می شد، این بود که آن منابع کمیاب در اختیار اغراض شخصی و گروهی نبود. من احساس می کنم که این منابع مانند اول انقلاب استفاده نمی شود .

وی با بیان مصداقی از مساله نداشتن نگاه جامع به حوزه های مختلف، گفت: مثلاً وقتی در مجلس به خلاقی که صورت گرفته، تذکر داده می شود اما جوابی به آن نمی دهیم، یعنی توجه نداریم که این مساله خلاقی که در رادیو هم مستقیماً پخش می شود و جوابی به آن داده نشده است، چه تاثیری بر مردم می گذارد. ما دائماً در معرض حمله هستیم و اگر سیال و شفاف نتوانیم به سوالات مردم پاسخ بگوییم وسیله ای برای وسوسه دشمنان فراهم کرده ایم .

مهندس موسوی در پایان تصریح کرد: رضایت مردم بسیار خوب است اما اگر هدف را این قرار دهیم که رضایت آنی مردم را جلب کنیم، اثرات مخربی خواهد داشت. اگر به مردم بگوییم که فلان کار چه اثرات بلندمدتی برای آن ها دارد، قطعاً همراه خواهند شد و حمایت خواهند کرد .

مهندس میرحسین موسوی در دیدار با آیت الله العظمی صافی گلپایگانی نیز با بیان اینکه باید از آرای مردم

صیانت شود و سلامت رای به وجود بیاید، گفت: باید معلوم شود کسی که می‌خواهد رای بگیرد، امانت مردم را حفظ می‌کند .

موسوی در پایان گفت: نیت خود را در ورود به این عرصه به‌گونه‌ای قرار داده‌ام که نتیجه هر چه بشود، ذره‌ای ناراحت نخواهم شد .

مانیفست اقتصادی موسوی

جنگ خاتمه یافته و اقتصاد جنگی نیز خاتمه پیدا کرده است

۲۸ فروردین ۱۳۸۸

میرحسین موسوی در دیدار با بیش از هزار نفر از تولیدگران، مدیران صنعتی و اقتصادی و اقتصاددانان کشور، ۵۱ گزاره اقتصادی مدنظرش را بیان و تاکید کرد که «جنگ خاتمه یافته و اقتصاد جنگی نیز خاتمه پیدا کرده است.»

به گزارش خبرنگار قلم نیوز، میرحسین موسوی شامگاه پنجشنبه با جمعی از تولیدگران دیدار کرد و تولیدگران به بیان دغدغه‌های خود در این جلسه پرداختند و مهندس موسوی نیز دیدگاه‌های خود را در این جمع بیان کرد.

مهندس موسوی در این نشست که به شکل زنده از صدای قلم در اختیار کاربران قرار گرفت، در پاسخ به سوالات حاضران تاکید کرد: جنگ خاتمه پیدا کرده و اقتصاد جنگی نیز خاتمه پیدا کرده است.

موسوی که به طور مکرر مورد تشویق تولیدگران قرار می‌گرفت، خط اصلی برنامه اقتصادی خود را بالندگی تولید، شکوفایی کارآفرینی و ثبات و پیشرفت خواند و در ادامه بیان کرد: منابع کشور باید به گونه‌ای تخصیص یابد که زمینه رشد کشور فراهم شود.

مهندس موسوی راه برون‌رفت از شرایط کنونی را با محوریت بخش خصوصی امکان‌پذیر دانست و تاکید کرد که بخش خصوصی عامل اصلی رشد اقتصادی کشور است.

وی در ابتدای این نشست ضمن تشکر از نخبگان و فعالان اقتصادی برای شرکت در این جلسه گفت: من این حضور را به فال نیک می‌گیریم و هم آن را به مفهوم نگرانی می‌دانم؛ نگرانی مبنی بر این که ببینند

کاندیداهایی که به صحنه می آیند چه آشی برای ملت ما پخته اند، مخصوصا با توجه به تجربیات چند سال اخیر که همه حساس شده اند.

موسوی اظهار کرد: مسایل اقتصادی هم از جمله مهم ترین مباحث کشور است و دلهره های زیادی در نحوه ورود دولت ها به این مساله وجود دارد. نخست وزیر دوران دفاع مقدس با اشاره به سفر اخیر خود به استان خوزستان اظهار کرد: شاید زرخیزترین استان ما استان خوزستان باشد. دارا بودن منابع آبی عظیم، انرژی و نفت فراوان، گاز، برخورداری از رودخانه کارون، موقعیت استراتژیک ویژه، همسایگی با عراق به ویژه بعد از سقوط صدام یعنی همسایگی با کشوری گشوده برای امکان سرمایه گذاری و تعامل در آن به عنوان دارنده دومین ذخایر نفتی جهان، نزدیکی به عربستان و کویت و مرتبط با مناطق آزاد بسیار نیرومند در خلیج فارس از جمله ویژگی های این استان محسوب می شود.

وی در ادامه با اشاره به وجود منابع عظیم در خوزستان گفت: وقتی وارد خوزستان می‌شوید گویی رنگ فقر را در این سرزمین پاشیده‌اند و هر کجا که می‌روید گله و دشواری است.

موسوی با بیان اینکه نرخ بیکاری در آن منطقه حداقل ۱۹ درصد اعلام می‌شود و در برخی از شهرها گفته می‌شود که بالای ۳۰ درصد بیکاری وجود دارد اظهار کرد: وقتی وارد آبادان، خرمشهر و اهواز می‌شوید، مسایلی که می‌بینید نه‌تنها شایسته یک سرزمین پربرکت نیست بلکه شایسته یک ملت سرافراز و استانی که در دفاع مقدس، آن همه ایثار و قربانی داد هم نیست.

وی، استان خوزستان را تا حد زیادی آینه تمام‌نمای کل کشور دانست و گفت: برای نمونه فقط درباره طرح مصوبه‌ای که در مورد منطقه آزاد برای آبادان و خرمشهر داریم، ظرف سه چهار سال گذشته درست مانند تغییری که برای ریاست بانک ملی یا بانک مرکزی

داشتیم، ۴، ۵ رییس عوض شده و در سطح استان چند استاندار تغییر کرده است و فرماندارها می آیند و می روند و دائم تعویض هایی وجود دارد و یکی از عوامل مشکلات می تواند همین مساله باشد.

موسوی یادآور شد که یکی از اصلیتین مسایلی که اگر در کشور اتفاق می افتاد، خیلی از بحران های کنونی را نمی داشتیم، برخورد عقاید و سینه باز داشتن برای شنیدن حرف های گوناگون است.

در ادامه این جلسه، ۱۰ تن از تولیدگران به بیان دغدغه های خود پرداختند و مهندس موسوی پس از پایان صحبت های آنها به بیان ۵۱ گزاره اقتصادی مدنظرش پرداخت و در حالی که تقریباً پس از هر گزاره مورد تشویق حاضران قرار می گرفت، تیتروار بیان کرد:

۱. عصر کنونی را عصر شتاب تاریخ خوانده اند. سرعت و شتاب تحولات اقتصادی - اجتماعی در اثر انقلاب دانایی

به بی سابقه ترین سطح خود در طول تاریخ بشر رسیده است.

۲. امروزه، توسعه را به صورت قدرت انعطاف کافی در نظام های اقتصادی - اجتماعی برای مواجهه به موقع و کارآمد با این تغییرات تعریف می کنند.

۳. خط اصلی برنامه اقتصادی، بالندگی تولید، شکوفایی کارآفرینی، ثبات و پیشرفت خواهد بود.

۴. چنین اهدافی در پرتو استقرار نهادهای کارآمد و انعطاف پذیر می سر خواهد شد.

۵. بایستی منابع کشور را به گونه ای تخصیص داد که شرایط برای رشد پایدار تولید متکی بر ظرفیت های بالای انسانی کشور فراهم شود. تأمین منافع آحاد ملت ایران در گروی ایرانی بالنده و رو به پیشرفت می تواند تأمین شود.

۶. راه برون رفت از شرایط کنونی و نیل به توسعه اقتصادی با تأکید بر تولید و اشتغال با محوریت بخش خصوصی امکان پذیر است.

۷. بخش خصوصی عامل اصلی در تحقق رشد و توسعه اقتصادی برای کشور است.

۸. هیچ تجربه موفقیتی در پیشرفت و توسعه نداریم که در آن فعالیت‌های بخش خصوصی اصلیت‌ترین نقش را نداشته باشد.

۹. همچنین هیچ تجربه موفقیتی در پیشرفت و توسعه نداریم که در آن دولتی توانمند و برنامه‌ریز و سیاست‌گذار و ناظر و توسعه‌گرا نقش اساسی در فراهم نمودن بسترهای مناسب برای حضور توانمند فعالان اقتصادی خصوصی را فراهم نکرده باشد.

۱۰. دولت به نمایندگی از آحاد جامعه از جمله فعالان اقتصادی، بایستی توان خود را در خدمت ارتقای توان و تسهیل شرایط حضور فعال بخش خصوصی در اقتصاد صرف کند و نه آن که در رقابت با آن‌ها قرار گیرد.

۱۱. ارتقای مؤثر مشارکت بخش خصوصی و تشکلهای مرتبط با آن در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری یک ضرورت است. این نقیصه مهمی است که در ساز و کار

برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کشور از پیش وجود داشته و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و نظام برنامه‌ریزی کشور بایستی بر این مبنا احیا و بازسازی شود.

۱۲. بسترسازی و تسهیل شرایط برای سرمایه‌گذاران ایرانی در اولویت قرار دارد و میزبان سرمایه گذار خارجی، بخش خصوصی توانمند است نه دولت.

۱۳. گسترش تولید و سرمایه‌گذاری منوط به احترام به حقوق مالکیت مردم، تلاش برای ثبات سیاست‌ها، ایجاد جریان آزاد و شفاف اطلاعات به منظور جلوگیری از فساد و رانت‌خواری و کاهش ریسک برای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی است.

۱۴. اقتصاد کشور در سال‌های اخیر از منظر کاهش شفافیت در ارائه اطلاعات تنزل کرده است و به اعتبار دولت لطمه وارد آمده است.

۱۵. الگوی رفتاری دولت و نحوه نگرش آن به مردم و بخش خصوصی باید تغییر کند. در هر گونه حرکت اصلاحی تقدم با اصلاح رفتار دولت است. برای تحقق

شعار اصلاح الگوی مصرف نیز باید نخست از دولت شروع کرد.

۱۶. بی ثباتی و تغییرات پی در پی و نابهنگام سیاست ها به مهم ترین دغدغه فعالان اقتصادی تبدیل شده است لذا ثبات در مدیران و سیاست های اقتصادی به ضرورتی گریزناپذیر تبدیل شده است.

۱۷. تغییرات مکرر وزیر اقتصاد، رئیس بانک مرکزی و روسای بانک ها نمادی از بی ثباتی جایگاه مدیران اقتصادی است که بر بی ثباتی سیاست ها نیز تاثیر داشته است.

۱۸. بی ثباتی حتی در سیاست خارجی هم مشکلات فراوانی در مسیر جریان تجارت خارجی ایران در همه ابعاد پدید آورده و فرصت های اقتصادی ما را از بین برده و کار تجار را بسیار سخت کرده است.

۱۹. در کنار این بی ثباتی تصمیمات غیرکارشناسانه و شتابزده آثار سوئی را در عرصه اقتصادی به دنبال داشته است.

۲۰. به عنوان نمونه چنین تصمیماتی پی آمدهای مخربی بر سیستم بانکی کشور داشته در حالی که بسیاری از ندانم کاریهای دولت به گردن سیستم بانکی گذاشته شده است. تصمیمات غیرکارشناسانه موجب شده سیستم بانکی در این دوره مظلوم واقع شود.

۲۱. استقرار ثبات یک ضرورت جدی است که آن را با اتکا بر حاکمیت قانون و بازسازی نظام تصمیم‌گیری کشور دنبال خواهیم نمود.

۲۲. دولت باید در احترام به قانون پیش‌قدم باشد نه این که خود قوانین را زیر پا بگذارد.

۲۳. گزارش‌های اخیر تفریغ بودجه، نادیده گرفتن الزامات قانون بودجه در اختصاص بودجه برای واردات بنزین، نادیده گرفتن نقش و جایگاه مجلس در قانونگذاری و نظارت بر اعمال مجریان حاکمی از روندهای نگران‌کننده‌ای در نقض حاکمیت قانون است.

۲۴. روندهای اخیری که در بحث هدفمندکردن یارانه‌ها دنبال شد این شائبه را ایجاد می‌کند که دولت

می‌خواهد به خاطر تصمیم شجاعانه نمایندگان در مخالفت با تصمیم شتابزده دولت در این زمینه، بین مردم و نمایندگانشان رویارویی ایجاد کند.

۲۵. احیا و بازسازی نظام تصمیم‌گیری کشور از اولویتهای برنامه من است.

۲۶. اصل محوری در این بازنگری، طراحی و استقرار نظامی است که در آن شناسایی مسائل جامعه و یافتن راه‌حل‌های مناسب برای آن و نیز اجرای راه‌حل‌ها توسط تشکل‌های مردمی (اعم از اتحادیه‌های صنفی، شوراها و...) و با استفاده از ظرفیت کارشناسی کشور صورت خواهد گرفت

۲۷. احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی هم مبتنی بر چنین اصلی خواهد بود.

۲۸. نارسایی‌های سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بایستی در چنین قالبی رفع می‌شد نه این‌که آنرا منحل می‌کردیم.

۲۹. با اصلاح ساختار تصمیم‌گیری مشارکت و نقش‌یابی همه دست‌اندرکاران اقتصادی اعم از صنوف و بازاریان، تولیدگران و کارگران در حل مسائل اقتصادی سیستماتیک (نظاممند) و مؤثر و دائمی خواهد شد.

۳۰. تعامل گسترده سیاسی و اقتصادی با کشورهای مختلف جهان با حفظ استقلال کشور بایستی در دستور کار روابط خارجی قرار گیرد و از جنجال‌آفرینی‌هایی که در این مسیر خلل ایجاد می‌کند باید ممانعت کرد.

۳۱. تجارت بخشی از نیاز اقتصاد ملی است و مورد حمایت دولت اینجانب خواهد بود.

۳۲. بایستی به سمت تنظیم یک رابطه مناسب بین بخش تولید و توزیع در راستای پیشرفت و توسعه اقتصادی حرکت کرد.

۳۳. بانک یک بنگاه اقتصادی است و نباید به حیاط خلوت دولت تبدیل شود.

۳۴. شورای پول و اعتبار با تقویت قدرت تصمیم‌گیری آن باید احیا گردد.

۳۵. کارکنان بانک ها در فرآیند خصوصی سازی بانک های دولتی مشارکت داده خواهند شد.

۳۶. اهتمام اصلی ما به حرکت در جهت تحقق چشم انداز بیست ساله کشور خواهد بود.

رشد ۸٪ اقتصادی برای ما دیگر یک انتخاب نیست بلکه یک الزام است.

رسیدن به رشد ۸٪ بدون سرمایه گذاری مداوم با بهره وری بالا، فناوری پیشرفته و مدیریت برجسته ممکن نیست و لذا حضور غالب بخش خصوصی در اقتصاد آینده ایران با رعایت قوانین و مقرارت ضد انحصار و پایش بازار به وسیله دولت اجتنابناپذیر است.

۳۷. نحوه اجرای اصل ۴۴: اهتمام جدی به اجرای کامل، همه جانبه و دقیق سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از ضرورت های اجتنابناپذیر برای توسعه ملی است. آنچه به عنوان خصوصی سازی در حال حاضر

انجام می‌شود تثبیت مدیریت غیر بهره‌ور دولتی است. در واقع آنچه به بخش خصوصی آن هم به طریق نامناسب واگذار می‌شود شاید کمتر از ۱۰٪ ارزش واگذاری‌ها باشد.

۳۸. از جمله موانع در خصوصی‌سازی و نیز به طور کلی تقویت و فعال شدن بخش خصوصی، وجود تبعیضات عمده‌ای است که در ارایه مواد اولیه و کالاها و خدمات در اختیار دولت بین بنگاه‌های دولتی و خصوصی اعمال می‌شود. به عنوان مثال قیمت خوراک تحمیلی به یک پتروشیمی دولتی با خصوصی متفاوت دیده می‌شود و نظایر آن. باید به این تبعیض‌ها که اتفاقاً در قانون اصل ۴۴ نیز بر آن تاکید شده، پایان داد.

۳۹. ممانعت از حضور بانک‌ها و بیمه‌ها در فعالیت‌های رقابتی (غیر از موضوع اصلی فعالیت خودشان) با بخش خصوصی از دیگر زمینه‌هایی است که باید به آن توجه شود.

۴۰. ساماندهی فعالیت نهادهای عمومی غیردولتی در امور اقتصادی به نحوی که مانع توسعه و توانمند شدن بخش خصوصی نشوند.

۴۱. قطعا عبور از وضعیت فعلی اقتصادی که بیش از ۷۰٪ تولید ناخالص داخلی به وسیله بنگاههای دولتی صورت می گیرد به وضعیت مطلوب اقتصادی نیاز به زمان دارد و یک شبه قابل انجام نیست و قطعا گذار از وضعیت موجود به وضعیت اقتصادی مطلوب به برنامه ریزی منظم بسان ترسیم یک منحنی مجانب نیاز دارد.

۴۲. پذیرش سیاست گذاری اقتصادی در تعامل با محیط بین المللی اقتصادی - ما نه می خواهیم و نه می توانیم به عنوان جزیره ای بدون ارتباط در اقیانوس جهانی زندگی کنیم. تعامل سازنده و موثر با جهان از پیش نیازهای لازم برای توسعه و ساختن آینده ای بهتر برای نسل حاضر، جوانان و نسل های بعدی ماست.

۴۳. عدالت ضامن توسعه ملی است و هیچ‌گاه به مفهوم توزیع فقر نیست. بدون کاهش فاصله طبقاتی توسعه متوازن و پایدار قابل دسترسی نیست.

۴۴. باید رویکرد جامع به مفهوم رفاه عمومی در کشور اعم از آموزش، بهداشت، مسکن، تامین اجتماعی داشته باشیم.

۴۵. باید به سمت ایجاد فرصت‌های برابر برای آحاد ملت پیش برویم.

۴۶. باید با توجه به ویژگی‌های قومی و منطقه‌ای به عدالت منطقه‌ای و محلی توجه ویژه داشته باشیم.

۴۷. توانمندسازی طبقات میانه راهی برای امکان حمایت موثر از مستضعفان جامعه است.

۴۸. فساد اداری مانع عمده توسعه اقتصادی ملی و موجب افزایش بی‌ثباتی و افزایش هزینه‌های فعالیت‌های اقتصادی است. مبارزه با فساد خرد و فراگیر و کلی و سازمان یافته در سیستم‌های اداری به ویژه

آنچه که زندگی مردم و فضای کسب و کار را ناسالم و دچار اختلال کرده است از ضرورت‌هاست.

۴۹. هدفمند کردن یارانه‌ها مستلزم رعایت تدریجی و انجام آن در میان مدت و با فراهم کردن پیش نیازهای الزامی آن، نظیر اصلاح ساختار و فرایند تولید با هدف کاهش شدت انرژی و استقرار نظام فراگیر حمل و نقل عمومی می‌سور است. ضمن آن که این کار باید به نحوی صورت پذیرد که از یک سو موجب افزایش فاصله طبقاتی نشده و از دیگر سو به مزیت‌های ما در تولید و به ویژه در صنایع متکی بر گاز طبیعی آسیب نرساند. نباید منابع مالی حاصل از هدفمند کردن یارانه‌ها منجر به بزرگ کردن بدنه دولت و افزایش هزینه‌های جاری آن شود. بلکه به کمک این منابع باید قدم‌های اساسی در جهت فراگیر کردن و ارتقا کیفیت تامین اجتماعی در کشور برداشت.

۵۰. تمرکز نظام حکمرانی ملی منجر به عدم تعادل‌های جمعیتی، و توزیع خدمات در سطح ملی شده است. در

حال حاضر حدود ۴۵٪ جمعیت شهری در ۷ شهر بزرگ استقرار دارند. تمرکززدایی می‌بایست از طریق برنامه آمایش سرزمین شامل هدایت سرمایه‌گذاری‌ها با استفاده از سازوکارهای حمایتی اقتصادی و استفاده از ظرفیت اصول مربوط به شوراها در قانون اساسی و به سود افزایش اختیارات نظام‌های حکمرانی محلی صورت گیرد.

۵۱. در برنامه پنجم در حوزه اقتصاد به چند فراز مهم توجه خواهد شد:

اول اینکه حتی اگر لایحه برنامه پنجم نیز به مجلس تقدیم شده باشد، از مجلس پس گرفته خواهد شد و با مشورت سازمان یافته با مدیران با تجربه در سطح ملی و نیز نهادهای حرفه‌ای و مدنی، اصلاح خواهد شد. دوم این که صندوق توسعه ملی در این برنامه تشکیل و فعال خواهد شد. سوم این که برنامه بر اساس بازتعریف جایگاه دولت که متضمن شفافیت عملکرد، نظارت‌پذیری، کوچک شدن حجم دولت و جهت‌گیری

طرح‌های عمرانی دولت عمدتاً به سمت و سوی ایجاد زیربنای لازم برای توسعه کشور تنظیم خواهد شد. چهارم این‌که کاهش جدی تصدی دولت در بخش اقتصادی مورد نظر خواهد بود. پنجم اینکه در بخش اقتصاد توجه به توانمندسازی و تقویت بخش‌های خصوصی و تعاونی مورد توجه جدی قرار خواهد گرفت. میرحسین موسوی پس از بیان گزاره‌های خود، به صحبت درباره برخی پرسش‌ها و دغدغه‌های مطرح شده در این نشست پرداخت.

موسوی دربارهٔ **WTO** سازمان تجارت جهانی و پیوستن ایران به این سازمان گفت: متأسفانه در این زمینه خیلی فعال نبوده‌ایم؛ البته ورود ما به این سازمان تنها چنجه‌های فنی ندارد و جنبه‌های سیاسی هم هست و اگر اجماعی در آن سازمان به وجود نیاید و حتی یک کشور مخالفت کند ما مشکل خواهیم داشت ولی نظر بنده این است که ضمن این‌که باید تلاش کنیم وارد این

سازمان شویم، بیرون بودن ما از این سازمان فرصت‌ها و تهدیدهایی برای ما دارد.

نخست‌وزیر دوران دفاع مقدس با بیان این‌که اگر در سال‌های گذشته واقع‌بین بودیم و مسایل سیاسی را می‌دیدیم، می‌دانستیم که ورود به این سازمان برای ما با مشکل همراه خواهد شد و تاخیر خواهد داشت، پس حداقل از فرصت‌های بیرون ماندن از این سازمان باید استفاده می‌کردیم گفت: ما از فرصت‌های بیرون ماندن از سازمان تجارت جهانی استفاده نکرده‌ایم.

وی افزود: در این زمینه آن‌قدر که دست ما باز است، دست ترکیه و کشورهای همسایه که عضو **WTO** هستند، باز نیست؛ بنابراین یکی از پروژه‌ها همین مساله است که باید بر روی آن کار کنیم.

آخرین نخست‌وزیر ایران با اشاره به برخی از صحبت‌های مطرح شده توسط کارشناسان اقتصادی اظهار کرد: سیاست ارزی ما قطعاً باید شناور و مدیریت‌شده باشد و ما نمی‌توانیم بخش اخیر را از آن

حذف کنیم و در عین حال نمی‌توانیم به سمت سیاست‌های آمرانه و حاکمانه برویم و شرایط هم این را ایجاب نمی‌کند.

موسوی در ادامه با تأثیربرانگیز خواندن برخی مطالب مطرح شده در این جلسه، این موضوع که اعتبار گذرنامه ما در بین ۱۹۴ کشور رتبه ۱۹۳ است را تکان‌دهنده خواند و افزود: این مساله، مساله اقتصادی هم نیست و واقعا به انسان بر می‌خورد.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در ادامه به بحث اقتدار بانک مرکزی اشاره کرد و گفت: بنده اعتقاد دارم که باید به سمت اقتدار بانک مرکزی پیش برویم. از قدیم هم به این مساله گرایش داشتم ولی زمان جنگ این مساله امکان‌پذیر نبود. در اول انقلاب مشکلاتی که بانک مرکزی و دولت داشتند، موجب شد که رئیس بانک مرکزی در جلسات دولت شرکت کند، من اعتقاد دارم که این شرکت کردن ضمن این‌که فوایدی داشت، ضررهایی هم داشت و آن، بستگی و پیوند بسیار زیاد و

غیرعادی دولت به مسایل سیاست پولی و نقش اساسی بانک مرکزی بود، یعنی حضور بانک مرکزی تنها در شورای اقتصاد کافی بود و حضور آن در دولت را خیلی مناسب نمی‌دیدم و الان هم نمی‌بینم.

وی تاکید کرد: نمی‌خواهم بگویم اگر رای آوردم چنین کاری را خواهم کرد ولی به این سمت حرکت خواهم کرد. طبیعی است که در کنار این امر، مساله اقتدار بانک مرکزی اصل خواهد بود. ثبات حاکم بر بسیاری از اقتصادهای جهان را ناشی از اقتدار بانک مرکزی آن‌ها و نقش آن می‌دانم که امیدوارم در کشور ما هم به آن سمت پیش برویم. حداقل فایده آن، این است که از جابجایی‌های سریع بانک مرکزی جلوگیری می‌کند و خود این مساله خیلی تاثیر دارد.

موسوی درباره پرسش مطرح شده درباره نرخ ارز نیز گفت: بنده موافق برخورد آمرانه با این مساله نیستم و دخالت دستوری در بانک‌ها را بر نمی‌تابم و به نظرم می‌آید که در هر مساله‌ای باید به قانون رجوع کنیم و

اگر مشکلاتی در این ساختار هم وجود دارد و از نظر محتوای قانون با نارسایی‌هایی روبه‌رو هستیم، باز هم از طریق قانون باید آن‌ها را حل کنیم چرا که این می‌تواند آرامشی را در سطح کشور ایجاد کند و به ثبات سیاست‌ها کمک خواهد کرد.

نخست‌وزیر دوران دفاع مقدس همچنین راجع به بیمه مرکزی اظهار کرد: بنده اعتقاد دارم که بیمه مرکزی باید در اجرا وارد نشود و شبیه نقش بانک مرکزی را در قبال بقیه بیمه‌ها بازی کند اما الان این چنین نیست.

وی درباره گرایش سوسیالیستی یا لیبرالیستی در نظریات اقتصادی خود گفت: من همیشه از اقتصاد اسلامی بحث می‌کنم و اقتصاد اسلامی را هم از مسایلی که گفتم جدا نمی‌بینم و اصول و گرایش‌هایی در اقتصاد اسلامی می‌شناسم که تناقض‌هایی با این مسایل ندارد.

نخست‌وزیر دوران دفاع مقدس در ادامه با بیان این‌که یکی از دغدغه‌های دولت در زمان دفاع مقدس، پرداختن به صنوف تولیدی بود، افزود: بنده شهادت

می‌دهم که با اندک توجهی که دولت به این بخش داشت، یک اشتغال وسیعی توسط این‌ها سامان داده شد و در رابطه با خود دفاع مقدس هم در برنامه‌ریزی که شد با توجه به اینکه آن زمان مهمات به ما نمی‌دادند و پول هم نداشتیم، این صنوف تولیدی به طور وسیع در سراسر کشور به کار گرفته می‌شدند. برای مثال یکی از کارهای زیبایی که آن موقع صورت گرفت، وارد کردن تعداد قابل توجهی از ماشین‌های تراش **CNC** بود که بین کارگاه‌های خصوصی توزیع شد. در زمینه پشتیبانی از جنگ هم همین ماشین‌های تراش برای برخی قطعات حساس و خمپاره‌ها به کار گرفته شدند و هر کس در آینده بیايد، همین سیاست با همین روحیه باید ادامه داشته باشد.

وی به مساله سهام عدالت نیز اشاره کرد و گفت: بحث سهام عدالت را باید در چارچوب اصل ۴۴ مطرح کنیم. برداشت من این است که شیوه اجرایی طرح سهام عدالت، خصوصی‌سازی واقعی را به خطر انداخت. این

مساله جنبه سیاسی هم پیدا کرده است و یکی از مشکلات ما هم جمع و جور کردن این مسایل است. عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به برخی دیگر از مشکلات مطرح شده در جلسه، خاطرنشان کرد: به دلیل نبود برنامه ریزی تا کنون ۸۲ کارخانه سیمان داشتیم یا بیمارستان هایی که بدون پزشک در سراسر کشور وجود دارد. یکی از مشکلاتی که دولت در این زمینه دارد، اختصاص منابع کمیاب در خدمت اغراض سیاسی است؛ بسیاری از این تعهدات و برنامه ها ناشی از این مسایل است و ایستادن در مقابل آن هزینه می طلبد و محکم بودن لازم دارد که ان شاء الله همگی داشته باشیم.

موسوی در ادامه با اشاره به مساله کسب و کار در کشور اظهار کرد: یکی از عزیزان راجع به محیط کسب و کار صحبت کردند و این اصطلاحی است که کم کم در حال بازتر شدن است و متأسفانه سال به سال در این زمینه تنزل پیدا می کنیم. مسایلی شبیه این امر یا مساله

ثبات در سیاست‌ها، ثبات در مدیریت‌ها می‌تواند امنیت اقتصادی و کسب و کار را در کشور ما ایجاد کند. با توجه به آشفتگی بیش از اندازه‌ای که در این زمینه وجود دارد، بنده اعتقاد دارم که در یک سطح بالا نهادی برای روان‌سازی اقتصاد کشور باید طراحی شود که در کنار افرادی که در اجرا هستند و در جنبه‌های نظری کار کرده‌اند به طور مرتب پروژه‌هایی تهیه شود و پیش برویم.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام افزود: گاهی شاخص‌های مربوط به توسعه بهبود فضای کسب و کار به ده‌ها مورد می‌رسد و برای تک تک این‌ها برنامه‌های خاصی لازم است. بخشی از این‌ها در اختیار قوه قضاییه است ولی دولت می‌تواند با قوه قضاییه کار کند. بخش دیگر مربوط به بخش‌نامه‌ها و قوانین و مقررات است که عملاً برای گرفتن اجازه جهت یک فعالیت اقتصادی ساده‌طوری کار به طول انجامد که امکان سرمایه‌گذاری و رقابت را از بین می‌برد و خود این مساله فساد ایجاد

می‌کند و بخشی از رشوه‌ها و امثال این‌ها هم به همین مساله بر می‌گردد. ثبات در مدیریت، ثبات در سیاست‌ها و بهبود بخشیدن حداکثری در فضای کسب و کار از برنامه‌هایی است که بنده پیگیری خواهم کرد.

موسوی در ادامه راجع به نگاه خود به صنعت گردشگری اظهار کرد: صرف‌نظر از مسایل اقتصادی، مساله گردشگری جنبه‌های فرهنگی عمیقی دارد. در منطقه، کشور ترکیه درآمدهای زیادی از این طریق دارد و به علاوه اشتغال عظیمی در سطح کشور خود ایجاد کرده است. در این زمینه با موانعی از قبیل مسایل فرهنگی روبه رو هستیم ولی به نظر من آن مسایل فرع بر این قضیه است که جاذبه‌های کشور ما را تحت تاثیر خود قرار دهد، فقدان سرمایه‌گذاری‌ها و تزلزل در این زمینه، تزلزل در سیاست‌ها و به کارگیری افرادی که تخصص و همت این کار را ندارند از جمله مشکلات ما در این زمینه است. چنین افرادی ممکن است در فضاهای سیاسی و مذهبی کار کنند اما این صنعت را از عمق و

درون نمی‌شناسند و به کارگیری این افراد موجب شده در این زمینه عقب‌گرد داشته باشیم.

موسوی، سیاست خارجی کشور و تنش‌زدایی در این سیاست‌ها را در صنعت گردشگری بسیار موثر دانست و تصریح کرد: اگر ما با همین صنعت و در جای دیگر به وسیله مثلا کارهای تولیدی بتوانیم ارز جمع کنیم و اشتغال را بالا ببریم، شاید آن موقع بتوانیم ادعا کنیم که وابستگی ما به نفت در حال کاهش پیدا کردن است وگرنه همیشه این طوق بر گردن اقتصاد ایران خواهد بود.

نخست‌وزیر دوران دفاع مقدس در ادامه درباره دیدگاه خود نسبت به مهاجرت نخبگان به خارج از کشور و جذب نیروهای جوان تحصیلکرده به داخل کشور گفت: این مهاجرت‌ها عوامل مختلفی دارد که شاید مهم‌ترین آن‌ها نداشتن دورنماست و این‌که یک جوان بداند اگر بماند می‌خواهد چه کار کند و به کجا برسد و اینکه آیا دورنمایی برای خلاقیت، مسکن و رشد ازدواج وجود

دارد یا خیر. بهترین نیروهای ما در دانشگاه صنعتی شریف و برخی دیگر از دانشگاه‌های ما جذب می‌شوند و بسیاری از آن‌ها حتی پول هم نمی‌خواهند و کافیت سرمایه‌گذاری خوبی در کشور انجام شود و او احساس کند می‌تواند از دانش خود استفاده کند. حتی در تولیدگران کشور هم چنین مساله‌ای را دیده‌ام که افراد به خوبی می‌دانند و زرنگی این مساله را هم دارند که وارد بخش سوداگرانه شوند ولی به دلیل عشق و علاقه‌ای که به صنعت کشورشان داشتند، به عنوان یک مساله اخلاقی و دینی در جایگاه خودشان ایستاده‌اند.

وی خاطرنشان کرد: متأسفانه یک نوع دخالت‌هایی در سلیقه‌ها و گرایش‌ها در کشور داریم که موجب می‌شود جوان احساس کند، کشور، دولت و دیگران به او اعتماد ندارند. در فضایی که دوستی و آشتی در میان همه ملت باشد و در امور خصوصی و داخلی خانواده‌ها دخالت و تجسس نشود، می‌توانیم این نیروها را بهتر نگه داریم. مهاجرت‌ها به خارج کشور عوامل متعددی دارد که

بخشی از آن فرهنگی و سیاسی و بخشی هم اقتصادی است و ما باید برای مجموعه این‌ها برنامه داشته باشیم. وی گفت: ثبات در سیاست‌گذاری‌ها و ایجاد امنیت اقتصادی در کشور جزو مواردی است که به کم شدن خود به خودی این مهاجرت‌ها بسیار کمک می‌کند.

موسوی در ادامه درباره مشکل بیکاری در کشور به مساله سرمایه‌گذاری اشاره کرد و گفت: در بخش سرمایه‌گذاری اگر بخواهیم به سراغ صندوق ذخیره ارزی و امثال این‌ها برویم مشکلی گشوده نمی‌شود و اگر می‌شد در این سال‌ها اتفاق می‌افتاد، در نتیجه دولت در این رابطه به کارآفرینان و ابتکارات بخش خصوصی نگاه کند و فضایی را فراهم کند که رونق و حرکتی در این رابطه به وجود بیاید. نمی‌خواهم بگویم راه‌حل‌های موضعی و کوچک در این زمینه وجود ندارد برای اینکه اندکی دردها را کاهش دهد ولی اصل قضیه این است که تولید، آن هم جز با تکیه بر بخش خصوصی امکان‌پذیر نیست برای اینکه این مشکل را حل کند.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام اضافه کرد: در کشورهای دیگر وقتی مشکل بیکاری پیش می آید، شروع برخی پروژه های بزرگ و کارهای دیگر را شاهد هستیم؛ کارهایی که برخی از آن ها در دولت فعلی هم به عنوان کارهایی که انجام شده و جواب نداده صورت گرفته است، نظیر طرح های زودبازده و امثال این ها؛ پروژه ها و طرح هایی باید اجرا شود که چنین آثار سوئی نداشته باشد. در آینده یکی از اصلیت ترین مشکلات هر دولتی که روی کار می آید، مساله تورم و بیکاری است و اینکه کدام یک از این ها تعیین کننده تر است و یکی از تصمیمات دردناک برای هر دولتی همین مساله خواهد بود.

وی در پاسخ به پرسش دیگری درباره توسعه بخش تعاون، اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و رسیدن به سهم واقعی بخش تعاون در قانون اساسی، اظهار کرد: از اول انقلاب همه به مساله تعاون اعتقاد داشتیم ولی متأسفانه هیچ گاه جدی گرفته نشده است و یکی از

دلایل رشد نیافتن این بخش هم همین مساله بوده است. گاهی بخش تعاون را در مقابل بخش خصوصی قرار داده‌اند که به نظر من به هیچ وجه چنین چیزی درست نخواهد بود. الان با اصل ۴۴ زمینه‌ای فراهم آمده است و فکر می‌کنم اگر این اصل را اجرا کنیم بسیار مهم خواهد بود.

موسوی خاطرنشان کرد: برای اجرای اصل ۴۴ مجبوریم جایگاه نهاد تصمیم‌گیری در این زمینه را از نظر اختیارات، موقعیت و منزلت در سیستم اداری ارتقاء بدهیم. یکی از مشکلات ما این است که برای کارهای بزرگ با سازمان‌ها و نهادهای ضعیف، با اختیارات کم و با مدیران بسیار ضعیف کار را شروع و فکر می‌کنیم یکی از مشکلات خصوصی‌سازی همین مساله است. اگر این مساله حل شود مشکل بخش تعاون هم حل خواهد شد.

در ادامه پرسشی درباره چگونگی حل مشکلات استان خوزستان مطرح شد که مهندس موسوی پاسخ داد: با

توجه به اینکه خون افرادی از همه آبادی‌های کشور ما در خوزستان ریخته شده، حسی که مردم نسبت به این استان دارند مشابه هیچ استانی نیست و ما باید این سرمایه ملی را پشتوانه بازسازی آن مناطق قرار دهیم. در عین حال برخی زیرساخت‌ها در این استان باید اصلاح و کارهای اساسی در آنجا باید انجام شود. این استان برخی مشکلات محیط زیستی هم دارد که موجب مهاجرت‌های بزرگ و فرار سرمایه‌گذاری از استان خوزستان می‌شود.

وی مشکل وجود گرد و غبار فراوان در استان خوزستان را از جمله مشکلات محیط زیستی مهم این استان برشمرد و افزود: این مشکل ظاهراً ناشی از برخی مسایل نظیر عدم محاسبات مناسب در سدسازی‌ها و فرسایش برخی مناطق در عربستان و عراق می‌تواند باشد و تا حدی هم حرکت نیروهای نظامی در عراق و فرسایش خاک آن مناطق و از بین رفتن مراتع در این رابطه اثر گذاشته است. مساله خوزستان احتیاج به یک

مهندسی همه جانبه دارد ولی باید دید که آیا این در یک فضای خیالی است؟ خوزستان زیرساخت‌های قوی، انرژی و منابع فراوان دارد و سرمایه‌گذاری‌های عظیمی هم در آنجا صورت گرفته است و تمام مواد اولیه‌ای که معمولاً در جاهای دیگر نیست در آنجا گردهم آمده است ولی یک خلاء وجود دارد و آن مساله مدیریت و داشتن یک طرح جامع است.

نخست‌وزیر دوران دفاع مقدس باز شدن مرزهای عراق را فرصتی عظیم برای خوزستان دانست و افزود: یکی از مسایلی که در برخی مناطق خوزستان نظیر آبادان و خرمشهر و همچنین در ایلام امیدهایی را ایجاد کرده همین مساله باز شدن مرزهای عراق است ولی متأسفانه دورنمایی در این زمینه وجود ندارد. بالاخره آشفته‌گی‌ها در عراق تمام خواهد شد و با این ذخایر عظیم و سرمایه‌گذاری‌های کلانی که خواهد شد و نیز نیروی عظیمی که در آن سوی مرز، هم مذهب و همسایه

ماست، ظرفیت قابل توجهی را برای سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی در استان خوزستان فراهم می‌آورد. وی با اشاره به طرح منطقه آزاد در خوزستان گفت: این طرح، طرح بسیار خوبی است و می‌تواند معطوف به امتیازات آن استان باشد ولی همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردم طی این سه چهار سال اخیر چند مدیر عوض شده است در حالی که بنده مناطق آزادی را در دنیا می‌شناسم که گاهی سابقه مدیریت آن به حدود ۲۰ سال می‌رسد که از مقامات بالای آن کشورها انتخاب می‌شود و می‌ایستند و نه‌تنها می‌توانند آن منطقه را متحول کنند بلکه می‌توانند آن منطقه را تبدیل به وسیله‌ای کنند که در کل کشور جریان توسعه را به وجود بیاورد.

در دیدار با تعدادی از فعالان سیاسی، اعضا و دبیران کل احزاب؛

به حزب اعتقاد دارم

۳ اردیبهشت ۱۳۸۸

به گزارش قلم نیوز، مهندس موسوی عصر روز گذشته در دیدار با تعدادی از فعالان سیاسی، اعضا و دبیران کل احزاب، پس از شنیدن سخنان ایشان، طی سخنانی گفت: باید در کشورمان دنبال ثبات و برنامه‌ریزی‌های مطمئن و حساب‌شده باشیم. ما باید به دنبال امید و نظارت‌های نهادینه در قدرت باشیم. شهید بهشتی ادارهٔ کشور را بدون حزب امکان‌پذیر نمی‌دانست. ایشان قبل از انقلاب به فکر تاسیس حزبی بودند و پس از پیروزی حزب جمهوری اسلامی را تاسیس کردند. در

میان احزابی که در آن سال ها تاسیس شدند احزاب کمتری بودند که دوام و فراگیری داشتند که از جمله آن ها حزب توده بود، سپس جبهه ملی ایجاد شد که البته فراگیری حزب توده را نداشت و پس از آن نهضت آزادی و سپس حزب موتلفه شکل گرفت که تا امروز ادامه پیدا کرده است.

وی افزود: نظام های حزبی نظام هایی هستند که شکل های فراگیر و گسترده دارند؛ حمایت دولت از شکل ها بسیار حیاتی است. در سال ۶۶ گرایش های مختلفی وجود داشت، در آن سال سازمانی مانند تبلیغات اسلامی، جامعه اسلامی بازار، مجمع روحانیون مبارز و دفتر تحکیم وحدت شکل گرفت که هر کدام دیدگاه های متفاوتی داشتند و پیشنهاد ما این بود که دو شکل نیرومند برای نظام ایجاد شود تا مشکلات ناشی از ناپایداری دولت، ریاست جمهوری و نخست وزیری و غیره حل شود اما اینچنین نشد که

بخشی از آن ممکن است به دولت برگردد اما بخش دیگر برمی‌گردد به نوع نگاه افراد به حزب.

موسوی گفت: آنچه مربوط به دولت آینده می‌شود اگر من وارد دولت شدم این است که آنچه وعده بدهم عمل می‌کنم. من به حزب اعتقاد دارم و دولت باید احزاب را نهادینه کند اما مشکل مالی احزاب نباید از طریق یارانه‌های دولتی حل شود بلکه می‌توان قوانینی را ایجاد کرد که از طریق آن مشکل مالی تشکلهای حل شود که خانهٔ احزاب در این زمینه می‌تواند کمک کند. آنچه آقای افروغ دربارهٔ نقدپذیری دولت مطرح کرده‌اند را قبول دارم. ان شاءالله اگر به دولت وارد شدم از انتقادات احزاب بهره خواهم برد و به کوچکی و بزرگی آنان نگاه نمی‌کنم. من معتقدم احزاب قوی در کشور ما شکل پیدا نمی‌کنند مگر آنکه از هاله‌ای که در آن پیچیده شده‌اند خارج شوند. احزاب با وجود آنکه اهدافشان حفظ نظام و قانون اساسی است و اعضای آنها در انقلاب اسلامی امتحان خود را پس داده‌اند اما

از سمت و سوهای مختلف مورد حمله قرار می گیرند، در حالی که اهداف احزاب باید در جامعه جا بیفتد. باید اینجا بیفتد که احزاب در برابر نهادهای سنتی و روحانیت نیستند. احزاب قدرتمند در کشور ما بجز با یک رابطه^۱ تعریف شده با نهادهای سنتی امکان دوام ندارند. حضور روحانیون در احزاب یک عوام فریبی نیست بلکه آن ها نهادهای سنتی هستند که ریشه در تاریخ دارند.

وی همچنین گفت: هرگونه فرار از قانون به پایه و اساس تشکلهای فراگیر در کشور صدمه خواهد زد در حالی که در کشورهای پیشرفته تکیه^۲ تشکلهای بر قانون است. در سالهای گذشته تردید افکنی در اهداف احزاب مبنی بر اینکه می خواهند از قانون اساسی عبور کنند یا زیاده خواه هستند در سطح افکار عمومی تبلیغ شد؛ بنابراین امروز باید از احزاب دفاع کرد. احزاب باید از هر اقدامی که منجر به متهم شدن آنان به ساختارشکنی شود پرهیز کنند. احزاب قدرت می گیرند

که قانون را اجرا کنند. آن‌ها نمی‌خواهند قانون را تغییر دهند. البته همه در بیان آرا و نظرات خود آزادند اما حزابی که در چارچوب حرکت می‌کنند باید دقت داشته باشند که متهم نشوند به اینکه حرکتی برای تغییر قانون اساسی صورت می‌دهند. این نوع اتهام‌ها به حرکت آنان لطمه خواهد زد. به نظر من قدم بعدی که باید برداشته شود و خانهٔ احزاب شاید بتواند در این زمینه کمک کند ایجاد ائتلاف و رفتن به سمت تشکل‌های بزرگ است.

نخست وزیر دوران دفاع مقدس با تاکید بر اینکه هیچ ضرورتی وجود ندارد که در هر بخش و شهر یک حزب کوچک وجود داشته باشد، اظهار داشت: **NGO**ها بحثشان با حزب فرق دارد. اگر می‌گوییم حزب منظور حزابی هستند که به دنبال اثرگذاری در قانون اساسی‌اند که باید با پا گذاشتن بر منافع شخصی و حزبی خود درصدد آن برآیند که مجموعهٔ واحدی را

تشکیل دهند و الا تنوع در نگاه حزبی را چندان به نفع نمی بینم.

وی همچنین با تاکید بر صیانت از آرا در انتخابات اظهار داشت: این مسالهٔ صیانت از آرا یکی از مهم ترین دغدغه های گروه های مختلف است و اگر احزاب قدرتمندی در کشور داشته باشیم دغدغهٔ کمتری در این رابطه خواهیم داشت. بنابراین هر چه بیشتر به سمت ائتلاف هایی که می تواند دامنهٔ نفوذ ما را افزایش دهد برویم بهتر است. اگر در سطح جامعه گفتمانی صمیمانه جا بیفتد و مورد حمایت قرار بگیرد چه اشکالی دارد که برای چند دوره و چند دولت، صیانت از احزاب به عنوان یک وظیفهٔ ملی دربیاید. حتی اگر آن احزاب مخالف دولت باشند، در غیر این صورت نتیجه این می شود که آقای خاتمی موافق حزب است و یارانهٔ احزاب را برقرار می کند ولی دولت دیگری مخالف است و آن را قطع می کند.

موسوی به پیشنهاد مطرح شده از سوی مجید انصاری مبنی بر قرار دادن یکی از شبکه‌های تلویزیونی در اختیار کاندیداها تا زمان انتخابات اشاره کرد و اظهار کرد: برخی پیشنهادات مانند داشتن کانال تلویزیونی آرزویی که در عرصهٔ فعلی می‌تواند به صورت یک مطالبه مطرح شود و حداقل فایدهٔ این مساله ایجاد شور و نشاط در انتخابات است. اگر رسانه، رسانهٔ ملی است باید به این مساله توجه کند.

وی گفت: استفاده از امکانات جدید رسانه‌ای مفید است. اینترنت، وبلاگ‌ها و امثال این‌ها امکانات خوبی هستند که اگر به طور جدی‌تر و فراگیرتر به آن‌ها نگاه شود و از حالت تفننی بیرون بیاید؛ می‌تواند بسیار موثر باشد. ما در انتخابات از این مساله استفاده می‌کنیم که البته جای روزنامه و صداوسیما را نمی‌گیرد ولی بخشی از این کمبودها را جبران می‌کند.

موسوی با اشاره به بحث مطرح شده در جلسه دربارهٔ اصلاح قانون مطبوعات و احزاب، گفت: تغییر قوانین از

طریق اجرای قانون قابل اجرا است و این مساله یک مبارزهٔ انتخاباتی خوب در ریاست جمهوری، مجلس و شوراها را می‌طلبد. شوراها برای اینکه احزاب قدرت بگیرند و همچنین بخش عمده‌ای از مشکلات قومیت‌ها حل شود اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. احزاب، شوراها و دولت می‌توانند مثلی را بسازند برای اینکه نظام مردمی‌تری داشته باشیم و از تمایلات مردم بیشتر استفاده کنیم. ما هفت اصل دربارهٔ شوراها داریم که در دولت من دو لایحه برای تصویب در زمینهٔ شوراها ارائه شد. بعد از آن، جنگ و تحریم‌ها پیش آمد و عده‌ای گفتند فعلا جنگ است. البته من اعتقادی به معطل ماندن شوراها نداشتم ولی به هر حال اختیارات این شوراها تقلیل پیدا کرد.

وی تاکید کرد: باید راه‌حلی پیدا کنیم برای اینکه چند حزب نیرومند در کشور داشته باشیم، من به همهٔ احزاب توصیه می‌کنم که تلاش کنیم و به هم نزدیک شویم تا زمینه‌ای ایجاد شود تا جمع‌های وسیع‌تری را

فراهم کنیم. حرف نسبتا ناامیدکننده‌ای زده شد مبنی بر اینکه چندصد سال در دنیا طول کشیده تا حزب جا بیفتد ولی من معتقدم اگر ۱۰ سال محکم روی یک موضوع بایستیم و اصرار کنیم یقینا در آینده می‌توانیم چند حزب تعیین کننده و اساسی در کشور داشته باشیم.

دیدار با نخبگان استان خراسان

راهبردهای اصلاح طلبی

۴ اردیبهشت ۱۳۸۸

به گزارش خبرنگار قلم نیوز، نخست وزیر دوران دفاع مقدس پنجشنبه شب در دیدار با برخی نخبگان استان خراسان رضوی در حسینیه آیت الله شیرازی شهر مشهد اعلام کرد: ما طبقات میانی فربه در جامعه نداریم که امیدوار باشیم شعارهای اصلاح طلبانه با پشتوانه یک طبقه میانه پیش برود. طبقات پایین جامعه می توانند بهترین پشتوانه هر نوع برنامه اصلاحی به حساب بیایند.

او با بیان اینکه هم از نظر اعتقادی و هم از نظر شرعی و انسانی ضرورت دارد که با قشر مستضعف و پایین جامعه پیوند بخوریم گفت: یکی از فضیلت هایی که

نیروهای خط امامی و اصلاح‌طلبان می‌توانند پیدا کنند این است که در کنار بقیه فضیلت‌هایشان به طرفداری از مستضعفان هم شهرت پیدا کنند و اینکه من می‌گویم اصلاح‌طلبی هستم که به اصول برمی‌گردم، یکی از آن اصول همین قضیه است. نباید بگذاریم این نیروهای مستضعف مصادره و در جای دیگر به کار گرفته شوند. نگذاریم این افراد به اسم اصولگرایی در جبهه‌هایی جمع شوند در حالی که زمینه‌های اصلاح‌طلبی می‌تواند از درون آن‌ها بجوشد و نظام را حفظ کند. اگر این روح را در میان اصلاح‌طلبان زنده کنیم خواهیم دید که نیروی عظیمی پشت سر این جریان قرار خواهد گرفت. نخست وزیر کشورمان در دوران دفاع مقدس بر نقش حمایت‌های مردم در حل مشکلات جامعه تاکید کرد و افزود: هر چقدر در این انتخابات پیش می‌روم احساس می‌کنم بارهایی که باید برداشته شود سنگین است و این کار به سامان نمی‌رسد مگر اینکه همه مردم همت کنند. باید مردم را روشن کرد و به آن‌ها گفت اگر

خواستار دگرگونی و تحول هستند همه باید دست به دست هم بدهند و کشور را بسازند .

موسوی با بیان اینکه هر دولتی که روی کار بیاید مدت ها طول می کشد تا به نقطه ثبات برسیم و از آن نقطه آغاز کنیم اظهار کرد: یکی از اولین مسایلی که باید به آن توجه شود مساله بودجه است. بودجه کشور ما نزدیک به ۴۰ میلیارد تومان کسری دارد و جبران کردن و اصلاح این امر بسیار دشوار است. مساله طراز پرداخت ها هم از جمله دیگر مشکلات ماست. کشوری که به هزینه های مطابق با درآمد ۷۰، ۸۰ میلیارد دلاری در سال عادت کرده، اداره آن با ۳۰، ۴۰ میلیارد دلار درآمد دشوار خواهد بود .

او با انتقاد از افزایش تعهدات در سفرهای استانی دولت نهم توضیح داد: افزایش تعهدات در دولت جدید از طریق سفرهای استانی زیاد است و قابل وصف با هیچ کدام از دولت های گذشته نیست. این ها کلنگ های زده شده و زخم های ایجاد شده است که باید به نوعی ترمیم

شود. اغلب این‌ها کارهایی هستند که جنبه استراتژیک و راهبردی ندارند. متأسفانه بسیاری از طرح‌های مهم کشور معطل مانده و ایجاد روش‌های اجرایی که آن طرح‌ها را دوباره راه‌اندازی کند یکی دیگر از مشکلات دولت جدید خواهد بود .

موسوی در ادامه به شعار مبارزه با فساد در دولت نهم اشاره کرد و گفت: دولتی که روی کار آمد با شعار مبارزه با فساد بود ولی آنچه با آن روبرو هستیم این است که به طور ناخواسته فساد سازمان یافته‌ای را در کشور ایجاد کرده است و ظاهراً هم تاکنون کسی را گیر نیاورده‌اند؛ جزایری هم که قبلاً گیر افتاده بود. این‌ها هیچ! مافیای نفت و امثال این‌ها را پیدا نکرده‌اند. از سوی دیگر پیمانکاری‌های ما که داشتند کم کم قدرت می‌گرفتند و نظامی پیدا کرده بودند و تبدیل به سرمایه‌ای برای کشور می‌شدند، نه تنها طلب‌های آن‌ها داده نشد بلکه خودشان به پیمانکارهای دست دوم تبدیل شدند و مجبور شدند کارهای دسته چندم

بگیرند و می توان حدس زد که در این مسیر چه فسادى ایجاد مى شود .

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام همچنین با بیان اینکه صنایع ما محتاج حمایت های قوی هستند اظهار کرد: سامان دادن این مساله مدت ها طول خواهد کشید که آمیخته با مسائل سیاسى فراوانى هم خواهد بود. قبلا هم گفته بودم کشورى که مرز ندارد امکان سیاست گذاری اقتصادى در آن وجود ندارد. در کشورى مانند آمریکا که بیشترین واردات و صادرات را دارند اگر کسى تنها ۱۰هزار دلار به ایران کالایى فروخته باشد که مطابق قوانین آن ها نباشد یقینا او را کشف مى کنند و به دادگاه مى برند ولی متاسفانه ما اصلا چنین مرزهاى در کشور نداریم .

وى با اشاره به گستردگى تولید قند و شکر در کشور به ویژه در خراسان، از واردات بی رویه شکر که موجب اختلال در صنعت قند و شکر در کشور شده انتقاد کرد و گفت: یقینا منافع و سودهاى پشت این قضیه است و

حرکت در این راه یک اقدام و تصمیم ساده نیست. کار پیش روی ما کار دشواری است و تنها با مشارکت، صبر، آگاهی و نوآوری به همراه اراده و عزم دولت امکان به سامان رسیدن آنها وجود دارد. ■

موسوی در پایان ابراز امیدواری کرد که آگاهی نیروهایی که کم کم به صحنه می آیند بتواند پشتوانه حرکت های خوبی قرار بگیرد. برای حل مشکلات کشور غیر از حمایت فرهیختگان جامعه نیاز به پشتوانه مردم عادی کشور هم داریم. اگر مردم پشت اقدامات صورت گرفته نباشند این مساله تبدیل به یک تهدید خواهد شد؛ بنابراین باید بسیج گسترده مردمی را پشت سر نیروها داشته باشیم. ■

نامه مشترک موسوی و کروبی به دبیر شورای نگهبان

دبیر محترم شورای نگهبان

باسلام

احتراماً، با توجه به برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ بیست و دوم خرداد ۸۸ و با عنایت به اصول هشتم و پنجاه و ششم قانون اساسی، ناظر به حق نظارت عمومی مردم بر حکومت و همچنین حق حاکمیت مردم بر سرنوشت اجتماعی خویش، و با استناد به مواد ۴۷ و ۳۹ قانون انتخابات ریاست جمهوری و استفاده از عنوان «معتمدین محلی» در قانون مذکور، در تعیین «هیأت‌های اجرایی» و «اعضاء شعب اخذ رأی»، که گویای تأکید قانون‌گذار بر حق نظارت مردم بر

انتخابات و نحوه تعیین سرنوشت خویش است، انتظار می‌رود شورای محترم نگهبان و مجموعه وزارت کشور زمینه‌ای فراهم نمایند تا در گزینش و دعوت از ناظرین شورای نگهبان و همچنین «معمدین هیئت‌های اجرایی» و «اعضای شعب اخذ رأی» حتی‌الامکان از چهره‌های مستقل و اشخاص موجه و شناخته‌شده (که بهترین مصادیق برای عنوان معمدین محلی هستند) استفاده گردد. طبیعی است در صورت کمبود چهره‌های مستقل در برخی حوزه‌ها می‌توان از اشخاص با گرایش سیاسی اما به طور متعادل (و نه فقط از یک سلیقه سیاسی) بهره جست.

تردیدی نیست که با توجه به هم‌سویی زیاد گروه‌های نظارتی و اجرایی در این دوره، چگونگی برگزاری انتخابات ریاست جمهوری بیش از پیش مورد توجه افکار عمومی و آحاد مردم خواهد بود، از این رو انتظار می‌رود با انتخاب بی‌طرفانه معمدین و ناظرین از سوی وزارت کشور و شورای نگهبان به این حساسیت واکنش

مناسب نشان داده شود و سنگ بنای محکمی برای برگزاری یک انتخابات سالم و بی‌شائبه که شایسته نظام مردم‌سالار و خواست همه مسئولان و آحاد مردم است گذاشته شود و با تکیه بر چنین بنای محکمی است که شاهد حضور انتخاباتی پرشور و فعال مردم نیز خواهیم بود.

در این خصوص از همه چهره‌های مستقل و شناخته‌شده در سرتاسر کشور نیز درخواست می‌نماییم، با پی‌گیری مجدانه و حساسیت نسبت به نحوه گزینش و انتخاب ناظرین و مجریان انتخابات، تلاش نمایند با حضور و عضویت در ارکان مذکور، در برگزاری انتخاباتی سالم و باشکوه سهیم گردند.

میرحسین موسوی - مهدی کروی

۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۸

بیانیه ای در باره حقوق اقوام ایرانی

دوازده راهبرد میرحسین برای صیانت از حقوق اقوام ایرانی

ایران، سرزمینی بزرگ با تنوع اقلیمی و اقوام گوناگون می باشد. کشوری که در عین تنوع و رنگارنگی از پیوستگی و یکپارچگی برخوردار است. فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی محصول تعامل همه ایرانیان است و بویژه سهم اقوام ایرانی با تمام گوناگونی هایشان در این فرهنگ سازی انکارناپذیر است. علیرغم همزیستی مسالمت آمیز و تاریخی ایرانیان و وجود همبستگی اجتماعی متأسفانه در بخش هایی از کشور که محل استقرار اقوام است با مشکلات خاصی روبرو هستیم.

از دیر باز اکثر مناطق دور دست و مرزی کشور علیرغم برخورداری از منابع طبیعی سرشار و موقعیت ویژه

جغرافیایی و بهره‌مندی از نعمت مرزهای آبی و خاکی، در رتبه‌های پایین توسعه و در معرض شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی و محرومیت‌ها و محدودیت‌ها قرار داشته‌اند. با وجود تمامی آرمان‌های عدالت‌خواهانه انقلاب اسلامی این شکاف‌ها و تأخیر در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق مرزی، این مناطق هنوز نتوانسته است در شأن جمهوری اسلامی ایران توسعه یابند.

مطالبات اقوام ایرانی از مطالبات تاریخی مردم ایران یعنی استقلال، آزادی، برابری و پیشرفت در پرتو اسلام و معنویت جدا نیست. ولی آنها علاوه بر عقب‌ماندگی‌های اقتصادی و توسعه‌ای، از برخی نابرابریها نیزرنج می‌برند. این خواسته‌ها را می‌توان به طور خلاصه در ۳ دسته ذیل تقسیم‌بندی کرد.

۱. توزیع عادلانه ثروت؛

۲. امکان مشارکت در قدرت و مناصب مدیریتی کشور؛

۳. منزلت برابر اجتماعی و فرهنگی.

توجه به مطالبات بر حق اقوام که تمامی آن‌ها در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ملحوظ شده است، همبستگی، وحدت ملی و امنیت ملی را تقویت می نماید. یکی از مهم ترین عواملی که در اصلاح وضع موجود مؤثر می باشد بازنگری در نوع تفکر مدیریت کشور نسبت به اقوام است. این رویکرد متناسب با اصل نوزدهم قانون اساسی است که با تأسی از آیه ۱۳ سوره حجرات تأکید می کند «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود».

توجه معقول و برنامه ریزی شده به مسائل و مشکلات این مناطق همراه با پرهیز از دامن زدن به مطالبات دور از ذهن و برآوردن خواسته های اقوام در چارچوب قانون اساسی که ظرفیت های زیادی دارد. در برنامه های آینده اینجانب گنجائیده خواهد شد.

● تصویری از موقعیت کنونی در برخی از مناطق قومی

ایران

۱. وجود بی عدالتی اقتصادی

برخوردار نبودن از منابع و فرصت های اقتصادی برابر نسبت به سایر مناطق کشور؛

۲. احساس تبعیض منزلتی

برخوردار نبودن از منزلت اجتماعی برابر با دیگر شهروندان، موضع گیری نامناسب در برخی از رسانه های جمعی از جمله برنامه های تلویزیونی، فیلم های سینمایی، مناسبات اجتماعی؛

۳. وجود تبعیض سیاسی

برخوردار نبودن از امتیازات برابر و مساوی با دیگر شهروندان در دسترسی به مناصب (مدیریتی) و اداره امور کشور بویژه در مورد هم وطنان سنی مذهب؛

۴. احساس تبعیض فرهنگی

تعلل در اجرای کامل برخی از اصول قانون اساسی نظیر اصل ۱۵ و ۱۲ .

● راهبردها و سیاست ها

۱. تأمین مطالبات قانونی اقوام در چارچوب قانون اساسی (اصول ۱۲، ۱۵، ۴۸ و ۱۰۰)؛
۲. باور به تنوع قومی در ایران و نگاه فرصت‌محور به اقوام ایرانی به عنوان یک پدیده خدادادی؛
۳. تهیه و تصویب لایحه مربوط به توسعه وظایف شوراهای اسلامی شهر و روستا به نحوی که الگوی مطلوب مدیریت قومی در ایران را امکان‌پذیر گرداند؛
۴. توسعه متوازن اقتصادی و اجتماعی در مناطق قومی و مرزی طی یک برنامه مشخص جهشی و مدت‌دار همراه با اولویت اجرای برنامه بازسازی و توسعه همه جانبه مناطق آسیب‌دیده از جنگ در غرب و جنوب کشور؛
۵. طرح توسعه محور شرق کشور شامل استانهای سیستان و بلوچستان و هرمزگان با استفاده از فرصت و نعمت مرزهای آبی و خاکی آن خطه
۶. ضرورت تقویت اعتماد، مشارکت و رضایت میان حاکمیت و اقوام از طریق توزیع عادلانه ثروت، قدرت و

منزلت؛

۷. پرهیز جدی از تحریک و توهین فرهنگی، اجتماعی و مذهبی اقوام ایرانی ؛

۸. مشارکت اقوام و مذاهب در عرصه های تصمیم گیری ملی و ایجاد احساس خودی دانستن ایشان و باور به نقش مؤثر آنان در سطح ملی؛

۹. حذف موانع گزینشی برای ورود به نهادها و سازمان های مختلف

۱۰. ایجاد فرصت های آموزشی برابر همراه با حمایت های ویژه و جلوگیری از طرح هایی مانند بومی گزینی در دانشگاه ها؛

۱۱. ارائه فرصت به شایستگان و تحصیل کردگان اهل سنت برای تصدی مشاغل اداری و مدیریتی در سطوح مختلف .

۱۲. دفاع از استقلال تعلیم و تربیت در مدارس دینی اهل سنت مطابق اصل ۱۲ قانون اساسی .

امید است توسعه اقتصادی و اجتماعی متوازن و پایدار

ایران اسلامی در سایه شعار ایران پیشرفته با قانون،
عدالت و آزادی با مشارکت همه اقوام ایرانی محقق
گردد.

میرحسین موسوی

اردیبهشت ۱۳۸۸

منشور حقوق بشر

۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸

تضمین حقوق بشر و آزادی یکی از آرمان‌های اصلی انقلاب مشروطه و انقلاب شکوهمند مردم ایران در سال ۱۳۵۷ بوده است. در طول تاریخ همواره مردمان صالح مُنادی حقوق بشر و آزادی بوده‌اند و سرآمد همه آن صالحان و پاکان که زندگی خود را وقف تضمین آزادی و کرامت بشر کرده‌اند، پیامبران، باقامتی افراشته و ندایی دلنشین و پرطنین، تأثیری ماندگار و فراگیر داشته‌اند. انقلاب مردم ایران که مرحله‌ای مهم از حرکت آزادی‌خواهانه‌ی ساکنان این مرز بوم کهن است از جمله‌ی حرکت‌هایی است که با اتکا به تعالیم معنوی

دین راه خود را باز کرد و پیش رفت. حقوق بشر در ایران مضمون تازه‌ای نیست، اولین اعلامیه‌ی حقوق بشر را به کورش پادشاه نامدار ایرانی نسبت می‌دهند که در قرآن ذوالقرنین لقب گرفته است. منشور حقوق بشر کورش شهرت و اعتبار جهانی دارد. پس از آن، مضامین حقوق بشر که در متون دینی اسلام انعکاس داشت، ایرانیان را که از ظلم و استبداد ساسانیان به تنگ آمده بودند به خود جلب کرد و به تعالیم اسلام دل سپردند.

ایران معاصر ضمن اینکه با مضامین حقوق بشر به لحاظ تاریخ خود و هم به لحاظ آموزه‌های اسلامی آشناست، منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را نیز رسماً پذیرفته است. انقلاب مردم ایران نه تنها موازین حقوق بشری بین‌المللی را هرگز مردود نمی‌دانست، استقرار و تضمین آن موازین را به عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای

بشری و به عنوان حاصل خرد جمعی همه‌ی انسان‌ها در قالب شعار “آزادی” مورد تأکید قرار داد. اکثریت مردم به درستی باور داشتند که حقوق بشر، به همان مفهوم جهانی خود، به هیچ وجهی با خدا پرستی و پیروی از تعالیم معنوی اسلام تعارضی ندارد، به همین علت نیز به “جمهوری اسلامی” آری گفتند و در نتیجه، موازین حقوق بشری در کنار موازین اسلامی وارد قانون اساسی ایران شد تا “آزادی” در ایران در پناه “آموزه‌های معنوی اسلام” و در قالب “جمهوری اسلامی” بیش از هر جای دیگر دنیا مورد تضمین و حمایت قرار گیرد.

حقوق بشر در اسلام به عنوان حقوقی خدادادی شناخته می‌شود بنابراین هیچ فرمانروا، دولت، مجلس یا قدرتی نمی‌تواند به هیچ طریق حقوق بشر را که از سوی خداوند اعطا گردیده، محدود یا نقض کند و هیچ فردی نمی‌تواند از این حقوق چشم‌پوشی نماید. این عقیده در قرآن، در قالب کلمات ژرف و آسمانی “و لقد کرّمنا بنی آدم” انعکاس یافته است. حق “حیات”، “آزادی”،

“مالکیت”، “امنیت”، “حق پی جویی رشد و سعادت” و “حق ایستادگی در برابر ستم”، حقوق طبیعی و سلب ناشدنی افراد اند.

دولت وظیفه دارد از طریق ایجاد و گسترش نهادهای لازم، به نحوی سازمان یافته و مؤثر، این حقوق را مورد حمایت و تضمین قرار دهد. رئیس جمهور بر اساس سوگندی که یاد می کند، از جمله وظیفه دارد از آزادی و حرمت اشخاص و حقوق ملت حمایت کند، پاسخگو باشد و از خودکامگی بپرهیزد و قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به او سپرده، همچون امینی پارسا و فداکار به کار برد. من بر این اساس و بنا بر اختیار و تمایل قلبی خود، پیشاپیش با مردم پیمان می بندم که چنانچه برای تصدی مقام خطیر ریاست جمهوری مورد اعتماد و حمایت اکثریت قرار گیرم:

استقرار حکومت قانون را به عنوان شرط لازم تحقق حقوق بشر و حقوق شهروندی، یکی از اهداف اصلی خود قرار دهم و اصلاحات حقوقی لازم را به عمل آورم

تا قانون توسط همه مقامات و سازمان های حکومتی مورد رعایت قرار گیرد، از قانون استفاده ابزاری نشود و قانون براساس تفسیرهایی سازگار با موازین حقوق بشری به اجرا درآید. از طریق ایجاد نهادهای مناسب، شرایطی فراهم آورم تا قانون وسیله ای اعمال خشونت های ناروا و موهن قرار نگیرد، خشونت و بی عدالتی و تبعیض، قانونی نشود و موازین حقوق بشری و وجدان جمعی جامعه در کنار آموزه های معنوی اسلام در وضع مقررات و تهیه ی لوایح مد نظر قرار گیرد.

حریم خصوصی افراد را محترم شمارم، آزادی بیان و اجتماعات را مورد حمایت قرار دهم، از طریق توسعه و تقویت جامعه ی مدنی و با برگزاری انتخابات رقابتی، آزاد و منصفانه و همچنین با حمایت از مطبوعات و رسانه های مستقل و با جلوگیری از سانسور، حق دسترسی آزاد به اطلاعات و حق مردم بر تعیین

سرنوشت خویش و حق نظارت و مشارکت سیاسی را تضمین کنم.

امنیت تنها امنیتِ دولت نیست، امنیتِ انسانی است. امنیت را برای آحاد مردم برقرار سازم تا آزاد از ترس و رها از نیاز، تحت حمایت قانون زندگی و فعالیت کنند. در توسعه و تقویت شوراها بکوشم، در امور روستا خود را از روستایی داناتر ندانم و امور شهر را به مردم شهر واگذارم. حکمرانی محلی را تقویت کنم.

با اقلیت سیاسی و با رقبا و مخالفان خود منصفانه رفتار کنم و حقوق آنها را برای رقابت و یا مخالفت محترم شمارم. هیچ فردی را شهروند دست دوم تلقی نکنم. ممنوعیت اعمال هرگونه شکنجه اعم از روحی و بدنی را به اجرا در آورم. از حقوق زنان حمایت کنم و از تبعیض جنسیتی جلوگیری نمایم. فعالیت‌های مستقل دانشجویی و دانش‌آموزی را مورد حمایت قرار دهم.

با پی‌ریزی درست نظام اقتصادی، با ایجاد امنیت اقتصادی و با گسترش و تقویت بازار رقابتی، زمینه‌ی

تأمین نیازهای اساسی: «غذا، مسکن، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و اشتغال» را فراهم آورم. با فساد اداری و مالی مبارزه کنم. ناتوانی و نیاز و آسیب پذیری هیچ شهروندی را وسیله‌ی سلطه‌گری و افزون طلبی سیاسی قرار ندهم. از سوء استفاده از اطلاعات اقتصادی و امکانات عمومی جلوگیری کنم. از استخدام کشوری و سازمان اداری به عنوان وسیله‌ای برای جلب حمایت افراد و یا به عنوان پاداش و امتیاز برای طرفداران خود استفاده نکنم. امکانات عمومی را وسیله‌ی استمرار قدرت خود نسازم.

امنیت شغلی را برای آحاد مردم به ویژه برای هنرمندان، روزنامه نگاران، فعالان سیاسی، ورزشکاران، معلمان، اساتید دانشگاه و کارگران تأمین کنم. حمایت‌های تأمین اجتماعی را گسترش داده و تقویت کنم به نحوی که همه‌ی افراد مردم، به ویژه زنان، کودکان، روستائیان، کشاورزان، کارگران و سالمندان را به نحو مطلوب پوشش دهد. زمینه‌ی ابراز شادی در جامعه را فراهم

کنم و برای تقویت و ارتقاء امید به زندگی و نشاط اجتماعی بکوشم و اخلاق حسنه را محفوظ دارم. به سنن ملی احترام گذارم و از آثار باستانی و میراث فرهنگی به نحو شایسته محافظت کنم. از حق بر آموزش حمایت کنم و در جهت حذف گزینشهای عقیدتی و سیاسی ناروا اقدام نمایم. دانشجویان، معلمان و اساتید دانشگاه را آنچنان که در خور جایگاه بلند آنان است محترم شمارم.

از پدید آورندگان آثار ادبی، هنری و علمی حمایت کنم، تا بدون ترس از تعقیب و مجازات‌های ناروا، خلاقیت‌های خود را پرورش و بروز دهند و آزادانه در زندگی فرهنگی جامعه شرکت جویند. حقوق اقوام را به رسمیت شناسم و بر اساس الگوی مدیریت غیر متمرکز، اقوام را در اداره‌ی امور خود سهیم کنم. کرامت انسانی و حقوق شهروندی اقلیت‌های دینی و آزادی عقیده و وجدان را به رسمیت شناسم و تفتیش عقاید و سرزنش و عقاب افراد به دلیل مسائل اعتقادی را ناپسند شمارم و از آن

جلوگیری کنم. برخورداری از محیط زیست سالم را حق بشر و از جمله ی حقوق شهروندی به شمار آورم، روند رو به گسترش تخریب محیط زیست را متوقف سازم و با جلب مشارکت عمومی از محیط زیست حفاظت کنم.

آگاهم که به ثمر رساندن این اهداف، با توجه به امکانات حقوقی و حقیقی موجود، کاری است بس دشوار، اما متعهدم در مقام اجرای اصول مندرج در فصل سوم قانون اساسی، سند چشم انداز و تعهدات حقوق بشری که ایران به موجب کنوانسیون های بین المللی پذیرفته است، با ایجاد معاونت حقوق بشر و حقوق شهروندی ریاست جمهوری، با احیای هیئت پیگیری و نظارت بر قانون اساسی، از طریق تعامل و همکاری سازنده با همه ی دولت ها و نهادهای بین المللی فعال در زمینه ی حقوق بشر، با تصویب و اجرای طرح ملی آموزش حقوق بشر و حقوق شهروندی، از طریق انتخاب وزرا و مدیران متخصص، شایسته و مدبر که به حقوق بشر و حقوق شهروندی متعهد باشند و با جلب همکاری سایر قوا، از

حداکثر ظرفیت‌های موجود برای تحقق این اهداف و آرمان‌ها استفاده کنم و در عین حال ظرفیت‌های فعلی را تا حد ممکن افزایش دهم.

صادق باشم و شفاف عمل کنم، مشروعیت خود را در گرو اعتماد و حمایت مردم بدانم، مردم و به ویژه زنان و جوانان، سازمانهای غیر دولتی، شوراها، سندیکاها، اتحادیه‌ها و اصناف و نهادهای مدنی را در تصمیم‌سازی‌ها و اداره و رهبری کشور دخالت دهم، حقوق اقلیت و حق مخالفت را محترم شمارم و زمینه‌ی گفت‌وگوهای عقلانی - انتقادی درباره‌ی مصالح عمومی را فراهم آورم، بکوشم تا دست‌آوردهای فرهنگ ایران و تعالیم معنوی اسلام در حمایت از کرامت بشر، جایگاه جهانی خود را بیابد و به محافل، اعلامیه‌ها و میثاق‌های بین‌المللی راه یابد، برای گسترش فرهنگ تفاهم و روح بردباری و برای زدودن خشونت، به‌ویژه خشونت‌های عقیدتی و سیاسی سازمان یافته، تلاش کنم و با توکل به خدا و با تکیه بر مردم برای ساختن ایرانی آزاد و آباد

بکوشم و نسبت به عهد خود، در برابر خدا و مردم،
مسئول و پاسخگو باشم که به گفته‌ی پیشوایم حضرت
علی (ع) «خدا هر جباری را خوار کند و هر خودکامه‌ای
را پست و بی‌مقدار سازد.»

واکنش به روند تقلب در انتخابات

به نام خدا

مردم شریف ایران

ضمن تشکر از حضور پر شور و استقبال گسترده شما از انتخابات ریاست جمهوری، به اطلاع می‌رساند طبق گزارش‌ها و مستندات واصله علی‌رغم تخلفات و کارشکنی‌های متعدد و نارسایی‌های گسترده، مستندات واصله حاکی از آن است که رای اکثریت قاطع مردم متوجه این خدمت‌گزارشان بوده است. از مسوولان امر می‌خواهم در شمارش آراء نهایت دقت را بنمایند و اعلام می‌کنم در غیر این صورت از همه امکانات قانونی برای احقاق حقوق حقه ملت ایران اقدام خواهم کرد.

همین جا فرصت را مغتنم می شمارم و از ملت شریف
ایران می خواهم آماده برگزاری جشن پیروزی در
شامگاه میلاد بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا (س)
باشند.

میرحسین موسوی

جمعه ۲۲ خرداد ۸۸

فصل دوم:

هرگز تسلیم این

صحنه آراییی خطرناک

نخواهم شد...

بیانیه‌ی شماره یک

پایداری در برابر شعبده بازی

ملت شریف ایران

نتایجی که برای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اعلام شد بهت آور است مردمی که در صفهای طولانی اخذ رای شاهد ترکیب آرا بودند و خود می دانند که به چه کسی رای داده اند با حیرت تمام به شعبده بازی دست اندرکاران انتخابات و صدا و سیما نگاه می کنند. آنان اینک بیش از همیشه به دنبال آن هستند که بدانند چگونه و توسط چه کسانی و مقاماتی طرح این بازی بزرگ ریخته شده است. اینجانب ضمن اعتراض شدید به روند موجود و تخلفات آشکار و فراوان روز انتخابات هشدار می دهم که تسلیم این صحنه آرایبی خطرناک نخواهم شد. نتیجه آنچه که از عملکرد متصدیان بی امانت دیده ایم و می بینیم جز تزلزل

ارکان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و حاکمیت دروغ و استبداد نیست. اینجانب طبق وظیفه شرعی و ملی خویش به افشای رازهای پشت سر این روند پرمخاطره خواهم پرداخت و آثار نابود کننده آن را بر سرنوشت کشور توضیح خواهم داد و ترس آن دارم که ادامه وضع موجود همه نیروهای موثر در نظام را به توجیه گرانی دروغگو در مقابل مردم تبدیل کند و دنیا و آخرت آنان را در معرض لطمه های جبران ناپذیر قرار دهد.

به مسوولان توصیه می کنم بیش از آن که دیر شود این روند را فوراً متوقف کنند و همگی به خط قانون و امانتداری از آرای ملت بازگردند و بدانند که خروج از عدالت مشروعیت زداست. آنان بیش از هر کس دیگر از این حقیقت باخبرند که در این کشور انقلابی بزرگ و اسلامی صورت گرفته است. کمترین پیام انقلاب ما این است که مردم آگاهند و در برابر کسانی که با تقلب روی کار بیایند تمکین نخواهند کرد.

اینجانب از همین فرصت استفاده میکنم و ضمن تشکر از عواطف ملت بزرگوار ایران به آنان تذکر می دهم که ایران این موجود آسمانی متعلق به آنان است و نه متقلبان، این آنان هستند که باید با هوشیاری خود از آن حفاظت کنند. خائنین به آراء مردم ابایی از آن ندارند که این خانه پارسایان به آتش کشیده شود. ما موج عقلانیت سبز خود را که برگرفته از تعالیم دینی و علایق ملت ما به اهل بیت پیامبر(ص) است با تمامی شور ادامه می دهیم و با شورش دروغ که در کشور طغیان کرده و چهره آن را آلوده است مبارزه میکنیم، اما اجازه نخواهیم داد که حرکات ما شکل کور به خود بگیرد.

جا دارد از یکایک شهروندانی که برای رساندن این پیام سبز هر کدام ستادی بودند و تمامی ستادهای مردمی و رسمی که در انتخابات فعالیت میکردند سپاسگذاری کنم و تاکید نمایم که تا رسیدن به نتیجه ای که کشور

ما لایق آن است همچنان به حضور و تلاش آنان نیاز است.

و ما لنا الا نتوکل علی الله و قد هدانا سبلنا و لنصبرن
علی ما اذیتموننا و علی الله فلیتوکل المتوکلون

میرحسین موسوی

۲۳ خرداد ۱۳۸۸

نامه به مراجع

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

محضر مبارک مراجع عظام و علمای اعلام

با اهدای سلام، اینجانب اطمینان دارم که روند حوادث انتخابات ریاست جمهوری دهم را با دقت پیگیری کرده‌اید. اگر چه توسل به دروغ و استفاده‌ی بی حساب از امکانات عمومی و دولتی برای تبلیغات یک‌سویه به سود نامزد حاکم به خوبی نشان دهنده عزم این گروه خاص برای پیروزی به هر قیمت و از هر راه ممکن بود، اما تصور تقلب در آرای مردم تا این اندازه و برابر انظار شگفت‌زده جهانیان از حکومتی که تعهد به عدالت شرعیه از ارکان اساسی آن شمرده می‌شود، برای کسی ممکن نبود. امروز که با حیرت تمام شاهد چنین تصورات جسورانه در امانت مردم هستیم و تمامی راه‌ها برای احقاق حق بسته شده، مواجه شدن مردم مظلوم

با سکوت علما و مراجع که ملجا راسخ این ملت شمرده می‌شوند، خسارتی بیش از یک تغییر در آرا را به دنبال خواهد داشت.

عواملی به بهانه‌های واهی با چوب و چماق و باطوم و شوک الکتریکی به جان اعضای ستادهای اینجانب و مراجعه کنندگان سرگردان و مبهوت از این وضعیت افتاده‌اند، در حالی که امیدی به کارایی قوه قضاییه محترم نمی‌رود زیرا جایی که دادستان کل کشور نتواند از سخن قانونی خود در پیشگیری از سخنرانی اضافی نامزد حاکم در سیما جلوگیری نماید، با چه ابزاری می‌تواند از این خشونت سیاه بازداری کند؟ به حسب وظیفه صیانت از آرای مردمی که اینک دچار چنین زیان عظیمی شده‌اند عرض حالی تقدیم و یادآور می‌شوم که شاید تذکر به جای شما به مسوولان مفید واقع شود.

ایاک و الظلم لمن لیس له الا الدعا

برادر شما - میرحسین موسوی

شنبه ۲۳ خرداد ۸۸

بیانیه‌ی شماره دو

ابطال انتخابات، تنها راه حمایت از مردم و دولت

هموطنان عزیز

از سراسر کشور اخبار بسیاری در مورد وقوع اعتراض نسبت به نتایج اعلام شده برای انتخابات اخیر به اینجانب می‌رسد.

اطمینان دارم که این واکنش‌ها نه به خاطر شخص من ، بلکه از سر نگرانی نسبت به روش جدیدی از زندگی سیاسی است که دارد بر کشور ما تحمیل می‌شود.

اقداماتی که در طی این چند روز شاهد آن بوده‌ایم تاکنون در جمهوری اسلامی سابقه نداشته است.

اگر مردم با اضطراب تحولات فعلی را دنبال می‌کنند به خاطر نگرانی شدیدی است که نسبت به در خطر قرار گرفتن دستاوردهای عظیم انقلاب خود دارند.

ما به عنوان کسانی که به نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن پایبندیم اصل ولایت فقیه را یکی از ارکان این نظام می‌دانیم و حرکت سیاسی را در چارچوب‌های قانونی دنبال می‌کنیم.

امیدوارم روند آتی حوادث نادرست بودن این برداشت را نشان دهد در عین حال هشدار می‌دهیم که در این کشور هیچ یک از کسانی که به انقلاب اسلامی علاقه دارند چنین روندی را نخواهند پذیرفت این چیزی است که خون صدها هزار شهید ما را به مسوولیت پذیری در قبال آن فرا می‌خواند.

مردم عزیز

اینجانب امروز طی نامه‌ای تقاضای خود را مبنی بر ابطال نتایج انتخابات اخیر به شورای نگهبان ارایه کردم و این کار را تنها راه حل برای بازگشت اعتماد عمومی و حمایت مردم از دولت می‌دانم. توصیه موکد و مجدد این خدمتگزار شما آن است که به صورت مسالمت آمیز و با رعایت اصل عدم برخورد

مخالفت‌های مدنی و قانونی خود را در سراسر کشور ادامه دهید.

ما از مسوولان درخواست کرده‌ایم که مجوز برگزاری یک راهپیمایی بزرگ در تمامی شهرهای کشور به ما داده شود تا در طی آن مردم فرصتی برای نمایش مخالفت خود با شیوه برگزاری انتخابات و نتایج آن پیدا کنند. موافقت مسوولان با این امر می‌تواند بهترین راه حل برای مهار هیجانات فعلی باشد.

از رنگ سبز که نماد معنویت و آزادی و عقلانیت دینی و مداراست و شعار الله اکبر که حاکی از ریشه‌های انقلابی ماست دست برداریم. این رنگ و شعاری است که همچنان وحدت بخش صفوف ملت ما و بهترین وسیله ارتباط دل‌ها و خواسته‌های ما با هم خواهد بود.

متأسفانه تلاش گسترده‌ای برای قطع تمامی امکاناتی ارتباطی ما با هم صورت می‌گیرد و به این نکته توجه نمی‌شود که قطع این مجاری تنها منجر به آن خواهد شد که واکنش‌های موجود از شکلی هدفمند و مهار

شده تغییر ماهیت پیدا کند و خدای ناکرده به حرکات کور تبدیل شود.

اطمینان دارم که خلاقیت شما راه حل‌های ارتباطی جدید و موثری را پایه ریزی خواهد کرد تا بتوانیم از اقدامات خود نتایج مفید به حال کشور و نظام و انقلاب بگیریم.

به عنوان یک علاقمند به نیروی انتظامی توصیه می‌کنم از برخورد خشن با حرکات‌های خودجوش مردم خودداری کند و اجازه ندهد که اعتماد مردم نسبت به این نهاد ارزشمند خدشه دار شود.

این مردم برای احقاق حقوق خود و حقوق شما در صحنه حاضر شده‌اند و برادران و خواهران شما هستند. قدرت نیروهای نظامی و انتظامی کشور ما همواره در وحدت آنها با مردم بوده است و در آینده نیز چنین خواهد بود.

میرحسین موسوی

۲۴ خرداد ۱۳۸۸

سخنرانی در جمع تظاهر کنندگان ۲۵ بهمن؛

حماسه‌ی بزرگ

مهندس میرحسین موسوی در راهپیمانی میلیونی مردم تهران در اعتراض به تقلب آشکار در رای آنها، با احترام به مردم و حامیان‌ش تاکید کرد که آماده پرداختن هرگونه هزینه برای تحقق آرمان های ملت ایران است.

به گزارش خبرنگار قلم نیوز، میرحسین موسوی در اجتماع میلیونی مردم تهران و راهپیمایی آنها از شرق تهران تا میدان آزادی در اعتراض به نحوه شمارش آرا اظهار کرد: سلام بر شما ملت عزیز، سلام بر شما هموطنان. آمده ام تا ادای احترام به این همه ایستادگی و آگاهی بکنم. گروههای سیاسی متعددی درخواست

مجوز کرده بودند تا یک راهپیمایی در اعتراض به تقلبات وسیع در انتخابات صورت گیرد. چون اجازه داده نشد و بنده شنیدم ممکن است مردم حضور پیدا کنند، آمدم تا همه را ضمن دعوت برای دفاع از حق خود به آرامش دعوت بکنم. آمده ام، تا بهاری سبز «استقامت کنم» تا «نماد سبز» را به «یغما» نبرند. وی بیان کرد: شما مردم بت شکن هستید، شیشه شکن نیستید. آن کسانی دیروز اتوبوسها و موتورها را آتش زدند که دیشب به خوابگاههای دانشجویی حمله کردند و وحشیانه ضمن شکستن دست و سر و پا، عده‌ای را از پنجره‌ها بیرون ریختند و عده زیادی را دستگیر کردند. موسوی تاکید کرد که بنده قویاً خواهان آزادی بی درنگ همه این عزیزان هستم و از نیروهای دولتی می‌خواهم، دست از خشونت علیه مردم و فرزندان آنها بردارند.

وی ادامه داد: مردم ما با شعارهای الله اکبر و زیر سایه پرچم سبز اهل بیت (ع) به صورت مسالمت آمیز احقاق

حق خود را می خواهند و احساس می کنند به شعور آنها بی احترامی شده است. من نامه ای به شورای نگهبان نوشته ام و موارد تخلف را شرح داده ام، گرچه امیدوار به شورای نگهبان نیستم. تعداد زیادی از اعضای شورای نگهبان در طول انتخابات بی طرفی خود را نگه نداشتند و از کاندیدای دولتی حمایت کردند.

موسوی بیان کرد: من از شما ملت عزیز، زنان و مردان، دانشجویان، روحانیون، هنرمندان، بازاریان، کارگران و کارمندان و همه اقشار تشکر می کنم، به ویژه از اقلیت های عزیز.

وی افزود: ما باید با الله اکبر هایمان و از طریق راههای قانونی به دنبال حق پایمال شده ی مردم خود باشیم و بتوانیم جلوی این پدیده، این دروغ آخرین، یعنی این تقلب و شعبده بازی حیرت آور بایستیم.

موسوی اظهار کرد: راه حل بنده، ابطال این انتخابات مخدوش است و این کمترین هزینه را برای ملت ما خواهد داشت و گر نه از اعتماد ملت به دولت و نظام هیچ

چیزی باقی نخواهد ماند. البته من به همه عزیرانی که به تشخیص خود، سایر کاندیداها را انتخاب کرده اند، احترام گذاشته و سر تعظیم فرود می آورم و اعتراض به عدم مراعات امانتداری و تخلف فاحش دست اندرکاران انتخابات است.

وی ادامه داد: مردم ما بر سر این حق خود ایستاده اند و من هم آماده ام همه گونه هزینه ای را برای تحقق آرمان های شما ملت عزیز بپردازم .

بیانیه‌ی شماره سه

موج سبز

بسم الله الرحمن الرحيم

لا يحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم و كان الله
سميعا عليما

مردم شریف ایران

تجمع عظیم و بی سابقه شما در روز ۲۵ خرداد که در
دفاع از حق و صیانت از رای تان و دفاع از جمهورت و
اسلامیت نظام انجام گرفت، اصحاب دروغ را آن چنان
به خشم آورد که تحمل نیاوردند و کوشیدند شیرینی
این همایش پر شکوه را با برخورد سبعانه به کام
دوستان ایران تلخ کنند. اینجانب ضمن محکوم

نمودن اقدامات وحشیانه و کشتار مردمی که صرفاً خواستار احقاق حق خود هستند، لازم می دانم نکاتی را دربارهٔ این رخداد و تحولات مربوط به آن به آگاهی ملت برسانم:

۱ - همانگونه که مردم فهیم تهران در تجمع روز دوشنبه به روشنی نشان دادند ما در پی اعتراض آرام به روند ناسالم برگزاری انتخابات و تحقق هدف ابطال انتخابات و تجدید آن بر اساس راهکارهایی هستیم که عدم تکرار تقلب های فضاخت بار انتخابات پیشین را تضمین کند. لذا حساب ما از کسانی که با آشوب و تخریب اموال خصوصی و عمومی فضای جامعه را متشنج کنند و آن را به سوی هرج و مرج ببرند جداست. بلکه اطلاعاتی که به دست ما رسیده است، نشان می دهد این اصحاب تقلب و دروغ هستند که برای تکمیل طرح خود به بانک ها و ادارات و اموال مردم حمله می کنند و آنها را تخریب می نمایند. بنابراین عموم مردم را به هوشیاری در برابر این نقشه

فریبکارانه و تداوم اعتراض با حفظ آرامش دعوت می کنم. مردم می دانند چه کسانی خوابگاه دانشجو یا را ویران کردند و دانشجویان پسر و دختر را کتک زدند. یا در شمال میدان آزادی مردم را به شهادت رساندند. راهی که ملت برای رسیدن به پیروزی و احقاق حقوق نقض شده اش انتخاب کرده است، استفاده از روش های صلح آمیز و دوری از خشونت است.

۲ - دولت با همکاری سازمان صداوسیما کوشش می کند این موج سبز مردمی را وابسته به بیگانگان جلوه دهد. غافل از آن که اقبال به رسانه های خارجی نه ناشی از توفیق این رسانه ها در جلب مخاطب و یا وابستگی این جریان مردمی به خارج، بلکه حاصل بی تدبیری و فضای بسته رسانه ای موجود است. دولتی که رسیدن صدای مخالفانش را از طریق چند روزنامه و پایگاه خبری طاقت نمی آورد، لاجرم به دست خود، نگاه جامعه را به رسانه های بیرون از مرزها معطوف می کند. موج سبز اعتراض های ما نه تنها منعکس کننده یک

خواست مستقل و به حق داخلی است، که به مداخله دیگران خوش آمد نمی گوید.

۳ - دستگیری های گسترده ای که طی روزهای گذشته از فرزندان انقلاب انجام گرفته است، نشان دهنده این واقعیت است که عاملان قلب و سپس بلوا، کمترین شناختی نسبت به حقیقت اعتراضات مردم ندارند و با توهم اینکه سازماندهی تشکیلاتی عظیمی در ورای حرکت های مردم قرار دارد، خود را تسلی می دهند تا باور نکنند که طبیعت خودجوش واکنش های مردم خبر از ادامه دار بودن آن تار رسیدن به نتیجه می دهند. اینجانب دستگیری های وسیع اخیر را محکوم می کنم و هشدار می دهم که گسترش این رویه ها تنهای بر زشتی چهره مخالفان ملت و انگیزه مردم را برای توسعه اعتراضات می افزاید.

۴ - اینجانب با ابراز همدردی عمیق با خانواده های شهیدان و مصدومان از ابتکار دلسوزانی که صمیمانه با خانواده های این عزیزان همدردی و همراهی کرده اند

سپاسگزاری می کنم و این سنت حسنه را برآمده از
عواطف پاک دینی و انسانی آنان می دانم.

میرحسین موسوی

۲۷ خرداد ۱۳۸۸

بیانیه‌ی شمارهٔ چهار

پنج شنبه همه جا عزاداری کنید...

بسمه تعالی

ملت شریف ایران

همانگونه که می دانید طی روزهای گذشته و در نتیجه برخوردهای غیرقانونی و خشونت بار با منتقدان و معترضان نسبت به نتایج انتخابات ریاست جمهوری شماری از هموطنانمان مصدوم و تعدادی نیز به شهادت رسیده اند. اینجانب ضمن عرض تسلیت به خانواده های شهدا و همدردی با مصدومان و مجروحان از همگان درخواست می کنم بعد از ظهر روز پنج شنبه بیست و هشتم خردادماه به هر صورت ممکن، اعم از اجتماع در مساجد و تکایا با استفاده از نمادهای سوگواری

همدردی خود را با بازماندگان اعلام کنند و بدیهی است
که خود نیز در این مراسم شرکت خواهیم کرد .

میرحسین موسوی

۲۷ خرداد ۱۳۸۸

بیانیه‌ی شماره پنج

آمده بودم تا بگویم...

بسم الله الرحمن الرحيم

ان الله يامرکم ان تؤدوا الامانات الى اهلها و اذا حکمتکم

بين الناس ان تحکموا بالعدل

مردم شریف و هوشمند ایران

این روزها و شب‌ها نقطه عطفی در تاریخ ملت ما در

حال شکل گرفتن است. مردم از یکدیگر و درمیان

جمعیان از اینجانب سوال می‌کنند که چه باید کرد و به

چه سو باید رفت. بر عهده خویشتن می‌بینم که آنچه را

باور دارم با شما در میان بگذارم، با شما بگویم و از شما

بیاموزم، باشد که رسالت تاریخی‌مان را از یاد نبریم و

شانه از بار مسئولیتی که سرنوشت نسل‌ها و عصرها بر

دوش ما گذاشته است خالی نکنیم .

سی سال پیش از این در کشور ما انقلابی به نام اسلام به پیروزی رسید؛ انقلابی برای آزادی، انقلابی برای احیای کرامت انسان ها، انقلابی برای راستی و درستی. در این مدت و به خصوص در زمان حیات امام روشن ضمیر ما سرمایه های عظیمی از جان و مال و آبرو در پای تحکیم این بنای مبارک گذارده شد و دست آوردهای ارزشمندی حاصل آمد. نورانیتی که تا پیش از آن تجربه نکرده بودیم جامعه ما را فراگرفت و مردم ما به حیاتی نو رسیدند که به رغم سخت ترین شداید برایشان شیرین بود. آنچه مردم به دست آورده بودند کرامت و آزادی و طلیعه هایی از حیات طیبه بود. اطمینان دارم کسانی که آن روزها را دیده اند به چیزی کمتر از آن راضی نمی شوند.

آیا ما مردم شایستگی هایی را از دست داده بودیم که دیگر آن فضای روح انگیز را تجربه نمی کردیم؟ من آمده بودم بگویم چنین نیست؛ هنوز دیر نیست و هنوز راهمان تا آن فضای نورانی دور نیست. آمده بودم تا

نشان دهم می‌توان معنوی زندگی کرد و در عین حال در امروز زیست. آمده بودم تا هشدارهای امامان را درباره تحجر بازگو کنم. آمده بودم تا بگویم گریز از قانون به استبداد می‌انجامد؛ تا به یاد آورم که اعتنا به کرامت انسان‌ها پایه‌های نظام را تضعیف نمی‌کند، بلکه استحکام می‌بخشد. آمده بودم تا بگویم مردم از خدمتگزارانشان راستی و درستی می‌خواهند و بسیاری از گرفتاری‌های ما از دروغ برخاسته است. آمده بودم تا بگویم عقب‌ماندگی، فقر، فساد و بی‌عدالتی سرنوشت ما نیست. آمده بودم تا بار دیگر به انقلاب اسلامی آن گونه که بود و جمهوری اسلامی آن گونه که باید باشد، دعوت کنم.

من در این دعوت بلیغ نبودم، ولی پیام اصیل انقلاب حتی از بیان نارسای من آنچنان دلنشین بود که نسل جوان را، نسلی که آن روزگاران را ندیده بود و میان خود و این میراث بزرگ احساس فاصله می‌کرد، به هیجان آورد و صحنه‌هایی را که تنها در ایام نهضت و

دفاع مقدس دیده بودیم بازسازی کرد. حرکت خودجوش مردم رنگ سبز را به عنوان نماد خویش برگزید. اینجانب اعتراف می کنم که در این امر پیرو آنان بودم. و نسلی که به دوری از مبانی دینی متهم می شد در شعارهای خود به تکبیر رسید و به «نصر من الله و فتح قریب» و «یا حسین» و نام خمینی تکیه کرد تا ثابت کند این شجره طیبه هرگاه که به بار می نشیند میوه هایش شبیه به هم است. این شعارها را کسی جز آموزگار فطرت به آنان نیاموخته بود. چقدر بی انصافند کسانی که منافع کوچکشان آنها را وادار می دارد تا این معجزه انقلاب اسلامی را ساخته و پرداخته بیگانگان و «انقلاب مخملین» بنامند.

اما آن چنان که می دانید همگی ما در راه این تجدید حیات ملی و تحقق آرمان هایی که در دل و جان پیرو جوان ما ریشه دارند با دروغ و تقلب روبرو شدیم و آن چیزی که از عواقب قانون گریزی پیش بینی کرده بودیم

به صریح ترین شکل ممکن و در نزدیک ترین زمان تحقق یافت .

استقبال عظیم از انتخابات اخیر در درجه نخست مرهون تلاش هایی بود که برای ایجاد امید و اعتماد در مردم صورت گرفت تا برای بحران های مدیریتی موجود و نارضایتی های گسترده اجتماعی، که انباشت شان می تواند کیان انقلاب و نظام را نشانه برود، پاسخی شایسته فراهم شود. اگر این حسن ظن و اعتماد مردم از طریق صیانت از آرای آنها پاسخ داده نشود و یا آنها نتوانند برای دفاع از حقوقشان به نحوی مدنی و آرام واکنش نشان دهند مسیرهای خطرناکی در پیش خواهد بود که مسئولیت قرار گرفتن در آنها بر عهده کسانی است که رفتارهای مسالمت آمیز را تحمل نمی کنند .

اگر حجم عظیم ثقل و جابه جایی آرا، که آتش به خرمن اعتماد مردم زده است، خود دلیل و شاهد فقدان ثقل معرفی شود، جمهوریت نظام به مسلخ کشیده خواهد شد و عملا ایده ناسازگاری اسلام و جمهوریت به

اثبات می‌رسد. این سرنوشت دو گروه را خوشحال خواهد کرد؛ یک دسته آنان که از ابتدای انقلاب در مقابل امام صف‌آرایی کردند و حکومت اسلامی را همان استبداد صالحان دانستند و به گمان باطل خود می‌خواهند مردم را به زور به بهشت ببرند و دسته دیگر که با ادعای دفاع از حقوق مردم اساساً دینت و اسلام را مانع تحقق جمهوریت می‌دانند. هنر شگرف امام باطل کردن سحر این دوگانه‌انگاری‌ها بود. من آمده بودم تا با تکیه بر راه امام تلاش ساحرانی را که دوباره جان گرفته‌اند خنثی کنم.

اکنون مقامات کشور با صحنه گذاشتن بر آنچه در انتخابات گذشت مسئولیت آن را پذیرفته‌اند و برای نتایج هرگونه تحقیق و رسیدگی بعدی حد تعیین کرده‌اند، به صورتی که این رسیدگی‌ها موجب ابطال انتخابات نشود و نتایج آن را تغییر ندهد، حتی اگر در بیش از ۱۷۰ حوزه انتخاباتی تعداد آرای به صندوق ریخته شده بیشتر از تعداد واجدین شرایط باشد.

از ما خواسته می‌شود که در این شرایط شکایت خود را از طریق شورای نگهبان پیگیری کنیم، حال آن که این شورا در عملکرد خود چه قبل، چه حین و چه بعد از انتخابات عدم بی‌طرفی خود را به اثبات رسانده است و نخستین اصل در هر داوری رعایت بی‌طرفی است .

اینجانب همچنان قویا اعتقاد دارم درخواست ابطال انتخابات و تجدید آن حقی مسلم است که باید به صورتی بی‌طرفانه از طریق یک هیئت مورد اعتماد ملی مورد بررسی قرار گیرد، نه آن که پیشاپیش امکان ثمربخش بودن آن منتفی اعلام شود، یا با طرح احتمال خونریزی، مردم از هرگونه راهپیمایی و تظاهرات بازداشته شوند، یا شورای امنیت کشور به جای پاسخگویی به سوالات مشروع در خصوص نقش لباس شخصی‌ها در حمله به افراد و اموال عمومی و ایجاد التهاب در حرکت‌های مردمی به فرافکنی بپردازد و مسئولیت فجایع به وجود آمده را بر عهده دیگران بگذارد .

اینجانب چون به صحنه می‌نگرم آن را پرداخته شده برای اهدافی فراتر از تحمیل یک دولت ناخواسته به ملت، که تحمیل نوع جدیدی از زندگی سیاسی بر کشور می‌بینم. من به عنوان یک همراه که زیبایی‌های موج سبز حضور شما را دیده است هرگز به خود اجازه نخواهم داد بر اثر عمل من جان کسی در معرض خطر قرار گیرد. در عین حال بر اعتقاد راسخ خویش مبنی بر باطل بودن انتخاباتی که گذشت و استیفای حقوق مردم پای می‌فشارم و علیرغم توانایی‌های اندکی که در اختیار دارم برایم باورم که انگیزه و خلاقیت شما مردم همچنان می‌تواند حقوق مشروع تان را در چهره‌های مدنی جدید مورد پیگیری قرار دهد و محقق کند. مطمئن باشید که اینجانب همواره در کنار شما خواهم ماند. آنچه این برادر شما در در یافتن این راه‌حل‌های جدید، خصوصا به جوانان عزیز توصیه می‌کند این است که نگذارید دروغ‌گویان و متقلبان پرچم دفاع از نظام اسلامی را از شما بربایند و نا اهلان و نامحرمان، میراث

گرانقدر انقلاب اسلامی را که اندوخته از خون پدران راستگویتان است از شما صادره کنند. با توکل به خداوند و امید به آینده و تکیه بر توانمندی‌هایتان حرکات اجتماعی خود را پس از این نیز براساس آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و اصل امتناع از خشونت پیگیری کنید. ما در این راه با بسیجی روبرو نیستیم؛ بسیجی برادر ماست. ما در این راه با سپاهی روبرو نیستیم؛ سپاهی حافظ انقلاب و نظام ماست. ما با ارتش روبرو نیستیم؛ ارتش حافظ مرزهای ماست. ما با نظام مقدس خود و ساختارهای قانونی آن روبرو نیستیم. این ساختار حافظ استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی ماست. ما با کجروی‌ها و دروغ‌گویی‌ها روبرو هستیم و در پی اصلاح آنیم؛ اصلاحی با برگشت به اصول ناب انقلاب اسلامی.

ما به دست اندرکاران توصیه می‌کنیم برای برقراری آرامش در خیابان‌ها مطابق اصل ۲۷ قانون اساسی امکان تجمع‌های مسالمت‌آمیز را نه تنها فراهم کنند،

بلکه چنین گردهم آیی هایی را تشویق کنند و صدا و سیما را از قید بدگویی ها و یک طرفه عمل کردن ها رها سازند. بگذارند صداها قبل از آن که به فریاد تبدیل شود به صورت استدلال و مجادله احسن در این رسانه جاری، تصحیح و تعدیل گردد. بگذارند جرأید نقد کنند، خبرها را آنچنان که هست بنویسند و در یک کلام فضایی آزاد برای مردم جهت ابراز موافقت ها و مخالفت های خود آماده سازند. بگذاریم آنهایی که علاقه دارند تکبیر بگویند و آن را مخالفت با خود تلقی نکنیم. کاملاً مشخص است که در این صورت احتیاجی به حضور نیروهای نظامی و انتظامی در خیابان ها نخواهد بود و با صحنه هایی که دیدن آنها و شنیدن خبر آنها دل هر علاقمند به انقلاب و کشور را به درد می آورد، روبرو نخواهیم بود .

برادر و همراه شما - میرحسین موسوی

۳۰ خرداد ۱۳۸۸

بیانیه‌ی ششم

کشور متعلق به شماست...

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

خبر دلخراش شهادت گروهی دیگر از معترضان به وقوع
تقلب گسترده در انتخابات اخیر، جامعه ما را در بهت و
سوگ فروبرده است. تیراندازی به مردم، پادگانی شدن
فضای شهر، ارباب، تحریک و قدرت نمایی همگی
فرزندان نامشروع قانون گریزی شدیدی است که در
معرض آن قرار داریم و عجا که بانیان چنین شرایطی
دیگران را به این خطا متهم می کنند. به کسانی که
مردم را به خاطر اظهار نظر قانون شکن نامیده اند خبر
می دهم که بی قانونی بزرگ عدم اعتنا و نقض صریح
اصل ۲۷ قانون اساسی از سوی دولت در عدم صدور

مجوز برای اجتماعات مسالمت آمیز است. آیا مردمی انقلابی که با مشابه همین اجتماعات ما و شما را از فراموشخانه های تاریخ ستم شاهی بیرون آوردند باید مورد ضرب و جرح قرار گیرند و تهدید به زورآزمایی شوند؟

اینجانب به عنوان یک هم سوگ همچنان مردم عزیز را به خویشتنداری دعوت می کنم. کشور متعلق به شماست. انقلاب و نظام میراث شماست. اعتراض به دروغ و تقلب حق شماست. به احقاق حقوق خود امیدوار باشید و اجازه ندهید کسانی که برای ناامیدی و ارباب شما می کوشند خشمتان را برانگیزند. در اعتراضات خود همچنان به پرهیز از خشونت پایبند بمانید و چون پدران و مادرانی دل شکسته با رفتارهای نامتعارف فرزندان در قوای امنیتی برخورد کنید. در عین حال از نیروهای نظامی و انتظامی انتظار دارم نگذارند خاطرات این ایام لطمه های جبران ناپذیر به روابط آنها و مردم بزند. این که نام و نشان شهیدان،

مجروحان و بازداشت شدگان به خانواده آنها اطلاع داده نشود و آنان در سرگردانی قرار گیرند هیچ سودی در برقراری آرامش ندارد و تنها احساسات را جریحه دار می کند. همچنین است دستگیری های فله ای که تنها موجب هتک پرهیزها و برداشته شدن رعایت ها میان فرزندان نظامی و انتظامی ملت و بدنه جامعه می شود. از خداوند متعال برای این شهیدان عزیز رحمت و علو درجات مسئلت می کنم و برای خانواده های داغ دیده شان صبر و اجر آرزو دارم.

میرحسین موسوی

۳۱ خرداد ۱۳۸۸

دیدار با جامعه شناسان با جامعه جدیدی روبرو هستیم

پنجشنبه ۴ تیر ۱۳۸۸

به گزارش خبرنگار «کلمه»، نخست وزیر دوران دفاع مقدس در جمع جامعه شناسان که برای بررسی شرایط جامعه بعد از انتخابات در جلسه ای گرد آمده بودند افزود: باید مشخصات، خواسته ها، نیازها و... جامعه جدید بررسی و تحلیل شود.

وی با اشاره به فشارهای وسیع تبلیغاتی این روزها، افزود: فشارهای اخیر بر من برای کوتاه آمدن از موضع ابطال انتخابات است. به هر حال دولت با وضعیت فعلی با بحران مشروعیت سیاسی روبرو خواهد بود.

به گفته موسوی، تنها چند روز بعد از انتخابات آقای ترکان به دلیل انتقاد کردن، از وزارت نفت کنار گذاشته شد. وقتی دولتی نیروی انسانی قوی و کارآمد نداشته باشد چگونه می‌تواند کار خود را ادامه دهد؟

وی همچنین به موضوع نحوه ارتباط رهبری با رئیس جمهوری اشاره کرد و گفت: حمایت رهبری در شرایط عادی از دولت مفید است ولی یکی تلقی شدن رهبر و ریاست جمهوری به نفع کشور نیست.

موسوی در بخش دیگری از سخنان خود به اقشار میانه جامعه اشاره کرد و گفت: در شرایط فعلی یک خودآگاهی در بین قشر میانی ایجاد شده است که اگر هدف داشته باشد انرژی مثبتی است که برای ساختن آینده کشور بسیار مفید خواهد بود و اگر سرخورده شود مشکل ساز می‌شود.

موسوی معتقد است که نیازهای قشر متوسط با نیازهای ملی جامعه عجین شده است که اگر پاسخ مثبت

دریافت کند خوب است اما اگر پاسخ مثبت دریافت نکند سرخودگی بزرگی در جامعه پدید می آید .

وی افزود: دولت برای این قشر در شرایط فعلی برنامه‌ای ندارد و امیدی به آن نیست. باید این انرژی در جایی به کار گرفته شود که در این بین نقش تشکلهای غیر دولتی بسیار مهم است. برای ایجاد امید و استفاده از ظرفیت طبقات میانی و انرژی آزاد شده شبکه‌ای از تشکلهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی باید به وجود آید و مدیریت رانده شده از بدنه دولت در این زمینه نقش بزرگی بازی کند .

موسوی گفت: حرکتهایی که این روزها اتفاق می افتد اگر به خوبی مدیریت نشود امکان مدیریت آن از خارج کشور و افرادی خارج از نظام وجود دارد. باید توجه داشته باشیم مهم ترین سرمایه ما استقلال است نباید اجازه دخالت به بیگانگان داده شود .

وی خواستار ایجاد فضایی بازتر در صداوسیما شد و گفت: این به نفع نظام جمهوری اسلامی ایران است که

همه امکان ابراز نظر درباره انتخابات را داشته باشند. این موضوع باعث می‌شود که از این مرحله با موفقیت عبور کنیم و گرنه مشکلات زیادی پیش رو خواهد بود. گفت‌وگو یکطرفه و هتاکانه دردی را دوا نمی‌کند .

موسوی افزود: دسترسی من به مردم کاملاً محدود شده است. دو سایت ما با مشکلات فراوانی روبرو هستند و انتشار روزنامه کلمه سبز متوقف است و اعضای تحریریه دستگیر شده‌اند. روزنامه‌های دیگر هم با محدودیت‌های جدی روبرو هستند. این‌ها به هیچ وجه به نفع بهبود فضای ملی نیست و فضا را به خشونت بیشتر هدایت می‌کند و احتمال مدیریت چنین فضایی به خارج از کشور نیز وجود دارد .

به گفته موسوی، اگر در این شرایط با نیروهای دلسوز انقلاب تعامل بیشتری صورت گیرد این شرایط تعدیل می‌شود

وی به تخریب رسانه‌ای بسیار جدی این روزها هم اشاره کرد و افزود: به دلیل عدم قدرت پاسخگویی، این

تخریب‌ها بیشتر شده است تا حدی که این روزها کلیشه‌هایی مانند رابطه داشتن حرکتهای مردمی با بیگانگان و امثال آن مطرح شده است. بنده فکر نمی‌کنم هیچ فردی که به وطن خودش و اسلام و انقلاب علاقه دارد نقش بیگانگان را در امور کشورمان تحمل کند.

وی تصریح کرد: در این شرایط باید مردم احساس کنند که خواسته‌هایشان در حال پیگیری است و در عین حال باید از این شرایط آشفته عبور کنیم. من نمی‌توانم سیاه را سفید و سفید را سیاه اعلام کنم. باید صداقت داشته باشیم. راه حل این نیست که از بنده این انتظار وجود داشته باشد چیزی را بیان کنم که به آن اعتقاد ندارم. سرمایه اصلی همه ما صداقت با مردم است. ان شاءاللهی با استعانت از حضرت حق تعالی این سرمایه حفظ شود.

پیام به ایرانیان خارج از کشور
صدای اعتراض مردم باشید...

بسم الله الرحمن الرحيم

هموطنان عزیز

ایرانیان شرافتمند دور از وطن

حضور گسترده و پرشور شما هموطنان در انتخابات ۲۲

خرداد امسال نمایانگر دلبستگی شما عزیزان

به ایران عزیز و دغدغه های قابل تحسین شما نسبت به

آینده کشورتان است و همانطور که در پیام انتخاباتی به

شما عزیزان اعلام کردم ایران متعلق به همه ایرانیان

است و همه آحاد ملت در داخل و خارج نسبت به آینده

آن مسئول و در آن از حقوق یکسان برخوردارند.

بر خود فرض میدانم که از حماسه حضور شما در تعیین سرنوشت کشورتان قدردانی نمایم .

استقبال گسترده شما عزیزان از این انتخابات و حضور سبز و بانشاطتان در پای صندوق های رأی آنچنان وسیع بود که حتی منابع دولتی و برگزار کنندگان انتخابات را وادار نمود که به افزایش سیصد درصدی مشارکت هموطنان خارج از کشور در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری اعتراف نمایند.

اعتماد وسیع شما به این خادم کوچک ملت و رأی قاطعتان به اینجانب در اکثریت حوزه های رأی گیری خارج از کشور مسئولیت سنگینی را بر دوش من گذاشته است. مایلیم به همه شما اطمینان دهم به عهدی که با شما عزیزان و تمامی آحاد ملت بزرگ و حماسه ساز کشورمان بسته بودم پایبند بوده و با استفاده از تمامی راهکارهای قانونی حقوق حقه شما را، که در صندوق های رأی متجلی شده بود پیگیری خواهم کرد.

متأسفانه چنانچه شما نیز از طریق رسانه های بین المللی مشاهده میکنید ، بر خلاف نص صریح قانون اساسی و آزادی های مصرح در جمهوری اسلامی کلیه امکانات ارتباطات من با ملت و از جمله شما عزیزان قطع شده و اعتراضات مسالمت آمیز مردم سرکوب می شود . رسانه ملی که از بیت المال کشور اداره میشود با سیاه نمایی مشمئز کننده ای به قلب حقایق پرداخته و راه پیمایی مسالمت آمیز قریب به سه میلیون نفر در تهران را به اغتشاشگران نسبت میدهد و روزنامه هایی که از منابع دولتی اداره میشود به بوق و کرنا ی غاصبان رأی مردم تبدیل شده اند.

اینجانب ضمن تشکر مجدد از اعتراضات مسالمت آمیز شما هموطنان خارج از کشور که انعکاس وسیعی در جهان داشت از شما میخواهم که با استفاده از کلیه راهکارهای قانونی و وفاداری به نظام مقدس جمهوری اسلامی، صدای اعتراض خود را در قلب گسترده انتخابات به گوش مسئولین کشور برسانید. من کاملاً بر

این نکته واقفم که خواسته مشروع و برحق شما هیچ ارتباطی با فعالیت گروههایی که معتقد به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نیستند، ندارد. بر شماست که صفوف خود را از آنان جدا کرده و اجازه سوء استفاده از موقعیت کنونی را به آنان ندهید.

میرحسین موسوی

۳ تیر ۱۳۸۸

بیانیه‌ی هفتم

کلمه‌ی سبز

بسمه تعالی

هموطنان عزیز

در پی مانع تراشی‌ها و تهدیدهای مکرر که در عمل انتشار روزنامه کلمه سبز را پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری متوقف کرده بود، به این حد نیز اکتفا نشد و شبانگاه دوشنبه ۱/۴/۸۸ دفتر روزنامه مورد هجوم مأموران امنیتی قرار گرفت و کارکنان شریف آن دستگیر و روانه بازداشتگاه شدند .

در حالی که مقامات کشور و رسانه های دولتی مرتباً بر قانون و اجرای آن تأکید می کنند و معترضان به تقلب وسیع صورت گرفته در انتخابات به قانون شکنی متهم می شوند، چنین برخوردی با روزنامه ای که با اخذ مجوز

قانونی شروع به انتشار نموده و مسئولان، دبیران، خبرنگاران و کادر فنی و اداری آن، غیرقابل درک است، مگر با قبول آنکه برای عده ای حاکمیت قانون تا جایی پذیرفته است که برای محدود کردن اعتراض مخالفان باشد و نه چیزی دیگر.

این قانون شکنی در حالی صورت می گیرد که دیگر رسانه هایی که از طریق آنان ارتباط اینجانب با جامعه برقرار می شد و نیز مطبوعات و رسانه های غیردولتی مورد محدودیت جدی قرار گرفته اند و تنها مجرای باز برای اطلاع رسانی به مردم جریان خبرسازی یک سویه رسانه ملی و رسانه های دولتی است و متأسفانه جامعه را به سمت دریافت اطلاعات از طریق رسانه های خارجی سوق می دهد.

این برخوردهای غیرقانونی، مبتنی بر تحلیل نادرست دولت از شرایط اجتماعی حاکم است که راه را برای نفوذ بیگانگان در تحولات کشور باز می کند و حرکت در

مسیر اصلاح امور جامعه را در چارچوب مبانی نظام جمهوری اسلامی دشوار می سازد .

ضمن اعتراض شدید به تداوم این رویه های غیرقانونی، بر حق ملت ایران در استفاده از ظرفیتهای قانون اساسی برای ابراز مخالفت با آنچه در انتخابات اخیر و پس از آن روی داده تأکید می نمایم و آن را جزء لاینفک حقوق آنها بر اساس این سند میثاق ملی می دانم و بر پیگیری آن اصرار می ورزم .

برادر و خدمتگزار شما

میرحسین موسوی

چهارم تیر ۱۳۸۸

بیانیه هشتم

مجرمان انتخاباتی در کنار مسببان اصلی اغتشاشات
اخیر قرار گرفته اند

بسمه تعالی

مردم هوشیار و شریف ایران

طی روزهای اخیر صدا و سیما، خبرگزاریهای دولتی، برخی روزنامه های دولتی و سایتهای اینترنتی وابسته به دولت و روزنامه کیهان، بخش عمده ای از فضای خود را به وارونه جلوه دادن آنچه قبل، حین و پس از برگزاری دهمین انتخابات ریاست جمهوری ایران رخ داد، اختصاص داده اند. آنها با استفاده از امکاناتی که متعلق به شماسست، نه تنها به پنهان ساختن تخلفات و حوادث دلخراشی که در ایام اخیر اتفاق افتاد می پردازند بلکه مسئولان مستقیم و غیرمستقیم آن را

کسی معرفی می کنند که تنها شما را در مسیر احقاق حقی که داشته اید همراهی کرده است .

واقعیتی که آنان بیهوده تلاش می کنند نادیده انگارند آن است که در این انتخابات قلبی بزرگ اتفاق افتاده و پس از آن، معترضان به این وضعیت به گونه ای غیرانسانی مورد هجوم قرار گرفته و کشته، زخمی و یا بازداشت شده اند. اگر با مسببین جنایت کوی دانشگاه در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ به گونه ای مناسب و قانونی برخورد می شد امروز شاهد تکرار آن فجایع در ابعادی وسیع تر و وارونه جلوه دادن واقعیتها به گونه ای جسورانه تر نبودیم.

همان ها هستند که هنوز با اتکاء به امکاناتی که متعلق به عموم مردم است در راستای منافع گروهی خود بی پروا به دروغ گویی و پرونده سازی برای دیگران ادامه می دهند و افعالی را که خود عامل آن هستند را به بنده نسبت می دهند. آنان غافلند که موسوی با این ترفندهایی که ماهیت آن برای همه مردم روشن شده

است از صحنه بیرون نمی رود . آنچه در این روزها رخ داد اصل نظام جمهوری اسلامی را که میراث امام بزرگوار و شهدای گرانقدرمان است هدف قرار داده و این چیزی نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذاشت و با طرح اتهاماتی اینگونه و تهدید به محاکمه از آن صرفنظر نمود .

من نه تنها از پاسخ گویی در برابر این اتهامات واهمه ای ندارم بلکه آمادگی دارم تا نشان دهم چگونه مجرمان انتخاباتی در کنار مسببان اصلی اغتشاشات اخیر قرار گرفتند و خون مردم را بر زمین ریختند و اکنون کوشش می کنند صحنه هایی را که صدها شاهد و دهها تصویر آن را گواهی می دهند به گونه ای دیگر جلوه دهند؛ آماده ام تا نشان دهم چگونه کسانی که عملشان در راستای ایجاد هرج و مرج در کشور؛ تضعیف نظام و منافع بیگانگان است تلاش نمودند به بهانه تخریب گریهای عناصری نامعلوم، جنبش سبز شما را اغتشاشگری و وابسته به بیگانه معرفی کنند؛ ولی حاضر

نیستم به خاطر مصالح شخصی و هراس از اینگونه تهدیدها از ایستادگی در سایه شجره سبز استیفای حقوق ملت ایران که امروز به خون به ناحق ریخته شده جوانان این کشور آبیاری شده است لحظه ای صرف نظر نمایم. از مجموع آرای ریخته شده در صندوقها تنها یک رأی متعلق به من است و شما به خوبی می دانید که مشکل آنها با میلیونها رأیی است که جوابی برای سرنوشت آنها ندارند.

باز هم از عموم ملت شریف ایران متواضعانه درخواست می کنم با حفظ آرامش و پرهیز از ایجاد تنش، در دام بدخواهان که کوشش می کنند این حرکت گسترده اجتماعی را شورش و اغتشاش و وابسته به بیگانه قلمداد کنند، نیافتند و با زیرکی و هوشیاری که ویژگی ممتاز شماست این توطئه ها را مهار نمایند. تداوم اعتراض در چارچوب قانون و با رعایت اصول و مبانی نشأت گرفته از انقلاب اسلامی راهبرد اصلی است که ضامن تداوم و دسترسی به اهداف شماست.

دشمن خارجی با همراهی یاران جاهل و طماع خود در داخل بر آنست که مطالبات این حرکت عظیم خودجوش را به خوارج بیرون از نظام نسبت دهد و حتی الله اکبرهای از دل برآمده شما را چون قرآنهاى سر نیزه معرفی کند. بر ماست که با رفتار و گفتار خود این توطئه شوم را خنثی نماییم .

برادر و خدمتگزار شما

میر حسین موسوی

چهارم تیر ۱۳۸۸

بیانیهٔ نهم

امید بذر هویت ماست...

بسم الله الرحمن الرحيم

هموطنان عزیز

همان گونه که انتظار می‌رفت شورای نگهبان، پس از نمایش‌هایی که توجه هیچ کس را جلب نکرد، و با چشم بستن بر روی انبوه تقلب‌ها و تخلف‌های صورت گرفته، سرانجام نتایج دهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری را تایید کرد. جشنواره‌ای که تجدید حیات ملت ما را مژده می‌داد با تقلب و تخلف از عهدهای اسلام و انقلاب با ناگوارترین صحنه‌ها به پایان رسید؛ با حمله به خوابگاه دانشجویان، با خون‌های ریخته شده، جوانان کتک خورده و مورد اهانت قرار گرفته، صدا و سیمای از انظار جامعه افتاده، قلم‌های شکسته، روزنامه‌های بسته،

با فضای امنیتی کودتاگونه و بی‌اعتمادی تلخ و گستردهٔ مردم نسبت به نتایج اعلام شده برای انتخابات و دولت ناشی از آن. به زودی گرمای حادثه فرو می‌نشیند و دست‌اندرکاران این ماجرا با صورت حساب بلندبالای اشتباهات خود روبرو می‌شوند. آیا آنان از تحمیل آنچه روی داد سود بردند؟

از این پس ما دولتی خواهیم داشت که از نظر ارتباط با ملت در ناگوارترین شرایط به سر می‌برد و اکثریتی از جامعه، که اینجانب نیز یکی از آنان هستم، مشروعیت سیاسی آن را نمی‌پذیرد. دولتی با پشتوانه‌های ضعیف مردمی و اخلاقی که از او انتظاری جز بی‌تدبیری، قانون‌گریزی، عدم شفافیت، تخریب ساختارهای تصمیم‌گیری و تدوام سیاست‌های ویرانگر اقتصادی نداریم، و بیم آن می‌رود که بر اثر ضعف‌های بی‌شمار ذاتی و عارضی اش در ورطه امتیاز دادن به بیگانگان بیفتد. این چیزی نیست که ما از آن خرسند باشیم، بلکه از آن به شدت واهمه داریم.

خطر در پیش است. نظامی که به مدت سی سال به اعتماد مردم متکی بود نمی تواند یک شبه قوای امنیتی را جایگزین این نقطه اتکا کند. این اعتماد لطمات جدی دیده است؛ اگر انکار این واقعیت سودی می رساند، ما نیز با منکران آن هم صدا می شدیم، از بس که خطر عظیم است. اگر آنچه انکارش می کنیم واقعا صحت ندارد، چرا به دیگران اجازه اجتماع نمی دهیم تا معلوم شود که چقدر اندکند.

باید باز گردیم، هنوز دیر نشده است. هنوز می توان اطمینان آسیب دیده مردم را بازسازی کرد؛ امنیت نظام ما در گرو چنین کاری است. فرزندان انقلاب را از زندان ها آزاد کنید. حبس آنان جز تغذیه غریزه فرافکنی در وجود خود شما فایده ای ندارد. مردم چگونه می توانند به حکومتی اعتماد کنند که دوستان و همکاران و فرزندان را به صرف توهّم در بند می کند؟ چیره کردن فضای امنیتی بر جامعه جز صدمه زدن به عواطف ملت نسبت به نظام اثری نمی گذارد. مطبوعات

آزاد مجاری تنفسی یک جامعه سالمند؛ برای ترمیم اعتماد مردم این مجاری را مسدود نکنید.

باید به اسلام باز گردیم، اسلام ناب محمدی که تحجر را بر نمی تابد و تا قیام قیامت برای معضلات جدید بشریت پاسخ های بکر و نو دارد. به اسلامی باز گردیم که ما را به امانت و راستی فرا خوانده است.

به صداقت باز گردیم. چگونه از مردم می خواهیم ایمان های مذهبی شان را سرمایه اعتماد به ما قرار دهند در حالی که صراحتاً به آنان دروغ گفته می شود؟

به خرد باز گردیم. کشوری به عظمت ایران را، با آرمان هایی به بزرگی اهداف انقلاب اسلامی و با دشمنانی به آن سرسختی و کینه توزی که می شناسیم با دور ریختن سی سال تجربه مدیریتی و انکار ضرورت برنامه ریزی و تصمیمات خلق الساعه فردی اداره نمی توان کرد.

به قانون باز گردیم؛ به قانون اساسی، این بزرگترین میثاق ملت. به قوانینی که خود وضع کرده ایم پایبند

بمانیم و آنها را اجرا کنیم. بدون این کار سنگ روی سنگ بند نخواهد ماند.

مردم به حکومتی اعتماد می کنند که آنان را محرم بداند. چرا باید مهم ترین مسائل مملکت از مردم پنهان باشد؟ محرم دانستن ملت و شفافیت اطلاعات اولین قدم در راه مبارزه با فساد است، حال آن که مردم ما حتی به اندازه خواندن خبرهای چند روزنامه محرم دانسته نمی شوند.

به مردم بازگردیم. چرا هر گره سهلی را با دندان های امنیتی باز می کنیم؟ چرا به کوچکترین بهانه، هرکسی را از دایره خودی های مان دور می کنیم؟ این یکی بیش از اندازه جوان است، آن یکی بیش از اندازه هنرمند است، آن یکی روشنفکر است، این یکی با ما اختلاف سلیقه دارد، آن یکی دانشجو است، این یکی از کار ما ایراد می گیرد، آن یکی به گروه ما تعلق ندارد، این یکی قدش بلند است، آن یکی خیلی شیک پوش است. آن قدر از دور خود می رانیم تا این که تنها می مانیم. این شیوه

انقلاب اسلامی نیست، و شیوه اسلامی نیست که آغوشش را به روی همه باز می کند و به صرف شهادت زبانی، انسان ها را در دایره خود می آورد.

چرا باید پس از یک انتخابات سرنوشت ساز در معرض چنین خطراتی باشیم، حال آن که انقلاب و نظام ما در آستانه تحویل بزرگترین دستاوردها بود؟

مردم!

ما راهی دور و در نگاه نخست غیرقابل عبور را در چند ماه کوتاه پشت سر گذاشته بودیم. ما با هم این فاصله را آمدیم؛ از فضایی که به گرد دروغ و تردید و به غبار رمیدن های گروهی، طبقاتی، خانوادگی و بین نسلی آلوده شده بود، از دورانی که نطفه ناامیدی شروع به رشد کرده بود، زمانی که فاصله مردم از نظامشان روز به روز بیشتر می شد، تا با هم مقدمات انتخابات را به جریانی طولانی از یک تجدید حیات ملی تبدیل کنیم؛ فضایی پر از آشتی، شادی، آگاهی و نشاط، عرصه ای که در آن دوستداران نامزدها در حالی که

خنده از لبانشان رخت بر نمی بست می توانستند با یکدیگر به بحث درباره آینده بنشینند و آن آزادی فرزانه که انقلاب ما وعده اش را داده بود تجربه کنند. فضایی که در آن کسی خود را شهروند درجه دوم و غیر خودی با انقلاب و نظام اسلامی نبیند، و کرد و لر و عرب و بلوچ و ترک و هر قوم دیگر و پیر و جوان و میانسال و هر قشر دیگر و هر صنف دیگر و هر سلیقه دیگر که تا چند ماه پیش خود را بیگانه با سرنوشت کشور می دید همچون عهد نخست جمهوری اسلامی، خویشان را از نو در دایره صاحبان انقلاب بیابد.

ما با هم آمدیم تا با تجسس در احوال شخصی مردم مخالفت کنیم و از نفرت پراکنی و پرونده سازی بیزاری بجویم. با هم آمدیم تا حاکمیت عقل و عشق را توأمان داشته باشیم. همه ما به چهره رحمانی اسلام رو کردیم و در این رویکرد میراث تمدنی ایران عزیز و بزرگ را تجدید شده دیدیم، تا آنجا که در مساجد شعار ایران، ایران! را با طنینی که هنوز در تکبیرهای شبانه شما

شنیده می شود سر دادیم و کسی احساس نکرد که ایران جدای از انقلاب و یا جدای از اسلام است، بلکه اسلام و ایران و انقلاب از تحجر و کهنگی و تعصب و خارجی گری جداست. اسلامی که در ورای تمایزات عقیدتی و طبقاتی و قومی و جنسیتی کرامت انسان ها را ارج می نهد و اصل می داند. اسلامی که شوینده هر نوع نابرابری در مقابل قانون و پرچمدار تکریم حقوق شهروندی است.

مردم!

علیرغم آنچه روی داد، ما در این چند ماه آرزوهای بلند و کوشش های خالصانه خود را نباختیم. ما در این میانه مستوره ای از تحقق آرمان هایمان را یافتیم و دیدیم که آنچه به دنبال آنیم چقدر خواستنی است و چه نسبت نزدیکی با حقیقت اسلام و انقلاب و هویت ملی ما دارد. این دستاوردی است که هیچ کس نمی تواند آن را از ما بستاند. ما با هم سرمایه ای اندوخته ایم که پشتوانه و بستر حرکت های آتی ما و فرزندانمان خواهد بود و این

خط سبز جوشیده از فطرت‌های مردم و واقعیت‌های تاریخی کشور و انقلاب همچنان در طول سال‌ها ادامه خواهد یافت تا به مقصد نهایی خود برسد. ما برای حفظ این دستاورد بزرگ همچنان ایستادگی خواهیم کرد.

تمامی تلاش‌هایی که این روزها در مخالفت با شما صورت می‌گیرد برای آن است که از ثمربخش بودن اعتراضات قانونی خود ناامید شوید، زیرا تا ما ناامید نشویم این دولت از اعتبار واقعی برخوردار نخواهد شد. امید به آینده رساترین اعتراض ماست. به سابقه دیرینه این سرزمین نگاه کنید. در زندگانی ما مردم که از کهن‌ترین تمدن‌ها زاده شده‌ایم، فراز کنونی جزئی از یک تاریخ طولانی است. ما در جاده‌ای به درازای تاریخ همه بشریت قدم می‌زنیم. در این جاده چه بسیار ملت‌ها که منقرض شدند و جز داستانی از آنان باقی نماند. آن چیزی که ملت ما را به خلاف آنان و علیرغم سخت‌ترین رویدادها زنده نگه داشت امید بود، زیرا آفت این راهپیمایی هزاران ساله ناامیدی است. مردم ما

می توانستند با بدبینی و ناامیدی حوادثی شبیه به آنچه را که در جریان انتخابات گذشته با آن روبرو شدیم پیش بینی کنند و به صحنه نیایند. آیا آنان اشتباه کردند که به این پیش بینی ها اعتنا نکردند؟ نه! آنان به مقتضای روح امیدی که هسته درونی هویت ملی ما را شکل داده و ما را در طول هزاره ها زنده نگه داشته است چنین کردند. به ویژه با جوانان می گویم که اگر می خواهید ایرانی باقی بمانید از شعله امید در سینه های خود محافظت کنید، زیرا امید بذر هویت ماست؛ بذری که با نخستین باران شروع به رویدن می کند و جان هرکسی را که هنوز ایرانی باقیمانده است، در هر کجای جهان که بیتوته کرده باشد به اهتزاز در می آورد، تا از نو خود را در سرنوشت این خاک شریک بداند.

امیدی که هویت ما را شکل داده است معطوف به چه چیز است؟ قطعا معطوف به امور غیر واقعی و خرافه های واهی نیست، و الا نمی توانست ملتی را برای هزاران سال زنده نگه دارد. بلکه این امید معطوف به لطف و

فضل الهی است. اگر علاقه به این هویت تاریخی کمترین فاصله‌ای با اسلام ندارد، به این خاطر است. ما آمده بودیم این علاقه را احیا کنیم. از این هویت خود فاصله نگیریم. شما وظیفه خویش را به درستی انجام داده‌اید و غیر ممکن است که لطف خداوند مردمی را که با نیت‌های پاک ادای وظیفه می‌کنند تنها بگذارد.

امید به صرف گفتن و شنیدن شکل نمی‌گیرد و تنها زمانی در ما تحکیم می‌شود که دستانمان در جهت آرزوهایی که داشتیم در کار باشد. دستانمان را به سوی یکدیگر دراز کنیم و خانه‌هایمان را قبله قرار دهیم. واجعلوا بیوتکم قبله. به خودتان و دوستان همفکران برگردید و این بار هر شهروند محوری باشد برای یک فعالیت مفید سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و منتظر تشویق و کمک دولتی که وجاهت خود را از دست داده است نباشد.

مسئولیت تاریخی ماست که به اعتراض خود ادامه دهیم و از تلاش برای استیفای حقوق مردم دست بر نداریم.

مسئولیت دینی ماست که نگذاریم انقلاب و نظام به آنچه اسلام نمی پسندد استحاله بیابد. مسئولیت انقلابی ماست که اجازه ندهیم حاصل خون صدها هزار شهید به یک دولت امنیتی تنزل پیدا کند و مستهلک شود. لیکن برای آن که این اعتراض به نتیجه ای دلخواه برسد باید چند اصل مهم را رعایت کنیم:

- نظام و انقلاب اسلامی میراث و میوه مبارزات تاریخی دویست ساله شما با استبداد و عقب ماندگی است. جمهوری اسلامی نظامی است که اگر بر اساس عهد نخستین و نسخه اصیلش به اجرا درآید تمامی خواسته های ما را در بر می گیرد. مبادا کسی فریب شعارهای ساختارشکنانه را بخورد. اینجانب قویا با چنین وسوسه ای مخالفم و اعتقاد دارم قانون اساسی ما همچنان دارای ظرفیت های ارزشمند تحقق نیافته ای است که باید با فعالیت همه نخبگان روحانی و دانشگاهی و اندیشمندان کشور اجرای آنها به صورت مطالبه ای ملی درآید.

به یاد آوریم که ملت ما در انقلاب اسلامی به دلیل عدم انعطاف در قبال خواسته‌های به حقش، که از زبان امام راحل بیان می‌شد، مجبور به ساختارشکنی گردید. به همه نهادهای تصمیم‌گیر در نظام توصیه می‌کنم که چون شورای نگهبان عمل نکنند و مجاری را برای اصلاح اشتباهات باز بگذارند، زیرا که بسته شدن این راه، تهدید ساختارشکنی را به عنوان تنها بدیل مطرح خواهد کرد، و این بدیلی است که همه ما هزینه سنگین آن را می‌دانیم و قاطعانه با آن مخالفیم. همچنین تاکید می‌کنم که تعلل در محقق ساختن آرمان‌هایی چون قانون‌گرایی، عدالت، آزادی و حاکمیت مردم بر سرنوشت خود، و به ویژه اصول معطل مانده قانون اساسی مشروعیت‌سوز است.

- اسلام آن پوستین وارونه‌ای نیست که برخی مخالفان شما پوشیده‌اند. شیوه آنها این است که هر چیز مقدس و مبارکی را به نفع سلیقه خود مصادره کنند، تا جایی که حتی اگر بتوانند شال سبز شما را هم می‌ستانند.

اسلام راستین نسبتی با ظاهرسازی ها و کج اندیشی های آنان ندارد، بلکه مکتبی رهائی بخش است که اگر به حقیقت و نورانیت آن برسیم دواي تمامی دردهای شخصی و اجتماعی ماست.

- ماجرای ما، هر چقدر تلخ، یک اختلاف خانوادگی است که اگر خامی کنیم و بیگانگان را در آن دخالت دهیم به زودی پشیمان خواهیم شد.

- در اعتراض و حرکت اصلاحی و اصولی ما هیچ کس نباید صدمه ببیند. ما زمانی در تلاش خود موفق خواهیم بود که ابتکارهای ما برای احقاق حقوقمان تا آن حد اندیشیده شده، کارآمد و در چارچوب قانون باشد که حتی کودکان خردسال و زنان باردار بتوانند در آن شرکت کنند.

- ما در برهه ای و گریوه ای از تاریخ کشور خود قرار داریم که راه حل بسیاری از مشکلات ما قانون است. درست است! قانون همیشه بی عیب نیست. درست است! قانون عرفی قراردادی اجتماعی است و به مانند

هر عهد و پیمانی که انسان‌ها با هم می‌بندند رعایت آن تنها تا زمانی الزامی است که طرف مقابل نیز به آن پایبند باشد. درست است! مخالف شما قانون اساسی را زیر پا می‌گذارد، به خلاف نص این میثاق ملی شما را از حق برگزاری اجتماعات محروم می‌کند، بلکه حتی اگر به نشانه اعتراض پارچه‌ای سبز به دستتان ببندید به رغم اصول متعدد قانون اساسی و قوانین بی‌شمار عادی، خود آن کسی که مسئول حفظ امنیت است شما را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد. درست است! متقلبان و دروغگویان تنها به نیت تحمیل منویاتشان در پشت نام قانون سنگر گرفته‌اند. لیکن تلاشی که ما وارد آن شده‌ایم یک مشاجره و تلافی‌جویی نیست. ما را عصبانیت یا جاه‌طلبی یا خودپسندی برنیانگیخته است، بلکه حرکت ما اقدامی برای اصلاح و تامین به‌روزی کشور است. برای رسیدن به چنین هدفی جا دارد که ما حتی به جسد قانون احترام بگذاریم، زیرا می‌دانیم که در فردای نزدیک، زمانی که کوشش‌مان به ثمر می‌رسد،

نخستین اصلی که باید آن را نهادینه کنیم پایبندی به قانون است. این شالوده‌ای است که امروز صبورانه می ریزیم تا بر رویش بنای رفیع فردایمان را استوار کنیم.

- سرانجام وحدت. همه شما را به برادری دعوت می‌کنم. پیروزی ما در گرو معاضدت و پیوند با یکدیگر است، و در این یکدیگر تمایزی میان ما و مردمی که به دیگران رای داده‌اند نیست. حتی آنانی که اینک رو در روی ما به خشونت متوسل می‌شوند در اخوت ما شریکند، زیرا ما به دنبال آینده‌ای هستیم که در آن همان کسی که خواهر و برادرمان را در خیابان‌ها کتک زده است، سعادتمندتر، معنوی‌تر، سالم‌تر و زیباتر از امروز زندگی کند. رنگ سبزی که ما به عنوان نماد خود انتخاب کرده ایم یک معنایش هم این است؛ رنگ سبزی که ما را به اهل بیت نور، اهل بیت راستی، اهل بیت خرد، اهل بیت کرامت و فضیلت پیوند می‌دهد.

شاید بگویید که با این همه قید و بند دیگر فرجه‌ای برای بیان اعتراض باقی نمانده است. این گمان خامی است که مخالفان سطحی‌اندیش و افراطی شما در سر دارند. الذین جاهدوا فینا لنه‌دینهم سبلنا. کسانی که در راه خدا می‌کوشند خداوند آنان را به راه‌های خود هدایت می‌کند. به عنوان نمونه‌هایی از این هدایت به یاد آورید که خداوند چگونه آرامش را بر اجتماعات بی‌کرانه‌تان مستولی می‌کرد و یا در خلال آنها ظرفیت‌های ذهنی مردم به چه شعارهای نغزی رهنمون می‌شد. همان خلاقیت همچنان قادر است که با توجه به تمامی این اصول راه‌کارهایی بکر و موثر پیش‌پای ما قرار دهد، میدان‌های گسترده‌ای برای عمل در مقابل ما بگشاید و تجربیات جدیدی برای آزادیخواهان جهان اندوخته کند.

در ابتدا هدف همه ما از شرکت در انتخابات آن بود که عقلانیت دینی به فضای مدیریت کشور بازگردد، لیکن در میانه مسیر به اهدافی بسیار بلندتر هدایت شدیم. ما

در این بین می خواستیم ارکان ذیربط نظام به یاد آورند که در ورای تمامی آنان و ما فوقشان میزانی به نام رای و عزم مردم وجود دارد که آنها نه حق دارند و نه می توانند آن را نادیده بگیرند. امروز خواست عمومی برای سازوکاری کارآمد جهت انتخابات که در آن اطمینان ملی حاصل شود و دروغ، تقلب و تزویر جایی نداشته باشد، به یک مطالبه انکار ناپذیر مردمی تبدیل شده است. در هر قدمی در آینده تجربه تلخ و مشروعیت زدای جریانات اخیر باید پیشاروی ملت باشد و نباید هیچ فرصتی برای روشن تر شدن ابعاد این دروغ و تقلب بزرگ و پی آمدهای تلخ آن از دست برود.

در ایامی که گذشت شخصیت ها و گروه هایی به سراغ اینجانب آمدند و خواستار گذشت من از آنچه گذشت شدند. شاید توجه نمی شد که اینجانب از همان ابتدا از حق شخصی خود گذشته بودم، اما مسئله انتخابات مسئله شخصی من نبود و نیست. من نمی توانم بر سر حقوق و آرای پایمال شده مردم معامله یا مصالحه کنم.

مسئله جمهوریت و حتی اسلامیت نظام ماست. اگر در این نقطه ایستادگی نکنیم، دیگر تضمینی نداریم که در آینده با حوادث تلخی نظیر آنچه در انتخابات کنونی گذشت روبرو نباشیم.

گروهی از نخبگان بر سر آنند که گردهم آیند و با تشکیل جمعیتی قانونی صیانت از حقوق و آرای پایمال شده مردم در انتخابات گذشته را از طریق انتشار مدارک و اسناد تقلب‌ها و تخلف‌های انجام گرفته و نیز رجوع به محاکم قضایی پیگیری کنند و نتایج آن را مستمرا به اطلاع عموم مردم برسانند. اینجانب نیز به این جمع می‌پیوندم. این گروه اجرای اصول معطل مانده قانون اساسی را در دستور کار خود خواهد داشت و علاوه بر آن در این مرحله مطالبات زیر را دنبال خواهد کرد:

– توقف بر خوردهای امنیتی، فوق امنیتی و نظامی با مسائل انتخاباتی و بازگشت کشور به فضای طبیعی سیاسی

- اصلاح قانون انتخابات به نحوی که امکان تکرار تقلبات گسترده را از بین ببرد و بی طرفی نهادهای مجری و ناظر را تضمین کند

- رعایت اصل ۲۷ قانون اساسی در مورد آزادی تجمعات

- آزادی مطبوعات و رفع توقیف از آنها

- فعالیت مجدد سایت های خبری مستقل

- ممنوعیت مداخلات غیرقانونی دولت در فضای

ارتباطی، نظیر اینترنت، پیام های کوتاه، و جلوگیری

از قطع ارتباطات تلفنی و شنود مکالمات مردم و هر

گونه تجسس دیگر

- توقف برخوردهای یک جانبه، افترا، دروغ پردازی و

اهانت در رسانه رسمی کشور

- برخورداری از کانال های مستقل تلویزیونی در خارج و

داخل کشور

- صدور مجوز برای تشکیل جمعیت های سیاسی،

فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی

- آزادی همه دستگیرشدگان سیاسی، ابطال پرونده‌سازی‌های جعلی امنیتی و دخالت ندادن پرونده‌های جاری در برخورداری آنها از حقوق اجتماعی در انتها به همه مردم شریف کشورمان، چه آنها که به اینجانب رای دادند و چه آنهایی که به اینجانب رای ندادند، به ویژه کسانی که در حوادث ناگوار هفته‌های اخیر صدمه دیدند درود می‌فرستم. همچنین مقام شهیدانی را که به جرم حق خواهی و آزادی طلبی در خون خود غلطیدند ارج می‌نهم و از خداوند بزرگ برای خانواده‌های عزیز آنان طلب صبر و اجر دارم.

میر حسین موسوی

۱۰ تیر ۸۸

منشوری فراتر از جبهه ها و گروه های سیاسی تدوین می کنیم

چهارشنبه ۳۱ تیر ۱۳۸۸

میرحسین موسوی، پس از دیدار با خانواده سهراب اعرابی، از او به عنوان نماد همه شهیدان یاد کرد. پس از آن نیز وی با خانواده زندانیان سیاسی دیدار کرد و در ادامه با اهالی رسانه های کشور به گفتگو نشست.

به گزارش خبرنگار قلم نیوز، نخست وزیر کشورمان در دوران دفاع مقدس پیش از ظهر چهارشنبه در دیدار با جمعی از اهالی برخی از رسانه های کشور با اعلام اینکه این منشور به زودی منتشر خواهد شد، تاکید کرد: می خواهیم ظرفیت های مغفول قانون اساسی را عملیاتی کنیم .

وی با اشاره به نمادسازی‌ها در جنبش اجتماعی مردم اظهار کرد: ما می‌خواهیم این منشور، وجهی از به هم پیوستگی مردم باشد و مشخص باشد که این‌ها به جنبش سبز پیوسته‌اند. ما به دنبال شعاری هستیم که بتواند پیوستگی مردم را بیشتر کند و مورد استفادهٔ مردم قرار بگیرد.

موسوی خاطرنشان کرد: فضایی که می‌خواهیم منشور را در آن منتشر کنیم فضایی است که حتی شخصی مثل آقای هاشمی را هم تحمل نمی‌کند. وقتی در بخش‌هایی از حاکمیت امثال آقای هاشمی هم تحمل نشوند جامعه لاجرم به سمت نظامی‌تر شدن و امنیتی‌تر شدن پیش خواهد رفت که هیچ‌کس از این مساله استقبال نخواهد کرد.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام همچنین تصریح کرد: ما و کسانی که متعلق به این جنبش هستند باید طوری عمل کنیم که ضمن این‌که ساختارشکنی به مفهوم کسانی که می‌خواهند خارج از قانون اساسی

حرکت کنند اتفاق نیفتد، مطالبات مردم لحاظ شود. ما در منشور خود این دغدغه را داریم که هم پیوستگی مردم حفظ شود، هم منافع ملی لحاظ شود و هم به مطالبات مردم پاسخ داده شود .

وی در ادامه سخنان خود با اشاره به تخلفات صورت گرفته در انتخابات اخیر اظهار کرد: این یک ضرورت ملی است که به طور دائم به بحث انتخابات اخیر پرداخته و این مساله زنده نگه داشته شود و این مساله در انبوه وقایع اخبار پس از انتخابات نمی‌رد و هیچ‌کس فراموش نکند که این دولت در چه فرآیندی شکل گرفته است. با توجه به این‌که مدافعان تقلب تریبون‌هایی نظیر صدا و سیما در اختیار دارند، مطبوعات باید پرداختن به مسایل پیش آمده در این انتخابات را از جمله وظایف خود بدانند.

نخست وزیر کشورمان در دوران دفاع مقدس در ادامه با تاکید بر لزوم توجه به قانون اساسی، تصریح کرد: نیروهای مدافع جامعه باید حامی قانون اساسی باشند؛

چرا که قانون اساسی در خود ظرفیت‌هایی دارد که اگر عملیاتی شود حتی گرایش‌های ساختارشکنانه را هم متقاعد می‌کند .

وی تاکید کرد: اگر از چارچوب قانون اساسی خارج شویم جامعه با یک آنارشی لجام‌گسیخته روبه‌رو خواهد شد که جمع کردن آن غیر قابل پیش‌بینی خواهد بود. بنابراین همهٔ نیروها باید در چارچوب قانون اساسی حرکت کنند تا خسارت‌های این فضای شبه کودتای تحمیل شده را به حداقل برسانند .

رئیس فرهنگستان هنر در بخش دیگری از سخنان خود به حساسیت مردم نسبت به دخالت بیگانگان و تلاش برای گرفتن اعترافات نادرست از بازداشت‌شدگان اشاره کرد و گفت: اگر از همه بازداشت‌شدگان هم اعتراف بگیرند باز هم افکار عمومی این‌ها را قبول نمی‌کند؛ چرا که مردم در وقایع اخیر حضور داشته‌اند و دیده‌اند که ابعاد این مساله چقدر بوده است. شعارها و رفتارهای مردم نشان می‌دهد که اگر برخی افراد

بخواهند ترفندهایی برای اتصال جنبش سبز مردم به بیگانگان به کار ببندند بیهوده خواهد بود .

وی با اشاره به سفرهای تبلیغاتی خود در ایام پیش از انتخابات اخیر، عنوان کرد: در این سفرها متوجه شدم که مردم چقدر به هویت ایرانی خود اهمیت می‌دهند و در استان‌های مختلف کشور، مردم عرق زیادی بر روی ایرانی بودن خود دارند .

موسوی افزود: دولت پشتیبانی آرای مردم و در نتیجه مشروعیت ندارد، بنابراین در عمل ناچار خواهد بود به کشورهای خارجی امتیازاتی بدهد که به نفع کشور ما نخواهد بود. ما باید طوری عمل کنیم که سرمایه‌های عظیم اجتماعی که در انتخابات شرکت کردند بتوانند منسجم باشند و شرایط مفیدی برای آن‌ها به وجود بیاید .

بر اساس این گزارش، مهندس موسوی در بخش دیگر سخنان خود به فعالیت رسانه‌های مجازی اشاره کرد و گفت: رسانه‌های مجازی تاثیر به‌سزایی در اطلاع رسانی

داشتند و این ارتباطات باید تقویت شود و باید فضا سازی لازم در این زمینه صورت گیرد و رسانه های مکتوب و خبرگزاری ها هم باید مردم را به استفاده از این رسانه های مجازی تشویق کنند. یکی از نقاط قوت این فضاهای مجازی این است که اعمال سانسور بر روی آن ها دشوارتر است .

نخست وزیر کشورمان در دوران دفاع مقدس در پایان، به مساله بازداشت شدگان روزهای پس از انتخابات اشاره و تاکید کرد: تا وقتی که آخرین نفر از زندانیان روزهای پس از انتخابات آزاد نشود، پرونده ٔ این انتخابات باز خواهد بود، مضافا این که مشروعیت این دولت نیز زیر سوال خواهد بود.

بیانیه ی دهم

بیداد گاه های نمایشی...

بسم الله الرحمن الرحيم

می گویند فرزندان انقلاب در دادگاهی که دیروز تشکیل شده بود به ارتباط با بیگانه و برنامه ریزی برای ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی اعتراف کرده اند. اینجانب در سخنان آنان دقیق شدم و در حقیقت آن چنین چیزی نیافتم، بلکه شنیدم که با ناله های عمیق از سرگذشت دردناک خود در این پنجاه روز می گفتند؛ انسان هایی له شده که ممکن بود به هرچیز دیگری هم که به آن الزام شود اقرار کنند به راستی چه چیز دیگری جز داستان رنج هایی که کشیده اند ممکن است بگویند. می گفتند محسن روح الامینی حق داشت که شهید شد. می گفتند که اگر ۵۰ روز ایستادگی نکرده

بودیم این نمایش هفته‌ها پیش برگزار می‌شد. می‌گفتند هرچه را که به آنان می‌گفتند تا گفته باشند که اینها حرف‌های ما نیست.

دندان شکنجه‌گران و اعتراف‌گیران دیگر به استخوان مردم رسیده است تا جایی که اینک از میان کسانی قربانی می‌گیرند که خدمات بزرگ به کشور و نظام در کارنامه دارند و به تهدید دیگرانی سرگرمند که در نشو و نمای این نهضت و تاسیس نظام برخاسته از آن برجسته‌ترین نقش‌ها را بر عهده داشته‌اند. آیا کسانی را که آرزوی شهادت در راه نورانی انقلاب اسلامی داشته‌اند به چیزی کمتر از آن تهدید می‌کنید؟ یا پس از به مسلخ بردن جمهوریت نظام، اسلامیت و آبروی آن را هم با این بی‌آبرویی‌ها هدف گرفته‌اید؟ تنها داوری قطعی وجدان بشری از مشاهده‌ی دادگاه‌هایی اینچنین فرمایشی سقوط اخلاقی و بی‌اعتباری صحنه‌گردانان آن است.

صحنه‌هایی که دیدیم و دیدید جز تدارکی ناشیانه برای شروع به کار دولت دهم نیست. از دادگاهی که همه چیزش تقلبی است انتظار دارند عدم وقوع تقلب در انتخابات را اثبات کند. اگر شما اهل تقلب نیستید آن را در رعایت ظواهر اولیه یک دادرسی قضایی به نمایش بگذارید. با دادخواستی سبک، با طرح مطالبی بی‌ربط، با استناد به کتاب‌هایی که به خروار خمیر می‌شوند، با تکیه بر گزارش خبرنگارانی که نامشان را هم کسی نشنیده است و با استناد به اعتراف‌هایی که رنگ شکنجه‌های قرون وسطایی از آن هویدا است انتظار دارند ملت را به چه چیز قانع کنند؟ آیا نخوانده‌اند که پیامبر اکرم (ص) فرمود برای کسی که بعد از شکنجه اقرار کند حدی نیست یا کسی که در زندان یا قید و بند باشد و او را تهدید کرده باشند اقراری برای او نیست (الغدیر جلد ششم)

مردم ما با فرزندان خود که دیشب پس از ۵۰ روز بی‌خبری چهره‌شان را دیدند احساس همدردی

می کنند. برادران ما! غمگین نباشید. بدانید که مردم وضعیت شما را درک می کنند و می دانند که حفظ جان شما واجب تر از هر چیز دیگر است. زود خواهد بود که ملت محاکمه مرتکبین این فجایع را شاهد باشد و بازجویان و شکنجه گرانی که این گونه با جان و آبروی او بازی می کنند بشناسد.

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ

و اگر خداوند مردم را به [سزای] ستمشان مؤاخذه می کرد جنبنده ای بر روی زمین باقی نمی گذاشت لیکن [کیفر] آنان را تا وقتی معین بازپس می اندازد و چون اجلشان فرا رسد ساعتی آن را پس و پیش نمی توانند افکنند

میرحسین موسوی

۱۲ مرداد ۱۳۸۸

راه سبز امید در راه است...

۲۴ مرداد ۱۳۸۸

مهندس میر حسین موسوی کاندیدای اصلاح طلب و معترض به نتیجه دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ضمن تاکید دوباره بر مواضع اش و تشریح تقلب گسترده در جریان برگزاری انتخابات در دیداری با اعضای انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران از آغاز به کار نهضت اجتماعی فراگیر با نام «تشکیلات راه سبز امید» خبر داد .

میر حسین موسوی در این باره گفت «رنگ سبز نماد این راه و مطالبه اجرای بدون تنازل قانون اساسی شعار آن است و شبکه های اجتماعی خودجوش و خودمختار بی شمار و گسترده در سطح جامعه، بدنه این جنبش هستند.»

وی با اعلام این موضوع افزود «در حقیقت راه سبز امید ادامه شعار راهبردی هر شهروند یک ستاد است که این بار برای مطالبات به حق مردم و استیفای حقوق آنان شکل می‌گیرد».

میر حسین موسوی در این دیدار همچنین به شیوه برخوردهای صورت گرفته با معترضان به نتیجه انتخابات اشاره کرده و گفت «اگر به جای آنکه مردم را تحقیر کنند و در صدا و سیما شروع به جو سازی کنند، مواضع منصفانه‌ای می‌گرفتند و اگر قبل از آنکه مردم به خیابان‌ها بیایند در چارچوب قانون و با احترام به حقوق مردم با آنان برخورد می‌کردند ما امروز با بسیاری از بحران‌ها روبرو نبودیم».

موسوی افزود «شعارهای ما در طول انتخابات در چارچوب قانون اساسی و اصولی که مردم باور دارند انتخاب شد، امروز هم به همان شعارها پایبند هستیم و یقین داریم اگر با خواست مردم منصفانه برخورد می‌شد و دستگاه‌های تبلیغی به جای پیوند دادن حرکتهای

خودجوش مردم به بیگانگان و وارونه نشان دادن حقایق سعی در اقناع افکار عمومی با نقد منصفانه و التزام به راست گوئی می کردند به نفع نظام بود و روح بدبینی و بی اعتمادی به جامعه دمیده نمی شد.»

نامزد دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در این دیدار چگونگی وقوع تقلب در روز انتخابات را تشریح کرده و گفت «از چند روز قبل از ۲۲ خرداد ستادهای ما با موج عظیمی از تماس های مردمی که حاکی از اطلاعات دقیقی در مورد تحرکات در دست انجام و سناریوهایی که برای روز انتخابات و بعد از آن طراحی شده است مواجه گردید، به صورتی که در شب انتخابات مجبور به صدور اطلاعیه ای برای فراخواندن مردم به خوش بینی نسبت به مجریان و پرهیز از قصاص قبل از جنایت شدیم. اما آنچه در فردای آن شب دیدیم عبارت از به اجرا درآمدن پیش بینی های ارائه شده به ما یکی پس از دیگری و قرائن بی شماری بود که سلامت جریان حوادث را زیر سوال می برد.»

مهندس موسوی با بیان اینکه «تعلیمات اسلامی به ما اجازه نمی‌دهد که تن به دروغ بدهیم» تاکید کرد «با تمام این احوال ما در ابتدا فکر کردیم که شاید آنچه شاهد آن هستیم ناشی از سوء تدبیر است، برای همین خود من تلاش کردم با مسئولان کشور تماس بگیرم و همان روز دوبار با رئیس قوه قضائیه، دو بار با دادستان کل کشور، دو بار با رئیس مجلس و چهار بار با بیت رهبری موضوع را مطرح کردم. علاوه بر این گروهی از طرف ستاد به دیدار وزیر کشور رفتند تا نگرانی‌های مردم را منتقل کنند و عجیب بود که وزیر کشور در حالی که در آن روز قاعدتا تنها کارش باید رسیدگی به مسائل مربوط به انتخابات باشد پس از مدت زیادی معطل کردن افراد اعزام شده به آنان وقت ملاقات نداد. وی ادامه داد: این موارد قرائنی بود که یکی پس از دیگری انباشته می‌شد تا اینکه از عصر روز ۲۲ خرداد حمله به ستادهای انتخاباتی اینجانب آغاز شد و سپس

به ستاد مرکزی و سایر ستادها در سطح کشور گسترش یافت.»

نخست وزیر دوران دفاع مقدس تصریح کرد «بنده یک رای بیشتر نداشتم و می توانستم از حق خودم بگذرم، ولی از حقوق مردم نمی توانستم بگذرم، چون ما مسلمان هستیم و آموزه های دینی به ما اجازه نمی دهد به دروغ تن بدهیم. قصد ما این بود که پس از تلاش نفس گیر ایام انتخابات، نتیجه هر چه باشد آن را بپذیریم، اما آنچه اتفاق افتاد ما و جامعه را به این سمت کشاند.»

وی در ادامه سخنان خود برخوردهای صورت گرفته با مردم را فراقانونی خوانده و گفت «اگر در جریان انتخابات و حوادث پس از آن مطابق قانون و انصاف عمل می شد ما شاهد این حوادث نبودیم، بلکه اگر بنده هم بر روی مسائلی پا فشاری می کردم مورد اعتراض مردم قرار می گرفتم که چرا تندروی می کنم. اما نادیده گرفتن قانون و فراتر از قانون عمل کردن و نادیده گرفتن

کرامت و حقوق ذاتی شهروندان موجب پیدایش جنبش اعتراضی و ابعاد روز افزون آن شد.»

مهندس میرحسین موسوی در بخش دیگری از اظهاراتش تحریکات صورت گرفته از سوی صدا و سیما را مورد توجه قرار داده و گفت «به فاصله کمی از انتخابات فردی که به فراخور عنوانش باید نمونه ادب باشد یک ساعت و اندی در تلویزیون صحبت کرد و ۳۷ مرتبه نام بنده را به زبان آورد و این برنامه ۳ بار از صدا و سیما پخش شد بدون آنکه کوچک‌ترین فرصتی برای پاسخگویی داده شود. این تنها یک نمونه از رفتارهای غیرمنصفانه و تحریک‌کننده‌ای بود که مردم را عصبی کرد و موجب گسترش آشوب‌ها شد. حال آنکه اگر مردم از مسئولان نظام انصاف و احترام به حقوق ذاتیشان را می‌دیدند تجمعی همانند راهپیمائی چند میلیونی ۲۵ خرداد می‌توانست آبی بر آتش خشم آنان باشد. در حالی که با رفتارهای غلط و زشت بعدی روز به روز از چنین سرانجامی دورتر شدیم.»

نخست وزیر امام در ادامه افزود «همه ما به انقلاب علاقه داریم. ما به نهادهائی چون بسیج و سپاه علاقه داریم، چون فکر می‌کنیم بسیج برای مقابله با دشمن است و سپاه برای آن ایجاد شده تا در مقابل دشمنان بایستد. آیا تلاش برای وابسته نشان دادن حرکت خودجوش مردم از سوی صداوسیما و سایر رسانه‌های دولتی زمینه بی‌اعتمادی مردم به دستگاه‌های تبلیغاتی را فراهم نمی‌کند؟ ما می‌گوئیم به جای آنکه جمعیت‌های میلیونی مردم رامتهم کنید، برای یافتن متهمان اصلی در بین کسانی بگردید که با کارگردانی و صحنه‌گردانی جنگ مسموم تبلیغاتی اعتماد و آرامش مردم را هدف گرفتند و با تحلیل‌های مالی‌خواه‌یایی خود به دشمن خدمت می‌کنند».

مهندس میرحسین موسوی همچنین بزرگ‌ترین هدف برگزاری دادگاه‌های فعالان سیاسی و روزنامه نگاران را اثبات یک توهم بی‌اساس دانسته و با اشاره به نقض اصول اولیه دادرسی قضایی از جمله دسترسی آزاد

مته‌مان و خانواده‌های آنان به وکیل و آزادی آن‌ها در دفاع از خود تاکید کرد «آیا نباید در برپایی یک دادگاه اصول اولیه دادرسی در مورد دسترسی مته‌مان و خانواده آنان به وکیل و آزادی آنان در دفاع از خود رعایت شود».

نامه به حجت الاسلام و المسلمین مهدی کروبی

تقدیر از شیخ شجاع

بسم الله الرحمن الرحيم

برادر گرامی،

حضرت حجت الاسلام و المسلمین کروبی

با سلام

جای تاسف است که در نظام اسلامی ما متصدیان چندان بی طاقّت شده اند که حتی تذکر را تاب نمی آورند. تذکر از سوی چه کسانی؟ از سوی برادرانشان، از سوی کسانی چون شما که عمرشان را صرف انقلاب و نظام اسلامی کرده اند .

نامه شما در مورد رفتارهای زشتی که در برخی بازداشتگاه ها با زندانیان صورت گرفته است، رسانه

غیرملی و روزنامه‌های کودتاجیان را دستپاچه کرده است. این همه دستپاچگی خبر از چه چیز می‌دهد؟ خبر از خبرهای وحشتناکی که ما هنوز اطلاعی از آن‌ها نداریم. خبر از آنکه دروغ چون چرکی مسموم روز به روز دامنه خود را گسترش می‌دهد و به بهانه دفاع از «اصل نظام» غافلان را به حمایت از خود فرامی‌خواند و کسی نمی‌گوید که «اصل نظام» مردم‌اند و حکومت بخش کوچکی از نظام و دولت بخش کوچکی از حکومت و مجموعه افرادی که این‌گونه رفتارهای غیر انسانی را مرتکب شده‌اند تنها بخش کوچکی از کارگزاران اجرایی کشورند.

از کسانی که در زندان‌ها مورد تعدی و تجاوز قرار گرفته‌اند، می‌خواهند که چهار شاهد عادل با شرایط ویژه ارائه کنند. آیا آنان برای بازداشتن دست خود از گناه هم چهار شاهد می‌طلبند؟ اینهایی که مرتکب جرم شده‌اند، ایادی حکومت بوده‌اند. آیا حکومت علاقه ندارد بداند دستان او با مردم چه می‌کنند؟

سخن از دلجویی آسیب دیدگان حوادث اخیر گفته می شود. به راستی این آسیب ها چگونه التیام خواهد یافت، وقتی که منکر اصل وقوعشان می شوند و با تهدید و ارباب ستم دیدگان را به سکوت و انصراف از تظلم وادار می کنند؟ دلجویی با پول و زور ممکن نیست بلکه با رسیدگی سریع، صریح و دقیق به دادخواهی آن ها و خانواده هایشان ممکن است .

به راستی وظیفه ایمانی و انسانی یک روحانی انقلابی که با گزارش ها و مراجعات مکرر قربانیان چنین جنایاتی روبه رو شده است، آیا جز کاری است که شما انجام داده اید؟ انتظار از روحانیت اسلام آن است که در ابلاغ رسالت های الهی که بر دوش او قرار دارد، از خدا بترسد و از زورگویان و دروغ زنان و متجاوزان، از تهدیدها و تضییق ها و از هیچ چیز دیگری جز خدا نترسد. در این روزگار، کدام رسالت الهی سنگین تر از آن است که به صریح ترین لهجه، اسلام را از فجایعی که رخ داده است و رخ می دهد، تبرئه کنیم؟ این رسالتی است که انجام

آن جز از روحانیت متعهد بر نمی‌آید، و اگر در انجام آن کوتاهی شود، نخستین گروهی که از بابت آن ملامت خواهند شد، آنان خواهند بود .

عجبا اگر کسانی به جای پرداختن به این مسئولیت تاریخی، به راحتی بر روی آنچه انجام گرفته است چشم می‌پوشند، به صورتی که گویی انجام آن اعمال ناشایست بخشی از وظایف نیروهای امنیتی بوده است، و تنها گناه نابخشودنی و سزاوار واکنش آگاه کردن مردم از این فجایع است .

اینجانب به سهم خویش از شجاعت و تعهد شما تشکر می‌کنم و امیدوارم تلاش‌های شما با همصدایی دیگر استوانه‌های روحانیت مبارز تقویت شود .

برادر شما

میر حسین موسوی

۲۷ مرداد ۱۳۸۸

بیانیه‌ی یازدهم

راه سبز امید را زندگی کنیم...

بسم الله الرحمن الرحيم

مردم شریف، آزاده و آگاه ایران!

نزدیک به سه ماه پیش از این زمانی که شما در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری شرکت کردید، با این باور به پای صندوق‌های رأی رفتید که با تأکیدهای مکرر مسئولان و تلاش نهادهای مدنی، از آرای تان در برابر مقاصد قدرت طلبانه گروهی اندک پاسداری خواهد شد. اما تخلف‌ها و تقلب‌های سازمان یافته و حوادث تلخی که متعاقب آن صورت گرفت، از رویدادی که بنا بود سرمایه‌ای برای ملت ما فراهم آورد تاسفی بزرگ باقی گذاشت. مشکلی که می‌توانست در فرآیندی منصفانه و

بی طرفانه مهار شود با بی تدبیری مسئولان امر، با یورش تبلیغاتی رسانه های دولتی و حمله نیروهای امنیتی رسمی و غیررسمی به تجمعات آرام و مسالمت آمیز مردم، به بروز انشقاق، ابهام و اختلاف عمیق و گسترده اجتماعی منجر شد، وضعیتی که پیامد بلافصل آن جز گسسته شدن رشته های اعتماد میان مردم و حکومت نیست.

جمع کثیری از دلسوزان حوزه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور و نیز مراجع عظام تقلید و نیروهای آگاه حوزه های علمیه نسبت به افسانه پردازی های رسانه های دولتی و حوادثی چون برگزاری دادگاه های نمایشی فاقد پشتوانه حقوقی و شرعی، بر ملا شدن فهرست بلند قربانیان، برخوردهای غیرانسانی با بازداشت شدگان و افشای وجود بازداشتگاه های غیرقانونی واکنش نشان داده و خواستار رسیدگی به آنها هستند، بلکه همه دلبستگان به نظام جمهوری اسلامی، این دستاورد مبارزات یک صد ساله مردم و تبلور مطالبات اساسی

آنان برای دستیابی به آزادی، استقلال، عدالت و پیشرفت در سایه دینداری، اینک نگرانند.

حفظ تمامیت ارضی و استقلال ملی و صیانت از کیان کشور در مقابل مطامع بیگانگان و دفاع از اصل نظام جمهوری اسلامی در روند شتابزده حوادثی که پی در پی رخ می دهند چاره چویی برای خروج از شرایط موجود را بیش از پیش ضروری ساخته است، هرچند همه به خوبی آگاهیم که در درون دستگاه های حکومتی و شبه حکومتی افرادی وجود دارند که تنها راه ادامه حضور خود در قدرت را التهاب آفرینی و بحران زایی های پیاپی و طفره رفتن از حل مشکلات و نابسامانی هایی می دانند که خود مسبب آنها بوده اند. آنها همچنان به دنبال پوشاندن و پنهان کردن بحران های موجود با بحران های بزرگ تر و توسعه رفتارهای نابخردانه خود به مرزهایی خطرناک ترند، تا جایی که پس از ایجاد این همه پیچیدگی در فضای کشور اینک بی توجه به عواقب سنگین رفتارهای خود با بهانه جویی های واهی زمزمه

هایی خطرناک از جمله زمزمه تسویه های وسیع از دانشگاهیان آزاده و متعهد را سر می دهند.

از این روست که اتخاذ رویکردی اجتماعی (و نه صرفاً حکومتی) برای حل مسئله به ضرورتی اجتناب ناپذیر تبدیل شده است، ضرورتی که لازمه آن، بهره گیری از ظرفیت های مردمی نظام جمهوری اسلامی است.

اساس چنین رویکرد متفاوتی، پذیرش واقعیت تعدد و تنوع باورها و نگرش های موجود در خانواده بزرگ، باستانی و خداجوی ایران زمین است. این راه و رسم پیامبران الهی و جانشینان آنان بوده و نشان از سنتی الهی دارد که مقام و کارکرد هدایت نشان دادن راه است و وظیفه داعیان دین به فراهم ساختن بستر مناسب برای رشد و شکوفایی توانمندی های انسان جهت تعالی و تکامل محدود می شود. تاریخ به روشنی نشان می دهد که هر گاه حکومت ها خواسته اند به سوی محو تعدد و تنوع موجود در جوامع بشری دست دراز کنند، چاره ای جز متوسل شدن به چهره های ظاهراً گوناگون اما در

جوهر یکسان استبداد نداشته‌اند، راه حل‌هایی که نتیجه آن نه یکدست شدن افراد جامعه، بلکه بروز نفاق و دوچهرگی در زندگی مردم خواهد بود و بس. اتخاذ چنین رویه‌ای نه ممکن است و نه براساس آنچه آموزه‌های قرآنی به ما یاد می‌دهد مطلوب است.

پس از حوادثی که در این مدت کوتاه بر جامعه ما گذشت کیست که نداند وضعیتی که ایران امروز در آن قرار دارد حاصل استیلای چنین طرز تفکر اشتباهی بر تصمیم‌گیری‌های کلان کشور است. دستیابی به این وجدان عمومی دستاورد بزرگی است که گاهی قرن‌های متمادی از عمر ملت‌ها و تمدن‌ها صرف تحصیل آن می‌شود و چه هزینه‌های گزافی که در این راه نمی‌پردازند. اما مردم ما این موهبت بزرگ را با هزینه‌هایی بسیار اندک و ظرف مدتی کوتاه به دست آوردند. مردم ما اینک با پوست و گوشت و استخوان خود دریافته‌اند که تنها راه همزیستی مسالمت‌آمیز سلیقه‌ها و گرایش‌ها، و اقشار، اقوام، مذاهب و ادیان گوناگونی

که در این سرزمین پهناور زندگی می‌کنند اذعان به وجود تنوع و تعدد شیوه‌های زندگی و اجتماع بر کانون آن هویت دیرینه ای است که آنان را به یکدیگر پیوند می‌زند، اگرچه فهم‌های ضعیف و باژگونه از دین هضم نکنند که این اذعان نه بدان معناست که اسلام ناب دین حق و آئین خاتم و صراط مستقیم نیست، بلکه یعنی اجباری در دین وجود ندارد، به درستی که راه از بیراهه بیان شده است. لا اکره فی الدین قد تبین الرشد من الغی.

از اینروست که علیرغم تمامی حوادث تاسف بار و مرارت خیز این ایام، مردم ما اینک به نتایجی بسیار ارزشمندتر و ماندگارتر از انتخاب یک فرد دست یافته‌اند و این آن چیزی است که آنها را نسبت به اقدامشان برای شرکت در رویداد انتخابات و هزینه‌هایی که در قبل و بعد از آن متحمل شده‌اند دلگرم می‌کند.

در ماه هایی که گذشت نیرویی عظیم از ملت ما آزاد شد، نیرویی که باید به کارآمدترین شیوه برای سعادت بلندمدت او به خدمت گرفته شود. مردم ما از آنچه می خواهند آگاهند. آنان تصویر شکوهمند اراده خود را در آینه آنچه که سپری شد مشاهده کرده اند و می دانند که سرمایه و توان تحقق بخشیدن به خواست های خود را دارند و در این میدان انبوه نخبگان و زبندگان دوشادوش آنان ایستاده اند. لذاست که اینک همه ما از یکدیگر می پرسیم چه باید کرد؟ این سوالی از سر ناامیدی و یا بلا تکلیفی نیست، بلکه می پرسیم با این سرمایه عظیم، با این امید تجدید حیات یافته و با این توانمندی های فراهم شده چه باید کرد؟

به راستی چه باید کرد؟ در پاسخ به این پرسش نخستین قدم آن است که بدانیم چه باید بخواهیم تا بهترین و بیشترین را خواسته باشیم. اگر در یافتن پاسخ این سوال خطا کنیم قطعا همه یا بخشی از این سرمایه فراهم آمده را از دست داده ایم. بلکه حساسیت

این انتخاب بسیار بیشتر از این است. نیروی عظیمی که ملت ما فراهم آورده توان آن را دارد که کشور را به سکویی بلند برای جهش به سوی پیشرفت‌های مادی و معنوی ارزشمند ارتقا دهد و یا در یک آنارشی درازمدت فرو برد. این که نتیجه حرکت ما چه خواهد بود تماماً به انتخاب درست ما در این مرحله بستگی دارد.

برخلاف آنچه دستگاه‌های تبلیغاتی دولتی سعی در القای آن دارند، این ما هستیم که بازگشت اعتماد و آرامش به فضای جامعه را خواهیم و این ما هستیم که از هر اقدام تندروانه و خشن امتناع می‌کنیم. ما خواسته‌هایی بسیار روشن و منطقی داریم. ما حفظ جمهوری اسلامی را می‌خواهیم، و تقویت وحدت ملی، و احیای هویت اخلاقی نظام و بازسازی اعتماد عمومی به عنوان اصلی‌ترین مولفه قدرت ساختار سیاسی کشور جز با پذیرش حق حاکمیت مردم و کسب رضایت‌نهایی آنان از نتایج اقدامات حکومت، و شفافیت در تمامی اقدامات از طریق اطلاع‌رسانی مستمر ممکن نیست. در

نهضت سبزی که آغاز شده است ما امر غیرمتعارف و نابهنگامی نمی خواهیم. آنچه ما می خواهیم استیفای حقوق از دست رفته ملت است.

استیفای کدام حقوق؟ در درجه نخست حقوقی که قانون اساسی برای مردم در نظر گرفته است و مطالبه برای اجرای بی کم و کاست و بدون تنازل آن. آری! در قانون اساسی برای اداره برخی از شئون کشور راهکارهایی ارائه شده است که شاید زمانی پاسخگوی مقتضیات جامعه و جهان ما نباشد. اما در بخش‌هایی دیگر از همین قانون راه روشن اصلاح آنها پیش‌بینی شده است. در میثاق ملی ما مشروعیت همه ارکان حکومت متکی به رأی و اعتماد مردم است، تا جایی که اگر دقیق ملاحظه شود خواهیم دید حتی نهاد نظارت‌ناپذیری چون شورای نگهبان از هیمنه نگاه مردم به دور نیست. آری! در قانون اساسی وظایفی سنگین، از جمله وظیفه نظارت بر انتخابات بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است؛ انسان‌های غیرمعصومی که

ممکن است در دام خطا و گناه بیفتند و دچار وسوسه قدرت شوند. اما در همین قانون به صراحت اعلام می‌شود که برگزاری اجتماعات از سوی مردم آزاد است. اگر تنها همین اصل از میثاق ملی ما به درستی اجرا شود حتم داشته باشید که هیچ یک از ارکان حکومت هرگز امکان سوءاستفاده از موقعیت خود را پیدا نمی‌کند.

قانون اساسی ما پر از ظرفیت‌هایی است که هنوز به فعلیت نرسیده‌اند؛ مسئولان گاهی با این حقیقت به گونه‌ای برخورد می‌کنند که گویی به عنوان امری مستحب مخیرند همچنان استفاده‌های بیشتری از ذخائر قانون اساسی ببرند. نه! هرگز چنین نیست. آنها مکلفند که این ظرفیت‌ها، آن هم تمامی این ظرفیت‌ها را به فعلیت برسانند. قانون اساسی مجموعه‌ای یکپارچه است و نباید بر روی بخش‌هایی از آن که منافع اشخاص و یا گروه‌هایی خاص را تامین می‌کند به صورت اغراق آمیز تاکید شود و بخش‌هایی دیگر که حقوق

مردم را دربر گرفته است معطل باقی بماند، یا ناقص به اجرا درآید. پس از سی سال ما هنوز با اصولی از این میثاق ملی روبرو هستیم که سخن گفتن از اجرایشان دست اندرکاران را به خشم می آورد، به صورتی که گویی گوینده با جمهوری اسلامی مخالفت کرده است. تأمین آزادی های سیاسی و اجتماعی، رفع تبعیض، امنیت قضایی و برابری در مقابل قانون، تفکیک ناپذیری آزادی، استقلال و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر، مصونیت حیثیت، جان و مال اشخاص، ممنوعیت تفتیش عقاید، آزادی مطبوعات، ممنوعیت بازرسی نامه ها، استراق سمع و هر گونه تجسس، آزادی احزاب و جمعیت ها، آزادی برگزاری اجتماعات، تمرکز دریافت های دولتی در خزانه داری کل، تعریف جرم سیاسی و رسیدگی به آن با حضور هیئت منصفه، آزادی بیان و نشر افکار در صدا و سیما و بی طرفی آن و ... هر یک اصولی روشن از قانون اساسی ما را به خود اختصاص داده اند؛ اصولی که به راحتی و صراحت نقض می شوند و یا به صورتی ناقص و

براساس تفسیرهای مخالف با روح این میثاق ملی به اجرا درمی آیند، تا جایی که در اجرای اصل ساده و روشنی چون آزادی تدریس زبان های قومی و محلی به صرف سلیقه و پسند شخصی مانع ایجاد می شود.

مشابه همین برخورد گزینشی با آرمان های انقلاب اسلامی نیز صورت گرفته است. ما خواستار احیای آن بخش فراموش شده از اهدافی هستیم که این نهضت عظیم به امید تحقق آنها آغاز شد. چه شعارهای بزرگی از انقلاب که اینک دم زدن از آنها روی کسانی را ترش می کند، تا جایی که گویی اینها شعارهای ضدانقلاب بوده اند. نمونه ای از آنها آزادی است؛ آزادی عقیده، آزادی بیان، آزادی پس از بیان، آزادی انتخاب کردن و انتخاب شدن، آزادی به تمامی آن معنای جلیلی که مردم ما در بهمن ۵۷ تأمین آن را یکی از مهمترین اهداف خود می دانستند، به صورتی که پیروزی انقلاب را بهار آزادی نامیدند. این آزادی به مفهوم آزادی سیاسی و حق انتقاد بی هراس از حاکمان بوده است.

و مظلوم تر از انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی و قانون اساسی، خود اسلام است؛ دینی که بسیار از آن نام می برند و اندک به آن عمل می شود. چه بسیار که دین را سرند می کنند، هر چه از آن که منافعشان ایجاب نکند به فراموشی می سپارند و سلیقه ها و مصلحت های خود را متن اسلام می نامند، تا جایی که دروغ به مشخصه ای غیرقابل تفکیک از صدا و سیما تبدیل شود و زشت ترین بداخلاقی ها نشانه تعهد به دین پیامبری تلقی گردد که برای تکمیل بزرگواری های اخلاقی مبعوث شده است؛ شکنجه زندانیان و کشتن آنان، و اعمالی که قلم از ذکرشان شرم می کند.

اگر برای حکمرانی مبتنی بر دین تنها یک رسالت وجود داشته باشد آن این است که زمینه را برای زندگی توأم با ایمان آماده تر کند. پس چرا فاصله جامعه ما با زندگی ایمانی روزبه روز بیشتر می شود؟ این فاصله میراث انقلاب نیست. در تابستان گرم ۵۸، چه بسیار بودند کسانی که برای نخستین بار رمضان را روزه گرفتند و از

این تجربه خود لذت بردند؛ میراث انقلاب ما این بود. میراث انقلاب ما معنویتی بود که در دوران دفاع مقدس جامعه را فرا گرفت. میراث انقلاب ما پرورش روح‌های بزرگ و اخلاص‌های مثال‌زدنی بود. انقلاب ما نشان داد می‌تواند نورانیتی را که جامعه تشنه آن است تأمین کند. آخر یک بار هم که شده میراثی را که از امام خود تحویل گرفتیم با ایران امروز مقایسه کنیم؛ جامعه‌ای سودازده که در آن تحجر دولت‌سازی می‌کند؛ جامعه‌ای تقلب‌زده، دروغ‌زده.

برخورد گزینشی با پیام دین و آن را مناسب سلیقه و منافع خود درآوردن، خرافه و تحجر را به دامن آن بستن، پول و زور را جایگزین حکمت و موعظه حسنه کردن و بخش‌هایی از روحانیت، این شجره هزار ساله را دولتی ساختن بیش از این هم نباید نتیجه بدهد. زمانی که امام ما از اسلام ناب محمدی (ص) نام می‌برد و آن را در مقابل اسلام تحجرگرا و اسلام آمریکایی قرار می‌داد چنین روزهایی را می‌دید. این پوستین وارونه اسمش

اسلام هست، اما رسمش اسلام نیست. ما خواستار بازگشت به اسلام ناب محمدی(ص)، این دین غریب هستیم. و خداونده وعده داده است که ما را به راه‌های رسیدن به این تحفه آسمانی هدایت کند. والذین جاهدوا فینا لنه‌دینهم سب‌لنا. و کسانی که در راه ما کوشش کنند به تحقیق آنان را به راه‌هایمان هدایت می‌کنیم.

آیا در این چند ماهه ندیدید که او چگونه به این وعده عمل کرد؟ پروردگار ما ایمان‌هایمان را ضایع نکرد و نخواهد کرد، زیرا او به خلاف مدعیان، نسبت به مردم دلسوز و مهربان است. و ما کان الله لیضیع ایمانکم ان الله بالناس لرؤوف رحیم. کام ملت از آنچه که گذشت تلخ است، اما کیست که دستاوردهای حاصل شده در عین این تلخ‌کامی‌ها را ناچیز بشمارد؟ ما با پوست و خون خود عظمت آنچه در این ایام کوتاه حاصل شده است را درک می‌کنیم. ما چه کردیم که به این دستاوردها رسیدیم. حقیقت آن است که جز ایمان به

و عده الهی عملی متناسب با این همه پیشرفت نداشته‌ایم. به حوادث این ایام بنگرید و در هر کدامشان راه‌های خدا را که یکی پس از دیگری پیش پای ما گشوده شدند ملاحظه کنید. آنها را هم که ببندند دادار از وفا به وعده‌ای که داده است عاجز نمی‌شود و راه‌هایی دیگر پیش پای کسانی که برای او می‌کوشند می‌گشاید؛ راه‌هایی امن، راه‌هایی هموار، راه‌هایی مستقیم که بدون تردید ما را به مقصد می‌رسانند. چرا به خداوند توکل نکنیم حال آن که راه‌هایمان را به ما نشان داده است؟ و ما لنا الا نتوکل علی الله و قد هدانا سبلنا. با دسترسی به چنین راه‌هایی ما نیاز به تخطی از قانون، پشیمانی از مسالمت، توسل به تخریب یا وارد شدن به هر کوره راه دیگری نداریم.

و در آن سو نگاه کنیم که مخالفان مردم با قدم گذاشتن در بی‌راهه‌ها چگونه رو به نشیب می‌روند. فرزندان انقلاب را به زندان انداختند تا اوهام خویش را ارضا کنند. آنها چه نتیجه‌ای برای این کار خود توقع

داشتند؟ بدن رنجور قربانی ترور را به بند کشیدند و ضارب او را آزاد و متمتع قرار دادند. آنها انتظار داشتند از این کار جز ریختن آبروی خود چه سودی ببرند؟ در سراشیبی کوره راهی که درون آن افتاده بودند خردشان جا ماند و عنانشان در دست افراط گرانی قرار گرفت که نیمه های شب به خوابگاه دانشجویان غریب و مظلوم حمله می کنند و رایج ترین کلمات در فرهنگ لغاتشان دشنام های رکیک است.

رهروان راه های خدا به امیدی که از وعده او داشتند رسیدند؛ آیا مسافران بیراهه نیز به آن چیزی که باید انتظارش را می کشیدند نرسیده اند؟ ملاحظه تقیه و تملق این و آن و شنیدن بوی حرص و بخل و آز از دهان تمجیدگران، برخورداری از حمایت خطیبی که از منبر مقدس نمازجمعه به خشونت تشویق و به اعتراف گیری مباحثات می کند؛ ترس، ترس از تنهایی، ترس از آینده، ترس از عاقبت، ترسی که با ترساندن دیگران پنهانش می کنند.

مردم فداکار ایران! پیمانی است بر ذمه فرزندان انقلاب اسلامی که در بازگرداندن آن به اصل نخستین‌اش از بذل هیچ کوششی کوتاهی نکنند، و عهده‌ی است بر عهده همراهان و یاران شما که در راه مبارزه با متقلبان و دروغگویان به سرمایه اجتماعی و اعتمادی که ایجاد شده است، خیانت ننمایند. در عین حال تکلیفی است بر همه ما که اگر مصلحت کشور و مردم را در امری دیدیم از ملامت نترسیم و از شجاعت دریغ نورزیم. بنا بر چنین تعهداتی اینجانب برای رسیدن به آرمان‌هایی که پیش روی خویش داریم به جز ادامه راه سبزی که در این چند ماهه دنبال کرده‌اید پیشنهاد نمی‌کنم؛ راه سبز امید. راهی که از پیش از انتخابات آغاز کردید و همچنان با عزم‌های استوار در آن گام می‌زنید. راهی که با دعا و ندا و تکبیر، با گردهمایی‌های بزرگ و کوچک، با کوشش‌ها و جوشش‌ها و گفتگوها و پرس و جوهای خود همچنان در آن قرار دارید.

ما برای اشاره به جنبشی که آغاز کرده ایم از عنوان «راه» استفاده می کنیم تا توفیق هایی که در هر مرحله به دست می آوریم پایان کار ندانیم و همواره نگاه به کمالی برتر بدوزیم. علاوه بر آن ما در این مسیر چشم به جاده هایی داریم که هدایت الهی پیش پایمان قرار می دهد. ما می اندیشیم و تدبیر می کنیم، اما ایمان داریم که در عمل، تنها راه هایی که او برایمان می گشاید از خود کارسازی نشان می دهند.

ما در راهی که خداوند پیش رویمان قرار داده است از نماد «سبز» استفاده کرده ایم تا پرچم دلبستگی نسبت به اسلامی باشد که اهل بیت پیامبر(ع) آموزگاران آن بوده اند؛ اهل بیت خرد، اهل بیت محبت، اهل بیت نورانیت.

و ما «امید» را سرمایه خود قرار داده ایم تا حاکی از هویت ایرانی مان باشد؛ امیدی که این ملت را از گردنه های سخت تاریخ عبور داده و حیات او را در

تلخ‌ترین روزهای این سرزمین تداوم بخشیده است؛ راه سبز امید.

چندی پیش، زمانی که از این نام برای بیان ویژگی‌های حرکت شما استفاده کردم تصور برخی بر آن قرار گرفت که حزب یا جبهه‌ای جدید در حال تشکیل است، حال آن که این راه به هیچ وجه مشابهی و یا جایگزینی برای سامان‌های سیاسی رسمی نیست و نیاز به آنها را منتفی نمی‌کند، بلکه حرکتی اجتماعی و دامنه دار برای ترمیم و ایجاد برخی از بنیادین‌ترین زیرساخت‌های سیاسی است که همه شئون کشور را تحت تاثیر قرار خواهد داد و از جمله تشکلهای و احزاب برای فعالیت ثمربخش بدانها احتیاج مبرم دارند. قطعاً جامعه ما برای محقق کردن فضای باثبات سیاسی به احزاب صالح و قدرتمند نیازمند است و چه بسا زمانی که زمینه برای فعالیت موثر و مفید سامان‌های سیاسی فراهم شود اینجانب و برخی از همفکران شما نیز کوشش‌های خود را در چارچوب تشکلی متعارف از این نوع قرار دهیم. اما راه

سبز امید تشکلی از این نوع نیست. تحزب اساسا به معنای آن است که گروهی از همفکران در سازمانی مشخص و دارای سلسله مراتب شناخته شده گرد هم بیایند. همچنین در یک حزب تأکید بر بیشترین همفکری و وحدت حداکثری در عقاید است، حال آن که راه ما به عنوان مسیری که تجدید و تقویت هویت ملی را هدف گرفته، بر وحدت حول حداقل نکات مشترک تکیه می کند؛ مجموعه ای پیام محور و متشکل از تمامی سازوکارهای مدنی کوچک و بزرگ که در مسیر خود هدفی مشترک را انتخاب کرده اند.

صورت ظاهری اقداماتی که برای تداوم و تقویت حرکت کنونی مردم انتخاب می شود در حکم لباسی است که بر قامت آن می دوزیم، و فاخرترین لباس ها تنها در صورتی برازنده خواهد بود که به فراخور واقعیت برده شود. واقعیت موجود در کشور ما نسبت به آنچه که در گذشته بود تغییرات شگرفی کرده است. آنچه اینک در جامعه ما نقش آفرینی می کند شبکه اجتماعی

خودجوش و توانمندی است که در میان بخش وسیعی از مردم شکل گرفته و نسبت به پایمال شدن حقوق خود معترض است. این شبکه دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که به هنگام تصمیم‌گیری در مورد راه‌حل‌ها و اقدامات آتی، باید به آنها توجه کرد. آنچه اینجانب در پاسخ به سوال چه باید کرد پیشنهاد می‌کنم تقویت و تحکیم این شبکه اجتماعی است.

تجربه چندین دهه از تاریخ ایران که ما از نزدیک شاهد آن بوده‌ایم نشان می‌دهد حرکات جمعی مردم ما تنها در دوران باروری، حیات و سرزندگی این هسته‌ها به نتیجه می‌رسند. آن چیزی که از آن به عنوان جامعه‌ای زنده و فعال نام می‌بریم، جامعه‌ای که به صورت موثر، آگاهانه و خلاق نسبت به حوادث واکنش نشان می‌دهد و امکان استبداد و تخطی ساختارهای قدرت از خواست خود را از میان می‌برد ترکیبی تشکیل یافته از چنین شبکه قدرتمندی است.

وظیفه‌ای که امروز بر عهده همه ما قرار دارد و به صورتی فطری از جمع‌های کوچک و بزرگ و حتی احزاب و تشکل‌های سیاسی ما سر می‌زند آن است که به صورت هسته‌های معین برای چنین شبکه‌ای عمل کنیم.

از مهمترین نقاط قوت این شبکه، شکل طبیعی اجزای آن است. این واحدها عبارت از گروه‌هایی کوچک اما بسیار متکثر از همفکرانی است که در قالب روابط سابقه‌دار دوستی یا خویشاوندی یا همکاری نسبت به هم آشنایی و اعتماد پیدا کرده‌اند، به صورتی که انحلال آنها امکانپذیر نیست، زیرا به معنای انحلال جامعه است. این واحدها همواره وجود دارند، اما به صرف وجود، شبکه اجتماعی موثری را شکل نمی‌دهند. با این همه اولین قدم در راه حل پیشنهادی اینجانب آن است که ما ایرانیان، در هر کجای جهان که هستیم، باید این هسته‌های اجتماعی را در میان خود تقویت کنیم. باید خانه‌هایمان را رو در رو یكدیگر بسازیم؛ به تعبیر

قرآن خانه‌های خود را قبله قرار دهیم، یعنی به این هسته‌های اجتماعی که واحدهای بنیادین جامعه ما هستند بپردازیم، اهمیت آنها را بشناسیم و بیش از پیش به آنها رو کنیم تا قدرت‌های نهفته‌ای که دارند برای ما ظاهر شود. خانه‌های خود را قبله قرار دهیم؛ یعنی اگر تا پیش از این هر دو ماه یک بار همدیگر را ملاقات می‌کردیم اینک هفته‌ای دوبار گرد هم جمع شویم. قدرت شبکه‌های اجتماعی ما در این امر است.

گرد هم جمع شویم تا چه کنیم؟ این نخستین سوالی است که معمولاً در چنین شرایطی از یکدیگر می‌پرسیم. ما معمولاً تصور می‌کنیم آنچه در این گردهم‌آیی‌ها اهمیت دارد کاری است که در قالب آنها با کمک یکدیگر به انجام می‌رسانیم. البته این تصور درستی نیست، اما تصویری طبیعی است. از این روست که واحدهای اجتماعی اگر محوری برای فعالیت‌های ثمربخش قرار نگیرند به‌مانند درختانی که میوه‌هایشان چیده نشود بازدهی خود را از دست می‌دهند، لذا باید

آنها را موضوع تلاش های اثرگذار اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، علمی، فرهنگی، هنری، ورزشی، عام المنفعه و دیگر فعالیت های مدنی مشابه قرار داد تا در درازمدت و پس از عبور امواج حادثه و عاطفه همچنان به ایفای نقش تاریخ سازی که از آنها انتظار داریم بپردازند.

جمع های خویشاوندی، همسایگی، دوستی، جلسات قرآن، هیئات مذهبی، کانون های فرهنگی و ادبی، انجمن ها، احزاب، جمعیت ها، تشکل های صنفی، نهادهای حرفه ای، گروه هایی که با هم ورزش می کنند یا در رویدادهای هنری حاضر می شوند، حلقه همکلاسی ها، گروه فارغ التحصیلانی که هنوز دور هم جمع می شوند، همکارانی که با یکدیگر صمیمیت یافته اند، و ...؛ هر کدام از ما در چندین نمونه از این زیرمجموعه های کوچک عضویت داریم و این دست مایه اصلی گفتگو و ارتباط میان هسته های جامعه ماست. بلکه تجربیات اخیر نشان داد خرده رسانه هایی که از این روابط زاده می شوند می توانند سریعتر و موثرتر از هر

رسانه عمومی دیگر عمل نکند، مشروط بر آن که ظرفیت‌های این شبکه از طریق توافق بر روی یک آرمان بزرگ به فعلیت برسد.

ما زمانی موفق به برقراری ارتباط موثر با یکدیگر خواهیم شد که در شعاری مشترک همصدا شویم؛ شعاری دقیق و عمیق که قادر به تأمین خواسته‌های ما باشد. بخش مهمی از توانمندی‌هایی که اینک در شبکه‌های اجتماعی ما ایجاد شده است مرهون آن است که شعار و آرمانی مشترک پیدا کرده ایم. تعادل تلاشی ویژگی مهم این شعار و آرمان است، به صورتی که اگر بر آن بیفزاییم چه بسا کسانی که نتوانند یا نخواهند با آن همصدا شوند، و اگر از آن بکاهیم چه بسا قشرهایی که امیدهای خود را در آن نیابند. این بزرگترین سرمایه ماست که باید در پالایش و پاسداری از آن بیشترین دقت و همت را به کار بگیریم.

ما اگر صرفاً در یک انتخابات شرکت کرده بودیم برخورداری از حمایت اکثریت مردم برایمان کافی بود.

اما در یک حرکت عظیم اجتماعی، اکثریت تنها زمانی به پیروزی می‌رسد که به اجماع نزدیک شود و آن گاه از مشروعیت غیرقابل مقاومت برخوردار خواهد شد که توجه خود را نسبت به دغدغه‌ها و حقوق کسانی که امروز یا فردا ممکن است متفاوت با او بیندیشند و در اقلیت قرار گیرند به اثبات برساند.

نمی‌توان از جامعه‌ای که بخش قابل توجهی از آن دچار جبر نان و از تأمین نیازها اولیه خود ناتوان است انتظار مشارکت گسترده در فرآیند توسعه سیاسی را داشت. البته عکس این رابطه نیز صادق است و جامعه‌ای که از آزادی‌ها و آگاهی‌های اساسی محروم شود در تأمین معیشتی که لیاقت آن را دارد نیز درمی‌ماند و حتی در عهد درآمدهای افسانه‌ای، به پیشرفتی بیشتر از صدقه‌پروری و واگذار کردن اختیار بازار و اقتصاد ملی خود به بیگانگان نائل نمی‌شود. ما بر این باوریم که آزادی زمانی دوام دارد که با عدالت توأم باشد. به همان اندازه که محدودیت‌های جاری برای آزادی بیان و امکان

برگزاری اجتماعات نگران‌کننده است، وجود فقر، فساد و تبعیض در سطحی گسترده چشم‌انداز دسترسی به جامعه‌ای آرمانی مبتنی بر قانون اساسی را تیره می‌کند، به ویژه آن که در سیاست سال‌های اخیر دورنمای روشنی برای خروج از این وضعیت ملاحظه نمی‌شود، به صورتی که وارد آمدن صدمات اساسی به تولید ملی، تداوم فعالیت سودآور اقتصادی را به یک آرزو و یافتن شغل مناسب را به دغدغه اصلی جوانان و خانواده‌های آنان مبدل ساخته است.

راه‌های خدا متکثر است و برای دفع ظلم و استبداد و تحقق ایرانی پیشرفته، ما نباید به قدم گذاشتن در یکی از آنها یا همراهی با یکی از همفکران خود اکتفا کنیم. ما در پیوندهای خود به نظامی نیاز داریم تا اگر دست تجاوز و ظلم فردی یا افرادی از همراهانمان را ربود و واحد یا واحدهایی از این شبکه اجتماعی گسترده را ویران کرد، لطمه‌ای به حیات و پویایی آن وارد نشود و با تکیه بر خرد جمعی، در هر مرحله‌ای از این مسیر

بتوانیم اهداف پیشاروی خویش را شناسایی و با بلندترین گام‌ها به سوی آن حرکت کنیم.

همچنین اگر در جناحی که قدرت خود را در مخالفت با مردم و خواسته های به حق آنان توهم کرده است خواستی برای برون رفت از بحران وجود داشته باشد حداقل آنچه که در این مرحله می تواند به این هدف کمک کند اقدامات زیر است:

۱. تشکیل گروه حقیقت یاب و حکمیت مورد قبول همه ذینفعان در مورد انتخابات دهم ریاست جمهوری و رسیدگی به تخلفات و تقلب های انجام گرفته و اعمال مجازات برای خاطیان

۲. اصلاح قانون انتخابات به صورتی که شرایط برای برگزاری عادلانه و منصفانه انتخابات و اطمینان مردم از این امر فراهم شود.

۳. شناسایی و مجازات عاملان و آمران فجایعی که در حوادث پس از انتخابات بر علیه مردم صورت گرفته است در تمامی نهادهای نظامی، انتظامی و رسانه‌ای

۴. رسیدگی به آسیب‌دیدگان حوادث پس از انتخابات و خانواده‌های جان‌باختگان، آزادی همه دست‌اندرکاران، فعالان سیاسی و نیروهای مردمی دستگیر شده، مختومه کردن پرونده‌ها، اعاده حیثیت از آنان و خاتمه یافتن تهدیدها و آزارهایی که همچنان برای واداشتن آنان به عدم تظلم و پیگیری حقوق شان صورت می‌گیرد.

۵. اعمال اصل ۱۶۸ قانون اساسی در خصوص تعریف جرم سیاسی و رسیدگی به جرایم سیاسی با حضور هیئت منصفه

۶. تضمین آزادی مطبوعات، تغییر رفتار جانبدارانه صدا و سیما، رفع محدودیتهای اعمال شده برای برخورداری احزاب، گروههای سیاسی و نگرشهای مختلف از ارائه دیدگاههای خود در رسانه‌ها، به ویژه صدا و سیما و اصلاح قانون رسانه ملی به صورتی که رسانه ملی نسبت به اعمال خلاف قانون خود پاسخگو قرار گیرد.

۷. به فعلیت در آمدن ظرفیت های ایجاد شده در قالب تفسیر اصل ۴۴ قانون اساسی برای ایجاد رسانه های شنیداری و دیداری خصوصی

۸. تضمین حق اساسی مردم در تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها با اعمال اصل ۲۷ قانون اساسی

۹. تصویب منع مداخله نظامیان در امور سیاسی و جلوگیری از دخالت نیروهای مسلح در فعالیت های اقتصادی

ما در راهی پر از نورانیت وارد شده ایم که از هم اینک سالخوردگان را جوان و جوانان را پخته کرده است. برای خود و شما در این مسیر از خداوند یاری می طلبیم و امیدوارم با همکاری و همراهی همه دلسوزان نظام و انقلاب اهداف ملت در هر مرحله از این مسیر روشن و محقق شود.

میرحسین موسوی

۱۴ شهریور ۱۳۸۸

بیانیه‌ی دوازدهم

بهشتی‌های مظلوم...

بسم الله الرحمن الرحيم

خبر دستگیری برادران عزیز آقایان دکتر سید علیرضا بهشتی و مهندس مرتضی الویری مسئولان کمیته پیگیری امور آسیب دیدگان حوادث ایام اخیر و سردار مقدم مسئول کمیته ایثارگران ستاد انتخاباتی اینجانب موجی از شگفتی و ابهام در دل‌بستگان به نظام اسلامی ایجاد کرده است. آنان به بند کشیده شده‌اند در حالی که جرمی جز پیروی از راه انقلاب و دفاع از اجرای عدالت در مورد خون‌های به ناحق ریخته شده و کمک به خانواده بی گناهایی که پس از انتخابات به زندان افتاده‌اند ندارند. آنان اینک در زندان به سر می‌برند در حالی که عاملان فجایع اخیر آزادند و مسئولان ادعا می‌کنند

حتما به جنایاتی که رخ داده است رسیدگی خواهند کرد. آیا با از بین بردن اسناد جنایت و در بند کردن کسانی که حقوق قربانیان را پیگیری می کردند این کار را انجام می دهید؟

المرء یحفظ فی ولده. حرمت انسان ها در فرزندانشان پاسداری می شود. مردم اینک از مدعیان پرچمداری انقلاب اسلامی می پرسند حرمت شهید مظلوم انقلاب آیت الله دکتر بهشتی را در خاندان او چگونه رعایت کرده اید؟

مردم ایران!

کاملا پیداست که تلاش های شما برای بازگرداندن آرامش به جامعه قرار نیست با پاسخی خردمندانه روبرو شود. روزهایی خطیر در پیش رو قرار گرفته است. دستگیری کسانی چون دکتر بهشتی یک نشانه است که از حوادثی سهمگین تر خبر می دهد. اما باطل رفتنی است و آن چیزی که به مردم سود می رساند باقی می ماند. و اما ما ینفع الناس فیمکث فی الارض. آرامش

و هوشیاری خود را حفظ کنید. سلسله حوادث جدیدی که آغاز شده است به مانند دیگر تحرکات کور این ایام برای مخالفان شما جز خسارت باقی نخواهد گذاشت. مراقب باشید که آنها شما را تحریک نکنند و به هنگام نابود کردن خود به کاشانه و کشورتان لطمه نزنند.

اینجانب به ویژه هتک حرمتی که از بهشتی مظلوم شده است را به فرزندان آن شهید و شاگردان و پیروان و دوستداران او و تمامی دلبستگان به انقلاب و اسلام تسلیت می گویم و از خداوند آرزومندم ضایعه ای که با این عمل در قلب مردم ما ایجاد شده است با جاودانه کردن آبروی این خاندان جبران شود.

میر حسین موسوی

۱۸ شهریور ۱۳۸۸

بیانیه‌ی سیزدهم

چگونه راه سبز امید را زندگی کنیم؟

بسم الله الرحمن الرحيم

راهپیمایی روز قدس امسال در روند حوادث چند ماه گذشته بدون تردید یک نقطه عطف محسوب می‌شود. نتایجی بسیار مبارک از آنچه در این مناسبت اتفاق افتاد انتظار می‌رود که مختص به یک سلیقه و یک گرایش نیست، بلکه فضلی عام و دستاوردی برای تمام کسانی است که در این سرزمین ریشه دارند، حتی اگر برخی از آنها به خاطر پیشداوری‌های نادرست اینک و امروز نتوانند این نعمت و رحمت را لمس کنند.

این برکت، میوه دوراندیشی‌های امام بود. او بارها به ما می‌گفت بنیان‌های درست را چنان بگذارید که پس از شما اگر خواستند هم نتوانند آنها را خراب کنند. شاید ما نتوانسته باشیم حق این رهنمود را به درستی ادا کنیم، ولی او خود در سیره‌اش این‌گونه عمل می‌کرد؛ تمامی ستون‌های جمهوری اسلامی را بر پایه‌هایی از اعتماد مردم برافراشت و علاوه بر آن در هر سال چندین سنت و میعاد برای حضور عملی آنان در صحنه قرار داد، تا کسی قادر نباشد این شالوده را دیگرگون کند.

روز قدس از جمله این میعادهاست. با چنین سنتی نمی‌توان مردم را از صحنه دور کرد. با چنین دعوتی نمی‌توان بدون تامین و ترویج عدل در داخل به وقوع ستم در دور دست معترض بود. آن گاه او این مناسبت را نه فقط مختص به فلسطین، که روز مستضعفین و اسلام نامید تا کمترین شائبه‌ای باقی نگذارد. اینک ارزش

اهتمام آن پدر دلسوز برای پر کردن مستمر صحنه از حضورهای میلیونی مردم معلوم می شود.

سی سال پیش از این امام ما از مسلمانان جهان خواست با حفظ تعدد و تفاوت هایشان بر روی درد مشترکی که تمامی آنان را می آزد همصدا شوند. چقدر این پیام با سخن امروز ما نزدیک است؛ اسلام نگفته است برای آن که وحدت پیدا کنیم باید مثل هم بیندیشیم. آن وحدتی که ما بدان دعوت شده ایم در عین قبول تفاوت هاست و قدس روزی است که مسلمانان باید با تحمل تنوع در دیدگاه های خود درمان دردهای مشترک شان را دنبال کنند. از این روست که اگر این مناسبت به یک پسند سیاسی تعلق یابد سال به سال شکوه خود را از دست می دهد؛ آثاری که برایش آرزو شده است باقی نمی گذارد و دیگر نمی تواند روز اسلام و روز مستضعفان باشد.

آرمان این روز آن است که رنگ های گوناگون را آمیخته با یکدیگر به صحنه بیاورد. روز قدس امسال ما این گونه

نبود، اما برای چنین چیزی بود. اتفاقاً اینجانب آخرین جمعه از رمضان امسال را در میان کسانی حاضر شدم که جمعی از آنان با مشتهای گره کرده به پیشوازم آمده بودند و برایم آرزوی مرگ داشتند. در مسیر پرهیاهویی که بایکدیگر همراه شده بودیم سیمایشان را مرور می کردم و می دیدم که آن چهره ها را دوست دارم. و می دیدم پیروزی ما آن چیزی نیست که در آن کسی شکست بخورد. همه باید با هم کامیاب شویم، اگرچه برخی مژده این کامیابی را دیرتر درک کنند.

از قضا آنها که از رخدادهای قدس امسال احساس شکست می کردند بیشترین بهره را از آن بردند. آنها به واضح ترین شکل دریافتند که سه ماه خشونت بی سابقه کمترین اثری در حضور مردم به جای نگذاشته، بلکه آن را فراگیرتر کرده است. اگر فرصت روز قدس نبود چه بسا تا چند ماه دیگر که میقات بهمن فرا برسد، آنان بی نتیجه و پرخطا بودن سیاست های خود را ملاقات

نمی کردند و زمانی با هزینه های سنگین عملکرد خود روبرو می شدند که برای چاره کردن بسیار دیر بود. خشونت چاره ساز نیست. ادخلوا فی السلم کافه؛ همگی در مسالمت وارد شوید.

خشم مرکبی است که سوار خود را به زمین می زند. درمقابل رفتارهای زشت امنیتی و تحریک های مداوم تبلیغاتی مردم حق دارند عصبانی شوند، اگرچه این حقانیت تغییری در تبعات خشم آنان ایجاد نمی کند. ما به اندازه ای که از خود صبر و خرد نشان بدهیم از کوشش هایمان نتیجه می گیریم و اگر به سوی تندروی های بی دلیل بلغزیم چه بسا که حاصل یک هفته و یک ماه تلاش را در یک روز و یک صحنه جا بگذاریم. مردم ما از آن رو خود را شایسته رفتارهایی مناسب تر از سوی حاکمان می بینند که هوشیار و خردمندند، و خردمند کسی است که نه فقط میان خوب و بد، بلکه میان خوب و خوبتر و بد و بدتر تمیز بدهد.

خوبتر از نتایجی که در روز قدس به دست آوردیم هنوز وجود دارد، کما این که بدتر از وضعیتی که از آن رنج می‌بریم و بدان اعتراض می‌کنیم نیز هست. در پیش‌رو و در شرایط تاریخی ما تصویر روشنی از نتایج رفتارهای ساختارشکنانه نیست.

همان‌گونه که در نامه فرستاده شده برای تمامی مراجع تقلید به عرض رسید افغانستان و عراق دو عبرت بزرگ در دو سوی سرزمین ما هستند که هرگز نباید آنها را از نظر دور کنیم. البته این عبرت‌ها ما را از استیفای حقوقمان منصرف نمی‌کنند، زیرا ما آن صبوری و دانایی را داریم که بدون پرداختن چنین هزینه‌های سنگینی سرنوشت خود را بهبود ببخشیم.

آن چیزی که می‌تواند این هدف بزرگ را محقق کند پایبندی به شعارهای زرینی است که انتخاب کرده‌ایم. هیچ کلمه‌ای که دوستی و برادری میان مردم را تحت تاثیر قرار دهد به بازسازی هویت و وحدت ملی ما نمی‌انجامد. ما اسلام رحمانی را درمان دردهای خود

می دانیم و آن چیزی را که اینک به نام دین از سوی بخشی از حاکمیت معرفی می شود پوستینی وارونه می بینیم .

ما خواستار اجرای بدون تنازل قانون اساسی و بازگشت جمهوری اسلامی به اصالت اخلاقی نخستینش هستیم. ما جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم نه یک کلمه زیاد را می خواهیم، و آنانی را ساختارشکن و هرج و مرج طلب می شناسیم که با بهانه و بی بهانه از موازین اسلامی عدول می کنند و بنا بر امیال شخصی به تعطیل اصول قانون اساسی دست می زنند.

فضای سیاسی امروز کشور آن چیزی نیست که سی سال پیش از این ایرانیان آرزویش را داشتند. مردم اینک از خود می پرسند چه چیز ما را از رسیدن به آرمان هایمان بازداشت و به شرایط فعلی رساند. این سوالی اساسی است که جا دارد درباره کوشش های امروز و فردای ما نیز پرسیده شود. ما چه باید بکنیم تا سی سال بعد از نو با همین پرسش روبرو نشویم؟

ما تنها در صورتی به این اطمینان می‌رسیم که دستاوردهای سیاسی - اجتماعی خود را به زندگی‌های روزمره‌مان متکی کنیم. در طول یک قرن گذشته مردم ما از این قبیل دستاوردها کم نداشته‌اند، اما همه آنها متکی به مبارزه بوده است؛ تا فضای جهاد و تلاش وجود داشت این دستاوردها زنده بود و همین که مردم خسته می‌شدند یا تصور می‌کردند باید به خانه‌هایشان بازگردند محصول از میان می‌رفت. مبارزه امری مقدس است، اما دائمی نیست. آنچه دائمی است زندگی است. این درسی است که ما از رزمندگان خود در هشت سال دفاع مقدس آموختیم. در آن سال‌ها دو گروه در جبهه‌های جنگ حاضر می‌شدند؛ گروه نخست ایام جنگ را مبارزه کردند و سپس به نظرشان رسید وقت زندگی کردن رسیده است؛ وقت آن که پول روی پول بگذارند و برج روی برج بسازند. و گروه دوم که برای معنویتی سرشارتر به جبهه می‌رفتند. آنها برای ایشار

کردن عازم جبهه نمی شدند؛ می رفتند تا از فضای نورانی آنجا بهره مند شوند .

شاید برای کسانی که آن فضا را تجربه نکرده اند هضم این کلمات آسان نباشد، اما واقعیت دارد. نه آن که ایثار نمی کردند؛ نامدارترین قهرمانان ما آنان بودند. اما درمقابل آن گوهرهایی که به دست می آوردند باور نداشتند که دارند از خودگذشتگی می کنند. آنها سال های جنگ را زندگی کردند و پس از آن مبارزه شان شروع شد؛ مبارزه ای آرام برای پاسداری از حیاتی، یا لاقل خاطره حیاتی که چشیده بودند. اگر آنها نبودند ما نمی توانستیم هشت سال با دستان خالی بایستیم .

در زمان انتخابات وقتی گروهی از آنان مرا مفتخر کردند و کمیته ایثارگران را به عنوان یکی از فعال ترین بخش های ستاد اینجانب شکل دادند احساس سربلندی می کردم و چون می گفتند به امید تجدید نورانیت ایام امام گردهم جمع شده اند بار خود را به مراتب سنگین تر می دیدم. بعید می دانم کسی در میان ملت ما باشد که به

آنان مباحثات نکند. آنها درست در نقطه مشترک سبزی قرار دارند که همه ما را به یکدیگر پیوند داده است.

به تاسی از آنان ما نیز باید راه سبز امید را زندگی کنیم؛ در این صورت همان معجزه‌ای که آنان آفریدند در انتظار ما نیز هست. اهمیت روز قدس امسال در این بود که نشان داد حیات جدیدی که مردم انتخاب کرده‌اند امری گذرا و موقتی نیست. اگر همه در خانه‌هایمان نشسته بودیم و در عین حال این پیام با همین صراحت ابلاغ شده بود دستاورد ما هیچ کمتر نبود.

راه سبز را زندگی کردن یعنی هر روز و همزمان که در خانه‌هایمان و سرکارمان و در کوچه و خیابان و بر سر معیشت‌های روزمره خود هستیم این پیام با غیرقابل انکارترین ندا تکرار شود، آن گونه که مسلمان بودن و ایرانی بودن و این زمانی بودن ما تکرار می‌شود.

وقتی که سخن از تقویت شبکه‌های اجتماعی و یا زندگی کردن راه سبز می‌شود بلافاصله می‌پرسند چگونه؟ همان گونه که هستید. سخن از آن نیست

شبکه‌های اجتماعی که وجود ندارند را شکل دهیم و قدرتمند کنیم؛ سخن از آن است که قدرت مردم در شبکه‌های اجتماعی است که به صورت طبیعی و به هدایتی فطری درمیانشان شکل گرفته است. باید اهمیت آنها را درک کنیم .

روز قدس امسال نشان داد این شبکه همچون نوزادی که به راه افتاده باشد با سرعتی باورنکردنی در حال رشد است؛ به زودی سخن گفتن را هم آغاز می‌کند و به زودی بالغ می‌شود و همگان را به تحسین و احترام نسبت به خود وای می‌دارد. آن وظیفه‌ای که بر عهده ما قرار دارد آن است که با تکثیر اندیشه‌هایی که در حوالی آن شکل می‌گیرد و با تذکر دائمی اهمیت این پدیده مبارک از آن پرستاری کنیم.

به همین ترتیب اگر گفته می‌شود راه سبز را باید زندگی کرد سخنی پیچیده و تازه‌ای و دعوت به امری ناشناخته نیست. بلکه توجه دادن به همان چیزی است که دارید تجربه می‌کنید، و این که حرکت امروز مردم ما به خلاف

عهدهای پیشین، آغاز نوعی از زندگی است. در همصدایی‌ها و پیوندها و چشم‌پوشی‌ها و یکرنگی‌ها و هوشمندی‌ها و سرزندگی‌هایی که ادامه این مسیر مستلزم آن است حظی وجود دارد که زندگی را سرشارتر می‌کند.

علاوه بر آن در دانایی ملت ما قدرتی هست که او را از تحمل بسیاری رنج‌ها بی‌نیاز می‌کند. مردم ما برای استیفای حقوق خود از پرداختن هزینه مضایقه ندارند، زیرا بهشت را به بها دهند و نه به بهانه. اما در عین حال اگر برای نتایجی که از حرکات اجتماعی خود به دست می‌آوریم دوام می‌خواهیم باید شجاعت و فراست را به هم بیامیزیم.

اینک بر اثر سیاست خارجی غلط و ماجراجویانه دولتی که مردم ما بدان دچار شده‌اند کشور در آستانه بحران‌هایی قرار گرفته است که بیشترین خسارت آن را قشرهای محروم خواهند پرداخت. اگر با منطق مبارزه پیش می‌رفتیم شاید ساده‌انگاران تصور می‌کردیم که

این یک امتیاز برای راه سبز ماست، اما زمانی که می‌خواهیم مسیر سبز را زندگی کنیم چنین نیست .

اینجا کشور ماست و این زندگانی ماست و این ما هستیم که باید نسبت به چنین مشکلاتی نگران باشیم و حساسیت نشان دهیم. اقتصاددانان با اتکا به آمارهای رسمی منتشر شده از سوی مراجع رسمی همین دولت ده‌ها میلیارد دلار از درآمدهای ارزی کشور را ظرف سال‌های گذشته مفقود اعلام می‌کنند و و مراجعی که باید در مقابل این امر واکنش دهند بی‌تفاوت نسبت به حجم این ارقام که می‌تواند چند ارتش را تجهیز کند در گیرودار یارکشی‌های سیاسی افتاده‌اند .

از کدامیک از آنان انتظار داریم به رنج‌هایی که بر اثر رفتارهایشان بر مردم تحمیل می‌شود اهمیت بدهند؟ اگر ما نسبت به آنچه زندگی در این خاک و بوم را مختل می‌کند حساسیت نشان ندهیم دیگری نشان نخواهد داد؛ کما این‌که اقتصاددانان ما بیمناک از آن که سرنوشتی شبیه به معترضین نسبت به وقوع اعمال

خلاف اخلاق در زندان‌ها داشته باشند در اعتراض خود کاملاً تنها هستند. زمانی مفقود شدن بیست هزار دلار در خزانه کشور برای ساقط کردن یک دولت کافی بود. اما اینک فریادهای اخطار نسبت به گم شدن چنین ارقام گزافی کمترین واکنشی بر نمی‌انگیزد.

اخیراً گروهی از اساتید ایرانی مقیم خارج در نامه‌ای ضمن تشریح برداشت خود از راه سبز امید هر چیزی که منافع ملت ایران را تامین کند هدف این جنبش معرفی کرده بودند. بر این اساس آنان توصیه می‌کردند که با سپاسگزاری از حمایت ملت‌های دیگر ظرف این چند ماه از آنها بخواهیم در هیچ تحریمی بر علیه ایران شرکت نکنند. اینجانب نظر آنان را پسندیدم و بر آن صحنه گذاشتم، زیرا این نه تحریم یک دولت، بلکه تحمیل رنج‌های بسیار بر مردمی است که مصیبت دولتمردان مالیخولیازده برایشان کافی است. راه سبز را زندگی کردن به این معناست و ما با اعمال هرگونه تحریمی بر علیه ملت خود مخالفیم.

این یک نمونه است. کسی به کسانی که این خواسته را با ما در میان می گذارند از ضرورت زندگی کردن راه سبز نگفته بود. ما بقی ما نیز از این ضرورت آگاه باشیم یا نباشیم به هدایتی فطری در همین مسیر هستیم، لذا ضرورت ندارد که این شیوه را به یکدیگر تلقین کنیم؛ تنها کافی است از آن آگاه باشیم و پرستاری کنیم.

زندگی ادامه دارد و افراد موقتی هستند. هر جمعی و جماعتی که سرنوشت خود را به بود و نبود کسان پیوند زدند سرانجام - حداقل با فقدان او - سرخورده شدند. هرگاه مردمی برای به تنی یا افرادی از همراهان عادی خود امتیازات بی دلیل قائل شدند سرانجام تشخیص عقلانی خود را در مقابل خواست آنان واگذار کردند و به جاه طلبان مجال دادند که در آنان طمع کنند.

مردمی که می خواهند سرپای خود بایستند و حیاتی کریمانه را تجربه کنند جا دارد که از نخستین قدم هایی که به ناکامی شان می انجامد بایستترین دقت ها پیشگیری کنند. تولد اینجانب نه هفتم مهر که روز

آشنایی با شماست. حتی اگر روز هفتم مهر به دنیا آمده بودم نیز جا نداشت حرکت شما به کیش شخصیت آلوده شود. امیدوارم این کلمات مرا صمیمانه و از سر نگرانی و نه یک شکسته نفسی بی حقیقت و تعارف گونه تلقی کنید.

برادر شما - میر حسین موسوی

۷ مهر ماه ۱۳۸۸

دیدار با شورای مرکزی فراکسیون خط امام مجلس هشتم

جنبش سبز خط کشی های کاذب را بی اعتبار کرد

۸ مهر ۱۳۸۸

میرحسین موسوی در دیدار با شورای مرکزی فراکسیون خط امام مجلس شورای اسلامی گفت «جنبش سبز که بعد از انتخابات در حال گسترش و تعمیق است شرایط خاص را در کشور ایجاد کرده است. کسانی که بقای خود را در اختلاف میان مردم می بینند پیش از این خط کشی های کاذبی را ایجاد کرده بودن که موجب شده بود بخش هایی از مردم از نظام و حتی جامعه قهر کنند و گاهی این قهر خود را با تفاوت های ظاهری اعلام نمایند، اما امروز بر اثر تغییراتی که این جنبش ایجاد کرده است همان ها به سرنوشت کشور

علاقمن د ش ددهاند د».

او گفت «اینکه مردم به هم مهربان تر شده‌اند و آستانه تحمل آن‌ها نسبت به یکدیگر بالاتر رفته است از دستاوردهای شرایط کنونی است که اگر به عنوان یک فرصت به آن نگاه شود می‌تواند به کم کردن شکاف‌ها و تقویت وحدت ملی منجر شود.»

به گزارش پایگاه خبری فراکسیون خط امام مجلس، پارلمان نیوز، میرحسین موسوی درخصوص چگونگی ادارهٔ تشکیلات راه سبز امید نیز گفت که «به نظر من در شرایط کنونی کشور احزاب و تشکل‌های گوناگونی وجود دارد که وجود آن‌ها مهم و مغتنم و ایجاد حزب جدید نمی‌تواند به ظرفیت‌های موجود کشور اضافه کند، در حالی که تقویت هسته‌های اجتماعی ظرفیت جدیدی را در جنبش اجتماعی مردم ایجاد و تقویت می‌کند.»

او با اشاره به این مسئله که ما این تجربه را از همان ابتدای شروع فعالیت‌های انتخاباتی و با طرح شعار «هر ایرانی یک ستاد» بسیار موفق ارزیابی کردیم افزود

«امروز یک شبکه اینترنتی در فضای مجازی شکل گرفته است که در فقدان رسانه بسیار مؤثر عمل می کند و هسته های اجتماعی که در ورای این فضای مجازی فعال هستند آسیب پذیری کمتری دارند و اعضای این هسته ها ماهیتی پویا به جنبش داده اند که ما را بیش از پیش به کارآمد بودن این تشکیلات امیدوار کرده است.»

کاندیدای اکثریت اصلاح طلبان در انتخابات دهم ریاست جمهوری گفت «برای نمونه برای روز قدس هیچ اطلاعیه ای داده نشد، ولی این حضور عظیم در راه پیمایی روز قدس را شاهد بودیم و این در شرایطی بود که با تهدیدات انجام گرفته و حوادثی که در طول سه ماه گذشته اتفاق افتاده بود بسیاری از خانواده ها از حضور فرزندان شان در خیابان به دلیل نگرانی هایی که داشتند جلوگیری کرده بودند، و این به جز نتیجه و اثر این شبکه نبود.»

مهندس موسوی با تأکید بر این نکته که حساسیت مردم نسبت به رفتار و اظهارنظرهای مسئولان بسیار زیاد است و هیچ حرف و عملی از دید آنان دور نمی‌ماند به کلیه کسانی که فکر می‌کنند اظهارنظر و اقدامات آن‌ها در جامعه مؤثر است توصیه کرد در رفتار و گفتار خود دقت کنند، به فضای خشونت در جامعه دامن نزنند و به حساسیت‌های مردم توجه داشته باشند.

او همچنین با اشاره به اینکه امروز پاسخ مردم به اشتباهات این افراد بسیار سریع است به بیان دغدغه‌ها و نگرانی‌های خود از اشتباهات مکرر متولیان امور پرداخت و با بیان این نکته که این متولیان براساس تحلیلی نادرست زمینه ساز شرایط نامناسبی در آینده هستند که می‌تواند هزینه‌های بیشتری را به کشور تحمیل نماید، تأکید کرد «برخی حوادث مانند اتفاقات بازداشتگاه کهریزک و برخوردهای خلاف قانون با افراد بازداشتی و نیز برخوردهای تند با دانشجویان فضای جامعه (به ویژه جوانان) را بسیار تند کرده است.

برعهده همه است که با خویشتن داری و بردباری و به ویژه اجتناب از برخوردهای ناخواسته از سوی عوامل امنیتی و انتظامی از رادیکال تر شدن فضای جامعه جلوگیری کنند.»

نخست وزیر دوران آیت الله خمینی همچنین گفت «جنبش اعتراضی مردم به مراتب بیشتر از مسئولان رسمی نسبت به منافع ملی متعهد است. کشور های خارجی با امید بستن به عدم کارآمدی مسئولین مترصد امتیاز گرفتن از کشور هستند ما باید صیانت از منافع ملی را در اولویت توجهات خود قرار دهیم. لذا ما نمی توانیم با تحریم کشور و تضييع حقوق ملی خود توسط کشورهای دیگر موافق باشیم و نباید اجازه داده شود که با رفتارهای ماجراجویانه هزینه های بیشتری به مردم تحمیل شود.»

مهندس موسوی ادامه داد «امروز کسانی که در سوابق عملکردشان شواهد روشنی از گرایش به غرب و بیگانگان وجود دارد ما را متهم به همسویی با منافع

بیگانگان می کنند و یا سعی می کنند با پرونده سازی فضای فشار ایجاد کنند. ولی این اعمال سودی برای این ها نخواهد داشت، و بنده امیدوارم در کنار بدخواهی و تهمت زنی کمی عقل و تدبیر هم وجود داشته باشد.»

او همچنین با اشاره به فضای کاملاً بسته و یکسویه تبلیغاتی کشور گفت «ممکن است بخشی از مردم تحت تأثیر تبلیغات نادرست و گسترده تلقی درست و کاملی از اهداف و خواسته های جنبش نداشته باشند. همچنین این نگرانی وجود دارد که مردم برای دستیابی به حقایق و اطلاعات درست به فضای رسانه ای خارج از کشور اقبال کنند. در چنین شرایطی اقدام همه نخبگان، روشنفکران و صاحب نظران در توجیه مردم و تبیین شرایط کشور و روشنگری در خصوص حواژت یک تکلیف ملی است که می تواند عملکرد نادرست و خلاف منافع ملی و یکسویه صدا و سیما را جبران نماید.»

میرحسین موسوی افزود «امروز تأکید یکپارچه در سطح ملی بر اجرای بدون تناول قانون اساسی یک

راهبرد کارساز و راهگشاست. قانون اساسی میراث ماندگار امام و شهیدان و میثاق ملی ماست که ظرفیت های بسیار زیادی برای گذر از بحران کنونی در آن نهفته است، که ما باید بر این ظرفیت ها و استفاده از امکانات قانون اساسی به عنوان راه حل یگانه برای حل مشکلات کشور تأکید ویژه داشته باشیم.»

مهندس موسوی نقش مجلس شورای اسلامی و فراکسیون خط امام را در شرایط دشوار کنونی در کاستن از مشکلات کشور بسیار تأثیرگذار ارزیابی کرد و ابراز امیدواری کرد که مجلس به این نقش خود در شرایط بحرانی کشور به درستی عمل نماید.

او همچنین با اشاره به اینکه «امروز کسانی که در سوابق عملکردشان شواهد روشنی از گرایش به غرب و بیگانگان وجود دارد ما را متهم به همسویی با منافع بیگانگان می کنند»، گفت «شرایط فعلی برای کشور یک فرصت است که اگر به درستی درک و مدیریت شود می تواند تفاهم ملی را به حداکثر برساند.»

میرحسین موسوی در دیدار با شورای مرکزی فراکسیون خط امام مجلس شورای اسلامی بر این نکته تأکید کرد که احساس نیاز به وحدت ملی امروز بیش از هر زمان دیگری در کشور بین مردم احساس می‌شود و خط‌کشی‌هایی که مردم را به گروه‌ها و یا دسته‌بندی دیگری تقسیم می‌کرد اعتبار خود را از دست داده است.

او تأکید کرد «جنبش سبز که بعد از انتخابات در حال گسترش و تعمیق است شرایط خاص را در کشور ایجاد کرده است. کسانی که بقای خود را در اختلاف میان مردم می‌بینند پیش از این خط‌کشی‌های کاذبی را ایجاد کرده بودن که موجب شده بود بخش‌هایی از مردم از نظام و حتی جامعه قهر کنند و گاهی این قهر خود را با تفاوت‌های ظاهری اعلام نمایند، اما امروز بر اثر تغییراتی که این جنبش ایجاد کرده است همان‌ها به سرنوشت کشور علاقمند شده‌اند.»

در ابتدای این دیدار اعضای شورای مرکزی فراکسیون خط امام مجلس شورای اسلامی ضمن ارائه تحلیلی از شرایط حساس کشور و حوادث پس از انتخابات، به بیان دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات خود در این خصوص پرداختند.

نخستین گفت و گوی تصویری پس از انتخابات؛

پذیرش بحران و به رسمیت شناختن حق مردم
تنها راه حل مشکلات است

۲۷ مهر ۱۳۸۸

میرحسین موسوی در اولین مصاحبه تصویری اش پس از کودتای انتخاباتی درباره مسایلی درباره «طرح وحدت ملی» از سوی گروه‌ها، احزاب و چهره‌های سیاسی مطرح است، توضیحات مهمی ارائه کرد .

وی با این توضیح که از طریق رسانه‌ها در جریان این مساله قرار گرفته است گفت که تاکنون هیچ تماس و یا گفت‌وگوی مستقیمی در این باره با او انجام نشده است و چنانچه موضوعی باشد آن را با مردم در میان خواهد گذاشت.

وی در بخشی از توضیحاتش با بیان اینکه بعضی از افراد پیشنهاد چنین طرحی را با نیت خیر ارایه می کنند، در این باره گفت: «تا هنگامی که مساله بحران و مشکل در کشور قبول نشود، تا هنگامی که مردم کثیر و اکثریت مردم اغتشاشگر نامیده بشوند، تا موقعی که مردم به حساب نیایند، تا موقعی که حق مردم قبول نشود برای تعیین سرنوشت خودشان، راه حل جامعی برای رفع مشکل پیدا نخواهد شد.»

میرحسین موسوی همچنین با تشریح بیشتر درباره «زندگی کردن راه سبز امید» که در بیانیه شماره ۱۳ او منتشر شده بود با اشاره به فعالیت های خود جوش هنری، فرهنگی سیاسی و مذهبی که تا کنون در این راستا انجام شده و همچنین اهمیت نقش رسانه ها، گفت: «درحقیقت در اینجا مبارزه تبدیل به یک زندگی شده است، زندگی که ادامه دارد و هیچگاه توقف پذیر نیست، این طور نیست که بشود آن را در یک نقطه ای متوقف کرد. به همین دلیل این حرکت یک حرکت

آسیب ناپذیر هم هست و در یک فضای گفت‌وگوی
همگانی هم این حرکت‌ها تسریع می‌شود مسیرش و
پیش می‌رود.»

متن کامل سخنان مهندس میرحسین موسوی در اولین
مصاحبه تصویری و اینترنتی وی به این شرح است:
توضیح درباره طرح وحدت ملی

این اصطلاح به اشکال گوناگونی مطرح می‌شود که
خوب است این موضوعات از همدیگر تفکیک شود. من
در دیداری که بانمایندگان فراکسیون اقلیت مجلس
داشتم، بحث وحدت ملی را مطرح کردم که در آنجا
قصد من از این اصطلاح بیشتر اشاره به یک حس و
اراده جمعی بود که در طول انتخابات تشکیل شد که
براساس پیوند با میراث تمدنی و منافع ملی خودمان در
جهت سعادت و پیشرفت کشور بود و منظری که برای
آینده گشوده می‌شد اهمیت پیدا می‌کرد و همه شاهد
بودیم که علاقه‌ای در این باره در کشور ایجاد شده بود.

گمان می کنم حتی با توجه به مسایل بعد از انتخابات این سرمایه همچنان باید حفظ شود و سعی شود که تقویت شود، وحدت ملی از این لحاظ فوق العاده برای ما مهم است و همه باید روی آن تکیه کنیم. در اینجا منظور از وحدت، وحدت بین همه اقشار است روشنفکران و مردم، دانشجویان با مردم و قومیت ها مختلف با هم و فرهنگ های مختلف باهم است.

در استانه انتخابات زنجیره سبزی که میدان تجریش را به میدان راه آهن جوش داد یکی از بهترین مظاهر وحدت بود که همه اقشار مردم در آن شرکت کردند و این مساله در سراسر کشور ما موج پیدا کرد و بر اساس چنین تصویری ایده راه سبز امید شکل گرفت.

منتهی غیر از این موضوع مساله وحدت ملی در معانی دیگری هم بکار گرفته شد که بعد از مشکلات و مسایلی که در کشور پیش آمد که همگی بخوبی به آن وقوف داریم یک عده ای با انگیزه های گوناگون و گاه با انگیزه های خیر به دنبال این بودند که آیا می شود در

گفت و گوهای افراد سیاسی می شود دامنه تنش ها را کم کرد یا نه؟ در این باره یک طرحی آقای هاشمی رفسنجانی داشتند یک موقعی هم بحث این شد که آیت الله مهدوی کنی در این باره نظریاتی دارند، کلن افراد گوناگونی در این باره اظهار نظر کردند. آنچه در اینجا مهم است اینکه بنده تا بحال در این رابطه اظهار نظری نکرده ام با توجه به این معنا.

منتهی با توجه به شایعاتی که از بحث هایی که در این باره مطرح است من یک خاطره ای از حضرت امام دارم که نقل می کنم، نکته ای در آن هست که بنده بر اساس آن عمل می کنم. بر سر مساله مک فارلین که بحرانی ایجاد کرد و مردم هنوز نمی دانستند که مک فارلین به ایران آمده یا چه اتفاقی افتاده، اینکه آیا ایشان محرمانه به ایران آمده و برگشته. این موضوع اولین بار در یک روزنامه سوریه ای مطرح شد و در اینجا در بحثی که در میان سران سه قوه شکل گرفت گفته شد که این مساله به داخل کشور هم کشیده خواهد شد و با توجه

به حسی که به مساله رابطه با آمریکا و گفت و گو با آمریکا وجود داشت طبیعی است که بحرانی را در داخل کشور ایجاد کند، روسای سه قوه که بنده هم در خدمتشان بودم به اتفاق رفتیم خدمت حضرت امام (ره) و با ایشان صبحتی داشتیم. وقتی این مساله برای ایشان توضیح داده شد که چگونه، چطور و به چه دلیلی اصلن این فرد با چه گروهی آمدند و رفتند و نتیجه چه بود و گفته شد که این مساله در یک روزنامه لبنانی یا سوریه ای مطرح شده و به ایران هم خواهد کشید، ایشان فرمودند که بروید و به مردم این مساله را بگویید، مردم باید در جریان باشند و یک مقداری هم بحث کردند در این رابطه. وقتی که می خواستیم بلند شویم ایشان یک جمله فرمودند که همیشه به عنوان یک جمله ً طلایی و مهم در ذهن بنده مانده است. ایشان فرمودند؛ هیچ موقع کاری نکنید که نتوانید به مردم توضیح بدهید. که بنده این مساله در ذهنم باقی مانده است.

برای همین اگر گفت و گویی باشد، صحبتی باشد، بحث و موضوعی باشد طبیعتاً به عنوان یک همراه این جریان عظیم با مردم آن را در میان خواهیم گذاشت و چیزی نخواهد بود که نتوانم از آن دفاع کنم.

طبیعی است که در این رابطه با توجه به ضعفی که رسانه‌های ما دارند و برعلیه راه سبز امید فعالیت می‌کنند و ما رسانه رسمی نداریم و تمام رسانه‌های ما محدود شده است، خبرهایی که در این رابطه یا مسایلی شبیه به این منتشر می‌شود خوب است که مردم به اینکه خود این رسانه‌ها متعلق به چه جناحی هستند و با چه قصدی این اخبار را منتشر می‌کنند، ان‌شاءالله توجه خواهند کرد. این می‌تواند به همه ما کمک کند که در یک فضای اندیشمندانه و پر از ارزش‌های مورد اعتقاد خودمان حرکت کنیم.

توضیح درباره اینکه آیا دیداریا تماسی در این باره با وی صورت گرفته است یا خیر؟

نه چنین صحبتی نشده است، البته من در جریان پیشنهادی که آقای هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه مطرح کردند و بعد پیشنهاداتی که تعدادی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام به ایشان کردند، هستم و همچنین از طریق رسانه ها در جریان صحبت هایی هستم که انتساب داده می شود که آقای حضرت آیت الله مهدوی کنی و دیگران مطرح کرده اند. و گاهی هم دیده ام که دیگران و افرادی با نیت های خیر چنین مساله ای را مطرح می کنند، ولی تماس مستقیمی در این رابطه با بنده گرفته نشده و نه نامه نگاری صورت گرفته و نه مذاکره رسمی در این رابطه گرفته است. کلن در این رابطه کاری انجام نشده است.

ملت ما یک حرکت بزرگی را شروع کرده و ما هم همراهش هستیم که انشاءالله در گرو همین جهتی باشم که مردم در آن حرکت می کنند. اگر دقت شود اوایل این اتفاقاتی که در کشور افتاد بحث بود که چگونه باید حرکت کنیم و جواب ما چه باید باشد که از

دستاوردهای بزرگ انتخابات و انقلاب اسلامی بتوانیم بهره‌مند باشیم و آن‌ها را ادامه بدهیم. در این باره بحث حزب و جبهه و گروه‌های مختلف شد که مبارزات سیاسی تعریف شده در کشور یا در جهان مطرح بوده است، ما فکر کردیم که آن نمی‌تواند مقصود و اهداف ما را برآورده کند و با تجربیات خود انتخابات خیلی همخوانی ندارد البته آن تجربیاتی که باهم‌دیگر داشتیم.

در این انتخابات ما دیدیم که خانواده‌ها، گروه‌های سیاسی، مذهبی، هنری، فرهنگی و کلن هر کس در هر جایی که هست به شیوه خودش و بنا بر توانایی خودش کمک رساند و در این رابطه وارد این حرکت شد، در حقیقت دنباله هم بحثی است که داشتیم و مطرح شد که هر شهروند یک ستاد چنین کاری بصورت شبکه‌ای در کشور صورت گرفت. قدرت این حرکت هم از همین مساله نشأت می‌گرفت نه از یک حرکت حزبی، البته به این معنی نیست که احزاب موثر نبودند یا موثر

نخواهند بود، نه آن ها جایگاه خودشان را دارند و فوق العاده جایگاهشان ضروری است و ضرورت دارد که آن ها هم همچنان فعالیت های خودشان را داشته باشند. ولی برای ادامه این راه و رسیدن به اهداف و آرمان ها که تحت عنوان «ایران پیشرفته» مطرح شده است در جهت برآورده کردن خواسته های مردم و در حقیقت استیفای حقوق مردم، ما فکر کردیم که مساله خیلی با بازتابی گسترده تر با توجه به تجربه انتخابات می خواهد پی گرفته شود، که همانطور هم شد و همین طور هم اعلام شد. در چنین نگاهی مهم نیست که هر کس چه قدر کمک می کند، به چه شیوه ای کمک می کند، اصل این است که یک اراده و نیت همگانی در سطح کشور ایجاد شده و بشود، حتی در یک خانواده و حتی یک فرد بتواند به تنهایی تا برسد به احزاب و گروه ها و تشکلهایی که سابقه دارند هر کس در چارچوب فعالیت های خود که در حال انجام است و با آن زندگی می کند بتواند به این حرکت عظیم کمک برساند. بنده

همیشه اعتقاد داشتم یک آدم روشن دلی، پیرزنی یا پیرمردی فردی که اصلن به هیچ نوعی نمی تواند در این فعالیت ها شرکت داشته باشد در گوشه خانه اش یک دعایی می کند ما این را به عنوان یک فعالیت در داخل این شبکه قلمداد کنیم تا برسد به فعالیت هایی که سازمان یافته و منظمی که هست.

امروز ما شاهد این هستیم که بصورت غیر عادی و استثنایی خلاقیت های هنری در میان گروه ها و دسته های هنری صورت می گیرد، این ها هیچ کدام تابع یک حرکت حزبی نیست ولی متعلق به یک شبکه گسترده اجتماعی است، ما تعداد کلیپ ها و سرودهایی که داریم در این مدت ساخته شده و تعداد طرح هایی که در این مدت نقاشی شده، کاریکاتورهایی که داریم در این مدت کشیده شده اصلن با هیچ دوره تاریخی کشورمان قابل قیاس نیست و در حقیقت آن ها هستند که محتوای گفت و گو و حرکت این موج و این راه عظیم را هدایت می کنند و پیش می برند. این کار در داخل یک

حزب صورت نگرفته است گاهی سه یا دو هنرمند باهم و یا در دسته های بزرگ تر و کوچک تر در گوشه و کنار کشور و حتی در خارج از کشور به این راه کمک رسانده اند. همچنین گروه های مذهبی هستند، هیات های مختلف، هیات های خیریه و دسته های سیاسی و غیره.

درحقیقت در اینجا مبارزه تبدیل به یک زندگی شده است، زندگی که ادامه دارد و هیچگاه توقف پذیر نیست، این طور نیست که بشود آن را در یک نقطه ای متوقف کرد. به همین دلیل این حرکت یک حرکت آسیب ناپذیر هم هست و در یک فضای گفت و گوی همگانی هم این حرکت ها تسریع می شود مسیرش و پیش می رود. از این لحاظ رسانه ها اهمیت فوق العاده ای دارند و زحمتی که کسانی در رسانه های ما می کشند قابل تقدیر است و بنده همین جا بازهم توصیه می کنم با توجه به اینکه ما هیچ وسیله ای را در اختیار نداریم به این ابزار و وسیله بیشتر توجه شود و از امکاناتش

بیشتر استفاده شود، این معجزه‌ای است که ما در طول انتخابات و بعد از انتخابات دیده‌ایم که باید با توجه به موقعیتی که داریم از این وسیله استفاده کنیم.

طبیعتاً فضای زندگی‌های فردی و اجتماعی را از طریق رسانه‌ها به هم پیوند می‌دهیم و یک حرکت عظیم و گسترده و قابل دوامی را ایجاد می‌کنیم.

یکی از دلایل تداوم همین حرکت به نظر بنده همین قضیه است که متعلق به یک گروه اندک یا حزب و یا جریان مبارزه با تمام ابعاد و جزییات نیست بلکه یک جریانی است آمیخته با آرمان‌ها و آمال و شیوه زندگی خود مردم.

ما می‌خواهیم از تفسیر اینکه آیه‌ای که «خانه‌های خود را قبله قرار دهید» الهام گرفته و این طور باشد که مردم در رجوع به شبکه وسیع اجتماعی و این تشکلهای ریز و درشت خودشان که هر کدام ما در آنها چندین سهم و شرکت داریم در حقیقت این حرکت شکل و ادامه پیدا کند.

راه حل بحران چگونه بدست می آید؟

تا هنگامی که مساله بحران و مشکل در کشور قبول نشود، تا هنگامی که مردم کثیر و اکثریت مردم اغتشاشگر نامیده بشوند، تا موقعی که مردم به حساب نیایند، تا موقعی که حق مردم قبول نشود برای تعیین سرنوشت خودشان، راه حل جامعی برای رفع مشکل پیدا نخواهد شد.

برای همین وحدت ملی در معنای دومی که بنده ذکر کردم که فعالیت ها و دسته ها و گروه ها می کنند در این رابطه که برخی با نیت خیر است فکر می کنم که این مساله ضرورت دارد که در هر حرکتی به مردم احترام گذاشته بشود، اکثریت مردم رانده نشوند، مردم همه با هم اند حتی آنهایی که عقاید دیگری دارند، این تفکیک و تجزیه را ما می کنیم و متأسفانه مردم را از همدیگر جدا می کنیم. اصل این است که به مردم احترام گذاشته شود، عقایدشان را قبول شود و این اصل که همه ما باید به قانون اساسی برگردیم و اینکه باید به حاکمیت مردم

بر سرنوشت خودشان باید برگردیم، آن موقع راه حل خیلی راحت پیدا می‌شود برای این مشکل.

پیام تسلیت در پی شهادت فرماندهان سپاه
در اقدام تروریستی سیستان و بلوچستان

بسم الله الرحمن الرحيم

خبر شهادت تعدادی از فرماندهان سپاه پاسداران و دیگر افراد بیگناه در حادثه تروریستی سیستان و بلوچستان مردم ما را متاثر کرده است. خشونت لجام گسیخته‌ای که تعصب و قشری‌گری در مرزهای شرقی کشور ما برانگیخته است جا دارد این تامل را در ما برانگیزد که بذرهایی از این نوع در هر کجا و هر زمان که کاشته شوند به فاصله چند سال چه بحران‌های ریشه‌داری را شکل می‌دهند و چگونه مجال زندگی را بر انسان‌ها تنگ می‌کنند .

وظیفه ملی همه ایرانیان از هر قشر و قومیتی است که اجازه صدور بحران‌هایی که هنوز به خارج از مرزهای ما

تعلق دارند را به خاک خود ندهند. امنیت، وحدت و تمامیت ارضی کشور و دیعه‌ای بزرگ است که همه ما در زمینه حراست از آن در برابر نسل‌های آینده مسئولیت داریم .

اینجانب ضمن محکوم کردن حادثه تروریستی اخیر برای شهیدان آن رحمت و مغفرت و برای بازماندگان‌شان صبر و اجر از خداوند مسئلت می‌کنم.

میرحسین موسوی

۲۷ مهر ۱۳۸۸

دیدار با اعضای تحریریه روزنامه کلمه سبز
یک دست را ببندند، صدها دست باز می شوند...

به دنبال اعمال فشار و جلوگیری چندین ماهه جناح حاکم از انتشار روزنامه «کلمه سبز» میرحسین موسوی با حضور در میان اعضای تحریریه این روزنامه از تصمیم خود و همفکرانش برای توقف انتشار این روزنامه خبر داد و گفت «بحث هزینه و فایده سیاسی باعث شد که دوستان در یک تصمیم جمعی به این نتیجه برسند که از انتشار روزنامه صرف نظر کنند» و تاکید کرد که «در مسیر انتخابات و بعد از آن شیوه‌های ابتکاری برای اطلاع رسانی در پیش گرفت شد و اگر یک دست بسته شد در عوض آن صدها دست باز شد».

او البته تاکید کرد که «تعطیلی کلمه سبز به معنای توقف و تعطیلی فعالیت‌های رسانه‌ای نیست و ضرورت

دارد که با راه کارهای ابتکاری رسانه‌هایی به وجود بیاید که در چارچوب‌های منافع ملی مطالبات این جنبش را بارتاب دهند.»

موسوی که با حضور در جمعه تحریریه و کارکنان روزنامه کلمه سبز همچنین از تلاش‌های آنان برای انتشار این روزنامه تقدیر کرد و با تاکید براینکه «می‌دانم تعطیلی یک روزنامه برای اعضای آن چقدر سخت است» خطاب به اعضای تحریریه که خواهان انتشار «کلمه سبز» به قیمت پرداختن هر هزینه‌ای بودند، گفت «همه عقب‌نشینی‌ها بد نیست و به معنای پشیمانی نیست و با هدف ادامه مسیر از راه‌های دیگر انجام می‌شود.»

صاحب امتیاز روزنامه کلمه سبز با اشاره به عدم انتشار آن گفت «بحث هزینه و فایده سیاسی باعث شد که دوستان در یک تصمیم جمعی به این نتیجه برسند که از انتشار روزنامه صرف نظر کنند. البته تعطیلی کلمه سبز به معنای توقف و تعطیلی فعالیت‌های رسانه‌ای

نیست و ضرورت دارد که با راه کارهای ابتکاری رسانه‌هایی به وجود بیاید که در چارچوب‌های منافع ملی مطالبات این جنبش را بارتاب دهند.»

به گزارش سایت کلمه، موسوی با بیان اینکه در غیاب خلاء رسانه‌هایی که پیگیر منافع ملی هستند رسانه‌هایی مانند صدای آمریکا و بی‌بی‌سی به مرجع خبری تبدیل می‌شوند اظهار داشت «چنین رسانه‌هایی طبیعی است که در نهایت باید منافع کشورشان را در نظر بگیرند.»

موسوی سپس با اشاره به روش‌های ابتکاری که از سوی شبکه اجتماعی «جنبش سبز» طی ماه‌های گذشته برای اطلاع رسانی ایجاد شده است گفت «در مسیر انتخابات و بعد از آن شیوه‌های ابتکاری برای اطلاع رسانی در پیش گرفت شد و اگر یک دست بسته شد در عوض آن صدها دست باز شد. مهم این است که اکنون نیاز به داشتن رسانه از سوی همه هواداران این جنبش احساس می‌شود و اگر در آینده هم بتوانیم این نیاز را حفظ کنیم

قطعا در شبکه عظیم مردمی راههای فراوانی را بازخواهیم کرد.»

او افزود «البته تعطیلی «کلمه سبز» را باید اتفاقی موقتی فرض کرد، چرا که ضرورتها ایجاب می‌کند که سرانجام همه صداها اجازه شنیده شدن پیدا کنند. خطر بزرگ زمانی اتفاق می‌افتد که مجرای اطلاع رسانی را محدود کنیم و با پایین آوردن قدرت جذب نظام به ایجاد وضعیت انفجاری کمک کنیم.»

میر حسین موسوی با بیان اینکه در دنیای کنونی نمی‌توان دور جامعه دیوار کشید گفت که «اگر فضا باز نشود از دنیا عقب می‌مانیم و مشکلات وسیعی پیدا می‌کنیم. اگر در گذشته می‌شد بدون پیوند با فضای داخلی و خارجی کشور را برای سال‌ها اداره کرد، اما اکنون با گسترش تکنولوژی و ارتباطات چنین کاری غیر ممکن است.»

موسوی همچنین با اشاره به فاصله تاریخی که میان روشنفکران و عامه جامعه وجود داشته تاکید کرد «از

دوره مشروطیت تاکنون یک نوع جدایی میان مردم و روشنفکران داشتیم. روشنفکران به مسایلی می‌اندیشدند که با نیازها و خواسته‌های عامه مردم تفاوت‌های اساسی داشت، اما وقایع اخیر نشان می‌دهد که این فاصله در حال برطرف شدن است.»

او همچنین گفت «در اندیشه‌های روشنفکران و سیاستمداران ما معمولاً این نقص وجود داشته است که تاکید بر روی برخی ارزش‌ها آن‌ها را از دیگر امور خوب باز می‌دارد حال آنکه در زندگی واقعی مردم ما ارزش‌های خوب منفک از هم نیست و آن‌ها می‌خواهند همه خوبی‌ها را کنار یکدیگر داشته باشند. اصلاً به عبارتی جامعه ایرانی مانند ژانوس خدای یونانی است که می‌تواند امور ظاهراً غیر هم‌جهت را با یکدیگر جمع کند. آن‌ها هم می‌توانند از شهادت ندا آقا سلطان ناراحت باشند و هم از شهادت مردم در غزه و دیگر نقاط جهان ابراز تاسف کنند.»

میرحسین موسوی سپس به عواملی که در رویدادهای اخیر موجب کاهش فاصله میان نخبگان و عامه مردم اشاره و تاکید کرد «ویژگی‌هایی که در جنبش سبز مشاهده می‌شود حاکی از هین سازواری ارزش‌هاست و تمام قائلان به این جریان می‌کوشند ارزش‌های خوب را با یکدیگر ترکیب کنند و در آینده هم باید همین روش را دنبال کنیم.»

نخست وزیر دوران دفاع مقدس در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به برخی شعارهای مطرح شده که در تجمع‌های خیابانی گفت «شعارهای افراطی ناشی از عصبانیت است. به نفع همه ماست که شعارهایی متناسب با ظرفیت کشور طرح کنیم و از طرح شعارهای تند و غیرمنطبق با وضعیت کشور پرهیزیم.»

مهندس موسوی همچنین با اشاره به اینکه نباید اجازه داده شود اتفاقات ماه‌های گذشته به بدبینی نسبت به دستاوردهای انقلاب منجر شود تاکید کرد «طبیعی است رسانه‌هایی که صدای این قدرت یا آن قدرت

هستند بالاخره مجبورند از منافع ملی کشور خود ولو به زبان فارسی دفاع کنند و در این راه بذر بدبینی به کل دستاوردهای انقلاب اسلامی در طول سی سال گذشته بپاشند و حتی سعی کنند به سراغ حماسه عظیم و تاریخی دفاع مقدس ملت ما بروند و متاسفانه سیاست‌های رسانه‌ای موجود در این زمینه مکمل اقدامات آن رسانه‌های بیگانه است و شرایطی که امروز برای کلمه سبز ایجاد شده است یک شاهد روشن در این ماجراست.»

*روزنامه کلمه سبز به صاحب امتیازی میر حسین موسوی، مدیر مسئولی علیرضا حسینی بهشتی و سردبیری علیرضا بهشتی شیرازی در آستانه انتخابات به انتشار یافت. اما جناح حاکم تنها ۳ هفته به این روزنامه اجازه انتشار داد و پس از آن با فشار دادستان وقت تهران از انتشار کلمه سبز جلوگیری شد و هنگامی که مسئولان این روزنامه قصد داشتند با توجه به عدم منع قانونی انتشار آن را از سر بگیرند ماموران امنیتی با هجوم به دفتر روزنامه کلمه سبز بیش از ۲۰ نفر از کارکنان و سردبیر آن را بازداشت کردند.

بیانیه‌ی چهاردهم

سیزدهم آبان میعادى است تا
به یاد آوریم که مردم رهبرانند.

بسم الله الرحمن الرحيم

در تاریخ معاصر ما سیزدهم آبان یادآور سه حادثه است. در نخستین از این رویدادها امام خمینی از ایران تبعید شد و نهضت در فترتى سیزده ساله فرو رفت . رژیم شاه پس از به دست آوردن چنین نتیجه‌ای باید خود را شماتت کرده باشد که چرا این راه حل ساده را پیش از آن به کار نبست. یک قیام بود و یک امام که وقتى از صحنه دور شد دیگر چیزی از شور تحول خواهی باقى نماند. آیا به راستی امام خمینی در

حرکتی که آغاز کرد تنها بود؟ هرگز چنین نبود، زیرا هرگز چنین نیست که یک فرد بتواند به تنهایی در صحنه جامعه تحولات نمایان ایجاد کند. پیروان او بسیار بودند، اما آنان شبیه به یارانی نبودند که سال ها بعد پیرامونش را گرفتند، آن زمانی که گفت «رهبر ما آن طفل سیزده ساله است ...»

دومین سیزدهم آبان روز رهبران سیزده ساله است؛ دانش آموزانی که برای تظاهرات در محوطه دانشگاه تهران گرد آمده بودند و مورد یکی از سبانه ترین کشتارها قرار گرفتند. تجربه رژیم از حوادث دهه چهل بود که موجب چنین حرکات خونینی شد. تصور بر آن بود که اگر با همان قاطعیت گذشته عمل کنند از نو به همان نتایج خیره کننده دست می یابند، حال آن که زمینه اجتماعی کاملاً تغییر کرده بود؛ زمین تغییر کرده بود و زمان تغییر کرده بود و مهمتر از آن جان انسان ها تغییر کرده بود. دیگر حکومت شاهنشاهی با یک امام تنها روبرو نبود. این بار

کسانی گرد او جمع شده بودند که شاید به اندازه پدرانشان او را نمی شناختند یا سخنانش را نشنیده بودند، اما به اندازه امام خود شور در سینه داشتند؛ آنها همچون پدرانشان برای به راه افتادن لازم نبود که پی در پی شماتت شوند.

درباره سومین سیزده آبان بسیار گفته شده است، تا جایی که بعید است کمترین اطلاعی از آن ماجرا ناگفته مانده باشد؛ از جمله آن که در این رویداد امام از دانشجویان مسلمان پیروی کرد. ظاهراً این دانشجویان بودند که خود را پیرو خط امام می خواندند، اما در واقع این امام بود که حرکت آنان را دنبال نمود. قطعاً هیچ یک از رهبران و فرماندهان انقلاب در شکل دادن به آنچه در این روز اتفاق افتاد نقشی نداشت. حتی خود دانشجویان تصور می کردند بعد از چند روز حادثه تمام می شود و به خانه هایشان باز می گردند. ولی امام این رویداد را پیگیری کرد و آن را انقلابی بزرگ تر از انقلاب اول نامید. تنها امامی که درد یک سکوت سیزده ساله را

چشیده باشد می داند که جامعه ای شکل یافته از چوب های فرمانبر و خشک از خود جوششی ندارد و حیات پاکیزه ای ندارد. او مردم را رهبر می پسندید، زیرا می دانست که گذر از یک گردنه تاریخ برای سعادت هیچ ملتی کافی نیست. آنان باید از چنان خودانگیزگی و بصیرتی برخوردار شوند که در هر عصری و نسلی بتوانند راه را از بیراهه بشناسند و پیمایند. مردم ما امروز رهبراند و این همان آرزوی بزرگی است که امام برای آنان داشت. او ما را دعوت کرد به سوی آن چیزی که ما را زنده می کرد.

آنک سیزدهم آبان، این سبزترین روز سال دوباره از راه می رسد. آیا امروز قابل تصور است که حرکت مردم بر اثر بازداشته شدن همراهی از همراهی خاموش شود؟ اگر اینگونه باشد دستاوردهای چهل و پنج سال تاریخ معاصر خود را از دست داده ایم، و اگر چنین نباشد این نشانه ای از ریشه های انقلابی ماست. ما به اتکای این ریشه هاست که سبز شده ایم، ریشه هایی که اگر از آنها

دور شویم به همان چیزی تنزل خواهیم کرد که مخالفان مردم آرزو می کنند. به این خاطر است که جا دارد با هر تلاش افراطی در این جهت برخوردی احتیاط آمیز داشته باشیم.

حرکت ما از واگذار کردن اسلام به جبهه خرافه پرستان و سپردن انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان، از ناچیز شمردن میراث و میوه مبارزات یک صدساله مردم ایران و جایگزین کردن آن با تصوراتی گنگ، و از جدایی و بیگانگی نسبت به ریشه های تاریخی اش نفع نمی برد، و اگر برخی دولت های بیگانه بر ترویج چنین تمایلاتی اصرار دارند شاید در این کار سودی ملاحظه می کنند. آنها اگر لازم باشد با وجدانی آرام بر سر جنبش امروز ایرانیان پشت میز معامله می نشینند و به همان مقدار آزادی و توسعه سیاسی که در کشورهای همسایه وجود دارد برای ملت ما قناعت می کنند و در این قناعت قابل سرزنش نیستند. این ما هستیم که اگر مصالح خود را به درستی تشخیص ندهیم باید ملامت شویم.

این روزها هر نگاهی که به نگاهی می افتد از پیروزی می پرسد. کی به آن می رسیم؟ چه چیز ما را به آن می رساند؟ کدام قدم و اقدام آن را به پیش می اندازد؟ و چه چیز آن را کمال می بخشد؟ تمامی وجود ما دعا و سوال است و وعده خداوند که فرمود هر آنچه مسئلت کنیم مقداری از آن را اجابت خواهد کرد. و آتاکم من کل ما سالتموه. (و از هر آنچه از او خواستید به شما داد). همین که خواسته‌ای در جامعه متولد می شود دیگر هیچ کس قادر نیست از برآورده شدن آن ممانعت کند و دولت‌ها تنها می توانند بر مقادیری چون زمان و میزان و شکل تحقق آن تاثیر بگذارند.

آیا ما هم می توانیم بر این مقادیر اثر داشته باشیم؟ آری. المعروف بقدر المعرفة؛ انسان‌ها به قدری که بصیرت و آگاهی از خود به نمایش می گذارند در خور نیکویی‌ها قرار می گیرند. کما این که در این چند ماه مردم ما بیش از آن که از رنج‌های خود گنج به دست آورده باشند از برکات خردمندی خود بهره‌مند شده‌اند.

راه سبز ما یک مسیر عقلانی است و این یک بشارت است، زیرا نشان می‌دهد که ما تا انتها بر سر خواسته‌های خود مستحکم خواهیم ایستاد. اگر دچار تندروی و رفتارهای افراطی بودیم شک نکنید که با دستانی خالی از نیمه راه باز می‌گشتیم، زیرا افراط راه را برای تفریط باز می‌کند. اگر برای قبول این حقیقت به مثال نیاز دارید به سیاست خارجی دولتمردان بنگرید. همان وقتی که آنان مناسبات بین‌المللی کشور را به اغراض تبلیغاتی آلوده کردند و از خردورزی و متانت کناره گرفتند می‌شد حدس زد که به زودی مصالح بلندمدت مردم را به هیچ معامله خواهند کرد. شانزده سال پیش از این تهیه سوخت برای تاسیسات هسته‌ای تهران امری بود که نه مسئولان و نه رسانه‌ها انجام آن را یک خبر مهم تلقی نمی‌کردند. امروز قسمت اعظم محصول فعالیت‌های هسته‌ای کشور، که این همه جاروجنجال به خود دیده و چندین تحریم برای ملت به همراه آورده است، گویا باید برای تامین همین نیاز ساده

تحویل کشورهای دیگر شود، شاید بعدها لطف کنند و اندکی سوخت در اختیار ما بگذارند. آیا این یک پیروزی است؟ یا یک تقلب آشکار، که چنین تسلیمی فتح‌المبین نامیده شود؟

دولتمردان نه مشکلات جهان را حل کردند و نه بر حقوق تردیدناپذیر ملت خود تاکید نمودند، که با گشاده‌دستی از این حقوق عقب نشستند. آنها نشان دادند که حتی در تسلیم شدن و کرنش کردن افراط‌گرند. حتی اگر با تلاش دلسوزان از واگذاری دستاوردهای کشور در زمینه انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای جلوگیری شود از عواقب افراط و تفریط‌های دولتمردان ایمن نشده‌ایم، زیرا رفتارهای آنان زمینه را برای اجماع بین‌المللی جهت اعمال تحریم‌ها و فشارهای بیشتر به ملت ما فراهم کرده است.

چیزی که ما می‌توانیم از این ماجرا بیاموزیم آن است که خود دچار افراط نشویم. دیر یا زود - بلکه به امید خدا بسیار زود - مخالفان مردم صحنه را ترک می‌کنند. آیا

آن روز باید کشوری تخریب شده برای ملت باقی بماند؟ آن چیزی که امروز باید نگران آن باشیم مصالح کشور است، زیرا کشور جز صاحبان اصلی اش کسی را ندارد که در این باره ابراز نگرانی کند. ساختن فردا را باید از امروز آغاز کنیم. باید برای فردا چنان مهیا باشیم که اگر همین فردا از راه رسید یک‌ه نخوریم. باید هریک از ما مردم نه فقط نقش پیشوایی که مسئولیت آن را نیز بر عهده خود احساس کنیم.

تاکید بر اجرای بدون تنازل قانون اساسی یک راهبرد کلیدی برای ساختن فرداست. با چنین راهبردی ما در تاریکی قدم نمی‌گذاریم و میراث‌های به جا مانده از مبارزات نسل‌های پیشین را به هیچ تقلیل نمی‌دهیم. و هر آنچه از آرمان‌ها و خواسته‌هایمان که جا بماند با زندگی‌های خود آن را به دست می‌آوریم، زیرا ساختار ظاهری هرگز تمام آن چیزی، بلکه قسمت اصلی آن چیزی نیست که در جامعه واقعیت دارد. بخش اصلی این واقعیت زندگی‌های ماست. دستگاه ظاهری می‌تواند

فرزندان انقلاب را همچون تبه‌کاران دستگیر کند و لباس‌های تحقیرآمیز بر قامتشان بپوشاند و مردم می‌توانند با نگاهشان از آنان قهرمان بسازند و به آنان افتخار کنند. در این رودررویی کدامیک برنده‌اند؟ دستگاه ظاهری می‌تواند آنان را در دادگاه‌های نمایشی محکوم کند و نگاه مردم می‌تواند آنان را در پیشگاه وجدان خویش حاکم بداند. به راستی کدامیک از این دو در واقعیت جامعه حکومت می‌کنند؟ دستگاه ظاهری با برخوردهای توهین‌آمیز خود خانواده‌های آنان را سرافکنده و خوارشده می‌خواهد و نگاه‌های مردم آنان را در عین تلخ‌کامی‌هایی که می‌چشند سربلند می‌بیند. کدامیک از این دو نگاه بر احساس این خانواده‌ها چیره است؟ دقت کنید که تنها در نگاه مردم این همه قدرت وجود دارد و تا اینجای کار هنوز حرفی از دیگر توانایی‌های آنان نگفته‌ایم. دستگاه ظاهری می‌تواند برای این خانواده‌ها تنهایی و عسرت تدارک ببیند و مردم می‌توانند آنان را در آغوش بگیرد؟ به راستی

کدامیک از این دو بر کار خود غالبند؟ دستگاه ظاهری می‌تواند دانشجویان غریب را به جرم ابراز عقیده از خوابگاه محروم کند و معیشت آنان را در تنگنا قرار دهد و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند با حمایت‌های خود از آنان پشتیبانی کنند. تاثیر اقدام کدامیک از آنها بیشتر است؟ به راستی کدامیک از آنها قدرتمندتر است؟ بلکه اساسا تقابلی میان این دو وجود ندارد؛ یکی هست و دیگری نیست، زیرا این زندگی‌های ماست که به هر امری در نظم ظاهری جامعه معنا می‌بخشد. ما در چند ماه گذشته نه با شکستن این نظم، که با تغییر معنا دادن به آن از راه زندگی‌هایمان صحنه جامعه را تغییر دادیم. ما چه نیازی به شکستن این نظم داریم در حالی که در هر شرایطی این ما هستیم که با زندگی‌های خود به آن جهت می‌دهیم.

بعد از این نیز راه ما این است. در شرایطی که اصول متعدد قانون اساسی بتوانند بی‌محابا معطل بمانند حقیقت آن است که فرقی میان قانون خوب و بد وجود

ندارد. ساختار سیاسی کشور اگر بهترین نظم ممکن باشد به چه کار می آید اگر زندگی های ما به آن اعتبار نبخشد، یعنی معنی برایش تدارک نبیند، آن را تنفیذ نکند و اجرای بدون تنازل آن را مطالبه ننماید؟ به همین ترتیب اگر این ساختار واجد اشتباهات و عقب افتادگی های واضح بود ما تنها در صورتی می توانستیم آن را اصلاح کنیم که نخست معنای آن را اصلاح می کردیم و این کار را با زندگی های خود انجام می دادیم.

البته بسیارند ملت هایی که این توانایی خود را به جا نمی آورند و ترجیح می دهند قدرت را به قدرتمندان واگذارند. آنها در جامعه خود پیشوا نیستند، ولی مردم ما هستند.

سیزدهم آبان میعادی است تا از نو به یاد آوریم که در میان ما مردم رهبرانند. این روز عزیز را به ملت ایران تبریک می گویم و برای گروهی از آفرینندگان این مناسبت که اینک در بندند و دیگر اسیران نهضت سبز

از خداوند آزادی، شکیبایی و پاداشی متناسب با
نیت‌های بلندشان آرزو می‌کنم.

میرحسین موسوی

۹ آبان ۱۳۸۸

گفتگو با پایگاه اطلاع رسانی جماران

شکستن پی در پی نهادهای یا تخریب قوانین بویژه
قانون اساسی حلال مشکلات ما نیست.

دوشنبه ۱۸ آبان ۱۳۸۸

مهندس میر حسین موسوی حدود دو هفته پیش از تاریخ انتشار این متن، در گفت و گویی تفصیلی با پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران که به مناسبت سالروز صدور پیام روشنگرانه «منشور برادری» از سوی حضرت امام در آبان ۶۷ صورت گرفت، برخی از دیدگاههای خود در خصوص مسایل روز کشور را مطرح کرده است. این گفت و گو امروز در سایت جماران منتشر شد .

به گزارش جماران ۹ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یاران روحانی رهبر انقلاب، گرد آمدن بر یکی از موثرترین حلقه‌های جامعه روحانی را برنشاطند و سودای جدایی و ایجاد مجمع دیگری کردند. رهبر کبیر انقلاب این زایش تاریخی شاگردان خویش را مبارک دانست و مجمع روحانیون مبارز از دل جامعه روحانیت اعلام موجودیت کرد. جریان جدیدی که معادلات سیاسی را در انتخابات پیش روی مجلس سوم به نفع خود تغییر داد و همچنین در رخدادهای سیاسی کشور نقش تاثیرگذاری پیدا کرد.

امام ضمن تایید این انشقاق، به نگارش توصیه نامه‌ای روشنگرانه به این دو جریان دست یازید، نامه‌ای که عطف به محتوای آن به «منشور برادری» شهرت یافت. ۲۱ سال پس از صدور منشور برادری از سوی امام خمینی (س)، سراغ یاران امام و بزرگان انقلاب رفته‌ایم تا مراد رهبر کبیر را از «وحدت» و «اختلاف» بپرسیم و چاره چالش‌های فراروی وحدت ملی و امنیت سیاسی را

در برهه‌ای از حساسترین دوران نظام جمهوری اسلامی از آن‌ها بخواهیم. میرحسین موسوی نیازی به معرفی ندارد. همان که نخست وزیر مود و ثوق امام خمینی (س) است و کاندیدای مطرح ریاست جمهوری دوره دهم.

در نشست دو ساعته اعضای تحریریه پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران با میرحسین موسوی، او بارها از قانون اساسی به عنوان میثاق ملی و نماد وحدت یاد کرد و تفسیر نامتوازن آن را مهم‌ترین عامل تفرقه دانست. با آخرین نخست وزیر در طبقه هفتم ساختمان صبا گفتگو کردیم، بنایی که به همراه چند بنای معروف دیگر، حاصل معماری مهندس هنرمند است.

گفتگو با مهندس میرحسین موسوی پیرامون منشور برادری چنین آغاز می‌شود: «وحدت بخشی از رویکردی است که حضرت امام خمینی (س) از اول انقلاب تا آخر عمرشان به آن توجه می‌کردند. امام کاملاً توجه داشتند که مهم‌ترین سرمایه ما وحدت ملی هست و تلاش می‌کردند این وحدت در گسترده‌ترین شکل خودش

وجود داشته باشد. مردم دور هم باشند. هیچ نوع متن مهمی از ایشان نمی‌بینیم که به این مساله تاکید نکرده باشند.

میر حسین، وحدت را همزاد قبول کثرت اندیشه‌های سیاسی و فکری در جامعه معرفی می‌کند و می‌گوید: کثرت اندیشه‌ها و نظرات، امام را آزرده و پریشان نمی‌کرد بلکه این‌ها را به عنوان نعمتی برای جمهوری اسلامی می‌دانست. به نظر من، گاهی خود ایشان با مهر تاییدی که روی این مساله می‌نهادند اختلاف را به عنوان یک ضرورت مطرح می‌کردند که درخشنده‌ترین رفتار امام در این خصوص، رضایت کامل ایشان با تشکیل مجمع روحانیون مبارز است.

نخست وزیر دوران دفاع مقدس بحران‌های دهه اول را بهانه محدود کردن فضای سیاسی از سوی حاکمیت نمی‌داند و اظهار می‌دارد: در عرف ملی و جهانی، رهبری کشوری که انقلاب کرده و درگیر آشوب‌های داخلی و جنگ خارجی است، باید به این سمت گرایش داشته

باشد که اندیشه‌ها و افکار مختلف را در یک کانال قرار بدهد و سعی کند یک اندیشه در کشور حاکم باشد؛ ولی امام با تأکیدی که روی تشکیل مجمع روحانیون داشتند، نشان دادند که وجود مستقل دو گروه مجمع روحانیون و جامعه روحانیت مبارک بوده و این کثرت ضروری است.

مهندس موسوی به فرازی از «منشور برادری» در خصوص باز بودن باب اجتهاد در نظام اسلامی اشاره کرده و خاطرنشان می‌سازد: امام توجه داشتند که مبدا تکیه بر نظام ارزشی اسلامی و مباحث تام فقهی، منجر به این شود که اندیشه‌های دیگر و حتی خود این اندیشه‌ها خفه بشوند و امکان بروز و ظهور پیدا نکنند. امام مدام تأکید می‌کردند که در زمینه‌های فقهی نظرات مختلفی گرداگرد مسائل گوناگون می‌تواند وجود داشته باشد.

«من به نظرم می‌آید که این موضع‌گیری ایشان که خیلی صریح و روشن است؛ تنها جنبه فقهی ندارد و

متوجه فق‌ها نیست بلکه بیش از فق‌ها، به نظر من دغدغه مردم مد نظر امام است که مبدا به دلیل طرح مباحث تنگ نظرانه این بحث‌ها، مردم در حصار قرار بگیرند که آزادی خود را از دست بدهند.»

«امام در باب باز بودن باب اجتهاد در جمهوری اسلامی، می‌فرمایند: در مسائلی که ادعای اجماع هم شده است، اقوال مخالف وجود دارد. این مساله مهمی است. یعنی یک مساله فقهی وجود دارد که تا الان علما روی آن اجماع کرده‌اند، بنابه فرمایش امام حتی در این مساله هم امکان اختلاف است. اگر دقت بکنیم ایشان معتقد به یک نوع تسامح و مدارا است. فضا را برای مجتهدها باز می‌کند تا بتوانند بر اساس مسائل و رویدادهای جدیدی که در فضای مدرن در حال رخ دادن است، نظر بدهند. حتی امام به مردم عادی که فقیه نیستند و به نظرات کارشناسی فق‌ها رجوع می‌کنند، پیام داده که نسبت به مساله خیلی تنگ نگاه نکنند و بدانند که اندیشه‌های گوناگون راجع به آن وجود دارد.»

آخرین نخست وزیر معتقد است که «اسلامی که امام به آن اشاره دارد اسلامی است که دائم با مسائل گوناگون جامعه درگیر است و نظریاتش در حال تغییر و متناسب با شرایط جدید است و در حال پاسخ به آن ها است. ایشان دنبال اجتهادی است که در برخورد با مسائل جدید و نو بتواند درک درستی از آن ها داشته باشد و به تبع مسائل جدید بتواند احکام متناسب با آن را ارائه کند.»

اومی افزاید: «قرآن، اسلام و انقلاب واژه هایی هستند که معانی سیالی دارند که بر اساس مسائل مختلف معانی گوناگون پیدا می کنند و حوزوی آشنا به مسائل و روشنفکرها، مسولین، مجریان و مدیران که با اندیشه های امام جوش خورده اند با این نگاه می توانند مشکلات را حل کنند و گر نه یک حالت تنگ نظرانه همیشه حاکم خواهد بود.»

«حضرت امام در رابطه با تنگ نظری و تحجر - با توجه به بروز برخی مسایل - بارها صحبت کرده اند که شاید

هنوز برخی از آن‌ها منتشر نشده باشد. ایشان توجه دارند که تکیه بر تحجر یا اصالت دادن به آن می‌تواند کشور را دچار بن بست بکند. مواردی هست که امام اختارهای شدیدی به برخی افراد دادند که ذهنیت تنگی داشتند و مواظب بودند که این مساله نظام را با بن بست مواجه نکند.»

میرحسین موسوی از نتیجه این تفکر فقهی امام در حوزه آزادی بیان چنین برداشت می‌کند: اولین ویژگی این تفکر این است که خیلی راحت نمی‌شود افراد را تکفیر کرد و آن‌ها را خارج از مدار دین به حساب آورد. نمی‌شود به اعتبار اینکه کسانی که مختصر اختلافی با نظرات رسمی در یک گروه یا جمعی دارند، به عنوان افرادی که مخالف دین و نظام هستند، قلمداد کرد و مورد حمله قرار داد. این تنگ نظری‌ها به نوعی بر روشنفکران اعمال شده و به نوعی دیگر بر فق‌ها. امام این نگاه را مخالف وحدت بر سر منافع ملی می‌دانستند.

مهندس موسوی در ادامه این گفتگو تاکید دارد: «از نظر امام وحدت بر اساس خویشاندی سیاسی طرح نمی شود. در وحدت مورد تاکید امام، فامیل و دوست و آشنا به هم باج نمی دهند بلکه امام وحدت را به مولفه های منافع ملی و حیات طیبه نظام اسلامی بر می گردانند و همه جا به آن تاکید می کنند. بحث بر سر خدمت و ارزشهای بسیار اساسی و بنیادی است که کشور را برومند کند. منشور برادری حضرت امام، کاملاً به مسائل حیاتی جامعه معطوف است. صلاح گروه های مختلف سیاسی، فقها، روحانیون، روشنفکرها و مردم است که روی آن فکر کنند و اندیشه های مختلف آن ها بر اساس این پیام به هم پیوند بخورد.»

در ادامه این گفتگو از مهندس موسوی پرسیدیم لحن حضرت امام در نامه به جریانات سیاسی موجود، خوش بینانه و خود این لحن ایشان وحدت بخش است. واقعیت چه بود؟ آیا فضای آن دوران اینگونه بود یا امام عمداً با این کار می خواهند به جامعه و گروه های سیاسی

وحدت را القا نماید؟ پاسخ اما این چنین مهم بود: حقیقت این است که در آن شرایط که خود نامه هم به آن معطوف است، اختلاف‌هایی وجود داشت و جناح بندی‌هایی هم بروز کرده بود. شخصیت‌ها در نهادهای موازی حضور داشتند که این نهادها به جناح مخصوص خودشان تعلق داشت. دفتر تبلیغات اسلامی در کنار سازمان تبلیغات اسلامی، انجمن اسلامی در کنار جامعه اسلامی و غیره وجود داشت. در نهادهای مختلف چنین تقسیم بندی وجود داشت. آنچه من در رابطه با حضرت امام دقت کرده‌ام ایشان در حوزه اقتصاد، معیشت، رفاه و ... ترجیح‌هایی داشت که من فکر می‌کنم با نظریات دولت خیلی نزدیک‌تر بود یعنی با جناحی که آن موقع سر کار بود.

وی می‌گوید: آنچه مهم است این است که هیچ کدام از این اختلاف‌ها، منجر به این نشد که در حلقه پیرامونی ایشان، افراد متعلق به جناح‌های مختلف حذف بشوند. همه این‌ها یکپارچه حضور داشتند. آقای عسگر اولادی

بود، آقای مهدوی کنی بود، آقای موسوی خوئینی ها بود، آقای موسوی اردبیلی هم بود. این افراد همه در کنار امام بودند. بودن یک جناح در کنار امام به معنی حذف جناح دیگر نبود.

من خیلی روی این مساله فکر کرده ام. احساسم بر این است این حلقه ها، واسط ارتباط امام با بخشی از قاعده جامعه بودند. یقینا افرادی که از طریق آقای موسوی خوئینی ها - که امروز مورد اتهام و فحاشی قرار گرفته اند - به امام وصل می شدند؛ از طریق آقای مهدوی کنی نمی توانستند وصل بشوند. همان هایی که از طریق آقای مهدوی کنی به امام وصل می شدند و سخنان این ها از طریق ایشان به گوش امام می رسید یقینا نمی توانستند از طریق آقای موسوی خوئینی ها وصل شوند. این خودش یک روش خوبی بود. برای همین ایشان در مقابل حذف هر کدام از این چهره ها در گرداگرد خودش به سختی مقاومت می کرد همه تا آخرین دم در کنار ایشان ماندند. حذف این ها، موجب

اختلال می‌شد و این اختلافات را به بدنه اجتماعی می‌کشاند. حذف هر کدام از این چهره‌ها، به معنای حذف یک قاعده اجتماعی نبود، چرا که قاعده که حذف نمی‌شود؛ بلکه رابطه رهبری و بخشی از قاعده اجتماعی قطع می‌شد. به نظر می‌رسد این مساله غیر از اینکه بعد اعتقادی داشت، یک جنبه استراتژیک هم در ذهن امام داشت. ایشان هر کسی را که قصد خدمت داشت و نیت پاک داشت، در انقلاب اسلامی و نظام به نوعی مشارکت می‌داد.

مهندس موسوی در این باره که شما در گذشته مسئولیت‌های خطیری داشتید. الان هم در عرصه سیاسی حضور فعال دارید و همیشه مسائل را رصد می‌کنید. پس از انقلاب همه استعدادهای بالقوه تفرقه در کشور پررنگ می‌شود، آشوب‌های منطقه‌ای، نزاع‌های قومی، هجمه تهدید کننده دشمن خارجی، فشارهای اقتصادی؛ همه پیش‌نیازها برای اینکه جامعه دچار تشتت و تفرقه بشود، وجود داشت و شرایط

سختی بر جامعه حاکم بود که نظام این فضا را مدیریت می کند. الان سی سال پس از انقلاب، نظام به شرایط خاصی گام نهاده است. به نظر شما شرایط امروز خطرتر است یا شرایط آن دوران؟ خاطرنشان می کند: ما می توانیم از گذشته درس بگیریم اما دو تا موقعیت دشوار را به سختی می توان روی هم انداخت و با هم مقایسه کرد. ما آن موقع تازه انقلاب کرده بودیم و تازه از سلطه رژیم درآمده و رو به نظام جدیدی آورده بودیم.

نظام سابق ریشه عمیق تاریخی داشت و اثر خود را در فرهنگ، سیاست، اجتماع و ساختارهای حکومت گذاشته بود بعلاوه حرکتی که انقلاب آغاز کرده بود برخلاف نظم موجود جهانی تلقی می شد و بخاطر همین دشمنان زیادی در سطح جهان بود که مشکلات زیادی مثل کودتای نوژه، شورش ها و حمله صدام برای ما به وجود آورده بودند. در سطح بین المللی هم حرکت های دیگری وجود داشت. آنچه در این شرایط به ما قدرت

می‌بخشید، وحدت و همدلی بر گرداگرد یک ایدئولوژی بسیار پیشرفته، مترقی و به روز و یک نوع صیانت از این وحدت در مقابل امواج فتنه‌هایی که می‌توانست این وحدت را مورد حمله قرار بدهد، وجود داشت.

می‌می‌گوید: در حال حاضر یقیناً خطرهای آن موقع را به آن شکل نداریم اما اینکه الان احساس می‌کنیم آسیب پذیرتر شده‌ایم، به نظر من عامل آن مشکلات داخلی است. زمان جنگ علی‌رغم همه مشکلات، احساس قدرت وصف ناپذیری می‌کردیم ولی الان چنین احساسی وجود ندارد.

به نظر من امروزه تساهل و مدارای جامعه نسبت به اندیشه‌های مختلف در سطح سیاسی بسیار کم شده است. آن موقع مشکلات اگر چه بیشتر بود، تحمل و سعه صدر هم بیشتر بود. اندیشه‌های مختلفی که با هم اختلافاتی داشتند می‌توانستند در کنار هم کار بکنند ولی الان متأسفانه چنین حالتی وجود داشت.

نخست وزیر دوران دفاع مقدس در بخش دیگری از گفتگوی خود، در تبیین تفاوت های دهه اول و فضای فعلی کشور از حاکمیت ارزشهای بنیادی در آن دوران یاد کرد که همه را برای اجرای سالم قوانین بسیج کرده بود. وی اظهار داشت: «آن موقع اگر فساد اقتصادی مطرح می شد، سریع مورد توجه قرار می گرفت. کوچک ترین فساد، بزرگ دیده می شد. اگر در سطح دولتی گفته می شد که ده هزار دلار گم شده و تکلیفش روشن نیست و مشخص نیست کجا هزینه شده، ممکن بود که منجر به سقوط دولت بشود. در حالی که الان بحث میلیاردها دلار هست ولی هیچکس حساسیت نشان نمی دهد. من نمی خواهم کسی را متهم بکنم اما این ها مسائلی را در کشور به وجود می آورد که ما را آسیب پذیر تر می کند. آن موقع دغدغه همه رسیدن به این مساله بود که همه مردم از نعمات و امکانات و از فرصت هایی که یک کشور و نظام می تواند داشته باشد، بهره مند بشوند و صادقانه این خدمات در اختیار همگان

گذاشته بشود. بحث، بحث مردم بود. متأسفانه امروزه این ارزش‌ها در اقتصاد و تجارت و فرهنگ فرق کرده است.»

میرحسین موسوی به هدفمند کردن یارانه‌ها اشاره کرد و گفت: من مجبورم به نکته‌ای اشاره کنم. همین لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها اگر اول انقلاب بود به این شکل طرح نمی‌شد. اصل این لایحه چیز بدی نیست. اما اینکه ما بیاایم از یک طرف حذف یارانه‌ها را مطرح کنیم و بنزین را گران نماییم و از سوی دیگر بودجه مترو داده نشود. از یک طرف امور مردم به دلیل بهای سنگین بنزین مختل شود و از طرف دیگر به تامین وسایل حمل و نقل عمومی اهمیت ندهیم، برای مردم مشکل ایجاد می‌کند. همه زندگی و شغل و درآمد ملت به رفت و آمد بستگی دارد. اگر ما حمل و نقل را گسترش داده باشیم این گرانی بنزین بار زیادی را روی هزینه‌های خانوار وارد نمی‌کند. اما اگر به دلیل وجود پاره‌ای از مسایل بین دولت و شهرداری، ارز مورد نیاز مترو تامین نشود و در

حالی هدفمند شدن یارانه ها تصویب شود که مشکلات زیادی - مثل قرار داشتن مترو در بدترین شرایط تامین بودجه - وجود داشته باشد، چوب این مسائل را مردم می خورند.

وی تاکید می کند که لایحه هدفمند کردن یارانه ها اگر خوب اجرا بشود، دولت کارآمدی داشته باشد و از همه نیروها خوب استفاده کند و مشکلات مردم را حل کند، ممکن است به کشور کمک کند. اما اگر اینگونه نشود، خداوند با هیچ کسی عهد و پیمان نبسته است. اگر داد مردم را در بیاورند، آنان را در برابر دولت قرار می دهند.»

وی با بیان اینکه حتی در شرایط جنگی افکار عمومی اجازه اظهارات متناقض و سیاست های دوگانه به دولت نمی دادند، گفت: اینکه یک نفر از یک طرف حرفهایی بزند و از طرف دیگر کارهایی بکند که پاسخی برای اعمال خود نداشته باشد، اشتباه است. الان ما چنین چیزهایی را زیاد داریم. این مساله ما را آسیب پذیرتر

می‌کند و مشکلات ما را زیاد خواهد کرد. نخست‌وزیر دوران امام از دهه اول به عنوان یک نوستالوژی یاد می‌کند و اظهار می‌دارد: این حسی که در سطح ملی به دهه اول انقلاب وجود دارد، ناشی از این است که در شرایط آن دوران چون مردم می‌دانستند که همه توان نظام و دست اندرکاران در خدمت حل کردن مشکلات آنان است اگر جایی هم کم و کسری می‌دیدند، تحمل بالایی داشتند. می‌آمدند پشت سر دولت قرار می‌گرفتند.

«مردم با کم و کسری‌های کشور که خیلی زیاد هم بود و ناشی از فقر و جنگ و انفجار کشتی‌های نفتی، خطوط انتقال گاز و محدودیت‌های واردات و صادرات بود، می‌ساختند. مشکلات را حس می‌کردند ولی فریادشان بلند نمی‌شد. چون می‌دانستند که هم خودشان، هم کسانی که در خدمتشان هستند برای حل این مساله تمام توان خود را به کار گرفته‌اند. برای همین با یک همکاری وسیع و صبر بزرگ در سطح ملی روبرو بودیم

که هم اختلافات را از بین می برد، هم مشکلات را حل می کرد و هم پشتوانه قوی برای نیروهای رزمنده ما در جبهه بود.

در چنین شرایطی که کمبودهایی وجود داشت، مردم بچه های خود را به جبهه می فرستادند و طلاهای خود را به دولت می بخشیدند تا بلکه بخشی از هزینه های جنگی را تامین بکنند. این مساله احساسی از امنیت و آرامش را در کشور ایجاد می کرد که هنوز هم ذائقه و سابقه اش در جامعه مقداری مانده است. الان متأسفانه چنین چیزهایی نیست.

مهندس موسوی در پاسخ به این پرسش که اصولی که بر آن ها باید وحدت کرد چیست؟ چگونه باید وحدت را تعریف کرد؟ به نظر می رسد در مفاهیم اساسی مانند منافع ملی یک تعریف واحد مورد قبول و اجماع نیست. چرا؟ می گوید: به این دلیل که توجهی به قانون اساسی نداریم. در متن قانون اساسی همه مسائل بصورت متوازن در مطرح شده است و نمی شود ما بخشی را

برجسته نگاه کنیم و بخش دیگر را کم رنگ ببینیم. الان جناح‌ها و مسئولان مختلف به مذاقشان خوش می‌آید که تکه‌ای را برجسته کنند و تکه دیگر را ضعیف نمایند؛ این درست نیست. این‌ها بخش‌های به هم پیوسته است. مخصوصاً بخش مربوط به آزادی‌ها (آزادی بیان، آزادی اجتماعات، آزادی عقیده...)، شوراها، اصل عدم تجسس، مساله زبان‌های قومیت‌های و آموزش آن‌ها و... این‌ها هیچ خطری را برای کشور ایجاد نمی‌کنند بلکه وحدت بخش هستند. بنده نوعی نمی‌توانم با سلیقه خود بگویم که اجرا یا عدم اجرای این اصل، صلاح نیست.

«توجه کنید که در زمان جنگ در کشورهای مختلف، انتخابات یا انجام نمی‌شود و یا بسیار تصنعی برگزار می‌گردد. در زمینه اجرای قانون مشکل پیدا می‌شود اما در تمام دوران جنگ ما باوجود همه بحران‌ها و مشکلات وسیعی که بود «انتخابات»‌ها علی‌رغم هزینه‌هایی که داشت، پشت سر هم انجام شد و نظام به قوت خود باقی

ماند. کسی به ذهنش نرسید که کار دیگری بکند. تنها موردی که تاخیر انداخته شد، اجرای قانون شوراها بود. دلیل آن هم نظریات مختلف مسوولان بود و آن زمان من اعتقاد داشتم برای عدم تمرکز دولت قانون شورا یکی از مهم ترین راهکارهای ممکن است. برخی مخالف این بودند می گفتند زمان جنگ احتمال دارد مشکلات اساسی در برخی از مناطق خصوصا مناطق مرزی داشته باشیم.»

«ما در دولت اقدام کردیم قانون را به مجلس بردیم و زمانی هم برای انتخابات شوراها معین کردیم. در آستانه انتخابات، عده ای از استاندارها به امام نامه نوشتند که این مساله به تاخیر انداخته شود. حضرت امام ملاحظه کردند. بعد در جلسه روسای سه قوه تصمیم بر این شد که انتخابات به بعد از جنگ وانهاده شود. بحث این بود که ما همه اصول را پیاده کنیم ولی الان این اعتقاد زیاد وجود ندارد. برخی اصول پررنگ شده و برخی اصلا کنار گذاشته شده اند. عدم اجرای درست قانون می تواند یکی

از عوامل تفرقه باشد و از سوی دیگر اجرای متوازن آن می‌تواند همه را دور یک میثاق ملی جمع کند.»

از مهندس موسوی پرسیدیم شما می‌فرمایید که اگر همه اصول قانون ساسی بصورت متوازن نگریسته و عمل شود، بخش بزرگی از این مشکلات حل می‌شود. آیا احساس نمی‌کنید که قرائت از برخی از اصول قانون اساسی آنقدر فربه هستند که اصول دیگر را به خودی خود کم رنگ می‌کنند؛ بطوری که مفسران و مجریان آن اصول را خیلی مورد توجه قرار می‌دهند و متوجه اصول مهم دیگر نمی‌شوند؟ همین امر باعث شده است که برخی از لزوم بازنگری در قانون اساسی سخن به میان آورند.

وی پاسخ داد: مشکلاتی در جامعه داریم که بخشی از آن به میراث‌های ما بر می‌گردد. رفتار، علایق و کردار سیاسی ما بیش از شکل و ظاهر قانون اساسی در موضع گیری‌های نظام ما موثر واقع شده است و گرنه ما در جهان کشورهایی داریم که از نظر شکلی و محتوایی

جوامعی کاملاً دموکرات و باز هستند اما وقتی به قانون اساسی آن‌ها توجه می‌کنیم و به رویه‌هایی که باید به آن رجوع کنند، نگاه می‌کنیم، می‌بینم که خشک‌تر از قانون اساسی ما در آن کشورها وجود دارد ولی رویه‌هایی که برای نهادینه کردن مردم سالاری در آن کشورها استقرار پیدا کرده، منجر به این شده که تفسیر آن چارچوب‌های خشک سنتی، مشکلی برای دموکراسی و آزادی به وجود نمی‌آورد. نمونه‌اش چند کشور اروپایی که اگر نگاه بکنید اصول بسیار سنتی مبتنی بر نظام شاهنشاهی در آن هست. وی اضافه می‌کند: شکستن پی در پی نهادها یا تخریب قوانین بخصوص قانون اساسی حلال مشکلات ما نیست. این خودش می‌تواند یک نوع آشوب و آشفتگی را در کشور ایجاد کند. توجه به مسائل اجتماعی-سیاسی ریشه داری که در تاریخ کشور و فرهنگ ما وجود دارد، مهم است. مخصوصاً اگر ما دقت بکنیم که خود قانون اساسی نیست که در حقیقت این مساله را ایجاد می‌کند بلکه

نوع تلقی از قانون است که با تکیه بر نیروهای اجتماعی و فرهنگی به این مشکلات عمق می‌بخشد.

یک ذهنیت نقاد مردمی که نسبت به سرنوشت خود حساس هست، با استفاده از تمام فرصت‌ها برای جمع شدن بر اصول قانون اساسی می‌تواند به ما مجال دهد که ما تفسیرهای متعالی‌تر این قانون را اجرا نماییم. البته قانون اساسی هم وحی آسمانی نیست و بر اساس مقتضیانت زمان می‌تواند در چارچوب پیش بینی شده مورد تجدید نظر قرار بگیرد.

مهندس موسوی تاکید دارد: من مشکل را بیش از آنچه که فربه بودن یک اصل و سنگینی بر اصل‌های دیگر ببینم در برخی از سنت‌های اجتماعی فرهنگی می‌بینم که با رویه‌های نادرست انباشت شده در طول تاریخ و ایجاد رویه‌های غلط جدید، به نوعی به کرختی رسیده است. کرختی تنها به حکومت مربوط نیست. به کسانی که شهروند عادی هستند هم مربوط می‌شود. البته من نقش تربیتی حاکمیت در فرهنگ پذیری جامعه و

آشنایی آن ها با حقوق خود را خیلی موثر می دانم. وقتی حضرت امام بر می تابید که افکار و اندیشه های مختلفی وجود داشته باشند، این خودش در فرهنگ جامعه تاثیر زیاد می گذاشت. امام دائم به ملاک ها و معیارهای جمعی در تصمیم گیری ها بر می گشت.

مهندس موسوی در ادامه با بیان اینکه شیوه تفسیر حاکمیت در رابطه با قانون اساسی از یک سوء اهمیت فوق العاده ای دارد و در سوی دیگر، سمت گیری مردم و روشنفکرها هم اهمیت زیادی دارد. امام حق را گرفتنی می دانند. آزادی را گرفتنی می دانند. آزادی را جزو حقوقی می دانند که باید مردم باید دنبال بکنند و به از دست دادن ارزشهای بنیادی تن در ندهند. این برای ما یک اصل است. اگر در یک نظام، مردم برایشان عادی باشد که حقوقشان پایمال بشود و آن ها چیزی نگویند؛ آن نظام بسوی دیکتاتوری و خشونت سیر می کند. اینجاست که نقش مطبوعات، رسانه ها، روشنفکران، مردم، ادبیات سیاسی و فرهنگی اهمیت پیدا می کند.

گفت: البته همه نظام‌ها با این مساله روبرو هستند. در کشورهایی که جامعه کمی به پختگی رسیده است، یک ذره محدودیت که در برابر حقوق مردم ایجاد می‌شود، بلافاصله موج اعتراض ایجاد می‌شود و این کار نهادینه شده است.

وی می‌گوید: ما از دوران مشروطیت قدم‌های زیادی پیش گذاشتیم. وضعیت امروز ما نه با دوران مشروطیت و نه با سی سال پیش قابل مقایسه نیست. قدم‌هایی پیش گذاشتیم اما اینکه بگوییم این راه در نقطه‌ای به پایان رسیده و مردم بروند در خانه خود بخوابند و هیچ خواسته‌ای نداشته باشند و مساله خوبخود حل بشود، اشتباه است. مطالبه مردم از حاکمیت و تفسیر روشن اندیشه حاکمیت از قانون اساسی به نحوی که به ملت کمک کند، راه حل مشکلات است.

نخست وزیر دوران دفاع مقدس تاکید می‌کند: «حساسیت شدیدی در فرامین حضرت امام نسبت به مسائل مالی بود. یک زمانی در کشور این بحث آغاز شد

که نیروهای مسلح نیاز مالی دارند و باید وارد فعالیت های تجاری شوند. من مخالف بودم و اعتقاد داشتم که این مساله کشور را با مسائل مختلفی روبرو می کند. می گفتند نیروی نظامی می خواهد کار عمرانی بکند. من گفتم نیروی نظامی که در پی آن باشد که که قیمت دلار چند است دیگر به وظایف خود عمل نمی کند و فساد هم ایجاد می کند. استدلال آن ها این بود که در قانون اساسی اصولی داریم که در زمان صلح، ارتش و سپاه می توانند در سازندگی کشور کار کنند. من گفتم، بله در حد خود می توانند این کار را بکنند بدون اینکه از انجام وظایف خود جدا شوند و نیازی نیست که در مسائل مالی وارد شوند.

نیازهای مالی آن ها باید در دولت و وزارت دفاع حل و فصل بشود. بنده اعتقاد قطعی دارم که واگذاری پیمانهای چند میلیارد دلاری به سپاه نه به نفع اقتصاد کشور است و نه به نفع سپاه و نه نفع کلیت نظام. این رویکرد به تنهایی می تواند کشور را در معرض خطر قرار

دهد. وی می‌افزاید: در سه چهار سال اخیر اینگونه مسائل ابعاد وسیع تری پیدا کرده است. توسعه موسسات پولی عجیب و غریب هم در میان نیروهای نظامی و انتظامی مشکل ایجاد کرده و هم در میان مردم. فکر نکنیم که سپاهی عزیزی که در مرزهای کشور شهید می‌شود، نفعی از این برده است. خیر، این فعالیت اقتصادی برای خود شبکه‌ای ایجاد کرده که این شبکه، شبکه اقتصادی صرف نیست مقاصد سیاسی هم دارد و این به نفع کشور نیست. حضرت امام این مساله را بارها مطرح کرده است، اگر به آن عمل می‌کردیم به اینجا نمی‌رسیدیم.»

مهندس موسوی در این باره که امام در نامه خود از واسطه‌هایی سخن می‌گوید که القای بدبینی می‌کنند و توصیه موکد دارند که از این‌ها پرهیز شود. این‌ها کی هستند؟ چکار می‌کنند؟ می‌گوید: هستند کسانی که نان خود را از این راه می‌خورند. واقعا من نمی‌دانم دین و ایمان دارند یا نه. الان فضای تهمت خیلی رواج دارد. ما

افرادی داریم که اگر پرونده‌هایشان با نگاه امام گشوده شود پرونده‌های بسیار آلوده‌ای دارند. این‌ها آمدند یکدفعه یک حرکت عظیم مردمی را می‌گویند که به منافقین ارتباط دارند و ... این‌ها همان کسانی هستند که آتش بیار معرکه هستند و نفع خودشان برای رو نشدن پرونده‌هایشان در این است که دائم این اختلافات را در کشور به هم بزنند و بدبینی ایجاد کنند. در حالی که به سود همه هست که حقوق مردم را بشناسند و خوش بینی ایجاد کنند. اینکه یک عده‌ای این وسط بیافتند و بگویند این با بیگانه ارتباط دارد و ... این کار بزرگ کردن بیگانه است اگر بیگانه‌ها اینقدر بزرگ هستند که می‌توانند اینهمه آدم را به صحنه بیاورند که ما باید دست‌هایمان را ببریم بالا و از کل انقلاب اسلامی استعفا بدهیم.

مهندس موسوی در پاسخ به پرسش که این فضای بد بینی را چه کسانی می‌سازند؟ می‌گوید: یقیناً یک عده از ساختن فضای بدبینی سود سیاسی می‌برند و عده‌ای

دیگر سود شخصی. مشهور بود که کسی در حضور حضرت امام واقعا جرات اینکه از دیگری غیبت کند و جوسازی و بدگویی بکند، نداشت.

ایشان در همان جا جواب تندی می داد. بنده مواردی شاهد بودم که امام در برابر این مسائل تند می شد. این اثر جانبی در جامعه داشت. اینکه باید مراقب کسانی که آتش بیار معرکه هستند و فضا را آلوده می کنند، بود. از او پرسیدیم که امروزه عده ای بر ضرورت وحدت تاکید می کنند و گروهی با مساله وحدت مخالفت می کنند. مسائلی از سوی برخی از افراد مطرح می شود می گویند اول محاکمه بعدا وحدت و از این قبیل. شما این را چگونه می بینید؟. مهندس موسوی پاسخ داد: جنگ سیاسی و قدرت طلبی است. در این میان آنچه مطرح نیست، معنای وحدت است. یک عده ای نفعشان بر این است که در این کشور اختلاف باشد و دایره نظام و متن نظام روز به روز تنگ تر و لاغرتر بشود. امام سعی می کرد که متن واقعی انقلاب و جامعه غنی باشد.

بزرگ ترین حجم را داشته باشد و حاشیه، کوچک ترین حجم ممکن را داشته باشد. موقعی که در وصیت نامه سفارش می کنند که کسانی که از انقلاب بریدند، بازگردند؛ نشان می دهد که حتی آن حاشیه کوچک را هم بر نمی تابند. می خواهند همه در دریای وحدت قرار بگیرند.

مهندس موسوی در ادامه با بیان اینکه امروزه حاشیه نظام از متن فراتر رفته است می گوید: آنچه امروزه اتفاق افتاده این است که حاشیه از متن فراتر رفته است و متن خیلی لاغر شده است. من فقط نمادین می گویم که در این حاشیه تعداد وسیعی از مدیران و روحانیون، بخشی از مراجع، چند رئیس دولت و حتی رئیس مجلس داریم. به اینکه نمی شود حاشیه گفت. این نقل مکان است. در چنین حالتی آن کسانی که در متن اصلی باقی می مانند به دلیل عدم برخورداری از این حاشیه بزرگ، مجبورند در یک حالت پادگانی و فیزیکی به افراد معدودی تکیه بکنند و این همان چیزی است

که به نفع کشور ما نیست. وی افزایش: مصلحت کشور این است که آن فضایی که به عنوان غیر خودی برای خود تعریف می کنند، در کوچک ترین سطح و اندکترین وجه ممکن باشد. اگر غیر از این باشد، باید در رفتار خود شک کنیم. نمی شود که در کشور هزاران هزار مدیر برجسته ای که خدمت کرده اند همه را کنار بگذاریم و به حاشیه ملحق بکنیم.

«الان یک عده ای کشف کرده اند که موسوی خوئینی ها توده ای است یعنی همین شخصی که شاگرد امام است. می گویند گروه فرقان پیش ایشان درس خوانده اند. اگر اینجوری باشد فکر می کنم ما در نظام یک نفر را نمی توانیم پیدا کنیم که با این و آن ارتباط نداشته باشد. وقتی ما مسائل را به این اندازه تقلیل می دهیم این نشان بیماری است که در جامعه ما گسترش پیدا کرده است. همه باید نگران باشیم.»

وی مثال دیگری هم می زند که این مساله بسیار مهمی است که ما یک همایش دوسالانه کاریکاتور بگذاریم و

بیش از صد نفر از بهترین کاریکاتوریست ها اعلام کنند که ما در این دوسالانه شرکت نمی کنیم. این اتفاق بزرگی است. ما اگر این را علامت بگیریم، مشکلات را حل می کنیم. علامت ها همیشه در کلان جامعه نیست اگر در بخشی از جامعه آن ها را ببینیم، می توانیم به حل مشکلات برسیم. اینکه بیشتر سینمایی های، نویسندگان، نقاش ها و ... در حاشیه قرار می گیرند، این علامت خطر برای کشور است.

مهندس موسوی در ادامه در توصیف اوضاع امروز به این نکته اشاره می کند که ما دچار کرختی جذام وار شده ایم او سپس توضیح می دهد: ما دچار کرختی جذام وار شده ایم. یک یخس هایی از بدنه ً انقلاب جدا می شود و متوجه نمی شویم. این وضعیتی است که ما الان متأسفانه داریم و نگرانی امام در منشور برادری توجه به این قضیه است که حساسیت ها را در اوج خودش در میان نیروهای مسوول حفظ کنند.

در اوایل سال ۵۸ چند نفر از هند آمدند و خواهان حضور گروهی در آنجا جهت معرفی انقلاب اسلامی شدند. بنده از طرف شهید بهشتی مامور شدم که پس انتخاب چند نفر به هند رفتیم. یک روز که روی پله‌های مسجد جامع دهلی نشسته بودیم دیدم کنار من یک جذامی نشسته است که قسمتی از انگشتان و پاهایش افتاده است از یک دوست هندی پرسیدم که چرا اینجوری شده؟ گفت، بدن این فرد کرخت است. وقتی تکه تکه می‌افتد شخص متوجه نمی‌شود. ما دچار کرختی اساسی جذام‌وار شده‌ایم. وقتی می‌بینیم افرادی که برای نظام دل می‌سوزانند و چیزی از نظام نمی‌خواهند و حرفشان هم بازگشت به قانون اساسی و اصول است و ما راحت آن‌ها را مورد هتاک قرار می‌دهیم و حتی مثلاً به آقای کروبی حمله فیزیکی می‌کنیم، باید بدانیم که یک کرختی اساسی پیدا کرده‌ایم.»

وی در پاسخ به این پرسش که آنچه از خاطرات امام و یاران ایشان از دهه اول بر می آید، این تصویر را ایجاد می کند که آزادی سوال و انتقاد و مخالفت با نظرات دیگران و ایشان در آن زمان معمول بوده است، چرا امام که خود نظریه پرداز ولایت فقیه بودند، مساله تمکین مطلق را در این موارد مطرح نمی کردند؟ هم می گوید: البته در آن دروان به دلیل محبوبیت امام، مخالفت با ایشان یک نوع بدبینی نسبت به شخص در جامعه ایجاد می کرد اما این مانع از آن نبود که افراد و نهادهای مختلف از جمله مجلس نظر خود را اعلام نکنند. من افراد مختلفی را یادم هست که حرفهای درستی هم در رابطه با امام زده بودند و فکر نمی کردند به نظر امام رسیده است. بعدا فهمیده بودند و از ایشان وقت خواسته بودند و ایشان بلافاصله وقت داده بود. این مساله در سطح جامعه هم انعکاس پیدا می کرد. تحمل، مدارا و آزاداندیشی بخشی از اعتقادات دینی ما است که هیچ نوع تناقضی با مساله قانون اساسی ندارد بلکه

قانون اساسی در همه جا به این مساله تاکید کرده است. البته بیم آن هست یک موقع اجماعی پیش آید که به دلیل ناکارآمدی و بدعمل کردن ما، مردم در هیچ موردی را قبول نکنند. من فکر نمی‌کنم در اصل آن چیزی که انقلاب برای آن اتفاق افتاد، مشکلی باشد. مشکل در عملکرد ما است. اگر زمانی مردم تصمیم جمعی و اجماعی بگیرند در برابر موج آن نمی‌شود ایستاد.

مهندس موسوی در پایان این گفتگو ابراز می‌دارد: آنچه من مطرح می‌کنم از نظر سیاسی به عنوان یک فرد کوچک که مختصر آشنایی با وضع کشور دارم این است، به نفع کشور ما است که بر سر یک امر مهم و بنیادی بنام قانون اساسی اجماع کنیم. ممکن است بنده و شما عقاید متفرع و مختلفی داشته باشیم ولی لازم است که بر همین قانون اجماع بکنیم و مشکلات را حل کنیم و از این تفرق بیرون آییم و اصلاحات خوبی را در کشور انجام بدهیم. من این را بهترین مساله برای

اجماع می دانم. خود قانون اساسی هم وحی نیست و اگر لازم باشد می تواند اصول آن مورد تجدید نظر قرار گیرد همانطور که در سال ۶۸ اینچنین شد. ما اگر این اجماع را داشته باشیم، در فضایی که حضرت امام در این منشور می فرمایند، قضیه بگونه ای خواهد بود که باز هم مردم مدافع ارزشهای اسلامی خواهند بود. اگر مشکلات حل شود مردم دنبال حاکمان می آیند ولی اگر ببینند که آن ها را بدبخت تر می کنند، فشار بیشتر می کنند، مشکلات را زیاد می کنند؛ به نظر من اصلاً نمی شود روی آن حساب کرد.

وی می گوید: اینکه به مردم بگوییم علی رغم همه بدی ها و ضعف ها و فسادها پشت حاکمیت بایستید؛ این جوانمردانه نیست. نظام باید مشکلات همه مردم را حل کند یا اینکه در جاهایی که نمی تواند کاری بکند، مردم را قانع سازد. از تکنولوژی هسته ای تا سیاست های اقتصادی و کارآمدی. مردم از این نظام انتظار دارند.

سخن پایانی مهندس موسوی هم یک توصیه و هشدار بود: مردمی که در انقلاب به صحنه آمدند یقیناً برای این تحمل اینهمه مشکل نیامدند. آن‌ها آمده بودند تا به رفاه و آزادی برسند. اگر درست عمل نکنیم این فضا از دست می‌رود نه اینکه ما می‌خواهیم از دست برود، خودش می‌رود. حکومت باید مشکلات مردم را حل کند. مثل دفاع مقدس که اگر مردم نبودند دشمنان می‌آمدند کشور را می‌گرفتند. آن‌ها که دیگر چرتکه نمی‌انداختند که این‌ها مسلمان هستند و باید مراعات کنیم. مشکلات کشور همچنین شکلی دارد اگر دولت در مسائل مختلف کارآمد نباشد مردم بر نمی‌تابند و اعتراض می‌کنند. عدم کارآمدی به طور قطع به سلب مشروعیت نظام ختم می‌شود.

متن گفتگوی تصویری با سایت «کلمه»

۱۳ آبان در خیابان علیه «شهامت مردم» لشکرکشی کردند.

۳۰ آبان ۱۳۸۸

* ۱۳ آبان امسال مردم با برخوردهای خشن و بی سابقه نیروهای نظامی و انتظامی مواجه شدند و حجم نیروهایی که برای مقابله با تظاهرات مردم به کار گرفته شد بسیار عظیم بود. به نظر شما چه نتیجه‌ای را از این اقدام می‌خواستند بگیرند؟ آیا به آن نتیجه رسیدند؟

کلا ۱۳ آبان امسال را چطور ارزیابی می‌کنید و چه نتایجی حاصل شد؟

۱۳ آبان امسال با نحوه شرکت مردم در خیابان ها و حضور در صحنه به یک خاطره بزرگ برای مردم ما تبدیل شد. در اوایل انقلاب مراسم و روزهای گوناگونی داشتیم، به تدریج به دلیل تکرار زیاد عدم نوآوری دور شدن از

مبدا و منبع چه بسا انگیزه‌هایی که برای آن روزها و مراسم بود دور شدیم و فراموش کردیم چه فضایی در کشور حاکم بوده و ارزش‌های بنیادی که منجر به این مراسم و اتفاقات می‌شد را از یاد بردیم.

جریانات رخ داده در انتخابات و پس از آن منجر به این شد که تک تک این روزها چه آن‌ها که تاریخی هستند و چه آن‌ها که متعلق به تاریخ انقلاب اسلامی هستند نماد جدید پیدا کرده دوباره باز تعریف و باز تفسیر شوند که بسیار مهم است. ۱۳ آبان یاد آور سه حادثه بود که در بیانیه گفته شد. مهمترین آن اشغال لانه جاسوسی و گرفتن سفارت خانه آمریکا توسط دانشجویان خط امام بود. دلایل آن هم روشن است.

مساله کودتای ۲۸ مرداد و نوع فعالیت‌های آمریکا در حمایت از رژیم شاه سرکوب و کشتن مردم و غارت اقتصادی کشور که در یک نمونه آن خرید وسیع اسلحه در آن زمان بود؛ موضوع دیگر حضور چند ده هزار مستشار آمریکایی در کشورما که به ایران به عنوان

بخشی از خاک آمریکا نگاه می کردند و هر کار که می خواستند انجام می دادند.

مردم ما مخالف دخالت بیگانگان در سرنوشتشان هستند

من به ذهنم می آید اگر به جای آمریکا انگلیس یا روسیه بود هم این اتفاق بر ضد روسیه و انگلیس رخ می داد. مردم ما مخالف دخالت بیگانگان در سرنوشتشان هستند. تسخیر سفارت آمریکا واکنشی نسبت به این مساله بود. به خصوص بعد از بردن شاه به آمریکا و پس از آن جنایاتی که مرتکب شده بود. مردم احساس عصبانیت و نارضایتی کرده و سفارت را گرفتند. وجه به ریشه های تاریخی این روز (۱۳ آبان) در طول سالیان گذشته کمی تضعیف گردید.

من برداشتم این است که درست است در این مدت با آمریکا قطع رابطه داشتیم و شاید دیگر فعالیت آمریکا جلوی چشم و ذهن جوانان نبود اما مردم ما همچنان به بنیادها توجه دارند. دوست دارند که کشورشان مستقل

باشد و بیگانگان حضور نداشته باشند. برای همین وجه مشترک و ذهنیت همه مردم که در ۱۳ آبان به خیابان آمدند به این مساله بر می گشت.

متاسفانه دخالت‌هایی در این قضیه (راهپیمایی ۱۳ آبان) صورت گرفت. جدا کردن مردم از یکدیگر و اعمال محدودیت برای راه سبز و جنبش سبز وضعیت تازه‌ای را به وجود آورد. در درجه اول آنچه که در خیابان‌ها دیده شد یک لشکرکشی عظیم علیه مردم بود. من در طول تاریخ انقلاب چنین صحنه‌ای را ندیده بودم که این همه نیرو در جاهای حساس چیده باشند.

صبح ۱۳ آبان که از خانه به سمت فرهنگستان بیرون آمدم شاهد یک آرایش نیروی بسیار متراکم روبروی دانشگاه تهران و همه خیابان‌های منتهی به خیابان آیت الله طالقانی و نقاط مرکزی شهر بودم. همان لحظه که مردم هنوز جمع نشده بودند و آن اتفاقات نیفتاده بود به ذهنم رسید که اگر امروز یک نفر هم به خیابان نیاید این یک پیروزی برای راه سبز امید است. (آوردن

آن همه نیرو) نشان می دهد چه خوفی از آن دارند و جنبش سبز چه عظمتی در خود دارد.

اگر واقع بینانه نگاه کنیم نباید نظام از این مساله بترسد. مسیر در کشوری که به نام اسلام اداره می شود و یک انقلاب بزرگ را از سر گذرانده نباید از این راه باشد که با ترساندن مردم کشور را اداره کند. انقلاب اسلامی اتفاق افتاد که به مردم شهامت بدهد. مردم در انقلاب اسلامی از زمین سر برداشتند و چشم در چشم جهانیان دوختند. در خودشان شهامت را کشف کردند. این شهامت بود که به ما قدرت داد در ۸ سال دفاع مقدس مقابل همه نیروها بایستیم و با دادن شهدای بسیار یک میلیمتر از خاک کشور را واگذار نکنیم. در طول انقلاب سرمایه بزرگتر از این نداریم.

اولین برداشت از آن آرایش نیرو در ۱۳ آبان این است که مفهومی جز ایجاد ترس نمی تواند داشته باشد و سرمایه بزرگ (شهامت مردم) مورد تهدید و هدف قرار دادند. در حالی که اگر بخواهیم یک ملت و کشور سرفراز

و پیشرفته داشته باشیم باید بر این مساله (شهامت) تاکید کنیم و بایستیم. این همان چیزی است که در ۱۳ آبان مورد هدف قرار گرفت. اما اگر پرسیم آیا این هدف برای آن‌ها حاصل شد؟ به نظر من حاصل نشد. حضور گسترده نیروها و بعد آن ضرب و شتم‌ها که در تصاویر و سایت‌ها منتشر شد و شاهدهای بی‌شمار داشت مردم را اذیت کرد. به مردم خسارت وارد کردند اما مردم نترسیدند. شما اگر صحنه خیابان‌ها را ببینید مردم را کتک می‌زنند اما مردم فرار نمی‌کنند، بلکه می‌روند آن طرف خیابان شعار خود را می‌دهند.

نتیجه بعدی این نوع برخوردها (برخورد خشن) این است که عصبانیت موجب فراتر رفتن بعضی‌ها از شعار اصولی می‌شود که راه سبز بر آن تاکید داشته است. پایبندی بر قانون اساسی و اجرای همه اصول قانون اساسی بدون دخالت و اعمال سلیقه در کشور است که باید به آن توجه داشت.

اگر بخواهیم اجماع قابل توجهی برای تغییر مطلوب در کشور به سمت اهداف خوبی که تعریف شده را بین خود حفظ کنیم و پایبندی خود را به این مساله نشان دهیم باید این حداقل (پایبندی به قانون اساسی) را حفظ کنیم و بسیار ضروری است که بگوییم ما پایبند به قانون اساسی هستیم. مردم توجه کنند که هرچه در مقابل آن ها خشونت کنند آن ها نباید اسیر خشونت و احساسات شوند. برای ما حفظ عقلانیت و خونسردی و حفظ و پایبندی به اصول و شجاعت ابراز عقاید در جامعه ضروری است.

انقلاب شده که ما به اصول پایبندی داشته باشیم. انقلاب شده که ما شجاعت داشته باشیم و آزادی را به عنوان یک اصل و خواسته فطری انسان دائم بخواهیم. ما نمی توانیم از این اصول برگردیم و هر هزینه ای که لازم باشد تن می دهیم و تحمل می کنیم.

از نظر روش هم با مردم به اجماع رسیده ایم و این خواست همه مردم کشور است که راه (جنبش سبز)

مسالمت آمیز و از مسیر غیر خشونت آمیز باشد. باید این اجماع را حفظ کنیم و در این راه خداوند کمک خواهد کرد.

* طرح هدفمند کردن یارانه ها اکنون در کشور مطرح است و بحث مخالفت و موافقت ها زیاد بوده است، نگرانی هایی هم بین کارشناسان وجود دارد. با توجه به تجربیات اجرایی که شما داشته اید نظرتان در مورد نتایج این طرح چیست؟

طرح هدفمندسازی یارانه ها اسم مثبتی دارد. در این اصطلاحی که به کار می برند تایید می کنند که پرداخت یارانه ها اجتناب ناپذیر است و از سوی دیگر می گویند که می خواهیم یارانه ها را هدفمند کنیم. اما در برخی استدلال ها که برای یارانه شده و ما را به بی راهه می برد این است که برخی به گونه ای حرف می زنند که گویی یارانه مضر و زشت است در حالی که این گونه نیست.

در همه اقتصادهای جهان یارانه پرداخت می شود. اصل اما این است که چگونه یارانه داده شود که بهترین

حاصل را برای کشور داشته باشد. برخی از کشورهای پیشرفته پرداخت یارانه را به شکل وسیع در اقتصاد خود دارند. ما هم از این مساله جدا نیستیم. باید به کسانی که استدلال می کنند یارانه کلا بد است و باید حذف شود گفت که اشتباه می کنند.

مشکل هدفمند کردن یارانه ها در محتوای خود لایحه ای است که به مجلس داده شد. این لایحه در واقع بیش از آنکه حذف یارانه ها باشد افزایش قیمت برخی از کالاهای مورد نیاز مردم است. زمانی که ما نفت فراوان داریم و به خاطر آن امتیازات نسبی در کشور به دست می آوریم (در اینجا بحث قیمت و فروش ارزان و گران آن مطرح نیست) به دلیل آنکه نفتی که دولت می فروشد با قیمت بین المللی متفاوت است نباید به این اختلاف قیمت به چشم یارانه نگاه کند. این دید اشتباه است. این اختلاف قیمت در کالاهای داخلی هم وجود دارد.

اگر با این منطق به مساله هدفمند کردن یارانه‌ها نگاه کنیم باید به این سمت میل کنیم که پیوند ارگانیک بین اقتصاد داخلی و اقتصاد جهانی ایجاد کنیم. در چنین حالتی انتظار است اگر قیمت حامل‌های انرژی برخی کالاها و خدمات را افزایش دهیم آیا بقیه بخش‌های اقتصاد خود را متاثر از اقتصاد بین‌الملل و قیمت جهانی می‌کنیم؟ آیا حاضر هستیم حقوق کارگران را بر اساس قیمت بین‌المللی پرداخت کنیم؟

می‌توان این سوال را مطرح کرد که آیا حاضر هستیم اتومبیل تولید داخل را به قیمت خارج بفروشیم یا حقوق کارگران را بر اساس قیمت بین‌المللی پرداخت کنیم و میانگین قیمت‌های داخل را بر این اساس تنظیم کنیم. نمی‌توان از یک طرف اقتصاد کشور را متاثر از قیمت بین‌المللی و قیمت نفت خلیج فارس کنیم و از طرف دیگر این فاصله در بخش‌های دیگر را حفظ کنیم. به طور مثال تورم ۲۵ درصدی در سال گذشته به معنای ازدست‌دادن یک چهارم قدرت خرید مردم بود. خوب

ببینیم میانگین تورم در جهان و کشورهای که از نظر اقتصادی موفق بودند چگونه بوده است؟

دولت می تواند از این زاویه به مسایل نگاه کند که بیشتر خدمات و کالاهایی که به مردم ارائه می دهد یا حقوقی که به مردم داده می شود و تنظیم کالای اقتصادی مردم هیچ تناسبی با وضعیت بیرون از کشور ندارد. به همین دلیل بالا بردن یکباره قیمت ها و حذف یارانه در مقابل پرداخت ۱۰ یا ۲۰ هزار تومان برای هر فرد اشتباه بزرگی است که انجام می دهیم.

یقیناً این اقدام اثرش را بر زندگی مردم خواهد گذاشت و ذائقه مردم تلخ خواهد شد و ممکن است شاهد مشکلات اساسی امنیتی اجتماعی و اقتصادی در کشور در سطح روستاها مردم مستضعف جامعه و در سطح تولید باشیم. در همین رابطه من به یاد دارم که در اوایل انقلاب زمانی که بحث قیمت پایین نفت در داخل کشور مطرح می شد معتقد بودیم از این اختیار نسبی برای

ایجاد رقابت قوی در سطح جهان و اقتصاد خود استفاده کنیم.

نمی‌خواهم بگویم هیچ نوع سیاست تعدیل یا سیاست در جهت تنظیم یارانه‌ها و اقتصاد نداشته باشیم اما همه این‌ها می‌تواند به صورت یک بسته سیاستی و از هم جدا نباشد. زمانی که قیمت حامل انرژی در کشور را بالا ببریم اثرش را در زندگی و سفره‌های عادی مردم خواهد گذاشت که باید تاثیر آن بر آموزش هزینه بهداشت و درمان و... را ارزیابی کرد.

اکنون باید دید آیا مقدمات لازم برای اینکه از این سیاست‌ها تاثیر کمتر ببینیم تدارک دیده‌ایم؟ یا صرفا با پخش پول و درآمد ناشی از این سیاست‌ها چشم دوخته‌ایم. در این صورت نمی‌توان بر مشکلات غلبه کرد. نرخ تورم بالا فایده این برنامه‌ها را از بین می‌برد و ما را با وضعیت خطرناکی مواجه می‌کند.

آنچه که بنده را نگران می‌کند نبود یک برنامه جامع همراه با نظارت دقیق مجلس است. دولت تلاش بسیار

کرده که در آمد ناشی از بالا بردن قیمت حامل های انرژی را (من این اسم را به جای هدفمندسازی یارانه به کار می برم) به صورت کلی و در یک سر فصل کلی در اختیار بگیرد. احساس می کنم این مساله منجر به آشفتگی و فساد گسترده در جامعه خواهد شد.

در حال حاضر مشاهده می کنیم دولت و کسانی که در اجرا هستند حالت بی طرف و نگاه جامع به منافع کلی کشور ندارند. گاهی اختلاف مجری با یک دستگاه دیگر که نظر دولت را ندارد منجر به انجام ندادن کار می شود. نمونه آن مترو است. مترو جز، ضرورت های اصلی برای رفت و آمد است. با افزایش قیمت بنزین وسایل رفت و آمد عمومی مانند مترو را تقویت کند اما به دلیل اختلافات سیاسی و اختلافات سلیقه ای شاهد هستیم چند سال را از دست داده ایم و مردم را با مشکلات بسیار مواجه کرده اند. برای اجرای طرح هدفمند سازی یارانه ها کافی است دولت با یک بخش خوب و با یک

بخش بد باشد. به یک قسمت پول می‌دهد و به قسمت دیگر نمی‌دهد.

ضرورت برنامه‌ریزی در کشور این است که سلايق شخصی افراد را که گاهی به صورت اقرار آمیز و ملایم وجود دارد کنترل شود. از اولین ضروریتهای و وظائف برای تشکیل مجالس در دوران مشروطیت تا به امروز این بوده که کنترل و ضابطه‌مند کردن هزینه و درآمد دولت را نظارت کند. در جمهوری اسلامی و قانون اساسی نیز بیش از گذشته به این نقش مجلس توجه شد. اکنون اگر این بودجه (درآمد حاصل از حذف یارانه‌ها و افزایش قیمت حامل‌های انرژی) از نظارت دقیق مجلس خارج بماند نتیجه حاکم شدن سلیقه شخصی و ریخته و پاش فراوان است.

هنوز مردم در جریان حساب ذخیره ارزی و نحوه خرج کرد آن نیستند. اینکه چطور از حساب ذخیره هزینه شده شفاف نبوده و مردم اطلاعی از اینکه ۳۰۰ میلیارد دلار در آمد نفت در ۴ سال دولت نهم چطور و کجا

هزینه شد و نتایج آن چه بود ندارند. این مسایل هنوز برای مردم جای سوال است و یا اینکه دولت موظف بوده طبق برنامه چهارم قیمت ها را در هر سال به صورت متوازن افزایش دهد و تمهیداتی بیندیشد که افزایش قیمت ها بر زندگی مردم اثرگذار نباشد. این اقدامات انجام نشده و یک باره این طرح را به میان کشیده اند.

بنده کلاً به این لایحه بدبین هستم. البته برای کمتر شدن هزینه های مردم فکر می کنم مجلس با مقاومت باید حداقل نظارت خود بر هزینه ها را تثبیت کند تا اینکه از این بودجه برای عامه پروری یا تزریق پول در یک بخش ویژه مواجه نشویم. این مساله مهمی است که مردم و دست اندرکاران که در مجلس هستند یابند نسبت به آن حساس باشند که این مساله کوچکی نیست.

بیانیه‌ی پانزدهم بسیجی واقعی...

بسم الله الرحمن الرحيم

پنجم آذرماه سالروز تاسیس بسیج مستضعفان از سوی امام خمینی و فرصتی است تا این نهاد موثر در تاریخ انقلاب اسلامی در معرض نگاهی دوباره قرار گیرد. بسیج چه بود و چه هست و چه باید باشد؟ بسیج را چه چیز ساخت و چه چیز نامدار کرد و قهرمان تمامی سلیقه‌ها و گرایش‌ها در دوره‌ای از تاریخ معاصر این سرزمین قرار داد؟ آن سابقه درخشان و دستاورد بزرگ که بسیج نامیده شد با بودجه‌های کلان و سلاح‌های گران به دست نیامد. سازماندهی برتر نبود که از بسیج اسطوره ساخت

و قدرت نظامی نبود که توانایی های بسیج را شکل داد، بلکه نیت هایی پاک و عمیق این بنای بلند را برافراشت و اسوه هایی را پرورش داد که هنوز هرگاه از آنان نام برده می شود گویندگان و شنوندگان، یاران پیامبر (ص) را به یاد می آورند.

علاوه بر این، بسیج در تاریخ انقلاب نماد و نهاد شجاعت و ایستادگی ملت ماست. سی سال پیش از این امام بسیج مستضعفان را در مقابله با احتمال حمله نظامی ابر قدرت ها به وجود آورد و این موثرترین اقدام ممکن برای پیشگیری از آن خطر بود. در این سه دهه هیچ سلاحی وجود نداشت که قدرت های بزرگ و کوچک مخرب تر از آن را در اختیار نداشته باشند و تنها چیزی که آنان را از گزند رساندن به این خاک منصرف و یا پشیمان می کرد ملاحظه شجاعت مردمی بود که از قدرت قدرتمندان نمی ترسیدند و در دفاع از آرمان ها و حقوق خود کوتاهی نمی ورزیدند. بسیج قابی بود که این چهره از ملت ما را به نمایش می گذاشت.

و بسیج جلوه‌گاهی بود برای ظهور یکپارچگی اقشار و سلیقه‌های گوناگون مردم ما. زمانی که پدر دلسوز ما این نهال را غرس می‌کرد گفت: «کشوری که بیست میلیون جوان دارد، باید بیست میلیون بسیجی داشته باشد». چنین هدفی چگونه می‌توانست تحقق بیابد اگر بسیج به یک سلیقه یا نحله یا فرقه یا قشر تعلق پیدا می‌کرد؟ بلکه مقصود او از ارتش بیست میلیونی ایجاد آن ظرفی و رنگی بود که بتواند تمام، یا لاقلاً اکثریت عظیمی از رنگ‌های جامعه را در خود جمع کند؛ شبیه‌ترین چیز به پرچم‌های سالار شهیدان (ع) که هر ساله در کشور ما بلند می‌شود و همه اقشار مردم ما، حتی برخی از اقلیت‌های دینی را گرد خویش می‌آورد.

اگر بسیج به یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای تاریخی ملت ما تبدیل شد به خاطر توجه به چنین رمزهایی بود، والا از صرف یک نام چنین هنرهایی ساخته نیست؛ هنر تبدیل انسان‌هایی عادی به لشکر مخلص خدا، هنر پایدار ماندن و پیروز شدن با دستانی خالی و هنر محور

و مایه وحدت و سربلندی یک ملت تاریخی و بزرگ قرار گرفتن.

اینک نیز داستان همین است. نوعی از نام ها و نشانه ها، نوعی از کلمات و ظواهر، نوعی از لحن ها و لهجه ها، نوعی از جملات و طلسم ها.... نیستند که مدرسه های عشق و انسان های بزرگ می سازند. تمامی بسیجیان نامدار و گمنامی که ایمان و ایران به آنان افتخار می کند به صرف ادای چند حرف در میادین سابقین قهرمان نشدند. آنان در بوته قرار گرفتند. و در این جهان کیست که در بوته های فتنه آزموده نشود؟

احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا آمنا و هم لا یفتنون.
آیا مردم گمان کردند همین که بگویند ایمان آوردیم به حال خود رها می شوند و در فتنه ها آزموده نخواهند شد؟

و لقد فتننا الذین من قبلهم و لیعلمن الله الذین صدقوا و لیعلمن الکاذبین

به تحقیق کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم و خداوند خواهد دانست کسانی را که راست گفتند و خواهد دانست آنانی را که دروغ گویانند.

اینک نوبت به وارثان باقری‌ها و باقری‌ها رسیده است. نسل جدیدی که بسیجی نامیده می‌شود امروز در بوته تاریک‌ترین شبهه‌ها و فتنه‌ها قرار دارد. آیا این نسل جدید نیز شبیه به کسانی هستند که جنگ جمل را در رکاب امیرمومنان (ع) مبارزه کردند؟ یا این قیاس‌ها واهی است و کسانی که این گونه قیاس می‌کنند بسیج را ماشینی سرکوبگر می‌خواهند برای زدن و گرفتن و آزار و حتی قتل انسان‌هایی که تنها جرمشان دعوت به دادگری است؟ چه کسانی جواب این سوال را می‌دانند؟ هویت آن سازمانی که اینک بسیج مستضعفان نامیده می‌شود به راستی چیست؟ دستگاهی بی‌نیت که بفرموده چشمانش را می‌بندد و دست و پای خواهران و برادرانش را می‌شکند، یا نهادی مجهز به عمیق‌ترین بصیرت‌ها که می‌تواند در ظلمانی‌ترین شب‌های فتنه راه

را از بیراهه تشخیص دهد؟ شب فتنه روز کسانی است که در پاسخ به این پرسش ها مردد مانده اند.

اذا التبست علیکم الفتن قطع اللیل المظلم فعلیکم بالقرآن. پاسخ پیامبر (ص) را به تمامی این تردیدها بشنوید که وقتی فتنه همچون پاره های شب تاریک شما را فرا گرفت باید به قرآن رو کنید. قرآن شفیع است که اگر به سود کسی شفاعت کند از او پذیرفته خواهد شد و چون به رغم کسی شهادت دهد تصدیق می شود؛ کتابی که هر کس آن را پیشوا و پیشارو بگذارد به بهشت می رود و کسانی را که به آن پشت کنند به سوی دوزخ می راند؛ کتابی که به سوی بهترین راه هدایت می کند؛ کتابی که به روشنی و صراحت ما را فرمان می دهد تا با راستگویان باشیم.

یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین
ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا پروا کنید و با راستگویان باشید.

ولی اگر معلوم بود کدام گروه راستگو هستند که شب فتنه به پایان می‌رسید. در عین حال این قدر معلوم است که راستگویان دروغ نمی‌گویند. کسانی که در مبارزه سیاسی اصلی‌ترین شیوه‌شان دروغ گفتن است حتماً راستگو نیستند؛ تقوا در همدستی با آنان و ایمان سازگار با پیروی‌شان نیست. آیا در این چند ماهه هیچ دروغی نشنیده‌اید؟ ای جماعت مومنان! تقوا کنید و با راستگویان باشید.

بسیج چه بود و چه خواهد بود و چه باید باشد؟ بسیجی که امام می‌خواست در مقابل ملت قرار نمی‌گرفت، بلکه در کنار مردم و پشت‌سر آنان بود؛ بسیجی که فراتر از جناح‌ها عمل کند و بازوان بلندش همه اقشار را در بر بگیرد؛ بسیجی که از دوستی مردم لذت ببرد؛ بسیجی که به دنبال رفاقت و محبت و یگانگی مردم باشد؛ بسیجی که بدون توجه به اختلافات سلیقه‌ای خود با دیگران حافظ عرض و ناموس‌شان باشد، که آنان یا برادر او در دینند و یا نظیر او در

آفرینش؛ بسیجی که حرمت حریم‌های خصوصی مردم را حفظ کند. امام بسیج را به عنوان ابزاری برای قدرت حاکمان نمی‌خواست، بلکه نهادی برای قدرت مردم می‌دید تا حاکمیت آنان بر سرنوشتشان تضمین نماید. قرار بود رفتار و اندیشه بسیجی در مردم اثر کند، نه آن که قدرت بسیج بر سر مردم فرود آید. قرار نبود بسیج جیره‌خوار دولت شود و به ازای دستگیر کردن مردم در اجتماعات پاداش سرانه بگیرد. افسوس بر بسیج اگر تا حد یک حزب سیاسی تنزل کند؛ این آن چیزی نیست که امام ما برای بسیجیان می‌خواست. قرار نبود بسیج به دستگاهی تبدیل شود که اختیار انتخاب و آزادی رای را از مردم بستاند.

برادران بسیجی من! کدام عیب و کاستی در آرزوهای امام برای بسیج وجود داشت که از آنها کناره گرفته شود؟ و چرا باید چهره‌ای که با زحمات گذشتگان شما پدید آمد به کدورت‌ها آلوده گردد؟ شما خود با مردمید و از مردمید. مفاهیمی که فطرت مردم آنها را می‌پسندد

چرا باید در نزد برخی از دوستان بسیجی ما نفرت ایجاد کند؟ کدام زشتی در نام‌هایی چون آزادی وجود دارد که وقتی بر زبان می‌آید قلب بعضی از آنان را مشمئز می‌کند، گویی که نام بزرگترین گناهان باشد؟ حال آن که هنوز بزرگترین میعادگاه‌ها در اکثر شهرهای ما به نام آزادی خوانده می‌شوند. مگر نمی‌گوییم عنوان‌هایی چون حقوق بشر، حقوق زنان، حقوق اقلیت‌ها، و امثالشان محمل‌هایی است تا قدرت‌ها ریاکارانه خویشتن را به آنها الصاق کنند و سیمایشان را زیبا جلوه دهند؟ چرا آنهایی که قاعدتا باید صاحبان اصلی و اصیل چنین آرمان‌هایی باشند از آنها فاصله می‌گیرند؟ مگر می‌خواهند مکتب‌شان کریه جلوه کند؟ چرا این مفاهیم را لعن می‌کنیم و ملاک بی‌دینی قرار می‌دهیم؟ دینی که چونان یک بوته گل دلخواه برای بشر ارمغان آورده شد، از بس که آموزه‌هایش ملایم و موافق با فطرت بود. مبادا آن را تبدیل به یک بوته خار کنیم تا هر کس با هر گوشه از آن تماس می‌گیرد زخمی

شود؛ زخم‌هایی از نوع آنچه جوانان ما در خیابان‌ها می‌بینند.

بسیج نیز سی سال پیش از این همچون یک بوته گل و یک پارچه

نور متولد شد. آیا اگر کسی رجعت به آن عهد نورانی و نخستین را بخواهد به انقلاب پشت کرده است و دست به براندازی نظام زده است؟ آیا اگر کسی بازگشت به نسخه اصیل انقلاب اسلامی را طلب کند، آیا اگر کسی خواستار آن اسلام ناب محمدی که امام منادی و معرف آن بود باشد و از خرافه پرستی‌ها و قشری‌گری‌هایی که با نام دین به مردم فروخته می‌شود بیزاری بجوید، آیا اگر کسی اجرای بدون تنازل قانون اساسی را دنبال کند، آیا اگر کسی از وفاداری به عهدهای ایمانی و انسانی پرسد جز به دادگری فراخوانده است؟ آیا چنین کسانی باید در خیابان‌ها کتک بخورند، در زندان‌ها شکنجه ببینند و به حبس‌های طولانی مدت محکوم شوند؟ آیا

اسلام و قرآن اجازه می‌دهد مردمی که با مسالمت
 حاکمانشان را به عدالت امر می‌کنند کشته شوند؟
 و يقتلون الذين يامرون بالقسط من الناس فبشرهم
 بعذاب الیم

و مردمی را که به دادگری امر می‌کنند به قتل
 می‌رسانند، پس آنان را به عذابی دردناک بشارت ده.
 بسیج چه بود و چه خواهد بود اگر به مسیری که
 پیش‌رویش گذاشته شده است ادامه دهد؟ آن نیرویی
 که یک زمان نماینده شجاعت ملت ما بود آیا اینک به
 کار گرفته شود تا ایرانیان را بترساند؟ کاملاً پیداست که
 آخرین و تازه‌ترین راهبرد اقلیت اقتدارطلب ایجاد
 هراس در مردم است. آیا لباس‌های مخوف می‌پوشند و
 در خیابان‌های شهر آرایش‌های نظامی به خود می‌گیرند
 تا هم‌وطنانشان را مرعوب کنند؟ یا مردم را می‌ترسانند
 چون خود می‌ترسند؟ یا فرزندان انقلاب را به هفت سال
 و ده سال و پانزده سال زندان محکوم می‌کنند تا به خود
 تسلی داده باشند؟ و فکر نمی‌کنند که با این رفتارهای

کوتاه بینانه چگونه امنیت ملی کشور را در معرض خطر قرار می دهند.

کافی است مردم بترسند تا پای قدرت ها به مرزهای این بوم باز شود. کافی است سمعه شجاعت این ملت خدشه دار گردد و بیگانه در دلاوری و استواری آنان تردید کند تا خواب های سی ساله تعبیر شود. به دو کشور همسایه ما که اینک در اشغال خارجی قرار دارد نگاه کنید. در هر دو آنها نخست مردم ترسانده شدند و ترسیدند. ظاهرا قدرت ها با شعار آزادی بخشی به این دو کشور قدم گذاشتند، در عین حال که وقتی ابوغریب ها را به راه می انداختند طمع خویش را در چهره های وحشت زده مردم پنهان نکردند. آنها با صراحتی که بیشتر از آن ممکن نبود به مردم این دو کشور می گفتند شما همان هایی هستید که از صدام و طالبان وحشت داشتید، پس اینک حق آن است که از سلاح های رعب انگیزتر ما بیشتر بترسید. حتی تروریست های افراطی هنوز به آن امید که بتوانند همچون خونخواران پیش از

خود بر هراس مردم این کشورها حکومت کنند آنان را بیرحمانه می‌کشند. قربانیان ددمنشی‌های صدام و طالبان هنوز دارند تاوان ترس خود را می‌پردازند، کما این که ملت ما هنوز امنیت و آرامش خویش را مرهون شجاعت و استحکامی است که در طول سی سال گذشته به نمایش گذاشت.

حال کسانی در داخل کشور می‌خواهند این سرمایه را از ما بگیرند. در مقابل نمایش‌های آنان مردم یا نمی‌ترسند، که نمی‌ترسند، و این آخرین حربه هم از آنان سلب می‌شود، و یا خدای ناکرده می‌ترسند. در آن صورت آیا اسباب‌بازی‌های جنگی از تمامیت این کشور حفاظت خواهد کرد؟

بسیج در تاریخ معاصر ما نه فقط یک نام، بلکه یک عملکرد بود که هرگز از آن بی‌نیاز نمی‌شویم؛ تا جایی که اگر معدودی از متصدیان این عملکرد ماموریت‌های خود را فراموش کنند لازم است ما مردم خود آنها را بر عهده بگیریم. ضرورتی، حتی به مراتب مهم‌تر از

آرمان های جنبش سبز ما را مجبور می کند که اجازه ندهیم کسی در ترسیدن ما طمع کند.

و بدانیم که بالاتر از سیاهی رنگی نیست. ترساندن آخرین تیر ترکش است. مخالفانتان اشتباه کردند و در مقابل مسالمت و مقاومت شما آن را به کار بردند تا اگر کارگر نشود چاره دیگری نداشته باشند. چاره راستین آنها هم خود شمايید، روزی که از مخالفان خود پرسید آیا پرچم های رنگارنگ شما نیز به معنای اصرار بر اجرای بدون تنازل قانون اساسی است، و اگر آری گفتند آنها را بپذیرید. آن روز وقتی است که همه با هم سبز می شویم.

میر حسین موسوی

۴ آذر ۱۳۸۸

دیدار با جمعی از مردم در عید سعید غدیر خم
جامعه علوی به رنگ سبز انداختن نیست.

۱۵ آذر ۱۳۸۸

همزمان با عید سعید غدیر خم جمعی از مردم،
چهره‌های سیاسی و شخصیت‌ها با حضور در دارالزهرا
با میرحسین موسوی و همسرش زهرا رهنورد دیدار و
عید سادات را به آن‌ها تبریک گفتند.

به گزارش کلمه، مهندس میرحسین موسوی در این
مراسم با تبریک عید غدیر خم با بیان اینکه این عید
همزمان با شرایط ویژه‌ای که در کشور وجود دارد، شده
است تصریح کرد: یکی از ویژگی‌های ایام الله و روزهای
خدا این است که متاثر از شرایط فعلی این مناسبت‌ها
دوباره باز تفسیر می‌شوند و معناهای جدیدی از آن‌ها

درک می کنیم عید غدیر امسال هم از این امر مستثنی نیست.

نخست وزیر محبوب امام گفت: یکی از شعارهای مهم اوایل انقلاب؛ برابری، برادری و حکومت عدل علی؛ بود که همه در ابتدای انقلاب دنبال تحقق این شعارها بودیم. حکومت علی (ع) برای همه افرادی که در آن دوران به خیابان ها آمدند الگو بود چه آن ها که خیلی مذهبی بودند و چه آن ها که کمتر به این امور توجه داشتند.

وی با اشاره به شیوه حکومت داری و مشی علی (ع) در زندگی و رفتار با دیگران تصریح کرد: ابعاد زندگی حضرت علی (ع) آنقدر خاص و مهم است که حتی یک مسیحی با چاپ کتابی تمام ویژگی های و شخصیت ایشان را مورد توجه قرار داده است.

مر حسین موسوی تاکید کرد: ملت ایران شایسته ترین ملت بود که به زندگی حضرت علی نگاه کند و آن را مشی خود قرار دهد.

وی افزود: امروز بیش از همیشه نیاز داریم که به آن الگو و فضا مراجعه کنیم زیرا در آن مشی و روش عدالت، آزادی، برابری را برای همه مردم می‌خواست.

وی با اشاره به برخی وقایع تاریخی در دوران زندگی حضرت علی (ع) گفت: بارها درباره دادگاهی که حضرت علی (ع) با یک فرد یهودی در آن حضور پیدا می‌کند شنیده‌ایم. وقتی احترامی بیش از فرد یهود به حضرت گذاشته می‌شود ایشان اعتراض می‌کنند. یا اینکه دلسوزی حضرت علی نسبت به فقرا بارها در تاریخ مورد تاکید قرار گرفته است. امام علی (ع) حتی رعایت شمع بیت المال را نیز می‌کرد. و از شمع بیت المال برای امور شخصی خود استفاده نمی‌کردند.

آخرین نخست وزیر کشورمان گفت: بسیاری از ویژگی‌ها و مشی حضرت علی و بسیار موارد دیگر در ذهن مردم ما باقی مانده است چرا که این موارد برای تحکیم جامعه‌ای که باید بر اساس این معیارها شکل می‌گرفت تعیین کننده بود.

وی با تاکید بر اینکه هم اکنون بیش از هر زمان دیگری نیاز داریم تا جامعه خود را با آن دوره و مشی مقایسه کنیم گفت: محکمه ها، دادگاه و زندان های خود را با آن زمان مقایسه کنیم.

وی افزود: شب شهادت حضرت علی (ع) را به یاد آوریم که به فرزندان خود درباره ابن ملجم (قاتل) خود چه سفارشی کرد که اگر حضرت زنده می ماند چه رفتاری با ابن ملجم شود و اگر حضرت به شهادت رسید با او چگونه برخورد شود.

مهندس موسوی تصریح کرد: جامعه می خواست چنین ویژگی هایی در حکومت دنبال شود. اگر حکومتی نتواند همانند حضرت علی عمل کند باید حداقل گرایشی به سمت مشی ایشان در خود نشان دهد که متوجه شویم به آن سمت مایل است نه اینکه در شب عید غدیر فرد بیماری را که عمل جراحی کرده و مشکل دارد را به زندان برگرداند. این ها با سیره حضرت علی (ع) هیچ انطباقی ندارد.

وی تاکید کرد: ما که افتخار داریم تا حکومت علی (ع) را الگوی خود قرار دهیم بنابراین باید بارقه‌هایی از آن را در زندگی خود ببینیم.

موسوی با طرح این سوال که آیا شرایط امروز برگرفته از زندگی و مشی حضرت علی است؟ گفت:
جامعه علوی به رنگ سبز انداختن نیست. جامعه علوی با تعهد در مقابل مردم، با عدل و انصاف، با مردم داری و شفقت به مردم به دست می‌آید.

وی به خاطره‌ای اشاره کرد و گفت: چند سال پیش شورای انقلاب فرهنگی سالی را به عنوان سیره حضرت علی (ع) نامگذاری کرد تا این راستا کارهای فرهنگی صورت گیرد. در آن دوران وزارتخانه‌ای نهج البلاغه چاپ و نسخه‌ای را هم برای من فرستاد اما این نهج البلاغه چنان سنگین بود که به سختی می‌شد آن را بلند کرد. مشخص شد چاپ این کتاب تنها زینتی است که من آن نهج البلاغه را نگه نداشتم.

موسوی افزود: آیا ما از سیره علی (ع) چاپ نهج البلاغه‌های بزرگ که نتوان آن‌ها را خواند و فهمید و فقط برای زینت است را یاد گرفته‌ایم؟ یا واقعا به دنبال عدل و عدالت علی (ع) هستیم.

وی تاکید کرد: زندگی علی (ع) امروز و در این عید غدیر برجسته‌تر از همیشه به خاطر ما می‌آید و آرزو و دعا می‌کنیم در این روز همه ملت ایران، مسئولان و همه آنهایی که در راه مبارزه گام برداشته‌اند به سمت سیره حضرت علی (ع) هدایت و از دل به سمت جامعه حرکت کنند.

وی در پایان تصریح کرد: باید توجه داشت همانطور که در روایات آمده است یک جامعه، حکومت و یا نظام با کفر باقی می‌ماند اما با ظلم باقی نمی‌ماند.

به گزارش کلمه، در این مراسم برخی چهره‌های سیاسی همچون علی اکبر محتشمی‌پور، شکوری راد، محمد نعیمی‌پور، دکتر واعظ مهدوی، دکتر حاضری،

خانواده‌های زندانیان سیاسی همچون خانواده دکتر
میردامادی، مصطفی تاجزاده و حضور داشتند.

بیانیه‌ی شانزدهم - شانزده آذر

در میدانِ وجدان‌های مردم، خاکریزهایتان در حال سقوط است

بسم الله الرحمن الرحيم

عید سعید غدیر را به ملت مسلمان ایران تبریک می‌گوییم و از خداوند متعال نزدیک شدن به آرمان‌های صاحب غدیر را برای آنان و تمامی مسلمانان جهان مسئلت می‌کنم. در این عید شیعیان برای هم برکت و بهروزی آرزو می‌کنند و از یکدیگر تحفه‌هایی را می‌طلبند که به تحقق چنین آرزوهایی کمک کند و متضمن سرانجامی نیکو برای ملت و کشور خصوصا در شرایط بحران زده کنونی باشد. چنین انتظاری از ما نیز

هست و حتی اگر این انتظار وجود نداشت برآورده کردن آن وظیفه‌ای بر عهده ما بود. برای این منظور کاری که از ما برمی‌آید صمیمیت در خیرخواهی است، حتی اگر آن را نپذیرند، و پایداری در دوراندیشی است، حتی اگر چنین نامی بر آن نگذارند. خطرهایی بزرگ‌تر از آن در پیش است که چه ما و چه دیگران از خویشتن یاد کنیم و واقعیت‌هایی سترگ‌تر از آن در برابر قرار دارند که با نادیدن ناپدید شوند. با استمداد از لطافتی که فضای عید ایجاد کرده است و با استفاده از فرصتی که روز شانزدهم آذر به وجود می‌آورد چه چیز بهتر از پرداختن به آنچه می‌تواند داروی درد امروز باشد؛ دارویی که الزاما تلخ نیست، اگر پیشداوری‌ها را کنار بگذاریم.

روز دانشجو در پیش است. در تاریخ معاصر ما جنبش دانشجویی همواره نوعی پرچم و گواه برای حرکت مردم بوده است. در روزهای تلخ بعد از کودتا و در تاریک‌ترین برهه از تاریخ ملت ما، زمانی که همه آرزوها برباد رفته

به نظر می‌رسید آنچه در شانزدهم آذر ۱۳۳۲ روی داد شاهدهی بود که معلوم می‌کرد روح مردم و خواسته‌های تاریخی‌شان هنوز زنده است. آن «سه قطره خون» و آن «سه آذر اهورایی» که روز دانشجو را پایه گذاشتند، اگر پس از نیم قرن هنوز از تازگی، درخشندگی و اهمیت برخوردارند، به خاطر آن است که نسبت به وجود و حیات واقعی عظیم‌تر در جان مردم شهادت دادند. این گواهی در سال‌ها و نسل‌های پس از آن نیز از سوی جنبش دانشجویی ادامه داشت و هنوز ادامه دارد. جامعه به دلایل بسیار گرایش‌های در حال تکوین در بطن خویش را پیش چشم کسانی که تنها به ظاهر آن می‌نگرند نمایان نمی‌کند. دگرگونی‌های بزرگ معمولاً متهمند که یک‌باره روی می‌دهند و از بازیگران سیاسی فرصت هماهنگ شدن با خود را دریغ می‌کنند. البته در حقیقت هیچ تحولی دفعتاً تحقق نیافته است؛ تنها بروز و ظهور تغییرهاست که شکلی دفعی دارد. در چنین

شرایط گواهانی که از اعماق ناپیدای جامعه خبر می‌دهند به راستی ارزشمندند.

جنبش دانشجویی در تاریخ معاصر ما همواره حاوی گزارش‌هایی از شکل‌گیری جریان‌های عمیق سیاسی و اجتماعی در متن جامعه بوده است. این نقشی است که اگر حاکمان با درایت برخورد می‌کردند می‌توانست و می‌تواند برای عبور کم‌هزینه به سمت توسعه و پیشرفت بیشترین بهره‌ها را برساند، اما آنان خشمگینانه این نشانگر ذی‌قیمت را می‌شکنند؛ آنان دوست دارند به خود تسلی دهند که حرکت‌های دانشجویی جز غوغای چند جوان پرسروصدا نیستند که اگر خاموش شوند صورت مسئله از اساس پاک خواهد شد؛ داستانی تکراری از انکار واقعیت‌ها و تلاش برای تولید و تفسیر اطلاعات مطابق میل دولتمردان که تقریباً هیچ عهد تاریخی بدون شمه‌ای از آن پایان نیافته است. ان هولاء لشرذمه قلیلون، (گفتند که) اینها گروهی ناچیزند (به قول امروزی‌ها خس و خاشاکی بیش نیستند)، و انهم لنا

لغائظون، و آنها ما را به خشم می آورند، و انا لجميع حاذرون، و ما همگی در آماده باش به سر می بریم، فاخر جناهم من جنات و عیون، پس خداوند آنان را از باغ ها و چشمه سارها بیرون کرد، و کنوز و مقام کریم، و از گنج ها و از جایگاه دلپسند.

چه تلخ است اگر پس از این همه عبرت های دور و نزدیک مشابه این خطا هنوز در رفتار کسانی دیده شود؛ آنهایی که اصرار دارند بگویند مردم دیگر ساکت شده اند و فقط دانشجویان مانده اند؛ در دانشگاه ها هم فقط تهران نا آرام است، از تهران هم فقط دانشگاه های مادر هیاهو می کنند، آنجا هم کانون جنبش و جوشش، چند نفر جوان غریبند که اگر آنها را به اخراج از خوابگاه و محرومیت از تحصیل تهدید و محکوم کنیم داستان تمام می شود. خوب! تمام این کارها را کردید، پس چرا داستان تمام نشد؟ زیرا حرکت دانشجویی گواه بر واقعیت هایی بزرگتر از خویش است. ای کاش قدر آن را می دانستند، از پیش آگهی هایی که درباره تحولات

دور و نزدیک می‌دهد درس می‌گرفتند و خود را با این تغییرات هماهنگ می‌کردند، خصوصاً اینک که دانشجویان نه مستوره‌ای کوچک از مردم، که یکی از وسیع‌ترین و فعال‌ترین قشرها را تشکیل می‌دهند. در حال حاضر از هر بیست ایرانی یک نفر دانشجویست. متصدیان امور اگر پیش از این به نقش آنان به عنوان گواه فردا توجه کرده بودند اینک در چنین بحرانی قرار نداشتند.

البته این یک قاعده دوسویه است. حرکات دانشجویی هم به اندازه‌ای که از تمایلات واقعی جامعه خبر بدهند نیرومند و ریشه‌دارند، زیرا قدرت نهادهای اجتماعی در گرو پایبندی به ضرورتی است که آنها را ایجاد و ایجاب می‌کند. نسل ما آن زمان که در حرکات دانشجویی شرکت داشتیم به روشنی می‌دید که پیوند با متن جامعه تا چه حد در توانایی‌هایش موثر است. در آن زمان گرایش‌های بسیاری میان دانشجویان به چشم می‌خورد. اگر انجمن‌های اسلامی از همه قوی‌تر بودند به

خاطر آن بود که از واقعیت‌های اجتماعی بیشتر نمایندگی می‌کردند.

بسیاری از فعالان دانشجویی امروز، گردانندگان فردای جامعه خواهند بود و این دلیلی مضاعف است تا مظهریت از واقعیت‌های اجتماعی را از دست ندهند. قدرت و سرزندگی آنها در گرو این رمز است. راز موفقیت سیاستمداران نیز همین است. آنها تا اندازه‌ای که بتوانند خواست‌ها و تمایلات جامعه را بشناسند و با آنها منطبق شوند، بلکه تجلی و گواه آنها قرار بگیرند، قادرند به کشور خود خدمت کنند، یا لاقلاً قدرتمند باقی بمانند. و این تصور که کسی می‌تواند به رغم گرایش‌های مردم بر آنان حکومت کند بیشتر از یک توهم نیست. حتی زمانی که یک دولت موفق می‌شود با تکیه بر نیروی سرکوب موجودیتش را حفظ کند فی‌الواقع از انطباق خود با آمادگی جامعه برای تمکین در برابر زور ارتزاق کرده است، گرچه این تمکین هم تا ابد نمی‌پاید.

جامعه ما اینک شگرف‌ترین تحولات را تجربه می‌کند؛ بعد از حوادثی که چند ماه گذشته به خود دید کیست که بتواند این حقیقت را انکار کند؟ ماهیت دقیق این دگرگونی چیست؟ این بزرگترین سوال برای ما و برای مخالفان ماست. آنان نیز اگر بدانند که چه رویداد عظیم و مبارکی در راه است، کلاه‌خودها و چوب‌دستی‌هایشان را کنار می‌گذارند و به دنبال ابزارهایی برای پرستاری از این گیاه پاک که در خاک ما جوانه زده است می‌روند.

در میان زیبایی‌های بسیاری که روزهای پیش از انتخابات را نورانی می‌کرد زیباترین پدیده جمع شدن مردمی از سلیقه‌های گوناگون گرداگرد هم بود. آنها برای آن که به این کار موفق شوند تفاوت‌ها و تنوع‌هایشان را کنار نمی‌گذاشتند، بلکه به رسمیت می‌شناختند. کسی لازم نمی‌دید که برای شرکت در این یکرنگی هویت خویش را از دست بدهد و دیگری شود. در آن یگانه‌شدن‌ها حظی وجود داشت که فطرت‌هایمان می‌پسندید. آن زنجیره‌های سبز انسانی که شهرهای ما

را فرا گرفت نمایشی تهی از حقیقت نبود. قرار نبود بعد از آن که از پل گذشتیم به سرنوشت یکدیگر اهمیت ندهیم و جانهایمان نمیخواست که پس از چشیدن طعم آن یگانگی از نو پراکنده شویم. چنین چیزی بدون تردید نشانه‌ای از طلوع بزرگی و رشد در حیات یک ملت است.

بزرگی یک ملت در ثروتمند بودن یا قدرتمند شدن نیست؛ اینها فقط بخش کوچکی از آثار آن است. بزرگی یک ملت در عظمت جان اوست. بزرگی به آن است که بتوانیم امور ظاهرا ناسازگار را با هم داشته باشیم. خانه کوچک مکانی است فقط برای «من»، اما در خانه بزرگ برای دیگران هم جا وجود دارد. کارفرمایی که جانش کوچک بود فکر می‌کرد جز با تجاوز به حقوق کارگران نمی‌تواند مالی بیندوزد، حال آن که کارآفرین بزرگ تنها راه سود بردن را سود رساندن می‌بیند. همین‌گونه است تفاوت کارگر کوچک و کارگر بزرگ. به هزار دلیل تنها راه بهره‌مند شدن این است که همه با هم بهره‌مند

شوند، اما کسانی که کوچکند ظرفی ندارند که در آن دیگری هم بگنجد. همچنین است تفاوت دینداری که بزرگ است و دینداری که کوچک است. دیندار بزرگ امام صادق (ع) است که در خانه خدا می‌نشیند و با منکر خدا حکیمانه گفتگو می‌کند. حقیقت خانه خدا همان قلب اوست که برای همگان جا دارد و برای همه حق قائل است؛ حق زیستن، حق شنیدن، حق برگزیدن، حق اشتباه کردن، حق بزرگ بودن. آری بزرگ بودن، و الا بزرگ به کوچک چه کار دارد؟ غیردیندار را در جایگاهی می‌بیند که می‌تواند به زیبایی‌های دین رو کند، اگر نتوانسته است حقیقتی را بیابد احتمال درک آن را از سوی دیگری نادیده نگیرد، یا می‌تواند کوچک باشد و هر چیزی را که نچشیده است انکار کند؛ هر چیزی را که درک نمی‌کند ترک کند و بی‌آن که بنشیند و برای فهمیدن گوش بدهد، عقاید دیگران را بی‌اساس بخواند.

ملت ما اینک دارد نشانه‌های بزرگی خود را به نمایش می‌گذارد؛ آن تحول شگرفی که جامعه ما در تکاپوی تجربه آن است این است. البته چیزی که اهمیت دارد خود این بزرگی است و نه نشانه‌های آن. نشانه‌هایش را باز می‌گوییم تا خود آن را باور کنیم که چونان بهار از راه می‌رسد و حیات ما را دیگرگون می‌کند؛ تا به مبارکی آن ایمان بیاوریم و از تغییراتی که ایجاد می‌کند نترسیم. این همان رشدی است که انقلاب ما به امید آن بنا نهاده شد. چندی گذشت و از آن غافل شدیم، ولی پروردگارمان غافل نشد. بذری را که سی سال پیش از این با هزار امید در خاک خود کاشته بودیم پرورش داد تا اینک که جوانه‌هایش را پیش‌رویمان قرار داده است.

نشانه‌های بزرگی یک ملت شبیه به صفاتی است که از یک انسان رشید انتظار می‌رود. کسی که آرمان ندارد هیچ نمی‌ارزد، اما کیست که بتواند در عین آرمان‌گرایی ارتباط خود را با واقعیت‌ها از دست ندهد؟ یک انسان رشید؛ و یک ملت بزرگ. اگر مردم علی‌رغم تمامی

صحنه‌های تلخی که در این چند ماهه دیده‌اند همچنان اجرای بدون تنازل قانون اساسی را شعار محوری خود می‌دانند به آن خاطر نیست که اگر چیز دیگری بخواهند به آنها داده نمی‌شود. تنها و تنها حکمت و واقع‌بینی مردم بود که اجازه نداد رفتار زشت حاکمان به واکنش‌های عصبی و لجام‌گسیخته بیانجامد.

به عنوان مثالی دیگر صفت شجاعت را در نظر آورید. شهادتی که یک انسان رشید (مثلا یک پدر در دفاع از فرزندش) نشان می‌دهد همراه با هیاهو نیست، مانع از دوراندیشی و مستلزم قبول هزینه‌های بی‌دلیل نیست، اما هول‌انگیزتر و اثرگذارتر از زور بازوی دیگران است. آیا مشابه این کیفیت را در شجاعتی که مردم ما به نمایش می‌گذارند مشاهده نمی‌کنید؟

به عنوان مثالی دیگر انعطاف یک انسان رشید به معنای وادادگی نیست، بلکه بدان معناست که او برای رسیدن به مقصود خود پر از راه‌حل‌های گره‌گشاست. در طول شش ماه گذشته هر روز روزنه‌هایی که مردم

می‌گشودند بسته می‌شد و آنان هربار بدون آن که به رودرویی کشیده شوند یا آرمانشان را کنار بگذارند راه‌حل‌های جدید خلق می‌کردند.

به عنوان مثالی دیگر به صبر و متانتی که در حرکت مردم وجود دارد نگاه کنید؛ خواسته‌هایشان را چنان با حوصله‌ای زندگی می‌کنند که گویی می‌توانند صد سال آنها را زندگی کنند؛ حوصله‌ای که مخالفانشان را خسته کرده است، حوصله‌ای که از رشد حکایت می‌کند.

و به عنوان مثالی دیگر انسان رشید کسی است که اعتماد به نفس دارد؛ یعنی نسبت به ارزش‌های وجودی خود آگاه است. برای زمانی طولانی ما این‌گونه نبودیم. سرهای ما فروافتاده بود. دو قرن وابستگی خودباوری را از ملت ما گرفته بود، تا این که انقلاب ترمیم این باروی فروریخته را آغاز کرد. ولی آیا بلافاصله به این هدف رسیدیم و عمق روح خود را از آن لطمه‌های تاریخی پاک کردیم؟ پس چرا وقتی هنرمندانمان در جهان مورد تحسین قرار می‌گرفتند متعجب می‌شدیم؟ انگاری

احتمال هم نمی‌دادیم که از ایرانی هنری سر بزند، یا اگر بدبین بودیم بی‌باور به آن که ممکن است کمترین نکته قابل ستایشی در ما وجود داشته باشد به دنبال ردپای توطئه می‌گشتیم. آیا اگر یک انسان رشید هم مورد تحسین قرار گیرد این‌گونه واکنش نشان می‌دهد؟ یا او از فضائل خویش آگاه است، به قدری که تمجیدها نه جانش را ذوق زده می‌کند و نه مسیرش را تغییر می‌دهد. در چند ماه گذشته ملت‌ها ایرانیان را بسیار ستودند، اما واکنش مردم ما را در مقابل این تحسین‌ها با گذشته مقایسه کنید تا ایمان بیاورید که جان جامعه ما دارد نشانه‌های عظمت را تجربه می‌کند.

در سند چشم‌انداز بیست ساله آمده است که ایران باید در سال ۱۴۰۴ قدرت اول منطقه باشد. آیا قرار است در آن سال ما به منطقه و جهان راست بگوییم که قدرت بزرگی هستیم یا دروغ بگوییم؟ آیا قرار است در حالی که هنوز بزرگ نشده‌ایم لباس‌های بزرگ بپوشیم تا عظیم به نظر برسیم؟ آیا قرار است در سطح کشورهای

منطقه طرح های عمرانی نیمه کاره افتتاح کنیم، یا سفرهای شکست خورده مان را با امدادهای رسانه ای پیروزی بنامیم، یا خود را کانون دائمی جنجال ها قرار دهیم، یا با تحقیر دیگران و توهین به آنان ادعای عظمت کنیم؟ یا قرار است واقعا قدرتمند باشیم؟ این سوال را از آنجا می پرسیم که یک کشور تنها زمانی بزرگ است که ملتی بزرگ داشته باشد.

دعایمان مستجاب شد و ملت با تکیه بر زانوان خود به بلوغ و رشدی که شایسته او بود رسید، منتهی مشکل آن است که یک ملت بزرگ نمی نشیند تا در روز روشن رایش را ببرند و هیچ نگوید. یک ملت بزرگ انتخابات درجه دو انتصابی را تحمل نمی کند. وقتی که یک ملت بزرگ می شود دیگر خدمتگزارانش اجازه ندارند به او بگویند چه باید بخورد و کجا باید برود و چه کسی را برگزیند و به چه چیز و چه کسی اعتماد کند. یک ملت بزرگ از شورای نگهبان انتظار دارد آنها را قانع کند که تقلبی در انتخابات روی نداده است، نه آن که تنها یک

ادعا پیش رویشان بگذارد و ادعای خود را باطل کننده انبوهی از مشاهدات و مستندات بداند.

از ما می خواهند که مسئله انتخابات را فراموش کنیم، گویی مسئله مردم انتخابات است. چگونه توضیح دهیم که چنین نیست؟ مسئله مردم قطعا این نیست که فلانی باشد و فلانی نباشد؛ مسئله آنها این است که به یک ملت بزرگ بزرگی فروخته می شود. آن چیزی که مردم را عصبانی می کند و به واکنش وا می دارد آن است که به صریح ترین لهجه بزرگی آنان انکار می شود.

مگر نمی خواهید که ما نباشیم و شما باشید؟ راهش توجه به این واقعیت است؛ مردم با زید و عمرو عهد اخوت ندارند و آن کسی را بیشتر می پسندند که حق بزرگی آنان را کامل تر ادا کند. این مسئله ای است که توجه به آن نه فقط گره انتخابات، که هزار گره دیگر را نیز می گشاید. و اگر بنا باشد حل نشود آرزو کنید که دامنه های مشکل در یک انتخابات، محدود بماند.

برادران ما! اگر از هزینه های سنگین و عملیات عظیم خود نتیجه نمی گیرید شاید صحنه درگیری را اشتباه گرفته اید؛ در خیابان با سایه ها می جنگید حال آن که در میدان وجدان های مردم خاکریزهای تان پی در پی در حال سقوط است. ۱۶ آذر دانشگاه را تحمل نمی کنید. ۱۷ آذر چه می کنید؟ ۱۸ آذر چه می کنید؟ چشمانی را که در صحن دانشگاه به رزمایش های بی فایده افتاده و آنها را نشانه ترس یافته چگونه تسخیر می کنید؟ اصلاً همه دانشجویان را ساکت کردید؛ با واقعیت جامعه چه خواهید کرد؟

اینها سخنانی است که ما از روی خیرخواهی می گوئیم و شنیده نمی شود. اگر می شنیدند راه پیروزی خیلی نزدیک می شد؛ آن پیروزی را می گوئیم که عبارت از غلبه یک حزب نیست، بلکه فراگیر شدن بلوغ یک ملت است؛ آن پیروزی که انسان ها را همچون جوانه های یک مزرعه یکی یکی و گروه گروه بزرگ می کند و بی آن که لازم باشد هویت خود را از دست بدهند سبز می کند، تا

جایی که خود زندانبان از کارهایی که می‌کند خجالت بکشد.

اخیرا شنیدم بسیج دانشجویی یکی از دانشگاه‌ها در مراسم خود برای مخالفان هم فرصت سخن گفتن قرار داده است؛ این یک شروع خوب است. یا شنیدم که در عید غدیر مخالفان مردم به یکدیگر شال سبز هدیه می‌دهند. از دیدگاهی که این همراه شما می‌نگرد این را بزرگترین عیدی است. زیرا این ما نبودیم که سبز را انتخاب کردیم، بلکه سبز بود که ما را برگزید. آیا ممکن است که این رنگ، برادران ما را نیز برگزیند؟ آری ممکن است، زیرا ذی‌جود کسی است که به حيله حيله‌زننده نگاه نمی‌کند، و راه سبز شدن بر هیچ کس بسته نیست.

میرحسین موسوی

۱۵ آذر ۱۳۸۹

پیام به همایش سبز ترین فصل سال در دانشگاه تهران*

دانشجویان از مستضعفان بی خبر نباشند...

بسم الله الرحمن الرحيم

من خوشحالم که یک بار دیگر با شما دانشجویان عزیز صحبت می کنم و درودها و سلام های گرمم را به شما می رسانم. این اولین بار نیست که خدمت شما هستم، هر چند دوست داشتم که به جای پیام در میان شما می بودم و ان شاءالله در موقعیت های دیگری این فرصت پیش آید که با هم گفتگو داشته باشیم. این گردهمایی و جمع شدن در شرایطی برگزار می شود که کشور شرایط دشواری را پشت سر می گذارد و دانشجویان نقش بسیار عظیمی در گذر از این دشواری ها به دوش دارند

و یقین داریم و امیدواریم که بر مبنای آن بشارت حضرت حق که - با هر سختی و دشواری، راحتی و آسانی است - ان شاء الله در آینده این وضعیت دشوار کنونی به خیر و صلاح ملت ما تمام شود؛ با همت همه مردم و با کمک خداوند متعال.

بنده سال گذشته در همین سالن و در برنامه انجمن اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران صحبت کردم و گفتم که اهمیت انجمن های اسلامی و نقش عظیمی که بر دوش دارند، از دو جهت است: از یک سو در دانشگاه و با دنیای مدرن روبه رو هستند، تجربه های بشری در دستریشان است، در مرزهای دانش به سر می برند و تمام اتفاقات جهانی را رصد می کنند و از این منظر ذهنشان متوجه این تغییرات هست و از تجربه های بشری استفاده می کنند. از سوی دیگر ایشان با سنتهای عمیق و گسترده و تمدن بزرگی در تماس اند و از این رهگذر هم ذخایر بزرگی برای هدایت هم جامعه دانشگاهی و هم ملت خودشان برمی گیرند. راز قدرت

دانشجویان هم در همین دو جنبه بودن آنان است که از سویی به سمت سنت ها حرکت کرده و آنها را طرد نمی کنند و پشتوانه حرکت خود قرار می دهند و از سوی دیگر نگاه به سوی جهان مدرن دارند، آلوده خرافات نمی شوند و می دانند که عظمت کشور و عظمت انسانی ایشان در آن است که با بهره گرفتن از تجارب بشری به مملکت خدمت کنند و کشور را به مراتب بالاتری ارتقا دهند. هر یک از این دو جهت، مسئولیتی را بر دوش دانشجویان می گذارد. البته مؤلفه دیگری نیز وجود دارد و آن حرکت های دانشجوییست که از ابتدای ایجاد در کشور، نسبت به مسائل مردم و کشورشان حساس بوده اند. تا جایی که یادم می آید جامعه دانشگاهی و انجمن های اسلامی همواره نسبت به مسائل مردم - اعم از اقتصادی و اجتماعی - حساس بوده اند و در این زمینه قویترین ارتباط ها را با مردم داشته اند. دانشجویان از این جهت آینه تمام نمای اراده و خواست مردم و مطالبات ایشان بوده اند. از این نظر

توجه به این نکته لازم است که مبادا شرایط خاص کشور و به ویژه مسائل سیاسی، جامعه دانشجویی را از توجه به مسائل معیشتی و روزمره مردم – بالاخص قشر مستضعف جامعه – غافل کند و این طور نشود که دانشجویان از این مسائل بی خبر باشند و به آنها اعتنا نکنند. همه مسائل جامعه به هم پیوند خورده اند و چنین نیست که راه حل آنها فقط در یکی از رویکردهای سیاسی، اجتماعی یا معیشتی باشد. امروز حوزه های سیاسی، معیشتی و اقتصادی در هم تنیده اند و با هم تداخل می کنند و به جاست که باهم و در کنار هم دیده شوند؛ توجه به این موضوع به همه کسانی که می خواهند سهمی در حل مشکلات کشور داشته باشند، دید می بخشد.

دانشجویان در کشور ما جامعه بزرگی هستند و فراوانی آنها هم بسیار پرمعناست. فرای اینکه دانشجویان – به دلیل برخورداری از بصیرت و دید – از نظر کیفی اهمیتی فوق العاده دارند، خود فراوانی آنها هم نکته

بسیار مهمی است. اگر جامعه دانشگاهی، انجمن های اسلامی و تمامی دانشجویان به یک فکر برسند، بر سر مسئله ای اجماع کنند و یا گفتمانی پیدا کنند، این موضوع - بدلیل فراوانی دانشجویان - در سطح ملی بازتابی بسیار گسترده از گذشته خواهد داشت. زمانی ۶۰-۷۰ هزار دانشجو و دو سه دانشگاه در کشور داشتیم، اما در حال حاضر ده ها دانشگاه دولتی، غیر دولتی و آزاد فعالیت می کنند و همه اینها به هم پیوسته اند. در چنین شرایطی به جاست که یک سری اصول و معیارها جلوی چشم همگان باشد و همواره به آنها توجه شود. این معیارها با گفتگو و تعاملاتی که دانشجویان در سراسر کشور با هم دارند به دست می آید. جریاناتی که بعد از انتخابات اتفاق افتاد و بدنبال آن جنبش سبز یک سری معیارها و چارچوب هایی را مطرح کرد و به بحث گذاشت. این معیارها محصول تعامل انسان های بیشماری است و همین نقطه قوت آن است.

برای اینکه مسائل کشور راحت تر حل شود، هزینه کمتری پرداخت گردد و اجماع بیشتری هم داشته باشیم، بهتر آن است که حول قانون اساسی اجماع کنیم. بنده می خواهم خدمت شما دانشجویان عزیز عرض کنم که به دلیل حضور مردم و در صحنه و طرح مطالبات به حقشان، امروزه حساسیت ویژه ای نسبت به قانون اساسی بوجود آمده است. قانون اساسی متنی است خشک که بسیار کم مورد رجوع مردم عادی است و معمولاً در قوای مقننه، قضاییه و دولت به آن رجوع می کنند؛ اما امروزه می بینیم که تبدیل به متنی شده است که همه مردم، اعم از روشنفکران، جامعه دانشگاهی و مردم عادی به آن رجوع می کنند؛ به جاست که این میل و حساسیت را در جامعه گسترش دهیم. وقوف مردم از چارچوب هایی که قانون اساسی برای حاکمیت ایشان بر سرنوشت خودشان ارائه می دهد، برای پیروزی این راه و پیشرفت کشور فوق العاده مفید است. به همین دلیل - پرداختن به قانون اساسی

— رسالتی است که باید چه در جمع های دانشگاهی و دانشجویی و چه در جمع مردم عادی پیگیری شود و به نظر من زمینه آن هم وجود دارد. البته خود دانشجویها توجه به این موضوع دارند. ملت شاهد است که تلاش هایی برای مقابل هم قرار دادن گروه هایی از مردم در برابر گروه هایی دیگر صورت می گیرد و چه بسا در فضای دانشگاهی نیز چنین باشد. راه و مشی چنین برخوردهایی از طریق مسالمت آمیز و با اقناع و دلسوزی و محبت است و ما اعتقاد نداریم که هر چه در این برخوردها گفته می شود درست است. چه بسا حرف های درستی در جناح های گوناگون وجود داشته باشد. به نظر من می بایست تعاملی در سطح ملی صورت گیرد و همه حرف ها شنیده شود. خصوصاً کسانی که از روی اعتقاد فکر و عمل می کنند بیشتر در معرض این هستند که طرف گفتگو قرار گیرند و با آنها تعامل صورت گیرد. ما حساب کسانی را که از بیرون دانشگاه می آیند، در دانشگاه آشوب به پا می کنند و کارهایی

می کنند که سازگار با شأن علمی دانشگاه نیست، از دانشجویان جدا می کنیم و یقین دارم که در محیط دانشگاهی هم چنین برداشتی وجود دارد.

به هر حال راهی آغاز شده است که پایانی نخواهد داشت و هدف این است که قدم هایی به جلو برداریم و به پیشرفت برسیم. در این مسیر احتیاج به مشارکت همه اقشار مردم، گروه های فکری و گروه های مرجع داریم. خصوصاً دانشجویان و دانشگاه ها در این زمینه فوق العاده مهم اند و مرجع نیرومندی هستند که در سطح جامعه حضور دارند و پراکندگی خانوادگی آنها در سطح ملی به نقش ایشان اهمیتی صدچندان می بخشد. من یقین دارم که هر پیامی در دانشگاه با قدرت مطرح شود و جا بیفتد و هر گفتمانی که در دانشگاه شکل بگیرد، بلافاصله جامعه را متأثر می کند؛ از قدیم هم چنین بوده است و در شرایط فعلی – به دلیل فراوانی و آگاهی بسیار دانشجویان ما – این تأثیرگذاری بیشتر هم شده است. الان موضوعاتی که از طریق مقالات،

نوشته ها، رسانه های مجازی و کتاب های گوناگون انتقال پیدا می کند و در جو دانشگاه اثر می گذارد، بسیار بیشتر از سابق است و اصلاً در تاریخ کشور ما سابقه نداشته است و خود این امید زیادی ایجاد می کند.

قشر دانشجو از اندیشیدن هراسی ندارد. به نظر من کسانی که به مصلحت کشور و ایرانی پیشرفته فکر می کنند، نباید هراس داشته باشند که جوانان - بی هراس - بیندیشند و در فضایی مبتنی بر تعامل و گفتگوراه حل های جدیدی را برای اداره کشور پیش پا بنهند. گمان نمی کنم هیچ کشور و هیچ نظامی بدون گردش افکار و اندیشه ها در یک فضای شفاف، امکان پیروزی و پیشرفت داشته باشد. این {آزادی اندیشیدن} یکی از بزرگترین مطالبات ملت ما و دانشجویان است و دانشجویان در این زمینه کار می کنند. دانشجویان، در طول تاریخ کشور نشان داده اند که حاضر به دادن هزینه اند و ابایی هم از آن ندارند. همین هم از ایشان

انتظار می رود و ملت هم همین انتظار را دارد. به هر حال همانطور که اشاره کردم به صلاح ملت و کشور ماست که تمام مطالبات در چارچوبی مسالمت آمیز و با رویکردی مسالمت آمیز مطرح شوند.

من برای همه شما آرزوی توفیق و پیروزی دارم و امیدوار هستم که شاهد روزی باشیم که اندیشیدن و بیان اندیشه در کشور کم هزینه باشد، فضای آزادی در کشور حاکم باشد و حرف ها گفته شود. ظرفیت هضم جامعه را بالا ببریم، به ملت خود اعتماد کنیم و بگذاریم همه حرف ها زده شود. مردم ما، با این پیشینه تاریخی و اعتقادات دینی یقیناً بهترین ها را در این میان انتخاب خواهند کرد. آن جامعه ای پیشرفته نیست که فقط گروهی اندک در میان میدان باشند، نام ملت بر خود بنهند و در مقابل حاشیه فربهی وجود داشته باشد که با عنوان "غیر و دیگری" تعریف شده و سهمی در اندیشیدن و ارائه راه حل در جامعه نداشته باشد. ما نباید بترسیم که اقوام و افکار مختلف گرداگرد هم و در

تعامل با هم راه حل های بهتری برای اداره کشور ارائه دهند. گمان می کنم که مهمترین مرکز برای چنین کاری دانشگاه های علاقه مند به کشور و انقلاب اند. یقیناً در این راه، دانشجویان مراقب توطئه ها، فشارها و کسانی که منفعتی در این طرز فکر ندارند، هستند و با هوشیاری خود آن را خنثی می کنند و من یقین دارم که شما این چنین هستید.

ان شاء الله همه شما موفق و پیروز باشید .

میرحسین موسوی

- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران به مناسبت برگزاری گردهمایی بزرگ دانشجویان و دانشگاهیان به مناسبت روز دانشجو با عنوان "سبزترین فصل سال" که روز ۲۳ آذر در تالار شهید چمران دانشکده ی فنی برگزار شد پیامی را از میرحسین موسوی دریافت کرده بود که طبق توضیح برگزار کنندگان برنامه، به دلیل برخی مشکلات با تاخیر (۲۵ آذر) ارائه گردید.

پیام تسلیت به مناسبت رحلت آیت الله منتظری (ره)

بسمه تعالی

دوست گرامی

جناب حجت الاسلام و المسلمین احمد منتظری
 با سلام درگذشت فقیه مبارز مرحوم آیت الله العظمی
 منتظری را به حضرت تعالی و بیت مکرم منتظری تسلیت
 عرض می کنم واز خداوند منان برای آن عالم بزرگ علو
 درجات و مغفرت و رحمت آرزومندم. این ضایعه عظیمی
 است که مجموعه علمای دین باید نسبت به جبران آن
 اقدام کنند. وجود کسانی چون آیت الله العظمی منتظری
 برای نسل جوان این کشور مدرکی بود که آنان را به
 برخوردی عمیق تر با نیازهایشان برای بهره مندی از

پشتوانه های روحانیت آگاه متقاعد می کرد. امیدوارم اینک که او از میان ما رفته است دانشمندانی دیگر این ضرورت انکارناپذیر را پاسخ بگویند و اجازه ندهند که وسوسه ها و زمزمه ها آنان را از تکالیفی که نسبت به اسلام و نسل های امروز و فردا دارند منصرف کند .

میرحسین موسوی

۳۰ آذر ۱۳۸۸

پیام تشکر و خداحافظی از فرهنگستان هنر

بسمه تعالی

با سلام

اینک که شورای عالی انقلاب فرهنگی جایگزین جدیدی را برای اداره امور فرهنگستان هنر تعیین کرده است جا دارد از همه هنرمندان و دانشگاہیان و فرهیختگان که در سالهای گذشته با فرهنگستان هنر همکاری کردند تشکر نمایم .

بنده بویژه نمی‌توانم محبت‌ها و همکاری‌های اساتید محترم عضو مجمع عمومی فرهنگستان هنر را فراموش کنم، در طول یازده سال گذشته همواره از هنر، اخلاق و فرهنگ والای آن‌ها درس‌ها گرفتم و رأیی که به این

حقیر دادند پیوسته الهام بخش من در سیاستگزاری ها و اداره فرهنگستان هنر بود .

امیدوارم که آیندگان قدر سرمایه اجتماعی فراهم آمده ای که موجب اعتماد جامعه بزرگ هنرمندان کشور به فرهنگستان هنر گردیده است را بدانند و تلاش نمایند آن را افزون تر سازند. همچنین لازم است بدینوسیله از همه کارکنان و همکاران شریف فرهنگستان هنر در همه رده ها بعنوان پایه گزاران و موسسین اصلی این نهاد تشکر نمایم .

میر حسین موسوی

۲ دی ۱۳۸۸

بیانیه هفدهم

وقایع عاشورا - راه حل های برون رفت از بحران

بسم الرحمن الرحيم

السلام عليك يا ابا عبدالله. انى سلم لمن سالمكم و
 حرب لمن حاربكم و وال لمن والاكم و عاد لمن عاداكم.
 فياليتنى كنت معكم فافوز فوزا عظيما

همواره به اینجانب و دوستان گفته می شد که اگر شما
 اطلاعیه ندهید مردم به خیابانها نخواهند آمد و آنان از
 اعتراضات و مطالبات خود دست برخواهند داشت
 و آرامش به کشور برخواهد گشت. بنده به عنوان یک
 همراه جنبش عظیم سبز مردمی با این نظر موافق نبودم

و می اندیشیدم که تا اصلاحات لازم با تکیه بر اصول روشن که می توان آنها را از قانون اساسی استخراج کرد، صورت نگیرد، آب رفته به جوی باز نخواهد گشت. برای مراسم عاشورای حسینی علیرغم درخواستهای فراوان، نه جناب حجت الاسلام و المسلمین کربوبی اطلاعیه دادند و نه حجت الاسلام و المسلمین خاتمی اطلاعیه صادر کردند و نه بنده و دوستانم. با این وصف یک بار دیگر مردمی خداجوی به صحنه آمدند و نشان دادند که شبکه های وسیع اجتماعی و مدنی که در طول انتخابات و بعد از آن به صورت خود جوش شکل گرفته است، منتظر اطلاعیه و بیانیه نمی مانند. در حالی که مردم نه روزنامه همراه و مشوقی در کنار خود داشتند و نه از صدا و سیما، به عنوان رسانه ای ملی و بی طرف و منصف و عاقل بهره می بردند. باز همه ملت ها و جهانیان شاهد بودند که در میان طوفانی از تهدیدها و تبلیغات و تکفیرها و اهانتها، عزاداران حسینی در این روز مقدس حسین حسین گویان به صورت مسالمت

آمیز و بدون شعارهای تند روانه میدانها و مسیرهایی شدند که خود انتخاب کرده بودند و این بار نیز چون دفعات گذشته با اعمال تحریک آمیز مواجه شدند، خشونت های غیرقابل باور چون زیر کردن راهپیمایان، تیراندازی نیروهای لباس شخصی که امروز هویت آنها بر کسی پوشیده نیست و روز بروز پرده از چهره آنان و سرانشان کنار زده می شود، فاجعه ای را آفرید که اثرات آن به این زودی از صحنه سیاسی کشورمان رخت برنخواهد بست.

مشاهده فیلم های تکان دهنده عاشورا نشان می دهد که اگر شعارها و حرکات جاهایی به سمت افراط غیر قابل قبول کشانده می شود، ناشی از به زیر انداختن افراد بی گناه از روی پل ها و بلندی ها، تیراندازی ها و آدم زیر کردن ها و ترورهاست. جالب آنکه در بعضی از این فیلم ها دیده شده است که مردم در پشت چهره نیروهای انتظامی و بسیجی مهاجم برادران خود را می بینند و در شرایط بحرانی و پر از خشم و هیاهوی آنروز سعی

می کنند بدانها آسیبی نرسد. اگر صدا و سیما یک جو انصاف و عقل داشت می توانست برای تلطیف فضا و نزدیک کردن مردم به همدیگر گوشه ای از این صحنه ها را نشان دهد. ولی هیئات! جریان روزهای بعد از عاشورا و گسترش دستگیری ها و دیگر تمهیدات دولتی نشان می دهد که مسئولان اشتباهات گذشته را این بار در وسعت بیشتر تکرار می کنند و آنها می اندیشند سیاست ارباب تنها راه حل است.

گیرم که چند روز با دستگیری ها، خشونت ها، تهدیدها و بستن دهان روزنامه ها و رسانه ها سکوت برقرار گردید، تغییر قضاوت مردم را نسبت به نظام چگونه حل می کنید؟ تخریب مشروعیت را چگونه جبران می نمائید؟ نگاه ملامت آمیز و متعجب همه جهانیان از این همه خشونت یک دولت به ملت خود را چگونه تغییر می دهید؟ با مشکلات بر زمین مانده اقتصادی و معیشتی کشور که به دلیل ضعف مفرط دولت روزبروز وخیم تر می شود چه می کنید؟ با چه پشتوانه ای از

کارآمدی و انسجام ملی و سیاست خارجی موثر، سایه
 قطعنامه‌ها و امتیازخواهی‌های بیشتر را در سطح بین
 الملل از سر کشور و ملتمان دور می‌کنید؟

اینان می‌اندیشند با عقب راندن نخبگان و روشنفکران
 و دانشگاهیان و فعالان از صحنه سیاسی خواهند
 توانست بدون پرداختن ریشه‌ای به مسائل امروز کشور
 به دیروز قبل از انتخابات برگردند؟ اما کسانی که تاریخ
 را خوانده‌اند و کمی با ماهیت پیچیده جوامع آشنایی
 دارند می‌دانند که این تفکر ناشی از یک توهم واقع
 گریز و پناه بردن به رویکردهای کم عمق و گول زننده
 است.

بنده به صراحت و روشنی می‌گویم فرمان اعدام و قتل و
 زندانی‌کروبی و موسوی و امثال ما مشکل را حل
 نخواهد کرد. سخنان روز چهارشنبه میدان انقلاب و
 قبل از آن نماز جمعه هفته پیش دانشگاه که توسط
 چهره‌های منتسب به نظام ایراد گردید، نتایج هر نوع
 اقدام تروریستی را مستقیماً به سمت کانون نشانه

خواهد رفت و گره مشکل بحران کنونی را نا گشودنی خواهد ساخت. گوساله و بزغاله خواندن بخش عظیمی از جامعه و خس و خاشاک نامیدن آنان و مباح کردن خون عزاداران حسینی فاجعه ای است که هم اکنون توسط افرادی مشخص و صدا و سیما در جامعه رخ داده است. این چه سخنرانی است که از تریبون دولتی مردم را به جنگ با یکدیگر دعوت می کند و یک عده را حزب الله می نامد و عده ای دیگر را حزب الشیطان؟ بارها در یک سخنرانی کوتاه اعلام می کند مردم توجه کنید جنگ است! آیا این سخنان دعوت به جنگ و شورش داخلی نیست؟ با توجه به استفاده از اصطلاحات مذهبی و اشاره به آیات و روایات، این مراجع عظام و روحانیون فاضل هستند که می توانند بگویند با این گونه اشخاص چه می توان کرد؟

آنچه به بنده به عنوان یک فرد کوچک این جامعه مربوط می شود استقبال از هر هجمه ای در راه اسلام و کشور عزیزمان است و سخنان چند روز اخیر بنده را به

یاد کلام امام رحمه الله علیه می اندازد که «بکشید ما را، ما نیرومندتر می شویم.» «بنده ابایی ندارم که یکی از شهدایی باشم که مردم بعد از انتخابات در راه مطالبات به حق دینی و ملی خود تقدیم کردند و خون من رنگین تر از آن شهدا نیست .

بنده به صراحت می گویم تا وجود یک بحران جدی در کشور به رسمیت شناخته نشود، راهی برای خروج از مشکلات و مسائل پیدا نخواهد شد. عدم اذعان به بحران، توجیه گر ادامه راه حل های سرکوبگرانه خواهد شد. اذعان به وضعیت بحرانی می تواند راه حل را نه در سرکوب که بر سر آشتی ملی قرار دهد .تهمت بی دینی و همراهی با قدرتهای بیگانه مستکبر و افراد بدنام و جریانهای منحوسی چون منافقین به فرض آنکه به حذف فیزیکی تعدادی از خدمتگزاران اسلام و مردم منتهی شود ناشی از چشم بستن به ماهیت مشکلات ملی کشور است .من به عنوان یک دلسوز می گویم منافقین با خیانت ها و جنایت های خود مرده اند، شما

برای کسب امتیازهای جناحی و کینه ورزی آنها را زنده نکنید.

من لازم می‌دانم قبل از آنکه راه حل خودم را برای خروج از بحران مطرح سازم، برهویت اسلامی و ملی و مخالف سلطه بیگانگان و وفادار به قانون اساسی ما و جنبش سبز تاکید نمایم. ما پیروان اباعبدالله حسین علیه السلام هستیم. ما شیفتگان حریتی هستیم که منادیش آن امام مظلوم بود. ما پیرو کسی هستیم که در قلمرو وسیع اسلامی ربودن خلخالی از پای یک زن را بر نمی‌تابید. ما معتقد به تفسیر رحمانی از اسلام هستیم که انسانها را یا هم کیش هم می‌دانند و یا همسانانی در خلقت. نگاهی که بر کرامت ذاتی انسان باور دارد و بر نمی‌تابد که ضارب او در زندان با غذایی جز شبیه غذای او نگهداری شود و یا مورد شکنجه و امثال آن قرار گیرد.

بنده و دوستان عزیزم که امروز بسیاری از آنها در زندانها محبوس هستند پای بندان سرسخت استقلال

کشور هستیم و از اینکه بازار اسلامی ما تبدیل به یک بازار مکاره برای کالاهای بیگانه شده است رنج می‌بریم. ما به شدت با فساد موجود که ناشی از سیاستهای سوء و عدم تدبیر است مخالفیم. ما می‌گوئیم نهاد بزرگ و تاثیر گذاری چون سپاه اگر هر روز چرتکه بیاندازد که قیمت سهام چقدر بالا و پائین رفته نمی‌تواند از کشور و منافع ملی آن دفاع نماید؛ هم خود به فساد کشیده می‌شود و هم کشور را به فساد می‌کشاند. ما می‌گوئیم و حاضریم در مباحثات نشان دهیم که امروز منافع و حقوق مستضعفان و کارگران و کارمندان و سایر اقشار ملت در یک فساد بزرگ در حال غرق شدن است. جنبش سبز مخالف دروغ است و آنرا آفتی خانمان برانداز برای کشور می‌داند و از اینرو دروغ‌های سیاسی و امنیتی و اقتصادی و فرهنگی و امثال آنرا خطری بزرگ برای کشور می‌دانیم.

ما یک دولت و نظام صادق و رئوف و با شفقت و مبتنی بر آراء مردم می‌خواهیم که به تنوع آراء و عقاید مردم

نه به شکل تهدید که بلکه بصورت یک فرصت نگاه کند. ما سرک کشیدن به زندگی خصوصی مردم، تفتیش عقاید، تجسس، بستن روزنامه ها و محدود کردن رسانه ها را مخالف دین مترقی و رهایی بخش خود و مخالف قانون اساسی برآمده از این دین می دانیم. ما ضایع کردن یک ریال از بیت المال را در جهت اهداف بانندی و جناحی حرام می دانیم و می گوئیم که سند چشم انداز ملی بیست ساله که به تایید همه ارکان نظام رسیده است امروز به یک ورق پاره بی ارزش تبدیل شده است. ما هشدار می دهیم که رقیبان بزرگی در منطقه با رشدهای اقتصادی دو رقمی در حال ظهور هستند و روز به روز قوی تر می شوند. درحالیکه ما متاسفانه از دادن یک بودجه سالانه و نگهداشتن حسابهای ذخیره ارزی و امانت در سپرده های مردم و پاسخگویی در مقابل دیوان محاسبات عمومی و مجلس شورای اسلامی عاجز هستیم.

ما نه آمریکایی هستیم و نه انگلیسی. تا حال نه کارت تبریکی برای روسای کشورهای بزرگ فرستاده ایم و نه امید یاری آنها را داریم و می دانیم با اصالت قدرت در روابط بین الملل هر کشور به دنبال منافع ملی خود است و ما بیزار از کسانی هستیم که بر عرف و اعتقادات دینی و ملی ملت خود احترام نمی گذارند. و مضحک است که بما تهمت اهانت به قرآن، عاشورای امام حسین یا پاره کردن عکس حضرت امام قدس سره زده شود. مسلما حرمت شکنی اگر در روز عاشورا صورت گرفته باشد مورد تایید ما نیست، اما بدترین نوع حرمت شکنی را کشتن بندگان بیگناه و عزادار در روز عاشورا و در ماههای حرام می دانیم .

اما من بر آنم که راه حل مشکلات پیش آمده و بحران موجود چنین است؛ وضعیت کشور امروز چون رودخانه خروشان و عظیمی است که سیلابهای تند و حوادث گوناگون باعث طغیان و گل آلود شدن آن شده است. راه آرام کردن این رودخانه بزرگ و روشن ساختن و

زالال کردن آب آن در یک اقدام سریع و عاجل امکان پذیر نیست. اندیشیدن باین گونه راه حلها که عده‌ای توبه کنند و عده‌ای معامله کنند و بده و بستانی صورت گیرد تا این مشکل بزرگ حل شود عملاً به بیراهه رفتن است.

بنده راه حل را در روانه ساختن نهرها و چشمه‌هایی از آب روشن و شیرین به بستر این رودخانه می‌دانم که بتدریج و طی یک فرآیند تدریجی کیفیت آب و وضع رودخانه را تغییر دهد. و نیز اعتقاد دارم که هنوز دیر نشده است و نظام ما آن قدرت را دارد که در صورت تدبیر و در صورت داشتن یک نگاه احترام آمیز و توأم با ملاحظت به همه ملت و اقشار آن این مهم را بانجام برساند. بنده تعدادی از این راه حلها را که چون نهرها و چشمه‌هایی از آب روشن می‌تواند فضای ملی را تحت تأثیر قرار دهد و اوضاع را به سمت بهبود ببرد، بیان می‌کنم:

۱- اعلام مسئولیت پذیری مستقیم دولت در مقابل ملت و مجلس و قوه قضائیه به نوعی که از دولت حمایت‌های غیرمعمول در مقابل کاستی‌ها و ضعف‌هایش نشود و دولت مستقیماً پاسخگوی مشکلاتی باشد که برای کشور ایجاد کرده است. به یقین اگر دولت کارآمد و محق باشد خواهد توانست جواب مردم و مجلس را بدهد و اگر بی کفایت و ناکارآمد بود مجلس و قوه قضائیه در چهارچوب قانون اساسی با او برخورد خواهند کرد.

۲- تدوین قانون شفاف و اعتماد برانگیز برای انتخاباتها به نوعی که اعتماد ملت را به یک رقابت آزاد و منصفانه و بدون خدعه و دخالت قانع سازد. این قانون باید شرکت همه ملت را علیرغم تفاوت در آراء و اندیشه‌ها تضمین کند و جلوی دخالت‌های سلیقه‌ای و جناحی دست اندرکاران نظام را در همه سطوح منتفی سازد. مجالس اولیه انقلاب می‌تواند به عنوان الگویی مورد توجه قرار گیرند.

۳- آزادی زندانیان سیاسی و احیاء حیثیت و آبروی آنها. بنده یقین دارم که این اقدام نه به ضعف که به درایت نظام تعبیر خواهد گشت. و نیز آگاهییم که جریان های سیاسی منحنی با این راه حل مخالف هستند.

۴- آزادی مطبوعات و رسانه ها و اجازه نشر مجدد روزنامه های توقیف شده جزء ضروریات روند بهبود است. ترس از آزادی مطبوعات باید از بین برود و تجربیات جهانی در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد. گسترش کانال های ماهواره ای و اهمیت یافتن آنها و تاثیرگذاری قاطع این رسانه که بخوبی ناکافی بودن روش های قدیمی و محدودیت صدا و سیما را می رساند. پارازیت ها و محدودیت های اینترنتی می تواند برای مدت کوتاهی اثرگذار باشد. تنها راه چاره داشتن رسانه هایی متنوع و آگاه و آزاد در داخل کشور است. آیا زمان آن نرسیده است که با اقدامی شجاعانه و ناشی از اعتماد به متفکران و نیروهای خلاق جامعه، نگاه ها را از آنسوی

مرزها به شکوفایی خلاقیت سیاسی و فرهنگی و اجتماعی داخلی برگردانیم؟

۵ - برسمیت شناختن حقوق مردم برای اجتماعات قانونی و تشکیل احزاب و تشکل‌ها و پایبندی به اصل ۲۷ قانون اساسی. اقدام در این زمینه که می‌تواند با درایت و همکاری همه علاقمندان به کشور صورت گیرد در طول چند ماه می‌تواند فضایی توأم با دوستی و محبت ملی را جایگزین درگیری سازمان بسیج و نیروهای امنیتی با مردم و یا درگیری مردم با مردم نماید.

به بندهای فوق پیشنهادات دیگری نیز می‌توان اضافه کرد. به نظر بنده حتی یک جوی کوچک زلال در این بین می‌تواند مغتنم باشد. ضرورتی ندارد همه بندها با هم شروع شود. مشاهده عزم در این راه بروشنی افق کمک خواهد کرد. و کلام آخر آنکه همه این پیشنهادات بدون نیاز به توافق نامه و مذاکره و داد و ستدهای

سیاسی و از موضع حکمت و تدبیر و خیرخواهی
می تواند اجرایی شود.

میرحسین موسوی

۱۱ دی ماه ۱۳۸۸

پیام تسلیت به مناسبت شهادت دکتر مسعود علیمحمدی*

بسمه تعالی

شهادت مظلومانه دانشمند برجسته فیزیک و استاد دانشگاه تهران دکتر مسعود علی محمدی بازگوی این حقیقت تلخ است که دشمنان ملت ایران برای تحقق منافع خود، قصد دارند از شرایط بحرانی سود ببرند و مسلماً این اقدام جنایتکارانه بخشی از طرح وسیعی است که ضرورت دارد همگان فارغ از تمایلات سیاسی، برای کشف ابعاد دیگر آن به مراقبت و تامل بپردازند .

فقدان شخصیت مومن و آزادیخواه و دانشمند بی بدیلی چون دکتر مسعود علی محمدی فاجعه‌ای نیست که هر ایرانی علاقمند به سرنوشت کشور و انقلاب بدان بی تفاوت بماند .

اینجانب این مصیبت بزرگ را به ملت شریف ایران،
دانشگاهیان و خانواده محترم آن شهید بزرگوار تسلیت
عرض می کنم .

میرحسین موسوی

۲۵ دی ۱۳۸۸

• دکتر مسعود علیمحمدی از دانشمندان هسته ای کشور بود که
در یک عملیات تروریستی به شهادت رسید. وی از حامیان
میرحسین موسوی در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸
بود.

گفتگوی تفصیلی با سایت «کلمه» انقلاب به اهداف خود نرسیده است...

۱۳ بهمن ۱۳۸۸

مهندس میرحسین موسوی در گفت و گویی تفصیلی به پرسش های «کلمه» در مورد، اهداف اصیل انقلاب اسلامی، اقدامات قوه قضائیه، عملکرد سوء اقتصادی، بسته شدن فضای رسانه ای کشور، برپایی راه پیمایی و تجمع و برنامه های جنبش سبز پاسخ گفته است.

در آستانه سی و یکمین سال انقلاب اسلامی هستیم. آیا می توانیم از یادآوری و بزرگداشت روزهای پیروزی انقلاب استفاده ای برای امروز خودمان ببریم؟

در مقدمه لازم میدانم سی و یکمین سال پیروزی انقلاب اسلامی را به همه ملت و به همه خانواده های شهیدان و جانبازان و رزمندگان و ایثارگران تبریک بگویم. تحلیل

انقلاب اسلامی هنوز پایان نیافته. هزاران کتاب و مقاله نوشته شده و هنوز هم نوشته می شود. آنچه امروز جالب است که انتخابات اخیر و حوادث بعد از آن دوباره انقلاب اسلامی را در معرض نقد های جدیدی قرار داده است.

بعضی از این نقد ها بیشتر به مشابه سازی گرایش دارند، بعضی از آن ها روی تفاوت ها و مشابهت ها تاکید می کنند و بعضی دنباله ریشه های نهضت سبز در انقلاب اسلامی هستند. به هر حال این نقد ها فوق العاده مفید اند به ویژه برای نسل جوان که شور اصلی حرکت سبز از آنهاست. عوامل گوناگونی دست به دست هم داد تا با شرکت یکپارچه ملت ما به ویژه تهیدستان جامعه و رهبری درخشان حضرت امام خمینی (ره) انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. مطالب بسیاری در این زمینه می توان گفت ولی آنچه بسیار مفید است همان اول این گفتگو به آن اشاره کنم آن است که در سال ۵۷ همه مردم یکپارچه در صحنه انقلاب بودند. این وحدت در

صفوف آنقدر عمیق بود که حتی پادگان های نظامی را در بر گرفت. عکس ادای احترام همافران و افسران نیروی هوایی در ۱۹ بهمن ۱۳۵۷ به حضرت امام به عنوان یک سند تاریخی از این نظر اهمیت فوق العاده ای دارد. در روز های منتهی به پیروزی انقلاب ما دو گروه اقلیت و اکثریت در خیابان ها نداشتیم، بلکه به دلیل آنکه حکومت مستبد و منفور شاهنشاهی ریشه های مشروعیت بخش خود را به طور کامل در آن سال ها از دست داده بود حتی در پادگان ها هم زیر پایش خالی شده بود، در آن برهه حتی گروه های شناسنامه دار سیاسی تمایزات خود را از دست داده بودند و از روی رضایت یا عدم رضایت با حرکت توده های میلیونی و شعار استقلال آزادی جمهوری اسلامی همراه شدند.

می توان گفت فروپاشی رژیم شاهنشاهی اجتناب ناپذیر بود؟

رژیم مشروعیت خود را به طور کامل از دست داده بود. البته کشتارهای خیابانی در تسریع این روند نقش عظیم

داشت؛ مخصوصاً کشتار هفده شهریور تعیین کننده بود. اگر کمی دورتر برویم می توان به قطع و یقین گفت که اگر پهلوی ها به میراث مشروطیت خیانت نمی کردند رژیم شاهنشاهی با اصالت رای مردم و نقشی که قانون اساسی مشروطه بر عهده شاه گذارده بود، می توانست مثل بعضی از کشورها ادامه پیدا کند. در این زمینه از همان اول به حکومت پهلوی ها تذکرات جدی داده شد و حتی کسانی مثل شهید مدرس تا پای جان در این زمینه مقاومت کردند. ولی همه این مقاومت ها و تذکرات بی فایده بود و به فاصله کمی از انقلاب مشروطیت نظام استبدادی این بار در شکل شبه تجدد گرایانه باز تولید شد. استمرار نسبتاً طولانی پهلوی ها در حکومت نشان می دهد که در انقلاب مشروطیت ریشه های استبداد خود کامگی بطور کامل از بین نرفت و این ریشه ها در قالب های فرهنگی، اجتماعی و ساختهای اجتماعی به حیات خود ادامه دادند. بنده یادم هست که رژیم شاه در آن سالها از یک عکس برای

تبلیغات بسیار استفاده می کرد و آن عکس یک رعیتی بود که به زمین افتاده بود و کفشهای شاه را می بوسید. این عکس از نظر آنها نشان پیوند شاه و ملت بود و عاقلان البته در این عکس چیزهای دیگری می دیدند. عواملی که باعث بازتولید رژیم های استبدادی در ایران می شد آیا با انقلاب اسلامی از بین رفته است؟

در سالهای اول انقلاب اسلامی اکثریت مردم قانع شده بودند که انقلاب همه ساختارهایی را که می توانست منجر به استبداد و دیکتاتوری شود از بین برده است و من هم یک نفر از این جمع بودم. ولی الان چنین اعتقادی ندارم. امروز هم عوامل و ریشه هایی را که منجر به دیکتاتوری می شود می توان شناسایی کرد و هم مقاومت در مقابل بازگشت به این دیکتاتوری را که باید گفت مقاومت مردم میراث گرانبهای انقلاب اسلامی است. عدم سازگاری مردم با دروغ و تقلب و فساد که ما این روزها شاهد آن هستیم به خوبی حضور این میراث را نشان می دهد. همان طور که بسته شدن فضای

مطبوعاتی و رسانه ای و پر شدن زندانها و کشتن بیرحمانه مردم در خیاباها که به صورت مسالمت آمیز احقاق حقوق خود را خواستارند نشان دهنده حضور ریشه های استبداد و دیکتاتوری باقیمانده از نظام شاهنشاهی است. مردم دنبال آزادی و عدالت هستند و متوجه اند که دستگیری ها و اعدام ها با اغراض سیاسی و در تعارض با قانون اساسی و قوانین رایج صورت می گیرد. آنها از رژیم شاهنشاهی نفرت دارند و در عین حال متوجه اند که با داد و ستدهای بی اهمیت و بدون رعایت مراتب قانونی ممکن است عده ای به کام مرگ فرستاده شوند. تا امام جمعه بی رحمی که همواره از تبعیض و خشونت و تقلب دفاع کرده به قوه قضاییه دستمیزاد بگوید. برای او مهم نیست که شایعات گسترده ای برای اعتراف گیری های غیر قانونی وجود دارد و برای او مهم نیست که این افراد ربطی به جریانات انتخابات ندارند. مهم برای او اعدام برای زهر چشم گرفتن است. او از قدرت تکوینی اثربخشی خون

بیگناهان غافل است و نمی داند سیل خون شهیدان، رژیم شاه را از بین برد. مردم اعتقاد به استقلال و آزادی و جمهور اسلامی را از انقلاب دارند. همان طور که مقاومت دلیرانه ملت و رزمندگان در هشت سال دفاع مقدس ناشی از همین تغییرات بنیادینی بود که انقلاب اسلامی در روحیه مردم پدید آورده بود. بیاد داشته باشیم که از جنگهای روس با ایران تا آخر دوران شاه در مراحل مختلف بخشهایی از خاک کشورمان در جنگها و بحران ها و بازی های سیاسی توسط همین شاهان از دست رفته بود و دفاع جانانه هشت ساله دفاع مقدس این مدار خطرناک و خار کننده را در هم شکست. اکنون هم در صفوف سبز مردم و مرعوب نشدن آنها و پایداریشان بر سر حقوق خودشان ادامه همان مقاومت دفاع مقدس و همان روحیه آزاد منشانه قوام آمده در سال ۵۷ را می بینیم. از سوی دیگر امروز وقتی دیده می شود که دروغ از سوی دولت و صدا و سیما و روزنامه های وابسته، سکه رایج است؛ وقتی ملت ما می بیند که

عملا این نیروهای امنیتی و نظامی هستند که بر پرونده های قوه قضاییه حکم می رانند و در حقیقت این قوه قضاییه است که ضابط نیروهای امنیتی شده است، به این نتیجه می رسیم که ما در اول انقلاب زیاد خوش بین شده بودیم.

بنده امروز به شهادت رسیدن مردانی چون بهشتی و مطهری و دیگر شهدای انقلاب اسلامی را ناشی از ادامه ریشه های استبداد شاهی می دانم که هنوز بطور کامل از کشور ما ریشه کن نشده بود. به همین دلیل بنده اعتقاد ندارم که انقلاب به اهداف خود رسیده است. بزرگداشت دهه فجر که هر ساله برگزار می شود در حقیقت برای هشیاری و برای تمدید قوا جهت برخورد با باقیمانده ریشه های استبداد است. امروز مردم برای نیل به عدالت و آزادی و حاکمیت مردم بر سرنوشت خود در صحنه حضور دارند و باید بدانیم که ملت ما در این راه صدها هزار شهید داده است.

انقلاب اسلامی حاصل تلاش و از خود گذشتگی عظیم ملت ماست و کمی غفلت و عقب گرد ما را به استبدادی تاریکتر از قبل از انقلاب می برد چرا که استبداد به نام دین، بدترین نوع استبداد است و به عکس آگاهی و ایستادگی بر سر میراث اصلی و آرمانهای انقلاب اسلامی مطالبه جدی آزادی و عدالت ما را از گذشته ای سیاه به آینده ای روشن عبور می دهد و باقیمانده تفاله های خود کامگی را از بین می برد و زمینه را برای زیستن در فضای آزاد توأم با احترام به تنوع و تکثر و آزادی اندیشه ها و کرامت ذاتی انسان فراهم می سازد. بنده اعتقاد دارم، آن قرائت از اسلام که مردم را خس و خاشاک و بزغاله و گوساله می نامد و مردم را قسمت قسمت می کند تا عده ای بجان عده ای دیگر بیفتند، متأثر از فرهنگ شاهنشاهی است. سزاوار بود که قوه قضاییه بجای اعدام چند جوان و نوجوان، که شایعات جدی در مورد نحوه اعتراف گیری از آنها وجود دارد، به این ریشه ها توجه می کرد.

گر چه همانطور که اشاره کردم ما کاملاً از قوه قضائیه قطع امید کرده ایم و قوه قضائیه ای که فرزند فرهیخته، آزادیخواه و مومن شهید بهشتی و آزادیخواهان دیگر امثال او را زیر عکس پدرش در راهروهای دادسراها می نشاند، خیلی از اهداف تعریف شده انقلاب دور شده است.

امروز زندانها را پاکترین فرزندان ملت پر کرده اند؛ از دانشجویان و اساتید و دیگر اقشار. مطابق فرمول های مندرس شده ای به دنبال پرونده سازی برای آنها هستند با پرونده هایی مالی یا جنسی یا جاسوسی. در حالی که منحرفان واقعی و غارتگران بیت المال در بیرون از زندان ها مشغول جولان هستند. آنها به جای آنکه دنبال جاسوسان واقعی باشند انسان های شریف و مؤمن را به جاسوسی متهم می کنند. جا دارد در اینجا بنده از همه مشاوران پاک و فداکار و فرهیخته خود که همگی دستگیر شده اند و در محبس عدالت آقایان گرفتارند دفاع نمایم و شرمندگی خود را از اینکه کنار

آنها نیستم ابراز کنم. این روزها شبی نیست که بنده به امام و شهید بهشتی و دیگر شهیدان عزیز فکر نکنم و با آنها نجوا نکنم که شما چه می خواستید و امروز ما به کجا رسیده ایم. از مشاوران خود نام نبردم تا احترام خود را به همه زندانیان سیاسی ابراز کرده باشم. ایران نام و فداکاری همه این عزیزان را حفظ خواهد کرد.

آیا از ظهور و بروز روحیه استبدادی در رفتار مسؤلان می توانید مثال بیاورید؟

نفوذ این روحیه و باقی مانده آثار رژیم مستبد تاریخی را در همه جا در کنار روحیه برآمده از آگاهی و آزادگی می توان دید. ولی شاید برترین نمونه را در به هم خوردن روابط منطقی و قانونی ارکان نظام مشاهده می کنیم. الان به طور واضحی دیده می شود که زور مجلس در مواردی که جزء وظایف آن است به دولت نمی رسد. این فقط گفته مخالفان دولت نیست. اصول گرایان منصف و آگاه از این مسئله می نالند. عدم پاسخ گویی در موارد اعلام شده دیوان محاسبات عمومی، روشن

نبودن نحوه فروش نفت و شیوه های هزینه کردن آن، بی اعتنایی به برنامه چهارم و ویران کردن دستگاه برنامه ریزی برای فرار از حساب و کتاب و الخ موارد بسیار روشنی از برگشت ما حتی به ماقبل پهلوی ها است. جای دوری نرویم. چند روز پیش بعضی از رسانه ها نقل کردند که وزیری در اعتراض به سوال خبرنگاران در مورد حقوق معلمان گفته است به کسی ربط ندارد که معلمان چقدر حقوق می گیرند و چرا کم می گیرند. شما شبیه این گفته ها را از مسئولان دیگر و همچنین از نیروهای امنیتی می توانید بشنوید.

همچنین در حالی که در مجلس به دلیل جنایات بی سابقه در کهریزک گزارش داده شده است. یکی از مسئولین می گوید مسئله کهریزک بی خود بزرگ شده است. نمونه بارز دیگر این روزها نحوه ارتباط قوه قضاییه با باصلاح ضابطین خودش است. باید دید قاضی ها فرمان می دهند و تصمیمی می گیرند یا نیروهای انتظامی و امنیتی؟ قوه قضاییه ای که در قانون

اساسی به صورتی قوی بر استقلال آن تأکید شده است امروز باید دید که اختیاراتش تا چه حد است؟ تا چه مقدار شأن و منزلت آن مراعات می شود؟ به نظر من یکی از مظاهر بارز ادامه روحیه استبدادی را در مظلوم واقع شدن قوه قضاییه و مجلس می توان مشاهده کرد. آیا امروز قوه قضاییه و قوه مقننه می توانند از همه اختیاراتی که قانون اساسی برای آنها تعیین کرده است، استفاده کنند. مشابهتی که انتخابات ها هم با انتخابات آن دوره پیدا می کند یکی دیگر از این نشانه ها است. شما شیوه رای گیری مجالس اول انقلاب را با الان مقایسه کنید تا ببینید ما به جلو حرکت کرده ایم یا به گذشته؟

از مطالبات همیشگی جامعه که در شعارهای تشکل های سیاسی بازتاب داشته است عدالت اجتماعی، بویژه عدالت اقتصادی بوده است. گاهی دیده شده است که آزادی و عدالت در مقابل هم قرار داده شده اند. میتوان گرایش خاصی را در جنبش سبز تشخیص داد....

مردم در مشروطیت عدالت می خواستند و از دل عدالت، خواست آزادی هم متولد شد تا آنجا که تاریخ اندیشه بشری نشان می دهد خواست عدالت همیشه مطرح بوده است حتی بعضی از حکما و اندیشمندان عدالت را جمع همه فضیلت ها و یا مادر همه فضیلت های دیگر دانسته اند. من گمان نمی کنم که ما مجبور باشیم میان عدالت و آزادی یکی از آنها را انتخاب کنیم. بطور عینی و ملموس شما توجه کنید که خط فقر هشتصد و پنجاه هزار تومانی و وجود توأمان تورم و بیکاری، دارند درخواست آزادی را محدود می کنند.

درست در همین نقطه است که طمع سیطره و مهار خواسته های آزادی خواهانه مردم بروز و ظهور پیدا می کند. در کوچکتر شدن سفره مردم است که توزیع سیب زمینی و اقتصاد صدقه ای برای جلب آرا و خواسته های مردم مورد توجه قرار می گیرد. بررسی وضعیت موجود کشور نشان می دهد که امروز گره خوردن خواست برای

عدالت بویژه عدالت اقتصادی با خواست برای آزادی سیاسی یک ضرورت است.

در سالهای قبل از انقلاب، دفاع نیروهای انقلابی و جامعه دانشگاهی از اقشار ضعیف یک اصل بود و متصف بودن به همنشینی با کارگران و حقوق بگیران و اقشار مستضعف یک افتخار بحساب می آمد. به نظر بنده از نکاتی که همه ما باید به آن توجه کنیم حمایت از منافع اقشار زحمت کش است، البته نه برای آنکه از این اقشار به صورت ابزاری استفاده شود بلکه با این قصد که سرنوشت جنبش با سرنوشت همه آحاد ملت بویژه دو قشری که تولید اقتصادی و تولید علمی دارند یعنی کارگران و معلمان و دانشگاهیان گره بخورد. بنده به دلیل آنکه مشکلات حاد سیاسی باعث شده است مشکلات اقشار پایین دست جامعه و حقوق آنان کمتر مورد توجه قرار گیرد، ناراحت هستم. وقتی معیشت مردم سامان پیدا می کند، هم ریشه های آزادی در

جامعه عمیق تر می شود و هم وحدت و رشد و شکوفایی مردم بیشتر می شود.

امروز کسانی که مسئول شور بختی مردم و عقب ماندگی ملی ما هستند و کسانی که مسئول تورم و بیکاری و ویرانی اقتصاد کشور هستند، مسئول تعطیلی پروژه های بزرگ و عقب ماندگی ما از رقیبان در منطقه هستند، با تزریق مسکن ها و سیاست های بی سر و ته ولی عوام فریبانه سعی می کنند از این وضعیت استفاده کنند. کافی است ببینید باسهم عدالت و حقوق بازنشستگان و شیوه غلط اجرای اصل ۴۴ چه بلایی به سر مملکت آورده اند. سرنوشت برنامه چهارم و بودجه سال آینده مایه نگرانی جدی است.

مخصوصا با ندانم کاری هایی که منجر به افزایش خطر تحریم ها شده است. به هر حال باید گفت که اقشار مستضعف جامعه که دل در ارزش های اسلامی دارند بالقوه خواستار تحقق اهدافی هستند که جنبش سبز نیز بدنبال آن است. کسانی که خواستار اجماع ملی

برای تغییراند باید بیشتر با اقشار تهی دست گره بخورند و از منافع آنها دفاع بکنند گذشته از آن، امروز به دلیل سرنوشت ساز بودن تصمیمات و سیاست های اقتصادی همه باید به اخبار و تحلیل های اقتصادی حساسیت نشان بدهند. این روزها حجم اخبار اقتصادی و اجتماعی درمقایسه با اخبار سیاسی بسیار اندک است و در این زمینه اطلاع رسانی کمی صورت می گیرد.

عده ای عبور از قانون اساسی را حلال مشکلات کشور می بینند. آیا به نظر شما این راه حل واقعی مسائل ماست؟

انشالله همه ما برای اصلاح به میدان آمده ایم، نه برای انتقام گیری و یا کسب قدرت و یا ویران گری. راه حل های گذر از قانون اساسی دارای اشکالات فراوان و جدی است. اولین آنها عدم توانایی صاحبان چنین خواسته ای برای جلب نظر اکثریت ملت ماست. بدون جلب نظر این اکثریت و حتی باید بگویم، بدون ایجاد یک اجماع نباید منتظر یک تحول اساسی و معنا دار باشیم. برای همین

بعضی از شعارهای معطوف به عبور از قانون اساسی مورد سوء ظن مردم متدین و نهادهای سنتی است و متأسفانه باید گفت، گاهی شعارهای افراطی در این زمینه بیشتر از افراط کاری های اقتدارگرایان به جنبش آسیب می رسانند. اینکه شما مخالف خرافه گرایی و تحجر هستید یک خواست خوب و اساسی است.

ولی اینکه وسط معرکه بحث هایی به میان کشیده شود که با اعتقادات و دین و ایمان مردم ناسازگاری دارد، مشکوک است. دلیل بعدی برای ابتر بودن عبور از قانون اساسی آن است که با این راه حل، ما به پرتاب در تاریکی دعوت می شویم. اگر ما این ریسمان اتصال را که حاصل زحمات و تلاش های نسلهای گذشته ماست از دست بدهیم به قطعات ریز ریز بی خاصیت تبدیل خواهیم شد. طبیعی است که دنبال آن رویگردانی عامه مردم از این آشفتگی و حرکت در تاریکی را شاهد باشیم. کسانی که اهداف مبتنی بر عبور از قانون اساسی را دنبال می کنند ممکن است امروز بلندگوهای بزرگی

را در اختیار داشته باشند ولی در بطن جامعه اهداف آنها با سوءظن جدی روبرو است. مخصوصاً که در کنار منادیان عبور از قانون اساسی خواسته و نخواستۀ آنها بعضی از چهره های منفور شاهی حضور دارند که به صورت فرصت طلبانه ای کینه خود را به مردم و انقلاب به نمایش می گذارند. کسانی که تئوریسین های شاهی را در برنامه های خود علم می کنند ظاهراً یادشان رفته است که مردم حافظه بسیار خوبی دارند. بهر حال هر کس به اندازه وزن اجتماعی خود میتواند انتظار مقبولیت را داشته باشد و نه بیشتر.

شعارهایی امروز مفید است که یا بصورت مشخص به تبیین اهداف جنبش کمک کند و یا همدلی عامه مردم را در کنار نخبگان و طبقات میانه جلب کند. همه باید بدانند که ۲۲ بهمن و انقلاب اسلامی را اکثریت قاطع مردم ما متعلق به صدها هزار شهید می دانند و تاریخ و منش ملت ما با زنجیره ای از این شهدا در شهر و روستا به دیروز انقلاب متصل اند.

هفت ماه برنامه کانال های کشورهای دیگر که متأسفانه به دلیل بستن فضای رسانه ای کشور و انحراف صدا و سیما اهمیت پیدا کرده اند، اثراتی داشته اند. ولی این اثرات ضعیف تر از آن هستند که مردم از منافع ملی خود و خواسته های دینی و تاریخی شان دست بردارن، همچنانکه نباید همچون حربه ای برای اتهام و سرکوب واقعیت های جامعه مورد بهره برداری قرار گیرند. به نظر من تلاش برای سوق دادن مردم بسوی شعارهای محدود و از پیش تعیین شده، اهانت به مردم است و باید شعارها از بطن حرکت های مردمی و بصورت خود جوش و غیر آمرانه بجوشد. همانطور که در سال ۵۷ شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی به صورت طبیعی از دل مردم جوشید.

آیا صرف تکیه بر قانون اساسی راه را برای آینده نمی بندد؟

بنده جایی گفته ام که قانون اساسی وحی منزل نیست و همانطور که سال ۶۸ یکبار تغییر پیدا کرد می توان با

توجه به نیازهای فکری مردم و مطالبات مردم و تجربیات ملی گام های مهمی در جهت کارآمدسازی بیشتر آن برداشت. منتهی باید بداینم که صرف داشتن یک قانون خوب مسئله را حل نمی کند. ما باید به طرف سازو کارهایی حرکت کنیم که امکان نقض و تخطی از قانون هزینه های گزافی برای نقض کنندگان آن در هر سطح و مرتبتی داشته باشد.

به نظر بنده جمهوری اسلامی منهای قانون اساسی بی معنا است، و ما علاوه بر مراقبت جهت عدم نقض قانون اساسی، اجرا نشدن و یا کمتر توجه کردن به بخشهایی از قانون اساسی را هم باید نوعی نقض قانون اساسی بحساب بیاوریم. برای همین، خواست اجرای بدون تنازل قانون اساسی یک خواست راهبردی است از طرف دیگر هم به همین دلیل باید به کسانی که علاقه مند به بقای جمهوری اسلامی هستند بگوییم اگر بخشهای قابل ملاحظه ای از قانون اساسی بویژه فصل سوم آن مورد بی اعتنایی قرار گیرد بطور قهری بدیل های

دیگری برای نظام ظهور خواهد کرد. همه باید بدانیم، عدم رعایت حقوق اساسی مردم که در قانون اساسی آمده است و هم چنین به رسمیت نشناختن حاکمیت مردم بر سرنوشت خود به ابطال این میثاق ارزشمند ملی خواهد انجامید. به طور مثال آن کسانی که جاسوسی و تجسس را در جامعه تبدیل به یک رویه عادی کرده اند، خواسته و ناخواسته تیشه به ریشه نظام می زنند. آن کسانی که رسانه ها را محدود کرده اند و صدا و سیما را در انحصار خواسته های خود قرار داده اند، به سستی پایه های جمهوری اسلامی کمک می کنند.

در بیانیه شماره ۱۷ اشاره به نهروهایی داشتم که اگر وارد رودخانه گل آلود و طغیانی بشوند می توانند جریان آنرا بتدریج آرام و روشن گردانند. یکی از آن نهادهای روشن می تواند این باشد که رسماً اعلام شود که قرار است همه به قانون اساسی برگردیم.

به عنوان سوال آخر در مورد راهپیمایی ها و تجمعات
نظرتان را بیان بفرمایید

راهپیمایی و تجمعات مسالمت آمیز، حق مردم است، زنان و مردان و جوانان و میانسالان و سالخوردگان به نظر من مردم در اصل هیچ کینه ای نسبت به نیروهای انتظامی و بسیج ندارند چرا که آنها را نیز از خود می دانند. درگیری موقعی پیش می آید که این نیروها در مقابل حرکت آرام مردم قرار می گیرند از هزاران عکس و فیلم های کوتاه مردمی که درعاشورا و یا روزهای دیگر گرفته شده می توان فیلم مستندی ساخت تا معلوم شود که درگیری ها و فضای تند دنبال آن چگونه ایجاد شده است. به هر حال آنچه توصیه بنده به نیروهای انتظامی و بسیج است، مهربانی و ملاطفت با مردم است و توصیه من به طرفداران جنبش سبز آن است که تمایز خود را با بقیه مردم، چه کم و چه زیاد، کم کنند. این نهضت از میان مردم برآمده و متعلق به مردم است. همه به شدت باید مراقب اعتقادات،

مقدسات و عرف و هنجارهای جامعه باشند. اما هدف نهایی خودمان را در هیچ مرحله ای نباید از یاد ببریم و آن ساختن ایرانی پیشرفته و مستقل و آزاد و متحد است. این هدف تنها با همکاری همه زنان و مردان و همه اقشار ملت و همه اندیشه ها و سلیقه ها امکان پذیر است. جا دارد بگوییم، وقتی می گوییم ایران باید همه ایرانیان داخل و خارج علاقمند به اعتلای این سرزمین و فرهنگ دیرینه و باورهای دینی، آسمانی و رحمانی آن را در نظر بیاوریم و انشالله حرکت سبز در هیچ مرحله ای دست از روش های مسالمت آمیز و اخلاقی خود در مبارزه برای احقاق حق ملت دست برنخواهد داشت. این حرکت از انتخاب رنگ سبز رنگ اهل بیت پیامبر به عنوان اسلام رحمانی و دوستی و محبت و وحدت همیشه استفاده کرده است. جنبش سبز به کرامت ذاتی انسانی و حق تنوع عقاید و اندیشه و آزادی بیان احترام می گذارد و از همه جنبش هایی که اهداف آنها بهروزی و رشد ملت و تضمین حقوق

شهروندی و آزادی های اساسی ملت ما و نیز عدالت اجتماعی است استقبال می کند و آنها را از خود جدا نمی داند.

آیا شما نماینده و سخن گویی در خارج دارید؟

در جنبش سبز هر شهروند یک رسانه است و راه سبز هیچ نماینده و سخن گویی در خارج ندارد. یکی از زیبایی های فضای سبز آن است که همه حرفهای خود را می زنند و این حرکت در یک فضای تعامل گسترش می یابد. بنده هم به عنوان یک همراه نظرات و پیشنهادات خودم را در این فضا مطرح می کنم.

گاهی در سایتها و فیس بوک و نظایر آن از شما نقل قولهایی می شود. تا چه اندازه این مطالب مورد تأیید شماست؟

مطالب بنده با امضاء و در سایتهای محدودی منعکس می شود و من وبلاگ شخصی و امثال آن ندارم. نقل قولهایی که اشاره کردید از جمله عوارض اجتناب ناپذیر فضای مجازی است و ارتباطی با من ندارد.

دیدار با دانشجویان به مناسبت دهه فجر

۱۹ بهمن ۱۳۸۸

دهه فجر را خدمت شما دانشجویان و جوانان عزیز تبریک می گویم. این دهه یادآور یک انقلاب بزرگ است. وقتی می گوئیم انقلاب بزرگ فقط به قضاوت یک طیف، گستره و یا دسته در نظام خودمان مربوط نیست. این انقلاب یک پدیده شگفت آور در دوران خود بود که آثار بسیار عمیقی در سطح جهانی بر جای گذاشته است.

نکته ای که فوق العاده مهم است این که خود انقلاب نتیجه ۲۰ سال تلاش ملت است و این گونه نیست که فقط یک عده ای در یک سال یا در روندهای محدودی

به صحنه آمدند و فداکاری کردند و این انقلاب پیروز شد. این انقلاب نتیجه تلاش‌های بی‌شمار و تجارب فراوان بود. از نظر اندیشه‌ای سابقه موضوع به بیش از چند دهه می‌رسد. منتها اتفاقاتی نزدیک پیروزی انقلاب در کشور افتاد که انقلاب را تسریع کرد و وسعت بخشید و آن را گسترش داد و ما شاهد یک انقلاب عظیم بودیم.

دلایل مختلفی هم برای پیروزی انقلاب در سال ۵۷ ذکر کرده‌اند، دلایل سیاسی، اقتصادی و مهم‌تر از آن رهبری درخشان حضرت امام (ره) که نقش بسیار اساسی در این رابطه داشته‌اند. اما هیچ‌یک از این دلایل نباید ما را از ریشه‌ها غافل کند. باید مجموعه عوامل را با هم دید. تحلیل شعارهایی که مردم در دوران پیروزی انقلاب و بعد از پیروزی انقلاب سر می‌دادند برای ما مهم است، «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» یک شعار کلیدی در آن موقع بود که باید معنای آن تبیین شود و دلایل تاریخی که مردم به این شعارها رسیدند مورد توجه قرار

گیرد. اما شعارهای دیگری وجود دارد که امروز در سایه قرار گرفته و آن شعارها نیز خود تکمیل کننده این شعار اصلی است.

یکی از شعارهایی که در راهپیمایی های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مطرح شد، چون در فاصله ۲۲ بهمن ۵۷ تا تقریباً یک سال بعد، هر چند روز یک بار راهپیمایی داشتیم. مخصوصاً در بهار سال ۵۸ این شعار سر داده شده که «در بهار آزادی، جای شهدا خالی»؛ این شعار را کسی به مردم یاد نمی داد، بلکه مردم خود لمس می کردند که عده ای برای آزادی ایستادند و جنگیدند چون یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی نیل به آزادی بود و حسرت دوستان خود را می خوردند که آنها «بهار آزادی» را ندیدند و لذت و وسعت آن را لمس نکردند. ضمن اینکه آن موقع باب شد وقتی خانواده ای شهید می داد به او تبریک می گفتند. به یاد دارم، در بالای منزل خانواده شهدا پرچم می زدند. این مسائل از ابتدای دوران پیروزی انقلاب شروع شد و به دفاع مقدس هم

رسید. ولی در عین حال این حسرت وجود داشت که عده‌ای از یاران، این دوران را ندیدند.

خود این شعار به نظر من اگر دقت کنیم و فراگیری آن را لمس کنیم هم در ایجاد و تفسیر قانون اساسی و هم در تفسیر شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، نقش بزرگی می‌تواند داشته باشد.

وقتی به قانون اساسی باز می‌گردیم، بسیار مهم است که فضایی که منجر به نوشتن این قانون شد را در نظر بگیریم. دقت در آن فضا منجر به این می‌شود که اگر شناخت دقیقی از مسئله نداریم، که این قانون اساسی چه معنایی دارد، بتوانیم وابستگی و پیوستگی اصول آن را درک کنیم.

به هر حال خود آن مقدمات و سوابق، اهمیت زیادی دارد. بویژه شعارها و فضای آن موقع بسیار مهم است. به همین دلیل باید بگوییم ما همیشه در معرض این موضوع هستیم که وقتی کتاب خدا را تحریف می‌کنند، طبیعی است که میثاق ملی بشری را هم با گذشت زمان

و دور شدن از سرچشمه و سرمنشأ آن و بنا به دلایل گوناگون از جمله منافع فردی و باندى تحریف می کنند. اما برای اینکه به آن سرچشمه ها برسیم باید یک بازسازی از آن شرایط در دست داشته باشیم، در عین حال نگاه نو و امروزی خود را هم در این تفسیرها از یاد ببریم.

حقیقت این است که اگر ترکیب مجلس خبرگان قانون اساسی و سخنان اعضای این مجلس مورد بررسی قرار گیرد، دغدغه هایی را نشان می دهد که به نظر می رسد بخشی از آن دغدغه ها هنوز وجود دارد و آن دغدغه ها در مورد اصول مهمی که در مورد حقوق اساسی مردم، مسائل اقتصادی و ... مطرح بوده و بحث های خیلی طولانی را به خود اختصاص داده بی دلیل نبوده. خود آن گفت و گوها به نظر من، حاصل یک گفت و گوی وسیع و طولانی تاریخی میان ملت ما بوده است و این گونه نیست که تعداد محدودی از خبرگان بحث کردند و این قانون را نوشتند. این مسائل تحت تأثیر شرایط تاریخی،

گفتمان‌های موجود در جامعه و گفت و گوی میان احزاب و گروه‌ها بوده است.

اینگونه بحث‌ها بعد از مشروطه نیز در جریان بود. شما اگر به اصول اقتصادی، حقوق مردم و عدم تجسس در امور خصوصی در قانون اساسی باز گردید، درواقع نتیجه عمری تجربیات تلخ در رژیم‌های سابق بوده که چنین کارهایی را انجام می‌دادند. لذا به خاطر این که برداشت درستی از قانون اساسی و انقلاب داشته باشیم، باید شرایط آن موقع کاملاً سنجیده شود.

این موضوع به این خاطر است که در شرایط فعلی و وجود فضای خاص سیاسی چه بسا افراد و گروه‌هایی با توجه به مشکلاتی که آنها با انقلاب داشته و یا انقلاب با آنها، سعی کنند تحریفی را در این زمینه باعث شوند و ما می‌بینیم حقایقی گفته نمی‌شود و برعکس، یک نوع شک و تردیدهایی در مورد بنیان‌های انقلاب اسلامی صورت می‌گیرد. ولی فقط این مسئله نیست که چهره واقعی انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند بلکه در این سو

هم افرادی که صاحب مال، امکانات و منافع هم شده‌اند باز هم تفسیر خاص براساس منافع خود از قانون اساسی را ارائه می‌دهند.

برای همین می‌بینیم که برخی اصول برجسته و برخی اصول کمرنگ می‌شود، در حالی که قانون اساسی یک مجموعه به هم پیوسته است و باطل شدن بخشی از آن می‌تواند به باطل شدن بخش‌های دیگری منجر شود و آن را بی‌اثر کند و پشتوانه مردمی از قانونی اساسی را حذف کند.

به همین دلیل به نظر من، بسیار مهم است که این مسائل با هم دیده شود. باید دید که چه کسانی از بسته شدن روزنامه‌ها و رسانه‌ها سود می‌برند و یا سایر اصول قانون اساسی که باید به آن پرداخت. قانون اساسی وقتی به مسئله اقوام، زنان، حقوق مردم باز می‌گردد، فکر می‌کنم معدل نتایج و چالش‌هایی است که در دهه‌های قبل از انقلاب اسلامی در کشور ایجاد شده و

به این دلیل، هیچ دلیلی ندارد که ما را قانع کند، که ما از بخشی از این اصول صرف نظر کنیم.

مثالی در این مورد مطرح می‌کنم. البته بحث‌های دیگری هم وجود دارد که لازم است مطرح شود و جا دارد در این روزها مسائلی که شاید کم‌اهمیت به نظر می‌رسد هم مطرح شود. یکی از بحث‌های اول انقلاب اسلامی، برقراری نظام شورایی بود.

همه می‌گفتند؛ باید از شورا استفاده شود. این مسئله منجر به این شد که فکر می‌کنم ۷ اصل در قانون اساسی در مورد شوراها وجود داشته باشد ولی متناسب با این ۷ اصل که بحث‌های مفصلی پشت آن هست، غیر از بحث‌های مجلس خبرگان؛ به یاد دارم در صحن مساجد، منابر، دانشگاه‌ها بحث بود، اما از این ۷ اصل به اندازه کافی استفاده نکرده‌ایم و ظرفیت عظیم آن را که می‌تواند بسیاری از مشکلات کشور را حل کند و سایه دیکتاتوری، استبداد، حاکمیت نظرهای شخصی و منافع گروهی را از نظام دور کند، هنوز استفاده نکرده‌ایم.

اول انقلاب بحث بود که کشور ما با توجه به تنوع اقوام و قومیت ها و فرهنگ ها نمی تواند به سمت یک حکومت فدرالی پیش برود ولی عدم تمرکز را در اصول مربوط به شوراها در نظر گرفته شد واقعاً چنین ظرفیتی در این اصول وجود دارد.

شاید زمانی به دلیل نپختگی و شرایط جنگ و سایر دلایل، اجرای آن به عقب افتاده سه بار در دهه اول انقلاب، اگر ذهنم درست یاری کند، ما طرح هایی را در مورد شوراها به مجلس دادیم. ولی متأسفانه به تدریج دامنه اختیارات کم شد و منجر به همین شوراهای شهر و روستا شد که البته شوراهای شهر هم باز غنیمت است و به نظر من یکی از قوانین خوب ما همین قانون شوراها است. ولی چرا به این اصول نمی پردازیم، محل سؤال است و فکر می کنم جای سؤال برای همه ما باید باشد. من نمی خواهم بگویم سوءنیتی وجود دارد، ولی یکی از بحران های رایج و مسائلی که در کشور پیش آمده به نوعی نتیجه این تفکر است که بسیاری از این اصول

قانون اساسی که ظرفیت فراوانی دارند را به کنار گذاشته‌ایم.

آنچه بعد از انتخابات دهم ریاست جمهوری در کشور اتفاق افتاد و حرکت عظیمی را باعث گردید و اندیشه‌های تازه‌ای در آن زاده شد، از این نظر اهمیت دارد که ممکن است به ما کمک کند تا مجدداً بتوانیم «باز تفسیر نو» و زنده‌ای را از قانون اساسی ارائه کنیم. تفسیری که بتواند مشکلات کشور را حل کند.

شما در نظر داشته باشید که به هر حال جامعه ما به شدت تغییر کرده است و جامعه جهانی و محیطی ما هم تغییر کرده است و به تبع آن، به دلیل تغییرات فضای جهانی، دگرگونی‌هایی هم در کشور اتفاق افتاده است. فروپاشی شوروی را نباید دست کم گرفت، آثار آن در کشور ما بسیار عمیق است. به یاد داشته باشیم که در مشروطیت اتفاقاتی که در شمال رخ داد در اندیشه سیاسی داخل کشور آثار فوق‌العاده‌ای داشت و این آثار تا دورانی که بلوک شرق وجود داشت در کشور و

سیاست‌های آن منعکس بود تا این‌که بلوک شرق فرو ریخت.

این رخدادادی است که در فضای بیرونی کشور اتفاق افتاده ولی فقط این موارد نیست. پیشرفت‌های اقتصادی، تکنولوژی و گسترش فضای مجازی، ماهواره‌ها، که عملاً آگاهی را در میان ملت‌ها گسترش می‌دهند و در حقیقت تمام این موارد به اضافه مسائلی که در کشور به دلیل تغییراتی که پیش آمده منجر به تغییرات عمیقی در میان ملت گردیده است.

یکی از مهمترین مشکلات کشور این است که بین این تغییرات و تغییرات حاکمیت فاصله افتاده است. یعنی به سرعتی که فرهنگ، اقتصاد و نگاه جامعه عوض شده است، به نظر من، حاکمیت این تغییر را نداشته است و این یک مشکل وسیع است. به همین دلیل، یک عقب‌افتادگی را حس می‌کنیم که به چالش بسیار عمیقی منتهی می‌شود. وگرنه، راه حل مسائلی که در خیابان‌ها اتفاق می‌افتد، با توپ و تفنگ و امثال آن حل

نمی‌شود. بلکه، با صدا و سیما، سایر رسانه‌ها، فضای آزادی و فضای گفت و گو، برهان و عقل قابل حل است که این مسائل در قانون اساسی و دین ما ریشه دارد.

درحقیقت، رسانه‌ها مانند دادگاه‌هایی باید عمل کنند که هیأت منصفه آن ملت بزرگ ایران باشد. و ما به آن ملت اعتماد می‌کنیم و من اعتقاد دارم ملت صلاح خود را می‌خواهد و عقل جمعی، عقل برتر موجود در صحنه است و انقلاب اسلامی برای همین رخ داده و قانون اساسی نیز برای حاکمیت مردم بر سرنوشت خود تدوین شد. این زمانی اتفاق می‌افتد که بحث و گفت و گویی در میان مردم به صورت آزاد صورت گیرد و حاکمیت به اصول و مبانی و قاعده بازی آن تن در دهد.

بنابراین باید نگاه خود را به تبع شرایط جهانی، تغییرات اعجاب‌انگیز در توسعه تکنولوژی عوض کنیم و از ارتباطات و رسانه‌ها نهایت استفاده را ببریم. اما می‌بینیم در این رابطه مشکلاتی داشته‌ایم و نتیجه می‌شود که حتی یک یا دو مناظره را هم بر نمی‌تابند و

احساس خطر می کنند. برنامه را قطع می کنند و درست برعکس آن عمل می کنند. اما اگر نگاه خود را عوض کنیم، خواهیم دید نه تنها آن دو مناظره، بلکه گسترش آن می تواند بسیار مهم باشد.

درست گاهی برعکس مسئله عمل می شود. اکنون در مجلس بحث این است که چقدر پیام های کوتاه را، یا خبرها را کنترل کنند که این بحث در جای خود خوب است ولی نوع نگاه اگر اصلاح نشود، نمی تواند منجر به اصلاح امور شود.

آن نگاهی می تواند سرنوشت ساز باشد و کشور را به آرامش برساند که ریشه در دین ما داشته باشد و اجازه دهیم مردم تمام حرف ها را بشنوند و بهترین آن را انتخاب کنند و ما یقین داریم مردم درست انتخاب خواهند کرد.

نکات دیگری هم وجود دارد که می تواند کمک کند که ما قانون اساسی را امروز بهتر بینیم. متأسفانه گفته های بریده، بریده ای از حضرت امام (ره) در صدا و سیما و

جاهای دیگر نقل می‌شود که مورد اعتراض نوه گرامی حضرت امام هم قرار گرفت. اما حقیقت این است که اگر ما نتوانیم فضای زنده، پر شور و پر از معنویت و نورانیت که در اول انقلاب وجود داشته و سخنان امام را تفسیر می‌کند، بشنویم، منجر به این می‌شود که ما یک چهره تاریک و چهره قطعه قطعه شده از انقلاب را امروز ارائه دهیم و این می‌تواند به این موضوع منجر شود که نه تنها مردم از انقلاب بلکه از اسلام هم جدا شوند. چون نظام ما به نام دین و اسلام است و مهمترین دغدغه بنیان‌گذاران جمهوری اسلامی، این بود که به اسلام لطمه نخورد.

البته ممکن است که دو روزی منفعتی را به دست آوریم و حجتی را از کلام امام(ره) بگیریم و از آن علیه گروهی استفاده کنیم ولی وقتی که این کار را با لحاظ منافع خود می‌بینیم و به آن سرچشمه رجوع نمی‌کنیم این زیان را دارد که زبان کسانی که از اول با انقلاب بد

بوده اند و هنوز هم بد هستند باز شود و تمام دستاوردهای انقلاب را زیر سؤال ببرند.

در حالی که، انقلاب اسلامی در حقیقت حاصل جمع همه حرکت هایی است که بعد از انقلاب مشروطه ایجاد شد. مانند انقلاب مشروطه، نهضت ملی شدن نفت، ۱۵ خرداد و سایر جریانات و تجربیاتی که ملت داشته است. بنابراین، باید این مسائل را در مجموع مورد توجه قرار داد. بنابراین براساس چنین رویکردی می توان ملت را در کنار انقلاب اسلامی نگه داشت. در غیر اینصورت استفاده ابزاری از دین و مقدسات می تواند دین را در معرض سؤال های جدی قرار دهد و خود این خطر بزرگی است.

مسئله بعدی این که اگر در شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» دقت کنیم، موضوع استقلال است. ملت ایران بعد از جنگ ایران و روسیه دائم در معرض تهاجم بیگانه بود. قطعات بزرگی هم از کشور جدا شده است و این مسئله تا زمان شاه هم ادامه داشت ولی

عملاً تمام این موارد منجر به این شد که ملت ما نسبت به نفوذ بیگانه، حساس و حتی دچار هراس شوند که ریشه بسیاری از گفتمان‌های موجود در کشور به حساسیت مردم نسبت به نفوذ بیگانگان بود. بویژه روس‌ها و انگلیس‌ها و بعد آمریکا و الی آخر، این مسائل در کشور وجود داشته و برای همین، در شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، موضوع استقلال اهمیت زیادی دارد.

اکنون این حساسیت مردم و خود این شعار مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد یعنی نیرویی که امروز به صحنه آمده و تنها خواسته‌اش این است که به قانون و به ارزش‌های اصلی انقلاب اسلامی برگردیم که یکی از آنها استقلال است، مورد تهمت قرار می‌گیرد که آیا به بیگانه وصل است یا تحت تأثیر آنها است یا نیست. من می‌خواهم بگویم که برای رهایی از سلطه بیگانه باید کشوری پیشرفته داشت و باید با نگاهی نو به جهان نگریست. با تغییراتی که در داخل و خارج اتفاق می‌افتد

خود را با حفظ ارزش ها تغییر دهیم. آن موقع می توانیم استقلال واقعی خود را داشته باشیم. وقتی از این شعارها به صورت ابزاری استفاده می کنیم نتیجه آن تناقض هایی است که اکنون می بینیم. از یک سو نامه های مکرر برای نصیحت سران کشورهای مختلف می فرستیم و آنها را با عنوان «مدیریت جهانی» دعوت به اسلام می کنیم و سعی می کنیم با آنها ارتباط برقرار کنیم و از سوی دیگر، در ارتباط با جهان حتی نمی توانیم یک دوست نزدیک و صمیمی در منطقه و جهان داشته باشیم.

فرض کنیم امریکا به عنوان یک قدرت بزرگ در جهان، می خواهد سیاستی را در مورد ما اعمال کند، با اینکه این کشور قدرت بزرگی است و نیروی نظامی و اطلاعات وسیعی دارد و دستگاه های تبلیغاتی و پول زیاد دارد، به بودجه سالانه آمریکا نگاه کنید و آن را با بودجه کشور مقایسه کنید. با این مقایسه حجم اقتصاد آن کشور را درک می کنیم. این کشور باز خود را بی نیاز نمی بیند که

نظر انگلیس، فرانسه، آلمان، چین و روسیه را جلب کند تا سیاستی را در مورد کشور ما اجرا کند. مثلاً در مورد تکنولوژی اتمی، اما عملاً در مقابل این جریان که علیه ما است چند کشور و یا ملت را در کنار خود داریم که مؤثر هستند؟

این در حالی است که با آنها نامه‌نگاری می‌کنند به ما می‌گویند بیاید و به این کشورها ناسزا بگویید و با آنها مقابله کنید. ما می‌گوییم مسائل انتخابات خانوادگی است و ربطی به خارج ندارد و یقیناً ملت ما حاضر نیست تحت تأثیر منافع دیگران کار کند ولی این که ما هم مثل شما، سیاستی ماجر اجویانه داشته باشیم، یک روز ناسزا بگوییم، یک روز بخندیم و روزی نامه فدایت شوم بنویسیم، را نمی‌پذیریم.

جنبش سبز دچار ماجر اجویی، افراط و تفریط نخواهد شد

جنبش سبز یا این شعار بوجود آمده که می‌خواهیم تعاملی سازنده با جهان داشته باشیم و ما از این مسئله

غفلت نمی کنیم و دچار ماجراجویی نخواهیم و افراط و تفریط نمی شویم. ما به دنبال یک عقلانیت در رابطه خود با خارج و ملت هستیم. باید براساس منافع درازمدت ملت حرکت کنیم. اگر به شعار استقلال به این معنا بازگردیم به هیچ وجه، منافع بیگانگان تعیین کننده حرکت ما نباید باشد. و ما به این موضوع اعتقاد راسخ داشته و خواهیم داشت.

جنبش سبز ملت ایران مستقل است و به هیچ وجه اجازه دخالت بیگانگان را در امور خود نمی دهد ولی این که ما منفعل باشیم. و هر کاری که می کنیم در ترازو بگذاریم که یکی خوشحال شود و دیگری بدحال شود، این کار را هم نمی کنیم. ملت ما اهداف درازمدتی را دنبال می کند و یک ملت در این رابطه باید حساس باشد. از آخوند خراسانی داریم که وقتی بحث روس و انگلیس را مطرح می کند و در پاسخ به عده ای که می گویند چرا بعضی از مشروطه طلبان، در سفارت انگلیس هستند که بحث مفصلی دارد، می گوید که اگر

قرار باشد فلان کار را نکنیم چون به نفع انگلستان است و کار دیگری را نکنیم چون به نفع روسیه است، هیچ کاری نمی‌توانیم انجام دهیم چون هر کاری صورت گیرد، کشورهای دیگری از آن نفعی خواهند برد و یا می‌خواهند ضرری را دفع کنند. ولی استراتژی یک نظام مستقل و جنبش مستقل این است که براساس منافع درازمدت حرکت کند و متأثر از بیگانگان نشود.

دلیل این که این مسائل امروزه با جنبش شدتی مطرح می‌شود، به خاطر این است که روی مراجع و روحانیت و متدینین اثر بگذارند اما اینجانب به صراحت اعلام می‌دارم به هیچ وجه جنبش سبز به خارج وابستگی ندارد و با این مسئله مخالف است و تحت تأثیر این مسائل نیز قرار نمی‌گیرد و براساس منافع ملی حرکت می‌کند و کارهای ما ارتباطی با بیگانه ندارد. در عین حال، این هجمه‌ای که به جنبش سبز می‌شود، ما را در شعارها دچار عدم تعادل نمی‌کند. نصیحت ما به حاکمیت این است که سیاست متعادلی را در پیش

بگیرید و در جهان دوست پیدا کنید و متحد داشته باشید و از ظرفیت های منطقه استفاده شود و دامنه نفوذ کشور را با دوستی و ارتباط محکم نمائید تا آسیبی به کشور نرسد. این نصیحت را به همه دارم. این موضوع برآمده از دل همه ملت ما است و خود جنبش سبز هم این گونه است و خواهد بود.

در شرایط فعلی آن چه جوانان می توانند انجام دهند این است که از ظرفیت عظیم تغییرات در کشور به بهترین وجه در سایه اصولی که به خاطر آن شهدای زیادی تقدیم کرده ایم استفاده کند.

جنبش سبز، جنبش جوانی است که در آن جوانان سهم بسیار بالایی دارند. اما خوشبختانه جنبش جنبه احساسی ندارد و خردگرایی در این جنبش بسیار قوی است.

باید خردگرایی را در کنار شور جوانان اعم از زن و مرد حفظ کنیم چون سرمایه بزرگی برای کشورمان، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است و بدانیم تغییرات و

تحوالاتی که هست، علی‌رغم تلخی‌ها، مشکلات، سرمایه‌ای برای آتیه کشور برای ورود به فضای نو محسوب می‌شود و ما باید برای ورود به فضای نو، متناسب با تغییرات جهانی و مسائل خود این دشواری‌ها را تحمل کنیم و با خرد مسائل را پیش ببریم.

باید حالت ناصحانه، شفقت و دلسوزی خود را نسبت به نظام از دست ندهیم. از اول حرکت جنبش سبز مسالمت‌آمیز بوده و باز هم قویاً باید این مسئله ادامه یابد. متأسفانه منافع عده‌ای در دو قطبی کردن جامعه است تا در نتیجه این دو قطبی بهتر مردم را سرکوب کنند و بهتر به اهداف خود برسند.

جنبش سبز با همه دوست است. با کارگران، معلمان، جنبش زنان دوست است حتی با کسانی که عقاید ما را ندارند، دوست است. چون بخشی از ملت ما هستند و آنان برادران و خانواده ما هستند. جزو ملت ما هستند و ما با همه آنها دوست هستیم.

نهادهایی در کشور وجود دارد که قابل احترامند اما با خشونت، زدن، سرشکستن و کشتن مخالفیم. ما با بسیج، سپاه و نیروی انتظامی مخالف نیستیم. اینها نهادهایی هستند که یک نظام به طور طبیعی دارد و در آنجا برادرانی هستند که جزو ملت هستند و دلسوز ما هستند لذا با این روحیه باید در صحنه حاضر باشیم. عصبانیت ها و تلخی ها نباید کنترل را از ما بگیرد. ۲۲ بهمن ماه پیش رو است.

حقیقتاً یکی از روزهایی است که باید نام «روز جمع» و «روز جامع» بر آن نهاد. یکی از ایام الله است. و می تواند ویژگی های گوناگونی را در خود جمع کند. همه به این مسئله علاقه دارند. احساس من این است که با روحیه جمع بودن در ضمن حفظ هویت باید در این گونه حرکت ها حضور داشته باشیم و سعی کنیم با رفتار خود اثرگذار باشیم تا در سطح ملی آثار خوبی را در جای خود به جای گذارد.

تذکر آخر این که برخورد با حرکتهای مسالمت آمیز مردم به نام اسلام باعث اسلام گریزی می شود. کسانی که به دین اعتقاد دارند، مخصوصاً روحانیت باید بدانند که زندانی کردن، ضرب و شتم، گرفتن و بستن ها، چون به نام اسلام و حکومت اسلامی صورت می گیرد ضرر آن به اسلام بازمی گردد و باید همه تلاش کنیم که این حالت از بین برود.

اگر می خواهیم که اسلام را به عنوان سرمایه برای کشور نگاه داریم نباید منافع ما، مصالح اسلام را تحت تأثیر قرار دهد.

زدن، گرفتن و بستن چه ربطی به اسلام دارد و یا جلوی برهان و گفت و گو را گرفتن چه ربطی به اسلام دارد. جستجو در احوال شخصی مردم چه ربطی به اسلام دارد. واریسی ایمیل های مردم چه ربطی به اسلام دارد. این مسائل با اعتقادات دینی و اصول قانون اساسی منافات دارد.

اهانت به مردم، اهانت به آزادی اندیشه، ارتباطی به اسلام ندارد و انشاءالله همه متوجه باشند که کاری نکنند که در کشور رویگردانی از اسلام را شاهد باشیم. هیچ کشوری به پیشرفت نرسیده مگر اینکه در دوره‌هایی از این مسائل را داشته و بسیار خوش‌بین هستم که خداوند نتیجه این تلاش‌ها را به ثمر می‌رساند و ما وضعیت بهتری را برای ملت خواهیم داشت تا از اندیشه‌ها، از اقوام و از گویش‌های مختلف نترسیم.

هند با صدها زبان و مذهب و تنوع قومیتی به عنوان بزرگ‌ترین دموکراسی ایستاده است و این تجارب وجود دارد. آیا زبان برای این کشور مشکلی ایجاد کرده که ما این قدر برای این موضوع مسئله ساخته‌ایم. در انتخابات هر جا می‌رفتیم، می‌گفتند، اینجا با موضوع زبان این گونه برخورد کردند.

ما از آزادی، اعتماد به ملت، گردش آزاد اطلاعات لطمه نمی‌بینیم. ممکن است به من نوعی فشار وارد شود ولی

عملاً برای جامعه مفید است و به نفع اسلام و آینده کشور است.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

گفتگو با «کلمه» به مناسبت راهپیمایی ۲۲ بهمن ۱۳۸۸

آرزو دارم نمایشگاهی از پوستر های جنبش سبز را
در کشور ببینم...

۸ اسفند ۱۳۸۸

*سه هفته از راهپیمایی ۲۲ بهمن می گذرد و حرف و حدیث زیادی در مورد این راهپیمایی گفته شده است. نظر شما درباره این راهپیمایی چه هست؟

-مراسم ۲۲ بهمن اولین بار نیست که در کشور ما برگزار می شود. این مراسم دنباله راهپیمایی های میلیونی سال ۵۷ به مناسبت های مختلف از جمله تاسوعا، عاشورا و اربعین است. هر ساله کسانی که به انقلاب علاقه دارند در این مراسم شرکت می کنند و معمولاً در بسیج مردم برای راهپیمایی، نهادهای سنتی مثل

مساجد و هیئت‌ها نقش بزرگی دارند. معمولاً این مراسم در هر سال متأثر از اتفاقات مهم آن سال و فضای سیاسی کشور است و امسال این مراسم تحت تأثیر انتخابات دهم و اتفاقات بعد از آن بود و دولت با هزینه گزاف و بسیج اتوبوس‌ها و قطارها از سراسر کشور و شکل‌های خاص اداری سعی کرد اثرات حضور جنبش سبز را در آن خنثی کند.

*راهپیمایی امسال با سال‌های قبل چه تفاوت‌هایی داشت؟

-تفاوت‌ها متأثر از مسائل بعد از انتخابات بود. امسال با توجه به شکل‌گیری جنبش اجتماعی - سیاسی عظیم سبز، این راهپیمایی به شدت تحت تأثیر نحوه حضور این جنبش در راهپیمایی بود. در هیچ سالی این همه نیروی نظامی و انتظامی و امنیتی به خیابان‌ها آورده نمی‌شد. برخوردهای خشن و وحشیانه‌ای که مخصوصاً در میدان صادقیه و بعضی نقاط دیگر دیده شد در سال‌های قبل نبود. در سال‌های قبل مردم با هر

شکل و قیافه و شعاری که می خواستند در راهپیمایی شرکت می کردند ولی امسال مأموران خشن، حتی طاقت دیدن یک لباس سبز بر تن راهپیمایان جوان و یا حتی یک تسبیح سبز در دست یک روحانی را نداشتند. گمان نمی کنم اثر این برخوردها به سادگی از خاطره مردم برود.

* فکر می کنید حجم مردمی که به جنبش سبز علاقه دارند در این راهپیمایی چقدر بود؟

- آمار دقیقی نمی توان ارایه کرد ولی از طریق قرآینی می شود فهمید. یکی از این قرآین، وزن جمعیتی راهپیمایی خودجوش ۲۵ خرداد و مقایسه آن با ۲۲ بهمن است و قرینه دیگر فضای خالی میدان آزادی به هنگام سخنرانی و مقایسه آن با سال های پرجمعیت راهپیمایی است. هنوز جوابی برای خالی بودن میدان و این که چرا دوربین ها فقط نقاط محدود نزدیک به جایگاه را رصد می کرده داده نشده است. اینکه مردم مراقب چمن و محیط زیست بوده اند، مخصوصا برای

کسانی که سال های قبل حضور مردم در میدان را مشاهده کرده اند، مضحک است. اگر برای نظام تخمین وزن جمعیتی جنبش سبز اهمیت داشت، جلوی ابراز هویت جمعیت های سبز را نمی گرفت. ولی وحشت از آشکار شدن این هویت و دامنه آن، این فرصت تاریخی را گرفت. این امر بیش از جنبش راه سبز، برای حاکمیت مضر بود. روشن است که پنهان نگه داشتن واقعیت، منجر به حذف آن نمی شود و در این مورد بنده یقین دارم که با این برخورد گسترده، این هویت عمیق تر و گسترده تر خواهد شد. ولی بنده و جناب آقای کروبی در مشورتی که داشتیم فکر کردیم پیشنهادی که قبلا داده ایم را تکرار کنیم و آن اینکه اجازه داده شود جنبش راه سبز با توجه به اصل ۲۷ قانون اساسی، برای یک راهپیمایی مردم را دعوت کنند. نحوه استقبال می تواند به حرف و حدیث ها پایان دهد. ما اعتقاد داریم که اگر دعوت جنبش سبز و تشکل های اصلاح طلب و مراجع عظام و دیگر شخصیت های نظام نمی بود،

امسال ما یک راهپیمایی بی رمقی داشتیم که اکثریت آن را نیروهای نظامی و انتظامی که از سراسر کشور جمع شده بودن تشکیل می داد، یعنی مسیرهای راهپیمایی وضعیتی می داشتند که میدان آزادی به هنگام سخنرانی داشت.

*گفته می شود تطمیع و تهدید در این راهپیمایی نقش داشته و عده ای به دلیل مسائل مادی در این راهپیمایی شرکت کردند.

-اصطلاح راهپیمایی مهندسی شده را بیشتر می پسندم. بنده با توهین به کسانی که موافق شعارهای جنبش سبز نیستند مخالفم. قرار نیست و قرار نبود که همه با ما هم رأی باشند و اگر کسی با ما هم رأی نیست انسان بدی شمرده شود. همه هموطنان ما هستند. منهای یک عده قمه کش و آدمکش، همه خواهران و برادران ما هستند. حتی نیروهای نظامی و انتظامی برادران ما هستند و می دانیم که مجبور به اعمال خشونت می شوند. البته هزینه های گزاف و استفاده از

اهرم های استخدامی و امکانات دولتی برای جمع کردن جمعیت محکوم است. بنده یادم می آید که برای آن که دستگاه دفاعی در زمان جنگ کامیون هایی را برای جبهه در اختیار بگیرد با چه موانع شرعی و اجرایی روبرو بود و حتی در شرایط بسیار بحرانی جنگ، توسط حضرت امام اجازه داده شد از کامیون های شخصی به شرطی استفاده شود که دولت رسماً هزینه ها و خسارت های وارده را تقبل کند، که کرد. ولی برای این راهپیمایی، تقریباً بیشترین اتوبوس ها و حتی قطارها برای جمع آوری جمعیت و نیروهای نظامی و انتظامی در اختیار قرار گرفته شده بود. اینگونه مهندسی اجتماعات نه تنها افتخاری ندارد، بلکه شبیه همان ذهنیت استبدادی و رویه های پیش از انقلاب است. در زمان پهلوی ها هم اگر کارمندی در تجمعات مورد نظر آنها شرکت نمی کرد، دچار مشکل می شد. افتخار نظام ما در سال ۵۷ و بعد از آن این بوده که مردم بطور خودجوش در این نوع مراسم شرکت می کردند و افتخار

واقعی به شرکت خودجوش مردم در راهپیمایی ۲۵ خرداد و مراسم های بعد از آن است و نه راهپیمایی های مهندسی شده و یا احیانا اجباری با این همه هزینه و فضای امنیتی و ارباب.

* آیا بین شما و آقایان کروبی و خاتمی مشورتی برای موضع گیری ها و تصمیمات صورت می گیرد؟

-ارتباط با این بزرگواران همیشه وجود دارد. با دستگیری های وسیعی که صورت گرفته، ضرورت این ارتباط مستقیم امروز بیشتر است و بنده خدا را شکر می کنم که هماهنگی خیلی خوبی در این زمینه وجود دارد. البته به نفع کشور بود که بجای سیاست های سرکوب و پرکردن زندان ها، سیاست حمایت از ایجاد یک تشکیلات نیرومند از کسانی که سیاست های ویرانگر موجود را قبول ندارند در چهارچوب نظام وجود داشت و به نظر بنده تنها راه عدم انتقال مدیریت جریان های سیاسی و اجتماعی به خارج از کشور همین است. ولی با انحراف شدید صدا و سیما و یکطرفه شدن آن و

بسته شدن روزنامه های کشور و زندانی شدن ده ها روزنامه نگار، به نظر می آید که ایجاد تشکیلاتی که بتواند چهره های مؤثر را دور هم گردآورد تا به صورت آشکار و در چهرچوب قانون اساسی کار را به پیش ببرند فعلا منتفی است و هنوز به اعتقاد اینجانب راهبرد «هر شهروند، یک رسانه» و همچنین گسترش فعالیت های شبکه اجتماعی در جهت گسترش آگاهی های سیاسی و اجتماعی، یک ضرورت است و جایگزینی برای آن وجود ندارد. البته این وضع دشوار در کنار ضررهایی که دارد، منافی هم داشته است و آن اتکا همه علاقمندان به جنبش سبز به خود و شبکه های بیشمار اجتماعی در جامعه است. در این میان، استفاده از فضای مجازی معجزه کرده است و به صورت یک ساختار کاملاً قابل اتکا، افراد و شبکه ها را در اتصال و تعامل باهم قرار داده است. شبیه بازارهای سنتی که که تعداد زیادی مغازه، حجره، تیمچه، مسجد، قهوه خانه و غیره را به هم متصل می کند و علیرغم تنوع آدم ها و حجره ها،

مفهوم بازار یک ساختار به هم پیوسته از واحدها را تداعی می کند. جالب است در یک راسته بازار، می تواند اختلاف عقیده و سلايق و سرمایه وجود داشته باشد، ولی این تنوع، وحدت مفهومی و وحدت عملی بازار را بهم نمی زند، بلکه جزو نقاط قوت آن است.

* تحرکات خیابانی همواره با خشونت شدید روبرو شده است. نمونه آن را در راهپیمایی ۲۲ بهمن در میدان صادقیه دیدیم. آیا راه حل های دیگری برای پیگیری اهداف قانونی جنبش راه سبز وجود دارد؟

- این سؤالی است که خیلی مطرح می شود. در جواب باید گفت که جنبش سبز نباید اهداف خود را فراموش کند، همانطور که نباید دچار روزمره گی و انفعال بشود و استراتژی خود را از یاد ببرد. هدف جنبش سبز از همان اول، اصلاح در چهارچوب اصولی روشن بود. نقطه اتصال را همگی رنگ سبز گرفتیم. هدف حداقلی و مطمئن که می توانست اجماع گسترده ای ایجاد کند، تحقق اجرای بدون تنازل قانون اساسی بود. البته افرادی و یا حرکت

هایی در این بین پیدا شدند که خواستند از این خط بگذرند و یا به اصطلاح خط شکنی کنند، ولی جنبش راه سبز هیچگاه از اجرای بدون تنازل قانون اساسی منحرف نشده است و انشاء الله تا انتها هم همین راه را خواهد رفت. بنده بارها درباره اهمیت پایبندی راه سبز این نقطه کلیدی صحبت کرده ام و به عنوان یک فرد همراه، حراست از آن را مورد تأکید قرار داده ام. صحنه خیابان ها و آنچه در آن گذشته را باید یکی از راه هایی بشماریم که جنبش سبز تلاش کرده است اهداف و نیات خود را به گوش همه ملت و جهانیان برساند. ولی استفاده از خیابان ها، تنها راه نبوده است. ده ها میلیون ایرانی که در این کشور با سانسور، جلوگیری از آزادی ها و اقدامات سرکوبگرانه، سیاست خارجی دمدمی و ماجراجویانه، سیاست های ویرانگر اقتصادی، رواج فساد و دروغ معترض هستند، خواهان تغییراتی هستند که به آنها مجال می دهد با حاکمیت بر سرنوشت خود، این

سرنوشت تحمیلی از سوی کارگزاران بی کفایت را تغییر دهند.

ملت ما می خواهد که در رقابت نفس گیر جهانی و منطقه ای، عقب نیفتد. ملت ما می خواهد با جهان خارج به جای دعوا و دشمنی، تعامل داشته باشد و سیاست خارجی توسعه گرا را دنبال کند. ملت ما می خواهد کالاهای تولیدی، اعم از کشاورزی و صنعتی، زیر سیل خانمان برانداز واردات بی حساب و کتاب، مدفون نشود. ملت ما می خواهد تحت عنوان خصوصی سازی، بیشترین پروژه ها و فعالیت های اقتصادی کشور در بنگاه های شبه دولتی و نیز سپاه جمع نشود. ملت ما می خواهد به شاخص های بیکاری و فقر به عنوان یک وظیفه دینی و اسلامی و ملی اهمیت داده شود و ... با انبوه تبلیغات شاخص خط فقر و بیکاری و تورم با دستکاری و دروغ، از چشم مردم پنهان نشود. ملت ما می خواهد معلمان کشور بابت درخواست حقوق خود کتک نخورند، کارگران بابت درخواست حق خود مورد

تهاجم قرار نگیرند و زنان بابت درخواست رفع تبعیض مورد هجوم تهمت های گوناگون قرار نگیرند. ملت ما می خواهد حکومت اجازه بدهد که در رسانه ملی، صدای همه ملت شنیده شود و نه افراد خاصی که کاری جز بی انصافی و تهمت زنی ندارند. آحاد ملت ما با یکدیگر دوست هستند و دوست ندارند به دو دسته حزب الله و حزب الشیطان، مردم و خس و خاشاک و گوساله و بزغاله تقسیم شوند.

ملت دوست ندارد که این چنین نامه هایش، پیام هایش، گفتگوهای تلفنی اش و پیامک هایش در معرض شنود قرار گیرد. ملت ما آگاه و رشید است و دوست ندارد عده ای محدود به نام مات، آزادی های ملت را محدود کنند، حقوق اساسی آنرا تعطیل کنند، روزنامه هایش را ببندند و هر روز دستورالعمل های آمرانه برای نوشتن، گفتن و شنیدن صادر کنند. باید به هر طریق ممکن از سوی جنبش سبز در سطح کشور و در میان همه اقشار، این آگاهی به مردم برسد که این خواست ملت، خواست

جنبش سبز هم هست و نه تنها خواست آن است بلکه این مطالبات را همگانی کند. این مطالبات کاملاً اسلامی و عین قانون اساسی و کاملاً منطبق با مردم سالاری دینی ماست. این خواسته ها نه جنبه ضدشرعی دارند که باعث فرمان تیر و قتل و زندانی شود، نه جنبه ضدملی و نه جنبه ضد نظام. این ها حقوق مردم هستند و به همین دلیل مردم از آن حمایت می کنند. آزادی، حقوق بشر، رفع تبعیض ها، تحمل عقاید و نظریات مختلف، مقابله با فساد و تباهی و قانون گریزی، مواردی نیستند که پیگیری آنها چه در سطح خیابان و چه از طریق رسانه ها جرم باشد. برعکس، جلوگیری از طرح این مطالبات، علامت استبداد و تحریف اهداف انقلاب اسلامی است که با شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی پیروز شده است.

در پاسخ به سؤال شما باید بدانیم که که زمینه هر تغییر اساسی در جهت اصلاح گری، گسترش آگاهی است. بدون آگاهی گسترده در سطح جامعه، امکان تغییر

وجود ندارد. افشاندن بذر آگاهی و گسترش آن به همه اقشار و همه نقاط کشور، تنها از طریق حضور خیابانی فراهم نمی آید، گرچه اجتماعات، حق مردم و یکی از امکانات آنها برای نیل به اهداف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آنهاست. مهم آن است که در چهارچوب «هر شهروند، یک رسانه»، هر علاقمند به جنبش سبز، راهی برای گسترش این آگاهی و تعمیق آن در میان همه اقشار و بویژه در اقشار مستضعف جامعه پیدا کند. گسترش آگاهی ها، استراتژی اصلی جنبش است. البته باید متواضع باشیم. هدف آن نیست که تغییرات ناشی از این استراتژی حتما بدست سبزها اتفاق بیفتد. سبز بودن یعنی «خود» در میان نبودن و خودخواه نبودن. در این راه ما هم در صورت امکان از خیابان ها به صورت مسالمت آمیز و قانونی استفاده می کنیم و هم همه امکانات قانونی دیگر. می خواهیم به عنوان یک همراه جنبش سبز، باز هم بر گسترش آگاهی در سطح ملی به عنوان مهم ترین وسیله برای نیل به پیروزی تأکید کنم.

ما می خواهیم اهدافمان را در کنار مردم و با آنها بدست آوریم.

*نقش حاکمیت و نظام و یا جناح های دیگر را درارتباط با تغییرات چگونه می بینید؟

-جنبش سبز بر سر مطالبات خود حق خود محکم ایستاده است و هر چه آگاهی ملت به حقوق خود بیشتر شود، نیروی عظیم تری پشت این مطالبات قرار خواهد گرفت. این آگاهی، جان های مردم کشور را تغییر خواهد داد و این تغییر، سرمایه ملت برای تغییرات سیاسی و اجتماعی است. نکته ای که دوست دارم به عنوان یک همراه کوچک به علاقمندان راه سبز عرض کنم این است کههدف ما، تغییر در چهارچوب نظام است. ولی هدف آن نیست که این تغییرات حتما بدست این یا آن فرد صورت بگیرد. ما باید یک اصل اخلاقی را بیاد داشته باشیم و آن تصدیق درستی، خوبی و زیبایی است، حتی اگر این درستی و خوبی بدست ما صورت نپذیرد. به همین دلیل، ضمن آن که محکم بر روی

خواسته های خود ایستاده ایم، ولی کم هزینه تر می بینیم اگر خود حاکمیت به سمت این راه حل ها که برآمده از خواست ملت و میثاق ملی ماست پیش برود. بنده خیلی واضح و آشکار می گویم هر اقدامی که در جهت احقاق حقوق مردم و اجرای بدون تنازل قانون اساسی صورت گیرد، ما آن را نه علامت ضعف حاکمیت خواهیم شمرد و نه آن را خوار و کوچک جلوه خواهیم داد، بلکه آن اقدام علامت قدرت جمهوری اسلامی خواهد بود. ما دوست داریم که خود حاکمیت، متشکل از همه ارکان آن، تضمین های لازم را برای انتخابات های آزاد، رقابتی و غیرگزینشی فراهم آورد.

ما دوست داریم خود حاکمیت به دنبال آزادی زندانیان، توسعه سیاسی و گسترش فرهنگ آزادی و تنوع رسانه ها و آزادی آنها باشد. بتده صریحا می گویم انتشار «کلمه سبز» و «اعتماد ملی» حتی اگر ضرری هم داشته باشد، ضرر آن کمتر از رسانه های غیرملی داخلی و رسانه های خارجی است. می دانم قبول نخواهد شد، یا

حداقل در شرایط کنونی قبول نخواهد شد. ولی می گویم وجود کانال یا کانال های رادویی و تلویزیونی برای جنبش سبز، نظام را تقویت می کند و به وحدت ملی کمک می کند. بنده ترس آن را دارم که محدودیت های فکری باعث شود ما از کشورهای دست چندم منطقه هم عقب بیفتیم و نمی دانم چگونه ملت ما می تواند از خود در مقابل امواج برون مرزی که قطعاً به فکر مصالح ملی خودشان هستند، محافظت نماید. مضحک است اگر تصور کنیم با پخش پارازیت، هک کردن ها و فیلتر کردن ها، این امواج را می توانیم کنترل کنیم.

به هر حال، حاکمیت و جناح های مختلف سیاسی، اگر واقع بین باشند، باید بدانند همانطور که جنبش سبز در روز ۲۲ بهمن حضور داشت، آینده خوب برای کشور هم در گرو ایجاد زمینه برای وحدت بین همه مردم و اقشار مردم است و نه توصیف بخش قابل توجهی از ملت به «خس و خاشاک»، «گوساله و بزغاله» و «یک قشر محدود و اندک». سیره پیامبران و امامان ما نشان می

دهد که هیچگاه حتی به دشمنان دین دشنام نمی دادند. آنها برای کرامت انسانی ارزش قایل بودند و بجای قضاوت درباره ی انسان ها، با رفتار رحمانی شان سعی می کردند فطرت خداجوی همه آنها را به سوی حق جذب کنند. مردم ما نمی توانند تحمل کنند که به نام دین رفتار های غیر دینی بلکه ضد دینی رواج یابد. وقتی در قرآن صحبت از پیامبر و یارانش می شود، آنان را به مهربانی در میان خود و مقابله محکم با دشمنان بشریت توصیف می کند و قطعاً نه در زمان پیامبر و نه بعد از ایشان، همه مسلمانان به یک درجه از ایمان نبودند. مردم ما به خوبی فرق میان دینداری رحمانی و قدرت طلبی در لباس دین را می فهمند. این تعریف یک ملت نیست. این حاکمیت یک فرقه است و دزدیدن مفهوم ایرانیت و حس ملی و این خطرناک ترین راهبردی است که ما اکنون در مقابل آن قرار داریم. سلاح ما در مقابل چنین کژراهه ای، رفتن به سمت میثاق ملی و مذهبی مان و تکیه بر آرمان هایی است که

به ایرانی پیشرفته و صلح جو در سطح جهانی و در سطح ملی منجر می شود. در چنین حالتی است که می توان امید داشت مثل سال های دفاع مقدس، همه ملت در مقابل خطرات، متحداً حضور پیدا کند. ملت همه اقشار، همه قومیت ها، همه فرهنگ ها و همه جناح هاست. علاقمندان به جنبش راه سبز به ایرانی بودن خود و همه نمادهای آن افتخار می کنند و طبیعی است که با این روحیه و منش، به تغییر رنگ پرچم کشورمان به شدت مشکوک هستیم و آن را محکمترین دلیل برای عدم علاقه یک فرقه به منافع و ارزش ها و فرهنگ ملی می دانیم.

*در اطلاعیه شماره ۱۷ راه حل هایی برای برون رفت اعلام شده است. آیا غیر از راه حل های ارایه شده، راه حل های دیگری هم می تواند مورد توجه قرار گیرد؟

-یک نکته بسیار حساس در مورد اطلاعیه شماره ۱۷ آن است که قبول وجود بحران، به عنوان بخشی از راه حل شمرده شده است. از سوی دیگر بنده اعتقاد ندارم

که راهی برای حل دفعی و ناگهانی این بحران وجود دارد. به عنوان مثال، نمی توان یک راهپیمایی مهندسی شده ترتیب داد و دل خوش کرد که همه چیز تمام شده است. مهم آن است که اکنون قدم هایی برداشته شود که به فرایند بهبود اوضاع دامن بزند. شما در نظر بیاورید که امروز اعلام شود که همه زندانی های سیاسی آزاد شده اند. بنده یقین دارم که این اقدام قبل از جناح ها و گروه ها، مورد اقبال همه مردم کشورمان قرار خواهد گرفت. و یا شاهد خودداری از خشونت و شهامت ابراز محبت به مردم خوبی که صرفا حق خود را می خواهند و می خواهند از فضای اختناق رهایی یابند باشیم.

ما اثر خس و خاشاک نامیدن مردم را دیده ایم. بگذاریم یکبار هم با احترام با مردم صحبت کنیم. در بعضی موارد، اجتناب از برخی اقدامات نامناسب می تواند به بهبود فضای ملی کمک کند. مثالش رفتار وحشیانه در میدان صادقیه در ۲۲ بهمن و امثال آن و حمله به مردم

و خانواده شهدا و فرزندان آنهاست. چه کسی می تواند ادعا کند که این اقدامات فضاحت بار می تواند به نظام ما کمک کند؟ آیا پیوستن آقایان خاتمی و کروبی به صفوف مردم و اعلام عملی وحدت و یکپارچگی به حل بحران کمک می کند یا فرستادن عده ای چماقدار و قمه و زنجیر بدست برای اجرای استراتژی نصر با رعب؟ آیا حکومت می تواند راه حل را در ترساندن ملت بداند؟ اگر چنین پیروری هنر بود، ما و همه جهانیان، حمله صدام به حلبچه را محکوم نمی کردیم و نمی گفتیم او به مردم کشور خود هم رحم ندارد. فیلمی که اخیرا در مورد حمله به خوابگاه دانشجویان پخش شد نشان می دهد که تا چه اندازه روحیه فرقه گرایی، سبیت ایجاد می کند.

به نظر کسانی که مشغول ضرب و شتم دانشجویان هستند، فرزندان این ملت از حیوانات هم کم ارزش تر می نماید و فاجعه بارتر اینکه در سطوح مختلف، مسئولین می گویند که نمی دانند حمله کنندگان چه

کسانی هستند. این توهینی بدتر به شعور دانشجویان و مردم است. آنچه در این فیلم جالب توجه است این است که در میان همین افراد نیروی انتظامی، کسانی دیده می شوند که دیگران را از ضرب و شتم نهی می کنند. ای کاش نیروی انتظامی و نیروهای امنیتی کشور، اقتدار را نه در سرکوب و ضرب و شتم، بلکه در ایجاد فضای امن برای همه ایرانیان، صرف نظر از طرز فکر و عقایدشان، می دانستند. چه ضرورتی داشت فضای میدان صادقیه با نارنجک فلفلی و شیمیایی آلوده شود؟ همه این روش ها، ما را از راه حل های منطقی دور می کند. تضمین انتخابات آزاد، رقابتی، غیرگزینشی و سالم، کلیدی ترین بخش راه حل هاست. اگر این امر حل نشود، ریزش مشروعیت نظام سرعت خواهد گرفت. جنبش راه سبز باید بطور مکرر و در هر شرایط و مکان، روی انتخابات آزاد، رقابتی و غیرگزینشی تأکید کند. همانطور که آزادی زندانی ها، آزادی رسانه ها و برچیده شدن فضای امنیتی در جای خود بسیار مهم هستند و

باید ضرورت این راه حل ها را نه تنها به گوش حاکمیت، بلکه به گوش همه مردم کشورمان برسانیم.

*درباره نسبت گروه های مرجع و جنبش راه سبز حرف و حدیث زیادی وجود دارد. نظر شما چیست؟

-جنبش سبز حرکتی است که از بطن گره های مرجع مهم جامعه ما متولد شده و در ارتباط با این گروه ها هم رشد کرده است. در این زمینه بعنوان مثال به نامه ۱۱۶ استاد دانشگاه تربیت مدرس اشاره می کنم. این دانشگاه فرزند انقلاب است و بنده هم به عنوان یک عضو کوچک از خدمتگزاران اول انقلاب، در شکل گیری آن نقش داشته ام. همه می دانند که این دانشگاه دوره کارشناسی ندارد و هرم سنی آن نسبت به سایر دانشگاه ها بالا است. در کارکنان و دانشجویان آن، فراوانند کسانی که در فعالیت های اول انقلاب نقش فراوانی داشته اند. ۱۱۶ تن از اساتید این دانشگاه در کنار بیانیه های مشابه فراوان سایر دانشگاه ها و بیانیه های انجمن های اسلامی و نهادهای دانشگاهی دیگر

نشان می دهد تا چه حد حضور جنبش در دانشگاه ها و در میان دانشگاهیان جدی و فراگیر است. بنده می خواهم بگویم همین نسبت را شما در میان پزشکان، معلمان، مهندسين، کارگران، جنبش زنان، ورزشکاران و هنرمندان و ديگر گروه های مرجع می توانید ببابيد. يك نگاه ساده و بدون تعصب به جشنواره های دهه فجر نشان خواهد داد که هنرمندان به عنوان قشري به شدت تأثیرگذار کجا ايستاده اند. گفته می شود بعد از انتخابات، نزدیک هزار کلیپ و سرود در مورد جنبش سبز یا حوادث مربوط به آن ساخته شده و تعداد زیادی کاریکاتور، پوستر و نقاشی و سایر تولیدات هنری خلق شده است. چنین تحرکی در تاریخ فرهنگ کشور ما و شاید فرهنگ های جهانی بی نظیر است. بنده ارتباط وثیق جنبش راه سبز با گروه های مرجع را بهترین دلیل برای امید به تحقق خواسته های جنبش در آینده کشورمان می دانم. چرا وقتی میلیون ها دانشجو در

سراسر کشور در پشت جنبش سبز است، به آینده
امیدوار نباشیم؟

*در مورد روحانیون چطور؟

در بدنه جنبش، تعداد قابل ملاحظه ای از روحانیون
متعهد و آگاه و مبارز حضور دارند. سبزه‌ها باید بدانند
موضعگیری چند نفر روحانی تندرو و مغرض، نظر همه
روحانیت و مراجع نیست. روحانیت اصیل ما هیچگاه
مردم را با الفاظ رکیک خطاب نمی کنند یا از قتل و
ریختن خون و در محبس کردن بیگناهان حمایت نمی
کنند. روحانیت اصیل ما می داند که تهمت و شکنجه و
آبروی دیگران را ریختن و تجسس حکمش در اسلام
چیست. روحانیون واقعی ما مصالح اسلامی و ملی را از
منافع فرقه ای و جناحی تشخیص می دهد و این
روحانیون در کنار دانشگاه و متحد با دانشگاهیان
هستند و اهمیت این وحدت را می دانند ما روحانیون
فعال در جنبش سبز را ذخیره جنبش و پشتوانه بسیار
مهم آن می دانیم. حضور آنها در جنبش سبز در

شرایطی که از انواع روش ها و وسایل برای متهم کردن راه سبز به بی دینی و وابستگی به بیگانگان استفاده می شود، جنبه حیاتی دارد.

به همین دلیل، به همه کسانی که به امید آینده ای بهتر برای ایران عزیز به جنبش پیوسته اند عرض می کنم که پیوسته مراقب باشیم در دام تبلیغاتی که می خواهد روحانیت کشور را به جنبش بی اعتماد کند نیفتیم. کارناوال روز عاشورای سال ۷۶ و نمایش ها و تمهیدات شبیه آن از یادمان نرود. مخالفان جنبش اگر نه همه، ولی بخشی از آن، به هیچ اصول اخلاقی و دینی پایبند نیستند.

*پیشنهاد شما در مورد مراسم چهارشنبه سوری چیست؟

-مراسم این روز، یادمان جشنواره نور علیه تاریکی است اما علاقمندان به جنبش راه سبز ضمن آنکه به نمادها و مراسم ملی و مذهبی دلبستگی دارند، حاضر نیستند که این نوع مراسم ها باعث اذیت و آزار مردم

بشود. مخصوصا توجه کنیم که ممکن است مخالفان جنبش بخواهند با برنامه ای که قبلا هم مشابه آن را اجرا کرده اند، جنبش سبز را بدنام کنند. بنده مطمئن هستم که سبزه ها در هیچ برنامه هنجارشکنانه یا تخریبی که موجب اذیت و آزار مردم بشود شرکت نخواهند کرد. ایجاد انفجار و آتش سوزی با مشی جنبش سبز که تلاش کرده است همواره حرکت هایش مسالمت آمیز و عمیق باشد سازگاری ندارد. سبز بودن به لباس و نماد نیست. سبز بودن به رفتار و اخلاق است. اگر این اصل مهم مورد توجه قرار گیرد و اعضای جنبش یکدیگر را به رعایت آن توصیه کنند، قطعاً از آسیب هایی که ممکن است عده ای در لباس جنبش سبز انجام دهند جلوگیری خواهند کرد.

*و نکته آخر؟

-بنده آرزو دارم روزی در کشور شرایطی ایجاد شود که مجموعه پوسترها، نقاشی ها، کلیپ ها و سایر آثار هنری خلق شده یک سال گذشته بدون سانسور به

نمایش گذاشته شود و می دانم که انشاء الله با امید و حرکت جنبش سبز، روزی شاهد چنین نمایشگاهی که نشان دهنده شور و شوق ها و دغدغه های ملی ماست، خواهیم بود.

دیدار با اعضای جبهه‌ی مشارکت

حماسه ۲۵ خرداد نباید فراموش شود...

۲۵ اسفند ۱۳۸۸

بسم الله الرحمن الرحيم

تشکر می‌کنم از حضور دوستان. شرایط ویژه و خاصی در کشور حکمفرماست. خیلی خوشحال می‌شدم که دوستان دیگر به ویژه دوستانی که در بند هستند امثال آقای میردامادی در این جمع بودند و از محضرشان استفاده می‌کردیم. شرایط کشور را شما که یک حزب سیاسی هستید بهتر می‌دانید. محدودیت‌هایی که برای حزب مشارکت است خودتان می‌دانید. معمولاً در کشورها باید از فعالیت احزاب و تشکیلات استقبال

شود تا مشکلات کشور را از طریق آنها پیگیری و با تکیه بر خرد جمعی حل و فصل کنند. در واقع تشکل‌های غیردولتی و احزاب رابط مردم و دولت هستند و به این طریق از هیبت دولت در برابر مردم می‌کاهند علاوه بر اینکه بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی و... از این طریق انجام می‌شود. و یکی از نشانه‌ها و شاخص‌های توسعه یافتگی و پیشرفت کشورها وجود همین تشکیلات و نهادهای مدنی غیردولتی است، حتی در کشورهایی که نظم و نسقی دارند وجود این‌ها ضروری است چون بسیاری از فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از طریق این نهادهای مدنی انجام می‌گیرد در واقع وجود تشکل‌ها در بین مردم باعث پیشرفت مردم می‌شود، و جامعه توده‌وار هرگز رشد مناسبی ندارد.

این مساله در کشور ما هم بی‌ریشه نیست و از قدیم مشابه این‌گونه نهادها در جامعه ما وجود داشته و تشکل‌های کوچک محله‌ای داشته‌ایم و همین‌ها جامعه

ما را حفظ کرده است. بطور نمونه می توان به بافت و ساختار شهر کاشان اشاره کرد که در درون محلاتش نهادهایی این گونه وجود داشته و همین ها موجبات حفظ و رشد این شهر را فراهم آورده و این نهادها از طریق صدقات جاریه تامین مالی می شده است یا وجود هیئت ها نمونه دیگری است، در جامعه مدرن وجود این نهادها به لحاظ شکل و محتوا گسترده تر شده و اهمیت ویژه ای پیدا کرده تا به تشکیلات سیاسی رسیده است. قانون اساسی ما در مورد حق تشکیل اجتماعات و احزاب و تشکل ها صراحت و تاکید دارد. غفلتی که هست اینکه برخی فکر می کنند این گونه تشکیلات تحفه ای است که از طرف دولت به مردم داده شده است. اشکال کار این است که فکر می کنیم این تشکلات باید توسط دولت ساخته و به مردم تحویل داده شود، در حالی که این یک خواست اجتماعی است و مردمی بودن آن باعث سلامت جامعه می شود، و دولت نباید مانع فعالیت آنها شود. مردم اگر تحت فشار نباشند و این

تشکلات مردمی امکان فعالیت داشته باشند لازم نیست مردم به خیابان‌ها بیایند و اگر در خیابان‌ها هم حق آنها پایمال نشود و خشونت اعمال نشود مردم آرامش خود را حفظ می‌کنند. متأسفانه در این نه ماه تمام این مسائل زیر پا گذاشته شده و بیشترین خسارت متوجه مردم شده است به خاطر خشونت بسیار زیاد خیابانی. این وضعیتی که با آن روبرو هستیم و وضعیتی که حزب مشارکت دارد خود دلیل اعتراض مردم است و اگر به خواست و حقوق مردم شود دلیلی وجود ندارد که مردم به خیابان‌ها بیایند یا به سمت شعارهای تند بروند. مردم به دنبال استیفای حقوق خودشان هستند و آنچه در این نه ماه اتفاق افتاده است ناشی از هجمه و هجوم نیروهای دولتی به مردم بوده و آنها از این ناحیه خسارت بسیار دیده‌اند. بر راهپیمایی ۲۵ خرداد که در آن راهپیمایی مردم مراقب شعارهای خود و مراقب همدیگر بودند، هر چند متأسفانه حادثه تلخ آخر آن پیش آمد. اوج حضور مردم راهپیمایی در روز ۲۵ خرداد

بود که باید تاکید و تکرار زیادی روی آن کرد و نگذاشت به فراموشی سپرده شود، نوع اجتماع و حرکت مردم در آن روز نشانگر نظم و نشاط و مراقبت بود و مردم مراقب شعارهای خود و مواطی همدیگر بودند و متاسفانه آن حادثه تلخی که در انتها رخ داد آن روز پرشکوه را تلخ کرد اما باید بیش از این به این واقعه و روز پرداخت تا ماهیت مردمی و سبز این جنبش برای همگان و آیندگان روشن شود. نوشتن مقالات متعدد در مورد ۲۵ خرداد می تواند باعث شود که ماهیت جنبش و سرچشمه های آن شناسایی و بر آنها تاکید شود. خوشبختانه این تفکر همچنان در بین مردم باقی مانده و مردم در سطوح مختلف به آن عمق داده اند. و به رغم اتفاقات تلخی که در این نه ماه رخ داده است روحیه مردم همانند آن روز حفظ و وجه مسالمت آمیز و مدنی جنبش برجسته شده و عمق گرفته است. البته این جنبش فراز و نشیب هایی داشته اما همه لازمه جریان است و باید هوشیارانه با آنها روبرو شویم،

مخالفان این جریان با اتهامات و برچسب زدن‌ها تلاش کردند سران و متفکران این جریان و از جمله اعضای مشارکت را به جاهایی بچسبانند که مردم نمی‌پسندند، البته در این مسیر جنبش افت و خیزها و فشارهایی بوده، که از جمله حزب مشارکت در معرض بیشترین فشارها بوده و نسبت‌هایی به آن داده شده که نادرست و ناروا بوده است و ملت هم آن را نمی‌پذیرد، و ما نباید در مقابل این تهمت‌ها و بی‌اخلاقی‌ها حالت انفعالی بگیریم و باید تعادل خودمان را در هر لحظه و نقطه‌ای در مقابل فشارها حفظ کنیم. بنده در یکی از مصاحبه‌ها این را مطرح کردم که گروهی می‌گفتند مشروطه باعث خوشحالی انگلیس بوده، و از قول مرحوم آخوند خراسانی گفتم که هر کاری ما بکنیم ممکن است روس‌ها یا انگلیسی‌ها اظهار خوشحالی کنند و اگر این‌طور باشد پس ما نباید کاری بکنیم؟ نه، ما باید رفتار خود را به گونه‌ای تنظیم کنیم که درست باشد و به این اتهامات توجه نکنیم. ما نباید بر اساس خوشحالی و

بدحالی بقیه کارها و برنامه های خود را تنظیم کنیم، ما باید کار خود را بکنیم. بخشی از این تخریب ها برای این است که ما را به انفعال دچار کنند و بخشی برای این که بین ما و مردم فاصله ایجاد کنند و نسبت به ما بدبینشان کنند. ما نباید نسبت به این گونه مسائل و تهمت ها و تحلیل ها منفعل باشیم. اخیرا نشریه ای در نوشته ای حزب مشارکت و آقای خاتمی و... را با اوباما و ریگی به هم وصل کرده و نتایجی گرفته است عجیب و لابد این گونه می خواهند برخی ها را توجیه کنند که این ها ریشه در خارج دارند و... اما ما باید روی اصول خودمان حرکت کنیم و در دام این ها نیفتیم و در عین حال که روی حفظ اصول و استقلال خود پافشاری می کنیم، نباید تعادل خود را از دست دهیم و دچار افراط و تفریط شویم. ما می خواهیم روابط خارجی را با توجه به مصالح خویش پیش ببریم، نه این که در هر سخنرانی برای خود کلی دشمن بتراشیم و یک دوست برای خود باقی نگذاریم. نباید این همه ماجراجویی کرد.

یکی از نعمت‌هایی که انقلاب اسلامی برای ما آورده است استقلال ماست و ما نباید این را از دست بدهیم. البته ما مسائلی با جهان خارج داریم، با آمریکا و اروپا، اما روابط خارجی‌مان را باید به گونه‌ای شکل دهیم که در جهت تامین منافع و امنیت ملی و حفظ تمامیت ارضی و رشد و توسعه کشور باشد و سیاست خارجی ما نباید ماجراجویانه و تنش‌زا باشد و ما دوستان قابل اطمینان و همراهی در شرایط سخت نداشته باشیم. ما نباید این حالت تعادل را چون زیر فشار هستیم از دست بدهیم. حقیقت این است که در چند سال اخیر مدام از حربه ارتباط با بیگانه برای انفعال و سرکوب مردم و نیروهای متفکر جامعه استفاده شده و این باید روشن شود.

اطلاعات رسیده به ما می‌گوید که مخالفان راجع به وقایع و جریانات پس از انتخابات یک افسانه ساخته‌اند و ظاهراً خودشان هم این افسانه را باور کرده‌اند و افراد و احزاب را با قلب اطلاعات در جایگاه‌هایی که

می خواهند می نشانند، در این داستان برای هر کس و هر حزب یک نقش قائلند، یک تصویری از حرکت های مردمی و جنبش می سازند اما همه ابعاد این افسانه باید باز و شکافته شود. تصویری از ماهیت جنبش سبز و حرکت مردم ساخته اند که نادرست است و البته می خواهند از این تصویر ساخته شده برای توجیه مراجع و روحانیون و متدینین و... استفاده کنند و در این تصویر نقشی هم برای احزاب و گروه ها قائلند که این ها را وابسته به خارج نشان دهند. در برگه های تبلیغاتی که روز ۲۲ بهمن توزیع می شد تحلیلی بر همین مضمون ارائه شده بود و این نشان می دهد که این گونه تحلیل ها پشتوانه در برخی جاها دارد. این کارها و رفتارها مبتنی بر تحلیل هایی است که در پس پرده انجام می دهند و علاوه بر این یک باور نسبت به دورغ هایی که گفته اند و داستان هایی که گفته اند در ذهنشان به وجود آمده است. آنچه ما باید انجام دهیم اینکه تلاش کنیم نشان دهیم که این حرکت و جنبش

یقیناً وابسته به بیگانه نیست، منافاتی با دین ندارد، در راستای زنده کردن قانون اساسی و احیای اسلام رحمانی است. ما باید ریشه‌های حرکت مردم و جنبش سبز را نشان دهیم و این که ریشه این حرکت در انقلاب اسلامی و حتی قبل از آن در جنبش مشروطیت است و این حرکت مخالف با اسلام نیست و برآمده از باورهای دینی مردم و ظلم ستیزی آنهاست. برآمده از قانون اساسی ماست که میراث گران سنگ انقلاب و خون‌بهای هزاران هزار شهید است. این میثاق ملی مجموعه و منظومه‌ای بهم پیوسته از اصول است که با هم معنا دارد و مردم به این مجموعه رای داده‌اند و همه آن‌ها باید با هم اجرا شود نه این که بخشی از آن را برداریم و سوءاستفاده کنیم و به بخش‌های دیگر هیچ توجهی نکنیم. مردم به همه این اصول رای داده‌اند و همه آن را میثاق می‌دانند و هر نوع کم‌رنگ کردن بخشی از اصول لطمه‌های بزرگی را در پی دارد. جلوگیری از برگزاری کنگره یک حزب قانونی قطعاً لطمه به این قانون و میثاق

است، خراشی بر این میثاق ملی و صورت نظام است و همه این ها باید برای مردم توضیح داده شود. در این شرایط همه ما باید باید از تکیه بر نخبه ها فراتر رویم و به گروه های مرجع دیگر و تاثیرگذار جامعه متوجه شویم، باید به سمت معلمان، کارگران و اقشار مختلف برویم و مسائل را برای آن ها توضیح دهیم و اگر فراگیری هرچه بیشتر امواج حق خواهی را می خواهیم باید این ندا به گوش همه اقشار جامعه برسد.

نکته دیگر استفاده از روحیه مذهبی مردم است و باید به گرایش مذهبی مردم توجه تام داشت. ما همه مذهبی هستیم، اما صرف این که مذهبی هستیم کافی نیست، تبلیغات پرشدتی که در جامعه به راه انداخته اند برخی ها را دچار تردید کرده است به طوری که گاهی من با برخی افراد روحانی و مذهبی که به خوبی من را می شناسند صحبت می کنم گمان می کنند که پشت پرده اتفاقاتی افتاده و ما تغییر کرده ایم، اما وقتی با آنها صحبت می کنم و توضیح می دهم آرام می شوند. ما باید

مردم را توجیه کنیم که این گونه نیست و این ها دروغ و تهمت هایی بیش نیست. ارتباط با مراجع و روحانیت باید بیشتر و قوی تر شود، حداقل با آن بخشی که آمادگی ذهنی دارد و دلسوز است. باید آن ها را با اهداف جنبش آشناتر و نزدیک تر کرد، در راهپیمایی ها هم بعضی از روحانیون شرکت می کنند ولی باز هم لازم است که این ارتباطات بیشتر شود. این می تواند خنثی کننده افسانه آن ها باشد. در ذهن مردمی که اطلاعاتی ندارند بعضا این افسانه می نشیند. اگر جنبش بخواهد پیش برود و عقبگرد نداشته باشد باید دامنه اهدافش را در بین مردم توسعه داد، هم در میان اقشار مختلف مردم و هم در شهرهای مختلف، باید مسائل اقتصادی را برای مردم توضیح داد، باید به مردم نشان دهیم که برای کم شدن فشار اقتصادی، برای ثبات زندگی، برای کاهش طلاق و بسیاری مشکلات دیگر و کاهش آسیب های اجتماعی باید به اصول قانون اساسی برگشت. این را مردم باید حس کنند. نباید حس کنند

این جنبش فقط در رای مردم خلاصه شده است و تنها خشم ناشی از پایمال شدن رایشان است. باید ایران پیشرفته و سعادت‌مند را با اهداف جنبش پیوند دهیم و یکی کنیم و به مردم نشان دهیم.

سال آینده سال صبر و استقامت ماست و نبودن دوستانی امثال آقای میردامادی در میان ما خسارت است اما در بند بودن همین‌ها اثراتی دارد که قابل مشاهده است. به نظرم زندان دیگر خاصیت و اثر خود را در مقابله با جنبش سبز از دست داده است. بارها در این هشت نه ماه گذشته فرصت‌هایی پیدا شده که دعا می‌کردم این‌ها زندانی‌ها را آزاد کنند، روزنامه‌ها را آزاد کنند، اما این‌گونه نشد و مدیریت این تحولات انجام نشد. قطعاً اگر روزنامه‌ها و رسانه‌های کشور محدود نبودند اقبال مردم به رسانه‌های خارجی کمتر می‌شد. اگر این‌ها تدبیر داشته باشند راه حل مسائل و مشکلات کشور از لشکرکشی و پادگانی کردن جامعه نمی‌گذرد، راه حل در آزادی‌های قانونی است. اگر روزنامه‌ها را

نبسته بودند، اگر محدودیت ایجاد نکرده بودند، اگر فضا را کمی باز گذاشته بودند، مردم خیابان‌ها را خالی می‌کردند، اگر این آزادی‌های حداقلی را داده بودند هم دولت قوی‌تر بود هم مجلس و در مجموع ارکان قوی‌تری داشتیم. البته این آزادی‌ها برای صاحبان قدرت محدودیت ایجاد می‌کند اما این به نفع نظام و کشور است و ارکان نظام هم در سطح ملی و بین‌المللی قدرتمندتر می‌شوند. این ناراحت‌کننده است که قوه قضاییه که قرار بود مستقل باشد و هیچ کس نتواند بر آن اعمال نظر کند، اکنون چنین وضعی داشته باشد که اطلاعات و سپاه به او دستور دهند که کی را بگیر، کی را آزاد کن، فلان حکم را بده... در اوایل انقلاب شورای عالی قضایی برای همین تشکیل شد که کسی نتواند به قوه قضائیه دستور دهد و متأسفانه این وضعیت تغییر کرد. نه این که قاضی دلسوز نداشته باشیم و اتفاقاً همان قاضی‌های دلسوز و شریف بیشتر این ظلم را لمس می‌کنند و رنج می‌برند. قضات شریف و

دلسوز زیادی در این قوه وجود دارند اما بازتاب بیرونی این گونه نیست. به هر حال امیدواریم چرخشی در راستای اهداف جمهوری اسلامی در مجموعه حاکم ایجاد شود. و در خود نظام و حکومت چرخشی متناسب با قانون اساسی در اداره امور ایجاد شود و فضای آزادی به وجود آید تا در سایه آن مسائل و مشکلات کشور و بحران حادث حل شود. احساس من نسبت به آینده این است که حرکتی که آغاز شده برگشتناپذیر است، ما هیچ وقت به یک سال گذشته بر نخواهیم گشت، این تغییر ایده ها را باید غنیمت شمرد. من به آینده بسیار امیدوارم، باید به مردم صبر و امید را منتقل کرد، صبر در معنای ایمانی آن، این جنبش چیزی برای خود نمی خواهد، آزادی و بهروزی و سعادت و پیشرفت مردم را می خواهد و قطعاً به آن دست خواهد یافت. حرکت بعد از انتخابات و خود انتخابات مردم را به حقوقشان آگاه کرد، باید مردم را به صبر و استقامت دعوت کرد، سال آینده را باید سال صبر و استقامت بدانیم و

بنامیم. سال استقامت بر اهداف جنبش سبز تا به نتیجه
رسیدن.

پیام تصویری به مناسبت نوروز ۱۳۸۹

سال صبر و استقامت...

فرا رسیدن موسم سبز بهاری و عید ملی نوروز را به همه ملت تبریک می گویم. جا دارد به ویژه از خانواده شهدا و رزمندگانی که برای استقلال کشور دفاع کردند و از خانواده جانبازان و همه کسانی که آسیب دیدند، یاد کنم و شهدا و آسیب دیدگان سال ۸۸، چون این قافله به هم پیوسته است و سرنوشت این شهدا را در طول تاریخ کشور به هم پیوسته می دانم. اگر امروز ایرانی سرافراز و ملتی آزاد داریم ناشی از این فداکاری ها و رنج ها است.

شهدا زندگان واقعی هستند. نزد خدا روزی می خورند و در سرنوشت ما تاثیر می گذارند. طبیعی است که مردم خواستار حفظ حرمت این خانواده ها باشند.

جا دارد به اقشار، اقوام، قومیت‌ها، فرهنگ‌ها و جناح‌ها و همه ملت تبریک عرض کنم به ویژه جا دارد امسال از ایرانیان خارج از کشور نیز یاد کنم. ملت ما به هم پیوسته هستند و این از برکات جنبش سبز است. دامنه این جنبش آنچنان فرا رفته است که در آن سوی دنیا مردم خود را وابسته به هویت عمیق ایرانی، اسلامی، می‌دانند و برای انقلاب و عظمت و پیشرفت کشور زحمت می‌کشند و سعی می‌کنند در سرنوشت کشور و میهن خود مشارکت داشته باشند به ویژه جوانان داخل و خارج از کشور، گروهی که بیشترین قربانی‌ها و خسارت را دادند.

تا جایی که من اطلاع دارم نسل سوم و چهارم ایرانیان خارج از کشور درست مثل جوانان داخل ایران، در حال فعالیت هستند و در این فرصت سال جدید را به همه آنان تبریک می‌گویم. خانواده‌های آسیب‌دیدگان و شهدا در این باره نقش والایی داشته‌اند و جا دارد ملت عزیز ما در سال جدید، به ویژه در روزهای اول سال یار

این خانواده ها باشند و به طور مناسب، در دیدارها امکان دلگرمی آنان را فراهم آورند.

سالی که گذشت برای ملت ما سال ویژه ای بود. ملت عزیز ما شاهد شور و هیجان وسیعی به خاطر انتخابات بودند و آنچه زیبا بود محبت مردم به یکدیگر و صفوف متحد مردم از همه جناح ها بود که در این سال شاهد بودیم. این انتخابات می توانست به یک جشنواره بزرگ برای ملت تبدیل و سرآغاز حرکت جدید در تاریخ کشور شود. این حرکت منجر به حضور گسترده مردم در پای صندوق های رأی شد و شما به طور وسیع و بی سابقه در این انتخابات شرکت کردید و عزم خود را برای تغییر، دگرگونی و استقلال کشور و حاکمیت عدالت و آزادی نشان دادید. اما پاسخی که به این حضور داده شد متأسفانه منجر به این شد که در فاصله کوتاهی پس از انتخابات مردم با شعار «رأی من کجاست» و یا «رأی من را پس بده» به خیابان ها آمدند. ریشه این مسئله از روز ۲۲ خرداد شروع شد. هنوز

ساعت ۵ نشده بود که یکی از ستادهای مهم انتخاباتی بنده مورد حمله قرار گرفت و ساعت ۸ شب ستاد مرکزی انتخابات اینجانب نیز مورد حمله قرار گرفت و تا فردا صبح چند بار تیر روزنامه کلمه سبز با حضور نیروهای امنیتی عوض شد.

وضعیتی که پیش آمد یک ذهنیت را برای مردم در مورد عدم مدیریت صحیح و اسلامی انتخابات شکل داد که ریشه بسیاری از اتفاقات در کشور شد. دنباله موضوع، پاسخی بود که به اعتراضات داده شد که این پاسخ در خور عظمت، آزادگی و سرافرازی ملت ما نبود. جنایات کهریزک، مسئله خوابگاه‌های دانشجویی، کشتار ۳۰ خرداد و حتی ۲۵ خرداد و حوادث بعدی از جمله روز عاشورا، مورد انتظار مردم کشور ما نبود.

اگر مسئله سیاسی بود باید به شیوه سیاسی حل می‌شد و مردم باید اقناع می‌شدند و به مردم توضیح می‌دادند. اما اینگونه نشد و پاسخ‌ها درخورشان نبود. یکی از به یادماندنی‌ترین روزهای این جریان‌ات، روز ۲۵ خرداد بود

که ملت به صورت گسترده در این روز حضور پیدا کردند و آن را به روز تعیین کننده‌ای در تاریخ کشور تبدیل کردند. آن روز همواره شهادت خواهد داد که روحیه مردم در روزهای پس از انتخابات چگونه بود.

مردم به صورت مسالمت آمیز در حالی که شعارهای ملی و اسلامی می دادند و بدون ایجاد هیچ گونه تنش، رأی و نظر خود را اعلام کردند و ما انتظار داشتیم پاسخی درخور این روحیه لطیف ملت داده شود اما اتفاقات بعدی آن را نشان نداد و ما شاهد برخوردهایی از نوع دیگر بودیم که مسئله را دشوار کرد.

در ۲۲ خرداد مردم می خواستند با شرکت در انتخابات آزاد در سرنوشت خود سهیم باشند و آینده را خود شکل بدهند اما اتفاقاتی که بعداً افتاد منجر به بیداری در میان ملت ما شد. ملت اشکالات و انحرافات را کشف کردند و مطالبات جدیدی با طیفی وسیع شکل گرفت. این روند از خواسته‌هایی مثل رأی و تعیین تکلیف انتخابات آغاز و به مطالبات دیگر رسید. آنچه جنبش

عظیم سبز با تعاملی که بین افراد شکل داد نتیجه‌گیری کرد که همه مطالبات در تحقق اهداف قانون اساسی و آن هم بدون تنازل باید تجلی یابد و این امر تبدیل به شعار گسترده‌ای شد که اکثریت هم آن را قبول کردند. حقیقت این است که این شعار اهمیت فوق‌العاده‌ای برای سرنوشت کشور ما دارد. قانون اساسی یک میثاق ملی است. بدون آن ما وحدت نداریم بلکه هرج و مرج داریم و دورنمای تاریکی داریم. قانون اساسی مجموعه‌ای به هم پیوسته است و باطل کردن یا تضعیف بخشی از آن به مثابه بی‌معنا ساختن آن است.

قانون اساسی را باید یکپارچه دید. زمانی که قانون اساسی تدوین شد، حتی آن کسانی که آن عناصر را تدوین می‌کردند برای آن که انسجام قانون آسیب نبیند، مقدمه‌ای برای آن تهیه کردند که اهمیت آن هم زیاد است. در تمام اینها اصول به یک مجموعه از ارزش‌ها، خواست‌ها و مطالباتی یکپارچه تأکید می‌شود که نمی‌توانند از هم جدایی بگیرند. اکنون هم مردم که

مشکلات اجرایی، سیاسی و انتخاباتی و .. را دیدند راه حل را در این می بینند که راه گشودن به آینده درخشان برای ملت بازگشت به قانون اساسی آن هم بدون دخالت دادن سلايق سياسی است.

اگر اصلی از قانون اساسی ایراد هم دارد باز هم راه اصلاح آن معلوم است و باید با نظر مردم و مطابق سازوکارهای موجود در قانون اساسی اصلاح شود. اینگونه نیست ما بتوانیم حق داشتن رسانه های آزاد و یا آزادی های مطرح در قانون اساسی، یا انتخابات آزاد، غیرگزینشی و رقابتی، عدم تجسس بر احوال مردم و واری نامه های مردم را بنا به مصلحت خود و برخلاف قانون اساسی در کشور جاری کنیم و فکر کنیم می توانیم یک نظام منظم داشته باشیم و مشکلات را حل نماییم.

سال ۸۹ با مسائل و مشکلاتی روبرو هستیم. بخشی از آن به شکل گیری این مطالبات بازمی گردد که مطالبات به حقی است و راه عظمت ملت، رستگاری تمامی

جناح‌ها و مسیر پیشرفت ملت است و این مطالبات ادامه خواهد یافت و سال جدید سال استقامت بر این مطالبات به حق و قانونی است و ما حق عقب کشیدن و عقب‌گرد در ارتباط با این مطالبات را نداریم و آن را خیانت به ملت و اسلام، خون شهدا می‌دانیم. ما این قانون اساسی را در میان امواج خون شهدا به دست آوردیم و نمی‌توانیم آن را راحت از دست بدهیم و همه باید به آن بازگردند.

در کنار این مسئله، مشکلات دیگری نیز وجود دارد که قبلاً هم بود و امسال تشدید می‌شود که امیدوارم اینگونه نشود. دورنمای اقتصادی کشور دورنمای روشنی نیست و من از این مسئله خشنود نیستم. دوست می‌داشتم که علی‌رغم تمام مسائل و مشکلات یک کارآمدی را در نظام اجرایی برای حل مشکلات می‌دیدم ولی آن را نمی‌بینم. پیش‌بینی رشد اقتصادی در سال ۸۹، رشد بسیار کمی است معنای این روند در کنار کاهش سرمایه‌گذاری، به معنای بیکاری و فقر وسیع

است و انبوه قشرهای مستضعف و لاغر شدن طبقات میانی که پیش روی ما است. از طرف دیگر به دلیل نبود سیاست‌های روشن، ماجراجویی و بی‌تدبیری وضعیت پیرامونی ما، وضعیت خوبی نیست و یک وضعیت تهدیدکننده علیه ما شکل گرفته است. ما بدترین حالت را در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل داریم و به نظر می‌رسد سایر تحریم‌ها و فشارهای بیشتری را شاهد باشیم.

در این شرایط جا دارد جنبش سبز اول فکر کند که دامنه امواج خود را به همه اقشار، قومیت‌ها و استان‌ها بکشانند و در عین حال اصل جاودان تکافل اجتماعی-اسلامی را زنده کند. به مردم، همسایگان و محلات باید با تولید کار، اشتغال و کمک رسیدگی کنیم و انواع راه‌های دیگری که در این ارتباط پیش روی مردم قرار دارد.

زندگی‌ها را ساده‌تر کنیم و با کم کردن تشریفات بیشتر به فکر مردم باشیم و بتوانیم مقدار زیادی از مشکلاتی

که تصور می‌شود مردم با آن روبرو می‌شوند را کم کنیم. رسیدگی به خانواده شهدا و آسیب‌دیدگان و رفت و آمد با آنها، یقیناً هم موجب رضایت حضرت حق خواهد بود و هم باعث می‌شود نور امیدی بتابد.

راهی که گریزی از آن نیست...

من اعتقاد دارم راه عظمت ملت ما از این مسیر می‌گذرد و یقیناً ملت امیدوار است که این راه را برود و چاره‌ای نداریم تا این راه را برویم و انشاءالله خداوند ما را به نتیجه قطعی خواهد رساند چرا که ملت خواسته غیرعادی ندارد. یک انتخابات درستی که گزینشی نباشد که عده‌ای درجه دو انتخاب کنند و عده‌ای از روی انتخاب آنها، انتخاب کنند درخور شأن ملت ایران نیست. ملت ایران، ملتی بزرگ، پیشرفته و متمدن است و درست نیست مثل یک ملت غیرمتمدن و نادان با آن برخورد شود و برای او تعیین تکلیف کنند. اجازه دهید افکار و اندیشه‌های ملت و اراده ملی آنان حضور تجلی یابد و یقیناً اسلامی خواهد بود و نتایجی خواهد داشت

و ایران پیشرفته و آباد توأم با عدالت و آزادی را برای ما به ارمغان می آورد. نباید بترسیم، باید از پشت کردن به خواسته های ملت هراس داشته باشیم.

این سخنان را با یک دعا از حضرت امام (ره) پایان می برم که مناسبتی با وضعیت کنونی ما هم دارد.

حضرت امام (ره):

بارالها، تو خود شهدای ما را در جوار رحمت خود جای گزین. و معلولان ما را شفا و مفقودان و اسیرانمان را به دامن خانواده هایشان بازگردان و به همه ما صبر و توفیق عنایت فرما.

دیدار با فراکسیون خط امام مجلس هشتم
امام (ره) هیچ تصمیمی که مربوط به سرنوشت مردم
بود را به تنهایی اتخاذ نمی کرد.

دوشنبه ۱۶ فروردین ۱۳۸۹

نخست وزیر دوران دفاع مقدس افزود: «برای نمونه
خاطرم هست در آن زمان مسئله‌ای در مورد رفع برخی
محدودیت‌ها برای انتقال برنج از شمال کشور به تهران و
دیگر مناطق مطرح شده بود و دوستان مصر بودند که
این محدودیت‌ها برداشته شود تا قیمت پائین بیاید و در
جلسه سران قوا، دوستان به اجماع رسیدند که این
محدودیت‌ها رفع شود اما من به دلایلی همچنان مخالف
بودم. این مسئله به اطلاع حضرت امام رسید و به ایشان
گفته شد که سران قوا موافق این تصمیم هستند اما

موسوی مخالف است، امام هم در پاسخ گفتند هرچند که چشم من آب نمی خورد که قیمت ها کاهش یابد ولی آنچه تصمیم اکثریت است انجام شود.»

موسوی تصریح کرد: «امام راحل علی رغم منزلت بی نظیری که در بین مردم داشتند و همچنین اختیارات و توانایی هایی که بر اساس قانون و اقبال مردم به ایشان دارا بودند و نیز نگاه تیز و دقیق به مسائل، باز هم در مسائلی که به سرنوشت ملت مربوط می شد همواره مشورت با سران قوا و نخبگان در آن امر را در اولویت قرار می دادند و نظر شخصی یا یک گروه خاص را مبنا قرار نمی دادند، تشکیل جلسات سران قوا در آن زمان که هنوز مجمع تشخیص مصحلت وجود نداشت و سپس تشکیل مجمع تشخیص مصحلت نظام (قبل از تثبیت آن به عنوان یکی از اصول قانون اساسی در بازنگری آن) ناشی از همین روحیه و تفکر امام راحل بود.»

نخست وزیر مورد تأیید امام راحل یادآور شد: «یکی از دلایل کارآمد بودن نظام و عبور از بحران ها در آن زمان

به این رویه و نیز ارتباطی که به طور مستقیم مردم با نظام و حاکمیت و رهبری داشتند بر می گشت، به اضافه اینکه تصمیمات هم عقلانی و با مشورت جمعی اتخاذ می شد.»

وی سپس به بیان خاطره دیگری از آن دوران پرداخت و گفت: «در اواخر دوران عمر امام راحل بودیم و دورنمای آینده برای من نیز این بود که تغییر و تحولاتی رخ خواهد داد و من دیگر نخواهم بود. بر اساس همین تحلیل هم نگرانی هایی درباره مشکلاتی که احتمالاً بعد از تغییر و تحولات ممکن بود رخ دهد داشتم و یکی از آن ها ضرورت تامین کالاهای اساسی مورد نیاز کشور بود، لذا در یکی از جلسات سران قوا پیشنهاد اختصاص ارز برای خرید گندم و پرکردن سیلوها را مطرح کردم که مورد توجه آقایان هم بود و به اجماع رسیدیم، قرار شد نامه ای خدمت امام بنویسیم و ایشان را نیز در جریان موضوع قرار دهیم و از امام کسب تکلیف کنیم، نامه خدمت ایشان تقدیم شد و امام خمینی (ره) در

پاسخ به این نامه نوشتند اگر نظر جمع آقایان موافق است برداشت شود.»

موسوی ادامه داد: «علی رغم اینکه امام می توانستند این جمله را به این صورت ننویسند و صرفاً موافقت خود را اعلام کنند ولی باز هم ایشان بر خرد جمعی تکیه داشتند و مایل بودند (وبلکه اصرار داشتند) این مسئله به عنوان یک اصل مطرح و مراعات شود. به طور کلی ایشان همواره این اصل را رعایت می کردند که تصمیمات هرچه بیشتر به سمت مسیرهایی برود که در آن از عقل جمعی و مجاری قانونی استفاده گردد و استثناءها کمتر شود.»

میرحسین موسوی سپس به وقایع سال گذشته اشاره کرد و اظهار داشت: «اگر در این جریانات و حوادث بعد از انتخابات متناسب با این رویه و مشی امام به عقل جمعی رجوع می شد و این راه و منش امام راحل که نگاهی وسیع به قضایا داشتند و تنها یک فرقه یا جناح

را نمی‌دیدند عمل می‌شد شاهد این اتفاقات تلخ نبودیم.»

موسوی با بیان خاطره دیگری افزود: «یادم هست همواره در انتخابات مجلس، وضعیت انتخابات اصفهان از حساسیت بالایی برخوردار بود و نتایج آن مورد توجه مسئولان بود، امام راحل هم به هر حال یک انسان بودند که ممکن بود از یک تفکر بیشتر خوششان بیاید و از تفکر دیگری کمتر، در یکی از انتخابات‌های مجلس هنگامی که نتایج اعلام شد و من اسامی منتخبان اصفهان را به آگاهی ایشان رساندم، امام خمینی (ره) با یک لبخندی فرمودند اصفهان را هم آن‌ها بردند که این برخورد بسیار خوب امام با این قضیه مورد توجه بسیاری از حاضران در آن جلسه قرار گرفت.»

وی یادآور شد: «امام راحل زمینه حضور همه جناح‌ها و سلائق را فراهم می‌کرد و مانع از حضور کسی نمی‌شد و این مردم بودند که با رای خود زمینه در مسئولیت قرار گرفتن یک گروه یا تفکر را فراهم می‌کردند.»

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در این دیدار همچنین با بیان خاطرات دیگری در زمینه نحوه تصمیم گیری حضرت امام (ره) در مورد واگذاری اختیارات تعزیرات حکومتی به دولت و سپس واگذاری مجدد آن به قوه قضائیه و نیز چگونگی تصمیم گیری در خصوص مواردی که برای بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ از سوی امام ابلاغ شد، تاکید مکرر و دائمی امام بر مشورت و خرد جمعی و ضرورت عمل به قانون را یادآوری کرد و معرفی این شیوه ها را اقدامی مناسب در معرفی خط امام و منش و روش ایشان ارزیابی کرد .

نخست وزیر دوران دفاع مقدس سپس در رابطه با نحوه معرفی امام راحل در صدا و سیما گفت: «این نوع تبلیغ در واقع ویران کردن پایه های نظام است چرا که رفتار و دکترین امام راحل را تخریب می کنند و این درست کاری است که رسانه های بیگانه هم انجام می دهند یعنی هم متاسفانه صدا و سیمای ما و هم رسانه های ضدانقلاب فرازی از یک سخن امام راحل را بدون اشاره

به موقعیت تاریخی بیان آن سخن و با هدف القاء چهره و منشی خاص از امام مطرح می کنند که این موجب ترسیم چهره‌ای غیر واقعی از امام می گردد و برداشت و ذهنیتی ناقص و نادرست از امام را در مخاطبان بویژه نسل جوان ایجاد می کند و به نظر من رسانه‌های بیگانه و صدا و سیما در این مورد دو تیغه یک قیچی هستند که به مخدوش کردن چهره نورانی امام راحل می پردازند.»

وی تاکید کرد: «اگر امام آنچنان که بود معرفی و شناسانده می شد مشروعیت نظام بیشتر می شد اما متاسفم که برخی از این ظرفیت بزرگ استفاده نمی کنند و برعکس ریشه‌های نظام را با این نوع تبلیغ مورد حمله و تخریب قرار می دهند.»

موسوی خاطر نشان کرد: «حوادث و جریانات سال گذشته موجب بازگشت به این واقعیت شد که خوب است یکبار دیگر به گذشته نگاه شود و با مبنا قرار دادن عقل جمعی و الگو قرار دادن امام آنگونه که بود و نه

آنگونه که توسط برخی رسانه ها معرفی می شود گذشته را جبران کرد.

دیدار با اعضای فراکسیون مجاهدین انقلاب در مجلس ششم

می ایستیم تا جناح حاکم به قانون اساسی برگردد

۱۹ فروردین ۱۳۸۸

در این دیدار ابتدا چند تن از اعضای فراکسیون سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی سخنانی را بیان کردند و سپس مهندس میرحسین موسوی با مهم خواندن سخنان اعضای سازمان گفت: نظام ما دچار مشکلاتی شده است که بازتاب آن فقط در تظاهرات خیابانی محدود نمی‌شود، مسائل و مشکلات خیلی عمیق‌تر از اینهاست. یکی از اینها همین است که حاکمیت فکر

کند با جمع کردن تظاهرات خیابانی مسئله معترضان حل شده است.

مهندس موسوی ادامه داد: تمام مسائل و مقوله‌هایی که پایه‌های اعتبار و مشروعیت یک نظام را تشکیل می‌دهد در حال از بین رفتن است. نظام‌ها معمولاً نیروهای سخت افزاری (نیروی‌های انتظامی و نظامی و امنیتی) را در نهایت برای حفظ خود به هر قیمت بکار خود می‌گیرند اما این در کشور ما اتفاق افتاد و اینجای تامل و توجه بسیار دارد. مسئله دروغ مسئله اصلی ما شده و مردم نسبت بدان اعتراض دارند که متأسفانه در همه سطوح حاکمیت و تبلیغات جریان دارد و مردم را نسبت به اصل و اساس این نظام مسئله دار و در باورهایشان تردید ایجاد کرده است. اصلیت‌ترین عامل که باعث تثبیت و حفظ نظام بوده و آن اعتماد مردم به حاکمیت بوده است از بین رفته است. مسائل اخلاقی، عدم کارآمدی، سیاست خارجی، فساد فراگیر، ... همه این‌ها یک نوع بی‌اعتمادی نسبت به حاکمیت و نظام

ایجاد کرده است. آیا این مسائل با سرکوب و بکارگیری قوه قهریه حل می‌شود؟

نخست وزیر دوران دفاع مقدس در ادامه گفت: این وضعیت جریان سرمایه گذاری در کشور را کاملاً مختل کرده است چرا که آینده غیرقابل پیش بینی شده است برخلاف جامعه‌ای مثل ژاپن که جریان سرمایه گذاری در آن توسط برخی خانواده‌ها قدمتی بیش از دو قرن دارد. در جامعه ما زود سود بردن هدف شده چون امید به آینده نیست و بدلیل شرایط کسی بدنبال سرمایه گذاری تولیدی و دراز مدت و اشتغال پایدار نیست و آیا نتیجه تداوم این وضعیت بیکاری و فقر بیشتر نیست؟ متوسط نرخ رشد سرمایه گذاری در پنج سال اخیر به حدود ۷ درصد کاهش یافته در حالیکه بر طبق قانون برنامه چهارم توسعه این رقم باید ۱۲/۲ درصد در سال رشد می‌داشت و البته این نرخ رشد باید با هزینه ۸۲ میلیارد دلار در قوانین بودجه سنواتی توسط دولت حاصل می‌شد که با هزینه بیش از ۲۲۰ میلیارد دلار

(۲/۷ برابر) نه تنها این اتفاق نیافتاده بلکه نسبت به گذشته نیز پشترفت داشته است! و آیا این رخداد یک فاجعه نیست؟

نامزد معترض به نتایج انتخابات ریاست جمهوری در ادامه سخنان خود با اشاره به طرح هدفمند شدن یارانه که توسط رئیس دولت مطرح شده گفت: در اجرای این طرح هدفمندی یارانه ها و دعوای جاری هم مسئله اصلی دولت اجازه گرفتن هزینه میلیارد تومان برای جلب و خرید رای است و لاغیر! واقعیت موجود و تبلیغات رسمی بگونه ای شده است که همه نسبت به آمارهای رسمی اعلامی و اینکه نرخ تورم به ۱۰/۸ درصد در سال گذشته کاهش یافته است دچار تردید جدی شده اند و همه این ها نشانه هایی است از اینکه موریانه های بی اعتمادی دارد پایه های نظام را می خورد و از درون تهی می کند .

استفاده ابزاری و بد از ارزش‌ها (اسلام، انقلاب و امام) باعث اغتشاش و آشفتگی فکری و روحی در جامعه شده است

مهندس موسوی استفاده نامناسب و ابزاری از ارزش‌ها را نشانه دیگری از عدم اعتماد جامعه به حاکمیت دانست و افزود: نشانه‌های دیگری که می‌شود بدان اشاره کرد یکی استفاده ابزاری و بد از ارزش‌ها (اسلام، انقلاب و امام) باعث اغتشاش و آشفتگی فکری و روحی در جامعه شده است. نوع معرفی امام خمینی از صدا و سیما، غیرملی و رسانه‌های خارجی چهره مغشوشی از امام به نسل جوان ارائه می‌دهد و دراین آشفته بازار افراد چه برداشتی می‌توانند از امام داشته باشند؟

میرحسین موسوی با اشاره به برخورد با حامیان محیط زیست در کنار دریاچه ارومیه گفت: برخورد عجیب اخیر با مردمی است که برای حفظ محیط زیست دریاچه ارومیه رفته بودند نیز نشانه دیگری است از همین روند .

وی ادامه داد: یا پادگانی کردن بهشت زهرا در روز ۱۲ فروردین یا ... و آیا همه مسائل را با امنیتی و پادگانی کردن می توان حل کرد؟ نظام را می خواهند با حاکمیت یک فرقه اداره کنند که نمی شود .

موسوی در ادامه از حاضر بودنش برای تمکین به نتیجه انتخابات سخن گفت و افزود: حقیقت این است که اگر حاکمیت می توانست یک کارآمدی نسبی در اداره امور داشته باشد با هر تخلف انتخاباتی تمکین می کردم و مسائل و مشکلات کشور به سمت حل شدن می رفت اما ما اینراهم نداریم و بطور اشاره دولت در انجام یک پروژه عسلیویه درمانده است یا در سیاست خارجی هر روز مشکل پیش می آید و وضع بحرانی تر می شود. روند طی شد پیرامون پرونده هسته ای در یکسال گذشته بهترین شاهد مثال در این باره است .

نخست وزیر دوران جنگ با اشاره به نحوه حل مشکلات در نظام های سیاسی با محوریت دموکراسی گفت: در نظام های سیاسی مردمسالار و معقول تلاش می شود که

برای حل مسائل مهم و کلیدی کشور به ویژه در عرصه سیاست خارجی حتی از طریق مشورت با منتقدین و مخالفین نوعی اجماع نسبی حاصل شود در حالیکه مشاهده می‌کنیم در اینجا در باره این موضوع حتی بین حاکمیت موجود اجماعی وجود ندارد و این نشانه چه می‌تواند باشد؟

میرحسین موسوی با توجه به گزینه‌های اشاره شده فوق نتیجه‌گیری می‌کند: با توجه با این وضعیت و مسائل اجرای بدون تنازل قانون اساسی را به عنوان خواسته و محور اصلی جنبش سبز می‌دانم و باید در این باره کالبد شکافی بیشتری در ادبیات جنبش انجام گیرد. اصول متعددی از این قانون که متضمن حقوق ملت است به فراموشی سپرده شده است (بطور خاص فصل حقوق ملت یا اصل ۱۶۸ در مورد رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی در دادگاههای علنی با حضور هیات منصفه) و اگر این‌ها خوب مطرح شود، اجماعی کلی را در جنبش بوجود می‌آورد.

وی ادامه می‌دهد: پایه هر تغییری در جامعه تولد یک ایده است و این ایده در جامعه ما متولد شده و میل به تغییر و باز بینی همه گیر شده است. باید به مردم هشدار داد که منافع عده‌ای در برخی نهادها نمی‌گذارد که این‌ها به آسانی تسلیم خواسته‌های جنبش و ملت شوند و باید صبر به معنای ایستادن، تامل و پایداری در اینراه را معنا کرد و اینکه حفظ همین منافع است که جلوی برخورد با مفاسد و دانه درشت‌ها را گرفته است .

میرحسین موسوی چشم انداز ادامه فعالیت جنبش سبز را اینگونه تبیین می‌کند: ما باید ایده‌های روشنی را مطرح و باز تعریف کنیم و برای گسترش دادن آن‌ها مقاومت و استواری داشته باشیم و راههایی را پیدا کنیم که بتوانیم سازمان یافته‌تر از گذشته کارها را به پیش ببریم. به نظام و حاکمیت باید گفت کم هزینه‌ترین راه در اداره کشور آزادی فعالیت تشکل‌ها، رسانه‌ها، نهادهای صنفی و مدنی و... است و نه تقابل و مقابله با آن‌ها .

وی گفت: جنبش سبز باید با همه قشرهای اجتماعی پیوند خورد و مسائل آنها را مطرح کند. کارگران و معلمان و ... هدف جنبش سبز ایجاد زندگی بهتر برای همه و به ویژه اقشار فرودست و آسیب پذیر اجتماعی است. ما باید در جامعه از کارگران و کارآفرینان بطور توانمند دفاع کنیم و اینکه منافع ایندو قشر بهم گره خورده و در تعامل مثبت با یکدیگر قرار دارد و اینکه تعامل سازنده این دو باعث پیشرفت و توسعه جامعه می شود. جامعه معلمان ما که قشر وسیعی را در برمی گیرد و نقشی مهم و سرنوشت ساز در حیات اجتماعی ما دارند مسائلشان باید مطرح و پیگیری شود، و همینطور دیگر اقشار و گروه ها .

این نامزد انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری ابراز امیدواری کرد: برداشت و امید من این است که جریان حاکم به اجرای قانون اساسی و همه اصول آن برگردند و فضای امنیتی و نظامی را کنار گذارند و فضا را باز کنند

ولی اگر اینراه رفته نشود مجبوریم بایستیم چون ما نظام و کشور و انقلاب را دوست داریم .

مهندس موسوی ادامه داد: من می‌پرسم اگر اول انقلاب به نیروهای مذهبی گفته می‌شد که حاضرید حاکم شوید و آدم بکشید، هیچکس این را قبول نمی‌کرد بنابراین ما نمی‌توانیم نسبت به این وضعیت بی‌تفاوت باشیم. جنبش سبز مطالبه زیادی ندارد اما ظاهراً اجرای همین خواسته برای آن‌ها بسیار سخت است و از اینرو افسانه سازی در مقابله با این جنبش می‌کنند و خود در دام این افسانه سازی و دروغ‌هایی که می‌بافند، می‌افتند. با این حال دعا می‌کنم که جریان حاکم از این دایره تنگی که برای خود ساخته‌اند خارج شوند و اداره کشور به مسیر و روال مطلوب باز گردد .

وی به حاکمیت توصیه کرد: اگر این‌ها فکر می‌کنند که با ادامه این نگاه و بینش مسائل و مشکلات کشور حل می‌شود اشتباه بزرگی است و ما باید بایستیم تا مسائل و مشکلات حل شود. مردم در این مدت هزینه سنگینی

پرداختند و چون آرمان بلند و درستی دارند به این هزینه دادن عادت کردند و الان شما می‌بینید زندانی‌ها قهرمان مردم شده‌اند و چه استقبالی از آن‌ها می‌شود و این نشانه بی‌اثری اینگونه کارها در مقابله با جنبش و خواست مردم است و راه حل درست بازگشت به قانون اساسی و اجرای تام و تمام آن است .

وی در پایان گفت: تشکلهای سیاسی که در کشور فعال هستند ظرفیت‌هایشان بیشتر از این است و باید بیشتر فعال شوند و تحلیل و بیانیه و ... بدهند و با مردم ارتباط دائمی داشته باشند تا با تلاش همگی بتوان جریان رشد و پیشرفت جامعه‌مان را دامن زد و فردایی بهتر ساخت.

دیدار با فعالین ملی مذهبی تغییر با ایده متولد می شود رسانه برای ما حیاتی است

۲ اردیبهشت ۱۳۸۹

مهندس میرحسین موسوی در دیدار با جمعی از فعالان ملی-مذهبی اظهار داشت: «برای تامین منافع ملی و رسیدن به جامعه‌ای مطلوب، چاره‌ای جز استمرار این مسیر و تداوم جنبش سبز نداریم؛ روندی که طی آن، نیازمند صبوری و تحمل سختی‌ها و شدائد است».

به گزارش خبرنگار جرس، مهندس موسوی با اشاره به این نکته که جنبش سبز اهدافی را پیگیری و مطرح می‌کند که برگرفته از ارزش‌ها و خواسته‌های مردم ایران است، تصریح کرد: «باید ایجاد جامعه مدنی به هم

پیوسته، با استفاده از تمامی امکانات موجود در کشور را پی گرفت.»

وی تشکیل «سازمان‌های مردم‌نهاد سبز» در حوزه‌های گوناگون در کشور را از همین زاویه، برای سامان یافتن و تولد تدریجی جامعه‌ی مطلوب، ضروری ارزیابی کرد. موسوی گفت: «اتفاقی که در ۲۵ خردادماه سال گذشته در تهران بوقوع پیوست، و آن حضور مهربانانه و همدلانه توام با مدارا و صبوری و همیاری و نیز کنش مدنی معترضان، نمونه و الگویی از جامعه‌ای مطلوب است.»

وی با تاکید بر این سخن که «باید با ارزش‌ها و اهداف سیاسی، زندگی کرد» اظهار داشت: «کار، کاری طولانی، و مسیر جنبش سبز، راهی پر پیچ و خم و زمان‌بر است؛ اگرچه شاید جنبش زودتر از آنچه بسیاری تصور می‌کنند به نتیجه برسد، اما باید صبور بود و استقامت ورزید و برای تداوم جنبش، زندگی کردن با آن را درپیش گرفت.»

صبوری کردن و استقامت هزینه بر است

موسوی تصریح نمود: «البته ایستادن و صبوری کردن و استقامت برای تحقق مطلوب های جنبش سبز، هزینه بر است و از این گریزی نیست؛ سختی ها و فشارها و محدودیت ها و سرکوب ها و شدائد و زندان ها، وجود دارد، اما چاره ای جز ادامه ی این راه و تحمل این مصائب و پرداخت هزینه ها نیست.»

وی در بخشی دیگر از سخنان خود با اشاره به این بحث که احزاب نیل به قدرت و تصاحب آن را مدنظر دارند، افزود: «البته ایرادی هم بر احزاب نیست؛ اما در جنبش سبز بحث تصاحب قدرت، فرع بر هدف اصلی است؛ هدف جنبش سبز، متحول کردن جامعه و رسیدن به جامعه ای مطلوب و در خور ایرانیان است. این رویکرد (یعنی فرع بودن قدرت) به ما آرامش خواهد داد. اگر بتوان این نگاه را به گونه ای آگاهانه در جامعه گسترش داد، بسیار مفید و موثر خواهد شد.»

مهندس موسوی همچنین با تاکید بر این نکته که «مسئله‌ی آگاهی بخشی، موضوعی بسیار مهم محسوب می شود»، عنوان نمود: «هر «تغییر» وقتی متحقق می شود که «ایده»ای متولد شود. اکنون به نظر می رسد که ایده‌ی تغییر متولد شده است؛ هر چقدر این ایده و ابعاد آن را بیشتر تبیین کنیم، امکان بسط و پیشبرد جنبش بیشتر می شود.»

وی افزود: «ما باید بیش از پیش، مردمی را که در «منطقه خاکستری» زیست می کنند (شهروندانی که نه همراه جنبش سبز هستند و نه موافق و همگام صاحبان قدرت و حکومت) نسبت به «منطقه روشن» آگاه، و جنبش سبز دعوت و جذب کنیم.»

موسوی همچنین تصریح کرد: «صاحبان قدرت هم بیش از هر چیز نسبت به بسط آگاهی ها در جامعه حساس اند؛ چنان که نسبت به اطلاع رسانی در مورد تعداد شهدای جنبش یا تبیین و خبررسانی در خصوص واقعیت سرکوب ها و انتشار اخبار مربوط به رفتارهای غیرانسانی

با بازداشت شدگان، حساسیت فراوان و برخوردهای
تندی نشان داده‌اند.»

مسئله‌ی رسانه برای ما بسیار حیاتی است
وی با بیان این سخن که «مسئله‌ی رسانه برای ما بسیار
حیاتی است و متأسفانه به علل و دلایل گوناگون، در
این عرصه (رسانه و اطلاع‌رسانی لازم و کافی) دچار
ضعف و نقص‌ایم» اظهار داشت: «ما هنوز از امکانات
اینترنت و بستری که فضای مجازی در اختیار ما قرار
می‌دهد، حداکثر بهره و استفاده را نبرده‌ایم.»

وی در بخشی دیگر از سخنان خود تأکید کرد: «همه
باید دور هم و کنار و همدل یکدیگر باشیم؛ باید روی
«حداقل‌ها» توافق کرد. شعارهایی را برگزینیم که قدرت
وصل کردن و همراه ساختن حداکثری داشته باشد.
همان‌طور که رنگ سبز، شاخصی حداقلی برای پیوند
یافتن شهروندان معترض به وضع موجود شده است،
باید بر محورهایی حداقلی برای پیشبرد و گسترش
جنبش سبز اجماع کرد.»

موسوی همچنین اظهار داشت: «باید برای همگان مشخص شود که ما به فکر منافع و مصالح ملی هستیم؛ بحث خودخواهی مطرح نیست. ما نمی‌خواهیم کنار ظلم و ظالم بایستیم؛ ما کنار مظلوم‌ایم. اگرچه جنبش سبز اهل مدارا و گفت‌وگوست. باید با تعامل و گفت‌وگو و همفکری همه‌ی جریان‌های دلسوز ایران و پیگیر منافع ملی، این کار و راه دشوار و طولانی را پیش برد».

وی با تأکید بر این موضوع که «ما مبلغ قرائت رحمانی از دین هستیم، قرائتی از دین که واجد حداکثر مدارا نسبت به تمامی دیدگاه‌ها و عقاید است» افزود: «این کار (تبلیغ و ترویج قرائت رحمانی از دین) کار دشواری است، اما جنبش سبز می‌تواند چنین مسئولیتی را بر دوش خود حس کند.» موسوی اضافه کرد: «من نسبت به گریز نسل جوان از دین و ارزش‌های توحیدی احساس خطر می‌کنم؛ برخوردها و خشونت‌ورزی‌ها و سرکوب در پوشش حکومت دینی، ممکن است بخش قابل توجهی از جوانان ما را از هر دینی گریزان سازد».

موسوی همچنین در تبیین چشم انداز تحولات کنونی، با اشاره به این نکته که «باید انعطاف داشته باشیم و روی یک شکل و شمایل از جنبش تصلب پیدا نکنیم»، توضیح داد: «نقاش های مدرن هنگام خلق اثر عمدتاً دو رویکرد دارند؛ یک گروه آنچه را که مشاهده کرده اند و یا تصور کرده اند متحقق می سازند و به روی بوم می آورند؛ و گروه دیگر، کار را شروع می کنند و بدون تصویری از اثر نهایی به تدریج و بر روی بوم، نقاشی نهایی را سامان می دهند و متولد می کنند. آنچه در جنبش سبز در حال وقوع است را می توان از نوع رویکرد و روش گروه دوم توصیف کرد.»

دیدار با ایثارگران انقلاب و دفاع مقدس
دامنه گسترش آگاهی ها را به روستائیان کارگران و
کشاورزان بکشانید

۵ اردیبهشت ۱۳۸۹

به گزارش خبرنگار «کلمه»، میرحسین موسوی در ابتدای این دیدار ضمن تشکر از ایثارگران گفت: شما افراد ارزشی هستید و برای حل مشکلات کشور دلی سوخته دارید، نه دنبال پست و مقامید و نه دنبال نفع شخصی و نه می خواهید چیزی از اوضاع برای خود برداشت کنید. به همین دلیل سخنان و نظرات شما مهم است خصوصا که ریشه در انقلاب دارید و دلتان برای آن فضای نورانی و معنوی که انقلاب اسلامی بشارت آن را داد تنگ شده است و دنبال آن فضااید.

نخست وزیر دوران دفاع مقدس تاکید کرد: مشکل امروز ایران ما تهدید همین فضای نورانی است. دلیل اصلی آن هم روشن است، اگر نظام ما کارآمدی لازم را داشت و متوجه این مهم بود که انقلاب شده تا به آراء و عقاید مردم اهمیت بدهیم و فضا را باز کند، بیشتر آحاد ملت - که حالا ممکن است افراد جامعه عقاید گوناگون به این سو و آن سو داشته باشند - در جهت مصالح انقلاب و مصالح ملی حرکت می کنند چنانکه در دوران دفاع مقدس چنین سابقه ای را می توان یافت که از دورافتاده ترین روستاهای کشور تا تهران و سایر شهرها همه جبهه ای پیوسته بودند و همه می دانستند که برای چه حرکت می کنند .

نخست وزیر امام ضمن با ذکر خاطره ای گفت: در اوایل جنگ به بشاگرد رفته بودیم؛ منطقه ای که قبل از انقلاب برده فروشی در آن رواج داشت. منطقه ای فقیر با فضایی بسته. تنها سرمایه ای که آن مجموعه داشت و ما از درون کپر می دیدیم چند بزغاله و مرغ بود. اما از

همین بشاگرد افرادی بودند که خودشان را به جبهه رساندند. وقتی از آن‌ها خواستیم که بگویند چه کاری برایتان انجام دهیم، می‌گفتند یک حسینه برایمان بسازید و آن فضا برای بنده فراموش نشدنی است چرا که این فرهنگی بود که در آن وضعیت کشور، شایع شده بود و به حق سرمایه‌ای عظیم بود. همین پدیده‌ها بود که در زمان جنگ معجزه‌ها آفرید .

موسوی با ابراز دلتنگی نسبت به زمان نورانی از دست رفته اظهار داشت: ما متأسفانه با گذشت زمان ارتباط خودمان را با این مردم از دست دادیم و فکر کردیم که بیشتر از آن‌ها می‌دانیم و می‌توانیم به آن‌ها هر چه خواستیم بگوییم و مردم هم باید اطاعت کنند. از عقل جمعی استفاده نکردیم. موقعیت‌ها و مقام‌ها و ساخت قدرتی که بر پایهٔ منافع و فساد در بعضی‌ها شکل گرفت موجب شد رجوعمان به توده و اکثریت مردم کاهش پیدا کند و کم‌کم آن را از دست دادیم و در این

زمینه متأسفانه ضعیف شدیم، و فقط پوستهٔ اسلامی را نگه داشتیم .

نخست وزیر امام تصریح کرد: ای کاش این تغییر به نام اسلام نبود و این قدر خسارت نمی داشتیم، چرا باید امروز هر کاری که انجام می شود و هر ناکارآمدی و هر مشکلی که وجود دارد به نام اسلام تمام شود؟ مخصوصاً که با اغراق از اسلام نام می بریم و مدام در اشارات خود از آیات و روایات دم می زنیم حتی در مورد زلزله تهران که امکان وقوع آن وجود دارد و ما هم قبول داریم اما دولت که نباید در این خصوص از اسلام خرج کند. ما همیشه باید فکر کنیم که تهران در خطر زلزله است و برایش همواره راه حل داشته باشیم .

وی با اشاره به کتاب قانون ابن سینا که یک کتاب پزشکی است گفت: نکته ای در این کتاب هست که روی من خیلی اثر گذاشت. بخشی از کتاب راجع به دیوانه ها صحبت می کند و اینکه چگونه باید علاجه شان کرد. ابتدا می گوید که درمانش چنین و چنان است ولی بعد بحث

روح را می‌کند و می‌گوید: روح این افراد را جن تسخیر کرده و به اینجای بحث که می‌رسد می‌گوید جایش در این کتاب نیست. آنچه مربوط به پزشکی بود و مداوای آن گفته شد و بعد بحث علمی‌اش را به آخر می‌برد.

موسوی افزود: دولت برداشت‌های شخصی و فرقه‌ای را به دین وصل می‌کند و اگر به این موضوع ناکارآمدی هم اضافه شود آن وقت هر نوع مشکلی به اسلام نسبت داده خواهد شد.

موسوی با اشاره به خیل عظیم جوانان و دانشجویان کشور گفت: جوانی را ببینید که در دانشگاه، خودش و یا دوستانش را کتک می‌زنند، به نام اسلام افراد را بازداشت می‌کنند، به نام اسلام جلوی فعالیت احزاب را می‌گیرند، به نام اسلام رسانه‌ها را توقیف می‌کنند، صنعت کشور هم که در حال متلاشی شدن است و وضع کارگران و کارآفرینان هم تعریفی ندارد. همه این‌ها به نام اسلام صورت می‌گیرد بعد هم اگر فساد مطرح شد همه می‌گویند این فساد! و نامه می‌نویسند، یک دفعه

می بینیم که تمام بحث راجع به فساد محدود شد به اسلام. این موارد روی جوان مملکت چه تاثیری می گذارد؟

وی افزود: وقتی جوان از ما روی برمی گرداند باید مشکل را در خودمان بیابیم. مگر جوان چقدر تحلیل دارد؟ و چقدر می تواند موضوعات را برای خودش توجیه کند؟ باید این نکته را به وضوح روشن کنیم که مشکلاتی داریم ولی ربطی به اسلام ندارد .

وی این سوالات را مطرح کرد که آیا اسلام دنبال فساد است یا دنبال از بین بردن صنعت؟ ما که می گوییم راهی برای تسلط کفار بر خود قرار ندهید نه به این معنا که به طور مثال تجارت خارجی را قبول نداشته باشیم و یا نباید با جهان ارتباط داشته باشیم، اما چرا اجرای ناقص این کار آن هم به قیمت نابودی محصولات داخلی؟ باز گذاشتن دروازه ها به روی اجناس بنجل خارجی کجایش اسلامی است؟ این موضوع با آموزه های اسلامی در تضاد است .

موسوی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به وقایع بعد از انتخابات گفت: مردم برادران و خواهران هم هستند. صحنه‌های زدن، کشتن یا خبرهایی که دربارهٔ زندان‌ها هست و توقیف روزنامه‌ها روی آنان تاثیر بد می‌گذارد. بنده اصلاً به این روزنامه یا آن روزنامه متمایل نیستم ولی مگر چکار کردند که آن‌ها را قیچی کردید و بستید؟

وی با اشاره به جلوگیری از فعالیت دو حزب مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی گفت: شما اگر می‌گویید این حزب‌ها خوب نیستند یک حزب خوب تشکیل دهید که با این‌ها جوانردانه رقابت و مقابله کنند تا اگر توانستند خود به خود زمینه‌اش را در جامعه از بین ببرند.

وی تاکید کرد: قرار بود رقابت سیاسی داشته باشیم و این مَرِّ قانون اساسی در مورد آزادی تشکلهای سیاسی است و به نفع ماست. این به آن معنا نیست که همه تشکلهای خیلی خوب باشند. ممکن است حزبی در کشور شکل بگیرد که تشکل بدی باشد ولی راه حل آن

حذف شدن در فرآیند رقابت است که ابواب جمعی مردم در یک فضایی بهترین را انتخاب کنند. این هم متأسفانه به نام اسلام تمام شده است و به همین دلیل کسانی که با این رفتار مخالفند و پایبند ارزش های انقلاب و راه امام هستند باید به شکل های مختلف نشان بدهند که این اسلامی که ما می شناسیم این نیست .

موسوی افزود: اسلام، کسی را نمی زند، کسی را نمی گیرد، تهمت نمی زند، کسی را در زندان نگه نمی دارد و محدودیت ایجاد نمی کند، اسلام یقیناً مدافع نیرومند اقتصاد ملی و عظمت و استقلال کشور است، این وظیفه فوق العاده مهمی است که در رفتار و کردارمان نشان بدهیم که این اسلام مدافع استقلال ماست و حاضر نیست یک ذره از استقلال ما از دست برود. منتها ما که در حکومت نیستیم در کنار حکومتیم .

وی خاطر نشان کرد: می گویند شما از کشتی (نظام) پیاده شده اید از کشتی مسلمانی که پیاده نشده ایم. به

عنوان یک مسلمان می‌خواهیم طوری رفتار کنیم که جوان‌ها را مأیوس نکنیم و حداقل بگوییم اسلامی که می‌شناسیم این نیست، اسلامی که می‌شناسیم رحمت دارد، رئوف است، سعه صدر دارد، همه را می‌پذیرد. با زبان استدلال با افراد روبه‌رو می‌شود. اسلام دینی است که می‌تواند با پیشرفت‌های جامعه بشری همسو و پیشتاز شود.

موسوی با اشاره به دهه اول انقلاب گفت: در آن زمان در این زمینه‌ها مشکلی نداشتیم، ما ابداعاتی در سیاست خارجی، سیاست داخلی، اقتصاد جنگ و ... داشتیم و احساس نمی‌کردیم از قافله بشری در زمینه تلاش برای دستیابی به تکنولوژی، تمدن، سیاست و امثالهم عقب ماندگی داریم. لذا من معتقد بودم در هر موقعیتی که هستیم باید بین همسایه‌ها، همشهری‌ها و در سطح ملی این قضیه را نشان دهیم. فکر می‌کنم آن وصیتی که حضرت علی (ع) در آخرین لحظات داشتند (کونوا لظالم خصما و للمظلوم عوناً) حامی مظلومین و مخالف

ستمگران باشید یک توصیه^۱ فوق العاده است. یک نیروی مسلمان و دینی باید شهرت به این پیدا کند که در کنار مظلومین است هر جا که باشد و مخالف ظلم است هر جا که می خواهد باشد .

وی این موضوع را دارای اهمیت بسیار عنوان کرد و افزود: همین موضوع هویت اسلامی ما را نگه می دارد. ما واقعا نیازمند آن هستیم که اسلام را خوب معرفی کنیم تا جوان ها و ملت خودمان را نجات بدهیم و گر نه دلیلی ندارد که گرایش ضد دینی گسترده ای را خدای ناکرده در جامعه شاهد باشیم .

موسوی درباره استقلال جنبش سبز گفت: این حرکت (جنبش سبز) صد در صد یک حرکت مستقل است ولی مخالفان به جنبش سبز نسبت ناروا می دهند و آن را به سلطنت طلب ها، منافقین، آمریکا و اسرائیل منتسب می کنند. در حالی که آن ها خودشان با یک حالت زیگزاگی که بیشتر به سیاست خارجی ما لطمه می زند نامه نگاری هایی با سرکرده های قدرت های جهانی دارند.

از یک طرف فحش می دهند و از طرف دیگر دنبال جلب نظر چین، روسیه و یا دیگری هستند. آنگاه ما را به رابطه خارجی متهم می کنند. این به این دلیل است که استقلال یک ارزش جافتاده‌ای در میان ملت ماست. ملت ما نسبت به این مسئله حساسیت دارد و اگر یک حرکتی را به خارجی‌ها منتسب کنند طبیعی است که آن حرکت لطمه می خورد و چهره‌اش مکدر می شود .

وی افزود: وقتی حکومت می آید روزنامه‌ها، سخنرانی‌ها، هیئت‌ها و احزاب را می بندد و حتی یک کانال نمی توانیم داشته باشیم و یا یک مناظره نمی توانیم انجام بدهیم و ... در چنین حالتی است که صدای بیگانه در کشور بزرگ می شود. از یک طرف دولت و از طرف دیگر آن‌ها، سرانجام این وسط چیزی که در دو لبه قیچی از بین می رود همان اعتقادات اصیل است که به نظر من در بدنه اصلی جنبش سبز وجود دارد. ما فکر می کنیم چیزی که در این جنبش مهم است تجربیات خوب سی ساله انقلاب است که باید تلاش کنیم جمع

بشود. سپس یک حرکت جمعی داشته باشیم. این فضای پیرامونی ماست که ترسیم کردم، فضایی که هر روز با یک مشکلی روبرو هستیم .

موسوی گفت: امروز یکی از نشریات سپاه را خواندم که نوشته باید امتیاز فعالیت مجمع روحانیون مبارز را هم لغو کرد. آن ها نگاه شان اینطوری ست، می خواهند تمام تشکل ها را از بین ببرند و یقیناً بعد به حساب بقیه ُ تشکل ها و گروه ها خواهند رسید. در چنین حالتی شبکه ها و هیئت ها اهمیت فوق العاده ای پیدا می کنند. مواظب خود بودن، مواظب خانواده بودن، مواظب محله بودن، مواظب جامعه و هر چه پیرامون ما هست بودن، اهمیت زیادی پیدا می کند. ما در این مصاف، نمی خواهیم که شمشیر بکشیم و با یک حالت رزمی به میدان برویم. ما تنها عنصری که داریم و قدرتش از همه این ها بیشتر است ایمان و آگاهی است. باید این دو را تقویت کنیم. ایمان به یک دین رئوف و دینی که امام مطرح کرد: پیشتاز و روشن، که بتواند در سطح جهانی و

در سطح داخل پاسخگوی مشکلات باشد. از طرف دیگر آگاهی نسبت به حقوق اساسی مردم. مردم باید بدانند که حقوقی دارند و حقوق آن‌ها دارد ضایع می‌شود. وی یکی از حقوق مردم را برگزاری انتخابات آزاد عنوان کرد و گفت: نباید حکومت برای مردم تصمیم بگیرد. وقتی از دور نگاه می‌کنیم به زشتی این کار پی می‌بریم که مثلاً چهار پنج نفر که به فرض خیلی آدم‌های عالی که تمام حسن‌های جهان در آن‌ها جمع شده باشد، بنشینند یک عده‌ای را کنار بزنند، عده‌ای را انتخاب کنند و بعد به یک ملت هفتاد و پنج ملیونی بگویند از داخل این‌هایی که ما انتخاب کردیم انتخاب کنید. این بدترین حالت برخورد با یک ملت است. زشتی این کار را نمی‌فهمیم، چون داخل آن هستیم و لمس نمی‌کنیم. بلکه وقتی که یک نماینده‌ای خائن از آب درآمد با او باید با شدت و غلظت برخورد کرد و او را بیرون کرد. از گذشته هم برای این کار راه داشتیم اما حالا انتخابات را به این شکل انجام می‌دهیم که مدام گزینش انجام

دهیم، تمام دهان ها را ببندیم، تمام مراکز اطلاع رسانی را توقیف کنیم تا آن کسی که ما می خواهیم، رأی بیاورد و بعد صندوق ها را هزار جور دستکاری بکنیم و تخلفات عجیب و غریب انجام بدهیم. اینطور که نمی شود کشور را اداره کرد (در اینصورت) کشور به اینجا می رسد که الان تهدیدات خارجی پشت دروازه کشور ماست و از لحاظ سیاسی، امنیتی، اقتصادی تهدیدات داخلی بیشتر است.

وی در فراز دیگری از سخنان خود با اشاره به مسائل اقتصادی کشور گفت: یکی از مهم ترین شاخص های اقتصادی، میزان سرمایه گذاری است که الان پنج، شش درصد است در حالی که باید بین دوازده تا چهارده درصد باشد. این کاهش به معنای، بیکاری، فقر، فساد، فشار آمدن روی طبقات حقوق بگیر و امثالهم است. یا مثلاً گفته شد رشد اقتصادی کشور امسال صفر خواهد شد. البته اطلاعات شفاف وجود ندارد، یک دفعه عده ای می نشینند تصمیم می گیرند و تمام اطلاعات مربوط به

فساد و نیز اطلاعات راجع به لایحهٔ هدفمند کردن یارانه‌ها قطع می‌شود. افرادی به دنبال آمار و اطلاعات هستند تا برای آینده کشور پیش بینی داشته باشند، عوض اینکه این افراد فرصت شمرده شوند به عنوان تهدید مطرح می‌شوند. سعی می‌شود که تمام اطلاعات قیچی شود و نتیجه این می‌شود که شرایط بسیار وخیمی داشته باشیم .

وی افزود: کار ما آگاهی دادن به مردم نسبت به این مشکلات و بسط و گسترش آن است. حقوقی که مردم دارند گسترش این آگاهی‌ها و اطلاع از حقوق خود یعنی همان اصلیت‌ترین و مهم‌ترین عنصری است که می‌تواند زمینه تغییر را به نفع اسلام و انقلاب و آتیهٔ کشور ایجاد کند به شرطی که حالت اجماع نسبت به این مسأله بوجود بیاید. من فکر می‌کنم بعد از انتخابات در این زمینه پیشرفت کرده‌ایم .

وی میزان حضور مردم در تجمع‌های خیابانی را معیار درست برای سنجیدن جایگاه جنبش سبز عنوان نکرد و

گفت: ما نباید بگوییم که خیابان ها زمانی از جمعیت زیاد و در زمانی کم بود و بر این اساس بسنجیم که جنبش سبز در کدام نقطه ایستاده است. باید شاخص و اطلاعاتی داشته باشیم که ببینیم آگاهی از این حقوق چقدر است تا اینکه بدانیم در آینده چگونه باید کشور اداره شود؟ آیا این آگاهی در سطح جامع گسترده تر شده یا کم کم دارد دایره اش تنگ تر می شود. اگر ما نسبت به این موضوع پیشرفت داشتیم زمینهٔ تغییر جدی را در کشور ایجاد کرده ایم.

موسوی تاکید کرد دلیل حساسیت جریانی که بر سر کار است نسبت به رسانه ها همین است و این موضوع اهمیت بسیار زیادی دارد. اگر هیچ بحرانی نداشتیم که روزنامه ای مانند بهار بسته نمی شد و یا یکی دو مناظره ای که بیشتر نگذاشتند پا بگیرد و برنامه قطع یا یکطرفه شد. تمام این ها نشانگر اهمیت این مطلب است که قدیم می گفتند پاشنه آشیل و یا چشم اسفندیار.

وی آگاهی را مهم‌ترین مسئله عنوان کرد و گفت: باید آگاهی را گسترش دهیم، باید دامنه آگاهی را به روستاییان، کشاورزان، صنعتگران، کارگران و معلمان بکشانیم به آن‌ها بگوییم این زندگی، شایسته شما نیست. شما حق دارید که یک نماینده بفرستید. شما حق دارید که صنعت مستقل داشته باشید، اقتصاد ملی خوبی داشته باشید. از چنین حقوقی برخوردارید. شما حق دارید در جامعه صحبت و نظر خودتان را اعلام بکنید و به نظر شما باید اهمیت داده شود این صدا و سیما از پول جیبی شما اداره می‌شود. شما باید پشت این تریبون‌ها باشید.

وی با اشاره به خاطره‌ای از حضرت امام (ره) گفت: یادم هست که حضرت امام رحمه الله علیه می‌گفتند چرا اینقدر عکس من در روزنامه‌ها چاپ می‌شود. اصلاً غدغن کردند. در یک جلسه خصوصی به آقای محمد هاشمی رئیس وقت صدا و سیما از بابت زیاد نشان دادن تصویر ایشان گلایه و ابراز ناراحتی زیاد کردند. خود

بنده از میدان امام مقابل ساختمان مخابرات رد می شدم دیدم شیشه هایش از بالا تا پایین عکس امام را زده اند، ناراحت شدم زیرا آن حالت اغراق آمیز، وضعیت آن اداره را به هم می زد و با اعتقادات ما هم ناسازگار بود. نمی دانم نبوی یا غرضی وزیر مخابرات بود، تماس گرفتم و گفتم جمع شود و جمع شد. خیلی طول نکشید حاج احمد آقا با من تماس گرفت و از قول امام از من تشکر کرد و خب این وضعیت آن موقع امام بود .

وی خاطرنشان ساخت: باید به مردم این ها را انتقال بدهیم و اینکه حکومت دینی و جمهوری اسلامی به معنای باز شدن تمام راه ها برای ابراز نظر و خلاقیت آن ها و بودن آن ها در صحنه واقعی است نه اینکه آن ها نتوانند از این صدا و سیما و امکانات عادی هم استفاده کنند. برداشت من این است با این انتخابات و اتفاقات بعد از آن یک ایده ای در داخل کشور مبنی بر برگشت به حقوق اساسی متولد شد که برگشت ناپذیر است. کافست که از این، مثل یک گیاه و گل پاسداری کنیم

و بگذاریم تناور و گسترده شود. در قرآن آمده است که خداوند سرنوشت قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه خودشان تغییر دهند. این آگاهی زمینه تغییرات وسیعی را در جامعه و حکومت ایجاد خواهد کرد.

موسوی تاکید کرد، باید برای راهمان برنامه داشته باشیم و بیش از همیشه باید به این مسئله معطوف شویم که این جرقه آگاهی را به همه اقشار ملت برسانیم و با گسترش آگاهی ارتباط به روزی با آن‌ها داشته باشیم و به آن‌ها بگوئیم وضعیت کارگری و اقتصادی و... موقعی خوب می‌شود که نمایندگان واقعیشان در مجلس باشند و نمایندگان مردم هم بتوانند در صدا و سیما نظرات آن‌ها را نقل کنند و مردم هم بتوانند مواظب فساد باشند.

نخست وزیر دوران دفاع مقدس با اشاره به دوران ابتدایی پیروزی انقلاب گفت: در ابتدای این انقلاب اینجور نبود که بگویند شما چرا ریخت و پاش کردید؟ بلکه همه مراقب یکدیگر بودند. آن ایمان و اعتقاد

گسترده باعث می شد مراقب خویش باشند. کافی بود در اداره‌ای کسی کمی پایش را از گلیم‌اش جلوتر بگذارد خود کارمندان بر خورد می کردند و خود جامعه این حالت را داشت. جدا شدن شما از این نوع نظارت‌ها یقیناً باعث فساد می شود که البته این به منشوری نیاز دارد که تهیه شود .

وی موضوع مهم دیگر را در ارتباط با فعالیت‌های رسانه‌ای برشمرد و گفت: ما باید روش‌هایمان را به روزتر کنیم. حالا که روزنامه نداریم باید راه‌های تازه‌ای پیدا کنیم ضمن آنکه دنبال روزنامه هستیم تا از طریق قانونی رسانه داشته باشیم اما از طریق رسانه‌های مجازی که یقیناً جزء حقوق ماست از طریق هیأت‌ها از طریق خانواده و سینه به سینه باید اطلاع رسانی کنیم. این اطلاع رسانی هم باید حول مسئله‌ای که در آن اجماع داریم با روش‌های جدیدی که در حین کار به دست می آوریم انجام دهیم. دائم باید فکرهای نویی

ارائه دهیم که یک جمع خلاق را داشته باشیم و روش‌های نو برای جامعه‌مان داشته باشیم .

وی با ذکر مثال از یک تئوری که در هنر مطرح هست گفت: در نظریات فلسفی هنری بحثی است مبنی بر اینکه یک طیفی از هنرمندان نگارگر وقتی می‌خواهند نقاشی کنند اول می‌نشینند راجع به آن فکر می‌کنند، اجزاء، حجم و رنگ را در ذهن می‌آورند در ذهن که تکمیل شد هنرمند در جلوی بوم قرار می‌گیرد و شروع به نقاشی کردن می‌کند. یک طیف دیگر هستند که می‌گویند، با احساس زیباشناسی و با تناسب رنگ‌ها کار را آغاز می‌کنیم اما از اول حاصل کار را تعریف نمی‌کنند. در نظریات سیاسی مشابه این دو را می‌توانید پیدا کنید. قبل از انقلاب مارکسیست‌ها خیلی فعال بودند. دلیل انشقاق آن‌ها این بود که سعی می‌کردند یک حکومت بی‌طبقه‌ای را با تمام ابعاد و ویژگی‌هایش ترسیم بکنند و به طرف آن حرکت کنند. برای همین طرح چینی استالینی داشتیم که متمایل به آلبانی انورخوجه و یا

حکومت از نوع کاسترو و امثال این ها بود. در گروه های اسلامی هم همینطور بود آن ها هم ترسیم کاملی از حکومت داشتند که در نتیجه یک نوع جدایی و انشقاق و یک دید افراطی در این ها ایجاد کرده بود .

وی تصریح کرد: اگر ده سال قبل از انقلاب به حضرت امام (ره) می گفتند حکومت شاه که سرنگون شد ابعاد حکومت شما چیست؟ ایشان مثل کمونیست ها و مارکسیست ها نظر مشخص نمی دادند مبنی بر اینکه ابعادش، مشخصاتش این باشد مجلسش این باشد، بعد براساس آن باید حرکت بکنیم .

موسوی با اشاره به جنبش سبز خاطر نشان کرد: جنبش سبز بر اساس معیارها و الگوهای دوم حرکت می کند، معیاری که می گوید حقوق اساسی مردم باید رعایت شود، عدالت و آزادی باید باشد. این کار تحقق نمی پذیرد مگر آنکه همه ملت را دور هم جمع بکنیم. این ملت و شهروندی که مالیات می دهد محترم است و هر کس که قوانین داخلی کشور را رعایت می کند

محترم است. از اول هم اساس بر همین بود. روزهای اوّل پیروزی انقلاب گروههای چپ و راست حتی غیر مذهبی ها خدمت امام می رسیدند و دائم با ایشان ملاقات می کردند. برای اینکه تصور بر این بود نظامی داریم که تمام اقشار را می تواند در بر گیرد. این هیچ نوع منافاتی با جمهوری اسلامی حکومت اسلامی و حکومت دینی نداشت .

نخست وزیر امام افزود: هم اکنون هم تصور و ایده ایی که جنبش سبز باید ارائه دهد این است که بتواند بیشترین نیروی ممکن را در خودش جمع کند. همان جوانی که امروز به خاطر بد کار کردن حکومت از دین بیزار شده است وقتی درست عمل کنیم راه بازگشت او را فراهم کرده ایم و این برای ما اهمیت زیادی دارد. یعنی بازگشت وسیع مردم به سمت دین موقعی است که از دین شعارهای خوب و سعه صدر ببینند، کار آمدی ببینند. در آن حالت ما کمترین روی گردانی را از دین و

از اسلام و ارزش ها و میراث های فرهنگی و قدیمیمان خواهیم داشت .

وی به روشن شدن بیشتر مشخصات جنبش و این حرکت تاکید کرد و گفت: با این مشخصات و این حرکت را به مردم منتقل کنیم. باید به مردم بگوییم ما دنبال قدرت و دسترسی به قدرت نیستیم. حکومت مال همان کسانی باشد که الان هست اما این معیارهایی که مطابق اسلام و فطرت است را رعایت کنند. مردم را کتک نزنند و بگذارند مردم آراء خودشان را راحت در صندوق ها بریزند، بگذارند مردم حرف بزنند، همان که قانون اسلامی تصریح دارد، بگذارند رسانه ها آزاد باشند. ما نمی خواهیم رسانه ایی باشد که به دین فحاشی کند .

وی با اشاره به زندانیان گمنام گفت: الان در زندان متأسفانه غیر از افرادی که شناخته شده اند زندانی های عجیب و غریبی می بینید که پنج سال - شش سال به دلیل اینکه در ۲۵ خرداد در راهپیمایی شرکت کرده اند محکوم شده اند. ما می گوییم این را دین نمی پذیرد،

اسلام نمی‌پذیرد، این با هیچ مبنای دینی که ما می‌شناسیم سازگاری ندارد. بیا بید ثابت کنید که دین اسلام چنین است. تا یکی کوچک‌ترین تکانی می‌خورد زود یک مارک محارب می‌زنند. الان زندانیانی هستند که ناشناس هستند، پرونده بعضیشان اصلاً گم می‌شود، برخی هستند ماه‌ها اصلاً کسی سراغشان نمی‌رود. آنکه مشهور است به او می‌رسند چون بالاخره اسمش در سایت‌ها مطرح است. افرادی هستند که تکلیفشان واقعاً روشن نیست، ما می‌گوییم اسلام با این مسئله سازگاری ندارد.

موسوی افزود: می‌گوییم مرّ اسلام را بگویید، آیا مرّ اسلام با این‌ها سازگار است. ما چنین چیزهایی نداریم. این حرف‌ها را مردم می‌پسندند دلیلش این است که با فطرت آن‌ها و اعتقادات دینی آن‌ها و با تجربه روزانه آن‌ها سازگار است. در خصوص مسائل سیاسی اقتصادی هم همین‌طور است. کجای اسلام گفته شما دائم در تمام دنیا بگردید و برای خودتان دشمن ایجاد نکنید. در

دنیا در سطح بین الملل تقریباً هیچ کشوری نیست که در داخل یک بلوک رسمی نداشته باشند تا در آن جمع، تصمیم گیری جمعی بکنند. در آمریکا که ابر قدرت است و نیروی نظامی، بمب اتم، رسانه و سرمایه وسیعی دارد که در تمام دنیا در گردش است به عنوان یک قدرت بزرگ در رابطه با مسئله هسته‌ای با ما مشکل دارد ببینید با این مشکل چگونه مواجه می‌شود. یعنی کشوری که یقیناً از لحاظ قدرت مادی، استغنائش از ما بیشتر است. او سعی می‌کند بین متحدینش وفاق ایجاد کند حتی رقبایش چین و روسیه را راضی کند تا درباره پرونده هسته‌ای ایران به یک اجماع حداکثری برسد. حال، ما که به این روش‌ها توجهی نداریم هیچ، کارمان این شده است که دشمن گیری کنیم .

مهندس موسوی تصریح کرد: از حقوق اساسی خودمان نباید بگذریم اما ضعف و ناتوانی و عدم تدبیرمان را هم نباید به اسلام نسبت بدهیم. این اصلاً ربطی به اسلام ندارد ما می‌توانیم کشوری اسلامی و بهترین موقعیت و

دوستان را در جهان داشته باشیم و از طرق سیاسی در جاهایی که لازم است از خودمان دفاع کنیم. چنانچه ملت ما در دفاع مقدس نشان دادند بر سر ارزش‌ها حاضرند تا آخرین قطره خون بایستند. با اینکه به طور قطع بهترین فرصت‌های توسعه کشور را با افزایش قیمت نفت از دست دادیم و درآمدهای عظیمی که در چهار پنج سال اخیر به دست آوردیم همه را به باد فنا دادیم و متأسفانه برعکس موقعیت کشور را به سمت بدتر شدن با بد استفاده کردن از درآمدها بردیم. من می‌گویم این‌ها باید شناخته شود و دوستان، آنهایی که در زمینه اقتصاد نظریه پردازند به یک شکل، آنهایی که از نظر فرهنگی صاحب نظرند به شکل دیگر، این آیتم‌ها را به اطلاع مردم برسانند تا زمینه دگرگونی در این وضع ایجاد شود.

موسوی خاطرنشان کرد: از طرف هم باید دلسوز باشیم و مشفقانه حاکمان را نصیحت کنیم و بگوییم راهی که شما می‌روید بیراهه است. در اطلاعیه شماره هفده یک

موضوع اساسی را طرح کردیم که خیلی توجه نشد، گفتیم شما فکر نکنید وقتی با کسی قرارداد می بندید اصلاً جنبش سبز وجود ندارد. شما همین چهار پنج تا کار را بکنید خواهید دید این آب گل آلود کشور و این وضعیت بحرانی کشور به سمت بهبود خواهد رفت. ما راه حل ها را با قید اینکه دنبال قدرت و منفعت دیگری نیستیم دائم باید اعلام بکنیم. بگوییم که کم هزینه ترین راه برای اینکه کشور از این مشکلات نجات پیدا کند این است که شما در رویه تان تغییراتی ایجاد کنید .

وی این موضوع را مطرح کرد که در سیاست خارجی وقتی یک رویه مهم در یک کشور می خواهد اتفاق بیفتد و می خواهند تصمیم بگیرند حتی در آن کشورها سعی می کنند نظر اپوزسیون را هم جلب کنند. لاقلاً از دشمنان درس بگیرید که هیات دولتش در کنار حزب رقیب می نشینند و در مورد یک موضوع بزرگ بحث

می‌کنند. این جلسات هر سال یک بار دو بار در سال پیش می‌آید و در همه دنیا این وجود دارد .

به اعتقاد موسوی، این روشی که هر کس بر خلاف شما صحبت کند و راه حلی ارائه دهد را صهیونیست یا منافق می‌نامید و او دلبسته به آمریکا، برانداز و محارب می‌شود این به نفع شما و به نفع کشور نیست، این تقویت محارب و منافق است. منافقین با این جنایت‌هایی که در داخل کشور داشته‌اند، با این همکاری‌هایی که با صدام داشتند مرده‌ای شده بودند که ننگ ابدی بر پیشانی آن‌ها مانده است. شما وقتی فرزندان این ملت که دو سه میلیونشان در یک روز یک خیابان را پر می‌کنند به منافقین نسبت می‌دهید، آیا شما منافقین را تضعیف می‌کنید؟ یا نفاق را تقویت می‌کنید؟ از آنطرف جریان سالمی که در کشور جامعه را متمایل به اسلام می‌کند، شما پیشانی بند جبهه آن‌ها را که به عنوان یادگاری حفظ کرده‌اید پنهان می‌کنید که به آن‌ها نگویند بسیجی و طرفدار امام .

وی با اشاره به خاطره‌ای از دیدار با خانواده یکی از شهدای سبز گفت: آنجا موضوع جالبی را دیدم. عکس‌های قبل و بعد از انتخابات این شهید برای من خیلی تکان دهنده بود، زیرا نشان می‌داد که یک جوان دانشجوی آنچنانی، با آن طبع جوانی در جریان بحث‌های انتخاباتی و راه پیمایی‌ها چنان تغییر کرده بود که با ته ریش و پیشانی بند یاحسین (ع) یعنی همان چهرهٔ بسیجیان در طول دوران دفاع مقدس که مادران آن‌ها را می‌بوسیدند و روانهٔ جبهه می‌کردند عکس گرفته بود. خب وقتی یک جریان سالمی در کشور وجود دارد به این حضرات باید گفت: ببینید فضای جامعه را به چه سمتی برده‌اید؟

موسوی همچنین در تبیین خطوط و چارچوب جنبش سبز گفت: در عین حال من قبول دارم که کمی با عدم تعیین‌ها روبرو هستیم با توجه به اینکه ما تشکیلات نداریم چون هر تشکیلاتی را بر می‌چینند، روزنامه نداریم و... می‌تواند خطر ساز باشد. لکن باید یک خطوط

کلی انشا... تبیین شود. الان هم در جامعه مخصوصاً در فضای دانشگاه وضعیت بهتری ایجاد شده و جامعه دانشجویی به سمت عقلانیت بیشتری رفته است. طبیعی هم هست، در یک دانشگاه پنجاه دانشجو را ممنوع التحصیل کرده و ده نفر را گرفته‌اند. بچه‌ها محتاط‌تر شده، این به معنای بازگشت نیست به معنای بیشتر فکر کردن است و به دنبال راه حل‌های تازه‌تر رفتن است.

موسوی اظهار امیدواری کرد تا راه حل‌های اسلامی مسالمت آمیز خدای نکرده در این جریان‌ات فراموش نشود و جوانان هرگز به راه حل‌های خشن روی نیاورند. چون با این همه دستگیری و سرکوب و زدن و گرفتن به جامعه نمی‌توان مطمئن بود. در آینده حرکت‌های خشن و تند یقیناً به ضرر ملت ماست و به ضرر جنبش سبز است که باید مراقب باشیم این اتفاق نیفتد.

وی در پایان با یاد دوباره روزهای جبهه و جنگ گفت: ملت کم قربانی نداده است و بنده در انتها باز هم برمی

گردم به صحنه های جبهه ها. من همیشه غبطه می خوردم به آن فضاها، نورانی، طوری نشود که از آن فضاها روحانی نتوانیم به راحتی در جامعه صحبت کنیم. زیرا الان چنین حالتی بوجود آمده که کم کم این ارزش ها هم دارد زیر سؤال می رود .

میرحسین موسوی دعا کرد تا انشاالله خداوند این بحران را در نهایت به نفع ملت و انقلاب ختم کند تا ما شرمنده ً خون شهدا نباشیم.

پیام به مناسبت روز کارگر و روز معلم
مردم دنبال عدالت هستند.

۹ اردیبهشت ۱۳۸۹

با سلام به همه کارگران و معلمان کشور
من روز معلم و روز کارگر را به شما عزیزان تبریک می
گویم. در آستانه این دو روز بسیار مهم هستیم. فعالیت
ها و جهت گیری های قشر کارگر و معلم جزو مهمترین
مولفه های اقتدار ملی ماست. آنها تولید کنندگان ثروت
، علم ، فضیلت و اخلاق در کشور هستند و بدون فعالیت
آنها نیل به ارزش های بنیادی در یک نظام امکان پذیر
نیست و بعد از به وجود آمدن دولت -ملت ها نقش این
دو قشر اهمیت فراوانی در همه کشورها پیدا کرده و

برای همین توجه به سرنوشت، جهت گیری، مشکلات و مسائل آنها بسیار مهم است و همه کشورها سعی می کنند به سرنوشت این دو قشر اهمیت ویژه ای دهند.

روز گارگر که در سراسر دنیا و کشور ما برگزار می شود نشانه توجه به نیروی کار و اهمیت آن است. از اول انقلاب هم رسم بر این بود که به این روز اهمیت داده شود و همینطور روز معلم که اهمیت آن از روز کارگر کمتر نیست و بنده می خواهم دراین پیام مختصر خطاب به شما مسائلی که برای سرنوشت این دو قشر و برای همه مردم ما مشترک هست را عرض کنم.

حقیقت این است که ما در شرایطی به این دو روز مهم نزدیک می شویم که کشور دارای بحران و مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی وسیعی است و تک تک این بحران ها در سرنوشت و گذران زندگی این دو قشر منعکس شده و اثرات زیادی دارد.

ما وضعیت اقتصادی کشور را می بینیم. تورم، پایین آمدن نرخ سرمایه گذاری ها، فساد، رواج دروغ و سو

مدیریت ، حقوق معوقه کارگران و بیکاری روزافزون آنها، تعطیلی روزافزون کارخانه ها یا با ظرفیت پایین کار کردن کارخانه ها در حالی که بازارهای ملی ما پر از کالاهای خارجی شده و در حقیقت ما تمام بازار داخلی خودمان را در رابطه با کالا ، خدمات و سرمایه به بیگانه واگذار کردیم و همه می دانیم که این مساله تا چه اندازه در سرنوشت ملت ، استقلال و آزادی ما و همچنین در سرنوشت کارگران ما اثر می گذارد.

از سوی دیگر محدود کردن آزادی ها را داریم. بستن دهان ها ، بستن روزنامه ها و پر کردن زندانها و محدود کردن تشکل های صنفی و سیاسی را داریم که آن هاهم در سرنوشت کارگران ومعلمان اثر می گذارد. به همین علت مهم است که امسال کارگران و معلمان پی ببرند (گرچه می دانم می دانند) مسائل و مشکلاتی که در زندگی روزمره لمس و درک می کنند با مسائل عمده کشور در ارتباط است و این ارتباط مستقیم است.

خواسته یک کارگر و یک معلم اگر با زبان حال گفته شود و خواسته طبیعی این دوقشر باشد باید توجه کنیم که خواسته های بسیار اساسی و بنیادی برای کل کشور است. کارگر و معلم چه می خواهند؟ آنها می خواهند کشور توسعه پیدا کند. توسعه کشور به نفع آنها است. عدم توسعه کشور دودش به چشم همه ملت می رود. از همه مهمتر به چشم کارگران چه در بخش صنعتی و چه خدماتی، چه در سطح روستاها یا هر جای دیگر و همینطور به چشم معلمان هم می رود.

آنها آزادی می خواهند چرا که آزادی باعث می شود تشکل های صنفی و سیاسی خود را تشکیل دهند و فعالیت سیاسی کنند. راهی برای گشایش امور خود و ملت پیدا کنند. آنها دنبال عدالت هستند. چه عدالت در سطح معیشتی و اقتصادی و چه در سطح توزیع منزلت های اجتماعی. باعث می شود آنها بهتر بتوانند خدمت کنند و بهتر می توانند ثروت ایجاد کنند و بهتر می توانند از اقتصاد کشور دفاع کنند و با فعالیت خود

در صنعت و بازار و از استقلال کشور دفاع کنند و همچنین در توزیع منزلت آنها موقعیتی پیدا می کنند که از ایده های مترقی و پیشروانه در سطح کشور حمایت کنند.

اول انقلاب با این ایده شروع شد. یادمان باشد که در مجلس اول اکثر نمایندگان معلم بودند. شهید رجایی و شهید باهنر و شهید مطهری معلم بودند. شریعتی را معلم می دانستیم و معلم هم هست. معلمی به گونه ای بود که باعث می شد فرد مورد اعتماد ملت قرار گیرد. اضافه کنم که اگر این منزلت از نظر سیاسی تنزل پیدا کرده از نظر ملت تنزل پیدا نکرده است. وقتی ما به گروه های مرجع رجوع کنیم می بینیم که معلمان و کارگران هنوز در رده های بالای گروه های مرجع قرار می گیرند و هنوز مورد اعتماد ملت هستند ولی در کشور اتفاقی افتاده که این منزلت آنچنان که اول انقلاب بود نیست. این منزلتی که اول انقلاب بود اجازه می داد که معلمان فضای نورانی و عمیقی را در ملت

ایجاد کرده و یک نسل سرافراز را تربیت کنند و خود و کارگران در جبهه ها فراوان بودند. برعکس هم اکنون می بینیم برخی از معلمان و کارگران در زندان هستند و در آستانه این دوروز خیلی تلخ است که بخواهیم در این مورد صحبت کنیم.

طبیعی است که اگر دقت کنیم در مورد آزادی، عدالت، توسعه و یا پیشرفت کشور یا سایر زمینه ها می بینیم به طور مثال همین دو قشر به شدت مخالف فساد هستند. آنها می دانند که وقتی بحث درآمدهای عظیم نفتی می شود و صدها میلیارد که قرار بود سر سفره مردم آورده شود آورده نمی شود و در عوض خبرهایی مبنی بر فساد، ناپختگی و نارسایی در امور اقتصادی کشور می شنوند و می دانند که این به ضرر آنها و منافع آنهاست و به ضرر منافع ملی و به ضرر امنیت ملی و آتیه کشور است. به طور طبیعی، هم صورت آگاهانه و هم به صورت زبان حال به نفع معلمان و کارگران هست که سیاست های خارجی متعادلی داشته باشیم. آنقدر

ما چرا آفرینی نکنیم. اینقدر بی برنامه پیش نرویم. اینقدر با بالا و پایین رفتن منافع ملی خود را به خطر نیاندازیم.

بلافاصله این اقدامات خلاف تدبیر، تاثیر خود را روی سفره مردم نشان می دهد. عظمت یک کشور در دلبستگی و دلگرمی مردم نسبت به آینده خودشان است. نگاه و امیدواری که نسبت به آینده دارند. صرفا با اسلحه و نیروی نظامی امنیت یک کشور را نمی شود حفظ کرد. ما در زمان دفاع مقدس نه ارتش داشتیم و نه سپاه. اینها به مرور به وجود آمدند. ارتش که در واقع اول انقلاب از بین رفت و دوباره سازمان داده شد. خود سپاه و بسیج هم بعدا شکل گرفت. آن چیزی که باعث مقاومت ما در آن جنگ هشت ساله شد که یک سانتیمتر از خاک کشور خود را تسلیم دشمن نکردیم یقینا به دلیل اسلحه های زیاد ما نبود. دشمن ما اسلحه بیشتری داشت و بیشتر هم کمک در اختیار داشت و تمام خدمات ابزاری دنیا در اختیارش بود ولی ملت ما از

جمله این قشر کارگر و معلم توانست مقاومت کند. این به دلیل دلگرمی مردم نسبت به آتیه نظام بود. ولی وقتی این اعتماد خدشه دار شود و وقتی بحث فساد پیش بیاید که پیگیری هم نشود و در مجلس هم برده شود و هیچ خبری هم نشود و ناگهان بحث آن فروکش کند و همچنین از اینجا و اونجا این مسائل شایع بشود طبیعی است که این باور و این دلگرمی را نسبت به نظام از دست بدهیم.

شما عزیزان و شما کارگران و معلمان بدانید که مسائل شما مسائل همه ملت ماست و جدا نیست. شما اگر در تشکیل شوراهای مستقل صنفی مشکل دارید و هر حرکتی که می کنید با محدودیت و دستگیری ها روبرو می شوید و در فعالیت خود دچار مشکل هستید. سر کلاس که می روید با خوف و رجا می روید چون نمی دانید که آیا می توانید حرف حق را بزنید و در برابر دانشجویان و دانش آموزان از حق دفاع کنید. با سینه برآمده و سری افراشته از حق دفاع کنید و از سفیدی

سفید و سیاهی سیاه شهادت دهید و کوتاه نیایید و وقتی در این زمینه دچار تزلزل و خوف می شوید طبیعی است که این مساله مساله ملی است و مساله همه ماست.

جنبش سبز راهی که در این زمینه در پیش می گیرد بر این اساس است و آن هم اینکه مسائل ما در گرو بسته ای از فعالیت ها است که مشکل حل شود. اینطوری نیست که مثلا یکبار این موضوع را با وعده و وعید حل کنیم و یک موقع با اقتصاد صدقه ای، بالا و پائین آوردن حقوق و یا مثلا موقع انتخابات که می شود فعالیت کنیم و از این شاخه به اون شاخه بپریم. اینها مشکلات معلمان کارگران، کارفرمایان و نه کارآفرینان ما را حل نمی کند.

بنده اعتقاد دارم تنها راه، بازگشت به قانون اساسی است. برگشتی که برای تحقق بدون تنازل قانون اساسی راهی پیش پای ما نیست. این کم هزینه ترین راه است. راهی است که می توانیم مشکلات خودمان را در سطح

ملی حل کنیم. مشکلات بازارهای مسلمانی خودمان را حل کنیم که اینقدر از اجناس بنجل خارجی پر نشود. می توانیم از صنعت ملی خودمان دفاع کنیم برای اینکه در مقابل هجوم بازارهای خارجی مدفون نشویم. می توانیم از حقوق کارگران دفاع کنیم تا روز به روز از کار بی کار نشوند و حقوق معوقه کارمندان روی هم تلمبار نشود. با برگشت به قانون اساسی می توان از فساد جلوگیری کرد و با احیا حقوق مردم می توان مشکلات را برطرف کرد. بدون انتخابات آزاد، غیر گزینشی، رقابتی و بدون آزادی مطبوعات و زندانی ها و تشکل ها جلوی رویمان راه دیگری وجود ندارد و رفتن به سمت قانون اساسی به نفع همه ملت است. به نفع همه کسانی که دل در گرو ملت خود دارند و عظمت ملت خود را می خواهند.

این میثاق ملی ما است و عهده‌ی که مردم و حکومت با هم بستند و هر نوع برگشت از این میثاق یک نوع خیانت در اعتماد مردم است. ما از مردم امضا گرفتیم و

امضا دادیم که این قانون را بدون اجتهاد اجرا کنیم. اگر قسمت هایی از آن را ناکارآمد می دانیم باید آنرا اصلاح کنیم. قانون اساسی که وحی منزل نیست. ولی باید باز هم از راه قانون اساسی اقدام کنیم و حقوق مردم که فراموش شده ترین قسمت قانون اساسی است را باید رعایت کنیم که مشکلات یکی یکی حل شود و در آن موقعیت جایگاه معلمان و کارگران ما آنچنان که شایسته است در نظام حکومتی ما و جامعه ما انشالله احیا خواهد شد.

موفق باشید و این دوروز هم بر شما و هم بر همه ملت ایران مبارک باشد.

دیدار با آذربایجانی ها

زبان ها و فرهنگ های متنوع از ذخایر این سرزمین هستند

۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۹

جمعی از اصلاح طلبان آذربایجانی در دیداری که با میرحسین موسوی داشتند دیدگاه های خود را در ارتباط با مباحث مربوط به جنبش سبز، جریان اصلاح طلبی، دغدغه های اقتصادی و مسائل ملی و منطقه ای بیان نمودند .

به گزارش خبرنگار کلمه، تاکید ویژه اصلاح طلبان آذربایجان شرقی در این دیدار بر مواردی از قبیل: وضعیت رسانه ای جنبش سبز، راهکارهای جدید برای ارتباط بدنه جنبش با رهبران، تعامل احزاب اصلاح طلب با مردم، مسائل ویژه منطقه ای، نقش دین و اخلاق در مباحث مربوط به جنبش سبز و... بود که مهندس

موسوی مطالب مبسوطی را در این زمینه‌ها و سایر مسائل حساس روز بیان کردند.

مهندس موسوی با توجه به وضعیت رسانه‌ای جنبش سبز با اشاره به محدودیت‌های موجود، فضای مجازی را در شرایط فعلی مناسب‌ترین امکان برای تبادل اخبار و کسب اطلاعات دانست و افزود: در وضعیت حاضر به گشایش فضای رسانه‌های آزاد خوش بین نیستم.

نخست وزیر دوران دفاع مقدس ضمن اشاره به حضور نحله‌های فکری گوناگون در جنبش سبز، به لزوم حرکت جمعی و تقویت تعامل و تکیه بر مشترکات با حفظ مواضع تاکید کرد و گفت: ما در یک چارچوب اخلاقی حرکت می‌کنیم و بدین سبب جنبش سبز در هر حادثه‌ای به دور از تعصب، به خوب، خوب گفته است و بد را بد دیده است و به همین خاطر حتی هر حرکت مثبتی حتی از ناحیهٔ بخش‌هایی از حاکمیت که تا کنون در مقابل رای و نظر مردم ایستادگی کرده‌اند، با رویکردی مثبت مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام افزود: آن‌ها واقع بین نیستند و گیر ادعاهایی افتاده‌اند که خود ساخته‌اند و می‌گویند معترضین با خارجی‌ها ارتباط دارند و با همین نگاه نیز بازجویی می‌کنند. فعلا ممکن است این نگاه آن‌ها را متحد کند ولی نمی‌تواند جلوی آشکار شدن واقعیت را بگیرد، چون بر حقیقت استوار نیست. نمی‌توان جلوی آمدن بهار را گرفت. بهار خواهد آمد و سبزی همه جا را فرا خواهد گرفت.

جنبش سبز را نباید تنها در سطح خیابان تحلیل کرد نخست وزیر امام با یادآوری رویدادهای پس از انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸ افزود: نباید این جنبش را فقط در سطح خیابان‌ها تحلیل کرد. ریشه این جنبش غیر قابل انکار است. این جنبش پرده‌های جهل را کنار می‌زند. وقتی ملت در مناسبت‌های مختلف به اجماع می‌رسد، این بزرگ‌ترین دستاورد است و مهم این است که این ایده متولد شده است.

مهندس موسوی که بخش عمده‌ای از سخنانش را به تحلیل مسائل آذربایجان اختصاص داده بود با اشاره به تاریخ معاصر آذربایجان، این خطه را سرزمینی دانست که باید همواره مسائل آن مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد و با اشاره به مکتب تبریز در حوزه مسائل سیاسی، اجتماعی و فکری به اهمیت زبان‌های ملی و محلی تاکید کرد و ادامه داد: زبان‌ها و فرهنگ‌های متنوع از ذخایر این سرزمین است. زبان و بویژه زبان اوجی و شعر قابل ترجمه نیست و هر زبان ظرفیت‌هایی دارد که جزو سرمایه‌ها و ذخایر ملی محسوب می‌شوند و اهمیت این ذخایر فرهنگی در کشور کمتر از ذخایر مادی نیست. زبان مسئله‌ای نیست که با آن بشود آمرانه و بخشنامه‌ای برخورد کرد. رضاخان این کارها را با فرهنگ‌ها و اقوام کرد و شکست خورد و یکی از دلایل نفرت ملی از آن دوره به همین سیاست‌ها بر می‌گردد.

نامزد معترض دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اجرای بدون تنازل قانون اساسی و عدم اجتهاد در

مقابل نص صریح قانون اساسی را تنها راه برای وحدت ملی و استیفای حقوق همه اقوام دانست و گفت: تک تک اصول مغفول و یا کنار گذاشته شده قانون اساسی باید اجرا شود و اگر مشکلی در این بین باشد به نظر خواهی عمومی گذاشته شود.

مهندس موسوی اضافه کرد: متأسفانه با تنوع فرهنگی برخورد مناسبی نکرده‌ایم. وی با اشاره به مسائل آذربایجان ضمن تأکید مجدد بر حرکت جمعی همراه با حفظ اصول افزود: حتی با یک شاخص مشترک می‌توانیم با هم و برای رسیدن به اهداف مشترک حرکت کنیم.

میرحسین موسوی با اشاره به اینکه مسائل هویتی فقط با حفظ منافع ملی ممکن است افزود: در هیچ جای ایران تجزیه طلبان با اراده معطوف به وحدت طلبی در سطح ملی اهمیت و جایگاهی ندارند.

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت معلم عشایر

بسمه تعالی

فقدان معلمی وارسته که از معبر دنیا گذر کرد و به جوار رحمت الهی نایل شد سخت و سنگین است.

قطعا خدمات ارزنده محمد بهمن بیگی معلم عشایر که آموزش عشایر در ایران را پایه ریزی کرد و از ۵۸ سال پیش با برافراشتن چادری برای آموزش این قشر عزیز جامعه اقدام کرد از یادها نخواهد رفت. فعالیت‌ها و اقدامات او در زمان حیات پر برکتش تنها آگاهی دادن نبود بلکه صداقت و اخلاق و پشتکار از ویژگی‌های بارز و میراثی بود که بهمن بیگی به جا گذاشته است.

او همگان را به یک قیام مقدس دعوت کرد و آن قیامی
برای باسواد کردن مردم ایل بود که امید است این
توصیه همیشگی اینمرد فرزانه مورد توجه قرار گیرد.
درگذشت او را بر بازماندگان و همه دانش آموختگان
مکتبش و همه معلمان کشور و نیز به عشایر عزیز که
ذخایر انقلاب و همواره مدافعان استقلال کشور بوده‌اند
تسلیت می‌گوییم.

میر حسین موسوی

۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۹

بیانیه در واکنش به اعدامهای دسته جمعی*

بسم الله الرحمن الرحيم

اعلام اعدام ناگهانی پنج نفر از شهروندان کشور بدون آنکه توضیحات روشن کننده ای از اتهامات و روند دادرسی و محاکمات به مردم داده شود شبیه روند ناعادلانه ای است که در طول ماه های اخیر منجر به صدور احکام شگفت آور برای عده زیادی از زنان و مردان خدمتگزار و شهروندان عزیز کشور ما شده است.

وقتی قوه قضائیه از طرفداری مظلومان به سمت طرفداری از صاحبان قدرت و مکتب بلغزد مشکل است که بتوان جلوی داوری مردم را در مورد ظالمانه بودن احکام قضایی گرفت. چگونه است که امروز محاکم

قضایی از آمران وعاملان جنایتهای کهریزک و کوی
 دانشگاه و کوی سبحان و روزهای ۲۵ و ۳۰ خرداد
 وعاشورای حسینی میگذرند و پرونده های فساد های
 بزرگ را باز نشده می بندند وبه صورت ناگهانی در
 آستانه ماه خرداد ، ماه آگاهی وحق جویی پنج نفر را با
 حواشی تردید بر انگیز به چوبه های دار می سپارند؟ آیا
 این است آن عدل علوی که به دنبالش بودیم؟

میرحسین موسوی

۲۰ اردیبهشت، ۱۳۸۹

*یک روز پیش از این بیانیه، پنج نفر _ فرزاد کمانگر (معلم کرد)، علی
 حیدریان، فرهاد وکیلی، شیرین علم هولی و مهدی اسلامیان _ به دار
 آویخته شدند.

در جمع خانواده های زندانیان سیاسی

تا زمانی که گفتان سبز عمومی نشود،
تغییری ایجاد نمی شود.

۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۹

این حق مادران، خواهران و خانواده هاست که از عزیزانشان با هر اتهامی که در زندان هستند؛ خبر داشته باشند. چگونه است که به مادران سه آمریکایی دستگیر شده در ایران اجازه ملاقات داده‌اند و برای آن‌ها تسهیلاتی ایجاد کرده‌اند، اما مادران ایرانی در کشور خود، حق دیدار از فرزندان دربندشان را ندارند. هر چند ما این کار را تایید می‌کنیم اما آیا همین احترام را برای زنان ایرانی نیز قائل هستند؟

این گفته‌های میر حسین موسوی در جمع برخی از خانواده‌های زندانیان سیاسی به ویژه زندانیان کمتر شناخته شده حوادث پس از انتخابات و همینطور خانواده‌های تعدادی از شهدای جنبش سبز بود. در این روز میرحسین موسوی با مادران عزادار و مادران و خواهرانی که عزیزانشان در بند هستند، دیدار کرد.

به گزارش خبرنگار «کلمه» موسوی با اشاره به نقش زنان در جنبش سبز می‌گوید: «زنان در پیروزی انقلاب نقش بزرگی داشتند و بدون حضور آن‌ها امکان پیروزی انقلاب ناممکن بود. در جنبش سبز نیز زنان، سهمی حتی بالاتر از مردان دارند و آن‌ها در جنبش سبز نقشی بسیار پررنگ داشته و دارند. در جنبش سبز با جامعهٔ یکپارچه‌ای مواجه بودیم که با تبعیض جنسیتی وعده‌هایش محقق نمی‌شود.»

میرحسین موسوی با اشاره به ایام فاطمیه و شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) می‌گوید: «پاکی، مقاومت و معصومیت حضرت فاطمه، اسوه‌ای هم برای زنان و هم

برای مردان است. دوستداری او، دوستداری پیغمبر و دوستداری پیغمبر دوستداری خداوند است.»

نخست وزیر دوران دفاع مقدس سخنانش را با خاطره‌ای آغاز می‌کند: «اول انقلاب به مدت شش ماه، وزیر امور خارجه بودم. در آن ایام خبرهای زیادی می‌رسید که به شهید رجایی انتقال می‌دادم. یک روز چهار خبر بد خارجی و داخلی رخ داد. آن روزها، روزهای ترور و کشتار بود. آخرین خبر بد، سرقت ناوچهٔ ایرانی توسط یک فرمانده شکست خورده و انتقال آن به فرانسه بود. این اتفاق از نظر بین المللی برای ما بسیار سخت و تلخ بود و زمانی که این خبر بد را به شهید رجایی گفتم او بعد از شنیدن این خبر لحظه‌ای مکثی کرد و گفت: «با وجود همه این اتفاقات تلخ هنوز خدایی هست.»

مهندس موسوی می‌گوید: «من هم اکنون در این شرایط سخت می‌گویم خدایی هست.»

موسوی به حس همدردی مشترکی که در ایران و جنبش سبز در قبال آسیب دیدگان ایجاد شده، اشاره

می‌کند و می‌گوید: «در شرایطی که بر انسان‌ها سختی وارد می‌شود و با مشکلات زیادی روبرو می‌شوند؛ اگر جامعه نسبت به آن‌ها دلسوزی کند و پشتوانه جمعی وجود داشته باشد؛ خدا هم کمک می‌کند که این مشکلات کمتر حس شود. اکنون نیز در جامعه نوعی همدردی نسبت به شما (خانواده‌های آسیب دیده) وجود دارد. ما همدرد مادران و خواهرانی هستیم که یا عزیزانشان را از دست داده‌اند و یا در زندان هستند. همچنین خدایی هست و این بالاترین دلگرمی برای آنهاست. اگر خدا نباشد تحمل این سختی‌ها بسیار دشوار است. و بزرگ‌ترین تسلیت به آن‌ها این است که بگوییم در این خلقت نگاهی وجود دارد که این مشکلات را می‌بیند. بدی و خوبی‌ها را می‌بیند و تحمل دردها در این حالت جمعی نتیجه می‌دهد.»

میر حسین موسوی در بخشی از سخنانش مردم را مورد خطاب قرار می‌دهد، مردمی که با بالا رفتن آگاهی و پشتیبانی از خانواده‌های آسیب دیده، می‌توانند حوزه

عمومی را تقویت کنند. او در این باره می‌گوید: «باید برای افزایش حساسیت ملی نسبت به مسائل کلی جامعه و به ویژه حساسیت نسبت به کسانی که مصائب آن‌ها را نشانه گرفته است، تلاش کرد. مردم باید پشتیبان آن‌ها باشند. باید حوزه عمومی را ما تجهیز کرد و مردم را برای حمایت از مردمی که در سخت‌ترین شرایط هستند آگاه کرد. در عین حال باید بدانیم که تجهیز این روحیه و تقویت حوزه عمومی به پیشرفت نهضتی به نام جنبش سبز منجر می‌شود. فقط در سایه آگاهی می‌توانیم به پیشرفت نائل شویم و آینده را روشن ببینیم.»

موسوی در ادامه می‌گوید: «از زمان شروع اعتراض‌ها، حرکت‌ها، مسالمت آمیز بوده و دنبال خشونت نیست. یک سال از این حادثه گذشته و بهتر می‌توان قضاوت کرد که تا چه اندازه این مسئله مهم است که جنبش روی روش «عدم خشونت» بایستد. به ویژه این جنبش از همان اول با خشونت، ترور و تندروی مخالف بود. چرا

که جنبش سبز، جنبشی عمیق، اجتماعی و گسترده است و هر قدم در راه آگاهی بخشی، ما را یک قدم به پیروزی نزدیک می کند اما در یک حالت خشن، طبیعی است که جامعه به سوی چند دستگی برود و کسانی از این شرایط به نفع سرکوب استفاده کنند. بنابراین جنبش سبز باید ریشه های خود را عمیق تر کند.»

موسوی در ادامه باور خود را درباره جنبش سبز اینگونه تشریح می کند: «در یک تعامل جمعی، از طریق رسانه های مجازی و راهپیمایی ها یاد گرفته ایم که مسائل گوناگون را از این زاویه^۱ دید که مسائل را از هم تفکیک کنیم؛ ببینیم. از خوبی ها دفاع کنیم و در مقابل بدی ها بایستیم. اگر به کسی ظلم می شود بدون توجه به ایدئولوژی اش، از حق او دفاع کنیم. نه به این عنوان که تفکر او را قبول داریم بلکه دفاع از حق، مسئله ای است که اگر در جامعه^۲ ما جا بیفتد؛ قدم بزرگی به پیش گذاشته ایم.»

موسوی همچنین به برخوردهایی اشاره می‌کند که در حال حاضر با متمه‌مان و خانواده‌های آن‌ها انجام می‌شود. او ضمن محکوم کردن این نوع برخوردها می‌گوید: «ساختار حکومتی و حتی اعتقادات اسلامی ما بر مبنای طرفداری از حق است. برخوردها نباید بی‌انتها و به گونه‌ای باشد که تمام وجود فرد متهم را نشانه بگیرد. تمام او را از حیثیت ساقط کند چرا که ما برای انسان‌ها کرامت ذاتی قائل هستیم و در حد جرمی که مرتکب شده و قانون برایش تعیین کرده با او رفتار می‌کنیم. نه اینکه خانواده و زندگی و خودش و تمام وجود او را در معرض تندی و حمله قرار بدهیم. این اتفاقی است که در کشور ما زیاد می‌افتد. شما خودتان می‌بینید که فرزندان و برادران و خواهران و یا همسران شما بی‌گناه هستند. مگر چه کار کرده‌اند؟ آیا ادعای غیر معمولی داشته‌اند؟ خواسته طبیعی‌ترین حقوق ملت بود. اما دستگیر می‌شوند و ماجرا به این خاتمه پیدا نمی‌کند و رفتار با آن‌ها حتی در قالب همان اتهامی که

به او می‌زنند نمی‌گنجد. رفتار با او در چهار چوب همان اتهام نیست. شکنجه و اعتراف گیری و اهانت‌ها هست و او فردی است که تنها مانده و در بیرون ما می‌بینیم که خانواده‌ها مورد حمله و بی‌احترامی و تعرض قرار می‌گیرند.

ایا همان تصمیمی که برای مادران آمریکایی گرفته‌اند؛ برای مادران ایرانی نیز می‌گیرند؟

به عقیده موسوی، این حق مادران، خواهران و خانواده هاست که از عزیزانشان با هر اتهامی و در بدترین حالت. در زندان خبر داشته باشند: «ما تبعیض‌ها و ناروایی‌های فراوانی را می‌بینیم. سه آمریکایی را دستگیر کرده‌اند و به مادرانشان اجازه داده‌اند تا فرزندانشان را ملاقات کنند و این کار خوبی است و ما نیز تاییدش می‌کنیم. مادر حق دیدار فرزندش را دارد. اما سوال من این است که آیا همان تصمیمی که برای آن مادران گرفته‌اند؛ برای مادران ایرانی نیز می‌گیرند؟ آیا همان تسهیلی که برای آن‌ها قائل خواهند شد، برای

مادران ما نیز قائل خواهند شد آن‌ها را احترام خواهند آورد و برد که ما با این روش کاملاً موافقیم. اما آیا با زنان ایرانی هم که عزیزانشان در بندند، چنین رفتار می‌کنند؟ شکافتن همین مورد از زوایای گوناگون به تنهایی نشان می‌دهد که مشکلات نظام در کجاها نهفته و پنهان است.»

وی در همین باره می‌افزاید: «همیشه برای شناخت مشکلاتی که نظام پیدا کرده لازم نیست مجموعه مسائلی که کشور با آن روبروست در کنار هم بگذاریم و به صورت کلان درباره‌اش قضاوت کنیم. بلکه گاهی شکافتن بعضی از موضوعات به صورت موردی می‌تواند به ما نشان دهد که نظام با چه مشکلات عظیمی مواجه است. مثلاً مسئله خانواده‌های آسیب دیده یکی از همین موارد است. اگر ریشه یابی شود حتی به اینجا هم می‌رسیم که دلایل عدم موفقیت ما در زمینه اقتصادی، سیاسی و سیاست خارجی چیست. این‌ها حوزه‌هایی جدا از هم نیستند این‌ها مجموعه‌ای از مسائلی است که

به هم پیوند دارند و اگر یکی از این مسائل شکافته شود یقیناً بقیه مسائل هم روشن می شود. مثلاً شکافتن موضوع ایستادگی زنان و مادران در یک سال گذشته در اصلیت‌ترین مسائل کشور نیز یکی از همین موضوعات است.»

موسوی درباره اینکه آیا اهداف ۲۲ خرداد تغییر پیدا کرده است؛ می گوید: «مردم رای داده بودند و با شعار» رای من کجاست» خواستار احقاق حقوق خود شدند. اما وقتی برخورد با این مردم را به صورت یک مسئله می شکافیم متوجه خواهیم شد که این مسئله با عوامل دیگری ارتباط دارد. به همین دلیل مطالبات به صورت تصادفی و یا عصانیت در این جنبش گسترده نشده است بلکه به دلیل تجزیه و تحلیل، بررسی ها و گفتگوهایی که مردم داشتند متوجه شدند که برخورد با مردمی که به خاطر اعتراض به رایشان به خیابان ها آمدند با قرار گرفتن در کنار سایر عوامل، دامنه اهداف را گسترده کرد. همانطور که دیدیم این اهداف و

مطالبات وسیع شد و برای جمع و جور کردن این مطالبات و برای رسیدن به یک اجماع نسبی درباره این مطالبات، بحث اجرای بدون تنازل قانون اساسی مطرح شد و نیز این مسئله که قانون اساسی وحی منزل نیست و در آینده مردم به تناسب وضعیت خود و تغییراتی که در جهان رخ می‌دهد، حق تغییرش را دارند، طرح شد.»

او در ادامه می‌گوید: «البته قانون اساسی مثل قانون معمولی نیست که زود به زود عوض شود اما اینطور هم نیست که بر اساس تغییرات و شرایط داخلی و جهانی تغییر نکند. ما در شرایط موجود وقتی به سمت شعار پایبندی به قانون اساسی می‌رویم این مزیت را برای ما ایجاد می‌کند که بسیاری از مطالباتی را که در داخل این حرکت و جنبش ایجاد شده، منظم‌تر و یکدست‌تر و با برخورداری از پشتوانه مردم عنوان کنیم. این قانون، حقوق اساسی مردم یا حقوق قومیت‌ها، معلمان، آزادی بیان، رسانه‌ها و انتخابات رقابتی درست را شامل می‌شود. من همیشه گفته‌ام که حتی در مقدمه قانون

اساسی نوشته شد که روح این قانون به تبع منافع گوناگون دچار تغییرات اساسی نشود و همه متوجه باشند که با مجموعهٔ به هم پیوسته‌ای رو برو هستند.»

موسوی با اشاره به اینکه قانون اساسی میثاق امضا شده‌ای است که مردم به آن رای داده‌اند؛ می‌گوید: «در همین شکل کنونی قانون اساسی ظرفیت‌های عظیمی دارد. خود این قانون اساسی به محض اینکه یک فصلش را کنار بگذارید مثل اصل ۲۷ قانون اساسی که اصل حق آزادی اجتماعات و مطبوعات و عدم تجسس در امور افراد است؛ هیچ دلیلی ندارد که این میثاق لکه دار نشود و حیثیت خود را حفظ کند. مردم به مجموعه قانون اساسی رای داده‌اند. مثلاً اگر فصل سوم قانون اساسی نبود آیا مردم به آن رای می‌دادند؟ قطعاً مردم به آن رای نمی‌دادند. من یادم هست که در بهار سال ۵۸ در راهپیمایی‌ها شعار می‌دادند «در بهار آزادی، جای شهدا خالی» این نشان می‌دهد که مردم به خاطر آزادی

و این ارزش بنیادین شهید شدند. نمی‌شود گفت که ما قانون اساسی داشته باشیم اما آزادی وجود نداشته باشد و به عنوان مثال روزنامه‌ها بسته شوند؟

قانون اساسی هم در چنین فضایی تدوین شد. همیشه می‌گویم که انتصاب قانون اساسی به شخصیت‌های شناخته شده اول انقلاب اشتباه است چرا که قانون اساسی حاصل اندیشه ملت و تجربه تاریخی آن‌ها بود و حال عمده کردن بخشی از این قانون و نادیده گرفتن بخش دیگر، به معنای پشت کردن به میثاقی است که با مردم بسته‌ایم و مساوی بی‌حیثیت کردن کل قانون اساسی است و نیمه عمل کردن اصولی است که روی آن ایستاده‌ایم. به همین دلیل اهمیت دارد که به این اصل برگردیم. یکی از اصول قانون اساسی روش تغییر خود قانون اساسی است.»

وی در ادامه برای بیان معنای آزادی مورد نظر در اوایل انقلاب و مقایسه‌اش با شرایط کنونی مثالی از صدا و سیما می‌آورد و می‌گوید: «آیا صدا و سیمای کنونی ملی

است؟ آیا ملت می توانند در آن حرف بزنند؟ در صدا و سیمایی که این همه تهمت و حرف های یک طرفه و جناح خاصی که می خواهند مسئله خاصی را به صورت تک صدایی در جامعه جا بیندازند. آیا می توان گفت این کانال ملی است؟ در اول انقلاب مناظره هایی در صدا و سیما برگزار شد که نشان دهنده گفتمان حاکم بر جامعه بود. در این مناظره ها یک طرف آقای بهشتی می نشست و در طرف دیگر دبیر کل حزب توده. گرایش های مختلف درباره مسائل عمده کشور مناظره می کردند و نظام این را بر می تابید و مردم هم قبول می کردند. بهشتی به عنوان یک روحانی و مقام ارشد کسرشان خود نمی دانست که مناظره نکند. ایشان می گفتند به خاطر این انقلاب کردیم که افراد مقابل هم بنشینند و صحبت کنند اگر ما برهان قوی داریم باید بتوانیم از خود دفاع کنیم. اگر ضعیف هم باشیم که آن ها پیروزی شوند. این نمونه ای از رویکردی بود که نظام به مسئله آزادی داشت.»

موسوی بخشی از سخنانش را به این موضوع اختصاص داد که در آینده جنبش سبز می‌خواهد چه کار کند. او می‌گوید: «ما نه اسلحه داریم و نه می‌خواهیم اسلحه داشته باشیم. ما نه شمشیر داریم و نه می‌خواهیم شمشیر داشته باشیم. کار تروریستی را نیز محکوم می‌کنیم. ما با کلام به میدان آمده‌ایم. با این جمله «رای من کجاست». با منطق وسط صحنه آمده‌ایم. اصل سرمایه‌ای که ما برای تغییر و دگرگونی داریم؛ ایستادگی و گرفتن مطالبات به صورت مسالمت آمیز است.»

موسوی در ادامه با تاکید بر اینکه تا زمانی که آگاهی‌ها گسترش نیابد و گفتمان سبز عمومی نشود، تغییری ایجاد نخواهد شد مثال‌هایی برای افزایش آگاهی‌ها می‌آورد: «مثلاً لایحه هدفمند سازی یارانه‌ها که در این چند سال چه بازی‌های با آن شده است در حالی که یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که باید به دور از نگرش‌های احساسی و کاملاً عقلانی تصمیم‌گیری شود.

لایحه به این مهمی چقدر به خاطر مسائل داخلی بالا و پایین رفته است و هنوز اجرایی نشده و اثراتش را روی تورم و زندگی مردم می گذارد. هر مسئله ای که در کشور وجود دارد ناشی از عدم اجرای قانون اساسی است. یک دولت به سادگی تمام مدیران را برمی دارد و دوستان و آشنایان خود را روی کار می گذارد. اگر قانون اساسی اجرا شود نمی توان پرونده فساد را نادیده گرفت پرونده ای که حتی مجلس هم درباره اش حرف زده است اما بعد از مدتی به طور غیر عادی این پرونده بسته می شود.

او درباره جایگاه کنونی قوه قضاییه در بررسی اینگونه مسائل می گوید: «آیا قوه قضاییه ما در حال حاضر در این جهت زندگی می کند؟ آیا قوه قضاییه مسلط بر نیروهای امنیتی است یا نیروهای امنیتی مسلط بر آن هستند؟ آیا احکام صادره از سوی قضات بر اساس روح مقدمه قانون اساسی است یا نه؟ چطور می شود که یک شخص به خاطر حضور در راهپیمایی به تحمل چندین سال حبس

محکوم شود در حالی که میلیون‌ها نفر در همین تجمع ۲۵ خرداد شرکت کرده بودند و باید آن‌ها نیز بر همین اساس با همین مجازات‌های سنگین در زندان می‌بودند. و این عدالت قوه قضاییه را زیر سوال برده است. آنچه تجربه ماست تبیین این قضیه است که اگر مردم خودشان در صحنه حاضر نباشند و روی مطالباتشان اجماعی نداشته باشند و این نیاز به تغییر را در سطح عموم گسترده نکنیم؛ تغییری صورت نخواهد گرفت. به طور استعاری می‌توانم بگویم رنگ سبز برای ما سمبل همان آگاهی است که باید میان مردم پخش شود. مردم در بندر گواتر، بندر عباس، تبریز، شیراز و اهواز و سایر نقاط ایران زمانی که همه متوجه کوچک شدن سفره‌شان و افزایش مشکلاتشان بشوند و بفهمند که به آن‌ها توهین می‌شود آن زمان زمان تغییر است. راه حلش این است که در نظام چهارچوب‌هایی رعایت شود و همه بازگردند به سمت قانون. در این صورت زمینه

تغییر ایجاد خواهد شد و این مسئله نیاز به صبر و استقامت دارد و چیزی نیست که آنی به دست بیاید.»

میرحسین موسوی با اشاره‌ای به دیدگاه مبارزان دوران پیش از انقلاب که «معتقد بودند باید ماشین حکومتی را گرفت تا همه چیز تغییر کند و آرمان‌ها جامه عمل بپوشاند می‌گوید: «اما امروز قضیه فرق کرده است؛ چرا که ما می‌گوییم باید و می‌توان جامعه را تغییر داد، تا خودِ جامعه سیستم را تحت تاثیر قرار دهد.»

وی تاکید می‌کند: «ما به دنبال این نیستیم که به هر نحوی - حتی خشن و مسلحانه - سیستم را تسخیر کنیم، چرا که نتیجه‌اش فاشیسم و استبداد است.»

موسوی برعجین شدن مبارزه با زندگی روزمره مردم تاکید می‌کند: «برای گسترش فضای سبز در سطح ملی لازم است آن را با زندگی روزمره افراد عجین کنیم که هم زندگی بکنیم و هم دنبال تحقق خواسته‌های جنبش سبز باشیم. این بزرگ‌ترین هدف می‌تواند باشد که البته خود این هم بهایی دارد. دستگیری‌ها، بستن روزنامه‌ها

و راه‌ها همه پاشنه آشیل آن‌ها را نشان می‌دهد. آن‌ها بیشترین حساسیت را به یک وبلاگ و روزنامه دارند چون متوجه‌اند که گسترش بذر آگاهی امکان دوام تک صدایی را در کشور از بین خواهد برد و امکان نقش داشتن همه ملت در سرنوشت این کشور را ایجاد می‌کند.»

موسوی با بیان اینکه اکنون مشکلات عدیده‌ای چون بیکاری، عدم پرداخت دستمزد، تعطیلی واحدها، عدم مجوز برای فعالیت اتحادیه‌های کارگری و مشکلات معیشتی برای جامعه کارگری کشور وجود دارد، یکی از راه حل‌های آن را در این می‌داند که «در سطح وسیعی اطلاع رسانی و آگاهی بخشی شود تا همه متوجه شوند ریشه اصلی در عدم انتخاب اصلح می‌باشد.»

موسوی بخشی از آگاهی رسانی جنبش سبز را به این معطوف می‌کند که افراد در جهت آگاهی رسانی به ابزارهای مختلفی از دانش مجهز شوند. او در این باره می‌گوید: «چند نفر می‌دانند که درصد سرمایه گذاری

در کشور چقدر است؟ کمتر از پنج درصد مردم در این باره آگاهی دارند؟ ما باید این مفهوم را به خانواده‌ها انتقال بدهیم که کمبود سرمایه گذاری به معنای افزایش بیکاری است. رسانه‌ای نداریم که نسبت به کاهش میزان سرمایه گذاری‌ها و یا انباشتگی ثروت در دست یک نهاد نظامی هشدار بدهد که این به نفع اقتصاد کشور نیست. هیچ رسانه‌ای برای هشدار وجود ندارد و ما وقتی می‌گوییم آزادی فقط به معنای فریاد کشیدن نیست بلکه هر نوع اصلاحی در گرو داشتن آزادی است. حتی اصلاح یک کارخانه و یا اصلاح یک نهاد مدیریتی و حتی اصلاح اخلاقیات جامعه. وقتی که در جامعه انقدر جرم بالا می‌رود که ایران برترین کشور در سطح اعدام‌ها می‌شود و عده زیادی در صف اعدام در انتظارند. این چه معنایی دارد؟ کشوری که اسلامی است و داعیه انقلاب فرهنگی دارد و نمازهای جمعه و مساجدش دایر است اما بالاترین رقم اعدام را نیز دارد. مشکل از کجاست؟ اگر نظام می‌خواهد بماند و خوب اداره شود، باید جرم

خیزی و امار طلاق پایین بیاید، وفاق ملی باید به بیشترین میزان برسد و زندان‌هایش خالی باشد و اینقدر بدهی به بانک‌ها و بخش خصوصی وجود نداشته باشد.

موسوی درباره اعدام‌های اخیر می‌گوید: «آیا این وهن ملت ما نیست؟ آیا این وهن برای اسلام نیست؟ آیا اسلامی که می‌خواستیم این بود که طوری کشور را اداره کنیم که مجبور شویم در سال چند صد نفر را اعدام کنیم؟ حتما مشکلی بزرگ وجود دارد. ارتباط نهانی این مسائل و مشکلات موجود در کشور را اگر با هم کشف بکنیم و اگر رابطه یک انتخابات آزاد را با آزادبودن مردم و حضور مردم در صحنه اجتماعی؛ با عدم سرکوب به مردم انتقال دهیم یقین دارم اتفاق بزرگی در کشور می‌افتد.»

وی در ادامه می‌گوید: «من این ادعا را ندارم که شخص خودم باید این خواسته‌ها را انجام دهد. وضعیت اجتماعی ما مثل آب گل آلودی است که وظیفه ما ایجاد

نهرهایی است که آب زلال را به این آب گل آلود وارد کند و فرقی نمی کند چه کسی این آب زلال را وارد کند. اگر حتی اکنون بپذیرند که انتخابات آزاد داشته باشیم و زندانیان را آزاد کنند باز هم استقبال می کنیم اما متأسفانه نظام از هیچ فرصتی برای آزادی زندانیان در اعیاد و دیگر مناسبت ها استفاده نکرد و نگفت که اشتباه کرده اند. آیا عذرخواهی حاکمان، وضعیت جامعه را روشن تر نمی کند؟ به عنوان یک همراه حرکت عظیم مردم می گویم که این درخواست را هر کس انجام دهد ما استقبال می کنیم. البته وقتی این اصلاح صورت نگیرد حتماً با تندتر شدن شعارها مواجه می شویم.»

در شرایطی که این همه مشکل داریم و در معرض تهدید تحریم و فشارها هستیم و آیا مهمانی دادن برای اعضای شورای امنیت مهم تر است یا آشتی با مردم؟ آیا آشتی کردن با مردم بیشتر به نفع نظام نیست؟ یا اگر حکومت با مردم آشتی کند دست بازتری در مسائل خارجی نخواهد داشت؟ با توجه به شرایط پر جنب و

جوش منطقه آیا بهتر نیست که حکومت با مردم کنار بیاید و یک وفاق ملی شکل دهد؟ کدام یک بهتر است؟ بیشتر کردن فشارها و ساختن حجره‌های جدید در زندان اوین به رغم شعارهای اول انقلاب که حذف زندان اوین بود، یا کنار آمدن و کار کردن همراه مردم.» جنبش سبز توصیه می‌کند وفاق و آشتی با مردم بهترین حالت با مردم است. ما انتظار داشتیم از خانواده‌های آسیب دیده دلجویی شود و هنوز هم راه باز است و گرنه با اتهام زدن مشکلات بیشتر می‌شود. باید ترسید از موقعی که فکر شود راه حل در سرکوب و قلب واقعیت است.

میرحسین موسوی در پایان سخنان خود خاطرمی‌سازد: «نکته‌ای دیگر که باید اشاره کنم این است که قرار نبود که ما بر مردم حکومت کنیم. قرار بود مردم حکومت کنند. قرار بود جابه جایی‌ها به خواست مردم و به صورت مرتب در کشور اتفاق بیفتد. باید ترسید از

موقعی که فکر شود راه حل در سرکوب ادامه فشارها و بستن فضاست.»

وی با اشاره به سیستم انتخابات و تغییر صحیح حاکمیت در کشورهای دیگر جهان از جمله انتخابات اخیر انگلستان اشاره می‌کند: «ببینید در آنجا اینگونه نیست که گروهی آنچنان دلبستگی به حکومت پیدا کنند که توجیه شرعی هم برای ادامه آن بیاورند که اگر ما نباشیم، کشور کن فیکون می‌شود. من باید به آقایان خاطرنشان کنم که ملت بزرگ ایران، با بودن یا نبودن شما، کن فیکون نخواهد شد. تاسف آور است که کسانی در این کشور دلبسته قدرت هستند و دلبستگی خود را با مسائل شرعی توجیه کنند. مردم این چیزها را درک می‌کنند و مایلند قدرت بچرخد.»

میرحسین موسوی در پاسخ به یکی از مادرانِ بازداشت شدگان که خواستار تعدد رسانه‌ها برای افزایش آگاهی و ایجاد رسانه‌هایی متعلق به جنبش شد، خاطرنشان

کرد: «همه در مورد افزایش آگاهی‌ها باید تلاش و کمک کنند و ما هم به نوبه خود به این مساله فکر می‌کنیم.» لازم به ذکر است در این دیدار جمعی از مادران عزادار و خانواده‌های آسیب دیدگان سوالات و نظرات خود را با مهندس موسوی در میان گذاشتند.

دیدار جمعی از مدرسین و طلاب حوزه های علمیه بانوان با رهنورد و موسوی؛

آیا روش دولتمردان کوچکترین تناسبی با سیره

فاطمه (س) دارد؟

۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۹

جمعی از مدرسین و طلاب حوزه های علمیه بانوان صبح امروز در آستانه شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) با دکتر رهنورد و مهندس موسوی دیدار کردند.

به گزارش خبرنگار کلمه، میرحسین موسوی در ابتدای این دیدار ضمن عرض تسلیت به مناسبت ایام شهادت حضرت فاطمه (س) اعلام کرد که سخن گفتن درباره سیره حضرت فاطمه در تخصص خانم رهنورد است و وی تنها به نکاتی کوتاه درباره حضرت فاطمه (س) و شرایط فعلی جامعه اشاره می کند.

وی گفت: همیشه به دلیل نفوذ زندگی حضرت رسول (ص) و اهل بیت (ع) و حضرت زهرا (س) باید به این نکته دقت کنیم که غیر از آن جنبه‌های نورانی وجودی این بزرگواران، خلیات و رفتار اجتماعی آنها نیز سهم بسیار بالایی در گرایش مردم به اسلام داشته است و این محبتی که نسبت به این خانواده نورانی وجود دارد باب اصلی آن در همین رفتار اجتماعی است.

وی سپس افزود: اگر یک نظامی اسلامی و مدعی اطاعت از اهل بیت است باید به زندگانی و نحوه تعامل ائمه علیهم السلام با مردم توجه کند و آن رفتارها را اسوه قرار دهد.

موسوی با اشاره به سوالات مردم درباره نحوه پیروی از سیره حضرت فاطمه صدیقه (س) در جامعه کنونی و توسط حاکمان تصریح کرد: الان سوال مردم این است که آیا روش و سیره دولتمردانی که ادعای مسلمانی و اسلام دارند و دروغ می‌گویند با سیره فاطمه زهرا که

یکی از القاب ایشان صدیقه است یعنی صداقت و دوری از کثی و دروغ کوچک ترین سازگاری را داشته است؟
وی این سوال را نیز مطرح کرد که آیا پیامبری که ما می شناسیم حاضر بودند چنین زندان هایی در قلمرو حکومت اسلامی و دین داشته باشند؟

به اعتقاد موسوی، همه ملت ما به این خاندان و اولاد فاطمه زهرا (س) محبت دارند و هویت ملی ما عجین به این محبت است و نباید کارهایی در کشور به نام دین و اسلام صورت گیرد که خدای نکرده این اعتقاد و این دوستداری مورد تردید قرار گیرد که البته نمی گیرد و چون مردم حساب دین را با آنچه به نام دین صورت می گیرد جدا می کنند.

وی درباره ماجرای انتخاب رنگ سبز برای فعالیت های انتخاباتی در سال گذشته گفت: رنگ سبز را در سفری که همراه با خانم رهنورد به مشهد داشتیم افرادی با نیت مذهبی این ایده را مطرح کردند که اتصال این جنبش را با سرسبزی و زیبایی و معنویتی که دین ما و

اهل بیت دارد به خوبی نشان می‌دهد و ما هم این نکته را به فال نیک گرفتیم و به دلیل محبت مردم به این خاندان گرمی بود که این رنگ و موج سبز در مردم جا افتاد.

نخست وزیر امام (ره) در پایان افزود: در حال حاضر هم همین نکته صدق می‌کند. جنبش سبز ریشه در تفکرات مذهبی ما دارد و تا هنگامی که جنبش سبز در این مسیر قرار دارد مردم کشور ما به آن اقبال دارند.

پس از سخنان میرحسین موسوی، دکتر زهرا رهنورد در این جمع به ایراد سخن پرداخت.

دیدار با جمعی از خانواده ایثارگران به مناسبت سالروز فتح خرمشهر:

به مردم بازگردید؛ آنگاه صبح امید فرا خواهد رسید

۲ خرداد ۱۳۸۸

جمعی از خانواده‌های سرداران شهید دفاع مقدس و ایثارگران ۸ سال دفاع مقدس با مهندس موسوی و دکتر زهرا رهنورد دیدار و گفت‌وگو کردند .

به گزارش خبرنگار کلمه در این دیدار که در آستانه سالروز آزادی خرمشهر انجام شد، نخست وزیر دوران دفاع مقدس گفت: آنچه ملت ما امروز می‌خواهد همان سرمایه‌ای است که توانست معجزه آزاد سازی خرمشهر را بیافریند.

موسوی در این دیدار ضمن تشکر از خانواده‌های شهدا، گفت: «خانواده شهدا شاهد یک دوره از ایستادگی

یکپارچه ملت ما در مقابل هجمه‌های خارجی بودند. خانواده‌های شهدا و در کنار آن‌ها ملت ما به خوبی به یاد دارند که آنچه باعث شد در دفاع مقدس یک وجب از خاک کشور را علیرغم قدرت دشمن و همکاری قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های منطقه از دست ندهیم، نه اسلحه بود و نه پول بلکه آنچه باعث پیروزی شد گفتمانی بود که همه ملت را در پشت سر جبهه‌های رزمندگان قرار می‌داد. همه ما خاطراتی روشن از ایستادگی ملت داریم.»

موسوی با اشاره به تاریخ جنگ‌های ایران در طول دویست سال گذشته گفت: «به دلیل جنگ‌های دویست سال گذشته ترسی میان مردم از دشمنان خارجی لانه کرده بود. در این دویست سال مناطق بسیاری از کشور ما جدا شد. اگر تاریخ دویست ساله منطقه را مطالعه کنیم، پی خواهیم برد که ذهنیت خرافی و فاسد دولت‌ها تا چه اندازه در این جنایات و شکست‌ها دخیل

بودند. آخرین آن از دست دادن بخش‌هایی از خاک کشورمان توسط پهلوی دوم بود.»

موسوی گفت: «علیرغم کمک نظامی کشورهای منطقه به رژیم صدام و حمایت صریح آمریکا و شوروی از وی، ملت از این آزمایش بزرگ پیروز بیرون آمد و کمترین اثر این مقاومت هشت ساله رخت بر بستن ترس از کشته شدن و شهادت در راه حق و ارزش‌های پایه‌ای بود.»

وی به فیلم‌ها و مستندهای ساخته شده در دوران دفاع مقدس اشاره کرد و گفت: «اگر به این تصاویر نگاه کنید تنها چیزی که در چشمان رزمندگان، پدران، مادران و آحاد ملت نخواهید دید ترس است و حذف این ترس بزرگ‌ترین عامل حفظ امنیت ملی ما در مقابل دشمنان خارجی بوده است.»

وی افزود: «روحیه ایثار تنها سرمایه‌ای است که اکنون ملت ما هم در مقابل خطر هجوم خارجی و هم هجوم فساد و خودرایی و استبداد دارد. ایثار از دستاوردهای دفاع مقدس است.»

موسوی تصریح کرد: «آزادی و عدالت به صورت خود بخودی در اختیار مردم قرار نمی‌گیرد. نه آزادی و نه عدالت در حوزه عمومی داده شدنی نیست بلکه آزادی و عدالت را باید با فداکاری و ایستادگی و تدبیر به دست آورد و از آن حراست کرد. آزادی و عدالت با ایثار در سطح وسیع بدست می‌آید. برای نسل جوان ما مهم است ایرانی را که با چنگ زدن به فضیلت‌هایی همچون ایثار به دست آورده، حفظ کند. با ایثار بود که خونین شهر دوباره خرمشهر شد.»

به گفته نخست وزیر امام (ره)، «آنچه ملت ما امروز می‌خواهد همان سرمایه‌ای است که توانست معجزه آزاد سازی خرمشهر را بیافریند. معجزه‌ای آنچنان بزرگ که امام (ره) فرمودند «خرمشهر را خدا آزاد کرد». این همان تفسیر از آیه «ما رمیت اذ رمیت» است. وقتی مردمی در راه اهداف بلند خدایی، خود را فانی دیدند این دست خداست که فجر پیروزی را می‌آفریند و با این

نگاه است که ما می‌توانیم سوال کنیم که آیا صبح نزدیک نیست؟»

موسوی افروود: «این روزها به دلیل رخنه فساد، دروغ و بی‌تدبیری، ملت ما در مقابل امتحان‌های بزرگی قرار گرفته است. سقوط تولید ناخالص داخلی به نیم درصد در سال گذشته مانند از سر گذراندن یک حمله بزرگ از سوی دشمنان خارجی است. فشار این سقوط بر تولید گران است و فقر و بیکاری و بیچارگی سنگینی را به دنبال دارد، فشار به کارگران، معلمان، کارمندان و روستائیان بیشتر است.»

وی با اشاره به راه حل جنبش سبز در این زمینه گفت: «جنبش سبز می‌گوید راه حل برگشت به سوی مردم است. راه حل در جلب حمایت مردم است و اینکار جز از طریق به رسمیت شناختن حق مردم برای حاکمیت بر سرنوشت خود ممکن نیست. فصل سوم قانون اساسی را بدون کوچک‌ترین تغییری اجرا کنید. خواهید دید که دوباره دورنمای صبح امید پیدا خواهد شد.»

وی خطاب به مسئولان گفت: «شما نمی‌توانید مسائل داخلی و خارجی را با بستن روزنامه هاو پر کردن زندان‌ها مهار کنید. احترام به ملت و احترام به کرامت ذاتی انسان‌ها خشت اول همه اصلاحات است. اینکه عده‌ای با چوب و چماق در زندان و بیرون زندان بر سر مردم بزنند همان سیاست‌های قاجاری‌ها است.»

میرحسین موسوی گفت: «این روزها بحث تحریم علیه ملت ما شنیده شده است. ما گرچه وضعیت بوجود آمده را ناشی از سو تدبیر و ماجراجویی در سیاست خارجی کشور می‌دانیم ولی نمی‌توانیم با این تحریم که روی زندگی مردم اثر خواهد گذاشت موافق باشیم و در این صف کشی علیرغم آنکه وضعیت دشواری داریم، صف ما بدون کوچک‌ترین تنازلی در مطالباتمان، در کنار ملتمان است.»

موسوی ماه خرداد را ماه بیداری و مقاومت توصیف کرد و با یادآوری زنجیره سبزی که سال گذشته از میدان تجریش تا میدان راه آهن کشیده شده بود، گفت: «آن

زنجیره، زنجیره صلح و دوستی بود و کمترین بهره‌ای که ما از آن رویداد باید داشته باشیم این است که چهره دوزخی فشارها، محدودیت‌ها و سرکوب‌ها نباید آن سرمایه عظیم اجتماعی را مورد تهدید قرار دهد. جنبش سبز باید همواره به دنبال نهضتی اخلاقی، مردم دوست، صلح طلب و دوستدار همه ملت باشد.»

وی افزود: «جنبش سبز آحاد ملت و شهروندان را به خودی و غیر خودی تقسیم نمی‌کند و رشد فضیلت‌ها و تحقق مطالبات مبتنی بر عدالت و آزادی را یک وحدت فراگیر ملی می‌داند.»

موسوی به روزهای دوم خرداد، ۱۴ و ۱۵ خرداد و ۲۲ و ۲۵ و ۳۰ خرداد اشاره کرد و گفت ماه خرداد ماه حوادث بزرگ و سرنوشت ساز است و ماه آگاهی است و جا دارد که از مناسبت‌های این ماه برای گسترش آگاهی‌ها در مورد سرنوشت کشور و روندهای موجه و سیاسی بهره گرفته شود.

وی با اشاره به رواج خرافه پرستی در جامعه در سالهای اخیر افزود: در حال حاضر با نگاهی خرافی مواجه هستیم که برنامه ریزی را در کشور تعطیل کرده است. چشم انداز بیست ساله و برنامه‌های پنج ساله به بن بست رسیده‌اند و با تصور واهی که امروز و یا فردا فرجی رخ خواهد داد. ما همه دعای فرج می‌خوانیم ولی موظف هستیم برای آینده‌مان برنامه ریزی کنیم. در روایات ما تمام کسانی که برای روز فرج در انتظار هستند وقت تعیین می‌کنند مورد طعن و لعن و تکذیب قرار گرفته‌اند. نتیجه تصور آنکه آمریکا آمده است در عراق تا جلوی ظهور امام زمان (ع) را بگیرد در نهایت همین وادادگی و قراردادهای ترکمنچای است که باید از آن بترسیم.

نخست وزیر دوران دفاع در واکنش به سخنان اخیر دادستان تهران که نسبت به صدور بیانیه توسط وی موضع گیری کرده بود تاکید کرد: ما به جایی نمی‌رسیم مگر اینکه از ابتدا از حق دفاع کنیم حتی وقتی با

دشمنانمان مواجه می‌شویم. مثال شهادت حضرت امیرالمومنین مثلی است که همه می‌دانند. ایشان پس از ضربه خوردن نگران ابن ملجم بود که شیر به او می‌رسد یا نه، جایش در زندان مناسب است یا نه؟ و اینکه مبادا به او صدمه بزنند.

میرحسین موسوی ادامه داد: ما به این اسلام علاقه داریم. ملت ما هم این اسلام را می‌شناسد. آیا وضعیتی که در دادگاه‌های ماست چنین وضعیتی است؟ بدون شک نه. این دور شدن از اسلام است. ما اسلامی را نمی‌شناسیم که زندانیان را کتک بزند و برنامه اعتراف گیری داشته باشد.

موسوی در ادامه در پاسخ به این سؤال که شایعات برکناری سرتیم محافظان شما - حاج احمد یزدانفر - تا چه حد صحت دارد نیز گفت: اگر ماموریت کسی تمام می‌شود به او ابلاغ می‌کنند نه اینکه او را در وسط خیابان درحالی که به نماز می‌رفته بگیرند و با خود به پادگان ببرند. آقای یزدانفر از سال ۶۰ درتیم حفاظت

بوده‌اند. ایشان از برادرهای قدیمیه بسیار خوب سپاه بودند و به وظایف خودشان عمل می‌کردند. برادر دو شهید هم هستند و بسیار مومن و معتقد و فداکار در وظایف خود عمل می‌کردند.

وی ادامه داد: در طول این سی سال موقعیت‌هایی پیش آمد که ایشان می‌توانستند به موقعیت‌های بالای مالی و پستی دست پیدا کنند اما نرفتند و قبول نکردند. ایشان بر سر چیزی که به آن اعتقاد داشت می‌ایستاد. موسوی تاکید کرد: این‌ها با دستگیری آقای یزدانفر خودشان را در معرض آسب پذیری بزرگی قرار داده‌اند و من نمی‌دانم این پروژه به کجا ختم خواهد شد.

دیدار با جوانان حزب اعتماد ملی

خرافه گرایی امروز در خدمت

فساد سازمان یافته سیاسی و اقتصادی است.

۵ خرداد ۱۳۸۸

میر حسین موسوی در دیدار با جمعی از اعضای شورای مرکزی سازمان جوانان و دانشگاهیان حزب اعتماد ملی به اهمیت احزاب در این برهه زمانی تاکید کرد و همچنین نسبت به نفوذ خرافه گرایی در سطح مدیریت کلان کشور هشدار داد .

به گزارش خبرنگار کلمه، میر حسین موسوی در ابتدای این دیدار از نقش آقای کروبی در این حرکت ملی تشکر کرد و گفت: شجاعت و افشاگری ایشان سهم بالایی در

آگاهی مردم و جنبش دارد. امیدواریم که این نقش همچنان با قدرت ادامه داشته باشد. ایستادگی ایشان در تداوم نقش جنبش سبز اهمیت حیاتی دارد.

وی سپس به بررسی نقش احزاب بعد از انقلاب پرداخت و گفت: از اول انقلاب تفکری وجود داشت که با حزب و تشکل مخالف بود. تجربه نامناسب مردم درباره احزاب دوران بعد از مشروطیت این بدبینی را تشدید می‌کرد.

وی افزود: در کنار این نگاه بدبینانه اندیشه مثبتی هم بود که در راس آن شهید بهشتی قرار داشت. ایشان معتقد به فعالیت‌های حزبی و تشکیلاتی بودند و در این زمینه نیز بسیار تلاش کردند. از آن فعالیت‌ها نتایج درخشانی گرفته شد و یکی از ویژگی‌های ایشان مخالفتشان با تک صدایی و رژیم تک حزبی بود.

وی با ابراز تاسف از نگاه منفی به احزاب و تشکل‌ها و حتی تشکل‌های کوچک مردمی در سال‌های اخیر تاکید کرد: اقدام اخیر در مورد دو حزب اصلاح طلب کشور ریشه در همین اندیشه منفی در مورد احزاب دارد. البته

این روزها با سرکوبی که وجود دارد اهمیت احزاب و تشکل ها بیش از سابق احساس می شود.

موسوی گفت: ایستادگی بر حق تشکیل و حفظ احزاب در این روزها حیاتی تر از همیشه است. وقتی بحث اجرای بدون تنازل قانون اساسی می شود یکی از اصول صراحت در آزادی تشکل ها و احزاب است؛ چه این احزاب سیاسی باشند و چه صنفی.

مهندس موسوی در بخش دیگری از صحبت های خود گفت: تشکل های سیاسی باید از آزادی و حقوق همه دفاع کنند و در صورت امکان در هم ادغام شوند و تشکل های بزرگتری را ایجاد کنند.

موسوی در بخش دیگری از صحبت های خود به مسئله خرافات اشاره کرد و گفت: امروز خرافات در خدمت یک فساد سازمان یافته سیاسی و اقتصادی قرار گرفته است. حذف سازمان مدیریت و برنامه ریزی، حساسیت به کلید واژه توسعه، پشت سر انداختن برنامه های پنج

ساله توسعه، همه و همه نشان از رسوخ تفکر خرافی است.

وی تصریح کرد: شیعه واقعی همیشه و هر روز منتظر فرج و ظهور امام زمان (عج) است ولی در عین حال برای هزار سال بعد خود هم برنامه ریزی می‌کند ولی امروز اقتصاد صدقه‌ای و اقدامات باری به هر جهت اغتشاش عظیمی را در تنظیم رویه‌های عقلانی ایجاد کرده است.

به اعتقاد موسوی، حذف بخش عمده‌ای از مدیران باتجربه معتقد به برنامه ریزی و مدیریت علمی به خرافه گرایی افراطی مرتبط است.

وی با اشاره به سخنان چند وقت پیش رئیس دولت حاضر و ارتباط آن با خرافه گرایی گفت: بر اساس این نگاه، آمریکا نه برای نفت یا دلائل ژئوپلتیکی یا به دلائل استراتژیک به عراق آمده بلکه آمده است که جلوی ظهور امام زمان علیه السلام را بگیرد. حاکمیت با این طرز فکر در سیاست خارجی چه فاجعه‌ای می‌تواند

ایجاد کند. آیا توافقی‌های شبه ترکمنچای نمی‌تواند نتیجه اجتناب ناپذیر چنین طرز فکری باشد؟

میرحسین موسوی در انتها به نقش حضرت امام (ره) در انقلاب اسلامی و ریشه کن کردن یک رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی اشاره کرد و گفت: ایشان بیشترین حساسیت را به تسلط تحجر و خرافه داشتند و در دوره‌ای که فشار غیر عادی برای جلوی از شرکت زنان در انتخابات ایجاد شد، ایشان با صراحت و تندی برخورد کردند و گفتند مگر می‌توان نیمی از جمعیت کشور را از دخالت در سرنوشت خود محروم کرد.

دیدار با زندانیان سیاسی پیش از انقلاب

کشور با آزادی و عدالت اداره می شود، نه با زندان اوین

۸ خرداد ۱۳۸۸

«ما که نمی خواستیم فقط حکومت تشکیل بدهیم و به نام اسلام چهارچوبی تعریف کنیم ولی از محتوا خالی باشد و از آرمان ها و آرزوهایی که برآمده از مکتب و اعتقادات ما بود هیچ نشانی نداشته باشد. اگر قرار باشد که نظام باقی بماند ولی با پر کردن زندان ها یا با زدن و گرفتن دانشجویان و کارگران مسلمان، هنرمندان و سینماگران و روزنامه نگاران آیا می توان از چنین نظامی در جهان دفاع کرد؟»

به گزارش خبرنگار «کلمه»، این ها سخنان نخست وزیر دوران دفاع مقدس در میان جمعی از زندانیان سیاسی

قبل از انقلاب است. زندانیانی که به تعبیر موسوی در فضایی مجاهده کردند که دورنمایی از آینده وجود نداشت و آنچه بود تنها احساس وظیفه انسانی و خالص افراد بود. فضایی که در آن تمام تلاش ها توأم با آرزو برای ارزش ها و حاکمیت اسلام و یا ویژگی های یک جامعه سالم صورت می گرفت. موسوی در این دیدار گفت: ابتدای انقلاب نیز با همین فضا شروع شد.

او منکر اشکالات آن دوران نیست چه اینکه «هیچ نظامی بدون اشکال نیست» اما وی معتقد است: اگر چار چوب های کلی حفظ می شد ایران ما به سمت خوبی حرکت می کرد.

نخست وزیر امام (ره) با اشاره به نزدیکی ایام رحلت امام خمینی تشییع جنازه بی نظیر و تاریخی ایشان که میلیون ها نفر در آن حضور داشتند را نشانی از پشتیبانی یک ملت از انقلاب و آنچه که در ۱۰ سال اول انقلاب افتاد دانست و گفت: بدون اینکه بخواهیم برخی

اشکالات را نادیده بگیریم اما این موضوع نشانی از تحقق بسیاری از ارزش‌ها بود.

مدیر اجرایی کشور در دوران ۸ سال دفاع مقدس گفت: همیشه نظام‌های مختلف یکسری شاخص‌ها را برای بیان موفقیت خود ارائه می‌دهند. مثل تولید ناخالص ملی، تولید ثروت و یا در ابعاد غیر مادی مانند تحصیلات، شاخص کرامت انسانی و... که کم و زیاد آن معنا دار است و در جای خود قابل بحث. ابتدای جنگ خیل عظیم انسان‌های نورانی و ایثارگر که انقلاب برای ما به ارمغان آورده بود شاخص و نشانه‌ای بر حقانیت نظام ما بود. جبهه‌ها را همیشه نشان حقانیت راه خود می‌دانستیم و نیز علامتی از اینکه نظام در راستای آرمان‌هایش موفق بوده است. اما متأسفانه کم‌کم انحراف پیدا شد و در این سال‌های اخیر نیز مشکلات بسیار اساسی پیدا کرده‌ایم به گونه‌ای که امروز نمی‌توانیم جواب نسل جوان را بدهیم و حتی هنگامی که برایشان توضیح دهیم که اول انقلاب چه اهدافی مطرح بود و بعد از انقلاب چه

تغییراتی در کشور رخ داد باز هم نمی‌توانیم قانع‌شان کنیم. دلیل آن هم چیزی نیست جز بیراهه رفتن ما. موسوی در تشریح فضای قبل از انقلاب در مقایسه با بعد از آن با ذکر مثالی گفت: پیش از انقلاب آزادی نبود. عناوین کتاب‌های چاپی و کتاب‌های اساسی بسیار کم بود و به صورت زیرزمینی دست به دست می‌چرخید. اما پس از انقلاب نمایشگاه کتاب برپا شد تا نشان داده شود این نظام، معتقد به برخورداندیشه هاست و به واقع یک انقلاب فرهنگی شکل گرفته است. اما در همین یک مورد آنچه می‌خواستیم را مقایسه کنید با اتفاقات حیرت آور نمایشگاه کتاب امسال که حتی برخی از رساله‌ها و کتاب‌های مراجع را جمع کردند. غرفه کتابهای شهید بهشتی که خود از پایه گزاران نظام هست را حذف کردند و محدودیت مثل همیشه دامن ادبیات و کتاب‌های علوم انسانی را گرفت و این‌ها تنها علامت‌هایی کوچک در دوری از آرمانهای انقلاب است.

موسوی باهشدار نسبت به تداوم این روند خاطرنشان کرد: نظام در حال حرکت به سمت تک صدایی است به طوری که هیچ اندیشه دیگری را تحمل نمی‌کند. تک صدایی خود منجر به استبداد و دیکتاتوری می‌شود و هیچ کس نیست که نداند اضافه بر استبداد و دیکتاتوری تک صدایی مهم‌ترین عامل بازدارنده توسعه است.

میرحسین موسوی تاکید کرد: آنچه اکنون می‌بینیم سیاست‌هایی است که شفافیت و گردش آزاد اطلاعات را هدف گرفته است و تعجب آور نیست که در کشور ما مساله فساد و دروغ و خود رایی در حال گسترش است، چرا که اگر اندیشه آزاد نباشد در فضای تک صدایی این مسایل طبیعی است.

مهندس موسوی در بخش دیگری از سخنان خود به بیان نسبت جنبش سبز و آرمانهای انقلاب پرداخت و گفت: جنبش سبز برای آزادی و عدالت است. عدالت برای مردمی که انقلاب کردند و کشور با همه تنوع

قومیت‌ها، فرهنگ ها و زبان‌های مختلف مال آنهاست و عدالت در وجوه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جزئی از حقوق آنهاست. و نیز آزادی که از آرمانهای ما بود و اگر نباشد حقوق مردم پایمال می‌شود. زمانی آرزوی ما بود که زندان‌ها خالی باشد و جشن بستن زندان اوین را بگیریم، اما حالا آنجا ساختمان سازی می‌کنیم که حجره‌های بیشتری داشته باشیم برای حبس بیشتر و هم این نشانی دیگر از انحراف و کج روی ماست که به نتیجه هم نخواهد رسید.

موسوی خاطرنشان کرد: ما که نمی‌خواستیم فقط حکومت تشکیل بدهیم و به نام اسلام چارچوبی تعریف کنیم ولی از محتوا خالی باشد و از آرمان‌ها و آرزوهایی که برآمده از مکتب و اعتقادات ما بود هیچ نشانی نداشته باشد. اگر قرار باشد که نظام باقی بماند ولی با پر کردن زندان‌ها یا با زدن و گرفتن دانشجویان و کارگران مسلمان، هنرمندان و سینماگران و روزنامه نگارن آیا می‌توان از چنین نظامی در جهان دفاع کرد؟

وی طلب آزادی و عدالت را در چنین فضایی یک مطالبه جدی عنوان کرد و گفت: جنبش سبز یک جریان ادامه دار است که نه با بستن و گرفتن و تهدید و زندانی کردن و نه با کشتن متوقف نخواهد شد چرا که مطالبات برآمده از نیازهای واقعی و انسانی ملت ما را دارد. این جنبش یک جنبش چهار فصل است. تجدید حیات می‌کند، در شکل‌های مختلف ظاهر می‌شود. اینطور نیست که برای یک مقطع کوچک باشد و یا ارتباطی به شخص خاص داشته باشد بلکه برآمده از نیازهای ملت ما و در موازات مبارزات طولانی ملت برای نیل به آزادی و عدالت است.

موسوی شعارها و اهداف جنبش سبز را ساده و روشن دانست و گفت: زمانی که می‌گوییم قانون اساسی مسئله روشن است، وقتی می‌گوییم دروغ و فساد نباشد و عدالت باشد مسئله روشن است. به طور قطع گسترش آگاهی بزرگ‌ترین ابزار جنبش است. ما با کسی نمی‌خواهیم دعوا کنیم. تنها از حقوق خود دفاع

می‌کنیم و ابرارمان همان آگاهی‌رسانی به مردم است و جلوی کسی را هم سد نمی‌کنیم. آن‌ها می‌توانند تبلیغ کنند که ما درست نمی‌گوییم. ما انتظار نداریم که آن‌ها جوانمردانه عمل کنند، از صدا و سیماشان گرفته تا باقی رسانه‌هایشان.

موسوی با یادآوری شعار «دروغ ممنوع» در شب انتخابات گفت: در هنگامه انتخابات یکی از مهم‌ترین و با نفوذترین پوسترهایی که چاپ شد، پوس‌تر «دروغ ممنوع» بود. بنده اولین بار آن را در تهران دیدم و به فاصله ۲۴ ساعت در یک منطقه دوردست کشور مشاهده کردم چرا که شعار ملموس و مطالبه جدی همه مردم بود.

میرحسین موسوی این بار هم از آگاهی و ضرورت آگاهی بخشی گفت و تاکید کرد: اینکه آن‌ها طاقت ندارند یک وبلاگ معمولی را آزاد ببینند و امروز هیچ رسانه‌ای حتی در سطح مجازی نیست که در اختیار ما باشد و از فیلترینگ در امان مانده باشد همه نشانگر این

است که پاشنه آشیل یا چشم اسفندیار آن‌ها مسئله آگاهی است. بنابراین هرکس در هر جا احساس مسئولیت می‌کند باید در حد خود در گسترش آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی تلاش کند حتی با گفتن یک نکته در جمع کوچک.

کانون‌های گسترش آگاهی‌ها کجاست؟

میرحسین موسوی کانون‌های گسترش آگاهی را برشمرد: از محیط خانواده گرفته تا جمع دوستان و اقوام، و در میان اقشار و استان‌های مختلف آگاهی را گسترش دهیم. جنبش سبز هدف پیچیده‌ای ندارد؛ ما فساد و دروغ را نمی‌خواهیم، می‌خواهیم مردم احترام داشته باشند، قوه قضاییه درستی داشته باشیم که ظلم نکند. اینگونه نباشد که از کسی اعتراف بگیرند و بر اساس آن وی را اعدام کنند یا او را بزنند و یا زندانی را آزاد کنند و بعد از دو سه هفته با او تماس بگیرند و بگویند مصاحبه کن یا به زندان برگرد! کافیت همین مسائل را برای مردم شرح دهیم.

چقدر با واقعیت بیگانه اند؟

موسوی دغدغه‌های خود درباره بی‌تدبیری در امور را اینگونه بیان کرد: همیشه می‌گویم کسانی که این زندان‌های وسیع را ایجاد کرده‌اند چقدر با واقعیت بیگانه‌اند. ما چقدر فرصت داشتیم در ماه رمضان و عیدهای مذهبی و ملی اعلام کنیم که جدای از گذشته‌ها آزادانه به اصول بازگردیم. این خود به خود مردم را خوشبین می‌کرد. اکنون نیز اگر بگویند انتخابات آزاد و رقابتی برگزار خواهیم کرد و تقلبی در کار نخواهد بود خواهید دید که مردم قطعاً نفس راحتی می‌کشند.

وی تصریح کرد: نظامی که نتواند با حمله به خوابگاه دانشجویی به عنوان یک مورد برخورد شجاعانه کند و برای مردم شرح دهد که واقعا در این بین چه اتفاقی افتاده است و با آنهایی که تقلب کرده‌اند نتواند برخورد کند نظامی ضعیف است. قدرت نظام در این است که این مسائل را شرح دهد یا در مورد کهریزک که می‌گویند ۳

نفر را محکوم کرده‌اند. کهریزک یک مسئله ملی است و به همین دلیل باید تمام بحث‌هایی که در خصوص کهریزک می‌شود جلوی چشم مردم گفته شود تا تکرار نشود و بعدا مردم هم قانع شوند که عدالت اجرا شده است. همین نتیجه مبهمی که اعلام کردند و ۳ نفر را به قصاص محکوم کردند بگویند این سه نفر چه کسانی هستند و چه ارتباطی با افرادی دارند که اسامیشان در مجلس برده شد، مجلسی که تازه ما می‌دانیم چقدر گزارش‌هایش محدود است.

موسوی گفت: همه آرزو می‌کنیم این کج راهه تبدیل به راه مستقیم شود. توسط هر شخصی که باشد در هر موقعی که باشد مردم راضی خواهند بود. مردم مبارزه کرده‌اند. خون دل خورده‌اند تا به عدالت و آزادی برسند تا استبداد و خودرایی نباشد. تا مناصب و منزلت‌ها در حال گردش باشد تا هرکس در هر جا وظایفی دارد در مقابل مردم پاسخگو باشد.

میر حسین موسوی خطاب به زندانیان پیش از انقلاب افزود: این بگیر و ببندها مسئله را حل نمی کند مگر با به زندان انداختند شما رژیم سقوط نکرد؟ رژیم سقوط کرد و من اثرات این دستگیری ها را به خاطر دارم ولی پرسش این است که آیا این دستگیری ها توانست رژیم شاهنشاهی را حفظ کند؟ وضعیت رسانه ای و گردش آزاد اخبار و اطلاعات در جهان، نسبت به دوره ای که شما در زندان بوده اید بسیار متفاوت است. اول صبح با رجوع به چند سایت می توان تمامی اخبار را دریافت کرد. قبلا اطلاعیه ها با چه دردسری این دست و آن دست می شد و بعضا چه خساراتی هم داشت و تنها به دست عده معدودی می رسید. ماهواره ها و فضای بین المللی و ارتباطات هم به همین ترتیب موثراند.

به گفته نخست وزیر زمان دفاع مقدس، در چنین فضایی رفتن به سمت الگوها و چهارچوب هایی که عقلا عدم کارآمدی آنها روشن بوده جای تعجب و تأسف دارد.

موسوی تصریح کرد: برخی گمان می‌کنند با ایجاد فضای رعب و وحشت می‌توان امور را اداره کرد در حالی که کشور با آزادی و عدالت اداره می‌شود نه با زندان اوین.

دیدار با جوانان اصلاح طلب

برخی، مردم را فقط برای تشریفات و مراسم می خواهند.

۱۰ خرداد ۱۳۸۸

مهندس میر حسین موسوی و دکتر زهرا رهنورد با
جمعی از جوانان اصلاح طلب دیدار کردند.

به گزارش خبرنگار کلمه، میر حسین موسوی در ابتدا
ضمن تشکر از حضار گفت: شرایط امروز جامعه ویژه
است و در این شرایط برای شما جوانان رجوع به افکار
مختلف نشان دهنده حق طلبی شماست.

وی با اشاره به سخن چند روز پیش یکی از مسوولان
وزارت کشور که اعلام کرده بود احزاب محترم هستند
اما در کارهای کشور نباید دخالت کنند تصریح کرد:
همین جمله را اگر بشکافیم به ریشه بسیاری از
مشکلات جامعه پی خواهیم برد.

وی افزود: نوعی نگاه در جامعه وجود دارد که از پیشنهادها ناراحت می‌شود. از تنوع آرا و دخالت مردم در سرنوشت خود ناراحت می‌شود و مردم را تنها برای تشریفات و جشن‌ها مراسم می‌خواهد.

به گفته موسوی طبق آنچه که احزاب اصلاح طلب و جنبش سبز به آن پایبند هستند این نگاه را بر نمی‌تابند. معتقدیم که حاکمان واقعی، مردم هستند و بی‌دلیل گفته نشده است مردم ولی نعمت ما هستند.

وی تصریح کرد: ملت هوشیار و بیدار است. ایران مرکز تمدن جهانی بوده است. نمی‌شود با این ملت مثل بچه‌ها رفتار کرد. حتی یک مهمانی را هم تحمل نمی‌کنند و دیدید که بعد از عروسی پسر آقای میردامادی چه رفتاری کردند؟

وی به اهمیت ایجاد تشکلهای احزاب اشاره کرد و گفت: از ابتدای مشروطه تا کنون نیروهای مذهبی در قالب تشکلهای مذهبی در مقابل سایر گروههای سیاسی احساس مسئولیت می‌کردند. من خواندم که

مرحوم مدرس هم به دنبال تشکیل حزب ضعفا بود و دلیلش هم این بود که سوسیالیست ها به دنبال تشکیل حزب بودند و گروه های مذهبی هم احساس مسئولیت می کردند. این احساس مسئولیت تا انقلاب و بعد از آن با تشکیل حزب مشارکت و مجاهدین انقلاب و ... ادامه پیدا کرد.

وی معتقد است هم اکنون نیز گروه های اصلاح طلب مذهبی در بین مردم و جامعه ریشه دارند و بخشی از حاکمیت از همین مسئله می ترسد. حقیقت این است که در شرایط موجود که فضا دگرگون شده و یک فراز جدیدی از تاریخ را تجربه می کنیم.

وی از گروه های مذهبی خواست تا به یک نکته مهم بپردازند و آن اینکه چرا آن نقش راهگشای دین در اول انقلاب امروز در حل امور کمرنگ شده است؟

وی ادامه داد: ما شنیده ایم که می گویند حکومت با کفر دوام می آورد ولی با ظلم نه. در این میان به آیه ای از

قرآن برخوردارم که خداوند در سوره انعام آیه ۸۲ می‌فرماید:

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُونَ ((آری) آن‌ها که ایمان آوردند، وایمان خود را با ظلم نیالودند، ایمنی تنها از آن آنهاست و آن‌ها هدایت یافتگانند)

موسوی بعد از قرائت این آیه تصریح کرد: حقیقت این است که امروز ادعای اسلامی بودن و مسلمانی با ظلم فراوان آمیخته شده است. آن ایمانی که قدرت اداره کشور را دارد نمی‌تواند با ظلم همخوان باشد.

وی به خاطره‌ای از دوران نخست وزیری خود اشاره کرد و گفت: روزی آقای منافی که وزیر بهداشت بودند نقل می‌کردند که دیداری با امام داشتند و بعد از دیدار امام (ره) برای نماز ایستادند. همه عجله کردند که فیض جماعت برسند. من یک برگ از درخت کندم و روی آن نماز خواندم. حضرت امام بعد از نماز به من گفتند چرا آن برگ را کنیدی؟ می‌توانستی از برگ‌هایی که پای

درخت ریخته استفاده کنی. این طرز نگاه نشان می‌دهد که سنت الهی ما اجازه رفتار خشن را حتی با یک موجود زنده نمی‌دهد.

موسوی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: ما باید دقت کنیم که جنبش سبز بسیار فراتر و گسترده‌تر از تشکلهای صاحب نام است و تاکید برای تحقق بدون تنازل قانون اساسی و اجماع بر سر آن جنبه حیاتی برای اصلاح دارد.

همچنین در این دیدار دکتر رهنورد نیز سخنان کوتاهی ایراد کرد و همچنین جوانان اصلاح طلب نقطه نظرات خود را مطرح کردند و به بحث و گفتگو پیرامون مسائل مختلف پرداختند.

محکوم کردن جنایات رژیم صهیونیستی

بسم الله الرحمن الرحيم

بار دیگر رژیم اشغالگر قدس در تجاوزی تازه کاروان شناورهای غیر نظامی حامل مواد امدادی برای مردم مسلمان غزه را هدف قرار داد تا خوی خشونت جوی خود را به نمایش گذارد. این حمله که منجر به کشته و زخمی شدن جمع کثیری شد، نقض فاحش مقررات بین المللی و حقوق اولیه انسانی است.

اینجانب همراه با جنبش حق جوی سبز در سراسر جهان همصدا با همه آزادی خواهان، این جنایت بین المللی را محکوم و ضمن اعلام همدردی با مردم مظلوم فلسطین و تسلیت به مردم ترکیه به خاطر از دست دادن عده‌ای از هموطنانشان از جامعه بین المللی

خواستار برخورد جدی با عاملین این عمل غیر انسانی و متجاوزین به کرامت انسانی می باشم ▪

میرحسین موسوی

۱۱ خرداد ۱۳۸۸

*این پیام به دنبال جنایت ضد بشری رژیم اشغالگر قدس درحمله به
کشتی های امدادی حامل مواد غذایی به غزه صادر شد.

دربارهٔ امام خمینی (ره)

۱۱ خرداد ۱۳۸۹

* در آستانه سالگرد رحلت امام خمینی هستیم. امسال این بزرگداشت در شرایط ویژه‌ای انجام می‌شود. از یک سو مخالفان قدیمی امام و انقلاب در خارج و داخل با پشتیبانی برخی از رسانه‌های خارجی سعی می‌کنند که دوران ایشان را با وضعیت تاریک امروز مقایسه کنند و از طرف دیگر صدا و سیما و بعضی از رسانه‌های طرفدار بگیر و ببند و سرکوب تلاش می‌کنند تصویری از شخصیت ایشان ارائه دهند که گویی ایشان اگر بودند طرفدار پروپاقرص خرافه و ظلم امروز باشند. به نظر

شما، چرا این گونه اقدامات صورت می گیرد و نتیجه این فرایند چه می تواند باشد؟

- تصویری که از تقاطع تلاش مخالفان حضرت امام و رسانه های رسمی کشور به دست می آید اگر ادامه یابد و جواب داده نشود، جز انزجار تدریجی از هر آنچه گذشته است، نخواهد بود. این تصویر با دستکاری مکرر و دائمی از نسخه اصلی امام و انقلاب داده می شود و از نظر کسانی که مستقیماً آن دوره را تجربه کرده اند، شباهتی با چهره و منش و سالهای امام ندارد. انقلاب با شعار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی پیروز شد و مورد حمایت قاطع ملت قرار داشت. استقبال از حضرت امام در سال ۵۷ بی نظیر بود و در تشییع جنازه ایشان هم بیش از چهار برابر استقبال کنندگان شرکت کردند. گمان نمی کنم آن همه جمعیت برای تماشا و یا گذراندن تعطیلی آمده بودند. فیلم های آن روزها نشان می دهد که احساسات مردم نسبت به ایشان چه بود. در نظر داشته باشیم که بروز آن همه عاطفه و احساس بعد از

گذراندن روزهای سخت انقلاب و دفاع مقدس بود. واقعیت امام اگر مختصر شباهتی با آنچه صدا و سیما و بعضی از جراید هتاک نشان می‌دهند، داشت، ما قاعدتا بجای سر و سینه زنی با خوشحالی و یا حداقل بی‌اعتنایی مردم روبرو می‌بودیم. به نظر من لازم است در مورد این تحریف دو طرفه از سوی حاکمان که اکنون به زندانبانان و سلب‌کنندگان آزادی تبدیل شده‌اند و مخالفان بی‌نقاب امام روشنگری شود.

*برنامه گسترده و مهندسی شده، همراه با هزینه‌های شگفت‌آور برای مراسم سالروز رحلت امام خمینی تدارک دیده شده است. به نظر شما چرا چنین کاری صورت می‌گیرد؟

- شما توجه داشته باشید که نظام هنوز بخش اعظم مشروعیت خود را از شخصیت امام و خاطره جمعی مردم از ایشان می‌گیرد. در شرایط موجود بخشی از حاکمیت که رو به خشونت و سرکوب و سلب آزادی‌های مشروع آورده و زندان‌ها را پر کرده و با پوشش خرافه و

تجربہ کشور را به افلاس و درماندگی در سطح داخل و خارج کشانده، احتیاج دارد از این سرمایہ عظیم اجتماعی به صورت مسرفانہ ای استفادہ کند. در مقابل وقتی شما واقعیت های آن دورہ را در معرض دید مردم قرار می دهید و روی تفاوت های آن با وضعیت فعلی انگشت می گذارید، بلافاصلہ گرایش مستبدانہ و فاسد امروزی در مقابل سوالات ویران کننده ای قرار می گیرد. نگرش درست به سال های اول انقلاب بخوبی نشان می دهد کہ تا چہ اندازہ از اهداف اولیه انقلاب و ارزش های پایہ ای آن فاصلہ گرفته ایم. توجہ کنید کہ منظور از نگرستن به آن دورہ بازگشت به آن دورہ نیست. بلکه هدف یادآوری ریشه ها و یادآوری جہت های اصلی انقلاب یعنی عدالت، آزادی و معنویت است .

ما می خواهیم از سکویی کہ انقلاب اسلامی ساخته برای پرواز به آیندہ استفادہ کنیم. نمی خواهیم به صورت احساسی یک فضای آشفته درست کنیم و جہت

گیری‌هایمان از دست برود. به طور مداوم باید به نسل سرافراز جوانان امروز یاد آوری کنیم که وضعیت فعلی هیچ شباهتی با دوران حضرت امام ندارد. من یقین دارم که همین جوانان اگر به صورت خیالی در ظرف دیروز قرار بگیرند همه در کنار باکری‌ها، همت‌ها و باقری‌ها قرار خواهند گرفت. همچنانکه اگر جوانان آن دوره در ظرف زمانی امروز قرار می‌گرفتند، باقری‌ها و باکری‌ها و همت‌ها از سرداران جنبش سبز امید می‌بودند و در زندان‌ها جوابگوی گرایش‌های دینی و ملی خود می‌شدند.

* شما از ضرورت یاد آوری جهت‌های اصلی انقلاب سخن گفتید اما در فضای پراز گرد و غبار و تبلیغاتی امروز چگونه می‌توان از امام و دهه اول انقلاب صحبت کرد؟

- در مورد انقلاب تا کنون تعداد بی‌شماری کتاب و مقاله نوشته شده و هنوز هم این نوشته‌ها و تحلیل‌ها ادامه دارد. دلیلش هم روشن است. تاثیرگذاری این انقلاب در

سرنوشت جهانی و منطقه‌ای. بعد از انقلاب اسلامی نه تنها ایران شباهتی به سال‌های قبل از انقلاب ندارد، بلکه منطقه و جهان هم تحت تاثیر این دگرگونی قرار گرفته‌اند. اما آنچه امروز در سطح تبلیغات و زد و خوردهای روزمره رسانه‌ای مورد نیاز است، ارائه تصویر روشن و محسوس از آن دوره و حضرت امام است. همانطور که اشاره کردم سعی می‌شود بین وضع فعلی و وضعیت گذشته شبیه سازی ناشیانه‌ای شود. باید این طرح را خنثی کرد. به عنوان مثال در مورد نظرات امام در باره مجلس می‌توان بحث‌های نظری کرد و نظرات ایشان را در مورد دو گانه شرع و عرف و اینکه «تشخیص موضوع در عرف و شرع به عهده عرف است و مجلس نماینده عرف و نمایندگان خود از عرف بر می‌آیند»، باز کرد و با این دید مجلس در راس امور قرار می‌گیرد.

ولی مهم‌تر و تاثیرگذارتر نقل خاطراتی است که شیوه‌های عمل سیاسی را در اوایل انقلاب نشان

می‌دهد. به طور مثال اخیراً بنده با جناب آقای کربوبی در مورد شیوه انتخابات در دوران حضرت امام صحبت می‌کردیم، ایشان خاطره‌ای را نقل کرد که خیلی خوب و روشن به شناخت حضرت امام و ارزش‌های حاکم در جامعه آن دوره کمک می‌کند. ایشان به یاد می‌آوردند که در انتخابات دوره سوم مجلس دو نفر کاندیدا بودند. یکی یک معلم زحمتکش و روشنفکر و فقیر و دیگری یکی از منسوبین نسبتاً نزدیک خانواده امام .

یکی از نزدیکان امام از فرد دوم حمایت می‌کردند. اما مردم در آن انتخابات به آن معلم رای دادند. در اینجا آن فرد که از نزدیکان امام بود، برای امام نامه‌ای نوشت که مضمون آن تشکیک در سلامت انتخابات خمین بود. حضرت امام با خنده پاسخ داده بودند که «چه علامتی بالاتر برای صحت انتخابات از اینکه یک نفر از فامیل من و شما با حمایت شما نامزد می‌شود ولی مردم یک معلم ساده را که چنین پشتیبانانی ندارد، انتخاب می‌کنند .

آیا این از زیبایی های انتخابات نیست که باید شکر گزار آن باشیم.» حالا شما این تصویر را کنار ابطال ۷۰۰ صندوق انتخابات مجلس ششم در تهران قرار دهید که فرد روشنفکر و بی پناهی را حذف کردند و یک فرد مورد علاقه شورای نگهبان با ارتباطات نسبی و سببی را وارد مجلس کردند. یا طرح نظارت استصوابی که در زمان امام وجود نداشت. طرحی که وسیله ای شد که انتخابات در حقیقت دو مرحله ای شد. شما دقت کنید که با اسلحه همین اصطلاح که نه ریشه در قانون اساسی دارد و نه در معرفت و آگاهی های مردم، چه تعداد عظیمی از خدمتگزاران آگاه و مدیر دلسوز را از ورود به صحنه رقابت کنار زدند. کاری که نتیجه اش همین پائین آمدنشان و جایگاه مجلس است .

من به همه آن نمایندگان اصولگرایی که به خدا و پیامبرش ایمان دارند و هنوز ایمان خود را با ظلم آغشته نکرده اند عرض می کنم که وقتی با خود خلوت می کنید آیا از این همه تحقیر مجلس احساس نگرانی و

پوچی نمی کنید؟ آیا مفهوم جمله «مجلس در راس امور است» همین وضعی است که در آن بسر می برید؟ شما هنوز نتوانسته اید جزء کوچکی از تخلفات مالی دولت را رسیدگی کنید و جواب درست بگیرید چه پاسخی در برابر خداوند و بندگان خدا که شما وکیل آنان هستید دارید؟ آیا وضعیت مجلس فعلی شباهتی با مجلس زمان حضرت امام دارد؟

یکی از مواردی که در شرایط کنونی به خوبی می تواند امام را معرفی کند و در کنار تفاوت با شرایط حاکم در دوران امروز را نشان می دهد، تشریح اتفاقاتی بود که منجر به فرمان هشت ماده ای حضرت امام شد. خود این فرمان بدون هیچ تغییری می تواند فضاقت وضع موجود و بگیر و ببندها و مظالم حاکم بر مردم را نشان دهد. جوانان باید این سند را ببینند و بدانند که ما به کجا می رفتیم و اینک به کجا می رویم. عده ای در این کشور به خاطر دنیا و ریاست خود مشغول تخریب همه چیز از جمله تخریب و تحریف چهره امام و دوران ۱۰ ساله اول

انقلاب هستند. کلید این پروژه در طول انتخابات ریاست جمهوری دهم زده شد و همانطور که گفتم معرفی درست امام و معرفی منصفانه انقلاب اثرات افشاگرانه و ویران کننده بر سیاست‌های سرکوب و خرافه گراییانه امروز دارد .

* شما را نخست وزیر امام می‌دانند. همواره نیز در سخنان و بیانیه‌ها و مصاحبه‌هایتان از دوران نورانی دهه اول انقلاب و راه امام سخن می‌گویید. اما آیا در کل و در فضای سیاسی ایران در مورد ابعاد شخصیتی امام بزرگنمایی نشده است؟

- مرحوم شریعتی می‌گفتند « قله دماند در بلندی، نیازی به اثبات ندارد.» شخصیت امام هم بزرگ بود و تحول غیر قابل بازگشتی در تاریخ کشور ایجاد کرد و بساط سلطنت را در این مملکت برچید. نظامی که افتخارش به پابوسی رعیت‌ها از سلاطین بود. ممکن است برخی عکس‌های شاه، نسل جوان را به بیراهه برد. اما خوب است که گفته شود یکی از پوسترهایی

که در روزنامه‌های آن زمان هر از گاهی منتشر می‌شد، کشاورز فقیر و بیچاره‌ای را نشان می‌داد که کفش‌های شاه را می‌بوسید .

ولی در جواب شما باید بگویم امام بزرگ بود. اما در عین حال خود را بزرگ نمی‌دید. از تعریف و تمجید و مدح بیزار بود. یکبار ایشان صدا و سیما را از پخش فیلم‌ها و عکس‌هایش منع کرد. گفت: «از اینکه هر موقع تلویزیون را باز می‌کنم و خودم را می‌بینم، عقم می‌گیرد.» همین منع را هم برای مدتی برای روزنامه‌ها داشتند. افرادی که زمان ایشان را درک کرده‌اند یادشان است که وقتی نماینده اول تهران و در حقیقت کشور، در حسینیه جماران تعریف ایشان را کرد، چگونه با پرخاش سخنان وی را قطع کردند. در حالی که آن نماینده قصد به دست آوردن چیزی را نداشت. همین وضعیت هم برای رئیس مجلس خبرگان رهبری وقت که یک مجتهد و از شاگردان خود ایشان بود، پیش آمد. وقتی آن مجتهد محترم از ایشان تعریف و تمجید

کردند، در میان مردم آن سخنان را رد کردند. اگر ایشان را نماد یک نظام جدید رهایی بخش، مترقی و آزادی خواه و عدالت طلب تلقی کنیم، امری غیر طبیعی نیست. بدون ایشان و ارتباطی که با مردم داشتند، ملت ما امکان هشت سال ایستادگی در دفاع مقدس را نداشت. ملت ما بدون این ارتباط و اعتقاد نمی توانست انواع توطئه ها، کودتای نوژه، تظاهرات مسلحانه منافقین که باعث کشته شدن هزاران نفر افراد بیگناه در سال ۶۰ شد، انفجار حزب جمهوری و شهادت شهید بهشتی و یارانش، انفجار نخست وزیری و ترور شخصیت هایی چون شهیدان مدنی، دستغیب و صدوقی که همه از پیشگامان روحانیت بودند، پشت سر بگذارد.

*به هر حال در بخشی از بدنه جنبش سبز این پرسش وجود دارد که شما به کرات از امام نام می برید و یا از عکس ایشان استفاده می کنید. چرا؟

- البته بنده به ضرورت معرفی امام به نسل جوان اشاره کردم. ولی گذشته از آن نکته ای را عرض می کنم که

یقین دارم همه علاقه مندان جنبش سبز در مورد آن اتفاق نظر دارند و آن صداقت است. من نمی‌توانم دلبستگی به امام و انقلاب داشته باشم (ممکن است یک عده در این میان بگویند این یک نوستالژی است) و بر خلاف آن تظاهر کنم. بنده در همان ابتدای شکل‌گیری راه سبز امید به صراحت خود را یک همراه جنبش معرفی کردم. برای آنکه به صراحت اعتقادات خود را بیان کنم همانطور که جزو ویژگی‌های این جنبش بیان صریح و صادقانه اندیشه‌ها است، ما از تعامل اندیشه‌ها ضرر نمی‌کنیم. ولی از پنهان کردن هویت خود در میان جمعی که خواستار صداقت است، قطعاً ضرر می‌کنیم. یادمان باشد که شاید بهترین پوس‌تر جنبش سبز «دروغ ممنوع است» بود. این چه انتظاری است که بنده یک تجربه ۱۰ ساله و پر از رویدادهای گوناگون را نادیده بگیرم. نه من بلکه تعداد کثیری از ملت ما هزاران خاطره از ایشان دارند و تاثیر گرفته از دوران امام هستند و حاضر نیستند در مقابل تحریف‌ها و

بی انصافی ها رضایت بدهند. آیا صرف نظر کردن از این سرمایه عظیم اجتماعی درست است؟ آیا این همان چیزی نیست که زندانبانان از ما می خواهند .

* شما به عنوان یک همراه جنبش سبز از علاقه و دلبستگی به امام و انقلاب در کنار تجربه کردن دوران امام و ضرورت حراست از این سرمایه معنوی سخن گفتید. آیا این ها باعث نشده اند که به این دوران نقدی نداشته باشید یا به عبارت بهتر آیا معتقد نیستید که به این دوران هم نقد وارد است؟

- من این گونه سوالات را به ویژه بعد از صحبت دادستان تهران زیاد شنیده ام و اخیرا هم نامه ای خطاب به بنده در سایت ها منتشر شده که همین مضمون را دارد. یکی از اجزاء اعتقادات همه ما این است که تعداد معصومین ۱۴ نفر است و بقیه بندگان خدا جایز الخطا هستند و همیشه در معرض لغزش. مگر آنکه خدا آن ها را حفظ کند. در مورد دوران مورد بحث هم همینطور است. ولی چه ضرورتی دارد که وقتی دو تیغه قیچی،

یعنی متحجران داخلی و دشمنان بی نقاب خارجی آن دوران و تصویر حضرت امام را هدف قرار داده‌اند، من هم زبان به نقد بگشایم. مسلماً به دلیل فضای زهرآگین موجود، کلام گفته نشده از دهان ربوده خواهد شد و درست شبیه چارچوب توطئه‌ای که به عنوان پاره کردن تصویر حضرت امام پیاده شد، مورد سوء استفاده داخلی و خارجی قرار خواهد گرفت. امروز دشمنان جنبش سبز دنبال طعمه و بهانه هستند تا پیوندی که همه ما را به هم وصل می‌کند از بین ببرند. در کشور ما میلیون‌ها نفر به امام علاقه دارند که من هم یکی از آن‌ها هستم. به رسمیت شناخته شدن این علاقه و معنای رهایی بخش آن در شرایط کنونی سرمایه بزرگی است که ما حق نداریم در این زمینه اشتباه کنیم. باز هم تکرار می‌کنم که نباید انتظار دروغ از یک همراه داشت، هر چند آن همراه بسیار کوچک باشد.

پیام میرحسین موسوی دربارهٔ رخدادهای چهارده خرداد
 هتاکای عده ای در مقابل تربیون سخنرانی
 نمی توانست بدون مهندسی قلبی صورت بگیرد

۱۵ خرداد ۱۳۸۹

بسمه تعالی

چند سال پیش مرحوم حضرت آیت الله توسلی یار
 نزدیک امام راحل جان خود را برسر مقابله با طرحی
 گذاشت که هدف آن حذف جناب حجت الاسلام
 والمسلمین سیدحسن خمینی از صحنه سیاسی و امام
 زدایی در سطح ملی بود. وفات تاثیربرانگیز و تکان
 دهنده ایشان گرچه مکثی در این طرح ایجاد کرد ولی
 آن را متوقف نساخت .

امسال مراسم بزرگداشت سالگرد رحلت امام در روز چهاردهم خردادماه فقط به یک روز خلاصه شد و همه برنامه‌های دیگر مردمی و رسمی از جمله برنامه شبهای ۱۴ و ۱۵ خرداد حذف شد و در همین مراسم مختصر قابل انتظار بود که به بیان چند خصوصیت اخلاقی امام بسنده شود و از احترام ایشان به رای مردم و نگاه ایشان که مجلس را در راس امور می‌نشانند، سخنی به میان نیاید و باز طبیعی بود که از تاثیرات ایشان بر خطر تحجر و خود رایی در آینده انقلاب غفلت شود و برخلاف خاکساری ایشان در مقابل معصومان علیهم السلام عده‌ای در حد امیرمومنان و معصومین برکشیده شوند و عده‌ای نیز که مخالف تخلف، دروغ، فساد و خروج از قانون اساسی و به افلاس کشیده شدن کشور به دلیل سیاست‌های من در آوردی بودند، در مقابل قرار داده شوند .

داوری در باره این شیوه قیاس و مواجهه با تاریخ با مورخان فرهیخته و سیاستمداران آگاه و اصولیان فاضل

است و تنها به این نکته بسنده می کنم که کشتار و حبس های اخیر ناشی از چنین برداشت هایی از تاریخ و فقه و اصول است و باید دید که نظر مراجع بزرگ از چنین استنباط هایی با توجه به مصداق های عملی و نتایج آن چیست؟

مراسم امسال به دلیل جنایت های اخیر اسرائیل آمیخته به سخت ترین شعارهای ضد صهیونیستی بود ولی طرفه آنکه در میان این شعارهای تند هیچ اشاره ای به مصاحبه یکی از روسای جمهور عرب دوست ایران که اخیراً گفته است دولت ایران با مذاکره آن ها با اسرائیل موافق است، نشد و بازهم غیرطبیعی نبود که نصیحت حضرت امام (ره) در ماجرای مک فارلین به مسوولین کشور فراموش شود که فرموده بودند «کاری نکنید که نتوانید به مردم توضیح بدهید.»

آیا جای آن نیست که سوال شود با این همه سیاست های غلط انداز و غیرشفاف و مهلک چه کسانی می توانند فرصت طلایی برای آمریکا و اسرائیل و

منافقین و سلطنت طلبان تلقی شوند: آزادی خواهان و عدالت جویانی که به دنبال عظمت اسلام و ایران و ایرانی از طریق بازگشت به قانون اساسی و دوری از فساد و دروغ هستند؟ یا فرقه‌های مشکوکی که با سیاست‌های خود کارگران و معلمان و کارمندان و کشاورزان و همه مستضعفان را خاک نشین کرده‌اند و علی‌رغم حمله‌ها و لفاظی‌های خود علیه شرق و غرب، همه بازارهای گرم مسلمانی را در اختیار بیگانگان قرار داده‌اند .

عربده جویی و هتاک‌های اندک در مراسم سالگرد رحلت حضرت امام (ره) در مقابل تریبون سخنرانی نمی‌توانست بدون رضایت و مهندسی قبلی صورت بگیرد. چه کسی است که نداند همیشه عده‌ای به صورت سازمان یافته و برای هیاهوهای از این قبیل جلو تریبون‌ها به صف می‌شوند. در مراسم چهاردهم خرداد نیز به همین شکل عمل شد و در مقابل دوربین‌ها و چشمهای حیرت زده، گروهی اندک هتاک‌های

همیشگی را این بار علیه نواده گرامی امام به اوج رساندند. لابد به این دلیل که ایشان نخواستند هیچ وقت مردم را تنها بگذارند .

غافل از آنکه اینگونه اعمال مهندسی شده بیش از پیش به اهمیت حراست و صیانت از یادگاران حضرت امام دامن خواهد زد .

حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی یکی از ستارگان پر فروغ حوزه های علمیه و فضای ملی ماست و برنامه ریزی برای خاموشی این فروغ جز خسارت برای طراحان آن نتیجه ای نخواهد داشت.

کنفرانس مطبوعاتی (ویدئو کنفرانس)

به مناسبت سالگرد انتخابات ۸۸

۱۸ خرداد ۱۳۸۸

میرحسین موسوی و مهدی کروبی در یک کنفرانس خبری اینترنتی به سوالات خبرنگاران پاسخ گفتند. به گزارش خبرنگار کلمه در این کنفرانس خبری مجازی که با میزبانی تیم کلمه برگزار شد نمایندگان سایتهای ادوار نیوز، امروز، جرس، کلمه، سحام نیوز، تحول سبز، میزان، ندای سبز آزادی و نوروز سوالات خود را از آقایان کروبی و موسوی پرسیدند. این کنفرانس خبری با استفاده از امکانات دنیای سایبری و به صورت مجازی برگزار شد.

مجری: در آستانه ۲۲ خرداد هستیم و فرصتی فراهم شده برای اولین بار فکر می‌کنم حتی قبل از انتخابات هم این فرصت فراهم نشده بود که یک مصاحبه رسانه‌ای مشترک شما دو بزرگوار داشته باشید.

سایت‌های مختلف سبز در این جلسه حضور دارند و سوالاتشون رو خدمت شما دو بزرگوار مطرح می‌کنند و شما هم علی‌القاعده پاسخی را که شایسته می‌دانید می‌فرمائید. هر وقت که صلاح می‌دانید مقدمه‌ای را بفرمائید تا به سراغ سوالات برویم.

میر حسین موسوی:

بسم الله الرحمن الرحيم

خود اینکه ما خدمت یکی از مبارزین قدیمی و پایدار جمهوری اسلامی هستیم و در کنار جناب آقای کروبی نشستن برای من افتخار است و از این نظر خوشحالم و همچنین صحبت با سایت‌ها و رسانه‌های مجازی سبز.

در نظر داشته باشیم که یک سال پیش همچنین فرصت هایی برای ما فراهم نبود و خود این نشان دهنده تحولی در زمینه رسانه ها و اطلاع رسانی است و خود این خشنود کننده است و در نظر داشته باشیم مصاحبه امروز تداوم داشته باش و تکرار بشود و در مناسبت های مختلف بتوانیم با رسانه های سبز صحبت کنیم.

مهدی کروی:

بسم الله الرحمن الرحيم

همانطوری که برادر بسیار بزرگوارمان آقای موسوی فرمودند این فرصت بسیار خوبی ست که اولین باری هم هست همانطوری که اشاره فرمودید دو نفری بنشینیم و صحبت کنیم. ضمن اینکه سال سختی هم بود و حوادث مختلفی به وجود آمد اما احساس می کند انسان که عنایت پروردگار متوجه مردم است زیرا آسیب هایی به سمت نظام و جمهوری اسلامی و کشور می آمد و بوجود آمد که الحمدلله با حوادث تلخ که بوجود آمد، برکاتش

فراوان است. شاید اگر یکی از ما دو نفر اگر پیروز شده بودیم نمی توانستیم آنی که الان ایفا شده ایفا کنیم و با توجه به آنکه چه برنامه هایی برای کشور متأسفانه برنامه ریزی و مهندسی شده از این جهت بسیار مهم است.

مجری: اگر موافق باشید خبرنگاران تک تک سوالات را مطرح کنند و در خدمت شما باشیم.

جرس: جناب آقای مهندس موسوی و جناب آقای کروبی، سوال برای هردوی شما بزرگواران است. جنبش سبز برای آنکه دچار روزمرگی نشود، و طرفدارانش دچار دلسردی و یاس نگردند، نیاز به تبیین استراتژی و تدوین برنامه (کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت) و تعیین شعارهای اصلی دارد. برای این امور چه تمهیداتی اندیشیده اید؟ آیا وقت آن نرسیده که رهبران سبز برای این سه محور به طور عینی و شفاف مواضع مشترک خود را اعلام نمایند؟

میرحسین موسوی: سوال بسیار دقیقی ست. این

شعارهایی که در این سوال مطرح است شعارهایی است که با تجربه مردم و مبارزه مردم و ایستادگی مردم در طول یک سال گذشته در حقیقت بروز و ظهور کرده است. اولین شعار رای من کجا بود به دلیل تخلفات و تقلباتی که بود ولی مردم وقتی با موانع روبرو شدند با سرکوب و شکنجه و کشتار و امثال این‌ها روبرو شدند متوجه شدند که ما مشکلات وسیع داریم و لذا به تدریج شعارهایی مطرح شد. در گردهاگرد این شعارها و تجربیاتی که بوجود آمده بیش از پیش جنبش سبز و جریانی که آسیب دید در انتخابات شعارها و مطالباتش مشخص است.

الیه مردم هم همینطور است که از طریق شبکه‌های نیرومند اجتماعی ایجاد شده اصلاً قابل مقایسه با یک سال اخیر نیست این درست از که بر اساس این شعارها و روشن شدن مطالبات این شعارها نظم پیدا بکند البته خود این نظم هم با توجه به اتفاقاتی که می‌افتد قابل تغییر و انعطاف پذیر باشد.

مهدی کروبی: بنده ضمن تایید صحبت های برادر عزیزم یک نکاتی را اضافه می کنم. حادثه سال پیش بدون جهت بوجود نیامد و این نکته مهمی است. در خلال شور و نشاطی که در انتخابات مردم نشان می دادند مهم ترین سوال برایشان این بود که آیا ما بیائیم رای بدهیم همانی که رای دادیم از صندوق بیرون خواهد آمد یا چیز دیگری اتفاق خواهد افتاد؟ سه تا انتخابات عجیب برگزار شد که حتما باید کالبد شکافی منطقی معقول و دوستانه با اجراکنندگان و نظارت کنندگان برگزار شود.

یکی انتخابات مجلس هفتم، دیگری انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم و دیگری انتخابات هشتم مجلس. این ها همه مقدمه شد برای این حادثه و مردم با آن نشاط هم صحبت می کردند که آن حادثه تکرار نشود و تا آن موقع همیشه ما به مردم می گفتیم قلب ۲ تا ۴ میلیون است و ما میرفتیم شما خوب بیائید پای صندوق و وقتی مردم آمدند با آن شدت و همه قبول

دارند که نزدیک ۸۵ درصد مردم شرکت کردند و وقتی نتایج اعلام شد همه این‌ها انباشته شد و موجب انفجار مردم شد. و این را باید بگوئیم که این مردم بودند که به‌شان برخورد و یک مرتبه تحقیر شدند و با شور و نشاط آمدند و شعار اولیه‌شان این بود که رای من چه شد و رای مرا پس بدهید و... متأسفانه آقایان فکر کردند با یک حرکت و تقلب و سرکوب و برخورد مسئله حل می‌شود که نشد.

ضمن اینکه آن برنامه ریزی‌های که می‌فرمائید باید انجام بگیرد اما عنایت کنید که این مسئله چگونه رشد کرده است. و در چه شرایطی هم رشد کرده و پیش آمده یعنی وقتی من با مهندس موسوی می‌نشینیم کنار هم و یک کمیته تعیین می‌کنیم. آقای دکتر الویری نماینده بنده و آقای دکتر بهشتی و مقدم نماینده ایشان هستند برای اینکه ببینند این‌هایی که زندان افتادند خبر داشته باشند، آن کسی که مجروح شده چه به سرش آمده؟ آن کسی که شهید شده چه به سرش

آمده؟ آمدند سه نفر این ها را گرفتند و انداختند زندان و یک نفرش را آن روز ایران نبود خوشبختانه. در یک فضای اینچنینی که مواظب جلسه ها هستند و گفتگوها را سرکوب می کنند و می برند ماه ها این ها را در زندان می اندازند طبیعی ست که برنامه ریزی کمی وقفه هم درش ایجاد می شود ولی آنقدر رشد و آگاهی زیاد است که همینطور خود به خود دارد رشد پیدا می کند و ببینید آنقدر شرایط برایشان سخت شده که همین حادثه سالگرد امام را شاهد بودیم و می توانیم به آن بپردازیم.

سایت امروز: جناب آقای میرحسین موسوی همانطور که بارها اعلام کرده اید، بزرگ ترین هدف جنبش سبز آگاه سازی اجتماع می باشد. در یک تقسیم بندی ساده، سیستم آگاهی اجتماعی داری سه رکن زیر می باشد:

(الف) اطلاعات: شامل اخبار، تحلیل، پیام یا دیگر تولیدهای فکری جنبش می باشد.

(ب) زیر ساخت ارتباطی: منظور همان شبکه اجتماعی است که اطلاعات تولید شده می بایست در آنجاری و ساری شود.

(ج) پیش نیاز آموزشی: به دور از القاء هرگونه پیش داوری در گیرنده‌های اطلاعات (شهروندان جامعه)، برای فهم صحیح اطلاعات منتشر شده در شبکه اجتماعی نیاز است پیش نیازهای آموزشی لازم که به فهم اطلاعات منتشر شده کمک می‌کند در دسترس شهروندان (گیرنده‌های شبکه) قرار گیرد. تا حدودی ارتقاء سطح آموزشهای اجتماعی در دوران ۸ ساله اصلاحات به همراه موج جهانی شدن که در فضای مجازی جاریست، توانست این پیش نیازها را به قشر متوسط جامعه آموزش دهد ولی کماکان بخش عمده‌ای از اجتماع از این پیش نیازها محرومند.

به لحاظ تشکیلاتی رهبران جنبش تا کنون تنها در رکن (الف) فعال بوده‌اند و برنامه خاصی از ایشان برای دو رکن دیگر مشاهده نشده است. هرچند که معتقدیم

برای عملیاتی کردن ارکان (ب) و (ج) رهبران نمی توانند مستقیماً وارد عمل شوند و باید با ایجاد هماهنگی بین فعالین اجتماعی-سیاسی حوزه های مختلف این موارد را پیگیری نمایند. در چند ماهه اخیر نیز شاهد تلاشهایی برای ایجاد این هماهنگی و همسویی هستیم ولی مایلیم برنامه های شما را به طور ویژه (البته آنهایی که محرمانه نیست) درباره ارکان (ب) و (ج) بدانیم تا به جامعه و فعالین سیاسی-اجتماعی انتقال دهیم.

میر حسین موسوی: البته خود سوال به نظر من تشریحی ست و یک مقدار جواب خودش را در خودش دارد همانطوری که سه قسمت می کند مسئله را. مسئله تولید اطلاعات است و... حقیقتش این است که یکی از ویژگی های انتخابات سال گذشته انفجار اطلاعات در میان جامعه است و دلیل این قضیه حساسیت مردم نسبت به اطلاعات است. اطلاعات همیشه وجود دارد در جامعه و بحث سر دیدن این اطلاعات است.

مردم کم کم احساس کردند که نیاز دارند به اینکه به سمت تجزیه و تحلیل بروند و مسائل را بهتر و روشن تر ببینند و نتیجه اش این گسترش اطلاعات است و از هما ن اول هم حدس زده می شد که رسانه های رسمی و حکومتی علی رغم الزاماتی که در قانون اساسی وجود داشته اجازه نخواهند داد که این اطلاعات به مردم انتقال پیدا کند و یک تعامل ملی بوجود بیاید و این مسئله پیش برود. گرچه اگر اینکار صورت می گرفت در حقیقت خیلی از مسائل سیاسی و بحران هایی که داشتیم نبود و اگر می گذاشتند که همه مردم نظرات خودشان را با استفاده از رسانه ملی ابراز کنند و در حقیقت رسانه ملی تبدیل به رسانه ضدملی شد و جلوی هرنوع گفتگو را گرفت، جلوی اجتماعات گرفته شد که یکی از جاهایی بود که می شد اطلاعات در سطح جمعی مطرح بشود.

ولی عملا کسانی که می گفتند ما اکثریت را به دست آوردیم و ما ۶۴ درصد رای مردم را نشان دادند که چنین

نیست و کسی که آنقدر رای می آورد که نباید از تجمع مردم بترسد و از گردهمایی مردم بترسد و جلوی آن گرفته شد و نتیجه اش روی آوردن مردم به شبکه های اجتماعی از یک طرف و رسانه های مجازی از سوی دیگر بود. البته رسانه های مجازی قبلا وجود داشت ولی استفاده اش در چارچوب این جنبش عظیم دگرگون شد یعنی از محتوای دوست یابی و آشنایی و فعالیت های صرف فرهنگی انتزاعی در آمد و به یک جریان زنده ای تبدیل شد که الحمدلله گسترش پیدا کرده است و این پشتوانه گسترش آن شبکه اجتماعی نیرومندی شد که ارتباط های بسیار قوی بین ملت ما ایجاد کرد و خود آن سرمایه اصلی ما برای دادن هر نوع اطلاعات است.

بله خود این اطلاعات و اطلاع رسانی در یک جاهایی کم و کسری دارد که من اعتقاد دارم که آن بخشی که اطلاعات به دستش رسیده و تعامل درش وجود دارد و ارتباطات قوی بینشان ایجاد شده با استفاده از اینترنت و رسانه های مجازی و کانال های تلویزیونی و امثال این ها

و مخصوصا دانشگاه‌ها از بعد دیگر یعنی شبکه‌ای که در آن اطلاع رسانی قوی صورت می‌گیرد این‌ها دایرهٔ فعالیت خودشان را باید گسترش بدهند و اطلاع رسانی خودشان را گسترش بدهند.

در گردها روز معلم و کارگر یک مقدار فعالیت شد و دیدیم که پاسخ داد. الان هم مخصوصا دانشجویان و معلمان و کسانی که در شبکه‌های مجازی هستند باید چارچوب‌هایی که برای خودشان تعریف کردند را کمی بشکنند و یک کمی به فضای ملی بیشتر تاکید کنند، به کشاورزان، به بازاری‌ها به روحانیت به معلم‌ها به کارگران و حقوق‌بگیران و... این جنبه ابزاری هم ندارد به دلیل اینکه مشکلاتی که در کشور هست که در قالب تقلب انتخاباتی شروع شد در حقیقت معطوف به یک اساس و بنیان‌های ریشه‌ای تری هست که در عمل وقتی ما به طور گسترده به آن می‌پردازیم خودش را آشکار می‌کند و من فکر می‌کنم فساد اقتصادی و اداری و سیاسی و میل به دیکتاتوری و میل به خودرایی هست

که زمینه را ایجاد می کند که چنین تقلباتی ایجاد شود و دورنمای یک رای آزاد برای مردم دورتر به نظر بیاید از آن چارچوبی که قانون اساسی نشان داده است.

در این رابطه البته مشکلاتی همه دوستان که به نوعی فعال هستند دارند. یعنی عملاً نگاه عوض اینکه دعوت کنیم بیایند و تشکل ها فعالیت کنند کسانی که در این زمینه صاحب نظرند دور هم جمع باشند و در نتیجه طرفی برای صحبت باشد و برای حل مسائل سیاسی باشد هر نوع تشکل و گردهمایی را در هم می کوبد. همانطوری که جناب آقای کروبی فرمودند ما ۴ نفر را گذاشته بودیم که فقط به مسائل زندانی ها بپردازند آن ها را هم تحمل نکردند و این فرصت از کشور گرفته شده است. دلیل اینکه این همه نظام مایل شده راه حل های امنیتی سر این است که تمام راه حل هایی که می توانست از طریق سیاسی مشکلات را حل بکند این ها خودشان این راه را کور کردند و در حقیقت از بین بردند و به همین دلیل ایجاد یک تشکیلات منظمی که

بتواند پاسخ گوی این نیازها باشد را ما نداریم و باز هم من در این چهارچوب فکر می‌کنم برای مدت قابل توجهی شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی بتوانند پاسخ گوی این خلا باشند در عین حالی که تلاش‌هایی باید بشود که ما بتوانیم در سطح بین‌المللی و در سطح بیرون کشور کانال‌هایی تاسیس شود و در سطح رسانه‌ای کمی گسترده‌تر و نظم یافته‌تر ادامه پیدا کند و بایستی آندوستانی که به این مسئله فکر می‌کنند در این کار تسریع بکنند و سریع‌تر اقدام کنند هم برای رادیو و هم برای کانال‌های تلویزیونی و این حق ملت ماست که در این زمینه مجاری برای اطلاع‌رسانی داشته باشد به طور مستقل از زبان جنبش و از زبان منافع‌مندی ما.

سایت امروز: سوال دوم از آقای مهدی کروب‌بی، جنبش دانشجویی یکی از توانمندترین شبکه‌های اجتماعی برای آگاه‌سازی دیگر اقشار اجتماعی می‌باشد. شما در دوران تبلیغات انتخاباتی خود

توانستید قشر دانشجو (بویژه فعالین شناخته شده دانشجویی) را با خود همراه سازید. ولی امروز متأسفانه با توجه به دستگیری رهبران جنبش دانشجویی و همچنین محدودیت‌های اعمال شده از طرف حاکمیت در رابطه با ارتباط شما با اقشار مختلف جامعه، به ویژه با اقشار اثرگذار مانند دانشجویان، چه راهکاری برای برون رفت از این شرایط و استفاده از پتانسیل‌های دانشجویان در جهت تحقق اهداف جنبش سبز در نظر دارید؟

مهدی کروبی: ببینید همانطوری که خود شما اشاره فرمودید فشارها، محدودیت‌ها دستگیری‌ها و از همه امکانات استفاده کردند برای اینکه این رابطه‌ها قطع بشود ما داریم می‌بینیم که هر روز چند دانشجو را دستگیر می‌کنند و از تحصیل محروم می‌کنند و مجموعه این‌ها در زندانند و برخی نزدیک یک سال است که در زندانند و حتی یک مرخصی هم به‌شان داده نشده است. این بهترین دلیل است که وضع در این

سمت رو به رشد و گسترش است و این‌ها از دانشجویان بیشترین ضربه را خوردند و فشارها بیشتر روی دانشگاه‌ها و دانشجوها بوده است اما در عین حال ما می‌بینیم که همه جا حضور دارند و فعالند.

طبیعی ست که محدودیت‌ها و احتیاط‌ها بیشتر می‌شود. حتی امکان دارد یک مواردی هم ریزش وجود داشته باشد نه به اینمعنا که فکرش عوض شود و وقتی که سخت شد فعالیتش را کم کند اما فکر و اندیشه و تحرک مانده است من در واقع خدمتتون عرض کنم بنده با وجود این فشارها مقید بوده‌ام که رابطه خودم رو حفظ کنم یعنی با خانواده هاشون رابطه داشته باشم و در جلسات مختلف شرکت کنم.

اما بنده متاسفم و وقتی برخی چیزها را می‌خوانم مبهوت می‌شوم و تعجب می‌کنم که خدایا کجا هستند این‌ها و ما کجا هستیم. می‌گویند شما عروسی رفتید و نماینده سپاه که یک روحانی است علیه حاج حسن خمینی مصاحبه می‌کند و می‌گوید رفته است دیدن

ازادی آقای بهشتی و بنده مبهوت و متحیر می شوم. به هر جهت این قضایا برای این ها انقدر سنگین شده است که کارهایی می کنند که معقول و منطقی نیست بنابراین ما ارتباطاتمون سخت هست ولی این را حفظ کرده ایم و تن به هر بلایی هم داده ایم و می بینید که هر روز فشار می آورند که این ها جرات اینکه جایی بروند را ندارند و ما را انقدر فشار می آورند که سر قبر پدرمان هم نمی توانیم برویم و فاتحه بخوانیم منتهای مراتب وقتی به آنجا می رویم این مردمی که کیهان و رسالت و ... می نویسند این مردم گاز فلفلی دارند، چاقو هم دارند اسلحه گرم هم دارند و همین شب جمعه گذشته یکی از پاسدارهای بنده را برده اند و حسابی کتک زده اند و بردند. هم ون دارند و ... و این ها مردم هم هستند بنابراین درست است که فشار می آورند اما فشارها عمق مشکل را زیاد می کند و مردم می روند برای این مشکلات راه چاره پیدا کنند. حالا مشکل این پاسدار این بوده که یک جمله گفته است بابا ایشان آمده اند

فاتحه بخوانند و بوند و این چه کاری است که انجام داده‌اید؟ البته ایشون را ساعت ۱۲:۳۰ آزاد کرده‌اند.

مجری: سوال سایت ادوار نیوز از هر دو بزرگوار

ادوار نیوز: هر دو شما بزرگواران از عناصر اساسی دوره حیات نظام سیاسی برآمده از انقلاب و خیزش ملی - مذهبی سال ۵۷ بوده و از آنجا که چه پیش از این تحول تاریخی در جریان مبارزات رهایی بخش و ضد استبدادی حضور داشته و از نزدیک با مطالبات مردم و رهبران انقلاب در ارتباط بوده و همچنین پس از پیروزی و استقرار نظام جمهوری اسلامی دارای نقش‌های کلیدی بوده‌اید تصدیق می‌فرمایید که همواره گرایشات مختلف سیاسی معانی مختلفی از مفهوم «جمهوری اسلامی» ارائه کرده و یا در ذهن داشته‌اند (به طور مثال متون مختلف تنظیم شده برای قانون اساسی)، در شرایط فعلی نیز به نظر می‌رسد که چالش اساسی در بحران سیاسی فعلی تفاسیر متفاوت طرفین از جمهوری اسلامی است، اکنون و با توجه به تجارب سی ساله

گذشته حضرات عالی به عنوان رهبران جنبش سبز آیا معتقدید که مفهوم و نظریه‌ای سیاسی به نام جمهوری اسلامی به ویژه با توجه به شعارهای انقلابیون تا چه حد در نظام سیاسی موجود تجلی یافته و به طور مشخص آیا این نظریه سیاسی تنها در قالب قانون اساسی موجود «خصوصاً با توجه به برخی اصول آن و اعطای اختیارات گسترده» موجود معنا می‌یابد یا می‌توان اطلاق جمهوری اسلامی را به ساختارهای حقوقی دیگری نیز نسبت داد به شکلی که هر چه بیشتر به مطالبات آزادی خواهانه انقلابیون ۵۷ و نسل کنونی نزدیک و همخوان باشد؟

کروبی: من الان که اینجا نشسته‌ام طرفدار سفت و سخت و محکم جمهوری اسلامی هستم و این را بر اساس عقیده خودم می‌گویم که بنده طرفدار جمهوری اسلامی هستم و رایی را که ۳۱ سال پیش دادم بهش معتقدم و تابع هستم. اما این چیزی که امروز اجرا می‌شود تفسیر نیست بلکه تحمیل به قانون اساسی

است و اصلا این جمهوری اسلامی که این‌ها دارند می‌گویند واقعش این است که این‌ها به رای عقیده ندارند و من حرف‌هایی شنیدم از اینطرف و آنطرف که اصلا جمهوری یعنی چه؟

سه هزار نفر بیایند با یک عالم و این‌ها رایشان یکی باشد در صورتیکه امام خمینی رای می‌داد و در همان جا هم افراد مختلف رای می‌دادند در همان صندوق و ما می‌دیدیم که مردم مختلف رای می‌دادند و لیستشان با لیست امام هم منطبق نبود و ما وقتی می‌گوییم جمهوری اسلامی بسیاری از افرادی که برایشان ذهنیت بوجود آمده بتوانیم جمهوری اسلامی را تبیین کنیم و عملا نشان دهیم حداقل بخش اعظمی از مشکلاتشان حل می‌شود.

حتی در دوران جنگ و حوادث مختلف انتخابات برگزار می‌شود در سال‌های ۶۰ و ۶۱ و رئیس‌جمهور و نخست وزیر کشته می‌شوند و ۵۰ روز بعد انتخابات برگزار می‌شود و من می‌خواهم بگویم آقایان یک فکر و

اندیششهای دارند و یک عده‌ای هم منافع شخصی دارند و لذت و شیرینی حکومت زیر دندانشان جا گرفته است و این‌ها می‌خواهند جمهوری اسلامی را تحریف کنند و البته که جمهوری اسلامی این نبوده است و آن وعده‌هایی که همه ما به مردم دادیم و آنکه گفتیم ما جمهوری اسلامی برای شمامی آوریم داریم می‌بینیم. این برمیگردد به حرف اول بنده که تا انتخابات مجلس هفتم و هشتم و ریاست جمهوری نهم که دوتای آن در دوران اصلاحات انجام شده چه بوده است نمی‌شود نتیجه قابل اعتنایی گرفت.

موسوی: سوال حساسی است و آقای کروبی یک بخشی را فرمودند که چه تفاسیری از جمهوری اسلامی صورت گرفته است. بنده مقدماتا عرض می‌کنم که هر متنی حتی یک متن بسیار سلیس و ساده و گویایی هم باشد بالاخره به مرور زمان و شرایط پیش آمده می‌تواند تفاسیر گوناگونی را بپذیرد. جمهوری اسلامی هم به همین شکل است. آن وقت آن تفسیر آزادی مردم و

ولی نعمت بودن مردم، انتخابات آزاد و حمایت از مستضعفان و حمایت از گروه‌های ضعیف و... را معنا می‌داد. الان ما یک تفسیر دیگر داریم که در آن شکی نیست که نسبت به تفسیر اولیه از جمهوری اسلامی ما فاصله گرفته‌ایم کلاً می‌شود در خود قانون اساسی که پشتوانه جمهوری اسلامی هست اشاره کرد.

خود آن قانون اساسی برای طرد دیکتاتوری و استبداد و خودرایی طراحی شد. یک حساسیت فوق العاده‌ای بوده است. خود تفکیک قوا را در قانون اساسی ببینید خواهید دید که نسبت به تفکیک قوای معمولی در سطح جهان ما یک کمی تجزیه قوای بیشتری داریم به دلیل همین ترس و یا شورای عالی قضایی که پیش بینی شده بود که یک نفر در راس قوه قضائیه نباشد برای این بود که بیم از این بود که قوه قضائیه در خدمت همان استبداد به کار برود و یک ریشه‌های دیکتاتوری و استبداد در جامعه ما باشد. برای همین نیت اولیه نیت صحیحی بوده است و قانون اساسی برای همان نیت

تدوین شده و چارچوب‌هایی در آن هست که اگر رعایت می‌شد ما به اینجا نمی‌رسیدیم ولی باید ببینیم که چه منافی پشت حاکمیت فعلی هست که این تفسیر را از قانون اساسی ارائه می‌دهد که دهن مردم را ببندد و رسانه‌ها را جمع بکند و این انتخابات کذایی رو به این شکل برگزار کند و این زندان‌ها را پر بکند.

این را از زوایای مختلفی می‌توان گفت ولی من اخیراً یک کمی حساس شدم که بگویم که بالاخره پشت این درآمد چند صد میلیاردی نفتی در سال‌های گذشته یک ساختی برای دفاع از منافع عده‌ای سامان یافته که به این سادگی نمی‌توانند تن به تفسیر مردمی از قانون اساسی بدهند و بحث ۷۰ میلیارد واردات در کشور است، حاکمیت بر نهادهای پولی و مالی است. طبیعی است که در پشت لایه‌های سیاسی مسئله ما با منافع سنگینی روبرو باشیم که از نوع ویژه‌ای از تفسیر قانون اساسی دفاع می‌کند و ما باید به این ریشه‌ها بپردازیم. قانون اساسی جنبه قراردادی دارد و جنبه ذاتی ندارد این

مسئله و در پاسخ به سوال شما می‌گویم که می‌شود به چارچوب‌های دیگری هم اطلاق جمهوری اسلامی کرد. ولی باید این را گفت که در یک تفسیر خوب از هر متنی حتی یک متن ضعیف ملت باید قوی شود و آگاهی باید گسترش یابد و مطالبات مردم باید روشن شود و در صحنه حضور داشته باشند و با این مطالبات زندگی کنند. در چنین حالتی ست که امکان کج روی در تفسیر این متن‌ها از بین می‌رود. شما همین الان قوانین عادی را می‌بینید که دولت می‌گوید ما اجرا نمی‌کنیم و این خلاف شرع و مصلحت است و نشان می‌دهد در جامعه ما یک تحولی ایجاد شده است که در جهت برگشت به همون چیزهایی قدم برمیدارد که انقلاب ما برای برچیدن آن‌ها بوجود آمده بود و می‌بینیم که بازتولید شده است که جمهوری اسلامی در این زمینه مشکلاتی دارد و بنده به عنوان جمع بندی این سوال می‌گویم که ما به تجربیات تاریخی باید نگاه کنیم و در عین حال ارزش و اهمیت جنبش را باید در این جهت خوب

ارزیابی کنیم و بدانیم که در آینده با هر نوع قانون اساسی اگر حضور مردم نباشد و مطالبات روشن مردم نباشد هر نوع تفسیری امکان پذیر است. و به هر حال قانون اساسی فعلی ما که در اینجا اشاره‌ای به آن شده است اگر هر نوع تحولی در آن اتفاق بیفتد با حضور آگاهانه و نیرومند مردم می‌تواند چنین چیزی اتفاق بیفتد و گر نه می‌تواند چارچوب‌هایی مطرح شود در جهت مانعی که به آن اشاره شد.

کروبی: بنده یک نکته‌ای عرض کنم. زمان شاه زندانیان تا قبل از ۵۰ جدا بودن از هم یعنی مسلمانان از کمونیست‌ها جدا بودند و حرمت همدیگر را حفظ می‌کردند حتی کمونیست‌ها مواظب بودند در ماه رمضان علناً روزه خواری نکنند. بعد از سال ۵۰ که جمعیت‌ها قاطی شد و در یک سلولی مسلمان و کمونیست کنارهم قرار می‌گرفتند بحث‌هایی رخ می‌داد. من می‌دیدم که یک بچه مسلمانی از ائمه و اسلام صحبت می‌کند.

در زندان هم معیار مسلمانی و کمونیستی نماز خواند بود. من به این جوان گفتم خب شما که مسلمانی چرا نماز نمی‌خوانید. او گفت خدا در قران می‌گوید نماز به پا دارید، نماز شما را از بدی‌ها و زشتی‌ها باز می‌دارد. خب من آن بدی‌ها و زشتی‌ها را انجام نمی‌دهم پس چه لزومی دارد نماز بخوانم؟ می‌خواهم بگویم این تفسیر آقایان هم مثل همین تفسیر است. اینکه تفسیر نیست این یک سلیقه است و ما باید به زمانی حرف‌های قبلی این آقایان را بگوئیم که قبلا در جلسات راجع به رای چه می‌گفتند.

مجری: خبرنگار سایت سحام نیوز سوالشان را از دو بزرگوار مطرح می‌کنند

سحام نیوز: آیا فکر می‌کنید حاکمیت در نهایت به خواسته‌هایی که شما در یک سال اخیر و چند ماه قبل از انتخابات مطرح کردید که همان خواسته‌های مردم هم هست تن بدهد؟ با تشکر

موسوی: سر مطالبات و تحقق این مطالبات شرط اصلی حضور قدرتمندانه مردم هست نه به عنوان چیزی که باید وجود داشته باشد. اگر این حضور قوت پیدا کند خود به خود زمینه تغییر و تحول به نفع مردم ایجاد خواهد شد و بالاخره این ها هم حکومت را به نفع خود تغییر بدهند و مخصوصا اگر مطالبات مطالبات درستی باشد و منطبق با منافع ملی ما باشد و پشتوانه مردمی داشته باشد. بر عکسش یعنی اگر بهترین مطالبات اگر مردم پشت سر آن نباشند حاکمیت به این سادگی خودش را واگذار نمی کند در هیچ جای دنیا هم اینگونه نیست.

اگر در سطح جهان برخی از کشورها آزادی هایی برقرار شده به دلیل رسانه های قوی و اینکه مردم به دنبال خواسته های خود هستند و حکمران ها مجبورند تمکین کنند و کوچک ترین اشتباهی هم مرتکب شوند یعنی یک هزارم این اشتباهات که داره انجام می شه ساقط می شوند و نمی توانند سر جای خود بمانند.

ما می‌گوئیم امریکا دشمن ماست، الان رئیس جمهور آمریکا برای یک نشت نفت چندین بار به ساحل می‌رود و می‌آید و می‌خواهد نشان دهد که به مسائل رسیدگی می‌کند و مسائل را حل می‌کند. در سایر مسائل هم همینطور است. حال شما برگردید به کشور ما. کسانی که در راس امور هستند فکر می‌کنند یک موجود خاص خداوند متعال هستند که خداوند توجه ویژه‌ای به آن‌ها دارد و اگر حرفی می‌زنند باید اون انجام بشود و مصلحت هم همان است و کوچک‌ترین اعتقادی به عقلانیت جمعی نیست و اگر انتخاباتی هم سر موعد برگزار می‌شود برای این است که بگوییم انتخاباتی داریم و به صورت زینت نه بصورت محتوا و در صورتیکه وقتی انتخاباتی برگزار می‌شود معنیش این است که اگر مجلسی انتخاب می‌شود مردم خودشان انتخاب کنند و به مجلس بفرستند و وقتی آن وکلای رفتند آنچنان قدرتی داشته باشند که از منافع ملی دفاع کنند و عقلانیت آن‌ها هم باشد که در حقیقت حاکم باشد.

یک اصطلاحی هست در نامه حضرت امام در خصوص احکام ثانویه که مهم است در رابطه با مجلس. خب حضرت امام نظریات مجلس رو نظریات عرف می داند که غلبه دارد بر نظریات شرع که در واقع مجلس است که تعیین می کند و در حقیقت نماینده، نماینده عرف جامعه است و همه باید تابع بشوند و در بالاترین سطح دلیل اینکه همه تابع بشوند این است که هیچ کس نمی تواند از این عرف سر بزند و بگوید شما همه جمعی یک نظر دارید و من یک نظر دیگری دارم و مصلحت این است. و متأسفانه ما به نتایج دیگری از این اقدامات گرفته ایم. به هر حال تجربه سال گذشته نشان داده که اگر مردم بایستند قدم به قدم درخواست های خود را خواهند داشت منتهای مراتب زمان بر است و مثل همه کشورهای دیگر. انقلاب اسلامی هم با سختی به دست آمد و همینطوری ساده به دست نیامد و احتیاج با سختی و تحمل مشقات داره ولی نتیجه ش برای ملت ما

آزادی و عدالت خواهد بود و حضور در صحنه‌های تصمیم‌گیری نه به صورت زینتی.

کروبی: من عرض می‌کنم تا اینجایی که پیش آمدیم اگر اینطور ادامه بیابد حتما پیروز می‌شویم البته با سختی و فشار به دو دلیل: دلیل اول روحیه و آگاهی و اطلاعات مردم است و دلیل دوم فشارهای و کارهای غیر معقول حاکمیت و تنگ‌ناهایی هست که دارند درست می‌کنند من مثال می‌زنم. فرض کنید حوادث سالگرد ارتحال امام و نحوه برخوردی که یک جمعی با حاج حسن اقا کردند. اصلا ببینید این در توده‌های مردم چگونه اثر می‌گذارد. این حرف‌هایی که می‌بینید آقایان ارائه می‌گویند برای خودشان باشد. شما برو داخل جامعه و ببین مردم تعجب می‌کنند. یعنی یک اقایی سر قبر پدرش، پدر بزرگش، مادر بزرگش و پدر مادری‌اش اصلا نتواند صحبت کند. این معلوم می‌شود که کارهایی نامعقولی که این‌ها می‌کنند خودش اولین عاملی است که نیروها را بریزه و امروز معلوم است که ریزش از کدام طرف

است و رویش از کدام طرف است. و لذا من اینجا هشدار می دهم که اگر شعارهای مردم به سمت افراط رفت و جامعه رسید به کارهای تند بدانید که مسئولش شماست. ما معتقدیم معقول و منطقی برید به سمت مطبوعات آزاد و انتخابات آزاد و رعایت حقوق مردم اما این کارهایی که دارد صورت می گیرد عکس این است و کارهایی که آقایان می کنند و می خواهند به قول معروف گربه را دم حجله بکشند شب عاشورا به جماران حمله می کنند و الان هم به ایشون و این معلوم است که زاینده گی و رشد از کجاست و چه می شود همانطوری که نشانه هایش را در موضع گیری افراد می بینیم یا نشانه هایش را در کسانی که در زندان افتادند می بینیم که فکر کردند با کتک می توانند موفق شوند.

سایت نوروز؛ سوال از میرحسین موسوی: چرا در جمهوری اسلامی ایران احزاب سیاسی نتوانسته اند جایگاه خود را به دست آورند و چرا حکومت به جای

نگاهی حمایتی، نگاه حذفی به تشکل‌های سیاسی و مدنی دارد؟

موسوی: درمورد احزاب بعد از انقلاب اسلامی نظریات گوناگونی وجود داشته است. یک عده موافق بودند و یک عده تندرو مخالف بودند به مواردیش جنبه‌های تاریخی داره ولی کسان دیگری بودند مثل شهید بهشتی و امثالهم که به اهمیت این تشکل‌ها ایمان و اعتقاد داشتند و عملاً حمایت کردند از این احزاب سیاسی.

متاسفانه علیرم اینکه در قانون اساسی توجه ویژه‌ای به اینمسئله شده و نام برده شده و یکی از حقوق ملت همین تشکیل احزاب است تجربه بشری هم همین را نشان داده است که در کشورهایی که احزاب سیاسی نیرومندی است امکان یک مباحثه قوی شکل می‌گیرد و کارها و طرح‌ها بهتر پیش می‌رود و ثبات در سیاست بوجود می‌آید متاسفانه بودند نیروهایی در داخل کشور که احزاب را مخالف حاکمیت و اقتدار خودشان

می دانستند و سعی کردند به هر نحوی شده ان ها را تضعیف کنند و همین که دوتا از احزاب قوی و صاحب نام را سعی می کنند از رده خارج کنند نمونه این قضیه است و ما از اول انقلاب زمینه هایی برای این قضیه داشتیم که در سال های اخیر تشدید شده و متأسفانه این اثراتش منجر به ایجاد بن بست هایی در کشور می شود که راه حل های مسالمت آمیز را امکانش را دشوار می کند.

من فکر می کنم در این رابطه هم همانطوری که در خصوص اجرای بدون تنازل قانون اساسی صحبت می کنیم اجرای خود این قانون اساسی و اصولی که ارزش دقت شده پردازیم اهمیت تشکله ها در جامعه باید پردازیم و توضیح بدهیم و به صورت یک خواست همگانی در بیاوریم و حمایت کنیم از تشکله ها. الان چند تشکل صاحب نام داریم مثل اعتماد ملی، مشارکت، مجاهدین انقلاب و همچنین تشکلهای دیگر

سیاسی و صنفی که حمایت از آنها به عنوان یک ضرورت برای جنبش سبز باید مطرح شود.

کروبی: چون مسئله احزاب مطرح شد و با اینکه سوال مختص به مهندس موسوی است، بنده هم می‌خواهم توضیحی بدهم.

اول خاطرنشان کنم که احزاب از ابتدا آن طور که باید و شاید، تنظیم نشده و حوادث تلخی هم برای احزاب رخ داده، اما ما راهی نداریم جز اینکه به طور درست احزاب را تقویت کنیم.

مطلب مورد اشاره من در واقع این است که گروهی در جامعه وجود دارند که بشدت حزب ستیزند و مخالف وجود حزب هستند؛ این‌ها بارها حتی گفته‌اند ما حسینه داریم، روحانیت داریم، مسجد داریم، حزب نمی‌خواهیم.

گروهی دیگر نیز هستند که در کار احزاب دخالت می‌کنند و نمی‌گذارند احزاب و تشکلهای نیرومند شوند، و این قابل تأسف است.

بنظر من ضمن اینکه باید هماهنگی زیادی با احزاب در جریان باشد، و همزمان خانه احزاب نیز تقویت شود، آن چیزی هم که مدنظر باید باشد این است که احزاب مخالف نیز باید وجود داشته باشند و تقویت شوند. و کسی هم کاری انجام ندهد که این احزاب تضعیف شوند.

البته بعضا گروهی نیز وارد می شوند و شکافهایی در احزاب بوجود می آورند، که باید مراقب بود.

به عقیده من وجود حزب ضروری است، احزاب باید تداوم داشته باشند، و البته این هم زحمت دارد و هم نیاز به تلاش مستمر.

اما نکته اساسی این است که باید مواظب حزب ستیزها و هم حزب گریزها بود؛ و اگر حریف حزب ستیزها نمی شویم، حداقل باید تلاش کنیم که حزب گریزها را به جمع بیاوریم و جذب کنیم.

مثلا امروز ببینید چه بلایی سر ما آورده اند. در مورد دو حزب که اخیرا، هنوز چیزی هم انجام نشده، کلی در

موردشان مسئله درست کرده‌اند و سران آن‌ها نیز در زندان هستند.

ما را هم در اواخر شهریور و ماه رمضان بود که بدون هر گونه دلیل و استناد قانونی، آمدند و در دفتر حزب و دفتر شخصی من گفتند: تعطیل کن برو منزل. و از همان روز دفتر و حزب را پلمب کردند و اجازه هیچ گونه تحرک و فعالیتی هم به ما داده نمی‌شود.

دوستان هم در این موقعیت به صورت پراکنده کاری انجام می‌دهند و همه این موارد نشان می‌دهد که یک حزب نمی‌تواند شکل بگیرد و پا بگیرد و یقیناً با مشکلاتی روبرو خواهد بود.

و بدون حزب انتخابات می‌سر نیست و تمام ارکان کشور هم وقتی با رای مردم می‌خواهد شکل بگیرد، به حزب نیاز دارد؛ و آن‌ها که امروز حزب نمی‌خواهند، متکی به بسیجی‌ها هستند و معتقدند نیروهای بسیج هستند که باید انتخابات را برگزار نمایند.

نوروز: سوال دوم من از جناب آقای کروبى، در مورد واکنش علما و مراجع بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته است. چرا علمای شیعه، در جریان حوادث سال گذشته، در مورد آنچه بر سر مردم پیش آمد، از خود واکنش چندانی از خود نشان ندادند؟ دلیل این سکوت و گوشه نشینی علما در قم و نجف، از نظر شما چیست؟

کروبى: من هم از علما خواسته‌ام و می‌خواهم که فعال‌تر در صحنه باشند و در مورد مشکلاتی که برای مردم رخ داده، تلاش و مواضع فعال‌تری داشته باشند.

اما در واقع علما طی این مدت خیلی کارها انجام دادند. و نکتهٔ قابل اشاره هم این است که فشار بر روی حوزه‌های علمیه خیلی زیاد است.

نکته مهم دیگر این است که شرایط آن‌ها بسیار متفاوت با من و افرادی نظیر آقای موسوی یا کسان دیگر است. ما (من و موسوی) تن به بلا داده و خودمان را برای همه چیز آماده کرده‌ایم.

من در اینجا می‌خواهم برای مثال، به مسئله‌ای اشاره کنم (البته آقای موسوی می‌تواند بگوید این را درج نکنیم).

آقای موسوی چندی پیش در منزل ایشان که نشسته بودیم، خاطرنشان کرد «بهترین حالت این است که ما را همین حالا دستگیر کنند و ببرند، تا دیگر هیچ احساس مسئولیتی در کار نباشد.»

من می‌خواهم بگویم که شاید ما بتوانیم اینگونه برخورد کنیم؛ اما علما و مراجع که نمی‌توانند اینگونه برخورد کنند. مثلاً وقتی گروهی جمع می‌شوند در مقابل منزل ما و با شعار و شیشه شکستن، امنیت مردم را بهم بزنند و این نگرانی را هم برای همسایگان ما ایجاد می‌کنند که چه وقت است که برای آن‌ها نیز مسئله‌ای ایجاد شود، این برای مراجع و علما ممکن نیست.

اما با همه این تفصیل و موانع، گروه زیادی از علما و مراجع، از خود واکنش زیادی نشان دادند.

بنا بر این در عین حال عده‌ای از مراجع واکنش نشان دادند. شما آیت اله العظمی آقای صانعی را ببینید، همیشه حرف زده‌اند، حمایت کرده‌اند و صحبت کرده‌اند. آقای اردبیلی در حد خفیف تری حرف زده‌اند، موضع‌گیری کرده‌اند، با بزرگان ملاقات کرده‌اند. ماجرای سفر دکتر احمدی‌نژاد، رییس جمهور، به قم خیلی درش معنا نهفته و خوابیده که اولاً (مراجع) به هیچ وسیله حاضر نشدند با ایشان ملاقات کنند.

حتا از تهران هم - که صحبت شد - جز یکی از مراجع کسی با ایشان ملاقات نکرد، بله - یکی دو تن از ملاقات کردند اما از مراجع جدی یک نفر با ایشان ملاقات کردند، او هم حرفهای تندی زده بود. بعضی از علما اصلاً گفته بودند که حرام است ما با ایشان ملاقات نکنیم، (مثل اینکه بگویند) من اصلاً حاضر نیستم با ایشان ملاقات کنم. شما نگاه کنید چهره‌هایی که با ایشان ملاقات نکردند و این‌ها عکس العمل است. در حالی که قبلاً اینچنین نبوده؛ اصلاً - روسای جمهور وقتی پس از

انتخابات به قم می‌رفتند دقت می‌شد که نکند با مرجعی ملاقات انجام نشود که این یک نوع توهین به حساب می‌آمد. حالا هم یک مرجع جدی ملاقات کرده. (مراجع) دیدار با خانواده‌ها را انجام دادند، پیگیری کردند.

بعضی مراجع هستند که در باب سیاست وارد نمی‌شوند اما به خانواده زندانی‌هایی که آنجا رفته بودند، و با کسی که می‌خواستند صحبت کنند به آنان گفته بود شما بیاید، دوباره فردا هم بیاید. بنابراین من عقیده‌ام این است: ضمن اینکه نمی‌خواهم بگویم که (واکنش خود را) کامل انجام داده‌اند، اما خیلی محبت کردند و هر چه فشار به آنان آمده حاضر نشده‌اند که چیزی حاد علیه جمعیت بگویند.

موسوی: بله این نکته فوق العاده مهمی است، بنده هم عقیده‌ام این است که علما دارای معذوراتی هستند. ممکن است که انتظار جنبش بیش از این باشد که می‌بینند - ولی ما در یک سال گذشته شاهد بوده‌ایم که

در یک سال گذشته هم با اظهار نظرها هم با شیوه عملشان آنها از مردم حمایت کرده‌اند.

دلیلش هم این است که سرنوشت علما و مراجع با سرنوشت مردم پیوند نزدیکی دارد و از سرنوشت مردم جدا نیست. منتها ممکن است که ما انتظار بیشتری داشته باشیم که در مواقعی اظهار نظرهای صریح‌تر و روشن‌تری را شاهد باشیم و برخی از مراجع البته اظهار نظرهای سلیس‌تری داشتند و در امور دخالت کردند در امور و فعالیت کردند. حاج آقا (کروبی) اسم‌هایی بردند که بنده هم تایید می‌کنم، چنین چیزی هست. متنهی در کنار این یک مسئله هست که آن هم اهمیت دارد و آن این است که خود حوزه‌های علمیه هم درست دچاره‌مان تحول عمیق و جدی هست که در مردم شاهدش هستیم. این تحول است که خود به خود مراجع را گویا خواهد کرد و در قبال سرنوشت کشور حساس خواهد کرد. من گمان نمی‌کنم که وضعیت حوزه‌ها امروز مساوی یک سال پیش باشد.

تفاوتی را در آنجا شاهدیم که در خود موضع گیری‌های مراجع هم این بازتاب دارد و به علاوه همین مقداری هم که مراجع در برخی از فرازهای یک سال گذشته با سکوتشان، با دخالت نکردنشان و با راه ندادنشان و تایید نکردنشان کارهایی کردند که از چشم مردم دور مانده و توسط همین مواضع هم هست که ارتباط خودشان را با مردم حفظ کرده‌اند. اطلاعی هم که من دارم خیلی کار می‌شود که اولاً آن‌ها زیر فشار قرار بگیرند، اطلاعات غلط داده می‌شود در مورد جهت گیری‌های جنبش و خواسته‌هایش که الحمدلله با نسل جوانی که پیرامون مراجع ما هست اطلاع سانی دارد خوب می‌شود و در مجموع به ذهنم می‌رسد که نمی‌شود گفت که مراجع در رابطه مسائل کشور بی تفاوت هستند و همین مسائلی که در در رابطه با ۱۴ خرداد انجام گرفت و هنوز هم ادامه دارد، نشان دهنده بیداری مراجع ما در قبال مسائل عمده کشور است.

میزان خبر: بسم اله الرحمن الرحیم - سلام عرض می کنم خدمت دو یار بزرگوار جنبش سبز ایران. از طرف سایت میزان خبرسوالی داشتم از خدمتتان. در یک سالی که گذشت هر یک از کسانی که در جنبش حضور داشت، جنبش را با مشخصاتی تعریف می کرد و بخشی از مشخصات و شعارهای این جنبش نیز در طول این یک سال همگام با بلوغ جنبش تغییر کرد. امروز شما به عنوان یکی از اعضای جنبش چه تعریفی از مشخصات و مختصات فکری جنبش سبز ایران دارید؟ با تشکر از وقتی که در اختیار ما گذاشتید.

موسوی: اگر این را خیلی خلاصه بخواهم جواب بدهم مثال می آورم که ما در آستانه ۲۲ خرداد اگر راهپیمایی امکان پذیر بود - با تمام موانعی که الان درش هست و با شرایطی که الان هست - من فکر می کردم که یکی از بهترین پلاکاردهایی که مردم می توانستند داشته باشند و کسی نمی توانست به آن ها حرفی بزند این بود که «میزان رای ملت است».

جنبش سبز و جنبش بزرگی که بعد از انتخابات صورت گرفته غیر از این چیزی نمی خواهد. ما می گوییم که کاری نکنید که رای مردم میزان باشد برای نوع حکومت و نوع حاکمیت و به اصطلاح برای پیشبرد امور. جنبش الان در زمینه ای که روشنگری کرده در رابطه با حق مردم و اهمیت حق رای، به نظر من موفق هست و من جز این نمی توانم خواست بزرگ تر و مهمتری را مطرح کنم. استفاده می کنیم از سخنان آقای کروبی

کروبی: ببینید، جنبش - جنبش سبز - حتا همین «سبز» ش هم نشاندهنده این است که چه افرادی حضور داشته اند و چه چهره هایی از خود نظام جمهوری اسلامی درش شرکت داشته اند. عرض می کنم که جنبش رایش را می خواهد.

مردم همه طرفدار این هستند که رای انتخابات آزاد داشته باشند. اینکه میزان رای مردم باشد و انتخابات آزاد باشد، این به نظر من خواسته جنبش است. طبیعی است که در خلال حرکت عظیمی افرادی هم حرفهای

دیگری بزنند و حرفهای ساختار شکن هم داشته باشند ولی ما بارها گفته ایم که ما در چهارچوب قانون اساسی عمل می کنیم.

نمی گویم که قانون اساسی هم بی عیب است، غیر از کتاب خدا- (هیچ کتابی بی عیب نیست) اگر چهار چوب قانون اساسی اجرا بشود بسیاری از قضایا حل می شود. بنابراین خود آقایان هستند که با سرسختیشان افرادی را وادار می کنند که حرفهای دیگری بزنند و جمعیتی را به سمتی ببرند که بگویند (نظام) اصلا قابل اصلاح نیست. در اصلاح حرفهای دیگری هم باید باشد. مگر ما وعده نداده ایم؟ مگر نگفتیم کمونیست هم می تواند حرفهایش را بیاید بزند؟ مگر نگفتیم در دانشگاه باید این بحث ها باشد؟ حالا آن هیچ، بگذارید روزنامه ها باشند، آزاد باشند. بگذارید عدم صلاحیت ها، فیلترها (حذف شود) من اخیرا گفته ام الان هم می گویم، انتخابات ما الان سرنوشتش دست شورای نگهبان است؛ آن هم نه دست دوازده نفر، در واقع یک نفر - دو سه

نفر. یعنی اصلا او باید تایید کند تا مردم رای بدهند. اگر او تایید نکرد نتیجه ندارد. آیا مثلا این جمهوری است؟ حالا ما حرفمان این است که اگر گذاشته بودند، این جور حوادث پیش نمی آمد.

تازه این را هم من عرض کنم همین کارهایی که می کنند دارند با شکست مواجه می شوند. یعنی ۲-۳ هزار در انتخابات هفتم رد کردند، در عین حال مجلسی شد که یا بعضی ها شرکت نکردند یا بعضی ها را باز دوباره رد کردند. -- مطمئن باشید افرادی که آنجا دارند حرف می زنند اگر این روال ادامه پیدا کند حذف می شوند، رد صلاحیت می شوند.

اصلا ما دردمان این است - بگذارید مردم خودشان انتخاب کنند. مگر امام نگفت که خودشان بگذارید انتخاب کنند؟ - ولی نعمتا (?) - میزان رای است؟ آن ها بلندند چه کار کنند. یعنی چه قیم مردم نمی خواهند؟ آن ها بهتر از ما می دانند. کل حرف جنبش یعنی این.

حرفهای ساده‌ای که در عرض این سی سال گفته می‌شد و در این بیست سال به تدریج این بلا سرشان آمد.

مجری: سوال سایت تحول سبز از هر دو بزرگوار.

تحول سبز: به نام خدا و سلام خدمت جناب حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای کروبی و رئیس جمهور محبوب جناب آقای موسوی و با تشکر از فرصتی که در اختیار سایت تحول سبز قرار دادید. و اما سوال سایت تحول سبز از شما دو بزرگوار: در مورد شعار اجرای بدون تنازل قانون اساسی مفصلاً بحث شده است. جناب آقای مهندس صریحا در جایی اشاره کرده‌اند که اگر بخشی از قانون اساسی به نفع بخش دیگر آن تعلیق شود، ممکن است به بی‌معنا شدن کل قانون اساسی منجر شود. به نظر شما از بازنگری که عملاً باعث معلق ماندن دیگر بخش‌ها شده است فرا نرسیده است؟ و راهبرد شما برای اعمال اصلاحات و اعمال‌ات در قانون اساسی چیست؟ متشکرم.

موسوی: اگر بخواهم خلاصه جواب بدهم، اینکه قانون اساسی باید تغییری نکند -- درست نیست. خود قانون اساسی هم یک ساز و کارهایی درش پیش بینی شده و باید هم این طور باشد. اما این تغییر قانون اساسی چه موقع باید باشد؟ اگر موقع ضعف مردم باشد، موقعی که ساختارهای حکومتی خودسرانه عمل می کنند و حتا قوانین عادی مورد بی اعتنائی قرار می گیرند، طبیعی است که در چنین شرایطی اگر قانون اساسی تغییری پیدا کند یقینا به نفع مردم نخواهد بود. ما بحث تغییر قانون اساسی را باید زنده نگه داریم، باید باشد. چیزی که هست باید به این مسئله بپردازیم.

منتها در مواقعی که مردم بتوانند احقاق حق خودشان را بکنند و حضوری نیرومند در سطح ملی داشته باشند و همه اذعان بکنند که وزن حضور مردم، نیت مردم و خواست مردم به این ترتیب مهم است و تعیین کننده است. در این حالت می توان بدون تردید به اصطلاح مفید باشد در غیر این صورت فکر می کنم که خیلی

اثربخش نخواهد بود، شاید هم اثرات مخربی را ایجاد کند.

کروبی: ببینید، ۱۰ سال بعد از تدوین قانون اساسی امام دستور دادند که در مواردی قانون اصلاح شود و یکی از نعمتهای الهی این بود که امام جاهای خاصی را تعیین کرده بود. اگر به این چند جا محدودش نکرده بود - و اینکه امام وسط بازنگری قانون اساسی رحلت کرد خودش داستانی دارد - مسائلی رخ می داد که خودش ضرر داشت. قانون اساسی همیشه پس از هفت سال - ده سال بازنگری و (بازنگری قانون) طبیعی است.

اون موقع تازه مکانیسمی هم نداشت رهبری دستور داد اما الان دیگر دارد - اینکه مجلس تصویب کند و چه دستور العملی را پیاده شود، این ها همه اش تعیین شده. الان اصلا معنا ندارد قانون اساسی را تغییر بدهیم. خوب ما الان بیاییم این طرفیتی که قانون اساسی دارد را اجرا کنیم، این را عمل کنیم، برکات این را بچشیم، آن موقع اگر دیدیم ایرادی دارد آن موقع صحبت کنیم. در قانون

به صراحت آمده است که اسلامیت و جمهوریت قابل تغییر نیست، حالا عده‌ای می‌گویند که اصل جمهوریت را بردارید.

الان قانون اساسی را می‌گویند که مصلحتی بوده، برای اینکه دهان مردم را ببندند می‌گویند. داریم می‌بینیم، کم کم بعضی آقایان دارند امام هم می‌شوند، برایشان امام هم می‌گذارند و می‌گویند امام محمد غزالی هم امام بوده. این‌ها دارند امروز صحبت می‌کنند. بنابراین من می‌گویم باید تلاش کنیم که قانون اساسی اجرا شود، بسیاری از مشکلات حل می‌شود.

بیشتر هم من در قوه مقننه گذشته. قانون اساسی اینجا اجرا نمی‌شود، یکی دو تا اصل قانون اساسی را گرفته‌اند، هرچه در ذهن خودشان است بر گرده قانون اساسی بار می‌کنند. اختلافات همیشه بوده. یک چیزی مهندس اشاره کرد، حالا می‌گویند حرف کسی حق است، حرف او شاغول است هرکس خودش را با این اصلاح کرد حق است و اگر نکرد محارب است. بعضی

وقت ها از بوی این حرف ها وحشتم می گیرد. خوب مثلاً مگر طالبان چه می گفته؟ می گفته معیار این است جوری در مورد حق و باطل می گوید که یعنی کل دیگران باطل اند. پس دیگران چه می گویند؟ پس مراجع چه می گویند؟ پس اعضای شورای قبلی نگهبان چه می گویند؟ پس این همه چهره های فاضل و باسواد چه می گویند؟ این نیست. باید برگردیم به سوی قانون اساسی.

سایت کلمه: برنامه ۱۴ خرداد با تمام آن حواشی که مشاهده کردید، متأسفانه حواشی خوشایندی برای دوستداران خط امام و راه امام نبود برگزار شد. می خواستیم نظر شما دوبرگوار را نسبت به جسارتی که به بیت امام و سید حسن آقای خمینی شد بدانیم و اثرات آن را بر جامعه چگونه ارزیابی می فرمایید؟

موسوی: ۱۴ خرداد و روزهای حوال آن انتظار این بود که مراسم به گونه ای برگزار شود که مردم در صحنه حضور

داشته باشند و احساس خود را نسبت به اتهام خانواده امام ابراز کنند. خود آن روزها وسیله‌ای بشود و ریشه یابی بشود و ریشه‌های افکار و اندیشه‌ای ایشان بیشتر مطرح شود و ریشه‌های انقلاب اسلامی بیشتر راجع بهش بحث شود. متأسفانه به شکلی برگزار شد که ملت ما شاهدش بودند: کنترل شده، بسته و جلوی بسیاری از مراسمی که می‌خواست اجرا شود را گرفتند تا اینکه به یک شکل خاص نظامی این اتفاقی که در ۱۴ خرداد افتاد را شاهدش بودیم. اما من برداشتم این است که خود این اتفاق به خاطر نیت نادرستی که در ذهن ترتیب دهنده‌های برنامه به این شکل بود اثرات برعکس خودش را ایجاد کرد. من گمان می‌کنم که مردم در این اتفاقات به مظلومیت خط امام، مشی امام و خانواده امام بیشتر پی بردند.

حاج سید حسن آقا را مردم می‌شناختند، به عنوان چهره‌ای مغموم، مظلوم و آگاه در کنار مردم. ولی این اتفاقات باعث شد که مردم بیشتر ایشان را بشناسند.

ایشان فرد آگاهی است، در حوزه ها ریشه دارد و جزو مجتهدین هست، و شخص برجسته ای است و می تواند امیدی برای مردم ما در کنار روحانیت باشد. تمام این ها به نظر من از برکت این ۱۴ خرداد است. این اثرات برعکسی که ترتیب دهنده ها گرفتند. امروز که من به این اتفاقات نگاه می کنم ضمن اینکه آدم متاثر می شود از اتفاقاتی که افتاد با این حال می بینیم که نتایج دیگری برای ملت ما داشته و یقیناً در این مصاف خانواده امام درخشان تر و پر فروغ تر در صحنه ملی ظاهر شده و ما باید شکر گزار خداوند متعال باشیم از این مسئله.

کروبی: ببینید، درباره حادثه خرداد-اولا شما هم می دانید، آقا هم ۸ سال در حساسترین زمان نخست وزیر بوده اند می دانند. امام اصرار خاصی داشت که به مردم بگوید. مردم صاحب انقلاب اند، مردم انجام می دهند، به مردم خدمت کنید- همیشه مردم. آقای جمارانی آن موقع رییس اداره اوقاف بود گفت رفتیم

خدمت امام گفتم آقا یک سری مدارس قدیمی متروکه در تهران داریم. من می‌گویم که این‌ها را سازمان اوقاف باید متوالی باشد و حضور داشته باشد تا انجام شود. روحانیت مبارز که یک تشکل خاصی است می‌گوید نه، ما باید انجام دهیم. آقا شما چه می‌گویید؟ ما باید انجام دهیم یا آن‌ها؟ امام برگشت گفت هیچکدامتان. نه شما و نه آنها - علما. آقای آشتیانی یک چند تا از علمای قدیم تهران را اسم برد و گفت آن‌ها باید انجام دهند. این یک کار مردمی است. در هر کاری امام روی مردم تکیه دارد. خوب حالا یک سالگرد امام است. تحرک بود، دانشگاه‌ها تحرک بود، روحانیت تحرک بود، اصناف تحرک بود حتا نگذاشتند محل سکونت امام یک مراسمی انجام شود، طبق معمولی که انجام می‌شد. این خلاف مشی امام بود و تلخ بود ولی خوب هم جواب داد ولی خوب هم بود که بفه‌مند این شیوه‌ها چه قدر پیامدهای سهمگین دارد و چه مشکلاتی پیش می‌آید. بنابر این مخصوصا آن را که به اعلی می‌رسانند.

یک آدمی که فاضل، باسواد، نجیب که با شرح فضل و خصوصیت حسن آقا باید دید که چگونه چنین کاری را می توانند بکنند. این قدر این ها دارند بد عمل می کنند که می گویند مصطفوی. یا می گویند که فرزند امام اصلا سید نصراله است. این یعنی چه که به هویت مردم اهانت می کنید؟ چرا به مردمی با این تمدن و فرهنگ اهانت می کنید؟ این قدر آدمهایی بودند که در رکاب امام فداکاری کردند در دوران خفقان. خوب سید حسن آقا هم از همین بدشان می آید. اون موقع چوب و چماق و شکنجه بود و الان هم همین است. حالا اگر فرزند معنوی امام هم باشد در ایران کسی پیدا نمی شود، باید رفت سراغ سید حسن نصر الله؟ اینکه ما به سه میلیون جمعیت محترم بیاایم بگوییم که آقای فلانی، آیا این فرزند شماست، به شما بر نمی خورد؟ چه سنی، شیعه، مسیحی. این حرف ها چیست؟ به شما بر نمی خورد؟ روابط، بله، ارادت، بله، ام القری ایران، بله. علاقه به ایران دارید؟ بله.

ندای سبز آزادی: با سلام. سوالات من از پایگاه اطلاع رسانی ندای سبز آزادی مطرح می شود. سوال اولم از آقای میرحسین موسوی درباره استراتژی های جنبش سبز هست. آقای موسوی، با توجه به تنگناها و شرایط دشوار برای سیاست ورزی مدنی در داخل ایران چه راهی را برای ابراز وجود جنبش سبز پیشنهاد می کنید؟ اگر همچنین این روند عدم صدور مجوز راهپیمایی از سوی حاکمیت ادامه پیدا بکند و سرکوب و ارباب به همین شکل جریان داشته باشد، به چه روشی می توانیم جنبش سبز را در برابر حاکمیت به نمایش در بیاوریم؟

موسوی: سوالی است که همه جنبش سبز از همدیگر می کنند. و سوالی حیاتی است. البته ظهور و حضور مردم یکی از مجاری خوب کنش مردم در برابر وضعیت بوده و قطعاً اثر داشته. شما آن راهپیمایی تاریخی ۲۵ خرداد را در نظر بیاورید، که اصلاً در تاریخ ماند و اثرگذار شد و با هیچ پاک کنی پاک نمی شود و هر چه قدر هم تلاش کنیم نمی شود. شرایط عوض شده و ما

نباید مجموع فعالیا جنبش سبز را در حرکتهای خیابانی تعریف کنیم. به هر حال ارباب هم ادامه دارد و منافع سنگینی که پشت ایستادگی طرف مقابل وجود دارد.

متن ها به تناسب شیوه عملی که با آن روبرو می شوم این طبیعی است که جنبش هم بتواند راههایی را با خلاقیت خودش پیدا کند و به زیست خود ادامه دهد. من احساسم بر این است که مسئله بسط آگاهی اگر مهم ترین این جنبش باشد که در حقیقت هر چه فراگیرتر شود و قشرهای بیشتری را در بر گیرد در حقیقت زمینه را برای تغییر مناسب مهیا می کند، تنها یکی از راههای بسط آگاهی ظهور در خیابان است که به محض آمادگی شرایط باید از آن استفاده کرد. من فکر می کنم با شبکه گسترده اجتماعی که ایجاد شده هر کس بنا بر موقعیتش و محیطش می تواند به تناسب موقعیتش از گونه ای از بسط آگاهی استفاده کند. در دانشکده ها به یک شیوه، در تکیه ها و مساجد به شیوه دیگری، در محل کار و خانه به نوع دیگر.

ما هر کدام عضوی از ده‌ها شبکه گسترده اجتماعی هستیم و در تک‌تک آن‌ها اگر در کار خودمان، ایده سبز بیداری را زنده نگه داریم فرصت پیدا خواهیم کرد که آگاهی را گسترش دهیم. این همین چیزی است که آن‌ها از آن می‌ترسند. مثل اسفندیار رویین تن که تنها از نقطه چمانش آسیب پذیر است، و از همان نقطه رستم به او حمله می‌کند، این تنها نقطه‌ای است که کسانی که دنبال استبداد هستند از آن آسیب پذیر است. اگر این آگاهی گسترش یابد، نیروی عظیم مردم پشت سر خواست تغییر قرار می‌گیرد و زمینه برای فعالیتهای بیشتر فراهم خواهد شد. برای همین فکر می‌کنم که همانطور که در ماجرای ۱۴ خرداد تنگنایی که ایجاد کردند منجر به «خیل»ی شد، ما با این رویکرد باید با این مسئله روبرو شویم و محدودیت‌ها را هم باید تبدیل به فرصت کنیم. من واقعا اعتقاد دارم که شبکه پادیار نیرومندی از شبکه اجتماعی در کشور ایجاد شده، چه به صورت واقعی چه به صورت مجازی که قبل از

انتخابات در کشور حضور نداشت. این شبکه را ما باید گسترش دهیم در هر سطحی و از نظر فکری و مطبوعات تغذیه کنیم.

به اضافه اینکه یکی از جالب ترین فعالیتهای مردم در یک سال گذشته توسط هنرمندان صورت گرفته. این میراث جنبش را برای آتی حفظ می کند. من گمان می کنم که مردم باید کمک کنند که این فیلم ها، این عکس ها، این کلیپ ها، این فیلم هایی که توسط دوربین های موبایل گرفته می شود، این سایت ها و پوسترها باید گسترش پیدا کند. این ها بهترین وسیله ماست. این ها مثل یک ارتش عمل می کند. وقتی که نیروی نظامی در برابر ما قرار می دهند در واقع این سپاه ماست که می توه پیام جنبش را به همه مردم برساند. من می خواهم به لشکر آگاهی عرض کنم که فقط مخاطبان شان را روشنفکران در نظر نگیرند، بلکه معلمان، کارگران، کشاورزان و همه قشرهای مردم را مخاطب آگاهی قرار بدهند و ما در چنین حالتی احساس

تنگنا نخواهیم کرد بلکه خود این تنگناها باعث می‌شوند که بتوانیم فرصت‌های جدیدی را کشف کنیم.

کروبی: من هم فرمایشات آقا را کامل می‌دانم و در این باره صحبت نمی‌کنم. همین طور باید باشد و روز به روز نفوذ دارد قوی‌تر می‌شود و آگاهی باید گسترده‌تر شود.

ندای سبز آزادی: سوال دومم از آقای مهدی کروبی هست، درباره رابطه جنبش با نیروهای امنیتی. آقای کروبی، جنبش سبز چگونه می‌تواند سپاه و نیروهای امنیتی را به خود جذب کند تا این ابزار سرکوب حاکمیت تبدیل به اهرم حمایت از مطالبات مردم شود؟ چه اقداماتی انجام داده‌اید که با فرماندهان عالیرتبه سپاه سخن بگویید و آن‌ها را از سرکوب و خشونت باز دارید؟ آیا اساساً به نظر شما سپاه قابل بازگشت به مردم هست یا خیر؟

کروبی: سپاه نهادی است از انقلاب، فداکاری هم کرده. بسیج حتا وابسته به او بوده و همه ما هم در انقلاب و مجلس بسیج را دادیم به سپاه که بحث خاص خودش را

دارد. سپاه فداکاری های کرد که خوب درخشید و متاسفانه حرمت هایی انجام می دهند که چهره سپاه را مخدوش کنند و از طرف دیگر سپاه را در مسائل سیاسی و اقتصادی فعال کرده اند که مشکلاتی هم برای سپاه به وجود آمده و می آید، چون خلاف دستورامام عمل کرده اند. اما در عین حال همین سپاه کاری کرده اند با حرفه هایی که می زنند و عده ایشان هم که علنا روگردان شده اند. نمونه اش را هم می بینید که می آیند در تلویزیون سخنرانی کنند آن قضایا پیش می آید.

سپاه از همین مردم است، وابسته به همین مردم است، با دل مردم رابطه دارد، و ما نباید به ارگانی که این قدر فداکرای کرده آسیب بزنیم. اجمالا شرایطی را نه فقط برای سپاه، که برای افراد به وجود آورده اند که جرات نمی کنند با من تماس بگیرند. و گمان می کنند با این فشارها می شود کار کرد. مگر سپاه چند نفر نیرو دارد؟ چند نفر این هیاهو میدان داری می کنند؟

مجری: در آستانه ۲۲ خرداد هستیم در این فرصت تاریخی به عنوان آخرین صحبت هر دو بزرگوار چه صحبتی دارند؟

کروبی: عرض ادب و سلام و تقدیر و تشکر به مردم می‌کنیم. به خصوص به خانواده‌ها شهید داده، زندانی داده، مجروح داده، حتا افراد از کار بی‌کار شده، به آن‌ها هم عرض سلام و تشکر می‌کنیم.

موسوی: از مردم تشکر می‌کنم. مردم کار بزرگی انجام دادند. آنان در برابر سرکوب، زدن، حبس، بزرگ‌ترین توان را از خودشان نشان دادند و رفتارشان در تاریخ کشور ما بی‌نظیر بوده و من دعا می‌کنم که ان شاء اله خداوند خیر بدهد به این نیت‌ها و ایستادگی‌ها و یقین دارم که این ایستادگی‌ها و نیت‌ها نتیجه خواهد داد. و هیچ یک از افراد ملت نمی‌تواند مسائلی که بر مردم گذشته و نشانه مظلومیت مردم ماست را فراموش کند.

من جاهایی مسائلی را درباره کهریزک گفته‌ام، خبرهایی بود که درباره لخت کردن مردم و شلاق زدن

آن‌ها. صحنه‌هایی که تنها توانستیم برخی از آن‌ها را با امکانات محدودی که هست ببینیم. گفته می‌شود که هزاران فیلم دیگر هست که مطرح نشده و دیده نشده به خاطر ملاحظات که هست. همین صحنه‌ای که ماشین دوبار از روی یک نفر رد می‌شود مگر می‌شود از ذهن ادم پاک شود؟ این اهانت به کل مردم است. ملت این‌ها را دید و ایستاد و شجاعتش بیشتر شد. من یقین دارم با این روحیه‌ای که مردم دارند در شرایط مختلف مبارزه خودشان را ادامه خواهند داد و با حفظ روش مسالمت شیوه خودمان را ادامه خواهیم داد. ما ممکن است در یک صحنه خود را جمع کنیم ولی در صحنه دیگر حضور خود را ادامه خواهیم داد و این آینده ملت ماست و آینده کشور ماست، آینده مردم ماست، آینده فرزندان ماست. ما نمی‌خواهیم کز کرده باشیم و عده خاصی حکومت کنند و مردم به هیچ شمرده شوند، آزادی‌هی مردم سلب شود و دیگران بدون آنکه مردم به آن‌ها وکالتی داده باشند خود را وکیل مردم بدانند. بدانیم که

با تلاش و همت و فداکاری به دست می‌آید و همه بادی حاضر باشیم برای پرداخت هزینه‌های لازم و یقیناً خداوند این راه را حمایت خواهد کرد. الان در یک منظر بهتریم در مقایسه با یک سال پیش. ان شاء اله این راه را سبزتر و پربارتر ببینیم.

بیانیه مشترک مهدی کروی و میرحسین موسوی

برای حفظ جان و مال مردم، راهپیمایی برگزار نخواهد شد.

بسم الله الرحمن الرحيم

مردم آگاه و هوشیار ایران

حضور و مشارکت آگاهانه و مسئولانه شما در پای صندوق های اخذ رأی دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در سال گذشته و بهره گیری گسترده از حق رأی برای تعیین سرنوشت توسط یکایک شما، حرکتی عظیم و حماسه جاودانه بود که می رفت مسیر آینده کشور را از سرازیری مخوفی که گرفتار آن بود و امروز آشکارتر شده است به سمت افق های روشن و قلّه های افتخار که شایسته ملت بزرگ ایران است برگرداند که متأسفانه دستان نا پاک در آراء پاک شما دست برده و نتیجه به گونه ای اعلام شد که موجب حیرت همگانی

گردید و اعتراضات یک پارچه شما مردم آگاه در جهت احقاق حق از دست رفته را برانگیخت ولیکن صد افسوس راهپیمایی و حضور مسالمت آمیز شما به جای آنکه مورد توجه و رسیدگی قرار گیرد سرکوب شد و شما ملت همیشه سربلند هزینه های بسیاری را در طی یک سال گذشته برای احقاق حق به یغما رفته خود پرداخته اید. راهپیمایی بزرگ و فراموش نشدنی شما در ۲۵ خرداد سال گذشته سند حقانیتی است که گذشت زمان نیز نخواهد توانست از اعتبار آن بکاهد. انتظارات به حق شما مردم عزیز ما را بر آن داشت که جهت پاسداشت آن حماسه به یغما رفته و پیگیری مطالبات به حق ملّتی سرافراز که علیرغم همه سرکوب ها دست از روش مسالمت آمیز بر نداشته و امیدوارانه آینده روشن را برای کشور خود و فرزندان خود طلب می کنند برای سالگرد روز فراموش نشدنی ۲۲ خرداد در حماسه ملی در انتخابات تقاضای برگزاری راهپیمایی بنمائیم. ما نیز طبق اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی که بر

حق بی چون و چرای ملت در تظاهرات و اعتراض صراحت دارد و با هدف جلوگیری از بروز تنش و گرفتن بهانه از دست سرکوبگران و تأمین امنیت انتظامی ملت، درخواست برگزاری تجمع و راهپیمایی در سالروز حماسه ۲۲ خرداد از میدان امام حسین تا میدان آزادی را در موقع مقتضی تسلیم استانداری تهران و وزارت کشور نموده که متأسفانه با بهانه تراشی های متعدد این درخواست بی پاسخ مانده است.

لذا تعدادی از احزاب و گروه های اصلاح طلب جهت رفع بهانه جوئی ها درخواست مشابهی را به وزارت کشور ارائه دادند که سیر آن و پاسخ نهائی وزارت کشور به این درخواست در نامهٔ اخیر نمایندگان و احزاب اصلاح طلب آمده است و آنان اعلام کرده اند امیدی به اخذ مجوز از این دولت ندارند.

اکنون در حالی که ۴۸ ساعت به زمان پیش بینی شده برای راهپیمایی باقی نمانده است با عنایت به گزارش نمایندگان احزاب اصلاح طلب و نیز جهت حفظ جان و

مال مردم اعلام می داریم راهپیمایی پیش بینی شده برگزار نخواهد شد. بدیهی است با سابقه سیاه یک سال گذشته در سرکوب معترضان که تنها جرمشان طلب نمودن رأی خود به شیوه ی مسالمت آمیز بود و همچنین اخبار رسیده از سازماندهی مجدد افراطیون و سرکوبگران در جهت یورش به مردم بی دفاع و مظلوم، از مردم و معترضان می خواهیم خواسته و مطالبات به حق خود را از مجاری کم هزینه تر و موثرتری دنبال کنند.

این خودفریبی و ساده انگاری است که تصور شود با تهدید و تحقیر و دروغ در توپخانه هایتان توانسته اید حرکت اعتراضی مردم را منکوب و سرکوب کنید. علیرغم ادعاهای کرکننده رسانه به اصطلاح ملی صدا و سیما و مطبوعات حامی دولت مبنی بر تحلیل رفتن نیروهای جنبش اعتراضی مردم ایران، خود دست اندکاران و سیاستگذاران بیش از هر کس به این نکته واقفند که جنبش زنده است و افتخار واقعی از آن

کسانی ست که علیرغم همه تهدیدها و مخاطرات، نا امنی ها، علم به عواقب احتمالی مالی و جانی هنوز از اعتراض بحقشان دست نکشیده اند و حتی یک اعلام حضور کوچکشان، وحشت بر سرتاپای سرکوبگران می اندازد و لشگرکشی همه جانبه انتظامی و امنیتی را به دنبال می آورد.

و این رسم دولتی نامشروع است که جز به موافقان خود مجوز راهپیمایی نمی دهد با این حال راهی را که شما ملت بزرگ ایران برگزیده اید مسدود شدنی نیست و شما خلّاقانه نقش آفرینی خود را در این مسیر متجلّی خواهید ساخت و ما نیز در همه حال تا رسیدن صبح روشن فردا در کنار و همراه شما خواهیم بود.

والسلام علی من اتبع الهدی

مهدی کروبی و میرحسین موسوی

۲۰ خرداد ۱۳۸۹

اطلاعیه پیرامون ۲۲ خرداد و هتک حرمت بیوت مراجع

بسمه تعالی

خودداری از صدور مجوز راهپیمایی برای روز ۲۲ خرداد
بیش از هر چیز نشان دهنده ترس دولتیان از تکرار
حماسه ۲۵ خرداد سال ۸۸ است.

آرایش نظامی - امنیتی بی سابقه در تهران نشان می دهد
که علی رغم یک سال سرکوب و حبس و استفاده
یک سویه از صداوسیما و رسانه های دولتی و هزینه های
هزاران میلیارد تومانی، تمامیت طلبان نتوانسته اند
مردم را به صداقت و صحت عمل خود متقاعد سازند. که

اگر می توانستند چه نیاز به این همه هزینه و لشگرکشی و دروغ پردازی؟!

حمله به مردم و دانشجویان در روز ۲۲ خرداد و سپس حمله به دفتر مرجع بزرگوار حضرت آیت الله العظمی صانعی و حمله به دفتر حضرت آیت الله العظمی منتظری و توهین به جناب حجت الاسلام و المسلمین کربوبی از شدت بحران و اغتشاش فکری در میان مهاجمان خبر می دهد. ۲۲ خرداد ماه امسال، مردم بهانه ای به دست دولتیان ندادند تا با آن پیامدهای ناشی از قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت را، که به دلیل سوءمدیریت و سیاست های عوام فریبانه بر سر کشور و ملت ما تحمیل شده است، بپوشانند و نیز عواقب اقدامات منافقانه و ظالمانه در مراسم روز ۱۴ خرداد را از یادها ببرند.

۲۲ خرداد بلوغ جنبش عظیم سبز را نشان داد و نشان داد که هر شهروند سبز هر جا که باشد، از خانه و اداره و محل کار و کارخانه و مدرسه و خیابان، با ابتکارات و خلاقیت، خود یک جنبش است.

جنبش سبز آن آگاهی را دارد که به گونه ای عمل نکند تا تمامیت خواهان بتوانند پیامد سیاست های غلط خود را در زمینه های اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و سیاست خارجی پیوشانند. امروز دولتیان بیش از همیشه محتاج حادثه سازی های هستند که بتوانند تبعات مصائبی را که بر سر کشور آورده اند از چشم ها پنهان نگه دارند. حمله به دفتر یک مرجع عالی قدر و یکی از شاگردان مورد علاقه و محبت حضرت امام (ره) ورود به مرحله جدیدی از این بحران سازی ها است. ولی آمران و عاملان این اقدام خطرناک بدانند که حمله به مراجع و هتک حرمت و زیر فشار قرار دادن آنها تنها مشروعیت نظام را از بین می برد.

آیا فراموش کرده اند حمله به بیت حضرت امام (ره) بود که زمینه برچیدن پایه های استبداد را در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و سپس بهمن سال ۵۷ فراهم کرد و باز هم عبرت نمی گیرند؟

آیا با دانستن این تجربیات تاریخی است که بر شاخه می نشینند و بن می برند؟

میرحسین موسوی

۲۴ خرداد ۱۳۸۹

فصل سوم

نقشہ راہ؛

منشور جنبش سبز

بیانیه‌ی هجدهم

منشور جنبش سبز (ویراست نخست)

بسم الله الرحمن الرحيم

در اولین سال انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری با قامتی سرافراز، گرچه شلاق خورده، مجروح و حبس کشیده ایستاده ایم. با مطالباتی برای نیل به آزادی، عدالت اجتماعی و تحقق حاکمیت ملی و مطمئن از پیروزی به یاری حضرت حق، چرا که جز احقاق حق ملت چیزی نخواسته ایم.

“فاما الزبد فيذهب جفاء و اما ما ينفع الناس فيمكث في الارض”

اما كف به كناری رود و از بین رود، اما آنچه به مردم سود می‌رساند در زمین می‌ماند.

از دروغ، تخلف و تقلب به کار گرفته شده در انتخابات، سوال "رای من کجاست؟" زاده شد و شما مردم، روشن و بی ابهام به شیوه ای مسالمت آمیز در راهپیمایی تاریخی و بی نظیر ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ این سوال را پر قدرت و بلند فریاد زدید و جز کسانی که جهل و خرافه و منفعت پرستی و دروغ چشم و گوش آنها را بسته بود، در سطح ملی و جهان همه آن را شنیدند و دیدند. ولی پاسخ چه بود؟ جز داغ و درفش و کشتن و به حبس کردن و زنجیر به تن برهنه زندانیان زدن و حمله به خوابگاه‌های دانشجویی؟

به یقین فجایع کهریزک و آدم کشی های روزهای ۲۵ و ۳۰ خرداد و عاشورای حسینی از خاطره جمعی ملت پاک نخواهد شد و نباید هم پاک شود که خیانت به خون شهدا و بی گناهان است. ما چگونه می توانیم تیرهای مستقیم به مردم و زیر کردن آنها توسط ماشین پلیس را از یاد ببریم.

خون ها و رنج ها اما پرده های فریب و ریای تمامیت خواهان را دریدند و فساد نهادینه شده پشت پرده های قدیس نمایی را نمایان کردند و این رویدادهای تلخ و نحوه تعامل دولتیان با مردم به همه اقشار ملت ما از کارگران، معلمان، دانشجویان، روزنامه نگاران، استادان، روحانیون، کارآفرینان، بازاریان، زنان، مردان، جوانان و پیران و همه فعالین جنبش های اجتماعی و اقشار مستضعف و میانه نشان داد که ریشه مشکلات آنها در کجاست.

اینکه کشور ما بیشترین اعدام ها را نسبت به جمعیتش در جهان دارد، ناشی از بزهکاری گناهکاران نیست، ناشی از رخت بر بستن عدالت و مدیریت و حکومت خوب در جامعه ماست. و اینکه حتی مصلحت های روزمره و عاجل حکومت باعث نشده است که تمامیت خواهان و دولتیان دست از دروغ و فساد و خرافه و زیر پا نهادن قانون اساسی و سایر قوانین بردارند، نشان از نفوذ عمیق این زشتی ها در لایه های درونی نظام دارد،

گویا در این لایه ها ساختی محکم برای دفاع از منافی شکل گرفته است که از عایدی صدها میلیارد دلار درآمد نفتی و واردات سالانه ۷۰ میلیارد دلار کالا و سلطه بر نهادهای پولی و مالی بدون نظارت های موثر نشأت می گیرد.

امروز بیت المال در معرض یغمای یغماگران قدیس مآب است و هنوز ملت علی رغم ادعاها و دستوره های شدید از شناسایی و معرفی و محاکمه این مفسدان چیزی ندیده است. کجا رفت آن پرونده بزرگی که در مجلس باز شد و یک شبه در یک معامله پایاپای بسته شد؟

چه کسی جرات دارد پرونده واگذاری های بزرگ را به بهانه اجرای اصل ۴۴ به مراکز قدرت و نفوذ باز کند و پرده از این غارت بزرگ ملی که منجر به ایجاد انحصارهای بزرگ اقتصادی شده است، برکشد؟ چه کسی آن شجاعت را دارد که از فاجعه نبود کمترین نظارت مالی بر دستگاههای نظامی و امنیتی و نهادهای شبه دولتی که سراسر فضای اقتصادی کشور را تحت

تاثیر خود قرار داده اند دم بر آورد؟ و باز ملت ما سوال می کند که آیا این بود آن نظام اسلامی و عادلانه که در پی آن بودیم. شفافیت در مقابل ملت چه مشکلی ایجاد می کرد که به پنهان کاری از ملت پناه بردیم؟ آیا آن اصل طلایی شفافیت حکومت در مقابل ملت را از زبان پیر جماران یادمان رفته است که می گفت: “کاری نکنید که نتوانید به مردم توضیح دهید.”

یاران عزیز راه سبز امید!

یک سال از پیدایش جنبش بی نظیر سبز گذشته است و در این مدت سبزه ها مسافت بسیاری را در این مسیر امید طی کرده اند. به برکت دل بریدن از مساعدت دولتیان و روی آوردن به خانه های خود و قبله قراردادن آنها و توسعه شبکه های اجتماعی روابط پایدار قابل اتکایی بین آحاد ملت ایجاد شده است و شبکه های پایدار اجتماعی در حیطه آگاهی های سیاسی - اجتماعی و فرهنگی معجزه کرده اند. کافی است تنها به

تولیدات هنری این شبکه و میزان تبادل اخبار و اطلاعات و نظر و تحلیل که به صورت کاملاً دموکراتیک جریان دارد نگاهی انداخته شود. جنبش سبز موجی از گفتگو درباره مسائل مهم و سرنوشت ساز در حوزه عمومی بین مردم ایجاد کرده که در تاریخ معاصر ما بی نظیر بوده است.

امروز بیش از همیشه تاریخ، مردم متجاوزان به حقوق اساسی ملت را می شناسند و به نقض مکرر حقوق بشر و کرامت انسانی در نظام امنیتی - قضایی کشور آگاهی دارند و می دانند تا چه اندازه تمامیت خواهان در پایمال کردن میثاق مشترک ملی به ویژه در زمینه حقوق اساسی مردم پیش رفته اند. و در عین حال علی رغم حوادث تلخ و گزنده و خونبار، به برکت همین تعامل و گفتگوی جمعی، عقلانیت مردم همواره بر احساسات آنان غلبه کرده است و از این رو بدخواهان با تمام تلاش هایی که کردند نتوانستند مردم آسیب دیده و کشته داده و حبس دیده را به خشونت وا دارند. مبارزه و

ایستادگی از طریق مسالمت آمیز کارآمدترین اسلحه ما
درمقابل گلوله ها و باتوم های برقی و چماقداران و قداره
کشان بی فرهنگ و بد دهان بوده است.

توده های میلیونی ملت بزرگ امروز می بینند که چه
کسانی دشنه در دست به دنبال زنان، مردان، پیران و
جوانان می دوند و چه کسانی با برخورداری از فرهنگی
نازل، در تظاهرات و جمع های عمومی رکیک ترین
کلمات و جملات را بر زبان می آورند و مردم به جای
اینها، نماهنگ های زیبا ساخته اند و پوسترهای پرمعنا
به یکدیگر هدیه کرده اند و فیلم ها و عکس های بی
شماری از زندگی و مبارزه مردم تهیه و پخش کرده اند و
غصه ها و درد های خود را این چنین جاودانی کرده اند:

طفلی به نام شادی دیری ست گم شده ست

با چشم های روشن براق

با گیسویی بلند به بالای آرزو

هرکس از او نشانی دارد

ما را کند خبر

این هم نشان ما
یک سو خلیج فارس
سوی دگر خزر*

* استاد شفیعی کدکنی

یاران سبز راه امید!

در آغاز سال جدید صبر و استقامت، به توصیه دوستان منشوری برای هماهنگی و همدلی بیشتر و تقویت هویت مشترک جنبش سبز تهیه شده که در ادامه این مقدمه تقدیم می شود.

طبیعی است که متن پیشنهادی نتواند پاسخگوی همه سلیقه ها و مطالبات باشد. دلگرمی این همراه کوچک برای این معضل، راه حلی بود که تعدادی از رای دهندگان در آستانه انتخابات سال گذشته پیدا کردند. در زنجیره سبز میدان تجریش تا میدان راه آهن بودند کسانی که می گفتند میان بد و بدتر، بد را انتخاب می کنند و این انتخاب پیوستگی آن زنجیره محکم به یاد ماندنی را ممکن ساخت. اصلاح واقعی از همین تمیز و مسئولیت پذیری برای انتخاب این و یا آن شروع می شود.

این متن قدم اولین است و جنبش سبز در سیر تکاملی خود انشاءالله متن کاملتر و زیباتری خواهد آفرید.

“تلك الدار الاخرة نجعلها للذين لا يريدون علوا في الارض و لا فسادا و العاقبة للمتقين”

و آن سرای آخرت را برای کسانی قرار دادیم که خواهان برتری جویی و فساد در زمین نیستند، و فرجام نیکو از آن پرهیزگاران است.

ریشه ها و اهداف

۱- بروز انحرافات گوناگون و موانع بتدریج سازمان یافته در مسیر تحقق اهداف و آرمان هایی چون عدالت، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی که مردم به خاطر آنها انقلاب شکوهمند اسلامی را به پا کردند، ظهور گرایشات تمامیت خواهانه در میان برخی از مسؤولین حکومتی، نقض حقوق بنیادین شهروندان، بی حرمتی به کرامت انسانی، سوءمدیریت دولتی، افزایش فاصله

طبقاتی و محرومیت های اقتصادی و اجتماعی، قانون گریزی بل قانون ستیزی برخی مجریان قانون، نادیده گرفتن منافع ملی و مآجراجویی های عوامفریبانه در تعاملات بین المللی، فراموشی تدریجی و دردناک اخلاق و معنویت برای قدرت عواملی است که به نضج گیری نگرش های اعتراضی در میان دلسوختگان، دردمندان و قاطبه مردم ایران در سال های اخیر انجامید که بروز بارز و نیرومند آن در جنبش سبز مردم ایران پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ جلوه کرد.

۲- جنبش سبز با پایبندی به اصول و ارزشهای بنیادین انسانی، اخلاقی و دینی و ایرانی، خود را پالایش گر و اصلاح گر روند طی شده در نظام جمهوری اسلامی ایران در سال های پس از انقلاب می داند و بر این اساس حرکت در چارچوب قانون اساسی و احترام به نظر و رای مردم را وجه همت خویش قرار خواهد داد.

۳- جنبش سبز حرکتی در تداوم تلاش مردم ایران برای دستیابی به آزادی و عدالت اجتماعی و تحقق حاکمیت ملی است که پیش از این در برهه هایی چون انقلاب مشروطیت، جنبش ملی شدن نفت و انقلاب اسلامی خود را جلوه گر ساخته است.

۴- بازخوانی تجربه معاصر در تلاش برای تحقق اهداف والای اجتماعی مردم ایران نشان میدهد که تنها از طریق تقویت جامعه مدنی، گسترش فضای گفتگوی اجتماعی، ارتقاء سطح آگاهی و جریان آزاد اطلاعات، مشارکت موثر احزاب و تشکل ها و همچنین زمینه پردازی برای فعالیت آزاد روشنفکران و فعالان اجتماعی - سیاسی وفادار به منافع ملی در چارچوب تحول خواهی و ایجاد تغییر در وضعیت موجود می توان اهداف جنبش سبز را عملی کرد و این امر مستلزم توافق و تاکید بر اصول حداقلی و مطالبات مشترک و ایجاد تعامل و هماهنگی میان همه نیروهایی است که علی رغم داشتن هویت مستقل با پذیرش تکثر در

درون جنبش، زیر چتر فراگیر جنبش درکنار یکدیگر قرار می گیرند.

راه کارهای بنیادین

۱- جنبش سبز، یک حرکت اجتماعی فراگیر است که هرگز خود را مبری از خطا نمی انگارد و با نفی هرگونه مطلق نگری شرک آلود، بر گسترش فضای نقد و گفتگو در درون و بیرون جنبش تاکید دارد. دیده بانی سیر حرکت و تحول جنبش از سوی همه فعالان و به خصوص صاحبان اندیشه و عمل امری حیاتی است که می تواند جنبش را از لغزش به ورطه تمامیت خواهی و فساد بر حذر دارد.

۲- در نگاه فعالان جنبش سبز، مردم ایران همه خواهان ایرانی آباد سرفراز و سربلند هستند. جنبش سبز موافق تکرر و مخالف انحصارطلبی است. در نتیجه، دشمنی و کینه توزی با بدنه اجتماعی هیچ بخشی از جامعه جایی در جنبش ندارد. تلاش برای گفتگو و تعامل با رقبا و مخالفان در فضایی سالم و آگاهی بخشی درباره

اهداف و اصول جنبش وظیفه همه افرادی است که خود را آگاهانه در زمره فعالان جنبش سبز می‌انگارند. ما همه ایرانی هستیم و ایران متعلق به همه ماست.

۳- گسترش و فعال سازی شبکه های اجتماعی - واقعی و مجازی- و تعمیق فضای گفتگو بر سر اهداف و بنیان های هویتی جنبش از جمله راهکارهای محوری است که مستلزم توجه ویژه کلیه فعالان سبز است.

۴- جنبش سبز در عین تاکید مصرانه بر حفظ استقلال و مرزبندی با نیروهای غیرملی و خارجی، در جستجوی راهی منزوی همراه با دگر ستیزی نبوده و اسیر گرایشات تعصب آلود نمیشود. عدالت، آزادی، استقلال، کرامت انسانی و معنویت ارزشهای جهانی هستند و تجربه آموزی از ملتهایی که برای دستیابی به این ارزشها تلاش کرده اند و همچنین استقبال از نقد و نظر مشفقانه همه آزادیخواهان و صلح طلبانی که برای رهایی نوع بشر و کرامت انسانها تلاش می کنند از دیگر راه کارهای جنبش است.

هویت سبز

گنجینه ایرانی - اسلامی:

۱- جنبش سبز با پذیرش تکثر درون جنبش بر استمرار حضور دین رحمانی سرشار از رحمت، شفقت، معنویت، اخلاق و تکریم انسان تاکید دارد و راه تقویت ارزش های دینی در جامعه را تحکیم وجه اخلاقی و رحمانی دین مبین اسلام و نظام جمهوری اسلامی ایران می داند. ایجاد پیوند میان میراث ایرانی-اسلامی و شوق به توسعه و پیشرفت در جامعه، پرهیز از اکراه مردم به تقید به مرام، مسلک و رویه خاص و همچنین مبارزه با استفاده ابزاری از دین و حفظ استقلال نهادهای دینی و روحانی از حکومت تنها راه حفظ جایگاه والای دین و تداوم نقش برجسته آن در جامعه ایران است که به عنوان یکی از اصول بنیادین جنبش سبز در سرلوحه امور جای می گیرند.

۲- رمز بقای تمدن ایرانی - اسلامی همانا همزیستی و همگرایی ارزش های دینی و ملی در طول تاریخ این

سرزمین است. در این راستا، جنبش سبز بر حفظ و تقویت ارزش های والای فرهنگ ایرانی و سرمایه های غنی انباشته شده در رسوم و مناسبت های ملی تاکید می ورزد و در این راه تقدس زدایی از تعصبات نابجا و آگاهی بخشی درباره ویژگی های هویت آفرین آیین های ملی و مذهبی را وجه همت خویش قرار می دهد.

۳- ملت ایران در تاریخ مبارزات خویش برای کسب آزادی و استقلال، بارها خودباوری و اتحاد بر سر اصول را به نمایش گذاشته است. جنبش سبز ملت ایران با اتکا به این میراث گرانبها و با تکیه بر خرد جمعی و نفی هرگونه خودمداری و خودخواهی در تلاش برای تحقق اهداف خویش، دستیابی به اجماع آگاهانه بر خصیصه های هویت آفرین و کنار گذاشتن عناصر تشّت ز را مورد نظر دارد و این امر را تنها با تکیا به عقلانیتی میسر می داند که حاصل جمع خردهای مختلف و مبتنی بر نظام عقلانیت توحیدی باشد.

۴- جنبش سبز جنبشی ایرانی- اسلامی است که در جستجوی دستیابی به ایرانی آباد، آزاد و پیشرفته است. بر این اساس، هر فرد ایرانی که توسل به خرد جمعی توحیدی را به عنوان مبنای تلاش برای ایجاد فردای بهتر برای میهن خویش بپذیرد در زمره فعالان جنبش سبز به شمار می آید. جنبش "ایران را متعلق به همه ایرانیان می داند".

حق حاکمیت مردم

۱- حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش از جمله اصول خدشه ناپذیر جنبش سبز است و نهاد انتخابات به عنوان مناسب ترین شیوه تحقق این اصل مدنظر این جنبش قرار می گیرد. براین اساس، جنبش سبز تلاش های خود برای صیانت از آرای مردم را تا زمان استقرار نظام انتخاباتی آزاد، رقابتی، غیرگزینشی و منصفانه که شفافیت و سلامت آن کاملاً قابل تضمین باشد، ادامه خواهد داد. رای و خواست مردم منشا مشروعیت قدرت سیاسی است و جنبش سبز اعمال هر گونه صلاحیت

خودسرانه و گزینشی تحت عنوان نظارت استصوابی را مغایر با قانون اساسی، حق تعیین سرنوشت مردم و حقوق بنیادین آنها دانسته و با آن مبارزه میکند.

۲- دستیابی به اهدافی چون آزادی و عدالت تنها بر پایه توجه به منافع ملی و حفظ استقلال میسر است. جنبش سبز با آگاهی از این امر، نسبت به هر اقدامی که برخلاف منافع ملی و ناقض اصل استقلال باشد مبارزه می کند و این مسئله را در زمره موازین محوری خویش می داند.

ارزش های جنبش سبز

کرامت انسان ها و پرهیز از خشونت

۱- نخستین ارزش اجتماعی مدنظر جنبش سبز دفاع از کرامت انسانی و حقوق بنیادین بشر فارغ از ایدئولوژی، مذهب، جنسیت، قومیت و موقعیت اجتماعی است. استقرار و تضمین موازین حقوق بشر به عنوان یکی از مهمترین دستاوردهای بشری و حاصل خرد جمعی همه انسانها مورد تایید و تاکید جنبش سبز

است. این حقوق خدادادی است و هیچ فرمانروا، دولت، مجلس یا قدرتی نمی تواند آنها را لغو یا به صورت ناموجه و خودسرانه محدود کند. تحقق این امر مستلزم احترام به اصولی چون برابری، مدارا، گفتگو، حل مسالمت آمیز مناقشات و صلح طلبی است که خود در پرتو ایجاد زمینه های لازم برای فعالیت آزاد رسانه های مستقل، جلوگیری از سانسور، دسترسی آزاد به اطلاعات، گسترش و تعمیق جامعه مدنی، احترام به حریم خصوصی افراد، فعالیت آزادانه شبکه های اجتماعی غیر دولتی و اصلاح قواعد و مقررات در جهت حذف هرگونه تبعیض میان شهروندان امکان پذیر است.

۲- جنبش سبز یک جنبش مدنی است که پرهیز از خشونت و حرکت در چارچوب موازین مبارزه مدنی را سرلوحه خویش قرار می دهد. این جنبش با اعتقاد به اینکه "مردم" تنها قربانی خشونت در هر زمینه ای خواهند بود، گفتگو، مبارزه مسالمت آمیز و توسل به راهکارهای غیر خشونت آمیز را ارزشی خدشه ناپذیر

می داند. جنبش سبز با توجه به شرایط و مقتضیات، از کلیه ظرفیتهای مبارزه مسالمت آمیز استفاده خواهد کرد.

عدالت، آزادی و برابری

۳- عدالت جایگاه والایی در میان ارزش ها و آرمان های جنبش سبز به خود اختصاص می دهد. توزیع عادلانه امکانات، چه در بعد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و چه در ابعاد دیگر حیات انسانی از جمله اهداف خدشه ناپذیر جنبش سبز است که لازم است برای دستیابی به آن، تمامی تلاش های ممکن انجام شود.

گسترش عدالت در جامعه تنها در صورتی امکان پذیر است که نظام حاکم بر کشور - در عرصه داخلی و خارجی - کاملاً مستقل و فارغ از وابستگی به نهادها و قدرت های سیاسی، طبقاتی و اقتصادی عمل کند و بتواند توسعه اقتصادی و ترقی کشور را به نحوی که رفاه و عدالت اجتماعی برای همه مردم ایران فراهم شود، تضمین کند.

۴- جنبش سبز با عنایت به لزوم تامین خواست ها و مطالبات به حق تمامی اقشار و طبقات اجتماع، بر پیوند با اقشار متوسط و کم درآمد اجتماع - که در برابر فشارهای اجتماعی/سیاسی ضعیف تر هستند - تاکید دارد. این جنبش با الهام از اصل نهم قانون اساسی، با سلب حقوق اساسی مردم به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور مخالف است و با تاکید بر استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، یگانه راه حفظ منافع ملی و دفاع از مرزهای میهن را "حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش" در تمامی ابعاد می داند.

۵- برقراری آزادی و برابری از اهداف انکارناپذیر انقلاب اسلامی است که جنبش سبز نیز بر ضرورت دستیابی به آن تاکید دارد. نفی هرگونه انحصار فکری، رسانه ای و سیاسی و همچنین مبارزه با حذف فیزیکی هر اندیشه و دیدگاه در سرلوحه اهداف جنبش سبز قرار دارد. ضروری است در این جهت، برای رهایی مردم از هرگونه سلطه سیاسی (استبداد و انحصار طلبی)،

اجتماعی (تبعیض و نابرابری های اجتماعی) و فرهنگی (وابستگی و تقید فکری) تلاش شود. جنبش سبز بر حمایت از حقوق زنان، نفی هر گونه تبعیض جنسیتی و حمایت از حقوق اقلیتها و اقوام تاکید ویژه دارد.

۶- جنبش سبز بر این باور است که امنیت تنها امنیت دولت نیست، امنیت انسانی تک تک شهروندان ایرانی است. امنیت برای آحاد مردم باید برقرار شود تا آزاد از ترس و رها از نیاز تحت حمایت قانون زندگی کنند. مداخله نیروهای نظامی و انتظامی در امور سیاسی، هر گونه دخالت افراد غیر مسول در امور انتظامی و سلطه نیروهای امنیتی و انتظامی بر مقامات قضایی مخل امنیت دولت و ملت است. استقلال قوه قضاییه، عدم مداخله نیروهای نظامی در امور سیاسی و اقتصادی و برخورد با سازمان دهندگان و اعضاء گروههای موسوم به لباس شخصی از خواستههای جدی جنبش سبز است.

۷- اجرای تمامی اصول قانون اساسی و به ویژه اصول ناظر بر حقوق ملت (فصل سوم) هدف و خواست تجدیدنپذیر و حتمی جنبش سبز است.

۸- آزادی زندانیان سیاسی، رفع محدودیت های غیر قانونی و نگاه امنیتی علیه فعالیت احزاب و گروهها و جنبش های اجتماعی چون جنبش زنان، جنبش دانشجویی، جنبش های کارگری، جنبش های اجتماعی و امثال آن، و همچنین محاکمه عادلانه آمران و عاملان تقلب در انتخابات، شکنجه و کشتن معترضان به نتیجه انتخابات، و افشاء و محاکمه نظریه پردازان و حامیان خشونت در لایه های مختلف حکومت از راهکارهای روشنی است که در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد.

اخلاق مداری و احترام به خلاقیت های فردی و اجتماعی

۱- با کمال تأسف باید اذعان کرد که اتخاذ سیاست های نادرست سیاسی، اجتماعی، اقتصادی از سوی

حاکمان به افول اخلاق و تنزل سطح سرمایه اجتماعی در جامعه منجر شده است. جنبش سبز با تاکید بر ضرورت احیای اخلاق به مثابه فصل مشترک و پیوند دهنده حیات اجتماعی مردم ایران، در مبارزات خود برای اجرای حقوق ملت، کاملاً نسبت به اصول اخلاقی پایبند خواهد بود.

۲- جنبش سبز را نه می توان یک حزب متمرکز دانست و نه مجموعه ای از افراد سازمان نیافته و بی هدف. مرور تجربه تاریخی مردم ایران نشان می دهد که آنها همواره و در بزنگاههای تاریخی، هوشیاری، توانایی و درک والای خویش را به منصف ظهور رسانده اند و با تکیه بر قوای خلاقه خویش، راه را برای دستیابی به اهداف خود هموار ساخته اند.

جنبش سبز بر پایه اصول و مبادی بنیادین خود، با تکیه بر شبکه های اجتماعی بر فهم، اندیشه و نوآوری های مدنی ملت ایران تکیه دارد و دستیابی به آرمان هایی چون عدالت و آزادی را به شکوفایی این خلاقیت ها

منوط می داند. شعار “هر ایرانی، یک ستاد” اینک می تواند به شعار “هر ایرانی، یک جنبش” تبدیل شود.

قانون گرایی و مذاکره

۱- جنبش سبز با پیگیری اهداف و آرمان های همیشگی انقلاب اسلامی و با اتکا به بازخوانی انتقادی تحولات صورت گرفته پس از انقلاب - به خصوص در عرصه روابط ملت و دولت - برپایه میثاق مشترک مردم ایران یعنی قانون اساسی، در پی دستیابی به آینده ای روشن برای ملت ایران است.

۲- در این راستا، “اجرای بدون تنازل قانون اساسی” راهکار اصلی و بنیادین جنبش سبز است. این جنبش بر این باور است که تنها با بازگشت به قانون و الزام نهادهای مختلف به رعایت آن و برخورد با متخلفان از قانون در هر موقعیت و جایگاه، می توان از بحران های مختلفی که دامنگیر شده است رهایی یافت و در راه ترقی و توسعه میهن گام برداشت. جنبش سبز در عین

حال کاملاً توجه دارد که قانونگرایی به معنای استفاده ابزاری از قانون توسط حاکمان نیست. باید شرایطی فراهم آورد تا قانون وسیله اعمال خشونت های ناروا و موهن، نقض حقوق بنیادین شهروندان قرار نگیرد و خشونت، بی عدالتی و تبعیض قانونی نشود.

۳- قوانین کشوری و از جمله قانون اساسی متونی همیشگی و تغییر ناپذیر نیستند. هر ملتی این حق را داراست که با تصحیح سیر حرکتی خویش، به اصلاح در قوانین جاری اقدام کند. اما باید توجه داشت که تنها تغییر و اصلاحی در قانون اساسی مورد پذیرش است که در فرایند مذاکره و گفتگوی اجتماعی و با مشارکت همه اقشار و گروههای اجتماعی و با پرهیز از تصلب و انحصارگرایی و زورگویی صورت پذیرد.

۴- گسترش جامعه مدنی و تقویت حوزه عمومی در زمره اصول اساسی جنبش سبز است. این جنبش بر این باور است که حفظ منافع ملی و دستیابی به اهداف انقلاب اسلامی و همچنین کاستن از تبعات ناخوشایند

بحران موجود مستلزم مذاکره و گفتگو میان نمایندگان گروه‌های مختلف فکری و سیاسی است و در این راستا از هرگونه دعوت به مذاکره و گفتگوی شفاف به منظور دفاع از حقوق مردم و حل منازعات اجتماعی استقبال می‌کند.

۵- این جنبش خواهان قدرت بخشی به اقتصاد کشور در صحنه بین‌المللی و سرمایه گذاری و افزایش قدرت خرید مردم ایران است. جنبش سبز خواهان سیاست خارجی عقلانی و عزتمند مبتنی بر تعامل شفاف و سازنده با دنیا و طرد دیپلماسی ماجراجویانه و عوام فریبانه و ارتقاء شان ملت بزرگ و تاریخی ایران در جهان است.

همراه کوچک جنبش سبز

میرحسین موسوی

۲۵ خرداد ۱۳۸۹

پیام تسلیت به مناسبت رحلت علامه محمد حسین فضل الله

بسم الله الرحمن الرحيم

رحلت عالم روحانی و فقیه نواندیش آیت الله سید محمد حسین فضل الله از مراجع درد آشنای جهان اسلام را به ملت لبنان و پیروان و خانواده محترم ایشان تسلیت می‌گوییم .

او شخصیتی مجاهد و فقیهی آزاد اندیش بود که همواره با تکیه بر دانش فراوان و نگاهی آگاهانه و دور از تحجر راهگشای ملت خود و مسلمانان جهان بود. امید است روش و بینش روشنگرانه او توسط عالمان متعهد و شاگردان دلسوز ایشان دنبال شود. مسلمانان امروز نیازمند فقیهان شجاع، آگاه و نواندیش چون ایشان هستند تا بتوانند در دنیای متحول امروز درکنار

آزادیخواهان روشنفکر و دانشمندان متعهد راه را بسوی
آینده باز کنند و در میان جامعه بشری جایگاه شایسته
خود را بدست آورند .

میرحسین موسوی

۱۴ تیر ۱۳۸۹

یادداشتی پیرامون قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد

تحریم ها آخرین میخ را به تابوت چشم انداز بیست ساله خواهد کوبید

۱۶ تیر ۱۳۸۹

سرانجام و متاسفانه قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت صادر شد. قطعنامه و قطعنامه‌هایی که می‌توانست با تدبیر و عقلانیت بر کشور ما تحمیل نشود. تاکید بر این واقعیت نمک پاشیدن روی زخم نیست؛ بلکه از آن روست که تجاehl در این زمینه پیامدهای آن را وخیم‌تر خواهد ساخت. اینکه بگوئیم این قطعنامه چون یک دستمال استفاده شده است مصائب ناشی از سیاستهای پرهیاهو و عوامفریبانه را تخفیف نخواهد داد. البته در این می‌ان، فحش و توهین به کشورهای دیگر ممکن

است مصرف داخلی برای عده‌ای کم اطلاع داشته باشد اما در واقعیت بیرونی جز بدتر کردن اوضاع تاثیری نخواهد داشت. مگر تردید داریم که مسئولان این کشورها همواره منافع خود را در چهارچوب منافع ملی کشورشان تعریف می‌کنند و نه متاسفانه مانند برخی از سیاستمداران ما که منافع خود و جناح خود رابه جای منافع ملی جا می‌زنند. من امیدوارم که ملت ما به پاسخی که وزیر امور خارجه روسیه به یکی از سخنرانی‌های عوامانه داد دقت کرده باشند. این جوابیه یک واقعیت بدیهی در روابط بین الملل را تکرار می‌کند و اینکه برای روسیه (و شما کشورهای دیگر چون آمریکا، چین، ترکیه و برزیل و... را اضافه کنید) مهم‌ترین مساله حفظ منافع ملی روسیه است، اگرچه درک این نکته ساده برای کسانی که اسیر منافع کوتاه مدت خویشند مشکل باشد. برای اینجانب مانند روز روشن است که این قطعنامه بر امنیت و اقتصاد کشور ما اثر خواهد گذاشت. تولید ناخالص را پائین خواهد آورد،

بیکاری را بیشتر خواهد کرد، مردم را در تنگنای مشکلات بیشتر معیشتی و اجتماعی قرار خواهد داد، فاصله ما را از کشورهای در حال رشد جهان بویژه کشورهای همسایه رقیب بیشتر خواهد ساخت و آخرین میخ را بر تابوت چشم انداز بیست ساله خواهد کوبید. کدام عقل سلیم است که نداند کشور ما امروز پس از صدور قطعنامه آسیب پذیرتر و منزوی تر از گذشته شده است؟

سرنوشت کشورهای دیگر در منطقه که در دام لفاظی های مغرورانه و میان تهی دولتیانشان افتادند و سرنوشت شوم و ترحم برانگیزی پیدا کردند باید جلوی چشم همه ما باشد .

آنچه در شرایط کنونی مهم است، اندیشیدن به راه حل هایی است که بتواند احتمالات خطر را برای استقلال، تمامیت ارضی و حقوق مشروع کشور به حداقل برساند و در عین حال پاسدار آزادی و حقوق شهروندان باشد که حفظ امنیت ملی بدون پشتوانه شهروندانی آزاد و

آگاه ممکن نیست. شبکه های سبز مشفقانه به راه حل‌هایی که می‌تواند به دفع این شر عارض گشته کمک کند پردازند. قبل از اشاره به تعدادی از این راه حل‌ها تاکید بر محکومیت این قطعنامه ظالمانه ضروری است. ما در شرایطی محکوم می‌شویم که به سادگی از جنایات در سرزمینهای اشغال شده فلسطین و بمبهای هسته‌ای آن غمض عین می‌شود و حق استفاده صلح آمیز از تکنولوژی هسته‌ای از ما دریغ می‌گردد. بی‌تردید این یک قطعنامه بر ضد ملت ماست. گرچه در کنار آن ما نمی‌توانیم از تاثیر سیاستهای ماجراجویانه و مغشوش چشم‌پوشیم...

۱- اولین ضروری‌ترین راه حل و حتی فوری‌ترین آن اطلاع رسانی صادقانه به ملت است. این حق مردم است که ماهیت قطعنامه و تحریم‌های دیگری که در حال افزوده شدن به آن است بشناسند. باید آن‌ها بدانند این تحریم‌ها چه اثری بر سفره آن‌ها و روی نرخ بیکاری و تورم و تولید و پیشرفت کشور و امنیت می‌گذارد. صرفاً

گفتن اینکه این قطعنامه یک ورق پاره است مشکل مردم و کشور را حل نمی‌کند. اگر قرار است مردم در مقابل بحرانی که ناخواسته در حال ورود به آن هستند مقاومت کنند ضرورت دارد که اعتماد آن‌ها جلب شود و اعتماد جز از طریق راستگویی حکومت و شفافیت اطلاعات بدست نمی‌آید .

۲- از مواردی که لازم است مردم حتما بدانند خطرات امنیتی قابل پیش بینی ناشی از قطعنامه جدید است. بسیاری از ملت ما نمی‌دانند مسیری که با ندانم کاری و گزافه گوئی‌های بی‌مورد در آن افتاده‌ایم تاچه حد خطرناک است. اینکه کسانی بخواهند با بذله گوئی و رجزخوانی خیال خود و مردم را راحت کنند خیانت به مردم است. اگر می‌خواهیم آمادگی مردم را به عنوان مهم‌ترین عامل بازدارندگی در مقابل خطرات احتمالی قرار دهیم باید در حد ممکن پیامدهای احتمالی امنیتی شرایط موجود را به اطلاع آن‌ها برسانیم. اگر این اقدام برای مسوولان کشور دشوار است حداقل رسانه‌های غیر

دولتی آزاد گذاشته شوند که بدون اغراق و دلسوزانه اطلاعات و تحلیل های لازم را به مردم انتقال بدهند .

۳- شرایط تازه ایجاب می کند که دایره مشاوران پرونده حساس هسته ای گسترده تر شود. تا آنجا که نویسندگان اطلاع دارد بر خلاف دوران جناب آقای خاتمی عده کمتر و کم تجربه تری درگیر این پرونده حساس هستند. و به طور قطع یکی از دلایل ورود به این مرحله ناخوشایند و بحرانی تنگ بودن دایره مشاوران زبده است. در کشورهای موفق دولت ها علیرغم برخورداری از مشروعیت ناشی از رعایت میثاق های ملی سعی می کنند در چنین مواردی از عقلانیت جمعی و حتی اجماع نسبی استفاده کنند. چه اشکالی دارد همچون پرونده گروگان های امریکائی، تصمیم گیری در مورد اصول حاکم بر سیاست هسته ای کشور به تصویب مجلس برسد، نه آنکه مجلس در آخر کار با مصوبات فرمایشی خرابکاری های تصمیم گیران را توجیه نماید. چرا باید چند نفر پنهان از نظر مردم در مورد پرونده

هائی که به سرنوشت همه ملت مربوط است تصمیم بگیرند؟ مگر قرار نبود مردم حاکم بر سرنوشت خود باشند؟ چرا فکر کنیم که مردم باید با هرچه ما تصمیم گرفتیم موافق باشند؟ آیا اصل مربوط به رفراندوم جنبه زینتی دارد که هر زمان برای حل مسائل مهم کشور به آن اشاره می‌شود طوفانی از اتهام و توهین راه می‌افتد؟ آیا جای آن نیست که در موارد حساس نظر ملت را از این طریق پشت سر تصمیمات مهم قرار دهیم؟

۴- در شرایط کنونی شکاف بین ملت و دولت، خطر بیگانگان و بد خواهان از همیشه بیشتر است. نتایج ناشی از تقلب انتخاباتی و سرکوبهای بعد از انتخابات و مصائب ناشی از سوء مدیریت‌ها و فساد و دروغ و آشفته‌گی سیاستهای اقتصادی و فرهنگی منجر به بحران اعتماد به حکومت و فاصله گرفتن مردم از دست اندرکاران شده است. امروز ضرورت پرداختن به راه‌های شبیه آنچه در بیانیه شماره ۱۷ آمده است بیش از همیشه خود را نشان می‌دهد. یک دولت نامشروع و

سرکوبگر و در حال جنگ با ملت خود نمی تواند در مقابل تهدیدات بیگانه مقاومت نماید. در چنین حالتی یا باید به بیگانگان باج دهد و یا کشور را در آستانه خطرات مهلک افکند. در این وضعیت ایجاد دورنمای اطمینان بخش برای انتخابات آزاد و رقابتی و غیر گزینشی و آزادی مطبوعات و رسانه ها و آزادی زندانیان سیاسی و رسیدگی جدی به خانواده های شهدا و آسیب دیدگان یک امر حیاتی است. اگر سرمایه ما در همآوردی با شرایط خطر کنونی، ملت است باید به ملت و آراء و نظرات آن احترام گذاشت و در هر تصمیمی اکنون قبل از همه به تاثیرات آن بر زندگی کارمندان و کارگران و معلمان و اقشار حقوق بگیر و مستضعف اندیشید. این عادلانه نیست که اقشار تهیدست و جوانان جویای کار چوب تصمیمات مستبدانه و ماجراجویانه دولت را بخورند. و درعین حال همه شاهد باشند یک عده عربده کش چماقدار که به جان و مال و آبروی مردم در روز روشن افتاده اند به عنوان طرفداری از دولت در روز

روشن از به توپ بستن مجلس سخن بگویند. آیا این است شیوهٔ اداره جهان؟

۵- با کینه‌ها و دشمن تراشی‌ها و تصفیه‌های جناحی، نظام بیش از همیشه دستانش از نیروهای کارآمد خالی است. تاملی اندک به ماجراهای سال گذشته نیویورک و کنفرانس ژنو می‌تواند ضعف مفرط دولتیان را نشان دهد. کشور امروز برای عبور از این بحران خطرناک نیازمند استفاده از همه ظرفیتهای مدیریتی خویش است. خطر آنچنان مهم است که به خاطر آن استفاده از تجربیات و منزلت شخصیت‌هایی چون جنابان هاشمی و خاتمی و روحانی و آقازاده و لاریجانی و... ضرورت داشته باشد. آیا تامل بر انگیز نیست که از مسافرت رئیس‌جمهور سابق کشور (با احترامی که در سطح بین الملل دارد) برای استفاده از تریبونی که می‌توانست در آن از حقوق ملت در زمینه هسته‌ای دفاع نماید جلوگیری شود؟ کیست که نداند اغلب مدیران برجسته و نیروهای زبده برای اداره کشور در شرایط بحرانی

کنونی ازمدار تصمیم گیری ها و سیاستگزاری ها به کناری گذاشته شده اند؟ آیا این واقعیت آشکار، دلهره آور و شک برانگیز نیست؟

۶- سپاه امروز در گیر مسائل سوال برانگیزی است. از سویی اسلحه سپاه و بسیج به جای دشمن در مقابل مردم قرار گرفته است و در سرکوب و دستگیری ها و بازجوئی ها ی نیروهای سیاسی و معترضین نقش درجه اول دارند و از سوی دیگر سپاه در حجم غیر قابل باوری درگیر مسائل اقتصادی است. به یقین بازگرداندن سپاه به سوی مسوولیت های اصلی خود می تواند هم نقش افتخار آمیزی که این نهاد در دفاع مقدس داشت احیا کند و خطرات ناشی از طمع بدخواهان را کاهش دهد و هم در سلامت اقتصادی جامعه و کاهش امواج روز افزون فساد و دلگرمی بخش خصوصی موثر واقع شود. سپاهی که مشغله فکریش بالا و پائین رفتن قیمت دلار و دخالت در امور بانکداری و بازار سهام و پیمانکاری و صادرات و واردات است نمی تواند برای تامین امنیت

کشور و انقلاب مورد اعتماد باشد. و متأسفانه در این معرکه ما شاهد زوال اعتبار قدیمی و پشتیبانی مردمی سپاه خواهیم بود. قابل پیش بینی است که با ادامه این روند سپاه به جای دفاع از ملت و کشور به دفاع از شرکت‌ها و سهام و موسسات پولی و مالی خود و سرانجام به جای دفاع از کشور و انقلاب به دفاع از از سازمان و تشکیلات خود بغلطد و یا به تمامی در اختیار یک قدرت مستبد و ضد مردمی قرار گیرد. اگر محبت و اعتماد مردم به نیروهای مسلح بزرگ‌ترین سرمایه آن‌ها باشد امروز با عملکرد سپاه در حوزه امنیت داخلی و اقتصاد این سرمایه اجتماعی بی‌بدیل در حال ذوب شدن است .

ما همه می‌دانیم که سپاهیان سلحشور و یاران باکری‌ها و همت‌ها از این روال بیزارند. از یاد نبریم نفرت مردم از نهادهای اقتصادی و امنیتی رژیم شاهنشاهی تا چه حد در ظهور و بروز خشم مردم موثر بود. با شرایط تحمیلی ناشی از قطعنامه و تحریم‌ها بازبینی نقش سپاه و بسیج

یکی از مهم ترین اقداماتی است که نیروهای خیرخواه از هر جناح و دسته ای باید خواستار آن باشند. درحاشیه صریحا بگویم که حمله با پرچم بسیج به جناب آقای کروبی و خاتمی و ماجرائی که در ۱۴ خرداد شاهد آن بودیم و اخیرا حمله و توهین به مجلس منافع و مقاصد طراحان قطعنامه را راحت تر می کند .

۷ - نکته آخر آنکه همه توجه داشته باشیم که قصد از تحریم ها صرف به زانو درآوردن دولت نیست. تجربه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرنوشت تلخ عراق و افغانستان در زمان معاصر پیشاروی ماست وهشیاری مضاعف آنکه چه بسا بخشی از دولتیان شانس بقای خود را در ادامه این بحران وتشدید مخاصمات وحتى تشویق دشمنان برای تعرض نظامی ببینند. بر جنبش سبز است که بین پایداری بر اصول و هویت خود و مقابله با این خطر روشن وفاقی ایجاد نماید. ما باید عنصر مقاومت در مقابل تهدید و تعرض خارجی را به عنوان یک ضرورت در کنار سایر مطالبات خود بنشانیم و نشان دهیم که راه

خروج از این بحران و خطر در برگشت به اصول و راه حل‌هایی است که جنبش سبز در یک سال عمر سرافراز خود همواره منادی آن بوده است. جنبش سبز باید از تمام توان بین المللی خود استفاده کند تا به قدرتهای خارجی نشان دهد به آن‌ها اجازه نمی‌دهد از ضعف وعدم مشروعیت دولت کنونی استفاده و به استقلال، تمامیت ارضی و منافع عالی کشور آسیب رسانند .

جنبش سبز همچنین از طریق آگاه سازی همه جانبه اقشار اجتماعی و نخبگان به سرکوبگران اجازه نخواهد داد با ایجاد وضعیت اضطراری در کشور و استقبال از درگیری‌های نظامی از پاسخگویی و مسوولیت پذیری فرار کند و به تشدید سرکوب و ارباب مخالفان پردازد و یا در خفا برای تامین منافع کوتاه مدت خود بر سر منافع عالی ملی تن به سازش‌های خفت بار دهد.

میرحسین موسوی در دیدار با جوانان مجمع نیروهای خط امام

تسلیم شدن برابر کژی ها باعث انحراف و فجایع بیشتر می شود

۱۷ تیر ۱۳۸۹

میرحسین موسوی در دیدار با جمعی از جوانان مجمع نیروهای خط امام (ره) گوناگونی اندیشه ها در جنبش سبز را مهم دانست و همچنین تاکید کرد که نقطه اتصال این گوناگونی گفتمان ها را ظهور و بروز یک رهبر نمی دانیم .

به گزارش کلمه، میرحسین موسوی در ابتدای این دیدار ضمن تسلیت شهادت حضرت موسی بن جعفر و تبریک مبعث پیامبر گفت: امام موسی بن جعفر (ع) در بین ائمه

بیشترین مدت زندان را داشتند و رنج زندان را بر چشم پوشی و برگشت از حقیقت ترجیح دادند. امروز نیز پیروان این امام همام با تاسی به سیره این بزرگوار رنج زندان‌ها را برگزیدند.

وی سپس به مناسبت‌های تاریخی در تیرماه اشاره کرد و گفت: ما در تیر ماه با حوادث بزرگی روبرو بودیم که به دلیل فضای سیاسی امروز تفسیر این حوادث و فهم آن‌ها اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

میرحسین موسوی با یادآوری حادثه دلخراش هفتم تیر و شهادت آیت الله بهشتی ادامه داد: «جریان هفتم تیر یک مسئله دیروز نیست بلکه نگاه ما به آن رویداد بزرگ کلید فهم بسیاری از اتفاقات بعد از هفتم تیر است.

وی ترور شهید بهشتی و یاران ایشان و ترورهای بعد و انفجار دفتر نخست وزیری و شهادت شهیدان رجایی و باهنر را مساله‌ای قابل اهمیت دانست و افزود: «با وجود

گذشت زمان هنوز جا دارد که این ترورها در مقابل روی ما باشد.»

میرحسین موسوی با ابراز تاسف از دست دادن چهره‌ها ادامه داد: «ما با از دست دادن آنچهره‌ها نگاه‌های انسانی و مهمی را در تاریخ خود از دست دادیم و عده‌ای عمدا می‌خواستند نظام را از نیروهای زبده و متعهد و آزادی خواه تهی کنند.»

میرحسین موسوی به تمام جوانان توصیه کرد که به بازخوانی اندیشه‌های شهید بهشتی و دیگر صاحب نظران انقلاب بپردازند.

وی تاکید کرد: «متاسفانه آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی آن طور که شایسته بود مورد توجه قرار نگرفته است. ایشان یک کتابی دارند که حاوی سخنرانی‌های ایشان پیرامون قانون اساسی است به نام «مبانی نظری قانون اساسی» که بنده مطالعه آن کتاب را به همه همراهان جنبش سبز توصیه می‌کنم.»

وی در بخش دیگری از سخنان خود به ماجرای ۱۸ تیر اشاره کرد و گفت: «یکی از وقایع دلخراش تاریخ ماست که همه نیروهای علاقمند به جمهوریت نظام در مورد آن به قضاوت فرا خوانده می‌شوند.»

میر حسین موسوی تصریح کرد: «اگر با آن رویداد تلخ درست برخورد می‌شد و مسببان آن فاجعه شناخته می‌شدند و به دلیل آن جنایات به صورت آشکار محاکمه و کیفر می‌شدند، ما حوادث حمله به خوابگاه‌ای دانشجویی را بعد از انتخابات نمی‌داشتیم.»

وی ادامه داد: «ما بایستی یاد گرفته باشیم که در مقابل کژی‌ها بایستیم. تسلیم شدن باعث انحراف و فاجعه‌های بیشتر می‌شود. ایستادن در برابر کژی‌ها جنبه حیاتی و اساسی برای اصلاح واقعی دارد.»

موسوی در بخش دیگری از سخنانش بر استفاده کردن از تجربیات گذشته و جنبش‌های مخالف تاکید کرد و گفت: «قبل از ظهور دیکتاتوری رضاخانی و بعد از مشروطیت خرده گفتمان‌های مختلفی در سطح جامعه

مطرح بود که در عین اختلاف در یک نقطه با هم مشترک بودند و ان ظهور یک شخص قدر قدرت برای ایجاد امنیت و سامان دادن به بی سامانی ها بود.»

میر حسین موسوی گفت: «جنبش سبز از گوناگونی اندیشه ها استقبال می کند و همواره گفته است این تکرر یک فرصت برای آینده ملت ماست و ما نقطه اتصال این گوناگونی گفتمان ها را ظهور و بروز یک رهبر تعریف نکرده ایم.»

وی افزود: «ما نقطه اتصال را پایبندی به یک متن و آن اجرای بی کم و کاست قانون اساسی گرفته ایم و راه تحول را از طریق یک انتخابات آزاد و رقابتی غیر گزینشی پیش بینی کرده ایم.»

میرحسین در انتها گفت: «پایبندی یک متن با هدف بدست آوردن حاکمیت مردم بر سرنوشت خود مارا از خطر استبداد آینده می تواند محافظت کند.»

در ابتدای این دیدار صمیمانه سعید ا... بداشتی رئیس سازمان جوانان و دانشجویان مجمع نیروهای خط امام

خمینی (ره) ضمن تشکر از حضور جناب آقای مهندس موسوی در جمع جوانان خط امامی تأکید کرد جمع حاضر با درک وجود معضلات و نارسایی‌های فکری و فرهنگی در بین اقشار مختلف جامعه معتقد است که حرکت صحیح موفق و موثر جریان اصلاحی و جنبش سبز در درک این حساسیت و لزوم نگاه جدی به بازسازی فکری و فرهنگی جامعه به ویژه نسل جوان و نوجوان از یک سو و از سوی دیگر ساماندهی و شکل‌گیری آن‌ها در قالب‌های شناسنامه در جهت فعالیت‌های اجتماعی سیاسی و فرهنگی در بستر نو اندیشی و ایمان و صلاح صبر و استقامت می‌تواند مسیر آینده ما را امیدوارتر سازد و ما به عنوان جوانان اصلاح طلب خط امامی همچنان بر فعالیت در چارچوب قانون و حرکت در جهت تبیین اندیشه‌ای ناب و سبز امام معتقد به حول و قوه الهی ثابت قدم خواهیم بود.

در پایان وی ابراز امیدواری کرد در این ماه رجب و در

آستانه ماه شعبان گرفتاری و مشکلات و حصر و بند از
همه فعالان و دانشجویان و دلسوزان نظام انقلاب هر چه
سریع تر ذایل و بر طرف گردد.

دیدار با اساتید دانشگاه تربیت مدرس:

هر کس هر جا از حق و قانون دفاع کند
عضو جنبش سبز است

۲۲ تیر ۱۳۸۹

میر حسین موسوی در دیدار با جمعی از اساتید دانشگاه تربیت مدرس تاکید کرد: ما اعتقاد داریم دروغ و ظلم و قانون ستیزی مشروعیت نظام را ذوب می‌کند و وعده‌های قرآن و روایات و خود تحلیل حادثه عظیم کربلا و عاشورا نشان می‌دهد که ظلم باقی ماندنی نیست.

میرحسین هدف جنبش سبز را حاکمیت آرا مردم دانست و گفت: اعتقاد دارم انشاالله به زودی جنبش سبز پیروز خواهد شد چون دنبال تحقق حقوق مردم است.

چون مدافع آزادی‌های بشری است چون مدافع عقلانیت و منطق است، چون مخالف ظلم و دروغ و جور است.

به گزارش کلمه، میرحسین موسوی در ابتدای سخنان خود ضمن تبریک به مناسبت عید مبعث و اعیاد شعبانیه خصوصا میلاد امام حسین و حضرت عباس و امام زین العابدین گفت: «این اعیاد برای ما الهام بخش بوده است. کل زندگی امام حسین برای ما الگو می‌باشد. آنچه در جامعه مذهبی ما جا افتاده برگرفته از زیارت عاشورا است، شعار سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم است که یعنی ایستادگی برای اینکه جامعه از ظلم و جور به سمت عدل و راستی برود.»

نخست وزیر دوران دفاع مقدس به تاثیر جنبش سبز از حادثه کربلا اشاره کرد و گفت: «این شعار جنبش سبز است که برگرفته از روحیه آزادی خواهی حماسه سازان کربلا و در راس آنان امام حسین و ابوالفضل العباس می‌باشد که در مقابل کژی‌ها باید ایستاد و برای بازگشت

به حق و عدالت تلاش کرد. این ایستادگی‌ها سختی‌هایی دارد اما بدانیم که وعده قرآن است که ان مع العسر یسری، با سختی گشایش است و ما این گشایش را در جامعه خود و در حوزه عمومی امروز ملاحظه می‌کنیم. علی‌رغم تحمل سختی‌ها، زندان‌ها، کشتارها، فشارها و کهریزک‌ها امروز نشاطی در میان ملت به ویژه جوانان برای میل به جامعه‌ای عادلانه و فارغ از ظلم و جور دیده می‌شود.

سبزه‌ها امروز از ترس فارغ شده‌اند آیا این یسر و راحتی نیست؟ سبزه‌ها امروز برای داشتن نظامی که در آن حاکمیت ملت به رسمیت شناخته شود و حقوق ملت که در قانون اساسی بدان تصریح شده است احیا شود تلاش می‌کنند. آیا این خود یک گشایش نیست؟ اینکه قتل و جنایت نیروهای به اصطلاح خودسر در گذشته و حال محکوم می‌شود، آیا گشایش نیست؟»

میرحسین موسوی در بخش دیگری از سخنانش بر تعامل بدنه جنبش درباره منشور جنبش سبز تاکید کرد

وگفت: «منشور جنبش سبز یک متن سیال و باز است و با تعامل بدنه جنبش انشالله به سمت کمال پیش خواهدرفت. به نظر بنده یکی از ایرادات و کاستی‌های که منشور دارد این است که به حقوق اقلیت‌های مذهبی نپرداخته است. گرچه به طور

تلویحی بدان پرداخته شده است ولی در متن می‌تواند تصریح شود و به تعلق ایران به همه ایرانیان تکیه شود که یک فراز کلیدی است.»

سپس میر حسین موسوی تصریح کرد: «هدف جنبش سبز حاکمیت آراء مردم است و من اعتقاد دارم انشالله به زودی جنبش سبز پیروز خواهد شد چون دنبال تحقق حقوق مردم است. چون مدافع آزادی‌های بشریست چون مدافع عقلانیت و منطق است و سلاح جنبش سبز منطق است. چون مدافع پیوند دموکراتیک ملت با قانون اساسی است و چون مخالف ظلم و دروغ و جور است و ما اعتقاد داریم دروغ و ظلم و قانون ستیزی مشروعیت نظام را ذوب می‌کند وعده‌های قرآن و

روایات و خود تحلیل حادثه عظیم کربلا و عاشورا نشان می‌دهد که ظلم باقی ماندنی نیست. کافیت به سرنوشت حکومت‌های اموی و آل مروان نگاهی انداخته شود.»

موسوی اظهار کرد: شعار رعایت بدون کم و کاست قانون اساسی با این فرض است که این متن نه جاودانی است و نه وحی منزل و هر نوع تغییری در سطح ملی می‌تواند مورد قبول باشد که امکانات انتخابات آزاد و رقابتی و غیر گزینشی را فراهم کند. وی تاکید کرد: نمی‌توان با تاکید بر خاطره‌ها یک وفاق ایجاد کرد ما احتیاج به متنی داریم که ما را به هم وصل کند و در شرایط فعلی جایگزین و بدیلی برای قانون اساسی وجود ندارد طرح اجرای بدون تنازل قانون اساسی طرح مطالبات ملت است که بدان‌ها بی‌اعتنایی شده است و پیوندهای دموکراتیک با قانون اساسی نقطه وصل ماست.

وی در ادامه سخنان خود با ابراز تاسف از گسترش دروغ در جامعه گفت: «متأسفانه سطح دروغ گویی بسیار گسترده است. اخیراً متن سخنرانی یکی از مقامات امنیتی به طور گسترده در سطح جامعه توزیع شده است که پر از دروغ‌های شاخ دار و افسانه سازی‌های مبتذل است. تهیه کنندگان این نوار روی جهل و نادانی که ممکن است افراد به دلایلی داشته باشند، طمع کرده‌اند و جالب است که این نوار با حمله به معدود احزاب قانونی کشور آغاز می‌شود و ما وقتی این نوار را در کنار این اظهار نظر می‌گذاریم که در کشور فقط یک حزب داریم و آن هم حزب ولایت است می‌بینیم که عده‌ای کشور را دانسته و ندانسته به بن بست می‌کشانند. این اظهار نظر شبیه اعلام حزب رستاخیز از سوی شاه است که مخالف صریح قانون اساسی است. من بعید نمی‌دانم که در آینده خود قانون اساسی هم با همین وضع مورد حمله قرار گیرد.»

میرحسین موسوی در بخش دیگری از سخنان خود با یادآوری اینکه جنبش سبز در خارج از کشور سخنگویی ندارد، گفت: «ولی شبکه‌های جنبش سبز محدود به داخل کشور نیست. طبیعی است که این شبکه‌ها با همه امکانات خود و با استفاده از رسانه‌های مجازی و طرق دیگر سخنان سبز خود را در فضای عمومی و زیبایی بوجود آمده طرح نمایند و این از نقاط قوت جنبش سبز است.

وی گفت: «از نظر بنده هر کس دنبال حق است و به صورت مسالمت جویانه برای رسیدن کشور به سمت حاکمیت مردم بر سرنوشت خود حرکت می‌کند و وهر کس هرجا از حق و از قانون دفاع می‌کند جزو بدنه این جنبش است و همه باید باور کنیم که در نهایت میزان رای ملت خواهد بود.»

نخست وزیر محبوب امام همچنین با بررسی وضعیت رسانه‌ای جنبش سبز گفت: شبکه‌های جنبش سبز باید به سمت درک مشکلات همه اقشار خصوصا کارگران و

کشاورزان و معلمان پیش برود که متاسفانه رسانه‌های سبز در این زمینه فقیر هستند و باید خیزش در اطلاع رسانی و ارائه راه حل‌ها آغاز شود.

وی با برشمردن برخی مشکلات جاری کشور آن‌ها را ناشی از نبود نهاد برنامه ریزی و نگاه آینده نگر به مسایل دانست و گفت: امروز در جامعه متاسفانه هم مشکل آب داریم و هم مشکل برق. این ناشی از کاهش سرمایه گذاری‌ها در حوزه برق در چند سال گذشته است که خود این مشکل ناشی از حذف برنامه ریزی‌های بلند مدت و نگرش‌های کوتاه مدت معطوف به شب انتخابات بوده است. این را در سایر حوزه‌ها نیز مشاهده می‌کنیم و مسئله قطعنامه ویارانه‌ها این مسائل را تشدید می‌کند که به نظر من دلیل اصلی آن حذف دستگاه برنامه ریزی کشور در سال‌های گذشته بوده است.

میرحسین موسوی در انتهای سخنان خود بار دیگر تحدید فضا و هر نوع فشار بر دانشگاه‌ها را محکوم کرد

و ادامه داد: «اسلام در زمان طلوع خود آغوشش را به همه جهان آن روز باز کرد و هر سنت خوبی را امضا و تایید کرد. دانشگاه‌ها نقطه اتصال ما به تمدن‌ها و علوم و تجربیات بیکران بشری هستند. سوء ظن به اساتید و دانشجویان مشکلات سیاسی دانشگاه‌ها را حل نمی‌کند. مشکل دانشگاه‌ها درست از نقطه‌ای آغاز می‌شود که آن فاجعه‌های حمله به کوی دانشگاه پیش می‌آید و نظام از مسئولیت این اقدام که همه جنایت کارانه بودن آن را تایید می‌کنند، طفره می‌رود و مسئولان آن فجایع را به محاکمه نمی‌کشد.»

گفتنی است در ابتدای این دیدار امروز جمعی از اساتید دانشگاه تربیت مدرس برخی از دغدغه‌های خود را درباره مسایل جامعه و دانشگاه مطرح کردند. همچنین به بیان دیدگاه‌های خود پیرامون منشور سبز پرداختند.

پیام به مناسبت حادثه تروریستی زاهدان

بسم الله الرحمن الرحيم

عملیات جنایتکارانه‌ای که در زاهدان صورت گرفت قطعاً اقدامی در راستای اختلاف افکنی بین برادران شیعه و سنی و حرکتی نفرت انگیز علیه اتحاد ملت بزرگ ایران بوده است. از این اقدام هم بیگانگان بهره می‌جویند و هم کسانی که سود آن‌ها در تفرقه بین فرهنگ‌ها و قومیت‌هاست. ضرورت دارد در شرایط حساسی که در آن به سر می‌بریم در سراسر کشور همه مراقب توطئه‌هایی باشند که وحدت صفوف ملت را هدف گرفته است .

اینجانب به همه خانواده‌های شهدا و آسیب دیدگان و برادران و خواهرانم در سیستان و بلوچستان تسلیت می‌گویم و امیدوارم آگاهی و برادری اسلامی و وحدت

ملی مردم غیور شرق کشور سر افرازمان خواسته‌های
بدخواهانه دشمنان را نقش بر آب کند .

میرحسین موسوی

۲۷ تیر ۱۳۸۹

دیدار با جمعی از استادان انجمن اسلامی مدرسین:

کشور را با دروغ و سرکوب و پرکردن زندانها نمی توان اداره کرد

۳۰ تیر ۱۳۸۹

میر حسین موسوی در دیدار با جمعی از استادان انجمن اسلامی مدرسین گسترش دروغ را یکی از علایم زوال در جامعه دانست و تاکید کرد: «دروغ سازمان یافته مشروعیت زداست و ما امروز با دروغ سازمان یافته روبرو هستیم و رسانه های مجازی سبز باید حداکثر تلاش خود را در زمینه بر ملا کردن ابعاد این پدیده شوم و رو به گسترش به کار گیرند.»

به گزارش خبرنگار کلمه، میر حسین موسوی در ابتدای این دیدار ضمن تبریک اعیاد شعبانیه گفت: «عده ای

اعتقاد مسلمانان و بویژه شیعه را در باره انتظار ظهور با خرافات زیاد آمیخته‌اند و مساله تا آنجا پیش رفته که امام زمان (عج) را وسیله توجیه همه مسائل و مشکلات خود قرار داده‌اند. در حالی که دامن معصومین مورد اعتقاد ما از هرگونه ظلم و خرافات پاک است، امام جمعه‌ای امام زمان (عج) را حامی تصفیه‌های شورای نگهبان قرار داده است. البته ما منتظر هستیم که ببینیم ایشان چگونه از رضایت امام زمان از تصفیه و ستم‌هایی که به کاندیداها در طول نظارت استصوابی وارد شده، اطمینان حاصل کرده‌اند.»

وی سپس به حمله سازمان یافته‌ای که نسبت به علوم انسانی در دانشگاه‌های کشور اشاره کرد و گفت: «من با دیدن این حملات یاد تجربه بسیار تلخ و هشداردهنده حکومت شوروی سابق و دیگر حکومت‌های توتالیتراوپای شرقی می‌افتم. آن‌ها از زمان استالین به بعد علوم اجتماعی را علومی برآمده از جوامع سرمایه داری و بورژوازی می‌دانستند و به همین دلیل تدریس

آن را جز در مواردی اندک ممنوع کرده بودند. تحریم و محدودیت این رشته‌ها چشم آن‌ها را روی روند تغییرات سریع جهان و جامعه خودشان بست و انعطاف‌پذیری نظامشان را در مقابل تحولات اجتماعی کشورهای خود و جهان از بین برد و باید یکی از دلایل سقوط این نظام‌ها را نبود دانشمندان و نظریه پردازان خبره در علوم انسانی دانست.»

میرحسین موسوی یادآور شد: «آنچه از سخنان شهیدان بهشتی و مطهری بر می‌آید اعتقاد به فضای باز علمی در این زمینه بود و حتی شهیدمطهری می‌گفت که مارکسیسم را باید استادان معتقد به مارکسیسم در دانشگاه تدریس کنند.»

میرحسین موسوی با ابراز تاسف از رواج دروغ و دشنام و اتهام‌های بی‌سابقه در جامعه گفت: «ویژه نامه مفصلی حاوی دروغ و دستکاری تاریخ در آستانه بیست و دوم خرداد توسط روزنامه‌های دولتی و با پول ملت چاپ شد و در کنار آن بخشی از برنامه‌های صدا و سیما هم به این

دروغ پراکنی‌ها اختصاص یافت. به نظر می‌رسد سرنوشت اقتدار گرایان در سراسر جهان شبیه هم است و روشهای آن‌ها مشابه یکدیگر است.»

موسوی در بخش دیگری از سخنان خود یک مثال تاریخی عنوان کرد: «از زمان استالین کتابهایی برای تاریخ حکومت کمونیستی تدوین شد که مهم‌ترین و رسمی‌ترین آن تاریخ حزب کمونیست شوروی بود. در این کتاب‌ها با توجیه تصفیه‌های رژیم استالینیستی در هر دوره تغییراتی بوجود می‌آمد. مثلاً اگر در چاپ اول این کتاب عکس تروتسکی در کنار سایر سران شوروی دیده می‌شد، در چاپهای بعدی این عکس‌ها با شگردهای روتوش حذف می‌شد. در باره مطالب هم وضع همین جور بود. البته آن موقع هنوز امکاناتی که امروز برای این طور حذف و اضافه‌ها توسط برنامه‌های رایانه‌ای بوجود آمده، نبود.»

وی تاکید کرد: «متأسفانه امروز در ایران نیز همان روشهای اقتدارگرایانه دیروز در جعل و دستکاری تاریخ

و واقعیت‌ها دیده می‌شود. این مساله امروز فقط به تاریخ انقلاب اختصاص ندارد. شما امروز به سخنان دولتیان گوش کنید. به نظر می‌رسد که کشور ما کمترین نرخ تورم را دارد و یا رشد بیکاری به حداقل خود رسیده و یا آنکه کشور ما بیشترین سرمایه‌های اقتصادی جهان را جذب می‌کند و گویی سرمایه‌گذاران پشت دروازه کشور صف کشیده‌اند تا اجازه شرکت در سرمایه‌گذاری‌ها را بگیرند. دروغ گویی تا آنجا پیش رفته که می‌گویند مردم ما آزادترین کشور دنیا هستند. به نظر من باید تامل کنیم. آن‌ها می‌دانند دروغ می‌گویند و یا حافظه‌شان دچار اختلال شده است. همین عکسی را که اخیراً از سحرخیز چاپ شده، ببینید و یا خبر محکومیت آن خانم محترمی که جرمش فقط این بوده که شاهد زیر گرفتن یک شهروند توسط اتومبیل بوده، کافی است که بفهمیم حکومت به کجا رسیده است. جالب است که خواهر ایشان نیز فقط به خاطر تسلیت گفتن به خانواده یکی از شهدای عاشورا،

محکوم به شش سال زندان شده است. آنگاه با وجود این موارد و صدها مورد مشابه باز هم می‌گویند که ما ازادترین ملت جهان شمرده می‌شویم.»

میرحسین موسوی گفت: «ابعاد گسترده دروغ در میان دولتیان به افسانه سازی و خلق توطئه‌های من در آوردی و عجیب و غریب منتهی شده است. دشنام و تهمت‌های سیاسی، اجتماعی و اخلاقی و امثال آن را نیز باید به شیوه‌های دولتیان اضافه کرد. دشنام‌ها و تهمت‌هایی که کیفرهای سنگینی از نظر قانونی و شرعی دارد. لابد مسوولان قضایی نیز خواهند گفت قوه قضاییه ما مستقل‌ترین و بی‌طرف‌ترین دستگاه قضایی جهان است.»

موسوی با بیان این اینکه همه باید بدانند گسترش دروغ با این ابعاد می‌تواند یکی از علایم زوال یک نظام محسوب شود، افزود: «دروغ سازمان یافته مشروعیت زداست و ما امروز با دروغ سازمان یافته روبرو هستیم و رسانه‌های مجازی سبز باید حداکثر تلاش خود را در

زمینه بر ملا کردن ابعاد این پدیده شوم و رو به گسترش به کار گیرند، هنرمندان نیز همانگونه که با خلق پوس تر جاودانه «دروغ ممنوع» موجی از حساسیت نسبت به دروغ را ایجاد کردند، امروز نیز از طریق تولید کلیپ ها و کاریکاتورها و پوسترها و سایر روش ها باید با این پدیده شوم مقابله کنند. ما باید در مقابل هر تحلیل آمیخته به دروغ تحلیلی مبتنی بر درستی و حقیقت در اختیار مردمان بگذاریم. اگر چه در این راه توش و توانمان به اندازه اقتدارگرایان نباشد.»

برنامه های هویت و چراغ و قتل های زنجیره ای را فراموش نکنیم

موسوی تصریح کرد: «ما باید بدانیم رواج دروغ با پول ملت و دلارهای نفتی نمی تواند پایه های یک نظام را استحکام بخشد و درکنار این حرکت همه باید در مرور ادعاهای اقتدارگرایان در باره افراد و زندانیان و شخصیت ها سوطن داشته باشند. ما نباید برنامه های

هویت و چراغ و قتل‌های زنجیره‌ای یادمان برود. مبدا این جریان سیاه همان حوادث و روش‌ها ست.»

موسوی در بخش دیگری از سخنان خود به حمله تروریستی اخیر در زاهدان اشاره کرد و گفت: «این جنایت را همه محکوم می‌کنند. هدف از این عملیات ضربه زدن به اتحاد ملی و مذهبی ما در سراسر کشور است. تامل در اینگونه اقدامات و ریشه یابی آن نباید صرفاً در زمینه‌های امنیتی خلاصه شود. ریشه کن کردن تروریسم در گرو توسعه همراه با عدالت است. ریشه اینگونه اعمال با مشارکت مردمی که احساس عدالت بکنند و در امور مربوط به سرنوشت خود مشارکت داشتند، ریشه کن خواهد شد. امروز توجه به مشکلات و مسائل فرهنگ‌ها و قومیت‌ها و مناطق مرزی اولویت تام و تمام دارد.»

میرحسین با طرح این سوال که «آیا بهتر نیست که اندکی از شعارهای کرکننده خودمان در باره اصلاح امور جهانی کم کنیم و کنار یک بلوچ و یک سیستانی، یک

کرد و فارس و ترک و عرب صمیمانه بنشینیم و سر از مشکلات آن ها در بیاوریم و با کمکشان فضای انسانی تر و عادلانه تری را ایجاد کنیم؟» گفت: «یک کشور ۷۰ میلیونی صاحب تمدن و بزرگ را ۷۰ میلیون مردم آن کشور می توانند اداره کنند و نه چند نفر! آن هم در فضای آمیخته با دروغ، سرکوب و بستن دهان ها و تعطیلی روزنامه ها و پرکردن زندان ها.»

موسوی در پایان گفت: ان شاء الله تحقق وعده های حضرت حق را خواهیم دید که آنچه به نفع مردم است سرانجام باقی خواهد ماند. باید بدانیم

که دروغ و ظلم رفتنی است.»

گفتنی است، در این دیدار جمعی از استادان انجمن اسلامی جامعه مدرسین با میرحسین موسوی در باره مسائل مختلف کشور بحث و گفت و گو کردند.

ناگفته‌های جنگ

۴ مرداد ۱۳۸۹

به گزارش خبرنگار کلمه ، میرحسین موسوی ، نخست وزیر دوران هشت سال دفاع مقدس در دیدار با جمعی از اعضای تشکل های سیاسی کرج ضمن تبریک اعیاد شعبانیه ، به ویژه نیمه شعبان گفت : ” وجود احزاب ، تشکلهای سیاسی ، صنفی و شبکه های گسترده اجتماعی برای پیشرفت کشور و نیل به اهداف ملت ضروری است . ”

وی تلاش برای از بین بردن تشکل های سیاسی و صنفی را اقدامی برای بازتولید استبداد دانست و گفت : ” پهلوی دوم هم در سالهای آخر رژیم سابق حزب رستاخیز را به

عنوان تنها حزب مجاز کشور اعلام کرد و همه دیدیم که سرنوشت او چه شد .”

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به میلاد حضرت امام زمان (عج) و نیمه شعبان ادامه داد : “عده ای بزرگداشت این روز و فلسفه انتظار را به شدت با اغراض سیاسی و خرافی در آمیخته اند . اکنون تعدادی سایت های اینترنتی وجود دارد که بر اساس پیش بینی زمان ظهور سیاست های خارجی و داخلی کشور را در چارچوبهای خرافی من در آوردی تحلیل می کنند .”

به گفته نخست وزیر دوران دفاع مقدس ”در این تحلیل ها حضور آمریکا به عنوان مقابله با امام زمان تلقی می شود و بدتر از آن سیاست های خطرناک و ماجرا جویانه برای کمک به ظهور توصیه می شود و این باور را تقویت می کند که بخشی از سیاستهای خارجی که منجر به وضع بحرانی کنونی شده ،ریشه در این نوع تفکرات دارد و مساله فقط به سیاست خارجی کشور هم ختم نمی شوند. با ذهنیتی این چنین حساسیت غیر عادی به

واژه توسعه شکل می گیرد و یکی از دلایل حذف نظام برنامه ریزی و تعطیلی شوراهای مهم قانونی ریشه در همین نگاه دارد.

موسوی در تشریح آثار این نوع طرز تفکر گفت: "نتیجه چنین نگرشی این است که با باور به اینکه همین شش ماه و یک سال حضرت مهدی (عج) ظهور می کند پروژه های بندر کنگان و پارس جنوبی را تعطیل می کنند. هر نوع برنامه ریزی برای آب و برق و به طور کلی اقتصاد کشور متوقف می شود و به جای ایجاد اشتغال و تلاش برای سرمایه گذاری، اقتصاد صدقه ای و توزیع پول بین مردم جانشین می شود و در نهایت فلسفه "انتظار" که همواره موجب تلاش بیشتر معتقدان و پیروان امام زمان (عج) بود به ضد خود تبدیل شود."

موسوی با توضیح اینکه در سایه چنین وضعی می توان به حکمت لعن و نفرین بر کسانی که زمان برای ظهور تعیین می کنند پی برد، افزود:

“حاکمیت عدالت و برچیده شدن ظلم و جور از جامعه محور اصلی روایات ظهور است. آنچه ریشه بد اخلاقی ها در جامعه است حاکمیت جور و خروج حکومت از عدالت است. گمان نکنید که می توانید عده زیادی از فرزندان ملت از فرهیختگان ، دانشگاہیان ، معلمان ، کارگران ، روزنامه نگاران ، زنان و جوانان ایران را به نام حکومت اسلامی در زندان نگه دارید و این ظلم و ستم اثری در اعتقادات مردم نداشته باشد .”

وی در بخش دیگری از سخنان خود گفت : “عدالت و دوری از ظلم یک ملاک مهم برای نزدیکی به جامعه مهدوی است هر چه یک نظام از عدالت دوری کند و رو به بی عدالتی و جور و بدرفتاری با مردم بیاورد از جامعه مهدوی فاصله می گیرد .”

وی همچنین در بخش دیگری از سخنان خود گفت : “نادیده گرفتن حق حاکمیت ملت بر سرنوشت خود و روی گردانی از میثاق ملی و ضایع کردن حقوق ملت و بستن دهان ها و روزنامه ها و تبدیل رسانه ملی به

رسانه انحصاری ، ریخت و پاش بیت المال ، فسادهای بزرگ اقتصادی و خم شدن شانه های کارگران و کشاورزان و حقوق بگیران زیر بار گرانی همه از مظاهر جور و ظلم و نشانه دور شدن جامعه از ارزش های مهدوی است .”

به گفته میرحسین ” در جامعه مهدوی دزدان بزرگ را رها نمی کنند تا دستهای دزدان خرده پا را قطع کنند. ” وی افزود : ” ما بازمی پرسیم و از پرسیدن خسته نمی شویم که کجا رفت پرونده فسادهای کلانی که در مجلس موافق دولت گشوده شد و سر و صدای آن به صورت بهت آوری خوابید .”

موسوی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به تحریف تاریخ به ویژه تحریف تاریخ انقلاب گفت : ” در این زمینه هم بیگانگان و متحدان صدام فعال هستند و هم دولتیان .”

نخست وزیر دفاع مقدس سخنان خود را در باره تحریف تاریخ انقلاب اسلامی به ضمیمه های حجیم روزنامه های

دولتی در آستانه ۲۲ خرداد مستند کرد و گفت :
 “ضمیمه هایی که در این باره منتشر شدند بهانه خوبی
 است که جنبش سبز یک بار در کنار همه فعالیت های
 خود به صورت واقع بینانه ای با تاریخ سی سال گذشته
 روبرو شود و با تحقیقات مستقل به این مساله بپردازد .
 موسوی گفت :” این روزها هم به بهانه سالروز صدور
 قطعنامه ۵۹۸ که هیچ سالی از آن یاد نمی شد تحریف
 های آشکار و برنامه ریزی شده ای درباره تاریخ دفاع
 مقدس و نقش دولت در آن صورت گرفته است .این
 روزها عده ای مدعی شده اند که می خواستند بغداد را
 فتح کنند و دولت آن زمان مانع آن شده بود. بنده هنوز
 لب به سخن درباره دهه اول انقلاب باز نکرده ام و هیچ
 گاه هم میل نداشته ام در این باره صحبت کنم ولی
 ظاهرا مجبورم در صورت ادامه این تحریف ها برای دفاع
 از رزمندگان سلحشور و مدیران برجسته ای که در این
 میان سهم عمده داشتند ناگفته های خود را بگویم و نیز
 بگویم که استعفای سال ۶۷ بر سر چه بود.”

موسوی گفت: "آن وزیر سابقى كه خود مى داند چگونه به اینجانب تحميل شد در عین آنكه بیش از همه در جریان سر ریزشده همه جانبه امكانات دولت به جبهه ها بود حالا مى گوید كه اگر امكانات دولت در اختیار جبهه ها قرار مى گرفت ما بغداد را فتح مى كردیم. شما باید جمله ایشان را این گونه معنی كنید كه اگر دولت در اختیار بنده و دوستان مان قرار مى گرفت ما چه فتوحاتی داشتیم. بنده مى گویم شما كه نمى دانم به تحريك چه كسانی در عرض يك هفته چندین مصاحبه علیه دولتی كه در آن كار مى كردید انجام دادید اگر دولت را در اختیار مى گرفتید بر سر كشور همان مى آوردید كه در طول مدیریت خود بر سر بیت المال و اموال مستضعفان و یتیمان در بنیاد مستضعفان آوردید."

میر حسین موسوی در پاسخ به تحریف هایی كه در هفته های اخیر در باره دفاع مقدس انجام شده، گفت: "من باور نمى كنم كه شما فراموش کرده باشید كه چهار

میلیارد دلار از شش میلیارد دلار در آمد نفتی کشور هزینه جبهه ها و جنگ می شد و آن دو میلیارد مابقی نیز در حقیقت برای حفظ کیان کشور بود که آن هم می تواند در خدمت دفاع مقدس تعبیر شود. شما مرا مجبور می کنید بگویم علیرغم نتیجه درخشان دفاع مقدس که به بهای نثار خون های بسیار و جانفشانی رزمندگان جان برکف یک سانتیمتر از خاک کشور تقدیم دشمن نشد و این دومین مورد در طول جنگ های کشورمان از زمان فتحعلی شاه تا انقلاب اسلامی بود ، اگر پیوندی قوی تر بین جبهه ها و دولت وجود داشت و دولت را به بهانه درز خبرها از ماجرای طرح های جنگی و دفاعی کنار نمی گذاشتند نتیجه های بهتری از عملیات گرفته می شد. فتح بغداد با تحویل دولت به چند فرمانده نظامی امکان پذیر نبود. بلکه برای شکست قطعی دشمن لازم بود از همان اول رابطه دولت با اداره عملی جنگ و طراحی های نظامی قطع نشود که چگونگی قطع

این ارتباط داستان دیگری دارد که شاید در فرصتی دیگر به آن بپردازم.

نخست وزیر امام در دوران دفاع مقدس تاکید کرد: "بعد از آنکه به تعبیر این وزیر سابق توپ در میدان دولت انداخته شد و اداره ستاد فرماندهی قوا به دولت سپرده شد تحولات اساسی در همان مدت کم در جبهه ها ایجاد شد. بنده به دلایل گوناگونی فعلا فقط به اشاره می گویم که این توپ موقعی به زمین دولت پرتاب شد که به قول مرحوم ظهیر نژاد در کمیته پشتیبانی جنگ "زیپ مرزها در حال باز شدن" بود و فاو و جزایر موجود در هور از دست رفته بودند و ما در موقعیتی قرار داشتیم که در نخستین جلسه ستاد فرماندهی کل قوا که به ریاست اینجانب تشکیل شد هم جناب رحیم صفوی جانشین فرمانده سپاه و هم جناب حسنی سعدی فرمانده نیروی زمینی در گزارشهای خود به اعضای جلسه گفتند که شما خوزستان را از دست رفته فرض کنید و تلخ آنکه این اتفاق در حالی رخ می داد که در

آن شرایط نیروهای اصلی رزمنده ما در یک نقطه بی اهمیت کردستان در پی گرفتن یک ارتفاع کم اهمیت به نام “شاخ شمران” بودند و فاجعه وقتی بهتر معلوم می شود که حداقل تعدادی از فرماندهان اطلاع داشتند که همین نیروها به دلیل خشک کردن سد “دربندی خان” در معرض دور خوردن از سوی دشمن قرار گرفته بودند

موسوی در ادامه صحبت‌هایش به نقش مدیران برجسته در دفاع مقدس اشاره کرد: “بنده در آن زمان به این شرط مسوولیت ریاست ستاد فرماندهی کل قوا را قبول کردم که با خود تعدادی از مدیران برجسته و مدیران همکار را در ستاد شرکت بدهم. .

یکی از برجسته ترین و تاثیر گذار ترین آنها آقای بهزاد نبوی بود که می دانیم این روزها چه گرفتاری هایی دارد. تصمیمی که ستاد آن روزها در کنار فرماندهان نظامی و این مدیران برجسته گرفت تغییر اساسی در آرایش جبهه ها بود و قرار شد که در کمترین زمان

ممکن به کمک همه امکانات کشور، نیروهای موجود در کردستان به خوزستان منتقل شوند و با فعالیت استاندار استان خوزستان که همین برادر عزیز و مبارزمان محسن میردامادی بود و سایر مدیران استانی اقداماتی برای مقابله با تهاجم حتمی دشمن صورت گیرد. پیش بینی ستاد درست بود و در فاصله بسیار کمی یکی از شدیدترین حملات از سوی صدام انجام شد و یکی از حماسی ترین نبردهای تاریخ دفاع مقدس که با شهادت بسیاری از فرزندان کشورمان قرین بود، اتفاق افتاد و دشمن آن چنان تو دهنی خورد که بعد از آن دیگر نتوانست حمله ای را سامان دهد و حداکثر از منافقین حمایت کرد که آن خیانت بزرگ با پشتیبانی نیروهای صدام علیه کشور انجام شد و مردم با مقاومت خود آنها را خرد کردند.

موسوی با اشاره به آنکه قصدش از تعریف این خاطره صرفاً دفاع از مظلومیت رزمندگان بی نام و نشان، مدیران و جهادگران شجاع و ایثار گر است ادامه داد:

“این گفته ها برای آن است که بگویم اگر شما واقعا به خون شهدا و تلاش جهاد گران و مقاومت همه جانبه همه ملت و دولت در این جنگ سر نوشت ساز احترام می گذارید و نمی خواهید از حماسه دفاع مقدس برای خود قبایی بدوزید تن به خواسته های تحریف گران تاریخ و سیاست بازهای تاریخ ندهید.”

میر حسین موسوی یاد آور شد: “بنده در دو دهه گذشته به معلومات مستقیم خود از جنگ بسنده نکرده ام و تلاش کردم به اسناد و مدارک و تحلیل های چاپ شده در این باره نیز رجوع کنم. من همواره محتاط بوده ام که فقط به متون رسمی که با نظارت فرماندهان تهیه شده است بسنده نکنم و در کنار این کتاب ها از نوشته ها و تحلیل های همه صاحب نظران از جمله ارتش نیز بهره ببرم. که یکی از بهترین تحلیل ها نوشته های افسر دانشمند و میهن دوست سرهنگ معینی وزیری است که بسیار از آن استفاده کرده ام.

وی گفت: «این جنگ ناگفته های فراوان دارد و من ندیده ام که آقای هاشمی به عنوان فرمانده جانشین کل قوا از مشکلاتی که در مورد هماهنگ کردن ارتش و سپاه داشت سخنی گفته باشد. مشکلاتی که به اعتقاد من ربطی به بدنه سپاه و ارتش نداشت و من شاهد بودم که این مشکلات تا چه حد فرساینده بوده است. بعد از سه سال از شروع جنگ به اعتقاد من اشتباهات اساسی در تعیین استراتژی های جنگی پیش آمد که اعزام نیرو به کردستان یکی اش بود و از آن مهم تر دل بستن به عملیات های بزرگ کلاسیک شبیه عملیات های دشمن بود که مزایای نسبی ما را در کنار امکانات کشور به شدت تقلیل داد و حدود پنج سال همه امکانات کشور حتی تا حد جمع آوری برف روب ها از جاده ها و کامیون های دولتی و حتی مصادره کامیون های بخش خصوصی و همه ظرفیت های مالی - صنعتی کشور به کار گرفته می شد اما نتیجه آن شد که همه شاهد بودیم».

موسوی در پایان سخنان خود گفت: "ایده ای که این وزیر سابق درباره فتح بغداد مطرح کرد باقیمانده همان دل بستن ها به طرح های کلاسیک جنگی و نتیجه بخش بودن عملیات های بزرگ برای شکست دشمنی بود که ماهانه فقط دو میلیارد دلار از همسایه های عرب خود برای جنگیدن با ما باج می گرفت و هنگام ختم جنگ بیش از پنجاه لشکر داشت. این نگاه به جنگ از همان بدو طرح خود در میان رزمندگان مخالفانی داشت و تا جایی که بنده در جریان بودم و در تماسهایی که فرماندهان معترضی چون شهید حاج داوود کریمی با بنده داشتند آنها عملیاتی از جنس نقشه های دوران نخست دفاع مقدس را ترجیح می دادند. و این طرح ها با توانایی های اقتصادی و اجتماعی کشور سازگاری بیشتری داشت و در آینده اگر لازم بشود و به اجبار به این بحث ها کشانده شوم موضوع را با بسط بیشتری طرح خواهم کرد.

ترسیم راههای پیش روی نظام رویکرد اقتدارگرایانه یا انتخاب مردم...

۱۱ مرداد ۱۳۸۹

میرحسین موسوی راههای پیش روی نظام را در شرایط بحرانی کنونی ترسیم و آن را به دو راه کاملاً متضاد تقسیم کرد. وی یکی از این دو راه را «رویکرد اقتدارگرایانه» و راه دیگر را «راه مردم» نامید.

وی در تبیین این تقسیم بندی توضیح داده است که در راه اول از دین به عنوان ابزار و از زندان، سرکوب و تعطیلی قانون اساسی بهره برداری می شود و در راه دوم یعنی «انتخاب مردم» زندانیان سیاسی آزاد و حق انتخابات آزاد، رقابتی و غیر گزینشی نیز به رسمیت شناخته می شود.

به گزارش خبرنگار کلمه، میرحسین موسوی این سخنان را در دیدار با جمعی از ایثارگران در هفته جاری بیان کرد و فاجعه کهریزک، حمله به کوی دانشگاه و فاجعه کنونی زندان ها را نمونه کامل سبیت و زشتی همه گرایش های اقتدارگرایانه و فرعونیت دانست و آن را ادامه اندیشه دبیر شورای نگهبان و شاگردان او دانست.

موسوی در این دیدار تاکید کرد: «فاجعه ای که اکنون در زندان ها رخ می دهد ادامه اندیشه دبیرشورای نگهبان و شاگردان این چینی اوست. فاجعه کهریزک و حمله به کوی دانشگاه و حمله به مردم نتیجه چنین نگرشی است که به خوبی در آن سبیت و زشتی همه گرایش های اقتدارگرایانه و فرعونیت را می توان دید.»

به گزارش خبرنگار کلمه، میرحسین موسوی در ابتدای سخنان خود در جمع خانواده ایثارگران ضمن تبریک اعیاد شعبانیه گفت: «در سوره قصص به هنگام طرح مبارزه با تفرعن، بشارت پیروزی داده می شود و به این

ترتیب ضرورت همیشگی مبارزه با فرعونیت را برای پیروزی مردم یادآوری می‌کند، البته همان طور که در روایات آمده، اوج این پیروزی در زمان ظهور صاحب الزمان (عج) است. این آیات نشان می‌دهد که ظلم، زور و خودرایی در هر زمان و هر مکانی که باشد به مبارزه ستمدیدگان و اقتدارگرایان و فرعونیان خواهد انجامید.»

نخست وزیر دوران دفاع مقدس به گسترش ظلم و جور در جامعه اشاره کرد و گفت: «ظلم و جور در هر شرایطی و هر دوره‌ای بد است چه در دوران پهلوی و چه در دوران جمهوری اسلامی. ظلم در جمهوری اسلامی اتفاقاً بدتر است چراکه به نام اسلام صورت می‌گیرد. آیا اسلام قبول می‌کند که از یک انسان هتک حرمت شود یا با فروکردن سر یک زندانی در توالت از او اعتراف گرفته شود؟

موسوی ضمن یادآوری سخنان علامه نایینی گفت: «ما می‌دانیم که در دوران مشروطیت بزرگانی چون علامه

نایینی استبداد دینی را بدترین نوع نامیدند. ما وقتی از سویی به بازداشت ها و شیوه های محاکمه، شکنجه ها و قلع و قمع دانشگاه ها و اخراج و ستاره دار کردن دانشجویان نظر می کنیم و از سوی دیگر با ایستادگی زندانیان و مردم بر تحقق مطالباتشان روبرو می شویم، یاد آیات سوره قصص و دیگر آیات کریمه مشابه می افتیم که در آن ها هم مواجهه فرعونیت و مستضعفین مطرح است و هم بشارت پیروزی برای ستمدیدگان.»

میرحسین موسوی در بخش دیگری از سخنانش به اظهارات اخیر آقای جنتی اشاره و اضافه کرد: «دروغ هم یکی از این ظلم هاست که در هر زمانی بد است. مخصوصا اگر این دروغ از دهان دبیرشورای نگهبان قانون اساسی و امام جمعه پایتخت باشد. کسی که باید امانتدار آرای مردم و پاسدار اصول قانون اساسی و میثاق ملی باشد. آیا برهانی روشن تر از دروغ بزرگ اخیر این آقا برای تقلب در انتخابات می توان آورد؟

مخصوصا اگر در نظر بیاوریم که این اولین خلاف گویی ایشان نیست.»

نخست وزیر دوران دفاع مقدس تاکید کرد: «فاجعه‌ای که اکنون در زندان‌ها رخ می‌دهد ادامه اندیشه دبیرشورای نگهبان و شاگردان این چنینی اوست. فاجعه کهریزک و حمله به کوی دانشگاه و حمله به مردم نتیجه چنین نگاهی است که به خوبی در آن سببیت و زشتی همه گرایش‌های اقتدارگرایانه و فرعونیت را می‌توان دید. واقعا نمی‌شود سخنان ایشان را که در جایگاه مقدس نمازجمعه به محاکم قضایی برای اعدام زندانیان دست مریزاد می‌گفت و هل من یزید می‌طلبید که عده بیشتری اعدام شوند، فراموش کرد.»

وی با بیان اینکه عده‌ای از خشونت برای ایجاد سکوت گورستانی و دروغ استفاده می‌کنند، ادامه داد: «ما انتظار داریم همه ملت به ویژه روحانیت و مراجع عظام خواستار رویت و بررسی اسناد ادعایی ایشان باشند و همچنین از سخنران دیگر نمازجمعه که دوست دیگر

ایشان هستند و ادعا کردند که شورای نگهبان به عنوان صافی مورد تایید امام زمان (عج) هستند خواسته شود دلایل و مدارک خود را از رضایت حضرت صاحب الزمان از خود و دوستانشان در شورای نگهبان با تفصیل ارایه دهند.»

موسوی گفت: «تا هنگامی که فرصت داده‌ایم عده‌ای بر حکومت و مناصب و منزلتی سوار باشند و مردم را گوساله و بزغاله و خس و خاشاک بنامند این فرعونیت ادامه خواهد یافت و از دروغ سازمان یافته و تحریف اسلام استفاده خواهد شد.»

موسوی در ادامه سخنانش اکثریت روحانیت کشور و مراجع اعظام را صرف نظر از نگاه سیاسی آن‌ها دلسوز مردم و صادق دانست و گفت: «اما عده‌ای معدود با گفتار و کردار خود به جایگاه این گروه مرجع بزرگ ضربه می‌زنند.»

وی همچنین با اشاره به یکی از برنامه‌های تلویزیونی گفت: «روز نیمه شعبان اتفاقی تلویزیون را روشن کردم

و دیدم برنامه‌ای با عنوان جشن بزرگ ولایت در دانشگاه تهران را نشان می‌دهد. یک نفر با لباس روحانیت برای مردم آن هم در روز جشن و سرور مذهبی می‌گفت که اگر نصف جامعه درمقابل نصف دیگر که حاکم است قرار گیرد، آن نصف حاکم حق دارد همه نصف دیگر را اعدام کند! فاجعه بارت‌تر اینکه ایشان از جنگ نهروان به عنوان استنناد نسل کشانه خود نام می‌برد و در این صحبت طبیعی بود که ایشان نه اشاره‌ای به جنگ نهروان و شکل آغازوانجام آن و نه به حضور آزادانه خوارج در قلمرو جهان امروز اسلام اشاره‌ای داشته باشد. و نه آنکه ایشان به اثر آن حرف‌ها و استنباط‌ها در دین ایمان مردم و سرنوشت اسلام اعتنایی بکند. البته ما رگه‌های این نوع طرز تفکر را می‌توانیم در گروه‌های تروریستی و آدم کش بیابیم.»

موسوی با برشمردن راههای پیش روی نظام گفت: «سابق بر این در کشور با فرصت‌ها و راههای گوناگونی برای آینده کشور روبرو بودیم ولی حوادث یک سال

اخیر و شیوه برخورد با مردم به تدریج این تنوع را از بین برده است. می توان گفت که نظام و کشور امروز با دو راه کاملاً متضاد روبروست.»

وی یکی از این راه ها را مبتنی بر رویکرد اقتدارگرایانه دانست و ادامه داد: «در این راه از دین به صورت ابزار استفاده می شود، همان طور که از زندان ها و سرکوب ها و بستن روزنامه ها و تعطیلی بخش عمده ای از قانون اساسی و بی احترامی به حقوق و کرامت ذاتی انسان ها بهره برداری می شود. در این رویکرد همان طور که آن ملبس به لباس روحانیت در نیمه شعبان در دانشگاه به صورت صریح گفت، حکومت اگر لازم ببیند می تواند حتی نیمی از جامعه را به قول ایشان اعدام کند و ما می دانیم که انتخاب این رویکرد جز متلاشی شدن نظام انتهایی نخواهد داشت. گرچه در انتها ایران، ایرانی و اسلام باقی خواهد ماند ولی می توان حدس زد که خسارت این راه کمر ملت ما را خم خواهد کرد.»

موسوی راه دیگر را انتخاب مردم خواند و گفت: «راه دیگر برگرداندن امور به سمتی است که مردم خود حاکم بر سرنوشت خویش باشند و چند نفر برای آن‌ها تصمیم نگیرند. راهی که در آن زندانیان سیاسی آزاد، حق اجتماعات به رسمیت شناخته می‌شود و محدودیت مطبوعات و رسانه‌ای برداشته می‌شود. مهم‌تر از همه حق انتخابات آزاد و رقابتی و غیر گزینشی نیز به رسمیت شناخته شود.»

میرحسین موسوی در انتهای سخنان خود بار دیگر بر انتخابات آزاد تاکید کرد و اضافه کرد: «این مردم هستند که تشخیص می‌دهند که چه کسی را با چه طرز تفکری به مجلس بفرستند و این نمایندگان واقعی مردم و نه وکلای تسخیری آن‌ها هستند که می‌توانند تشخیص دهند که مصالح کشور کدام است و چگونه باید کشور را اداره کرد. در این شکل همه اعضای حکومت منتخب مردم و خدمتگزار آن‌ها هستند و نه حاکم بر آن‌ها و ما در مجلس اول جمهوری اسلامی به

چنین فضایی نزدیک شدیم. اما از مجلس چهارم به بعد آن فضا از بین رفت. امروز روشن شدن هر چه بیشتر تفکر حداقلی بعضی از اعضای شورای نگهبان به ملت نشان می‌دهد که استنباط ظرفیت این شورای کلیدی و انحراف آن از وظایف اصلی و تبدیل شدن آن به یک صافی آرای ملت تا چه حد برای آتیه مملکت مهلک است و چگونه تکیه اقتدارگرایان در حفظ شورای نگهبان با همین جهت‌گیری کشور را به فاجعه انتخاب اول که اشاره شد سوق خواهد داد.

در جمع اصحاب رسانه:

تعدد روزنامه نگاران زندانی، نشانی از حقانیت جنبش سبز

۱۳ مرداد ۱۳۸۹

مهندس میرحسین موسوی در آستانه روز خبرنگار، با جمعی از مدیران مسئول، خبرنگاران و خانواده‌های روزنامه نگاران در بند، دیدار و گفت‌وگو کرد.

به گزارش خبرنگار کلمه، میر حسن موسوی در ابتدا با اشاره به اهمیت فعالیت‌های خبرنگاران در آگاه سازی جامعه گفت: مساله اطلاع رسانی و مطبوعات آزاد از مهم‌ترین مسائل ما در صدسال اخیر بوده است و این خواسته در انقلاب اسلامی هم به جد دنبال شد. از این

جهت چنین جلسه‌ای و حضور در جمع کسانی که اقدام به روشنگری می‌کنند، برای من بسیار مغتنم است.

مهندس موسوی ادامه داد: باید صدای ما به دوستان دربندی که برای رسیدن به حقوق ابتدایی خود اعتصاب غذا کرده‌اند، برسد و آنان بدانند که جنبش سبز، آزادی خواهان و کل آحاد ملت ما پشتیبان آنان برای رسیدن به خواسته‌های به حقشان است.

وی گفت: وجود این تعداد زیاد روزنامه نگار در زندان هم تاسف انگیز است، هم خیلی با معناست و نشان می‌دهد گسترش آگاهی به ضرر عده خاصی است. تعداد روزنامه نگاران دربند، حقانیت راهی که جنبش سبز برگزیده است را نشان می‌دهد چرا که بخشی از قشر آگاه، روشن و حق طلب جامعه به دلیل مخالفت با رویش مجدد استبداد در زندان به سر می‌برند.

سردبیر اسبق روزنامه جمهوری اسلامی ادامه داد: کلیدواژه‌هایی از انقلاب مشروطه در ادبیات ملت ایران وجود دارد و دائم به آن رجوع کردیم که مهم‌ترین آن

عدالت طلبی و آزادی خواهی و حکومت قانون است. در میان این کلیدواژه‌ها، ظاهراً کمترین توجه را به خود واژه مشروطیت داشته‌ایم. تجربیات یک سال گذشته نشان داد که مهم‌ترین خواسته‌های فعلی ما، مشروط کردن قدرت است و اگر موفق شویم که قدرت را مشروط کنیم، بسیاری از مشکلات بنیادین کشور حل می‌شود. به نظر من مقاومتی که امروز در برابر پیشرفت کشور وجود دارد از همین ناحیه است و بهایی که امروز خبرنگاران می‌پردازند به این دلیل است که رکن اطلاع رسانی و گسترش آگاهی، مهم‌ترین ابزار مشروط کردن قدرت است.

وی گفت: حساسیت بسیاری که به کار خبرنگاران و فعالیت رسانه‌ها وجود دارد و دلیل اصلی حمله به روزنامه‌ها و روزنامه نگاران همین است که مهم‌ترین مسئله کشور را هدف گرفته‌اند.

مهندس موسوی با اشاره به وجود بیشترین تعداد روزنامه نگاران زندانی در ایران، گفت: به نظر می‌رسد

همان طور که جنبش سبز کم کم بر مسائل اساسی تمرکز پیدا می کند، بیش از همیشه بر مسئله آزادی بیان تاکید کند. وقتی بحث انتخابات آزاد یا اجرای بدون تنازل قانون اساسی هم مطرح می شود، ناظر به مشروط کردن قدرت است و به همین دلیل مورد پذیرش قرار نمی گیرد.

میرحسین موسوی ادامه داد: به نظر می رسد برای بعضی از دست اندرکاران فعلی امور، صحبت کردن با خارجی ها و کوتاه آمدن و کمی پیشرفتن و عقب نشستن، از برآورده کردن حقوق ملت، برگشتن به قانون و بازکردن راه ساده تر باشد. در حالی که این روش می تواند بسیاری از مشکلات ملی ما را حل و ریشه های بحران را به تدریج خشک کند و ما را به وضعیت عادی برگرداند.

مهندس موسوی گفت: قدرت همیشه میل به اطلاق دارد و کشورهایی موفق بوده اند که توانسته اند قدرت یا به قول هابز، لویاتان را در چارچوبی قرار دهند و آن را مهار کنند اما ما نتوانسته ایم قدرت را محدود و مهار

کنیم. دائم از ما خواسته می‌شود که به طور کامل از کسی یا حرفی تبعیت کنیم در حالی که در اسلام هم چنین چیزی نداریم و انقلاب اسلامی هم این هدف را دنبال نمی‌کرد. خود امام بارها گفتند که حکومت فرد نداریم، حکومت فقیه نداریم، حکومت رییس جمهور نداریم و فقط حکومت قانون داریم. قانون را هم در مفهوم محدود و مشروط کننده قدرت به کار می‌برد.

میرحسین موسوی در بخش دیگری از سخنانش به ظهور و سقوط تمدن‌ها اشاره کرد و گفت: جنبش سبز باید بتواند زندگی کند تا بتواند پیروز شود، یعنی هر نوع اقدامی که تمام نیروهای نظامی و امنیتی را یکپارچه در مقابل مردم قرار دهد و فشارها را افزایش دهد، به ضرر جنبش سبز است و باید از آن پرهیز کنیم.

وی به وضعیت تایلند اشاره کرد و گفت: یک سرکوب گسترده، وسیع و همه‌جانبه می‌تواند مدتهای مدید پیروزی این حرکت حقطلبانه مردم را به عقب براند.

برای همین ایستادگی روی جنبه‌های مسالمت‌آمیز به نظر من حیاتی بوده و بهترین راه برای رسیدن به مطالبات به حق مردم است.

وی افزود: هدف اصلی ما مشروط کردن قدرت، رسیدن به عدالت و آزادی، زنده شدن ارزشهای بنیادین و رفتن به سمت جامعهایست که در آن فشار و تهدید نباشد. این احتیاج به زمان دارد و یک سال مدت زیادی برای رسیدن به این اهداف نیست. گرچه در این یک سال آگاهیهای جامعه ما بسیار گسترده‌تر شده است. به نظرم ایده‌های اگر خوب متولد شود، پیروزی آن قطعی است و من بر این باورم که ایده تغییر در کشور متولد شده است.

موسوی اظهار داشت: در دانشگاه تهران جشن بزرگ ولایت برگزار شد که یک روحانی در آن سخنرانی می‌کرد و می‌گفت: اگر در جامعه‌ای دو دستگی به وجود بیاید و یک گروه بر گروه دیگر حاکم شد، می‌تواند همه آن دیگران را اعدام کند. سوال اینجاست که چرا این

تفکر در یک جشن که برای شادی و سرور و وحدت باید برگزار شود، مطرح می‌شود. دلیل آن ترس از ریزش نیروها و تولد ایده ایست که به آن اشاره کردم.

مهندس موسوی در بخش دیگری از سخنانش گفت: مسئله کشور ما تنها پیروزی جنبش سبز و اهداف آن نیست. حفظ وحدت ملی، منافع بلندمدت، یکپارچگی و وحدت ملت از مسایل اساسی کشور است که هم جنبش را متعهد می‌کند و هم همه کسانی را که در این عرصه فعالیت دارند تا دست به اقدامات بی‌مهابا نزنند. وی افزود: ما بر پیروزی جنبش سبزه هر قیمتی باور نداریم و می‌خواهیم کشور و منافع ملی حفظ شود. ما به هیچ وجه از این تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی خشنود و راضی نیستیم.

نخست وزیر دوران دفاع مقدس با اشاره به متن استعفای منتصب به خود در سال ۶۸، اظهار داشت: من در همان زمان نسبت به ضایعاتی که در اثر افراط و ماجراجویی در عرصه بین‌الملل دچار آن می‌شدیم

هشدار داده بودم و اعتقاد دارم ما از رجوع به اصول و پایبندی به ارزش‌های بنیادین در سیاست داخلی و خارجی ضرری نکرده‌ایم و لطماتی که خوردیم، اغلب از نادانی و ماجراجویی بوده است.

نخست وزیر امام خاطره‌ای از دوران جنگ بیان کرد: روز بعد از حمله صدام به حلبچه، به آنجا رفتیم و آن صحنه‌های فجیع را از نزدیک دیدیم. با دعوت از خبرنگاران و انتشار فیلم‌ها و عکس‌ها، جو جهانی از نظر تبلیغات کمی به نفع ما تغییر کرد. درست در همان زمان - حالا نمی‌گویم توسط که و چگونه - هواپیمایی ربوده شد و می‌خواست در مهرآباد فرود بیاید. ما به دوستان گفتیم فرودگاه را ببندند و این هواپیما به مشهد رفت. این وضعیت برای ما قابل دفاع نبود و ضرباتی را بر ما تحمیل کرد.

موسوی ادامه داد: اما گفتن این مسایل با جزئیات به نظر من جز در مواقعی که ضرورتی وجود دارد، به نفع جنبش سبز نیست. ما باید نیرو جذب کنیم و همه نیروهای

دلسوز انقلاب را با هر اختلاف سلیقه و دیدگاهی کنار هم جمع کنیم. برای ما مهم است که اصول گرایان منصف و علاقمند به حرکت کشور در مسیر درست را در کنار خود داشته باشیم و به آن‌ها بگوییم ما هدف و حرف مشترکی داریم و آن اصلاح امور است.

نخست وزیر دوران دفاع مقدس در ادامه به مباحث جدیدی که درباره ادامه جنگ مطرح شده اشاره کرد و گفت: من احساس کردم که این حرف‌ها در چارچوب یک پروژه است. در سالگرد انتخابات چند مجموعه مطبوعاتی اقدام به چاپ مطالب و ویژه نامه‌هایی کردند که در جهت قلب تاریخ بود. در سالگرد پذیرش قطعنامه ۵۹۸ هم همان مجموعه‌ها، شروع به درج مطلب درباره دفاع مقدس کردند. حتی شنیدم که کسی گفته اگر دولت در آن زمان امکانات خود را در اختیار ما می‌گذاشت، در سال پنجم جنگ بغداد را فتح می‌کردیم که به هیچ وجه چنین نبود. من اشاراتی داشتم که این

مباحث کنترل شود و البته اگر ادامه پیدا کند، ما حرف‌های زیادی از آن دوران داریم.

موسوی افزود: غیر از مسئله جنگ، احساس من این است که همه ارزش‌های آن دوره مورد هجمه قرار گرفته است و در این خلال هم تلاش می‌شود اختلافی بین ما و دوستان ایجاد شود. ما باید متوجه این برنامه‌ها باشیم و اسیر جوی که طرف مقابل ایجاد می‌کند، نشویم.

مهندس موسوی درباره ابهامات موجود درباره دهه اول انقلاب نیز گفت: من بارها گفته‌ام که آن دوره بی‌عیب و نقص نیست. اما در فضایی که امروز ایجاد کرده‌اند، همه ارزش‌های سی سال انقلاب مدفون می‌شود و این بسیار خطرناک است.

وی ادامه داد: در مورد همه موارد مبهم می‌توان بحث و گفت‌وگو کرد، حتی درباره تصفیه‌های اوایل انقلاب. بنده شاهد بودم که دولت جناب آقای بازرگان، به دست خود شش، خودش را از جریان مدیریت منفک کرد. من در شورای انقلاب از نزدیک شاهد حوادث بودم. با ایشان و

اعضای نهضت هم دوست بودم و رفاقت داشتم. بسیاری از کسانی که دولت موقت دشمن خود می‌پنداشت، سعی کردند که مانع سقوط دولت موقت شوند.

وی در ادامه گفت: بعد از استعفای مهندس بازرگان، آقای بهشتی عنوان کردند که اعضای جدید شورای انقلاب به زودی معرفی می‌شوند و من می‌خواهم به امام اصرار کنم که اسم ایشان باقی بماند. این در حالی بود که در روزنامه‌های این دوستان به ایشان، بهشتی جهنمی می‌گفتند و من هنوز آن تیتورها را به یاد دارم. ایشان فردی بود که رفت و با اصرار، امام را راضی کرد که به مهندس بازرگان حکم دهد.

موسوی اظہار داشت: بنابراین سخن گفتن درباره دهه اول انقلاب، ممکن است و حتما نقدهایی هم وجود دارد اما آن را نباید یکپارچه دید و باید هر حادثه‌ای را تحلیل کرد. انقلاب در وضعیتی بود که از روز دوم استقرار، بندر لنگه شلوغ شد. چند روز بعد بندر ترکمن مشکل پیدا کرد. بلوچستان شلوغ شد. خوزستان و

کردستان مسئله پیدا کرد. این فضاها را باید دید و درک کرد و نقد کرد. من از مجموعه اصول و ارزش‌هایی که در ابتدای انقلاب مطرح شد و کلیت حرکت مردم دفاع می‌کنم.

میرحسین موسوی به سؤالات بسیاری که درباره سال ۶۷ وجود دارد اشاره کرد و گفت: مسئله سال ۶۷ را باید در منظر تاریخی خود باید بررسی کرد و بعد هم دید آیا دولت در این زمینه اطلاعی داشته است؟ نقشی داشته است؟ آیا اصلاً امکانی برای دخالت داشته است؟ آیا در احکام و اسناد، نامی از دولت وجود داشته است؟ دولت که نقشی در این مسئله نداشته است. خیلی از کسان دیگر هم اطلاع نداشته‌اند. اما برای مطرح کردن این مسائل با ذکر جزئیات، من هم محذوراتی دارم.

مهندس موسوی اظهار داشت: قدرت جنبش سبز در اخلاقی بودن آن است؛ در اینکه سفید را سفید گفته و سیاه را سیاه گفته است. ما چیزی که بد بوده را قبول نمی‌کنیم اما اگر کسی در جایی سکوت می‌کند، معنای

آن موافقت و همراهی با آن نیست و باید این حق را برای افراد قائل باشیم.

نخست وزیر دوران دفاع مقدس، به نحوه انتشار گفتمان‌ها در جامعه اشاره کرد و گفت: در همان روزهایی که من استعفا دادم، متن آن منتشر شد اما جامعه نسبت به هواپیماربایی واکنشی نشان نداد. این شاید برای این باشد که آن زمان، چنین کاری یک مطلوب اجتماعی محسوب می‌شده است. این به این معناست که ما باید به تاریخ انقلاب اسلامی خودمان دقت بیشتری داشته باشیم. برخی از ایستادگی‌ها و خون دل خوردن‌ها، در چارچوب یک تحلیل درست از موقعیت کشور معنا پیدا می‌کند.

قائم مقام شهید بهشتی در حزب جمهوری اسلامی به سیره شهید بهشتی اشاره کرد و گفت: ایشان انسان بسیار با اخلاق و آزادی خواهی بود و یکی از دلایل عظمت شخصیت ایشان، این است که بسیاری از ارزش‌هایی که ما امروز به دنبال آن هستیم، در آن زمان

هم در زندگی شخصی و هم در کار، بر آن استوار بود. اعتقاد بر آزادی طرح افکار بود که باعث شد آن مناظره‌های تلویزیونی با کیانوری یا نماینده فدائیان خلق به اصرار ایشان برگزار شود.

موسوی ادامه داد: من که چنین شخصیت والایی را درک کرده‌ام و به آن اعتقاد دارم، نمی‌توانم از این شخصیت به دلیل عدم همراهی یا شناخت جامعه و به اصطلاح فضا، دل بکنم. به دلیل آنکه بد عمل کرده‌ایم، به دلیل آنکه یک روحانی در یک جشن می‌گوید نیمی از جامعه را می‌توان اعدام کرد، این را به پای بهشتی و امام و انقلاب هم می‌نویسند.

مهندس موسوی گفت: این حرف‌ها زده می‌شود که اگر روزی قتل عامی در زندان‌ها یا جاهای دیگر رخ داد، بگویند یک سابقه تاریخی در زندگی حضرت امیر (ع) دارد. کما اینکه می‌گویند چنین کاری در جنگ نهروان سابقه داشته است، اما باید ببینیم جنگ نهروان چگونه

شروع شد و چه شرایطی به وجود آمد و چگونه می توان حضرت امیر را به چنین کاری متهم کرد.

مهندس میرحسین موسوی با اشاره به مطالبات جنبش سبز گفت: تاکید بر استقلال مجلس، یک خواسته کلیدی است. الان افکار پیش از رسیدن به مجلس تصفیه می شود. یکی از امامان جمعه گفته شورای نگهبان، یک صافی است و این صافی مورد رضایت امام زمان هم هست. من می گویم کجا مورد رضایت ایشان است و مدارک آن را نشان دهند که ما هم تسلیم شویم. در انتخابات مجلس ششم، آن قدر رای ها را جا به جا کردند که آقای رجایی حذف شد و آقای که رییس فرهنگستان ادب! شد وارد مجلس کردند.

وی گفت: استقلال مجلس و انتخابات آزاد، یک خواسته کلیدی است که برای مردم هم ملموس است. به نظر من به عنوان یک همراه جنبش سبز، ایستادگی بر خواسته های انضمامی و روشن، باعث می شود بسیاری از مسائل دیگرمان حل شود.

در پایان این مراسم، لوح‌هایی از طرف حضار به مهندس
موسوی و دکتر رهنورد اهدا شد.

پیام به زندانیان سیاسی اعتصاب کننده

باسمه تعالی

آزاد مردان زندانی! همه آزادی خواهان و حق طلبان
پیام شما را شنیدند و استواری شما را بر سر مطالبات
انسانی و مشروع مشاهده کردند.

درود بر شما! ایستادگی شما گواه بر آن است که می
توان بدن ها را به محبس کشید، اما نمی توان بر جان
آن ها چیره شد.

عزیزان ملت و پیشتازان جنبش سبز! اکنون که پیام
شما و خانواده های مبارزتان در سطح جهان و داخل
کشور منتشر شده است، مردم نگران سلامتی شما به
عنوان سرمایه های سبز کشورند. ما از همه شما
درخواست می کنیم اعتصاب غذای خود را پایان دهید

از مسوولان زندانها نیز می خواهیم که حقوق همه زندانیان را بر اساس همان قوانین و آئین نامه های ناقصی که وجود دارد، محترم شمارند و بیش از این آبرو و حیثیت کشور را در پیش ملت های جهان در معرض حراج نگذارند.

میرحسین موسوی

۱۴ مرداد ۱۳۸۹

دادخواهی از جنتی به مراجع

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیات عظام و مراجع تقلید

باعرض سلام و احترام

سنت حسنه مردم این دیار بر آن بوده است که هرگاه عرض، آبرو، ناموس، جان و مال خود را در خطر والیان جور پیشه و ستمگر می‌دیدند و از اعاضم و متولیان اصلی قدرت امید می‌بردند به آستانه و درگاه مراجع تقلید و صاحبان دیانت و حکمت رو کرده و عرض تظلم و دادخواهی به پیشگاه آن‌ها می‌بردند، چه نیکو سنتی و چه پر ثمر سیرتی بوده است. چه پاسخ‌های مناسب که شنیدند و چه دردهایی که به درمان رسیدند .

نیازی به ارائه مستند تاریخی نیست چه اینکه تاریخ ما، بخصوص در چند سده‌های اخیر با ظهور استعمار

صنعتی، شاهد و ناظر بروز و ظهور عالمان روشن ضمیر در کنار مردم خوب و شریف بوده ایم که با قامت راست و استوار در برابر استعمار و استثمار با تحمل عذاب و شکنجه و تهمت و افترا، ایستادند و جان باختند و سر انداختند و شرف و حیثیت این ملت را مردانه پاس داشتند .

آیات عظام میرزای شیرازی در نهضت تنباکو، آخوند خراسانی و نائینی، مازندارنی، بهبهانی و طباطبائی در نهضت مشروطه، و مدرس و مبارز نستوه میرزای جنگلی در مبارزه با استبداد، کاشانی و نیروهای مذهبی و ملی در نهضت ملی شدن صنعت نفت و نهایتاً رهبری بی بدیل و تاریخی امام خمینی در انقلاب اسلامی همراه با سایر علما و اقشار مختلف ایران عزیز با گرایشات متفاوت .

اکنون با عملکرد ناشیانه ساده دلان به ظاهر با ایمان و احتمالاً هدایت شده توسط آگاهان بی ایمان، بیم آن می رود که این سابقه درخشان و امید آفرین، این ثروت

عظیم معنوی ملت به محاق کشیده شود و چهره نورانی روحانیت در جامعه جهانی و در میان نسل جوان کنونی و آینده، کدر و ناخوشایند جلوه نماید .

همانطور که مسبوق هستید، ما به علت همراهی و هم نوائی با مردم ایران در نهایت آرامش و سازش پس از انتخابات مهندسی شده ۱۳۸۸ که در جستجوی رأی گم شده و مخدوش گشته خود بودند، مورد چه هجمه‌ها، یورش‌ها، افتراها، تهمت‌ها و ناسزاها که قرار نگرفتیم. آنچه خواستند و توانستند از منابع تریبون‌های عمومی بدون امکان اجازه هرگونه دفاعی به ما نسبت دادند و همزمان بر مسند مدعی العموم، قاضی و مجری احکام نشستند و آن کردند که امروز نه تنها چهره نظام بلکه اصل اسلام در کشور و بخصوص در نزد جوانان مظلوم ایران خدشه دار شده است .

از فجایع غم انگیز و آبروریز زندان کهریزک گرفته تا برخوردهای خشن و انسان ستیز در زندان‌های اوین و سایر زندان‌های پنهان و پیدا، و برخوردهای غیر انسانی

با زنان زندانی، کشتار بی رحمانه مردم در خیابان ها و راندن خودروها بر بدن جوانان معترض، تخریب دانشگاه ها و ضرب و شتم دانشجویان، حمله به بیوت مراجع و هتک حرمت به بیت امام، بستن روزنامه ها، شکستن قلم ها، خفه کردن صداها، محبوس و منکوب کردن بهترین فرزندان ملت و انقلاب و مطرود و منزوی کردن لایق ترین مدیران مملکت، آزار و اذیت کردن اقلیت های قومی و مذهبی از برادران اهل تسنن گرفته تا دراویش نعمت الهی و محروم کردن از حقوق اولیه شهروندی و اهانت کردن به بزرگان آنان و تبعید و زندانی کردن عده ای از آنها. در نتیجه به خطر انداختن انسجام ملی و تیز کردن دندان طمع خارجی، حیف و میل کردن اموال عمومی و درآمدهای نفتی و زیر پا گذاشتن قوانین مصوب مجلس. این رفتارهای غیر قانونی کار را به آنجا رسانده است که ملک و ملت در بحران بزرگ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته است .

خدا عاقبت این همه بی‌بصیرتی که عام و خاص به آن مبتلا هستند و یقیناً دود آن به چشم همه ملت؛ حتی خود آن‌ها بزودی خواهد رفت ختم به خیر بگرداند .

بارزترین نمونه این هتک حرمت‌های بی‌پروا و عاری از تقوا؛ اظهارات اخیر امام جمعه موقت تهران آیت الله جنتی در مسجد جمکران در مورد اخذ یک میلیارد دلار از منابع خارجی توسط ما معترضین؛ ایشان مدعی شدند که «من سندی را بدست آوردم که آمریکائی‌ها یک میلیارد دلار از طریق افراد سعودی که هم اکنون عامل آمریکا در کشورهای منطقه هستند به سران فتنه دادند و همین سعودی‌ها که به نمایندگی آمریکا صحبت می‌کردند، گفتند اگر توانستید نظام را منقرض کنید تا پنجاه میلیارد دلار دیگر هم می‌دهیم، اما خداوند این فتنه را به دست بندگان صالحش خاموش کرد». این مرد کهن سال که از آغاز تأسیس مجلس و شورای نگهبان لاینقطع مسئول بوده و قریب به بیست سال است که دبیر شورای نگهبان است و گویا کهولت سن نه تنها

قوای روحی و جسمیش را به تحلیل برده بلکه قوه ادراک و ذهنی اش را هم مختل کرده و مصداق کامل این شعر مولانا قرار گرفته است :

چون شدی پیر و ضعیف و منحنی
لا/بالی می زن

ایشان که در حاشیه امن سلاح و صلاح قرار دارد، نه از بالا دست خوفی و نه از پائین دست ابایی! ارباب غزاء حامی اویند و اصحاب قضاء تابع او. تربیون نماز جمعه را در اختیار دارد و مراکز قدرت را در تصاحب! چه بی رحمانه ترک تازی می کند و با آبروی بندگان خدا بازی، پناه بر خدا از این همه طنازی! در مقابل؛ دست دادخواهی ما کوتاه است و خرمای عدالت نظام فعلاً بر بلندای نخلی ناپیدا، لذا بر سبیل گذشتگان برای دفاع از حریم روحانیت و اسلام با شما سخن می گوئیم .

آخر این چه ادعا است، کدام دلیل و سند، مستند این بیان است؟! بر این گمانیم که خط دهندگان پنهان و سیاست گزاران نازک اندیش و بی رحم به سایر خطیبان

هم چنین دستورهائی داده باشند اما آنها از ابراز چنین اباطیلی ابا نموده‌اند. جسارت و کندی ذهن، خاص ایشان است که چنین بی‌گدار به آب می‌زند .

مگر همین آقا نبود که به یکی از مراجع بزرگ تقلید شیعیان جهان نسبت ناروا داد و او را عامل بیگانه خواند که از خوف طرد و استیضاح عام مجبور به استغفار و توبه گردید؟ مگر ایشان موضع امام در مورد نسبت‌های ناروا و نسنجیده بعضی از اعضای شورای نگهبان در قبال برخی از نیروهای متدین و انقلابی را ورقی زیر خروارها خاک ننامید؟! و در مقابل هجمه نمایندگان ملت در مجلس سوم مجدداً استغفار نکرد؟ و هم ایشان نامه بی‌محتوا و حساب نشده آقای احمدی‌نژاد به رئیس جمهور وقت آمریکا را هم طراز نامه امام (ره) به آخرین رهبر اتحادیه جماهیر شوروی تلقی کرد و پیشنهاد تدریس آن را در مدارس داد!!! که با برخورد جدی روبرو شد. همین فرد مدعی شد که در زمان دولت سازندگی هفت میلیارد دلار شکلات از جزیره کیش وارد کشور

شد و چون او را به کمیّت عدد هفت میلیارد آگاه کردند، ادعای خود را به پانصد میلیون دلار تقلیل داد و کوتاه نیامد !

در هر صورت اکنون اسوه‌های انقلاب و یاران صدیق مردم و خمینی و زخم خوردگان مبارزات بی‌امان با استعمارگران، در نهایت مظلومیت و بی‌پناهی، هدف تیر جان گداز و زهرآگین شیفتگان قدرت و مکنت و زراندوزان بی‌مروّت و عاری از همت قرار گرفته‌اند که پرچم دار این خیل بی‌مروّت، این مرد کهنسال می‌باشد. دیگران به تبعیت و حمایت از اوگاه و بیگاه از این قماش حرف هائی ابراز می‌دارند و حریم‌ها و حرمت‌ها در هم می‌شکنند و حد و مرزی برای کسی قائل نمی‌شوند !

ما را پروای آن نیست که چنین آماج ضربات بی‌امان بی‌بصیرتان قرار گیریم؛ تاریخ این دیار ستم کشیده مملو است از این نامردمی‌ها، از قائم مقام تا امیرکبیر که طغیان گرشان گفتند! از سید جمال الدین اسدآبادی که وابسته‌اش خواندند، تا ثقه الاسلام تبریزی که بر چوبه

دار تزاری اش بوسه می زدند، مدرس و نیروهای مذهبی که انگلیسی اش دانستند و خمینی که ارتجاع سیاه قلمدادش کردند و صدها عزیزان دیگر از این نوع هجمه ها و افتراها در امان نبودند. آنان هدف و آماج خشم بیگانگان و دین ستیزان قرار می گرفتند، اما ما را عذاب و درد بیشتر از آن است که آماج کلوخ اندازان نظام و کسی که بیش از سه دهه بر مسند شورای نگهبان تکیه زده است، هستیم !

حکایت حلاج است در واقعه چوبه دار؛ که با اصابت هر سنگی بر بدنش تبسم کنان لاحول می گفت اما از پرتاب گلی از جانب شیخ شبلی به آه و ناله درآمد؛ گفتند از آن همه سنگ نیازردی و از این کلوخ چنین غمگینی؟ گفت آن ها نمی دانند و جنایت می کنند و او می داند و خیانت می کند .

علی ایحال ما از شما مراجع عالیقدر و علمای بزرگ و مدرسین گرانقدر حوزه های علمیه می خواهیم برای حفظ آبروی روحانیت و اسلام از ایشان بخواهید سند و

مدرک خود را ارائه کند و یا منبعش را برملا نماید تا مردم این محرمان اصلی انقلاب و کشور در جریان واقعیت و یا افترا و دروغ که برای متاع دو روز دنیا بیان شده است، قرار گیرند.

و من الله التوفيق الامر اليكم و السلام عليكم و رحمه
الله و برکاته

مهدی کروی - میرحسین موسوی

۱۴ مرداد ۱۳۸۹

در جمع جوانان استانها

دلبستگان جنبش سبز به شدت به اصول اخلاقی پایبندند

۲۰ مرداد ۱۳۸۹

در آستانه ماه مبارک رمضان جمعی از جوانان و دانشجویان استان‌های قم، خراسان رضوی و چهارمحال بختیاری با مهندس میرحسین موسوی و دکتر زهرا رهنورد دیدار و گفت‌وگو کردند.

به گزارش خبرنگار کلمه، در این دیدار صمیمانه نمایندگان استان‌ها هر یک در سخنانی شرایط اجتماعی و سیاسی استان‌های خود را گزارش دادند. از جمله مهم‌ترین نکاتی که توسط نمایندگان استان‌ها در این

نشست مطرح شد می توان به مواردی چون برگزاری فعال جلسات دانشجویی به رغم امنیتی و پلیسی شدن فضای دانشگاه ها، ضرب و شتم دانشجویان در دانشگاه توسط لباس شخصی ها و در تنگنا قرار دادن شدید دفاتر احزاب و تشکل های سیاسی استان اشاره کرد.

همچنین در این نشست صمیمانه جوانان عنوان کردند که علی رغم تمام تمهیدات و محدودیت هایی که در شهرستان ها وجود دارد جنبش سبز در میان اقشار مختلف جامعه نفوذ بیشتری کرده است.

از طرفی دیگر، جوانان حاضر در جلسه به بیان دغدغه های خود درباره وضعیت اقتصادی و معیشت مردم، بیکاری های فزاینده و رشد اعتیاد و آسیب های اجتماعی در استان های خود پرداختند.

پس از ارائه گزارش از سوی نمایندگان استان ها، مهندس موسوی و دکتر رهنورد طی سخنانی ضمن خوش آمد به بیان دیدگاه های خود پرداختند. میرحسین موسوی ابتدای این دیدار ضمن تبریک

پیشاپیش فرارسیدن ماه مبارک رمضان به خبر پایان اعتصاب غذای زندانیان سیاسی اشاره کرد و گفت: «اعتصاب پر محتوا و امید بخش زندانیان به تدریج نتایج موثر خود را هویدا می‌کند و من به این زندانیان غیور که اعتصاب خود را شکستند و نتایج آن را هم دیدند تبریک می‌گوییم.»

نخست وزیر امام در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به شیوع دروغ و بداخلاقی در جامعه گفت: «امروز جنبش سبز این قدرت و توان را دارد که همه نگرانی‌های اخلاقی را که دوستان گه‌گاه به آن اشاره می‌کنند و البته از سر دلسوزی و تعهدات ملی هم هست، سامان دهد.»

وی افزود: «باید در نظر داشته باشیم که انحرافات اجتماعی، محصول کژی‌ها و کژاندیشی‌ها و به ویژه شیوع دروغ و دروغ پردازی‌هایی است که اقتدارگرایان برای ملت به وجود آورده‌اند و به همین دلیل هم بر آن باورم که اهداف بلند و شرافتمندانه جنبش سبز

می تواند لغزش ها را در جامعه کاهش دهد. اکنون ما شاهد آن هستیم که دلبستگان اهداف بلند جنبش سبز به شدت به اصول اخلاقی پایبند هستند.»

نخست وزیر هشت سال دوران دفاع مقدس در ادامه با اشاره به سخن یکی از دانشجویان در مورد ارتباط با روحانیت و مراجع گفت: «ارتباط نسل جوان با مراجع و روحانیت اهمیت بسیاری دارد و باید در کنار آن شرح ارزش ها، آرمان ها و اخبار مربوط به جنبش سبز به روحانیت و مراجع عظام برسد.»

موسوی همچنین با اشاره به سوال یکی از حاضران گفت: «همان طور که همه بدان واقفیم و قانون اساسی نیز در بند ۲۷ به آن اشاره کرده اعلام خواست ها، مطالبات و حق اجتماعات جزو حقوق روشن مردم است و کسی نمی تواند این حق را از مردم سلب کند در نتیجه هر زمان که مردم لازم ببینند از این حق استفاده خواهند کرد و منتظر پیام من و امثال من نخواهند بود.»

وی افزود: «بازگشت بی‌کم و کاست به قانون اساسی یعنی آنکه نمی‌توان به یک بخش قانون اساسی اعتنا شود و بخش دیگر آن فراموش گردد. نادیده گرفتن بخش‌هایی از قانون اساسی به ویژه حقوق ملت بقیه اصول را هم بی‌معنا می‌کند چراکه قانون اساسی یک میثاق یکپارچه است».

میرحسین موسوی در ادامه سخنانش این پرسش را مطرح کرد «کسانی که حتی حاضر نیستند یک بار از حقوق شهروندی نام ببرند یا از حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خود خود نام ببرند چگونه می‌توانند مدعی پیمانی باشند که بین مردم و حکومت بسته شده؟» و در عین حال یاد آور شد: «شکستن این پیمان به عدم مشروعیت حاکمیت منتهی می‌شود و کافی است رفتار شورای نگهبان قانون اساسی با قانون اساسی مورد توجه قرار گیرد تا ببینیم چگونه به بیراهه رفته‌ایم».

موسوی در پایان تاکید کرد: «امروز در وضعیتی هستیم که نه قانون اساسی که حتی آئین نامه های ساده و ناقص زندان ها توسط زندان بان ها رعایت نمی شود».

در جمع فرزندان خانواده های ایثارگران:

جنبش سبز زمینه آشتی ملی را فراهم آورده است

۲ شهریور ۱۳۸۹

تازه ترین دیدار میرحسین موسوی با جمعی از فرزندان خانواده های ایثارگران بود. موسوی در این دیدار ضمن ترسیم آثار جنبش سبز مردم ایران، بر اتحاد و استقامت تا تحقق تغییرات مطلوب در کشور تاکید کرد .

به گزارش خبرنگار کلمه میرحسین موسوی جنبش سبز مردم ایران را موجب الفت و نزدیکی اقشار مختلف مردم به یکدیگر دانست و گفت: «راهبرد زنجیره انسانی از میدان تجریش تا میدان راه آهن در سطح ملی دنبال می شود و همه ما با تکرر آرا، عقاید و فرهنگ ها و

قومیت‌ها به تدریج لکنت زبان خود را از دست می‌دهیم و می‌توانیم راحت‌تر با هم صحبت کنیم.»

وی در همین زمینه افزود: «تشکل‌های سیاسی که با سیاست‌های غلط از هم جدا شده بودند، به تدریج به هم نزدیک‌تر می‌شوند، با هم مذاکره می‌کنند و بر سر یک سفره می‌نشینند. آنچه نقطه وصل آن‌ها با یکدیگر است تلاش برای آزادی، عدالت و تفاهم بر سر پاسداری از حقوق ملت است. مرزهای خودی و ناخودی به تدریج کمرنگ می‌شود و به جای آن تعامل و گفت‌وگو می‌نشینند. امروز به برکت یک جنبش سبز مردمی زمینه آشتی ملی، دوستی و وحدت بیش از همیشه بین فرهنگ‌های گوناگون، قومیت‌ها و شیعه و سنی و همه اقشار بوجود آمده است.»

موسوی گفت: «گرچه عده‌ای که نفع خود را در تفرقه و شقه شقه کردن مردم می‌دانند با پرونده سازی و اقداماتی گسترده به نام مبارزه با جنگ نرم نفرت پراکنی را ادامه می‌دهند و جریانهای ناسالمی که امروز

گاهی در فضای مجازی می‌بینیم که مقدسات را به سخره می‌گیرند، ریشه در این میلیاردها تومانی دارد که به عنوان جنگ سایبری و لشگر سایبری هزینه می‌شود. آن‌ها می‌خواهند همانطور که رسانه ملی را با دخالت خود به یک رسانه تفرقه افکن یکطرفه تبدیل کرده‌اند فضای مجازی برآمده از جنبش سبز را با ویروس‌های خود آلوده کنند تا اعتماد ملت اسلامی ما از این پنجره زیبای باز شده سلب شود ولی این توطئه نیز نتیجه عکس خواهد داد.»

نخست وزیر دوران دفاع مقدس ضمن اظهار تاسف از اینکه نظام دچار جمود، فساد و ظلم شده است، گفت: «نظام هم اکنون نمی‌تواند متناسب با تغییرات جهانی و تغییرات داخلی تحول لازم را در خود ایجاد کند. این موضوع طبیعی هم هست چرا که موثرترین عنصر برای تغییرات مطلوب دخالت مردم در همه امور و رعایت حق تعیین سرنوشت برای ملت و رعایت حقوق شهروندی

است. حتی سیاست نامه‌های قدیمی هم ظلم و ویرانی
ملک را با هم قرین می‌دانستند.»

میرحسین گفت: «قدیم‌ها در کتابهای دینی خود از
زندانیهای منصور دوانیقی‌ها و هارون الرشیدها
می‌خواندیم و امروزه زندانیهای ما از فرزندان مبارز و
آزادیخواه این کشور پر شده است. حتی کسانی که
شاکی از اتهاماتی هستند که بر آن‌ها وارد شده به
زندان برده می‌شوند و تهمت زننده و دستگاههای حامی
او دور از دسترس قوه قضاییه قرار می‌گیرند.»

موسوی کلیدی‌ترین رمز تحقق مردمسالاری را قبول
آرای مردم دانست و گفت: «آرای مردم است که
می‌تواند کشور را از بحرانی که در آن گرفتار شده،
نجات بدهد و شور و نشاط را به جامعه بازگرداند.»

دیدار با جمعی از رزمندگان دفاع مقدس

واکنش جنبش سبز به هر گونه تهدید بیگانه

با حفظ حد و مرز با اقتدارگرایان

۵ شهریور

میرحسین موسوی در میان جمعی از رزمندگان جنگ تحمیلی، شرایط امروز جامعه را «ناامن» توصیف کرد و تنها راه بازگشت امنیت را در گرو خواست مردم و جنبش متعلق به آنها دانست. موسوی در همین دیدار از دلایل ناامنی در جامعه نیز سخن گفت و ترس از سرکوب، بیکاری و فساد سازمان یافته را از جمله نشانه‌های وجود ظلم گسترده و نبود عدالت در کشور ذکر کرد.

به گزارش خبرنگار کلمه، موسوی که هم زمان با سالروز میلاد امام دوم شیعیان و در دیدار با گروهی از رزمندگان دفاع مقدس سخن می‌گفت ضمن تبریک ولادت حضرت امام حسن (ع) امام صبر و استقامت، افزود: در قرآن می‌خوانیم که «الذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن و هم مهتدون». این آیه نشان می‌دهد که صرف ایمان نه امنیت می‌آورد و نه نجات از سرگشتگی و سرگردانی. بلکه ایمان موقعی ایجاد

امنیت و هدایتگری می کند و از سرگردانی نجات می دهد که با لباس ظلم و جور پوشانده نشود.

نخست وزیر دوران دفاع مقدس خطاب به این رزمندگان گفت: شما خود شاهد بودید که در دوران دفاع مقدس دزفول را با موشک‌هایی که سر جنگی یک تنی داشتند، می زدند ولی مردم شهر را تخلیه نکردند و نمازجمعه‌ها نیز تعطیل نشد. در ایلام نیز همینطور بود. این شهر در معرض بمباران روزمره بود و بنده به یاد می آورم که هرگاه نمایندگان دولت به این استان می رفتند این مردم بودند که به آن‌ها وعده آرامش می دادند و همه کشور همین طور بود. نه جنگ، نه کمبودها و نه درآمدشش میلیاردی نفت احساس امنیت را از مردم نمی گرفت.

میرحسین گفت: سوال مهم این است که چرا امروز که صبح تا شب از همه جا صدای مناجات، دعا و مداحی بلند است و همه شبکه‌های تلویزیون تمام وقت تبلیغات دینی و مذهبی پخش می کند، در جامعه احساس امنیت وجود ندارد؟ دلیلش خیلی روشن است: ایمان وجود دارد ولی با لباس ظلم و جور پوشانده شده است.

وی در همین زمینه افزود: ترس از سرکوب، ترس از اعتراف گیری، ترس از بیکاری و تورم، ترس از تهاجم خارجی، ترس از شنود و دخالت در امور شخصی، ترس از چک‌های بی محل، ترس از فساد سازمان یافته، ترس از قاضی‌هایی که از بازجوها دستور می گیرند و ایمان خود را با لباس‌های تیره و قیرگون ظلم می پوشانند، همه و همه نشانه‌های حضور گسترده ظلم و نبود عدالت است. در چنین حالتی ایمان نمی تواند امنیت بیافریند و یا هدایتگر مردم به سوی آینده و آخرتی روشن باشد. گمان نمی کنم دلایل زیادی برای اثبات این مساله لازم باشد. وقتی وزیر

اطلاعات به دنبال امام جمعه و دبیر شورای نگهبان قانون اساسی دروغ می‌گوید، چگونه می‌توان در چنین جامعه‌ای امنیت را سراغ گرفت. میرحسین در ادامه سخنانش با طرح این سوال که «آیا مردم حق ندارند در چنین شرایطی از این وزارت اطلاعات که ایجاد آرامش خاطر یکی از وظایف آن است احساس خوف و رمیدگی از نظام بکنند»، گفت: عجیب‌تر اینکه این آقایان و دوستان آن‌ها لباس حضرت پیامبر (ص) را نیز برتن دارند. این موضوع شاهی بر این است که تشبه ظاهری به پیامبر و معصومین نه عصمت می‌آورد و نه آرامش خاطر. گرچه این مقامات به ظاهر در پناه قدرت در امنیت کامل باشند.

وی افزود: احساس امنیت تنها در امنیت دولت و دولتیان خلاصه نمی‌شود. بحث از امنیت انسانی است و امنیت انسانی در آزادی از ترس و رهایی از نیاز به دست می‌آید. کسانی که سوار بر زرهپوش‌های امن دولتی چشم خود را می‌بندند و صحبت از عرضه نان به قیمت‌های بین المللی می‌کنند، درد و ترس مردم را لمس نمی‌کنند. آن‌ها نمی‌فهمند که ترس از بیرون ریختن اسباب و اثاثیه یک خانواده به دلیل ناتوانی در پرداخت اجاره بها چگونه روح و جسم کم در آمده‌ها را می‌تراشد. بویژه در فضایی که سرپوش گذاشتن به فسادهای بزرگ و قانون‌گریزی‌ها به یک رویه تبدیل شده است.

موسوی همچنین در این دیدار به خطرات ناشی از تحریم‌ها برای کشور پرداخت و گفت: کسانی که می‌توانند از تحریم‌ها کیسه خود را بیشتر پر سازند، نمی‌توانند نگرانی مردم را از آینده این تحریم‌ها و خطرهای ناشی از آن درک کنند. به این‌ها اضافه کنید ترس از آنکه رای شما

دزدیده شود و ترس از آنکه شما به حکومت اعتماد کنید و به اعتمادتان خیانت شود.

موسوی در ادامه گفت: بازگشت امنیت به جامعه با لباس های سیاه و مخوف که بر تن بسیج پوشانده می شود، به دست نمی آید. ایجاد دور نمای روشن و امنیت در جامعه در گرو آن است که پرده ظلم و بی عدالتی دریده شود و این کار جز با خواست یکپارچه مردم و جنبش متعلق به آن ها امکان پذیر نیست. آزادی و عدالت و به دنبال آن امنیت و رهایی از ترس به یک ملت هدیه نمی شود، بلکه یک ملت بیدار آن را با قدرت صبر و استقامت به دست می آورد و هزینه ای که مردم امروز می پردازند در راه چنین دستاوردی است.

وی تاکید کرد: عدم تحمل و انجماد نظام به جایی رسیده است که صدای ربناي هنرمند مورد علاقه مردم را به هنگام افطار روزه سانسور می کنند و یا به رسانه ها بخشنامه می کنند که مبادا کلمه ای در مورد جنبش سبز بنویسند.

موسوی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: سیاست های ماجراجویانه سالهای گذشته، گزافه گویی ها و رجز خوانی ها کشور را در موقعیت خطیری قرار داده است. امروز در سطح جهان بدخواهان ملت ما بر طبل خشونت و تجاوز می کوبند و مشخص است که در پیشبرد این دغدغه شوم رژیم صهیونیستی نقش بارزی دارد.

وی با اشاره به این نکته که آن ها برای عملی کردن تصمیم های شوم خود احتیاج به برانگیختن افکار عمومی در جهان دارند، افزود: متأسفانه لفاظی های داخلی که در آن تمام کره زمین مورد تهدید قرار می گیرد بهانه لازم را برای تبلیغات لازم در این زمینه فراهم می سازد.

موسوی در پایان سخنان خود گفت: آنچه مربوط به جنبش سبز است واکنش به هرگونه تهدیدی از سوی بیگانگان با حفظ حد و مرز با اقتدارگرایان است. همه ما به صورت بی‌پرده و صریح از منافع ملی خود دفاع خواهیم کرد. ما مشفقانه و دلسوزانه توصیه می‌کنیم که قبل از اینکه دیر شود برای پیشبرد سیاست خارجی معتدل و کاهش خطرات برای کشور از سرمایه‌های معتبر، عاقل و با تجربه استفاده شود.

یادداشت به مناسبت شبهای قدر مردم از خود می پرسند...

۱۱ شهریور، ۱۳۸۹

این روزها مردم ما در با شکوه ترین و زیباترین میهمانی های هستی و نورانی ترین ماه سال حضور دارند. ماهی که نزول آیات و برکات آسمانی در آن صورت گرفته و می گیرد. شبهایی که انوار تجلیات شب قدر آن بر جان و دل یکایک بندگان خالق بی همتا نور افشانی می کند. شبهایی که در آن به مرور کارنامه خود فراخوانده شده ایم. هنگامه ای برای پرسش از آنچه کرده ایم. رستاخیزی کوچک و معاصر در محشر بزرگ قلبهایمان و در پیشگاه عدالت وجدانهایمان. دامنه این پرسشها

نه تنها گشوده به عرصه خصوصی و زندگی فردی است، که به عرصه حیات اجتماعی فرا می رود. مگر نه آنکه ما عضوی از جامعه و کنشگری در عرصه عمومی هستیم؟ امروز در جامعه ایرانی به تبع آنچه در بیش از یکسال گذشته اتفاق افتاده مردم بیشتر از هر زمانی با پرسشهای تعیین کننده و حساس درباره خود و جامعه ای که بدان تعلق دارند روبرو هستند.

در این شبهای قدر

مردم از خود می پرسند قیام آنان به عنوان شهروندان، برای برپایی جامعه ای که در آن کرامت انسانی پاس داشته شود و زمینه رشد و شکوفائی استعدادهای خدادادشان فراهم آید و قدمهای روشن برای بهروزی آنان و جامعه برداشته شود، به کجا رسید. به راستی آنها تاچه اندازه به خواستههای برحقشان یعنی استقلال، آزادی، عدالت و پیشرفت نزدیک گشته اند.

مردم ما از خود می پرسند که استقلال سیاسی که ارمغان قیام و نثار خونهای بسیار بوده است تا چه اندازه

به عزت و اقتدار و سرفرازی و استقلال اقتصادی
کشورمان در جهان ومنطقه انجامیده است؟

می پرسند آیا ما امید تحقق آنچه را که در بند یک سند
چشم انداز بیست ساله آمده است به باد نداده ایم و آیا
مدیریت غلط و ماجراجوئی های نابخردانه و دشمن
تراشی های بیهوده در عرصه روابط خارجی، میراث
گذشته پرافتخار ما را به باد نداده است؟ چه مانعی باعث
شده که نظام نتواند از دستاوردهای سترگ مدیران
فداکار و دانشمندان و متخصصان و مدافعان منافع ملی
استفاده کند. و آیا می توان از سیاست خارجی که تنها
در صدا و سیما و رسانه های مشخص دولتی پر هیبت و
بااقتدار جلوه می کند و چهره ترحم انگیز آن را حتی
درهای بسته گفتگوهای بی ثمر و ذلت بار نمی تواند
پنهان کنند جز این انتظاری داشت؟ مردم ما به حق
نگران حرکات خام دولتمردانی فاقد حمایت مردمی
هستند، یعنی بی بهره از گرانبهاترین سرمایه و پشتوانه
ما در تعاملات خارجی در طول دو دهه گذشته. و نگران

از آنکه بی بهرگان از اعتماد ملی در پشت سر ملت چوب حراج بر منافع ملی بزنند و سرزمینی سوخته در پشت سر خود بر جای گذارند.

مردم از خود می پرسند چه میزان از آزادی هائی که در پس قرنهای اختناق و استبداد با نثار فداکاری ها و تحمل مشقتهای بی شمار به دست آمد و پاسداشت آنها در جای جای قانون اساسی مورد تاکید قرار گرفته باقی مانده است. و باز مردم می پرسند تا چه اندازه در جامعه ای که در آن قلم ها شکسته و دهانها بسته و روزنامه نگاران و فرهیختگان و استادان و معلمان و کارگران و زنان و مردان در پشت میله های زندان هستند و هرگونه انتقاد و اعتراض توطئه همداستانی با دشمنهای خودساخته خوانده می شود و هر گامی برای احقاق حق فتنه نامیده می شود، بحث از حقوق ملت و کرامت انسانی و آزادی ها موضوعیت دارد. با چمن کاری میدان آزادی و اینکه بگوئیم مردم ایران از بیشترین آزادی ها برخوردار هستند طعم تلخ دیکتاتوری در دهان شیرین

نمی شود. مردم سوال می کنند که بدون ترس از زندانی شدن تا کجا می توانند از صاحبان قدرت سوال کنند.

مردم در شبهای شهادت حضرت علی علیه السلام از خود می پرسند تا چه اندازه در زندگی شان از عدالت اجتماعی و اقتصادی و عدالت قضائی و حقوقی و عدالت اداری و استخدامی برخوردار شده اند؟ آیا در محاکم و دعاوی در پناه قانون هستند، یا قربانی اعمال نفوذ مراکز قدرتی می شوند که پایبندی به هیچ قانونی را بر نمی تابند؟ آیا بسیج و نیروهای نظامی و امنیتی و انتظامی از مال و جان و آبرو و حقوق آنان دفاع می کنند یا از مکانت و مکت و قدرت زور مداران؟

مردم می پرسند آیا سفره آنان امروز رنگین تر از دیروز است و یا حاصل وعده دروغین آوردن نفت بر سر سفره هاشان کوچکتر شدن این سفره ها و تحلیل رفتن لوازم رفاه در زندگی آنان بوده است؟

آنها سوگمندانه می پرسند و می پرسند کجا رفت آن حقوق شهروندی فارغ از هرگونه باور دینی و پیروی از

هر مرام و مسلک، در حالی که چوب تکفیر و تفسیق از سوی محافل قدرت به بهانه دگراندیشی علیه همه متفکران و فرهیختگان بلندشده است؛ تا آنجا که وزیر دولت دانشگاه را به «باخاک یکسان کردن» تهدید می کند و نجوای عاشقانه ربنای یک هنرمند به علت کرنش نکردن در مقابل یال و کوپال داران از سر سفره افطار مومنان قطع می شود.

مردم ما از خود می پرسند تا چه اندازه به آرزوهای دیرینه شان برای نیل به به پیشرفت ایران نزدیک شده اند. آیا سرمایه های تجدیدناپذیر در راه گسترش و تقویت زیرساختهای یک اقتصاد مولد و شکوفا هزینه شده است؟ و این پرسش مدام تکرار می شود کجا رفت بیش از چهارصد میلیارد دلار نفتی در سالیان اخیر...

آنها می پرسند حاصل نظامی گری در عرصه تولید، توزیع و خدمات کشور آیا جز پدید آمدن قطب های اقتصادی انحصارگر، ناکارآمد و زیان ده و نیز نحیف شدن روزافزون بخش خصوصی و تعاونی بوده؟ آیا

خصوصی سازی های نمایشی جز به اختصاصی سازی
بنگاه ها و فعالیت های اقتصادی انجامیده است؟ آیا
سیاست هایی که در دانشگاه ها، به ویژه در قبال علوم
انسانی، اتخاذ شده است جز به پادگانی سازی مراکز
علم آموزی منتهی شده است؟

و باز هم این مردم هستند که می پرسند آیا آنچه با
آموزگاران، دبیران و مدیران باتجربه ای که تنها
گناهشان مخالفت با سیاست های نسنجیده دولت در
حوزه تعلیم و تربیت است می شود ما را به توسعه علمی
پایدار خواهد رساند؟ آیا واردات بی رویه کالا، کمر
صنعت ملی را نشکسته است؟ چه کسانی و چه باندهائی
از این سیاستها آن هم زیر لوای مبارزه با فساد دولتیان
سود می برند؟ مگر سیاستگذاری های بی برنامه دولت
در حوزه کشاورزی، باغداری، دامداری و شیلات،
روستائیان ما را در دل نگرانی مستمر نسبت به آینده
خود قرار نداده است؟ آیا اگر اکثریت مردم ایران

موجب بگیر کمیته امداد یا مراکز مشابه شوند، به آرمان جامعه پیشرفته دست یافته ایم؟

این پرسش ها و صدها پرسش مانند آن، دغدغه آحاد مردمان ایران عزیز شده است و تبلیغات دروغین در پائین آمدن نرخ تورم، نمایش های پرهزینه برای نشان دادن حمایت مردم از دولت، سخنرانی های پرهیاهو برای موفق نشان دادن سیاست های دولتمردان، اصرار مکرر در نشان دادن خاموشی صدای اعتراض و انتقاد مردم، آنچنان نخ نما و بی فایده شده که گویی استفاده پرتکرار از این ابزارها تنها برای تسلی دل حاکمان است که صورت می پذیرد. و باید هم همین باشد چراکه چشمهای مست از قدرت و تفرعن نمی توانند پوستر “دروغ ممنوع” را ببینند چه رسد اثرات آن را در هدف گذاری ها و سیاستها و اجرا.

در این شبها ای کاش حاکمان بیش از هر چیز به شکاف عمیق بی اعتمادی بین خود و مردم می اندیشیدند و عمق فاجعه ای که اتفاق افتاده را درک می کردند. اگر

چنین بود، فرصت باقی مانده را غنیمت می شمردند و در این ماه توبه و مغفرت، از ظلمی که بر مردم روا داشته اند به درگاه پروردگار و مردم دست طلب آمرزش بلند می کردند.

کاش به جای درخواست های مکرر از بازیگران صحنه بین المللی، یکبار هم که شده از مردم خویش می خواستند که فرصت جبران تمامی ستم ها و جفاهایی را که بر مردم روا داشته اند به آنها بدهند.

کاش درهای زندان هایی که آزادزان و آزادمردان دلسوز این آب و خاک را در آن به بند کشیده باز می کردند و از آنان درخواست می کردند که آنها را در نجات یافتن از وضعیت مخاطره آمیزی که در آن قرار دارند یاری دهند. مردم با زبان حال و قال می گویند اینقدر در هر مناسبتی که به بن بست بر می خورید دشمن دشمن نکنید و همه مصیبت ها را به دشمنان خود ساخته و موهوم نسبت ندهید. دشمن واقعی در درون شماست و گرنه وقتی به فریاد آزادی خواهی و مطالبه حاکمیت

مردم بر سرنوشت خود در دانشگاهها بر می خوردید، نمی گفتید که دانشگاهای مخالف تفرعن را با خاک یکسان می کنید. گیرم دانشگاهها را ویران کردید، با ملتی تشنه آزادی و فضیلت و عدالت چه می کنید؟

مردم می گویند کاش به جای مهندسی فرهنگ و دانشگاهها بار دیگر پشتوانه عظیم مردمی را که روزگاری دولتمردان ما به هنگام نشستن پشت میز مذاکره همراه خود داشتند به دست می آوردید، تا می توانستید با عزت و اقتدار، از منافع ملی و بین المللی این سرزمین جانانه دفاع کنید.

ای کاش به جای دست و پا زدن برای توجیه مهاجرت بی سابقه سرمایه های انسانی، دست از مهندسی های بی فرجام نیروی علمی و کار کشور بر می داشتید و از این بزرگترین و ماندگارترین سرمایه کشور بهترین بهره ها را برای پیشرفت و توسعه این سرزمین محنت زده می گرفتید. شاید هنوز هم راه بازگشت باز باشد. انتخاباتی آزاد برگزار کنید و حق مردم در تعیین

سرنوشت خود را به راستی به رسمیت بشناسید. و بدانید که حق تعیین سرنوشت تجلی کرامت انسانی است. شرکت در انتخابات یک حق است و برگزاری انتخابات آزاد و غیر گزینشی تکلیف حکومت است.

از مردم بپرسید آنها به شما خواهند گفت زندانیان حوادث پس از انتخابات را آزاد و به جای آن، عاملان و آمران فجایع شوم را مجازات کنید و با باز کردن درهای زندان، خود را از چرخه پایان ناپذیر و مضمحل کننده به کارگیری خشونت و ستم بیشتر آزاد نمایید. راه و رسم سخن گفتنتان را با مردم دگرگون و صداقت و شفافیت را جایگزین دروغ و تزویر کنید. با مردم خود آشتی کنید و از پشتوانه آنها عزت کسب کنید، تا مجبور نشوید در مناسبات خارجی خود تن به ذلت دهید.

اسلام رحمانی را بجای اسلام متحجرین تشنه قدرت بنشانید، همکاری و همدلی و اتحاد مبتنی بر اجماع ملی را بر استفاده از زر و زور و تزویر ترجیح دهید، آنگاه خواهی دید که همین مردم ستم دیده از شما، آماده

بخشش شما خواهد بود و با بزرگ‌منشی، که از ویژگی‌های تاریخی ایرانیان است، به شما فرصت جبران همه جفاهایی را که در حق آنها کرده اید خواهند داد. در غیر این صورت، مردم شما را تنها خواهند گذاشت و سرانجام همه حکومت‌های خودکامه ای که ملتشان آنها را تنها گذاشت، در انتظارتان خواهد بود.

و سخن آخر این همراه کوچک جنبش سبز، با دیگر همراهان پایدار و مقاوم در سراسر ایران عزیز است. دوستان همراه، نوجوانان، جوانان و سالمندان، زنان و مردان حق طلب، روستائیان و شهرنشینان غیور، در هر کجای این سرزمین پر عظمت که زندگی می‌کنیم چاره ای جز صبر و استقامت در راه احقاق حق نداریم و باید شعله‌های آگاهی را در ظلمت ناپایداری که این روزها بر میهنمان سایه افکنده است زنده نگه داریم و به یاد داشته باشیم که در شرایط کنونی، بسیاری از هموطنان ما با چهره‌های زشت و توانفرسای فقر و تنگدستی در زندگی مواجه هستند. بسیاری از

همسایگان ما شب را با دل نگرانی نسبت به فردا سپری می کنند. چه بسیار که در پرداخت هزینه های درمانی فرزندان شان درمانده اند. چه بسیار که خود فروشی و اعتیاد، خانمان شان را برباد داده است. و بی شک وظیفه همه ماست که دست درماندگان را بگیریم، در سفره هایمان با آنها شریک شویم، سنت دیرینه ایرانی در اطعام و نذورات و انفاق را زنده نگه داریم، جلوه های زیبای اسلام رحمانی را به نمایش بگذاریم و از حال و روز یکدیگر با خبر شویم. مگر نه این است که پیشوای پنجم ما به جابر فرمود که شیعیان ما شناخته نمی شوند مگر به تواضع، خشوع در برابر خداوند، امانت و درستکاری، به یاد خدا بودن، روزه و نماز، نیکوکاری نسبت به پدر و مادر، رسیدگی به همسایگان فقیر و بیچاره و ورشکسته و یتیم، راستگویی، قرآن خواندن، بدگویی نکردن به مردم، و درباره مردم سخن نگفتن مگر به نیکی؟ و مگر نه این است که اینها پایه ها و مغز دینداری در همه ادیان الهی است؟ از بزرگداشت

خانواده های شهدای انقلاب، جنگ و حوادث پس از انتخابات غفلت نورزیم، و به یاد داشته باشیم که تعیین کننده سرنوشت این ملت، نه بازیگران منفعت جوی سیاست ورزی رسمی، که ظهور ملتی است که مدنیت پاینده و عزم راسخ خود را برای حق خواهی و تحول برای آینده ای بهتر در راهپیمایی عظیم مردمی ۲۵ خرداد سال گذشته، به نمایش گذاشت. اعتماد به مدنیت، همچون لنگری است که این ملت را در طول بحران ها و توفان های سهمگین، پابرجا نگه داشته است و به اتکای آن، پرچم هویت دینی - ملی خویش را از گزند تندبادهای حوادث، مصون و پراعتزاز نگاه خواهد داشت.

پیام میرحسین موسوی به دربارهٔ حملات سازمان یافته
به منزل مهدی کروبی

بسمه تعالی

انا لله و انا الیه راجعون

حمله اوباشان رو سیاه به منزل حجت الاسلام و المسلمین کروبی یار شجاع مردم در شب قدر نشان از ره گم کردگی اقتدار گرایان است. آن ها با این اقدامات سازمان یافته که حدود ۵روز است زیر نظرنیروهای انتظامی و امنیتی آغاز شده است نشان دادند که اشغال قدس شریف و دشمنی با اسرائیل بهانه است دشمن واقعی اقتدارگرایان کروبی و شخصیت های امثال او و سایر آزادیخواهان است. همانطور که در ۲۲ بهمن نشان داده شد که مقصد اقتدار گرایان نه جشن پیروزی

انقلاب بلکه مراسمی برای چنگ و دندان نشان دادن به آزادی خواهان و ملت سبز ایران است .

فاجعه حمله به منزل جناب آقای کروبی که به دنبال حمله به منازل مراجع عالیقدر در قم و شیراز صورت می‌گیرد بهترین نشان خوف اقتدار گرایان از جنبش مردمی و نیز بهترین دلیل برای ابزاری شدن همه شعارها و مراسم و مناسک اسلامی و انقلاب است طرفه آنکه از سوی سازمان دهندگان این اقدامات مفتضحانه، سال و روز هم برای پایان عمر ظلم اسرائیل اعلام می‌شود. ما می‌گوئیم شما با این اقدامات سیاه و نفرت بر انگیز اراده معطوف به آزادی مردم را نمی‌توانید سد کنید بلکه راه نیل به آزادی را برای آزادی خواهان کوتاه‌تر می‌کنید .

میرحسین موسوی

۱۲ شهریور ۱۳۸۹

جنبش سبز با محدودیت های امنیتی و حذف همراهان آن متوقف نمی شود

۲۲ شهریور ۱۳۸۹

*در خبرها آمده است که محدودیت های امنیتی در اطراف شما زیاد شده است. آیا شما هم چنین برداشتی دارید؟

- تاریخ این نوع مزاحمت ها به قدمت انتخابات (دهم) است. حمله به ستادهای انتخاباتی اینجانب که از همان عصر روز ۲۲ خرداد شروع شد، مقدمه محدودیت های غیر قانونی علیه بنده بود.

البته گذشته از اسناد و قرائن فراوان، اگر متقلبان در انتخابات هیچ سندی جز همین حمله به ستادها را قبل از اتمام رای گیری و دستگیری شخصیت های انقلابی در

یک روز بعد و روزهای بعدتر به جا نمی گذاشتند، برای نشان دادن مقاصد آنان کافی بود. آن‌ها خوشبختانه به دلیل حماقت انتشار دو نوار سخنرانی یکی از «سرداران مامور» زمینه را برای قضاوت عمومی راحت‌تر کردند. به هرحال مساله مزاحمت و محدودیت‌ها با فراز و فرودهایش از آن زمان تا حال ادامه پیدا کرده است.

*پس معنای سخنانتان این است که اخبار منتشره در باره تشدید فضای امنیتی در اطراف خودتان تایید می‌کنید.

-بله، اخبار در باره تشدید محدودیت‌های امنیتی درست است. اخیرا به خاطر خوف نیروهای امنیتی از حرکت‌های خیابانی مردم این محدودیت‌ها شدیدتر شده است. به این فشارها اضافه کنید ممانعت سر تیم محافظان بنده را از انجام وظایف خود که بسیار سوال بر انگیز است. ایشان بیست سال سر تیم حفاظت بوده و حالا از انجام وظایف خود تعلیق شده و معلوم نیست چه خوابی دیده‌اند؟

* آیا ان ها فکر می کنند یا به هر حال این امید را دارند که این نوع محدودیت دامنه تحرک جنبش را کم کند؟
 - مسلما اگر چنین فکری دارند اشتباه می کنند. جنبش ریشه دارتر از آن شده است که با محدودیت و یا حذف امثال بنده متوقف شود. ریزش مدام مشروعیت و نارضایتی های در حال انباشت وضعیت ویژه ای را در کشور ایجاد کرده است.

اگر سال گذشته شعار «رای من کجاست» توانست میلیون ها شهروند مسالمت جو را در روزهای ۲۵ و ۲۸ و ۳۰ خرداد دور هم جمع کند اکنون با سیاستهای سرکوب یک سال گذشته و اوضاع معیشتی مردم و فشارهای بین المللی ناشی از ماجراجویی ها، احتمال حرکت های غیر مترقبه بیشتر شده است. بنده و برادر کروبی و دیگران همراهان کوچکی با مردم هستیم. ان ها جا دارد از خشم روزافزون مردم بترسند نه از ما.

*یعنی شما فکر می‌کنید اهمیت موضوع تقلب در انتخابات، حالا با افزایش نارضایتی‌ها کمرنگ شده است؟

- به هیچ وجه! بلکه در کنار مصیبت‌هایی که به دلیل سیاست‌های من در آوردی همراه با دروغ و سرکوب وارد می‌شود مردم بیشتر از همیشه به راه حل کلیدی انتخابات آزاد غیر گزینشی توجه پیدا کرده‌اند. هر روز که می‌گذرد مردم بیشتر معتقد می‌شوند که ریشه بحران در استبداد و عدم توجه به حق‌ان‌ها برای حاکمیت به سرنوشت خودشان است. مردم می‌بینند که دولتمداران بین‌ان‌ها اختلاف می‌اندازند که به نام اسلام و در حقیقت بر خلاف اسلام خودشان حکومت کنند.

به نظر بنده در میان مردم تلازم عدالت و آزادی هر روز بیشتر جا می‌افتد. به همین دلیل همه کسانی که قدرت تالیف و تحقیق دارند یقیناً توجه دارند که شکایت هفت مبارز فرهیخته و با سابقه کشور از سخنان سردار مامور تا چه اندازه اهمیت استراتژیک دارد و نباید از آن

غفلت شود. و باید بصورت مشفقانه عرض کنم که رسیدگی عادلانه و علنی به این شکایت برای بیرون آوردن کشور از بحران از مانور نیروهای امنیتی که یک روز قبل از روز قدس در خیابانهای تهران شاهد آن بودیم و یا حمله به خانه های مراجع مورد علاقه مردم در قم و شیراز موثرتر است. و اگر نه بازداشت دکتر محمدرضا خاتمی و بازداشت هنرمند گرامی دکتر حبیب صادقی در کنار دفتر اینجانب مشکلی را حل نمی کند.

* آیا ممکن است محدودیت های اخیر با حمله به

دفاتر مراجع و فشار به روحانیون معترض مربوط باشد؟

- باید به ریشه ها توجه کرد. نظام در بسیاری از سطوح به سمت ماکیاولیسم چرخیده و در این موارد هدف هر نوع وسیله ای را توجیه می کند. و این از ویژگی های حاکمیت قدرتی است که نمی توان از آن سوال کرد. در چنین وضعیتی کرامت انسان ها و حقوق آن ها می تواند نادیده گرفته شود و حفظ موقعیت و مکانت سیاسی حتی با آدم کشی مجاز شمرده شود. دروغ در چنین

حالتی به صورت یک روش جهت حفظ موقعیت و منفعت در می‌آید و خیلی ساده بین منافع شخصی و منافع ملی خلط می‌شود. در چنین اوضاعی اگر یک مرجع کاری با حکومت نداشت با او کاری ندارند و اگر در این شرایط یک مرجع و یا روحانی و یا مداحی از این حضرات تعریف و تمجید کند می‌شود مرجع عالیقدر و یا روحانی بر جسته و یا مداح دلسوخته اهل بیت. بلافاصله تصویر او در صدا و سیما نشان داده می‌شود و بسته به میزان طرفداری و تعریف تمجیدی که از صاحبان قدرت می‌کنند، چهره‌های آن‌ها کوچک و بزرگ می‌شود و اگر به طور مثال همین مرجع انتقادی از صاحبان قدرت داشته باشد و یا نظری مخالف آن‌ها بدهد، بلافاصله او را از کشتی مرجعیت پیاده می‌کنند و یکباره کشف می‌شود که ایشان صلاحیت علمی لازم را نداشته است و انواع تهمت‌ها به سمت ایشان روانه می‌شود و دفتر و خانه و مسجد و مقلدین ایشان مورد حمله نیروهای به اصطلاح خود سر قرار می‌گیرد.

حضرت ایت الله دستغیب تا موقعی از نظرشان محترم است که چشم به ظلم و ستم اقایان ببندد و یابه شیوه اعمال وظایف مجلس خبرگان ایرادی نگیرد. در غیر اینصورت مسجدی که او در آن نماز می خواند با آن سابقه می شود مسجد ضرار و امام جمعه ای که میزان درک او در حدی است که به میلیون ها انسان هموطن خود می گوید یک عده بزغاله و گوساله در کنار حرم مقدس رضوی یک باره خوابنا می شود که این عالم بزرگوار از خانواده ریشه دار و محبوب دستغیب ها در شیراز مهد تمدن و فرهنگ ایران موقعیت علمی و صلاحیت ندارد.

* آیا فکر نمی کنید این اقدامات برای پوشاندن ابعاد بحرانهای سیاسی و اقتصادی از چشمان مردم باشد؟
- امروز بحران فقط خود را در عرصه های اقتصادی و سیاسی نشان نمی دهد. همین حمله به خانه های مراجع و مدارس ان ها در کنار حمله به دانشگاه ها و خوابگاه ها یکی از چهره های تکان دهنده بحران است. توجه کنید

نظامی که ریشه مشروعیت دینی آن بر آمده از سلسله مراتب حوزه‌ها و روحانیت است، مشغول مهندسی ویرانگر توامان دانشگاه و حوزه با هم است. از آن سو وزیرش دانشگاه حرف نشنو را تهدید به یکسان سازی با خاک می‌کند و از این سو منازل و شخصیت مراجع ضد ستم و منتقد مورد حمله فیزیکی و تبلیغاتی قرار می‌گیرد.

کسانی که این طرح‌ها را می‌ریزند باید بدانند این گونه اقدامات کمکی به بقای آن‌ها نمی‌کند اگر این کارها در گذشته توانست اثری داشته باشد و ستمگران را حفظ کند می‌توانند این سیره و روش را ادامه بدهند و در این میان اگر کسی به جای خود به بقای کشور و منافع ملی می‌اندیشد باید بسوی قانون و انصاف برگردد حتی اگر این برگشت به ضرر موقعیت و مکانت او تمام شود.

سیاستهای ویرانگر کنونی را به رفرا ندوم بگذارید

۱۳ مهر ۱۳۸۹

*جناب آقای موسوی، یکی از بحثهای حساس در فضای ملی وضعیت جنبش سبز در شرایط کنونی است. تحلیل شما از وضعیت کنونی جنبش چیست و آینده انرا چگونه پیش بینی می کنید؟

- جنبش سبز سر زنده است و روز به روز ریشه های آن عمیق تر می شود. جنبش سبز کلمه سبزی است که از دل پرمهر ملت ما جوشیده و ماحصل مطالبات بر زمین مانده یکصد سال اخیر بویژه مطالبات بر آمده از انقلاب اسلامی است. از همه مهمتر یک جنبش مدرن و متناسب با شرایط و ضروریات جهان امروزی است. اگر دقت کنید شعار ها و مطالبات در جنبش به گونه ای

بیان شده است که مخالفت علنی با آن را برای اقتدار طلبان مشکل می کند.

* دقیق تر بفرمایید که چه شعار و مطالبه ای است که مخالفت علنی با آن را برای جناح اقتدارگرا دشوار می کند؟

- چه کسی می تواند آشکارا با آزادیخواهی و عدالت طلبی و یا انتخابات غیر گزینشی آزاد و رقابتی مخالفت کند. یا چه کسی می تواند تکیه بر ارزشهای فرهنگی متنوع قومی را رد کند و یا به به راحتی و با صدای بلند بگوید که کرامت ذاتی انسانها را قبول ندارد و یا نمی خواهد مردم حاکم بر سرنوشت خود باشند و یا بگوید باز تولید استبداد آن هم به قول مرحوم علامه نائینی بدترین نوع استبداد امر مطلوبی است؟

ما می دانیم در ضمیر و باطن انسانی هیچ کس حتی در میان نیروهای امنیتی، نظامی و بسیجیان سیاهپوش امروزی راضی به کشتن و سرکوب و محبوس کردن فرهیختگان، معلمان، کارگران و زنان و مردان نیست، مگر یک عده بیمار و یا وابستگان به قدرت و سودبرندگان از غارت منابع ملی. به همین دلیل وقتی

مخالفان جنبش نمی توانند با خواسته های جنبش مقابله کنند دشمن تراشی می کنند. دشمن تراشی هایی از جنس آنچه در نوار سردار مشفق بود. از این نظر نوار سردار مشفق به عنوان یک سند تاریخی دارای اهمیت هم هست.

*برای چندمین بار است که شما به اهمیت نوار سخنان سردار سردار مشفق اشاره می کنید، همان سخنانی که موجب شکایت هفت اصلاح طلب علیه کودتای انتخاباتی نیز شد، اولاً اهمیت آن سخنان در چیست؟ ثانیاً به نظر شما دلیل عصبانیت اقتدارگرایان از شکایتی که بر پایه سخنان سردار مشفق استوار بود، چیست؟

- سخنان سردار مشفق علاوه بر آنکه سندی برای اثبات تقلب و کودتای انتخاباتی است برای نشان دادن انحطاط فکری دشمنان مردم بسیار مهم است. دلیل عصبانیت اقتدار طلبان از شکایت بر پایه سخنرانی کذائی همین است.

اما ما در مقابل این عصبانیت می توانیم بگوییم که فرض کنید ما همه دشمن و یا فریب خورده دشمن باشیم شما

بدون توجه به ما میثاق بین خود و مردم را که رعایت حقوق مردم و حفظ آزادی ها و اجرای بدون تنازل قانون اساسی و حق حاکمیت مردم بر سر نوشت خودشان است، رعایت کنید.

شما با بازگشت به سمت مردم و قانون و دوری از استبداد خودتان پرچم سبز را بلند کنید. چه کسی به شما اختیار داده است که با ماجراجوئی و استبداد رای کشور را در مقابل همه جهان قرار دهید و این شرایط وخیم را در وضعیت اقتصادی و سیاسی کشور ایجاد کنید. خودتان برای خودتان هورا نکشید! رفراندوم برگزار کنید ببینید آیا مردم این سیاستهای ویرانگر را قبول می کنند یا نه؟

*مهم ترین ویژگی های جنبش سبز را در شرایط فعلی چگونه بیان می کنید؟

- در خلاصه ترین حالت باید بگویم جنبش سبز یک جنبش آزادی خواه و رهائی بخش کاملاً معاصر است و نگاه به سنت و گذشته در آن به شیوه ای است که دست و پای آنرا نبسته و امید به آینده هم به نوعی نیست که

آنها دچار خیالپردازی کرده باشد. سیاستهای ویرانگر دولتمداران هم البته نقش اساسی در توجه دادن مردم به شعارها جنبش داشته است و بتدریج آنها بصورت تنها بدیل برای وضعیت موجود در آورده است

*می شنویم که آقایان در تبلیغات رسمی خود می گویند که جنبش سبز را جمع کرده اند البته برخی اوقات خیلی راحت هم از لفظ «سرکوب» استفاده می کنند؟ نظر شما در باره این ادعا چیست؟

- امتحان این ادعا خیلی ساده است. بگذارند بدون پر کردن خیابانها از نیروهای سیاهپوش و مسلح در مراسمی مثل شانزده آذر و یا بیست پنج خرداد مردم نظر خود را با استفاده از حقوقشان که در اصل بیست و هفت قانون اساسی آمده است، نشان بدهند.

با دلخوشی به تجمعاتی که با حاضر غایب کردن در ادارات و یا تشویق و ترساندن و با هدایت احزاب و تشکلهای پادگانی ترتیب داده می شود، مشکل حل نمی شود. همین تکبیرهای خودجوش روز دوشنبه آخر

شهریور به تنهائی پاسخ آن همه تجمعات مهندسی شده را داد.

بنده به اختصار در پاسخ این ادعا بگویم که اثراتی که جنبش سبز تاکنون داشته جمع کردنی نیست. شما به ترک هائی که در بدنه آلوده به فساد و ظلم ایجاد شده نگاه کنید. این ترکها در جاهایی به شکافهای غیر قابل ترمیم تبدیل شده است. آنها برای پوشاندن این شکافها بطور مرتب به دروغگوئی وادار می شوند.

آبروی نظام امروز در گرو عمل به قولها و قانون در مورد پرونده هائی چون فجایع کهریزک و یا نامه های زندانی های مظلوم سیاسی و یا جنایات حمله به کوی دانشگاه درآمده است و کاملاً مشهود است که دولتمداران راه حلی را در این زمینه ندارند و برای همین دروغ ها هر روز در حال افزایش است و هر روز بیشتر از روز پیش مشت اینان در مقابل مردم ایران و جهانیان باز می شود. به نظر من تبدیل دروغ بعنوان روش اداره کشور هم نشان خوف است و هم نشان زوال. اینها نه تنها از تجمع

ها و راهپیمایی های خیابان که حتی از مچ بند سبز هنرمندان و ورزشکاران و جوانان نیز می ترسند. باید به یاد داشته باشیم که در نبود جنبش این فساد و ظلم ساختاری و خودرایی ممکن بود برای مدت طولانی پنهان بماند و در آینده کشور را در معرض خطرهای علاج ناپذیر قرار دهد.

خلاصه بگویم اینکه ما در مقابل میلیاردها انسان در مقر سازمان ملل بگوییم در ایران زندانی سیاسی وجود ندارد و اینهایی که زندانی هستند می خواسته اند پلیسها را بکشند و یا ترس خود را از مچ بند سبز ورزشکاران و هنرمندان نتوانیم پنهان کنیم نشان می دهد که جنبش در همه حال و همه جای ایران و جهان حضور دارد و اینان را راحت نمی گذارد و عرصه را آن چنان برای ظالمان تنگ کرده است که تصدیق بدیهیات از سوی اینان مساوی رها کردن قدرت خواهد بود و به همین دلیل بسط آگاهی ها برای آینده کشور و جنبش نقش حیاتی دارد. نیروهای مسلحی که در آستانه روز

قدس برای ترساندن مردم به خیابانها آورده شدند نشان می دهد که اقتدار گرایان از سرزندگی جنبش اطلاع کامل دارند. حالا اگر یک وزیر بی اختیاری تعادل خود را در مقابل مچ بند سبز سینماگرها از دست می دهد نباید آنرا جدی گرفت.

* به مساله ی اقتصادی بپردازیم. در کشور علاوه بر بحران سیاسی نشانه های آشکاری از بحران اقتصادی دیده می شود. نرخ ارز و طلا و توقف گشایش اعتبارها و کم شدن فروش نفت و اعتصاب ها در چند ماه اخیر در بازارهای کشور اتفاق افتاده است و بیکاری، تورم و مشکلات روز افزون معیشتی نیز کاملاً برای مردم ملموس است. اما در مقابل گفته می شود این تحریم ها به نفع کشور است و ما تحریم ها را دور می زنیم و از این قبیل بحثها. نظر شما به عنوان کسی که در هشت سال از بحرانی ترین دوران کشور دولت را اداره کردید در باره بحران های فعلی اقتصادی و ادعاهای دولت چیست؟

- بنده بلافاصله بعد از قطعنامه ۱۹۲۹ در یادداشتی گفتم که این قطعنامه و قطعنامه های قبلی قابل اجتناب بودند و گزافه گوئی ها و ماجراجوئی ها در سیاست خارجی

برای استفاده داخلی منجر به صدور این قطعنامه و پیامدهای آن شد و متأسفانه هنوز هم رویه سابق ادامه دارد.

می شود سخنرانی ها و مواضع اخیر در نیو یورک را از زاویه تامین منافع ملی بین استادان و صاحب نظران و حتی کارشناسان زبده وزارت خارجه به بحث و گفتگو گذاشت تا معلوم شود این مواضع چقدر به نفع مصالح ملی ما بوده است. البته ممکن است در قهوه خانه های بعضی از کشور های عربی به به و چه چه هم بشنویم. ولی اثرات واقعی این مواضع در سفره های محرومان و مستضعفان جامعه و بازار و اقتصاد ملی روز بروز بیشتر حس خواهد شد.

گذشته از خطرات امنیتی و اقتصادی بیرونی در داخل هم ما مشکل اساسی تری داریم که ممکن است در نگاه اول به نظر نیاید و آن کوتاه شدن دست کشور در استفاده از نیروهای کارآمد برای مدیریت بحران در سطح سیاسی و اقتصادی و اجتماعی است.

نظام امروز دچار توهمات خطرناکی است و مشغول خراب کردن همه پله‌های کوچک و بزرگ پشت سر است و گرنه در داخل این معرکه بزرگ به فکر حذف روز گفتگوی تمدن‌ها از تقویم‌های کشور نمی افتادند. همین اقدام به ظاهر کوچک به خوبی نگاه کوتاه‌نگرانه و جناحی را که کشور دچار آن شده است، بخوبی نشان می دهد.

حضرات فکر می کنند عرصه سیاست داخلی و خارجی مثل سر گذرهای کوچک محلات قدیمی است که با اشتلم و فحش و دعوا حریف را از میدان بدر می کردند. مشکل در این است که مقیاس‌ها اشتباه گرفته شده است و بین منافع بزرگ ملی و منافع حقیرانه شخصی و صحنه پیچیده بین المللی و جدالهای کوچک سرمحله ای خلط شده است و گرنه با احتیاط و تدبیر بیشتر عمل می شد.

در این بین فریاد شعارهای ارزشی و دینی بیش از همیشه بلند است و من میگویم اگر واقعا اسلام و ایران

برای ما اهمیت داشت این همه نیروهای نخبه را از نظام نمی رماندیم آیا امروز جای امین زاده باید در زندان باشد یا وزارت خارجه ؟ و آیا امروز صفائی فراهانی در زندان و بیمارستان باید باشد و یا در وزارت اقتصاد و دارایی؟

اقتدارگرایان خواه خوششان بیاید و یا بدشان بیاید اکثریت نیروها و مدیرانی که امروز می توانستند در این بحران نقش آفرین باشند در حزب مشارکت و مجاهدین انقلاب و کارگزاران واعتماد ملی و سایر تشکلهای مشابه هستند و در این بین مساله عمده دادستان کشور و سخنگوی قوه قضائیه و در حقیقت سخنگوی کل نظام اعلام غیر قانونی بودن این تشکیلات ها و دستگیری اعضای آنهاست.

بنده متاثر می شوم وقتی می بینم مدیران برجسته کشور عوض آنکه مشغول حل مشکلات و از بین بردن اثرات خرابکاریهای آقایان باشند یا در زندانها هستند و یا در انزوا. همه ما شاهد آن بوده ایم که بعضی از این

مدیران در سطح اجرا چه معجزاتی آفریده اند. امروز همه زنان و مردانی که گمنام و یا مشهور تحت تعقیب و یا در زندان هستند می توانستند گره های بسیار از مشکلات کشور باز کنند.

بنده از روی دلسوزی توصیه میکنم که این روزهای سخت که سختتر هم خواهد شد تاجائی که میتوان آن هزاران مدیر و نیروی کار امدی که از همه دستگاهها تصفیه شدند مورد توجه قرار گیرند و از تجربیات آن ها استفاده شود. گرچه می دانم که نباید انتظار داشته باشم که میخ آهنین رود در سنگ.

*در مورد ادعاهای رسمی در مورد حل مشکلات کشور که زیاد این روزها از رسانه های رسمی شنیده می شود، چه نظری دارید؟

- در این باره باید بگویم شفافیت و اذعان بوجود بحران بخشی جدائی ناپذیر از راه حل است. با پوشاندن مسائل و رجزخوانی نفتی نخواهیم داشت که آنرا بر سر سفره های مردم ببریم و یا امنیت ایران عزیز را تامین کنیم.

دروغ و وارونه سازی حقایق باید متوقف شود تا ما همه مردم را پشت نظام داشته باشیم. باید بدانیم در دراز مدت برای مردم مهم تر از اسم حکومت تامین حقوق حقه آنان و احترام به کرامت ذاتی آنهاست. اگر می خواهید اسلام را حفظ کنید بطور عملی باید نشان انان بر سرنوشت خود و حل مشکلات کشور عاجز نیست و مخالف ظلم و فساد و زورگوئی و فامیل بازی و اختناق است.

هیچ دولت و نظام سیاسی نمی تواند جز با ایجاد وحدت بین ملت خود در خطرات جدی از خود دفاع کند. راه حل جذب مردم در این است که به آنها اطمینان داده شود که رای آنها دزدیده نخواهد شد و آنها خواهند بود که باید تصمیم بگیرند نماینده اشان در سازمان ملل چگونه سخن بگوید و با کدام کشور دوست باشد و با کدام دشمن. و نمایندگان آنها خواهند بود که تصمیم بگیرند چه زمانی از دولتمداران حمایت کنند و چه

زمانی استیضاح. وگرنه با دادن دو اطلاعات متناقض در یک روز در مدح و ذم دولت مردم از جنبش سبز جدا نخواهند شد.

*به تازگی یکی از سخنگویان موتلفه گفته است که باید بدنه مردم را از موسوی و خاتمی و کروبی جدا کنیم تا مشکل فتنه حل شود. به نظر می رسد این استراتژی تازه آقایان باشد. ارزیابی شما از استراتژی تازه شان چیست؟

-به نظر من استراتژی عاقلانه ای است ولی مردم جذب تشکلهایی می شوند که مردم را بخاطر منافع خودشان با دگرسازیهایی بی مورد خودی و ناخودی نکنند و از حقوق مردم دفاع کنند.

چه اشکالی دارد موتلفه هم از رسیدگی به نامه های حمزه کرمی و عبدالله مومنی و به دفاعیه آریا آرام نژاد و فعالین مازندرانی توجه و رسیدگی کند و هم مخالفت صریح خود را با شکنجه و اعتراف گیری و تواب سازی اعلام کند. و یا بعنوان یک حزب قدیمی به دستگیری غیر قانونی اعضای نهضت آزادی که آن هم یک تشکل و حزب قدیمی است اعتراض کند؟ مشکل موقعی حل می

شود که ما چشمان را به تمایزهایی که خودی و ناخودی کردن ایجاد می کند ببندیم و از حق دفاع کنیم، حتی اگر به ضرر خودمان باشد. من یقین دارم اگر شهید بزرگوار عراقی امروز زنده بود از حق و عدالت دفاع می کرد حتی اگر به ضرر خود و یا دوستانش بود.

پیام به مناسبت آذر ماه
آگاهی چشم اسفندیار خودکامگان ...

بسم الله الرحمن الرحيم
دانشجویان همراه جنبش سبز،
دوستان جوان و پرمهر و شجاع هموطن،
سلام و درود بر شما باد
در آستانه ماه آذر -ماه دانشجو- در یادآوری ایستادگی
ها و مبارزات شما برای پاسداری از حقوق ملت ایران و
حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خود، لازم دیدم چند
کلمه از باب قدردانی و احترام برای شما عزیزان
بنویسم، به ویژه آنکه امکان دیدار مستقیم با شما کم
شده است.

در دو سال اخیر، در ملاقات هایی که با شما داشته ام و یا در نامه ها و یادداشت هایی که فرستاده اید، همواره شاهد دغدغه های شما درباره آینده ایران عزیز و جنبش سبز آزادیخواهانه مردم ایران بوده ام. و البته از شما نیز جز این انتظار نیست، چرا که در سرزمین ما، دانشجو همواره ی تاریخ دیده بان بیدار مخاطراتی بوده است که جامعه ایرانی را تهدید می کرده است و در این راه خود نیز، به گواهی تاریخ، از خطرهای بزرگ در راه دفاع از مردم و ملت استقبال کرده است. و مگر نه این است که ۱۶ آذرماه هر سال یادآور حادثه تلخی است که در آن، دانشجویان هوشیار و پیشتاز این دیار، که در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی حامی آن دهان به اعتراض گشوده بودند، به خاک و خون کشیده شدند؟ در آن روز مستبدان و خودکامگان تصور می کردند که بعد از آن سرکوب و کشتار، دهان انتقاد و اعتراض برای همیشه بسته خواهد ماند؛ خطایی که همه کسانی که به پیروزی برپایه اربعاب تکیه می کنند

مرتکب می شوند، و چه بد تکیه گاهی است
ابزار سرکوب برای بقای چند روز بیشتر.

مستبدان نمی دانند که به کارگیری زر و زور و تزویر،
فاصله مردم را با آنها بیشتر می کند، و آنها را به کنج
خلوتکده تخیلی به ظاهر امنی می راند که توسط
مداحان و ثناگویان منفعت جوی و دشمن مردم طراحی
و اجرا شده است، تا بلکه تألم ناشی از دست دادن
پشتوانه مردم را از یاد ببرند.

مستبدان، روز به روز تنهاتر می شوند و به همه چیز و
همه کس گمان بد می برند، دوستان دیروزشان را از
خود می رانند، و هر انتقاد و نصیحتی را توطئه ای برای
نابودی خویش می پندارند. و بدتر آنکه منافع خودشان
را مساوی با منافع ملی می گیرند و در چنین وضعی
ناچار به سلاح داران تکیه می کنند، و به دنبال کسانی
می گردند که چشم و گوش بسته از آنها فرمان برند و
سایه شک و تردید نسبت به افکار و اعمال آنها را حتی
برای لحظه ای از دل نگذرانند.

مستبدان در دایره تنگی که برای خود فراهم کرده اند، آنقدر گرد خویش می چرخند که از شنیدن همه‌مه سقوط کاخ خودکامگی و خودرایی باز می مانند و زمانی بیدار می شوند که بسیار دیر است برای بازگشت به آغوش مردم.

آنان نمی دانند که دهان و گوش و چشمان مردمان را شاید بتوان از گفتن و شنیدن و دیدن بازداشت، اما اندیشیدن موهبتی الهی است که دروازه های خلوتگاه آن به روی زورمندان بسته است. راز این همه احساس خطر از دانش و دانشجو و دانشمند، این همه اضطراب از آزادی چرخش اطلاعات، این همه ترس از رسانه های آزاد، این همه واهمه از تجمع حتی آرام و مسالمت جویانه منتقدان و معترضان، و نیز این همه تلاش برای بیگانه نمایی دوستان مردم و انقلاب، و روند مستمر پایان ناپذیر ناخودی کردن فرزندان ایران، این همه هراس از هر آنچه با عقلانیت جمعی پیوند دارد و این همه پرهیز از هر آنچه با برنامه ریزی و مدیریت دانش

محور مرتبط است آیا درهمین نیست؟ و سرانجام، مستبدین در جهت کسب پیروزی با حاکمیت ترس، از همان روشی استفاده می کنند که فرعون و همه فرعونیان بهره بردند. طایفه طایفه کردن مردم «با خودی و غیرخودی کردن ملت» و قرار دادن مردم در مقابل هم، تحقیر مردم با گوساله و بزغاله و خس و خاشاک نامیدن برای واداشتن آنها به کرنش، و سرانجام رنگ قدسی بخشیدن به قدرت، که «انا ربکم الاعلی». و این آخری به گواهی تاریخ بدترین جنبه جباریت است. یعنی واجب است که اطاعت کنید و سوال نکنید و ما برتر از آن هستیم که مورد سوال قرار گیریم. آیا قانون گریزیهای گسترده و حساسیت در برابر خواست بازگشت بدون تنازل به قانون اساسی وعدم تمکین در مقابل رای مردم و گریز از انتخابات های آزاد و رقابتی غیرگزینشی و بستن روزنامه ها جز این معنی می دهد که عده ای خود را برتر از قانون و مستغنی از آرا و نظرات مردم می دانند؟

مگر امام رحمت الله علیه در سال ۵۹ نگفت «همه روی قانون عمل نکنند. این قانونی که ملت برایش رای داده است. همین رای نداده است که توی طاقچه بگذارید و کاری به آن نداشته باشید. بروید مشغول کار خودتان بشوید».

و در سال ۶۰ نیز فرمودند:

«البته دزدها از قانون بدشان میاید و دیکتاتورها هم از قانون بدشان می آید»

و هم ایشان بودند که در جواب نامه صریح نمایندگان مجلس در مورد انحراف نظام از حدود قانون اساسی گفتند که همه باید به قانون برگردیم.

۱ - چنین است دوستان عزیز که امروز، به واسطه به کارگیری شیوه غلط خریدن فرصت های زودگذر از طریق ایجاد بحران های پیاپی، هزینه های سنگینی بر مردم ما تحمیل می شود، تا با تمسک به شیوه از پیش شکست خورده فرار به جلو، تحکیم مناسبات فرقه ای با الگوی «اطاعت محض یا اخراج»، برانگیختن کینه های

ناشی از شکاف عمیق تر شده میان فقرا و اغنیا، این قدرت چندروزه چند روزی بیشتر در دست قدرتمندان باقی بماند.

روندی که می بایست در بستر اعتمادسازی گسترده مردم -مردمی که به دولتمردان به دلیل انتخابات پر از تخلف و تقلب و دستکاری رایانه ای آرا بدبین شده بودند- و با تکیه بر خرد جمعی و استفاده از صاحب نظران خداترس و بیطرف صورت می گرفت، اینک جراحی دردناکی نامیده می شود که جان اقتصاد بیمار ناشی از سیاستهای من در آوردی و فساد عمیق را بیش از پیش در مخاطره قرار داده است. همه جا صحبت از فشارهای طاقت فرسا بر خانواده هایی است که این روزها بیش از هر زمان دیگر با فقر و نداری دست و پنجه نرم می کنند.

صاحب منصبان نظامی و انتظامی به صراحت از بیمناکی خود نسبت به واکنش های عصبی مردم و خطر سوء

استفاده های احتمالی دشمنان خارجی و مخالفان داخلی سخن می گویند.

پرسش بزرگ مردم ما از آنها این است که اگر به راستی بر این حقایق آگاهید و می شنوید نظر کارشناسان را که متفق اند اجرای این طرح به شکلی که شما تهیه کرده و اجرا می کنید جز خسارت های مادی و انسانی و تشدید بی عدالتی، دستاوردی در بر ندارد، چرا این همه اصرار بر چشم بستن به نظرات اقتصاددان های برجسته کشور و نمایندگان مجلس دارید؟ کجا رفت وعده های آموزش مجانی و ایجاد اشتغال و اصل ۴۳ قانون اساسی؟ چرا به مردم نمی گوئید با پولی که می خواهید با افزایش قیمتها از جیب مردم بردارید، در غیبت سازمان برنامه و بودجه و تضعیف مجلس و بی خاصیت شدن شوراها و سازمانهای نظارتی، چه می خواهید بکنید؟ آیا سوءاستفاده از نیاز و فقر مردم، با توزیع بخشی از پولی که از دست آنان ربوده اید، می تواند بحرانهای بعدی را کنترل کند؟ کجا رفت وعده نفت بر سر سفره ها و قول

برخورد با مفسدین؟ چگونه است که به نجوا و آهسته از سرنوشت سند چشم انداز بیست ساله نام می برید؟ نمی اندیشید که حتی اگر تمام مساجد و تکایا و نهادهای سنتی را آمرانه و بخشنامه ای در خدمت محکومیت جنبش سبز به کار بگیرید، سه میلیون دانشجوی آگاه و فرهیخته می توانند با پراکندن پرسشها و نقدها پل های ارتباطی نیرومندی با همه اقشار مومن و مستضعف برقرار کنند و به آنها ریشه های عقب ماندگی و فقر و سقوط تولید ملی را توضیح دهند؟

۲ - شاید قرار است که به این بهانه، باز هم آب گل آلود شود و کسانی باز هم به جای پاسخگویی، راهبرد فرار به جلو و از بین بردن فرصت ها تا مرز نابودی نظام و ایجاد بحران های شدید در این کشور را دنبال کنند. امروز بیش از همیشه شاهد دشمن دشمن کردن دست اندر کاران، به عنوان جزئی از استراتژی پیروزی از طریق ترساندن هستیم. پیش از این شاهد بوده ایم که به گواه

تصاویری که ضبط شده است، مأموران امنیتی و افراد موسوم به لباس شخصی، خودروها و موتورسیکلت ها را می سوزانند، شیشه ها را خرد و ساختمان ها را تخریب می کنند، و با بی شرمی، معترضان را متهم به انجام آن می کنند. آیا برای آنهایی که به راحتی کارناوال راه می اندازند و برای مأموران دولتی کلاه گیس و آرایش ها و لباس های جنس مخالف فراهم می کنند، دشوار است که این بار هم تحت عنوان فتنه سبز یا سرخ یا هر عنوان دیگری، آشوب های ساختگی بر پا کنند و آن را وسیله ای برای فریب افکار عمومی و انحراف نهادهای نظارتی و تسویه حساب های جدید سیاسی قرار دهند؟ متأسفانه تجربه کهریزک و کوی دانشگاه و زیر گرفتن بی پناهان با اتومبیل پلیس و از پل پائین انداختن و سر زندانیان را به چاه توالت فروکردن و خروش مردم را در راهپیمائیهای ۲۵ و ۲۸ و ۳۰ خرداد و دیگر روزها ندیدن و دل بستن به تجمعهای مهندسی شده و فرمایشی،

جلوی روی ماست و نشانی از بصیرت برای بازگشت به سوی مردم دیده نمی شود.

۳ - همراهان جنبش سبز همچنان درخواست اجرای بدون تنازل قانون اساسی، پرهیز از خشونت، التزام به اخلاق و روش های اخلاقی را خط مشی اصولی خود می دانند و با هر کس که به هر عنوان و بهانه آشوب کور بیافریند، مخالفند و آن را به ضرر مصالح و منافع ملی ایرانیان و اهداف جنبش سبز می دانند. باید به دیگران نیز توصیه شود که به سیره عقلا متعهد باشند و اگر تشخیص می دهند حرکتی مخرب است، آن را متوقف کنند.

هزینه ناکارآمدی های دولتمردان را مردم کوچه و بازار نباید پرداخت کنند، و نباید بر زخم های عمیق نابسامانی هایشان نمک پاشید. برعکس، چنانچه این همراه کوچک بارها درخواست کرده ام، باید با دستگیری از کسانی که این روزها بر اثر انبوه مشکلات به زمین می خورند کمک شود تا، به دور از روش هایی

که کرامت انسانی آنان را از میان ببرد، به زندگی آبرومندانه شان ادامه دهند. چهره زندگی برای بسیاری از مردم زشت شده است، آن را زشت تر نکنیم، بلکه در حد توانمان، در زیبا کردن آن بکوشیم.

۴ -دوستان گرمی، پرسیده اید که این روزها که امکان بیان اعتراض ها و انتقادات به سبب سرکوب های شدید و برخوردهای امنیتی وجود ندارد، همراهان جنبش سبز چه باید بکنند؟ حقیقت این است که پاسخ به این پرسش هم باید محصول عقل جمعی باشد و شایسته است که همه همراهان و علاقه مندان به راه سبز امید در ارائه راهکارهای مناسب مشارکت داشته باشند.

به نظر من، به عنوان یک فرد از این خیل عظیم، «آگاهی چشم اسفندیار خودکامگان است». گسترش آگاهی به دایره کسانی که به فضای مجازی دسترسی ندارند، تماس های چهره به چهره، بالابردن توانمندی ها در تحلیل آنچه پیرامون ما در جریان است، با مطالعه و بحث و گفتگو در جمع های کوچک حقیقی یا مجازی و

با توسعه شبکه های اجتماعی که از آسیب فضای امنیتی موجود در امان باشند، آشنایی با تاریخ اسلام و ایران و به ویژه حوادث جنبش های مردم این سرزمین از مشروطه تا کنون، می توانند بخشی از تلاش های ما و نه همه آن باشد.

می توان با معرفی نظری و عملی اسلام رحمانی و تبری از افکار و اعمالی که به نام دین رواج یافته و با سرچشمه های وحیانی و سیره پیشوایان دینی بیگانه است، جلوی نهادینه شدن رفتارهای نابهنجاری را که دولتمردان و صاحب منصبان برای بقای قدرت خود استخدام کرده اند، گرفت.

یادمان باشد که برای ما، هدف وسیله را توجیه نمی کند. یادمان باشد که شعار «دروغ ممنوع» در روزهای پرشکوه پیش از انتخابات، چگونه از جان مردم خسته از دروغ های پیاپی قدرتمندان برخاست و فضای این دیار را فراگرفت. یادمان باشد که تا یکایک ما، خود را از آلودگی ها و نقایص اخلاقی پاک نسازیم، انتظار داشتن

جامعه اخلاق بنیادی که در آن همه انسانها بتوانند به قله های شکوفایی انسانی خود برسند، بیهوده است. و یادمان باشد که در این راه، شکست نیست، اما صبر و استقامت فراوان، و عدم ترس از پرونده سازی و سایر اقدامات سرکوبگرانه ضروری است. یادمان نرود که همه باهم می گفتیم نترسید نترسید ما همه با هم هستیم.

۵ - یاد و یادآوری مبارزان در بند از زن و مرد و آگاه کردن مردم از ایستادگی زندانیان سیاسی و رسیدگی به خانواده های شهدا و آسیب دیدگان جزو وظایف همه ماست. در این میان جا دارد در ماه آذر، «ماه دانشجو»، از دانشجویان در بند یاد شود؛ دانشجویانی که راه سه شهید اهورائی ۱۶ آذر را فراموش نکرده و نشان داده اند که در راه نیل به جامعه ای عادلانه و آزاد و متعلق به همه ایرانیان، از هیچ خطری نمی هراسند و دلیرانه مقاومت می کنند.

و سرانجام آن که چه کسی است که نداند سه میلیون دانشجوی آگاه کشور بزرگترین سرمایه جنبش سبز

است؟ جنبشی که همراهان آن بی شمارند و هریک به نوعی رهبر این جریان عظیم مردمی هستند.

میرحسین موسوی

۲۹ آبان ۸۹

گفتگو با روزنامه تک برگی «قلم سبز»

توطئه‌ی بیست ساله

۱۸ آذر ۱۳۸۹

با سپاس و تشکر از اینکه به رغم همه محدودیت ها و گرفتاریها با انجام این مصاحبه موافقت به عمل آوردید. اخیرا یکی از خطبای نماز جمعه تهران جنبش را به آتش زیر خاکستر تشبیه کرده، در مقابل برخی از فعالان سیاسی با تاکید بر توقف اعتراضات خیابانی اصرار دارند که جنبش دچار رکود شده و خاتمه یافته. ارزیابی شما از وضعیت کنونی جنبش چیست؟

به نظر بنده خطیب مورد اشاره شم قوی ای دارد. گرچه به دلیل پایبندی به مقام و موقعیت، موضع ایشان دفاع از ظلم و خشونت است و کارهایی شبیه دروغ درباره یک میلیارد دلار کمک آمریکا به مخالفان، یا ترغیب خشونت، یا ولع شدید به اعدام و اعتراف گیری و مهم تر از همه تقلبات گسترده انتخاباتی و تصفیه های وسیع کاندیداها، او را از عدالت ساقط کرده است. با این همه سبزه ها باید با حوصله صحبت های ایشان را بشنوند. ایشان تیپ نسبتا کاملی از اقتدار گرایان تمامیت خواه است. و اطلاعات خوبی که دارد آنها را ناخودآگاه در سخنرانیها فاش می کند. ایشان جنبش را آتش زیر خاکستر تعبیر کرده است و من کاملا با نظر ایشان موافق هستم و اضافه می کنم ادامه سرکوبها و ندیدن واقعیت ها در کنار حاکمیت دروغ و قانون گریزی و فساد و عدم کارآمدی در سیاستهای داخلی و خارجی، دامنه این آتش به تعبیر ایشان زیر خاکستر را هر روز بیشتر می کند.

همواره تاکید کرده اید سازمان شبکه ای راز بقا و ماندگاری جنبش سبز و سرمایه قدرتمند آن است. با وجود بیش از یک سال فعالیت این شبکه ها و در حال حاضر، برخی نیاز به تجدید نظر در این پیش فرض و ایجاد سازمانی کلاسیک با رهبری واحد را مطرح می کنند. نظر شما چیست؟

ایده شبکه های اجتماعی در طول انتخابات متولد شد و در جریانات بعد از انتخابات با توجه به انحصار قدرت امنیتی و تبلیغاتی و اقتصادی دولت، شاید تنها راه دفاع از حقوق مردم همین شبکه های اجتماعی بودند. البته هیچگاه دغدغه داشتن یک تشکل در خور جنبش بزرگ مردمی سبز منتفی نبوده. ولی تا کنون فضای سرکوب مانع از امکان وقوع چنین اقدامی شده است. نظام بر خلاف قانون اساسی و رویه کشورهای موفق، همواره دشمنی خورد را با هر تشکیلاتی نشان داده است و اخیرا هم با احساس خطر برای از دست رفتن پایگاه خود به سرعت مشغول تبدیل کردن بسیج به

یک حزب فراگیر مسلح است. که البته همین اقدام هم با توجه به سوابق بسیج در دراز مدت به ضرر استبداد تمام خواهد شما. شما به زندانها نگاه کنید. رهبران احزاب شناخته شده کشور از مشارکت و مجاهدین انقلاب و اعتماد ملی و کارگزاران و نهضت آزادی در بند هستند. اما در مورد یک تشکیلات جدید به شرط آنکه حالت جبهه ای داشته باشد و همان بدو تشکیل خود را همراه جنبش سبز و دیگر جنبش های ریشه دار مثل جنبش کارگران و زنان و دانشجویان و معلمان بداند و دنبا انحلال یا تضعیف احزاب و جنبش های موجود نباشد موافق هستیم.

در برخی تحلیل ها اشاره شده به اینکه شما و سایر فعالان جنبش، نیروهای مقابل جنبش را دست کم گرفتید و با خود بزرگ بینی و بدون ارزیابی واقع بینانه از توان و امکانات نیروهای مقابل حاضر به گفت و گو با آنها نشدید. در مقابل برخی نیز شما را متهم به سازشکاری می کنند. این نقدها را چگونه ارزیابی می

کنید؟ آیا تا کنون شما یا دیگر افراد اثر گذار از جمله آقایان کروبی و خاتمی دعوت به مذاکره یا مصالحه شده اید؟

در جواب این سوال باید به اشاره بگوئیم که بعد از انتخابات دو ماه طول کشیده که بنده اعتقاد پیدا کنم مناظره کذایی نه برای از میدان بردن بنده یا آقای کروبی، بلکه برای تصفیه حساب کامل با همه نیروهای رقیب و یکدست کردن کشور بوده است. بنده یکی و فقط یکی از این هدف ها و سنگ ها سر راه بودم. حضرات در نوار مشهور و اخیرا از قول یک روحانی بحث یک توطئه بیست ساله کرده اند. بنده می خواهم با توجه به دروغ نفهته در این ادعا بگویم که جریان حاکم در آستانه انتخابات بیست سال برای یکدست کردن کشور طراحی و تلاش کرده بود و ظاهرا قرار بوده که این انتخابات آخرین پرده این تلاش باشد. مناظره در سایه این نگاه معنی دیگر پیدا می کند و همچنین تصفیه هائی که از مجلس چهارم شروع شد و بعد در

دوره های انتخابات بعدی گسترش یافت بهتر فهمیده می شود. اقتدار گرایان به دنبال حذف کردن همه فضای ملی از منتقدین و معترضین بودند و [ایجاد] فضایی شبیه کره شمالی با کمی بزک مردمسالاری. با این وصف مذاکره برای آنان مفهومی نداشته؛ نه با من و نه تا آنجاییکه می دانم با دیگر دوستان.

*انتشار اسناد ویکی لیکس را چگونه ارزیابی می کنید؟
به نظر شما انتشار این اسناد چه پیامد ها و آثاری برای
منافع ملی ایران دارد؟*

اسناد ویکی لیکس مطالب عمده ای را در رابطه مسائل جهان افشا کرده است. نکته ای که مهم است و باید به آن توجه شود این است که چه اسنادی می توانستند منتشر شوند و منتشر نشده اند. بخشی از این سند ها بخوبی وضعیت شکننده ما را در منطقه نشان می دهند. وضعیتی که خودمان با سیاستهای ماجراجویانه به آن دامن زده ایم. بجای هفت مرتبه به نیویورک رفتن، اگر روی کشورهای همسایه بیشتر سرمایه گذاری می کردند

و بیشتر نتیجه می گرفتند. وحشت پراکنی و سخنان بدون حساب و نداشتن یک برنامه درست و ضعف مفرط دیپلماسی و نمایش افراطی قدرت نظامی منجر به آن شده در حالی که با خیال پردازی در فکر قانع کردن واتیکان و سران آمریکا و اروپا به مدیریت جهانی خودشان بوده اند، از ایجاد ارتباط سازنده با کشورهای منطقه غافل شده اند. با این سیاست ها ما عملاً یک متحد واقعی بین کشورهای همسایه نداریم. شما به جریان کمک به سیل زده‌گان پاکستان رجوع کنید و آن را با کمک های سخاوتمندانه و بی حساب آقایان به کشورهای آمریکای لاتین و... مقایسه کنید؛ خواهید دید که همان آشفتگی که در سیاست های اقتصادی و فرهنگی حاکم است در سیاست خارجی نیز همین طور است. در میان اسناد، سند مربوط به تحریک اختلافات قومی از سوی اسرائیل باید برای همه ملت ما و از جمله قومیت ها هشدار دهنده باشد و من یقین دارم تنها اسرائیل از این سیاست سود نمی برد و در سطح جهان و

منطقه کشورهای هم عقیده فراوانی با اسرائیل هم سو هستند. همین سند و ترورهای اخیر دانشمندان تکنولوژی هسته ای بخوبی نشان می دهند حمایت ملت ما از فلسطین و لبنان غیر از جنبه های اخلاقی تا چه اندازه در جهت منافع ملی ماست. سندهای مربوط به تقلبات انتخاباتی هم بسیار قابل توجه است. به ویژه آنجا که اشاره می شود اصلا رای ها شمرده نشده است. یعنی همان کودتای انتخاباتی. شما اگر به مصاحبه برادر گرامی «محتشمی پور» که چند روز پیش از انتخابات صورت گرفت، مراجعه کنید خواهید دید در اشاره ای که ایشان به سایت انتخابات وزارت کشور در شب بیست و سوم خرداد دارد به همین مسائله تلویحا اشاره می کند. امروز گرچه اطلاعات ما در مورد جریان تجمیع آرا و نقش سیستم رایانه ای بسیار بیشتر از دیروز است، ولی جا دارد که برای روشن شدن همه ابعاد این بخش تلاش بیشتری شود. البته بحث در مورد اسناد ویکی لیکس مجال بیشتری می طلبد. فقط به اختصار

باید آنرا یک حادثهٔ بزرگ کردن در متن پیشرفتهای تکنولوژی ارتباطات و فضای مجازی دانست. گمان می کنم با تجربه ای که شبکه های اجتماعی جنبش سبز بدست آورده اند، مفهوم ماجرای اخیر را بیش از سایر جریانات لمس کنند.

چه توصیه هایی برای فعالان جنبش سبز و خصوصاً روزنامه «قلم سبز» دارید؟

بنده برای همه شما از خداوند آرزوی موفقیت می کنم. امیدوارم قلم هیچگاه یادش نرود که موقعی جنبش پیروز می شود که قلما بشمار شوند و همه پاس آزادی و کرامت انسان و احترام به عقاید هم را داشته باشند.

یادداشت به مناسبت ماه محرم برماست که کاری زینبی کنیم

۱۹ آذر ۱۳۸۹

بسم الله الرحمن الرحيم

ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم
الملائكة الاتخافوا و لاتحزنوا و ابشروا بالجنة التي كنتم
توعدون (فصلت، ۳۰)

اینک بار دیگر در ماه محرم هستیم و در آستانه سالروز
بزرگداشت نهضتی که قرن‌ها پیش برای بازگرداندن
انسان به جایگاه والایی که در آفرینش او درآمیخته
شده برپا شد و درخشان‌ترین نمونه‌ی انسانی زمان و
زمانه، فریاد برپایی حق و افشای باطل را با همه
رنج‌هایی که در انتظارش بود، بر سکوت ذلت‌بار ترجیح

داد. حسین (ع) زمانی به پا خاست که بازمانده‌ی دستاوردهای نهضت نیای خود را در معرض تندبادهای تمامیت‌طلبی تشنگان قدرت یافت و ذبح دین در پای برج و باروی کاخ ستمگری و خودکامگی مشاهده کرد. حسین (ع) می‌دید که باطل را لباس حق می‌پوشانند و حق را باطل جلوه می‌دهند. حسین (ع) می‌دید که این بار اراده‌ی قدرت‌طلبان، نه تنها دستیابی به تمامیت قدرت، بلکه نگه‌داشت آن به هر قیمت و با تکیه بر زر و زور و تزویر است، که اینجا خود دین است که هدف آماج خودکامگان قرار گرفته، که دیگر سکوت نیست که می‌تواند به بقای کورسوی نور ایمان کمک کند، که زمانه‌ی ایستادگی در مقابل همه‌ی کسانی است که به نام جانشینی پیامبر (ص) و امارت بر مؤمنان، چوب حراج بر دین و دینداری زده اند تا دمی بیش بر مسند قدرت تکیه زنند.

حسین (ع) می‌دانست که ملات سنگ‌های کاخ قدرت، دروغ است و فریاد حقیقت‌خواهی است که به زوال آن

می‌انجامد. حسین (ع) می‌دانست که در این راه چه رنج‌های بزرگی در انتظار اوست: مفتیان مزدبگیر، او را به خروج از دین و ایجاد فتنه متهم خواهند کرد، خاندان پیامبر (ص) را در محاصره‌ی تنگناها و بی‌حرمتی‌های پیاپی قرار خواهند داد، و او را بر سر دوراهی انتخاب میان زندگی ذلت‌بار یا ایستادگی برای حق خواهی قرار خواهند داد؛ و او ایستادن را برگزید. حسین (ع) سکوت را شکست تا دین نیای خویش را از هلاکت نجات دهد و رهبری قیامی را برعهده گرفت که نه در هوای قدرت و شهرت، که در کوشش برای راست کردن کجی‌ها و پاک کردن پلیدی‌ها هویت می‌یافت. و چنین شد که آزادزان و آزادمردانی که پس از او آمدند، از هر مذهب و دینی که بودند، حسین (ع) را سرمشق جاودانه‌ی آزادی خواهی دانستند.

قرن‌ها بعد، انقلابی اسلامی در سرزمینی با فرهنگ و تمدنی دیرینه و مردمانی که در شناخت مصالح خود در جهانی دگرگون شده در این بخش از دنیا، پشتاز بودن

خود را پیش از آن با انقلاب مشروطه، نهضت ملی شدن نفت و قیام پانزده خرداد و تولید گفتمان آزادی خواهی، عدالت و استقلال طلبی برای پیشرفت و دستیابی به جامعه‌ای که در آن انسان‌ها به آسایش مادی و سعادت معنوی برسند به اثبات رسانده بود، رخ داد. همه‌ی ما به یاد داریم که سیل خروشان معترضان در روزهای تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷ چگونه طومار نظامی مستبد را درهم پیچید که همه راه‌های اصلاح را بسته، امکان هرگونه انتقاد و مخالفت از راه‌های مسالمت‌آمیز را از میان برده و در واپسین سالهای عمر خود، دچار خیالبافی‌هایی شده بود که بیش از هرچیز ناشی از دور ماندن از واقعیت‌های موجود در جامعه بود.

حاکمان مستبد آنچنان در حلقه‌ی محدود متملقان و ثناگویان خود محصور بودند که بجای آن که صدای ترک خوردن‌های فزاینده‌ی مشروعیت حاکمیت خود را بشنوند، در اوهام خویش به دنبال شنیدن صدای حمایت از قدرت‌های ماورایی بودند، غافل از آن که

بزرگترین سرمایه‌ی هر کشور، پشتیبانی مردم آن از دولتمردان از طریق مشارکت آزادانه و آگاهانه‌ی آنهاست، غافل از آن که اعتبار را باید در ارتقای زندگی روزمره‌ی مردم جستجو کرد، و غافل از آن که اقتدار را از راه قلوب مردم باید یافت، نه از طریق رزمایش‌ها و نمایش زرادخانه‌ها. و چنین شد که مردمان این دیار روی از صاحبان قدرت گردانند و بزرگترین انقلاب مسالمت‌آمیز مردمی قرن، پدیدار شد.

میلیون‌ها مردمی که در روزهای تاسوعا و عاشورا به میدان آمدند، خواسته‌های بیش از صدساله‌ی خویش را در ندای مردی بازشناختند که پایمردی‌اش در راه را آزموده بودند. در راهپیمایی‌های آن روزها، هرکس با باور و ایمان و رنگ و بوی خود حضور می‌یافت، بیگانه‌های دیروز به دیرآشنایان امروز تبدیل می‌شدند، خودخواهی‌ها به دیگرخواهی، و من‌ها به ما. از فردای پیروزی در شوق ساختن و آباد کردن ویرانه‌ای که پیش چشمانشان بود، دست در دست یکدیگر دادند به مهر.

حتی آنگاه که اختلاف نظرها بالا گرفت، در برابر دشمن متجاوز همدل شدند و از آب و خاک اجدادی شان دفاع کردند. و کیست که از یاد ببرد که همه جای ایران، میدان حماسه بود: جبهه و پشت جبهه، کارخانه و مزرعه، مدرسه و دانشگاه، خانه و اداره، همه و همه صحنه ی تلاش و جهاد برای پاسداشت از این سرزمین شد. و کیست که از یاد ببرد در زمانی که به ناچار تن به صلح داده شد، همین مردم رنج دیده اما پایدار، در مقابل چندچهرگانی که به دامان و یاری متجاوز پناه آورده بودند، قد علم کردند و بدین گونه نشان دادند که تصمیم برای ترک جنگ، نه از روی بزدلی و بی اعتقادی، که از سر درایت و آینده بینی است. نشان دادند که خطای رهبران شان را با ایمان به صداقت آنان بخشودنی می دانند و اعتراف به خطا نه تنها از اعتبار رهبران شان نمی کاهد، که محبوبیت شان را در قلوب مردم بیشتر می کند. نشان دادند که دینی را که برای جنگ و صلحش منطق داشته باشد، راهنمای عمل خویش قرار

داده اند. نشان دادند که در نزد آنان، باور دینی به منزله‌ی راهنمایی است که در تندبادهای پر شن و خاک روزگاران، آنان را به منزلگه مقصود نزدیک می‌سازد. از همین رو بود که هرگاه خود را از راه دور می‌دیدند، برای تصحیح مسیر اقدام کردند: دوم خرداد و ۲۲ خرداد نشان از همین هوشیاری دارد.

اما صد افسوس که اقتدارگرایی که انحصار در قدرت را تنها راه دوام خود می‌دانند، این بار به این خواسته‌های برحق وقعی ننهادند. اقتدارگرایان که با تمامی امکانات و رسانه‌ها در مقابل خواست اکثریت صف‌آرایی کرده بودند، زهر آگین‌ترین تیرهای تهمت و افترا را به سینه‌ی مردمی که خواهان تغییر بودند، رها کردند، هنگامی که به علت استقبال و حضور بی‌سابقه‌ی مردم از شیوه‌های معمولشان برای تقلب و تخلف در روند رأی‌گیری طرفی نبستند، چاره را در کودتای انتخاباتی دیدند: شمارش آرا را کنار نهادند، پیروزی‌شان را اعلام و ابلاغ کردند، به ستادهای مخالفانشان یورش بردند و به دستگیری

چهره‌های فعال پرداختند. و آنگاه که مردم خشمگین و سرخورده برای اعتراضی آرام و مسالمت‌جویانه به خیابان‌ها ریختند تا مطالبه‌ی حق مسلم‌شان در احترام به رأی‌هایشان کنند، ریختن خونشان را مباح دانستند و ماجراهای خونین کوی دانشگاه و کهریزک و مانند آن را آفریدند.

به یاد دارید که در عاشورای سال گذشته با عزاداران معترض چه کردند: آنها را از پل‌ها به پایین انداختند، با ماشین از روی پیکر بی‌دفاع آنان گذشتند، سینه‌ی مالا مال از عشقشان را هدف گلوله قرار دادند، و آنگاه بی‌شرمانه عکس‌العمل مردم خشمگین را با نمایش ناقص و گزینشی در رسانه‌هایشان، شورش دست‌نشانده‌های استکبار نامیدند و فریاد وا اسلاما سر دادند! آیا آن کس که ماشین پلیس دوبار از روی او رد شد، آمریکایی بود یا کسانی که از روی پل به پایین پرتاب شدند دست‌نشانده‌ی آمریکا و اسرائیل؟ یا کسانی که در ظهر عاشورا حسین حسین گویان مورد تیر مستقیم گرفتند

از لشگر یزید و عمروعاص و ابن زیاد؟ پس از آن هم به دستگیری تعداد زیادی زن و مرد از بهترین فرزندان این انقلاب و آب و خاک پرداختند تا فریادها را در گلو خفه کنند. غافل از آنکه خشم فروخورده‌ی مردم آگاه و مظلوم بسیار خطرناک‌تر از فریادهای تظلم‌خواهی آنها خواهد بود.

همراهان سبزاندیش. دین و دین‌داری در این روزها دوران سختی را می‌گذرانند و بسیاری از شما در این روزها می‌پرسید چگونه می‌توان با این همه سیاه‌کاری‌ها که به نام دین انجام می‌شود، جوانان روشن ضمیر این مرز و بوم را از امواج پی‌درپی دین‌گریزی نجات داد؟ پاسخ این همراه کوچک شما این است که دین‌گریزی هنگامی زمینه‌ی گسترش پیدا می‌کند که دینی که ترویج می‌شود با بدیهی‌ترین اصول اخلاقی مثل صداقت و پرهیز از دروغ در تضاد باشد، به نام دین‌داری دست به جنایات هولناک زده شود، تهمت و دروغ برای از میدان به‌در کردن معترضین از تریبونهای مقدس

نماز جمعه، نه تنها مجاز که مستحب تلقی شود، با
 بخشنامه همه‌ی منابر و مساجد برای رواج تهمت و
 دروغ بر ضد معترضین بسیج شود و چشم به احقاق
 حقوق کارگران و معلمان در همین مکانهای مقدس
 بسته شود و شکافهای طبقاتی و فساد و فحشای
 بی سابقه ناشی از فقر و طلاق و بیکاری، پدیده‌های
 عادی تلقی شوند؛ و در چنین شرایطی، یک جوان
 چگونه می تواند تشخیص دهد این همه ظلم و خشونت و
 نفرت که از سوی صاحبان تریبون های رسمی، آمرانه به
 عنوان اسلام معرفی می شود، ربطی به اسلام ندارد. و او
 که شاهد مظلوم انبوه مشکلات اقتصادی و فرهنگی و
 حضور گسترده‌ی دروغ در همه‌ی صحنه هاست، چگونه
 باور کند حفظ نظام در حفظ ارزش های اخلاقی و اسلامی
 و منافع ملی، و نه بر حفظ افراد بر مسند قدرت به هر
 قیمت، استوار است؟ او اکنون به جای چهره‌ی اصلی
 دین که چهره‌ی محبت رحمانی است، با چهره‌ی عبوسی
 که جز خشونت ورزی و تحکم، زبان دیگری ندارد،

روبه‌روست. او شاهد است که چگونه حقوق مردم بدان گونه که در قانون اساسی آمده، نادیده گرفته می‌شود، و تفکیک قوا که مانع بزرگی بر سر راه پیدایش انباشت قدرت غیرپاسخگوست، به طور مرتب نقض می‌شود، و استقلال قضا و قاضی و دادگاه توسط مسئولان امنیتی از میان می‌رود، و مجلس که باید در رأس امور باشد، تحت امر قرار می‌گیرد، ماجراجویی‌های بی‌خردانه در سیاست خارجی باب می‌شود، و نظامیان به جای انجام وظایف قانونی خود سر از عرصه‌های سوداگری و مال‌اندوزی در می‌آورند، و هیچ صدای مخالفی تحمل نمی‌شود. و زندانها پر از زنان و مردانی است که این نگاه حاکم بر دولتمداران را بر نمی‌تابند.

بر ماست که در این دوران بحران زده، کاری زینبی کنیم و پیام راستین دین را با چهره‌ی فطرت‌پسندانه‌ی آن به تشنگان حقیقت برسانیم. بر ماست که یاد بگیریم و به دیگران نیز یاد بدهیم که عمل نادرست مدعیان دینداری به حساب دین گذاشته نشود. بر ماست که

ماجرای راستین انقلابی را که در این دیار به نام دین برپا شد، برای نسلی که آنچه می‌داند یا از طریق رسانه‌های تحریف‌گر رسمی و یا از طریق روایت‌گران ناهمدل با آن است، بازگو کنیم و در این بازگویی، از نقد منصفانه‌ی گذشته نهراسیم و در عین حال، از نفی دستاوردهای بزرگ آن پرهیز کنیم. بر ماست که همچون زینب (س) با بازگویی حقیقت، ملات کاخ دروغ را زائل کنیم. بر ماست که همچون تمامی خاندان حسین (ع)، زنده نگه داشتن یاد شهدای گران‌قدر انقلاب، جنگ و حوادث پس از انتخابات و آزاد زنان و آزادمردان دربندمان را وظیفه‌ی همیشگی خود بدانیم، و بر ماست که در این ماه پر خاطره، با برپایی مراسم و شرکت در مجالس بزرگداشت حماسه‌ی حسینی، به حفظ نهادهای مدنی سنتی کمک کنیم.

پیام به زندانیان اعتصاب کننده
پیام ایستادگی شما را نسیم سبز رساند،
اعتصابتان را بشکنید

دوستان و همراهان در بند، طرفداران آزادی و حقوق
انسانی و پایبندان پر استقامت ارزش‌های ایرانی و
اسلامی

ملت ما امروز بیش از همیشه از رنج‌ها و فداکاری‌های
شما آگاه است. پیام ایستادگی شما را نسیم سبز آگاهی
دهن به دهن و سینه به سینه به همه‌جای ایران عزیز
رسانده است.

امروز دوستداران ملت می‌دانند در این راه زنان و
مردانی دلیر آماده‌اند که تا آخرین نفس مقاومت کنند تا
همچنان امید برای تحقق زندگی شایسته برای مردم
زنده بماند.

ترکیب کسانی که امروز در زندان ها جان بر کف نهاده اند، قابل تأمل و عبرت است: زن و مرد و هنرمند و کارگر و حقوقدان و معلم؛ انسان هایی فرهیخته از هر صنف و طبقه و گروه و قشر.

دوستان جان بر کف

امروز دلبستگان به آزادی و عدالت و عظمت ایران، نگران سلامت شما هستید و امید آنکه شما با شکستن اعتصاب غذای خود در این روزهای یاد و یادآوری حماسه ی حسینی، خانواده ها و همراهان جنبش سبز را از نگرانی نجات دهید.

میرحسین موسوی

۲۶ آذر ۱۳۸۹

گفتگو با سایت «کلمه»
 راهکار مقابله با دروغ ها و تهمت ها؛
 هر شهروند یک رسانه

۲۱ دی ۱۳۸۸

*در هفته‌های اخیر، اقتدارگرایان هجمه تبلیغاتی بی‌سابقه‌ای را علیه شما و جنبش سبز انجام دادند، اما شما در برابر این هجوم سکوت کردید و موضعی نگرفتید. دلیل این سکوت چیست؟ انتظار خیلی از طرفداران جنبش سبز این بود که شما در برابر این همه تهاجم چیزی بگویید.

- بنده قصد پاسخ داشتم اما انتشار نامه برادر عزیزم آقای کروب‌ی مرا منصرف کرد. نگاه ایشان دلیل بسیاری از این بداخلاقی‌ها را روشن می‌کند. دلیل دوم سکوت من

آن بود که تبلیغاتی از این قبیل متعلق به دوران قدیم است و از شگردهایی استفاده می‌کند که در رژیم‌های توتالیتار شبیه شوروی دوران استالین و یا رومانی زمان چائوشسکو استفاده می‌شد. کسانی که این تبلیغات را سازمان دادند نه جامعه خودمان را می‌شناسند و نه درکی از فضای متحول بین‌المللی دارند. آن‌ها در فضای قبل از گسترش تکنولوژی ارتباطات زندگی می‌کنند.

* ارزیابی شما از ده روز تهاجم که علیه شما و دیگر شخصیت‌های جنبش سبز صورت گرفت، چیست؟ چقدر تبلیغات اقتدارگرایان را اثربخش می‌دانید؟

- به دلایلی که در پاسخ به سوال قبلی گفتم این تبلیغات نه تنها کم اثر بود بلکه بدلیل محتویات غیرمنصفانه خود اثر عکس داشت. این ده روز فرصت خوبی برای شناخت ملت ما از ماهیت این آقایان بود. این همه دروغ و تهمت نشان داد که اسلام حضرات چگونه اسلامی است. تعجب آور هم نبود ما همه

پیشنمازی را می‌شناسیم که گفت امریکا از طریق عربستان یک میلیارد دلار به ما کمک کرده و قول پنجاه میلیارد دیگر را بعد از پیروزی داده است و هنوز این آقا علیرغم این به تان و دروغ، موقعیت رسمی خود را حفظ کرده است. به همین دلیل، اثرات این تبلیغات خارج از عرف توأم با فحاشی‌های سخیف و تهدید، بیشتر از آنکه به جنبش رو به گسترش سبز لطمه بزند، حقانیت و سرزندگی جنبش سبز را نشان داد.

این‌ها نمی‌توانند درک کنند وقتی کسی که به خاطر یک کبک یک انسان محترم را به قتل رسانده ادعا کند شخص عالمی مثل آقای خاتمی قرآن را نمی‌فهمد و یا در سایتهای خود، دادستان انقلابی و مورد اعتماد امام را جاسوس شوروی و قرآن پژوه مبارزی چون خانم رهنورد را با تهمتهای مضحک، همکار خانواده مطرود رژیم پهلوی، و بنده و ایشان را به نقل از یک نویسنده درگذشته، که از ترس مردم به اروپا گریخت و در آنجا فوت کرد، فراماسون می‌نامند، مردم چگونه با این

ادعاها روبرو می‌شوند. این‌ها روی گوبلز را در جعل و دروغگوئی سفید کرده‌اند و تهمت و دروغ را جزئی از دیانت متحجرانه و توأم با خرافات خود قرار داده‌اند. البته یک نکته ظریف دیگر نیز وجود دارد که دستپخت این چنین شور از آب در می‌آید و آن اعتقاد ریشه‌ای بخشی از حاکمیت به خس و خاشاک و بزغاله و گوساله بودن میلیون‌ها نفر از مردم این کشور است. یکی از دلایل دلیری اینان برای گفتن دروغهای بزرگ همین نگاه به ملت است. آن‌ها هنوز باور به شعور ملت ندارند و متأسفانه در خلوت خود حتی از تصور حقوق شهروندی برای همه مردم و کرامت ذاتی برای همه انسان‌ها وحشت می‌کنند.

*در مهدیه تهران و برخی تریبون‌های دیگر خطاب به شما و آقای کروبی و دیگر شخصیت‌های جنبش سبز گفتند که شماها عددی نیستید. شما چه نظری درباره چنین اظهار نظری دارید؟

-اتفاقا این سخن کاملا درست است. نه بنده و نه کروبى نگفته‌ایم عددی هستیم. در احوالات شیخ ابوسعید ابوالخیر آمده است عالمی که با شیخ احساس رقابتی داشته کسی را پیش او می‌فرستد که من مثل یک فیل هستم و شما مثل یک پشه و شیخ جواب می‌دهد که به او بگوئید «ما هیچ نیستیم و آن پشه هم تو هستی». البته ما در مرتبه شیخ نیستیم ولی با تاسی به او می‌گوییم ماها عددی نیستیم. ولی این دلیل نمی‌شود که شما حقوق مردم را ضایع کنید و میثاق ملی را تا این اندازه خوار کنید.

*شما شبیه این مضمون را در بیانیه هفده، که پس از وقایع عاشورای تهران صادر کردید، نیز یادآور شده‌اید. آیا همچنان بر همان خواست‌ها تاکید می‌کنید؟

- بله. بنده در اطلاعیه ۱۷ گفتم شما امثال بنده را ندیده بگیرید و خودتان بی‌اعتنا به ما زندانی‌ها را آزاد و اعلام کنید که پایبند به همه اصول قانون اساسی هستید و رسانه‌ها را آزاد کنید، انتخابات آزاد غیر گزینشی داشته

باشید. خواهید دید افق روشن خواهد شد. اگر نه سرکوب، سطح مطالبات را بالا خواهد برد. این نوع تبلیغات دروغ و ناشیانه که همزمان با ادامه سرکوب و دستگیری ها انجام می گیرد جز آنکه مردم را روز به روز بیشتر از اصلاح در چهارچوب قانون اساسی مایوس سازد فایده ای نخواهد داشت.

*دبیر کل موتلفه گفته است که شما بعد از انتخابات، در ملاقات با هیئتی با شمارش بخشی از آرا موافقت کردید و بعدا با ملاقاتهائی که با اعضای مشارکت و مجاهدین انقلاب داشته اید آن ها شما را از این توافق قبلی منصرف کرده اند. آیا درست است؟

- متأسفانه دبیر کل جدید موتلفه پختگی لازم را ندارد. درمورد این ادعا بنده آن را تکذیب می کنم. در آن جلسه، آخرین حرفی که زدم «قبول حکمیت» بود و اگر شرکت کنندگان در آن جلسه به حافظه خود رجوع کنند، بنده حتی چند نام را به طور مثال برای چنین هیئت حقیقت یابی مطرح کردم. بدترین بخش ادعای

ایشان تهمتی است که به دو گروه سیاسی معتبر کشور زده‌اند، در حالی که اعضای اصلی آن‌ها در بند هستند. البته علاوه بر ایشان برای چندمین بار یکی از وزرای زمان دفاع مقدس با استناد به یک نشریه غربی به صورت ترجیع بند نقل قولی از بنده می‌کند که با توجه به خدمات ایشان به بهداشت کشور تا کنون صبر کردم که چیزی نگویم. بنده تعجب می‌کنم ایشان که ادعای مسلمانی دارد، علیرغم این همه مدرک و سند و سخنرانی و اطلاعیه‌های بنده و بحثی که یک بار با ایشان کردم به قول یک نشریه آمریکائی تکیه می‌کند و از آن فراتر می‌رود و برخلاف گفته‌ها و کردار قدیم خود در مورد گذشته سیاسی اینجانب به قضاوت می‌نشیند. مگر آنکه بگوئیم در آن موقع تظاهر می‌کرده است.

* با توجه به اینکه فشار و تبلیغات علیه جنبش سبز در ماههای اخیر افزایش یافته است. وضعیت جامعه و جنبش سبز را در این شرایط چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- بله. حجم تحریف و دروغ و تهدید بالارفته است. اعدام‌های فله‌ای و محکومیت‌های عجیب و غریب ظالمانه هم برای کمک به مرعوب کردن بکار گرفته می‌شود. مهم‌تر، گسترش فرهنگ اعتراف‌گیری و تواب‌سازی است که از درون زندان‌ها به فضای سیاسی بیرون منتقل شده است. بر اساس این فرهنگ، شما اگر می‌خواهید پست خود را حفظ کنید و یا انتخاب شوید و یا در معاملات بزرگ و کوچک سهیم شوید و یا با آرامش از دست و زبان بد اخلاقان زندگی کنید، باید فهم و بصیرت لازم را برای محکومیت منتقدان و معترضان جنبش سبزداشته باشید. آن‌ها حتی از حوزه‌ها و مراجع عظام نگذشته‌اند و ما شاهد فشارها و جسارت‌ها و اهانت‌های گوناگون علیه روحانیت و مرجعیت هستیم. غافل از آنکه داخل همین خانواده‌های دست‌اندر کاران، توجه به خواسته‌های مطرح شده در جنبش سبز در حال گسترش است. چرا که این مطالبات مطابق با حقوق مردم و میثاق ملی ماست.

مردم ما خاطرات خوشی از اعتراف گیری و تواب سازی و مداهنه و تهمت و دروغ ندارند. این ترفندها در ماه دی به ضد خود تبدیل شد. تمام این تمهیدات و اقدامات به خوبی نشان می دهد که جنبش سبز در حال پیشرفت است و انشالله با شرکت همگان این روند تا رسیدن به اهداف مطرح شده در جنبش سبز ادامه خواهد یافت. ما اعتقاد داریم که: «فاما الزبد فیذهب جفاء و اما ما ينفع الناس فيمكث في الارض»، کفها به کناری رفته و محو می شوند، ولی آنچه برای مردم سودمند است باقی می ماند.

*گر چه این حجم تهمتها و افتراها و دروغ زنی و وارونه نمایی در نهایت برملا خواهد شد اما به هر حال نمی توان حجم تبلیغات رسانه های حکومتی با بودجه های نجومی را، که به قبضه جناح خاصی در آمده، نادیده گرفت. به نظر شما چه طور می توان بر این تفرقه افکنی ها در جامعه و در میان خانواده ها فائق آمد؟ جنبش سبز چه طور می تواند در جهت پوشاندن و کم

کردن شکاف‌های مختلفی که ممکن است روزبه روز در اثر سوء تدبیر و سوء نیت اقتدارگرایان بیشتر و بیشتر شود گام بردارد و وحدت ملی را در برابر تفرقه افکنی‌های دولتی حفظ کند؟

- به نظر استراتژی اصلی باید همان آگاهی بخشی و راهکار اصلی همان هر شهروند یک رسانه باشد. کارهای به ظاهر ساده‌ای مثل تکثیر روزنامه‌ها و نامه‌ها و بیانیه‌ها، تکثیر سی دی از عکس‌ها و فیلم‌های وقایع پس از انتخابات و ... امروزه عمق نفوذ خوبی پیدا کرده‌اند و به دورترین نقاط هم رسیده‌اند. لشگر پرشمار آگاهی بخشی و اطلاع رسانی از دل وسایل ساده‌ای که عصر اطلاعات در اختیار آن‌ها گذاشته است موثرترین شیوه‌ها را با خلاقیت خود برای رساندن پیام حقیقت پیدا کرده و می‌کند.

اما در کنار تلاش برای گسترش آگاهی‌ها و مبارزه با انتشار دروغ و قلب حقایق، نباید خاطره بحث‌ها و گفتگوهای صمیمانه روزهای انتخابات را از یاد برد. نباید

از یاد ببریم که چه طور پیش از آنکه مداخله‌های به اصطلاح امنیتی فضای گفتگوی مدنی را به آشوب بکشد و صدای بحث و گفتگو را خاموش کند، شنیدن صدای همدیگر را در گفتگوهای انتخاباتی تجربه و تمرین می‌کردیم. نباید زنجیره سبزی که تمام اختلافات و تفاوت‌ها را از جنوب تا شمال شهر و کشور به هم پیوند می‌داد و زیستن در کنار هم را به ما می‌آموخت فراموش کنیم. این خاطرات گرانبها درس‌ها و الگوهای ارزشمندی برای امروز ما نیز می‌توانند باشند. امروز هم باید تا آنجا که می‌توانیم با زنده نگاه داشتن فضای بحث و گفتگوی ملی، تحمل و مدارای یکدیگر را تمرین کنیم و نظرات و آراء همدیگر را بشنویم تا بر شکافهای تحمیل شده از سوی رسانه‌های رسمی غالب شویم. سبز بودن ما به این معنا نیست که می‌خواهیم همه را به رنگ خود در آوریم و یک رنگ کنیم، آن طور که انحصارطلبان و اقتدارگرایان برای همه رنگ و رای خویش را تجویز می‌کنند. سبز بودن زیستن در کنار

یکدیگر با درک تفاوت ها و اختلاف آراء و نظرات و سلايق یکدیگر است. اگر اقتدارگرایان و رسانه هایشان می کوشند ترک های ایجاد شده در خانواده ها و جامعه را پررنگ کنند، ما باید بکوشیم با پذیرفتن این اختلاف ها نسخه ای برای زیستن مسالمت آمیز در کنار یکدیگر ارائه کنیم. آگاهی بخشی در عین مسالمت، موثرترین سلاح علیه خشونت و پراکندن بذرهای تفرقه و جهل است.

پیام تسلیت میرحسین موسوی در پی سقوط هواپیما

بسمه تعالی

سانحه تلخ سقوط هواپیما و درگذشت مظلومانه تعدادی از هموطنان عزیز را به خانواده‌های عزادار ملت ایران و از جمله مردم عزیز آذربایجان تسلیت عرض می‌کنم. امید است با استفاده از مدیریت بهتر و متخصص‌تر و با استفاده از درآمدهای افسانه‌ای نفت، خدمات هوایی ایمن تری برای مردم مهیا گردد.

میرحسین موسوی

۲۲ دی ۱۳۸۹

* این پیام در پی سقوط هواپیمای بوئینگ ۷۲۷ در ارومیه که منجر به کشته شدن ۷۷ نفر از هموطنان کشورمان شد صادر گردید.

اتکای جنبش سبز به مردم را افتخار آن می دانم

بسمه تعالی

پرونده سازان و اعتراف گیران به نقل از گزارشی آشفته، تیتراژده اند که محمود عباس فلسطینی به یک مامور امریکائی گزارش داده است که سال گذشته به یک تاجر فلسطینی گفته است «به موسوی در ایران پنجاه میلیون دلار برای تاسیس رادیو کمک کند.» البته مطابق معمول دروغگویان همین خبر کذب را به شکلی تغییر داده اند که گوئی ابومازن معروف، که امروز کوس رسوائی او بر سر هر کوی و برزن زده شده، پنجاه میلیون دلار در این زمینه پرداخت کرده است .

بنده ضمن تکذیب هرگونه و هر مقدار استفاده از کمکهای بیگانگان، اتکای جنبش سبز و همراهان آن را به مردم کشورمان جزو افتخارات جنبش می‌دانم. راویان دروغگوی این روایت سراپا کذب شبیه همان خطیب نماز جمعه‌ای هستند که ادعا کرد امریکا از طریق عربستان یک میلیارد دلار به سران جنبش سبز کمک کرده و تفرعن او هنوز به او اجازه نداده است که از این دروغ توبه کند .

میرحسین موسوی

۹ بهمن ۱۳۸۹

* برخی از سایتهای وابسته به دولت به نقل و تحریف از یک گزارش مخدوش نوشتند که محمود عباس، رییس تشکیلات خودگردان فلسطین، یک فعال اقتصادی را متقاعد کرده برای تاسیس یک ایستگاه رادیویی برای معترضان پس از انتخابات، میلیون‌ها دلار به میرحسین موسوی کمک کند .

یادداشت به مناسبت جنبش های خاورمیانه فراعنه زمانی صدای ملت را می شنوند که دیر شده است

این روزها خاورمیانه در آستانه ی حوادث بزرگی ست که می تواند سرنوشت این منطقه و جهان و سرنوشت ملت های منطقه را تحت تاثیر خود قرار دهد. مسلما آنچه در حال وقوع است در راستای به هم زدن نظام ظالمانه ایست که سرنوشت ملت های بسیاری را در منطقه در چنگال خود گرفته است و بدون هیچی شکی نقطه ی آغازین آنچه در خیابان های تونس و صنعا و قاهره و اسکندریه و سوئز شاهد آن هستیم را باید در تظاهرات چند میلیونی ۲۵ و ۲۸ و ۳۰ خرداد تهران جستجو کرد. روزهایی که مردم با شعار “رای من

کجاست؟” به خیابان ها آمدند و مسالمت جویانه، حقوق از دست رفته ی خود را پی گرفتند.

امروز دامنه ی شعار “رای من کجاست؟” مردم ایران، به شعار “الشعب يريد اسقاط النظام” در قاهره و سوئز و اسکندریه رسیده است. برای کشف راز این پیوندها و مشابهت ها لازم نیست جای دوری برویم. کافی است شیوه ی انتخابات اخیر مصر را با انتخابات های خود مقایسه کنیم و اینکه رئیس شورای نگهبان از بی نیازی به آرا میلیون ها شهروند سبز سخن می راند. اگر به نظام های در حال سقوط جهان عرب و خاورمیانه با دقت نگاه کنیم، خواهیم دید؛ در همه ی این نظام ها به یک سان شبکه های اجتماعی و عرصه ی مطبوعات و فضای مجازی مورد حمله قرار می گیرند و به شکل حیرت انگیزی اس ام اس ها و تلفن ها و اینترنت قطع و قلم ها مشابه یکدیگر در هم شکسته و معترضین به زندان ها برده می شوند.

متأسفانه منافعِ پشتِ سرِ ایدئولوژیِ حاکم در کشور، اجازه نمی دهد واقعیت ها آنچنان که هستند، خود را نشان دهند. خطیبان و تریبون های گوش به فرمان، به عملکرد مفسدانه و جبارانه فرعون مصر که با بازداشت ها، اعتراف گیری ها، پرونده سازی ها و غارت مردم از طریق باندها و اطرافیان، این شرایط انفجاری را در مصر ایجاد کرده اند توجهی نشان نمی دهند. اینان به روز “خشم مردم” مصر اشاره می کنند ولی نمی گویند که روز غضب، نتیجه ناکارآمدی و فساد در بالاترین سطح حکومت و حیف و میل کردن بیت المال و هم چنین بستن دهن ها و شکستن قلم ها و اعدام ها و اعدام ها و اعدام ها و بر پا کردن چوبه های دار برای ایجاد خوف در میان مردم است. و نمی گویند اگر حکومت به حاکمیت مردم بر سرنوشت خود احترام می گذاشت و در انتخابات چند ماه پیش مصر آرای مردم را نمی دزدید، کار به شعار “اسقاط نظام” از سوی شعب عزیز مصر نمی رسید. و شاید هم متوجه نیستند که ادامه ی سیاست

غلبه به وسیله ی ایجاد خوف، نهایتاً در نقطه ای به ضد خود تبدیل و آنگاه آمدن “روز خشم” و روزهای غضب ملی اجتناب ناپذیر می شود. فراعنه معمولاً زمانی صدای ملت را می شنوند که بسیار دیر شده است.

ملت ما به انقلاب عظیم مردم شجاع تونس و قیام حق طلبانه ی مردم مصر و یمن و دیگر کشورهای منطقه احترام می گذارد. ما به همه ی مردم دلیر و آگاه و مبارز مصر و تونس و اردن و یمن درود می فرستیم و از خداوند منان پیروزی آنان را در مبارزات حق طلبانه اشان آرزو می کنیم.

میرحسین موسوی

۹ بهمن ۱۳۸۹

درخواست مجوز برای برگزاری راهپیمایی

جناب آقای نجار

وزیر محترم کشور

سلام علیکم

بدینوسیله به اطلاع می رساند که به منظور اعلام
همبستگی با حرکت های مردمی در منطقه بویژه قیام
آزادیخواهانه مردم تونس و مصر بر علیه حکومت
استبدادی در کشور، درخواست صدور مجوز برای
دعوت به راهپیمایی مردمی طبق اصل بیست و هفت
قانون اساسی در جهت حمایت از قیام مردم این دو
کشور مسلمان را در روز دوشنبه ۲۵ بهمن ساعت ۳
بعدازظهر از میدان امام حسین تا میدان آزادی را داریم.

میرحسین موسوی

مهدی کروی

تصویر نامه

بسمه تعالی

۱۳۸۹/۱۱/۱۶

جناب آقای نجار
وزیر محترم کشور
سلام علیکم

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند که به منظور اعلام همبستگی با حرکت های مردمی در منطقه بویژه قیام آزادیخواهانه مردم تونس و مصر بر علیه حکومت استبدادی در کشور، درخواست صدور مجوز برای دعوت به راهپیمایی مردمی طبق اصل بیست و هفت قانون اساسی در جهت حمایت از قیام مردم این دو کشور مسلمان را در روز دوشنبه ۲۵ بهمن ساعت ۳ بعدازظهر از میدان امام حسین تا میدان آزادی را داریم.

میرحسین موسوی
حسین

مهدی کروبی
کروبی

بیانیهٔ مشترک به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب

بسم الله الرحمن الرحيم

و العصر * ان الانسان لفى خسر * الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر.

در آستانه سی و دومین سالگرد انقلاب اسلامی ایران هستیم، انقلابی که جلوه درخشان تعیین سرنوشت مردم ما به دست خودشان بود و برای یکایک ما ایرانیان، شناخت و بازشناخت این حادثه بزرگ و مهم تاریخی، اهمیت بسیار دارد. شاید از آن رو که شناخت هویت تاریخی هر ملت، در تعیین راه آیندهٔ آن مؤثر است، شاید از آن رو که این روزها از خود می پرسند که

راه طی شده تا چه اندازه صحیح بوده، و شاید هم از آن رو که بیش از هر زمان دیگر، شاهد تلاش برای تحریف این تاریخ هستیم.

آنچه در آن روزها شاهد بودیم، نه یک جابجایی قدرت سیاسی صرف، که ورود یک گفتمان نو و خروج یک گفتمان کهنه بود: گفتمان کهنه ای که می انگاشت که با بستن همه راه ها به روی اصلاح تدریجی حکومت و جامعه، با کودتایی متکی بر بیگانگان سلطه جو و غفلت دلسوختگان این مرز و بوم، با در بند کردن فوج آزادیخواهان، با اعمال سانسور بر مطبوعات، با سرازیر کردن درآمد نفتی سرشار به جیب منفعت جویان شریک در قدرت، با تا دندان مسلح شدن به سلاح های ریز و درشت، با به کارگیری ماشین تبلیغاتی پر سر و صدا، با توهم ایفای نقشی بزرگ در تحولات منطقه و جهان، با هیچ خواندن مخالفان و منتقدان و همه خواندن خود و هم سفرگان، با نماد فره ایزدی انگاشتن قدرت فاقد اقتدار ناشی از رضایت مردم، ماندنی است.

اما گفتمان نوین پس از کودتای شوم ۲۸ مرداد از همان فردای سال ۴۱ متولد شد، بازنگری به کارنامه گذشته و به دنبال آن، جستجو برای یافتن راه رهایی از استبدادی که با پشتوانه استعمار بر کشور یکه تازی می کرد، آغاز شد. در کنار آنانی که از هر گونه تغییر مأیوس و نا امید بودند، در کنار آنانی که مصلحت اندیشی را به گونه ای تفسیر کردند که عافیت طلبی شخصی آنان را توجیه کند، در کنار آنانی که رعب پوشالی حکومت کودتا هر گونه حرکت را از آنان سلب کرده بود، چه بسیار کسانی هم بودند که دست از تلاش برنداشتند، چرا که باور داشتند زندگی کردن، صرفاً به معنای زنده ماندن نیست. می دانستند که ملت های دیگر برای رسیدن به آزادی، عدالت، استقلال و پیشرفت، راهی بس دراز پیموده اند و تلاش برای دستیابی به جامعه ای که از چنین نعمت هایی برخوردار باشد، خود، عین زندگی است. چنین بود که هنگامی که خواسته های خود را در گفتار رهبری استوار چون امام خمینی (ره)

یافتند که در این راه مصمم گام نهاده بود، با او همراه شدند و بساط ظلم و جور را برچیدند. با تجربه ای که از گذشته به دست آمده بود، از همان فردای پیروزی، دغدغه حراست و مراقبت از این دستاورد بزرگ در دل زن و مرد و پیر و جوان به جنبش درآمد تا مبادا کودتایی دیگر، تجاوز نظامی، و مهم تر از همه، انحراف از آرمان های انقلاب اسلامی، این نهال تازه رسته را در هم شکند.

درس هایی که از آن واقعه و سالیان پس از آن فراگرفته شد، موجب شد که مردم ما بارها عزم خود را برای جلوگیری از انحراف از راهی که می توانست آنها را به سرمنزل مقصود برساند به نمایش بگذارند. مشارکت گسترده در دفاع از میهن در مقابل دشمن متجاوز، تلاش های ستایش برانگیز در رونق اقتصاد ملی، کوشش برای انجام اصلاحات گسترده در عرصه های گوناگون و حضور آگاهانه در عرصه انتخابات، تبلور این احساس مسئولیت ملی است که مردم ما را اینگونه در صف

مقدم تحولات فکری و اجتماعی چند دهه اخیر منطقه قرار داده است.

گفتمان نو باید با دیده بانی مستمر، خود را با نیازهای نو سازگار می کرد و نوشوندگی خود را پاس می داشت که بارزترین و غیرقابل انکارترین ویژگی آن، جهت گیری در مقابل باز تولید مناسبات استبدادی و شاهنشاهی بود. یادمان هست که بزرگترین دغدغه خبرگان قانون اساسی جستن راه هایی بود که جلوی ظهور استبداد و خود رایی و دیکتاتوری را به هر شکل و شمایل بگیرد و قانون اساسی در شرایطی نوشته شد که بیرون از مجلس خبرگان، مردم در خیابانها شعار میدادند «برابری، برادری، حکومت عدل علی».

در کتاب «پیکار صفین، نصرابن مزاحم» که شاید قدیمی ترین کتاب روایی-تاریخی در مورد جنگ صفین باشد، آمده است که بعد از استقرار حضرت امیر (ع) در کوفه، ایشان مسافرتی به مناطق فارس نشین و ایرانی در نزدیکی کوفه می کنند و در یک آبادی از مردم در

مورد شاهان ایرانی سوال می کنند. بزرگ روستا می گوید: «در سنت شاهان ایرانی چیزهایی بود به نفع رعیت و چیزهایی بود به نفع پادشاه، تا این که خسرو پرویز آمد و هرچه به نفع رعیت بود منسوخ کرد و هرچه به نفع پادشاه بود نگاه داشت و این موجب اضمحلال پادشاهی آنان شد.»

این روایت، دقیقاً فضای روحی و سیاسی کشور در دهه اول انقلاب فارغ از ضعف ها و خودسری هایی که دامنگیر هر انقلابی در آغاز آن می شد را تشکیل می داد: مردمی که انقلاب کردند قصدشان این بود که آن مناسبات رابا الگو گرفتن از حکومت عدل علی از بین ببرند.

آیا دردناک نیست که بعد از گذشت بیش از سی سال از انقلاب، دوباره دغدغه مردم مواجهه با باز تولید همان مناسبات پادشاهی و این بار به نام دین باشد؟ در شرایطی هستیم که هر چیزی از حقوق مردم در قانون اساسی و آرمان های انقلاب بود زیر پا گذاشته شده،

فصل سوم قانون اساسی، یعنی حقوق ملت، در پرائنتز قرار گرفته و آنچه به نفع حاکمان بوده است به صورت اغراق آمیز و چند برابر به اجرا درآمده و تبعیت بی چون و چرا از قدرت، رنگ قدسی و آسمانی به خود گرفته و عدم سوال از قدرت فضیلت شده و هر صدای منتقد و متعارض با شبیه سازی های مضحک، به خارجی بودن و همدستی با بیگانه و صهیونیسم و نفاق متهم گردیده است، تا آنجا که امروز شرایط سیاسی کشور از خطر بازتولید مناسبات شاهنشاهی، جز موروثی بودن حکومت چیزی کم ندارد.

آری انتخابات سال ۸۸ جلوه ای از این احساس مسئولیت همگانی در مقابل خطرات بود. مردمی که احساس خطر می کردند، مردمی که از مدیریت ناتوان دستگاه اداره کشور ناامید شده بودند، مردمی که از دروغ به تنگ آمده بودند، مردمی که احساس می کردند برای پیشرفت کشور به دگرگونی های فراگیرتر و بنیادی تر نیازمندند، به میدان آمدند و چه بسیار

کسانی که سال ها بود در انتخابات شرکت نمی کردند و این بار قفل سکوت خود را شکستند و چه بسیار کسانی که پا را از رقابت های سیاسی رایج فراتر نهادند و برای ایجاد تحولی بزرگ همنوا گشتند.

دریغا که آنچه بر سر نتایج انتخابات آمد و آنچه در پی شبه کودتای اقتدارگرایان رخ داد، حق اساسی تعیین سرنوشت ملت به دست خویش را خدشه دار کرد. اما دستگیری معترضان، ضرب و شتم آنان در خیابان ها، کشته شدن عده زیادی از جوانان و زنان و مردان در خیابان ها و بازداشتگاه ها، فجایع کوی دانشگاه و کهریزک، حمله به بیوت و دفاتر مراجع تقلید، به راه انداختن تجمعات اتوبوسی و نمایشی، هجمه تبلیغاتی یک سویه مملو از دروغ و افترا، سرکوب کارگران و معلمان و جنبش زنان و دانشجویان و استادان، راه اندازی کارناوال های شرم آور و مانورهای امنیتی با هدف ایجاد رعب، تلاش مستمر برای انحراف افکار عمومی به سمت مسائل فرعی و انحرافی، برخورد

غیراخلاقی با خانواده های شهدا و زندانیان، واعلام مرگ جنبش سبز در مناسبت های متوالی، هیچ یک نتوانسته است اقتدارگرایان را از چالش بزرگ حاصل از بی اعتمادی مردم به دولت نجات دهد، همچنان که نتوانسته خواسته های برحق مردم برای برخورداری از حقوق شهروندی مصرح در قانون اساسی را به دست فراموشی بسپارد.

در طول این ماه ها، تحولات مهمی رخ داده است که توجه هر ناظر آگاهی را جلب می کند. بسیاری از کسانی که در ارگان های نظامی و انتظامی و امنیتی شاغل بودند نتوانستند سوابق جبهه و فداکاری هایشان برای حفظ مرزها و امنیت کشور را به سرکوب و ضرب و شتم مردم بی گناه بفروشند. برخی از روی تقیه و یا اطلاعات ناکافی و برخی از افراد ساده که بر اثر تبلیغات دولتی گمان می کردند که معترضان، ایمان دینی شان را نشانه رفته اند به تدریج متوجه شدند که چنین نیست. بسیاری از کسانی که فکر می کردند جنبش اعتزازی

مردم از توطئه های قدرت های سلطه جوی بیگانه یا خشونت ورزانی که در بحبوحه جنگ به دامن دشمن پناه آورده و به خدمتش کمر بسته بودند سرچشمه می گیرد، فهمیدند که این ترفندی برای بدنام ساختن منتقدان و موجه ساختن اعمال غیرانسانی اقتدارگرایان بیش نیست.

وما دور نمی بینیم آنانی که بصورت واقعاً اصولی دغدغه منافع ملی و ارزشهای اسلامی را دارند در کنار همه ملت (یا به تعبیر مستبدین «خس و خاشاک») قرار گیرند و صف خود را از زیاده خواهان و دست اندازان به حقوق و بیت المال ملت جدا سازند. ما بویژه اعتقاد داریم که در نهایت، بسیج و سپاه و نیروهای نظامی، ملت خود را تنها نخواهند گذاشت.

در طول سال های اخیر و بویژه دو سال گذشته، گفتمانی نو متولد شده و هیچ چیز نمی تواند مانع رشد آن شود. گفتمانی که فساد را تحمل نمیکند و با وعده آوردن نفت بر سر سفره مردم، یکشبه قیمت نان

وسوخت و برق و گاز را چند برابر نمی سازد. گفتمانی که به حفظ نیروی کار کشور ایمان دارد و منابع و تولید ملی را با تحویل بازار ملی به واردات خارجی ویران نمی سازد. گفتمانی که عزت کارگر و کار آفرین را میخواهد نه ذلت آنها را. گفتمانی که اعتیاد و دزدی و طلاق را نتیجه سی در صد بیکاری جوانان می داند و در نتیجه اجازه نمی دهد مشکل جرم و جنایت با بر پا کردن چوبه های دار و قساوتی تاریخی حل شود و به بهانه جنایت و خیانت گروهی اندک، دور جدید تواب سازی و اعتراف گیری و شکنجه در محبس ها راه بیفتد. (به راستی شمایی که هر روز و ساعت سنگ اسلام و معنویت را بر سینه میزنید، چند زن را میتوانید نشان دهید که در صدر اسلام اعدام شده باشند؟! گفتمانی که از رأی مردم نمی ترسد و از رجوع به قانون اساسی نمی هراسد. گفتمانی که نه در شعار و هیئت ماکیاولیستی بلکه در عمل بدنبال وحدت اسلامی و نزدیکی مذاهب اسلامی به یکدیگر است و میلیونها شهروند ایرانی را تحت عنوان

سنی و درویش و اهل حق و نام های دیگر از خود نمی راند.

آری امروز گفتمانی تازه متولد شده است. گفتمانی که شهدای آن، پیشقراولان و دربندشدگانش پرچم داران آن هستند. گفتمانی که خشونت را طرد می کند و راه تغییر را از طرق مسالمت آمیز جستجو می کند. گفتمانی که پاسخ دروغ و تهمت و ناسزا را با راستی و حقیقت و ادب می دهد. گفتمانی که چشم امیدی به بازی های پنهانی قدرت های جهانی ندارد و راه حل شفاف ملی را تنها راه تحول به سوی اصلاح امور می داند. گفتمانی که خودی را ناخودی نمی کند بلکه سعی در خودی کردن ناخودی ها دارد. گفتمانی که چندصدایی را به رسمیت می شناسد و اتحاد ملی را نه در سکوت گورستانی که در تمسک به عقلانیت جمعی می جوید. گفتمانی که مردم را نسبت به آنچه در کشور می گذرد نامحرم نمی شناسد و گسترش آگاهی ها به میان همه اقشار و گوشه کنار این مرز بوم را وجه همت

خویش قرار داده است. گفتمانی که با گسترش و تقویت شبکه های اجتماعی، افراد را گرد هم می آورد و فضای مدنی را توسعه می دهد. گفتمانی که سرمشق بسیاری از حرکت های آزادیخواهانه دیگر شده است. گفتمانی که خطاهای گذشته را نقد می کند اما دستاوردهای روشن آن را نفی نمی کند. گفتمانی که عدالت را نه در اقتصاد صدقه ای، بلکه در ایجاد فرصت های برابر و توانمندسازی محرومان می داند. گفتمانی که بجای انتشار کینه و انتقامجویی در میان فقیر و غنی، روستایی و شهری، اقوام، ادیان و مذاهب، به نهادینه کردن مدارا و مفاهمه و گذشت می پردازد. گفتمانی که درصدد پایان دادن به اوباش سالاری و حاکمیت نهادینه شایسته سالاری است تا در پرتو آن، شکوفایی و رشد استعدادها در میان ایرانیان، زمینه ساز ارتقای این سرزمین به جایگاهی که شایسته آن است، شود.

گفتمانی که بدنبال یافتن منجیان قهرمان نیست بلکه می خواهد هر ایرانی در نجات کشورش سهیم باشد.

گفتمانی که به تعداد معتقدانش رهبر دارد. گفتمانی که می داند حفظ نظام یعنی حفظ ارزش هایی که نظام برای آن بوجود آمده، نه حفظ اشخاص در مناصب قدرت. گفتمانی که چرخش قدرت و پاسخگویی به مردم و برابری همه در قبال قانون را ضامن سلامت و زمینه ساز پیشرفت می شمرد. گفتمانی که اسلامیت و جمهوریت نظام و حاکمیت مردم سالاری بر همه شئون کشور را تنها راه سعادت مردم می داند.

گفتمانی که در آن، تصمیمات و مصلحت بینی های شخصی جای خود را به عقلانیت جمعی می دهد. گفتمانی که با ایمان به خدایی که تعالی انسان را می خواهد، حق خواهی، و با استعانت از کردار نیکو، صبر و استقامت، راه امید را می پیماید و به پایداری حق و زوال باطل یقین دارد.

امروز حاکمیت در ورای ایجاد این نگرانی که اگر او نباشد دین از بین می رود سنگر گرفته است و مرتبا با این اعلام خطر سعی می کند اقشار مذهبی را در پشت

سر خود بسیج و منسجم کند، حال آن که در واقعیت، آن چیزی که بیشترین لطمه را به فضای دینی جامعه زده است رفتارهای ستمکارانه و ضددینی خود حاکمیت است. پایه‌های همه ادیان الهی در فطرت انسان ها قرار دارد و اگر اسلام پس از چهارده قرن باقی مانده است علتش مستحکم بودن پایه‌های فطری آن است، تا جایی که حتی ورود مغول واقدامات پهلوی اول نتوانست آن را از بین ببرد.

و این دین از ما خواسته است که به افراد ستمکار متمایل نشویم که در این صورت از کمک خداوند محروم خواهیم شد: «و لا ترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار و ما لکم من دون الله اولیاء ثم لا تنصرون»، و به کسانی که ستم کرده‌اند میل نکنید که آتش شما را لمس خواهد کرد، و شما را سرپرستی جز خداوند نیست، سپس دیگر به شما یاری نخواهد شد.

در آستانه سی و دومین سال پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان دو همراه کوچک به شما حاملان بی شمار گفتمان

جدید درود م یفرستیم و از خداوند متعال می‌خواهیم
همه ما را از یاران مظلومان و دشمنان ظالمان قرار دهد.
وما النصر الا من عند الله العزيز الحكيم

مهدی کروی

میر حسین موسوی

۱۹ بهمن، ۱۳۸۹

پیام خطاب به ملت درباره راهپیمایی ۲۵ بهمن

افتخار جنبش، تکیه بر مردم است...

ملت شریف ایران

سلام و درود بر شما. پس از راهپیمایی شکوهمند شما در روز ۲۵ بهمن، این دستاورد بزرگ ملت و جنبش سبز که با شرکت همه قشرهای مردم از مردان و زنان سلحشور جامعه، در مقابل ناباوری بسیاری از بدبینان و اقتدار گرایان شکل گرفت، جنبش شکوهمند شما ازدو سو مورد تهاجم قرار گرفته است: از یک سو مورد تهاجم اقتدار گرایانی که چشم به پست و مقام و زر و زور در آینده دارند و از سوی دیگر تلاش بیگانگان و موج سواران بین المللی برای پی گرفتن مطامع خود بوده است که هر دو تلاش کرده اند که

جنبش را به صهیونیسم و امریکا و اذئاب آنان منتسب کنند.

این در حالی است که افتخار بزرگ جنبش سبز در استقلال و تکیه آن بر نیروی عظیم ملت بوده است. جنبش سبز همواره با بیگانگان فاصله داشته و اهداف اصلی آن احیای ارزشهای انقلاب و آرمانهای امام راحل و مطالبات آزادی خواهانه و متکثر ملت شریف ایران بوده و همواره تلاش کرده است که از راههای مسالمت آمیز، اهداف خود را با تاکید بر اصل بنیادین کرامت ذاتی انسان و به رسمیت شناختن حق ملت برای حاکمیت بر سر نوشت خود و اجرای بدون تنازل قانون اساسی دنبال کند. این همراه کوچک شما ضمن تبریک به مناسبت پایداری خیره کننده مردم، شهادت فرزندان عزیز شما ملت سر فراز را تسلیت می گویم.

میرحسین موسوی

تهران- ۲۶ بهمن ماه ۱۳۸۹

منشور جنبش سبز (ویراست دوم)

بسم الله الرحمن الرحيم

آغاز سخن

با اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، جرقه ای در قلب مردم ایران زده شد که به جنبشی فراگیر و بی سابقه و عظیم انجامید. جنبشی برای احیای مفهوم ملت و احقاق حقوق از دست رفته ملت. جنبش راه سبز امید اینگونه شکل گرفت. از آن زمان، ضرورت تدوین و انتشار میثاقی ملی که آرمان های عمومی جنبش را تعریف کند و فعالان جنبش سبز بر محور آن به فعالیت پردازند، احساس می شد. انتقاداتی که

درباره روشن نبودن اهداف، ارزش ها، مبانی و راهکارهای جنبش سبز به عنوان جنبش اعتراضی مسالمت آمیزی که خواستار اصلاح وضعیت کنونی و برون رفت از بحران های جامعه ایران از طریق سازوکارهای مدنی است، بیان می شد، گویای صحت و اهمیت آن احساس بود. نیز عدم شفافیت و صراحت مرزهای جنبش با حرکت های انتقام گیرنده و براندازانه ای که برای رسیدن به اهداف خود، استفاده از هر وسیله و روش را، حتی به قیمت مغایرت با معیارهای صریح اخلاقی، مجاز می شمردند، خود برهان قاطعی بر ضرورت تدوین و تنویر چارچوب و اسکلت معرفتی و اخلاقی جنبش سبز شمرده می شد. از بخت خوش، پس از چندی و با همت جمعی از فعالان جنبش و شور و تامل چهره های شاخص آن، منشور جنبش سبز انتشار یافت. مهمترین ثمرات انتشار منشور این بود که حدود و چارچوب مطالبات مردم را مشخص کرد، به گسترش و عمق جنبش سبز یاری رساند و بر بطلان این ادعا

گواهی داد که نه تنها جنبش نمرده یا بی اثر نشده، بلکه از پیش زنده تر است و می تواند اصول، اهداف، هویت، چشم اندازها و راهکارهای خود را برای مخاطبین و همراهانش روشن کند. همان کلمات ساده و صمیمی کافی بود تا نشان دهد که میزان صحت و سقم ادعاهایی که با برنامه ای حساب شده و با مضمون واحد مرگ یا خاموشی جنبش سبز، از جانب دو جبهه مشخص کودتاگران انتخاباتی و وابستگان به سلطه جویان بیگانه از منافع ملی مردم ایران مطرح می شود، تا چه میزان است. حتی دامنه اظهار نظرها درباره منشور نشان داد که جنبش سبز تا کجا ریشه دوانده و با گذشت زمان، گستره آن به مناطق جغرافیایی متنوع تر و اقشار اجتماعی بیشتری کشیده شده است. تلاش عاشقانه، خالصانه و داوطلبانه نوجوانان و جوانانی که در فقدان امنیت، آسایش، آزادی بیان، توقیف مکرر مطبوعات و سانسور شدید اخبار و تحلیل های واقعی کشور، پیام جنبش را در سراسر ایران به آحاد مردم می رسانند و

باز با اعلام هر از گاه مرگ آن حرکت ملی در طول سال گذشته مواجه بوده اند، شاهی گویا و مانا بر سرسبزی، سرزندگی و بالندگی فزاینده جنبش سبز ملت ایران است.

همانگونه که در اولین منشور جنبش راه سبز امید مطرح شد، گفتگوی مستمر درباره این متن و نقد و اصلاح آن، ضرورتی انکارناپذیر است. به همین منظور، پس از انتشار متن و در پاسخ به نیاز مذکور، پرسشنامه ای برای تعداد کثیری از صاحب نظران، فعالان سیاسی، هنری، اجتماعی و حقوقی، اساتید حوزه و دانشگاه و شخصیت های فرهنگی و مذهبی ارسال و نظرات آنان گردآوری و دسته بندی شد. البته بدیهی است که اگر شرایط مطلوب و مناسب برای این گفتگوها در فضایی مدنی و آزاد فراهم می شد، دائره این نظرخواهی گسترش می یافت و غنای آن را فراتر می برد. اما متأسفانه به علت امنیتی بودن فضای اجتماعی و عدم امکان تشکیل جلسات بحث و گفتگو، تلاش در این

مرحله به انجام نظرخواهی محدود ماند. آنچه در پی می آید، ویراست دوم منشور جنبش سبز است که با لحاظ کردن نظرات ارسالی تهیه شده است. امید آن که نسخه های پسین، نظرات طیفی وسیعتر را در بر گیرد و با بهره گیری از خرد جمعی و خواست ملی، اصول منشور کامل تر بیان شده و نقایص آن مرتفع شود و سرانجام، همه ما بتوانیم سازنده تر و سرزنده تر در راه نیل به آزادی و عدالت و احقاق حقوق ملت گام برداریم.

الف) تولد جنبش سبز

جنبش سبز مردم ایران، نهضتی است که اهداف خود را در بستر میلاد خود تعریف کرده است. این جنبش در اعتراض به ظهور و تداوم کثرونی ها و انحرافاتش شکل گرفت و در دل خود اهدافی را پرورد که اینک به نمادهای معنادار آن تبدیل شده است. انحرافاتش که به تدریج پدید آمد و از اتفاق به استمرار رسید. از آن جمله:

وجود و بروز اختلافات سیاسی و تلقی های گوناگون از اهداف و پیدایش موانع سازمان یافته تدریجی در مسیر تحقق اهداف و آرمان هایی چون عدالت، استقلال، آزادی و پیشرفت که مردم ایران برای دستیابی به آنها، جان بر سر انقلاب اسلامی خود نهادند و شکل گیری نظام جمهوری اسلامی را با رأی خود تأیید کردند.

ظهور گرایش های تمامیت خواهانه و استبدادی و انحصارطلبانه در میان برخی از مسئولین حکومتی.

نقض حقوق بنیادین و قانونی شهروندان و بی حرمتی به کرامت انسانی متجلی در اصول مسلم حقوق بشر.

سوء مدیریت و کاهش شدید کارآمدی نظام، ترویج دروغ سالاری و کاهش چشمگیر اعتماد ملت به مسئولان.

افزایش فاصله طبقاتی و محرومیت های اقتصادی و اجتماعی.

سوءاستفاده و قانون گریزی برخی مجریان قانون و فسادگسترده اقتصادی و دست اندازی بی مهابا و قانون

ستیزانه به بیت المال و ثروتهای ملی ونابودی
دستگاههای برنامه ریزی و نظارتی

نادیده گرفتن منافع ملی و ماجراجویی های عوام
فریبانه در تعاملات بین المللی همراه با سوءاستفاده از
اعتقادات استقلال طلبانه و ضدسلطه جهانی در میان
اقشار گوناگون.

فراموشی تدریجی و دردناک اخلاق و معنویت و تحریف
دیانت با بکارگیری تهمت و دروغ و خرافه درراه رسیدن
به قدرت و حفظ آن.

افزایش سرکوب، انسداد و اختناق در فضای مدنی
و غصب رسانه ملی وسایر امکانات ارتباطاتی و فضای
مجازی

اینهمه از جمله عواملی است که بویژه در سالیان اخیر،
به شکل گیری نگرش های اعتراضی در میان دل
سوختگان و قاطبه مردم ایران انجامید که جنبش سبز
مردم ایران، بروز بارز قدرتمند آن در انتخابات ریاست
جمهوری سال ۱۳۸۸ و رخدادهای پس از آن بود.

ب - اهداف جنبش

جنبش سبز با پای بندی به اصول و ارزش های بنیادین انسانی، اخلاقی، دینی و ایرانی که در فرهنگ این سرزمین ریشه تنیده اند، خود را منتقد و پالایشگر روند طی شده در نظام جمهوری اسلامی ایران در سال های پس از انقلاب می داند و بر این اساس، حرکت انتقادی در چارچوب قانون اساسی و احترام به نظر و رأی مردم را وجه همت خویش قرار خواهد داد.

جنبش سبز برآمده از مردم و مولود یک نهضت ملی است. حرکتی در تداوم تلاش مردم ایران برای دستیابی به آزادی، عدالت اجتماعی و تحقق حاکمیت ملی است که پیش از این در برهه هایی چون انقلاب مشروطیت، جنبش ملی شدن نفت و انقلاب اسلامی، خود را جلوه گر ساخته است.

بازخوانی تجربه معاصر در جهت تحقق اهداف والای اجتماعی مردم ایران نشان می دهد که تنها از طریق تعمیق و تقویت جامعه مدنی، گسترش فضای گفتگوی

اجتماعی، ارتقاء سطح آگاهی و جریان آزاد اطلاعات، زمینه سازی برای فعالیت آزاد مصلحان و فعالان اجتماعی - سیاسی در چارچوب تحول خواهی و ایجاد تغییر در وضعیت موجود و مواجهه صادقانه با مردم و محرم دانستن ملت و پای فشاری بر تحقق آرمان های ملی، می توان اهداف جنبش سبز را عملی کرد. این امر مستلزم توافق و تأکید بر مطالبات مشترک و ایجاد تعامل و هماهنگی میان همه نیروهایی است که به رغم داشتن هویت مستقل، با پذیرش تعدد و تنوع درون جنبش، زیر چتر ملی فراگیر جنبش سبز ایران در کنار یکدیگر قرار می گیرند.

پ) چشم اندازهای بنیادین

۱- جنبش سبز، یک حرکت اجتماعی است که هرگز خود را مبری از خطا نمی انگارد و با نفی صادقانه هرگونه مطلق نگری، بر گسترش فضای نقد و گفتگو در درون و بیرون جنبش، پای می فشرد. دیده بانی حقوق ملت و طرح راهکار برای نظارت و هدایت عملی سیر

حرکت و تحول جنبش از سوی همه فعالان و بویژه صاحبان اندیشه و تجربه، امری حیاتی است که می تواند مانع از لغزش جنبش به ورطه تمامیت خواهی و فساد شود.

۲- در نگاه فعالان جنبش سبز، مردم ایران خواهان ایرانی آزاد، آباد و سرافراز هستند. جنبش سبز موافق به رسمیت شناختن تعدد و تنوع و مخالف انحصارطلبی است. در نتیجه، دشمنی و کینه ورزی با بدنه اجتماعی هیچ بخشی از جامعه، جایی در جنبش ندارد. تلاش برای گفتگو و تعامل با رقیبان و مخالفان در فضایی سالم، و آگاهی بخشی درباره اهداف و اصول جنبش، وظیفه همه افرادی است که خود را در زمره مشارکت کنندگان جنبش سبز می دانند. ما، با هر باور و ایمان دینی که بدان معتقدیم، به هر قوم و قبیله و تیره و مرامی که تعلق داریم و با هر سلیقه و سبکی که با آن زندگی می کنیم، همه ایرانی هستیم و ایران متعلق به همه ماست.

۳- گسترش و فعال سازی شبکه های اجتماعی واقعی و مجازی و تعمیق فضای گفتگو و تعامل از طریق اتخاذ روش های مداراجویانه و احترام آمیز متقابل بین طرف های گفتگو بر سر اهداف و بنیان های هویتی جنبش از جمله راهکارهای محوری است که مستلزم توجه کلیه فعالان سبز است.

۴- جنبش سبز در عین تأکید مصرانه بر حفظ استقلال و مرزبندی با نیروهای وابسته به قدرت های بیگانه سلطه جو، نه انزوای طلب و نه دیگرسطیز است. برعکس، جنبش سبز با صراحت و شجاعت و نه در خفا و خلوت، به دنبال توسعه رابطه با تمام کشورهای جهان از طریق اعتمادسازی متقابل ملت هاست.

۵- عدالت، آزادی، صداقت، استقلال، کرامت انسانی و معنویت، ارزش هایی جهانی هستند و تجربه آموزی از ملت هایی که برای دستیابی به این ارزش ها تلاش کرده اند و نیز استقبال و استفاده از نقد و نظر مشفقانه همه آزادیخواهان و صلح طلبانی که برای رهایی نوع بشر و

ارتقای کرامت انسان ها تلاش می کنند، از دیگر راهکارهای جنبش است.

(ت) هویت سبز

گنجینه اسلامی، ایرانی

۱- جنبش سبز با پذیرش تکرر درون جنبش، بر استمرار حضور ایمان سرشار از رحمت، شفقت، معنویت، اخلاق و تکریم انسان تأکید دارد و راه تقویت ارزش های دینی را در جامعه، تحکیم وجه اخلاقی، بینش و کنش پیروان همه ادیان توحیدی کشور می داند.

۲- تحکیم پیوند میراث دینی، ملی و پرهیز از اجبار مردم به پای بندی به مرام، مسلک، رویه و سلیقه ای خاص، مبارزه با استفاده ابزاری از دین و حفظ استقلال نهادهای دینی از حکومت، از جمله مهمترین راه های حفظ جایگاه والای دین و تداوم نقش برجسته آن در جامعه ایران است که به عنوان یکی از اصول بنیادین جنبش سبز در سرلوحه هویت آن جای می گیرد.

۳- رمز بقای تمدن اسلامی، ایرانی ما، همانا همزیستی و همگرایی ارزش های اسلامی و ملی در طول تاریخ این سرزمین است. در این راستا، جنبش سبز بر حفظ و تقویت ارزش های والای فرهنگ ایرانی و سرمایه های غنی انباشته شده در رسوم و مناسبت های ملی و آئین های مردمی تأکید می ورزد و در این راه، تقدس زدایی از تعصبات نابجا و آگاهی بخشی دربارهٔ ویژگی های هویت آفرین آئین های مذهبی و ملی را وجه همت خویش قرار می دهد.

۴- ملت ایران در تاریخ مبارزات خود برای کسب آزادی، عدالت و استقلال، بارها خودباوری و همبستگی بر سر اصول را به رخ مستبدان و دشمنان آزادی کشیده است. جنبش سبز مردم ایران با اتکاء به این میراث مشترک گرانبها و با تکیه بر خرد جمعی و نفی هرگونه خودمداری و خودخواهی، دستیابی به اجماعی آگاهانه، مبتنی بر خصیصه های هویت آفرین و مصالح عمومی و کنار گذاشتن عناصر تشتت زا را مد نظر دارد.

حق حاکمیت مردم

احترام به حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش از جمله اصول خدشه ناپذیر جنبش سبز است و نهاد انتخابات، به عنوان یکی از عمده ترین راه های تحقق آن، اهمیت می یابد. بر این اساس، جنبش سبز تلاش های خود را برای صیانت از آرای مردم تا زمان استقرار نظام انتخاباتی آزاد، رقابتی، غیرگزینشی و منصفانه که شفافیت آن کاملاً قابل تضمین باشد، ادامه خواهد داد. رأی و خواست مردم منشأ مشروعیت قدرت سیاسی است و جنبش سبز، اعمال هرگونه صلاحیت خودسرانه و گزینشی تحت عنوان نظارت استصوابی را مغایر با حق الهی کرامت و آزادی انسان، قانون اساسی، حق تعیین سرنوشت مردم توسط خود و حقوق بنیادین آنها می داند.

دستیابی به آزادی و عدالت بدون توجه به منافع ملی و استقلال میسر نیست. جنبش سبز با آگاهی به این امر،

با هر اقدامی که برخلاف منافع ملی و ناقض اصل استقلال باشد مخالف است.

(ث) ارزش های جنبش سبز

احترام به کرامت انسان ها و پرهیز از خشونت

دفاع از کرامت انسانی و حقوق بنیادین بشر، فارغ از مذهب، جنسیت، قومیت و موقعیت اجتماعی و استقرار و تضمین موازین حقوق بشر به عنوان یکی از مهم ترین دستاوردهای تاریخ و حاصل خرد جمعی همه انسان ها، مورد تأیید و تأکید جنبش سبز است. این حقوق خدادادی است و هیچ فرمانروا، دولت، مجلس، محکمه یا قدرتی نمی تواند تحت هیچ شرایطی یا بهانه ای آن را لغو یا به صورت ناموجه و خودسرانه محدود کند. تحقق این امر مستلزم احترام به اصولی چون برابری همگان در برابر قانون، مدارا با مخالفان، گفتگوی همگانی و منصفانه، حل مسالمت آمیز مناقشات ملی، منطقه ای و صلح طلبی جهانی و مقاومت جدی در برابر تبعیضات

قومی، جنسیتی، طبقاتی و مذهبی است که خود در پرتو ایجاد زمینه های لازم برای فعالیت آزاد احزاب، رسانه های مستقل، جلوگیری از سانسور، دسترسی آزاد به اطلاعات، گسترش و تعمیق فضای مدنی، احترام به حریم خصوصی افراد، فعالیت آزادانه تشکل ها و شبکه های اجتماعی غیردولتی و اصلاح قواعد و مقررات در جهت حذف هرگونه تبعیض میان شهروندان امکان پذیر است.

جنبش سبز یک جنبش مدنی است که پرهیز از خشونت و حرکت در چارچوب موازین فعالیت مدنی را سرلوحه خویش قرار داده است. این جنبش با اعتقاد به این که کرامت انسانی مردم اصلی ترین قربانی خشونت در فضای تقابل های نابرابر اجتماعی خواهد بود، ضمن تأکید ورزیدن بر گفتگوی احترام آمیز متقابل، فعالیت مسالمت آمیز و توسل به راه های غیرخشونت آمیز را ارزشی خدشه ناپذیر می داند. توسل به روش های غیرخشونت آمیز به معنای تسلیم یا کرنش در برابر ظلم

و یا سکوت در برابر آن نیست بلکه به معنای توانایی مبارزه و اعتراض بر مبنای حرمت انسان و شخصیت والای اوست. جنبش سبز با در نظر گرفتن شرایط و مقتضیات، از کلیه ظرفیت های فعالیت مسالمت آمیز استفاده خواهد کرد.

عدالت، آزادی و برابری

شان عدالت در میان ارزش ها و آرمان های جنبش سبز مرتبه اولی و اصیلی است. توزیع عادلانه امکانات و فرصت ها، چه در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، و چه در ابعاد دیگر حیات انسانی، از جمله اهداف خدشه ناپذیر جنبش سبز است که لازم است برای دستیابی به آن، تمامی تلاش های ممکن انجام پذیرد. گسترش عدالت در جامعه در صورتی امکان پذیر است که نظام حاکم با پرهیز از انحصارطلبی و قیم مآبی و با اتکاء بر خواست ملت و منافع ملی، در عرصه داخلی و بین المللی، کاملاً مستقل و فارغ از وابستگی به نهادهای

غیرمردمی و قدرت های اقتصادی و سیاسی و طبقاتی عمل کند و مقید باشد که به اصل برابری انسان ها در بهره مندی از کلیه حقوق انسانی، مواهب طبیعی و تولیدات اجتماعی احترام بگذارد.

جنبش سبز با عنایت به لزوم تأمین خواست ها و مطالبات به حق تمامی اقشار اجتماع، بر پیوند، حمایت و جلب پشتیبانی همه نیروهای مولد جسمی و فکری جامعه و صیانت از آنان در برابر رانت خواران، دلالان، مافیای قدرت و ثروت و مداخلات مخرب حکومت تأکید دارد. این جنبش با الهام از اصل نهم قانون اساسی، با سلب آزادی های اساسی مردم به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور مخالف است و با تأکید بر استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، اصلی ترین راه حفظ منافع ملی و دفاع از مرزهای میهن را حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش در تمامی ابعاد می داند.

برقراری آزادی و برابری از اهداف انکارناپذیر انقلاب اسلامی مردم ایران در سال ۱۳۵۷ است. پوشیده نیست

که جنبش سبز نیز بر ضرورت دستیابی به آن اهداف والا تأکید دارد. نفی هرگونه انحصارطلبی فکری، رسانه ای و سیاسی و نیز مبارزه با حذف فیزیکی هر اندیشه و دیدگاه در سرلوحه اهداف جنبش سبز قرار دارد. ضروری است در این جهت، برای رهایی مردم از هرگونه سلطه سیاسی (استبداد، یکه سالاری و انحصارطلبی)، سلطه اجتماعی (تبعیض و نابرابری های اجتماعی) و سلطه فرهنگی (وابستگی و انقیاد فکری) تلاش شود. بر همین اساس جنبش سبز بر حمایت از حقوق زنان، نفی هرگونه تبعیض جنسیتی و احترام به حقوق اقوام و مذاهب مختلف ایرانی تأکید ویژه دارد.

جنبش سبز بر این باور است که امنیت حکومت تنها از طریق حفظ امنیت یکایک شهروندان دست یافتنی است بگونه ای که مردم رها از ترس و تسلیم و تحت حمایت قانون زندگی کنند. مداخله نیروهای نظامی و انتظامی در امور سیاسی و اقتصادی، هرگونه دخالت افراد غیرمسئول در امور انتظامی، و سلطه نیروهای

امنیتی و انتظامی بر مقامات قضایی و سلب استقلال قضات، مخل امنیت دولت و ملت و در مخالفت بین و صریح با اهداف عالیه اسلام، آرمان های انقلاب اسلامی و قانون اساسی است.

اجرای بدون تنازل تمامی اصول قانون اساسی و بویژه اصول ناظر بر حقوق ملت (فصل سوم)، هدف و خواست تجدیدنپذیر و حتمی جنبش است.

آزادی زندانیان سیاسی، رفع محدودیت های غیرقانونی و نگاه امنیتی علیه فعالیت احزاب و گروه ها، و جنبش های اجتماعی چون جنبش زنان، جنبش دانشجویی، جنبش کارگری، و مانند آن، و نیز محاکمه عادلانه آمران و عاملان تقلب و تخلف در انتخابات، شکنجه و قتل معترضان به نتیجه انتخابات، نقد آزادانه نظریه پردازان، و افشاء و محاکمه حامیان خشونت در لایه های مختلف فکری و نظری حکومت، از جمله واضحاتی است که در جهت اجرای عدالت باید مورد توجه قرار گیرد.

ج) راهکارها

۱- جنبش سبز را نه می توان یک حزب متمرکز دانست و نه مجموعه ای از افراد سازمان نیافته و بی هدف. جنبش سبز، قطرات به هم پیوسته مردم معترضی است که برای احقاق حق خود به دریا بدل شده اند. مرور تجربه تاریخی مردم ایران نشان می دهد که آنها در پرتگاه های تاریخی، هوشیاری، توانایی و درک بالای خود را نشان داده و با تکیه بر قوای خلاقه خویش، صعب العبور ترین راه ها را برای دستیابی به اهداف خود هموار ساخته و زیر پا نهاده اند. جنبش سبز بر پایه اصول و مبادی بنیادین خود، با استفاده از سازماندهی افقی و همسو در قالب شبکه های اجتماعی واقعی و مجازی، بر فهم، اندیشه و نوآوری های ملت ایران تکیه دارد و دستیابی به آرمان هایی چون آزادی و عدالت را منوط به شکوفایی این خلاقیت ها می داند. این توانایی می تواند شعار «هر ایرانی یک ستاد» را به شعار «هر ایرانی یک جنبش» تبدیل کند. جنبشی که برخلاف

پندار مخالفان آن، در قلب ایرانیان جای گرفته و چون جان، در تن می تپد و راه خود می جوید.

۲- جنبش سبز با پیگیری اهداف و آرمان های همیشگی مردم ایران و با اتکاء به بازخوانی انتقادی تحولات صورت گرفته پس از انقلاب اسلامی، بویژه در عرصه روابط ملت و دولت، بر پایه میثاق مشترک مردم ایران، یعنی قانون اساسی، در پی دستیابی به آینده ای روشن برای ملت ایران است.

۳- در این راستا، تلاش برای ایجاد زمینه اجرای بدون تنازل قانون اساسی برخاسته از رأی مردم، از راهکارهای اصلی جنبش سبز است. این جنبش بر این باور است که تنها با بازگشت به قانون، الزام نهادهای مختلف به رعایت آن و برخورد با متخلفان از قانون در هر موقعیت و جایگاه، می توان از بحران های مختلفی که دامنگیر کشور شده و فشار خود را بر گرده مردم محروم ایران تحمیل می کند، رهایی یافت و در راه ترقی و توسعه میهن گام برداشت.

۴- جنبش سبز در عین حال از این مسئله مهم آگاه است که قانونگرایی به معنای استفادهٔ ابزاری از قانون توسط حاکمان نیست. باید شرایطی فراهم آورد تا قانون وسیلهٔ اعمال خشونت های ناروا و موهن، نقض حقوق بنیادین شهروندان که مغایر با اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر نیز هست نشود و خشونت، بی عدالتی و تبعیض صورت قانونی به خود نگیرد.

۵- قوانین کشوری و از جمله قانون اساسی، متونی همیشگی و تغییرناپذیر نیستند. هر ملتی این حق را دارد که با بازخوانی تجربه خود و تصحیح سیر حرکت خویش، به اصلاح قوانین جاری اقدام کند. اما باید توجه داشت که تنها تغییر و اصلاحی در قانون اساسی واقعی و مورد پذیرش است که در فضایی امن و آزاد و در فرایند مذاکره و گفتگوی اجتماعی و با مشارکت همهٔ اقشار و گروه های اجتماعی و با پرهیز از تصلب و انحصارگرایی و زورگویی صورت پذیرد.

۶- تلاش برای گسترش جامعه مدنی و تقویت حوزه عمومی از طریق تشویق مردم به مشارکت در تعیین سرنوشت خود با حضور در تشکل های صنفی و غیردولتی و احزاب و ... در زمره راهکارهای اساسی جنبش سبز است.

۷- این جنبش بر این باور است که حفظ منافع ملی و دستیابی به اهداف جنبش و کاهش بی اعتمادی بحران زای کنونی بین ملت و حکومت، مستلزم گفتگو میان نمایندگان گروه های مختلف فکری و سیاسی با یکدیگر و نیز با حاکمیت و با مردم است و در این راستا، از هرگونه دعوت به مذاکره و گفتگوی شفاف به منظور دفاع از حقوق مردم و حل منازعات اجتماعی استقبال می کند.

۸- جنبش سبز به منظور قدرت بخشی به اقتصاد کشور از راه تأمین حقوق مادی کارگران، کشاورزان و کارکنان خدماتی از روش های مبتنی بر عدالت اجتماعی در چارچوب قانون، افزایش بهره وری انسانی، کاهش هزینه

های تولید کالا و خدمات، و ترمیم حداقل دستمزد با نظارت واقعی نمایندگان نیروی کار در عرصه های مختلف، بهره می گیرد.

۹- توجه به اقشار محروم از طریق تقویت اقتصاد ملی از اصول تعطیل ناپذیر جنبش سبز است. از همین رو، دستگیری از نیازمندان از طریق ایجاد شبکه های همیاری و تکفل و توانمندسازی آنان و نیز حمایت از فعالان عرصه اقتصاد ملی در مقابل واردات بی رویه کالاهای خارجی، از برنامه های عملی جنبش سبز خواهد بود.

۱۰- حضور مؤثر زنان در جنبش سبز را باید فرصتی برای برداشتن گام هایی بلندتر در جهت رفع تبعیض های جنسیتی و تحقق مطالبات برحق آنان شمرد. جنبش سبز حمایت همه جانبه و همراهی با جنبش زنان را در زمره اولویت های بنیادین خویش می داند و معتقد به این ضرورت تاریخ اجتماع ایران است که زنان علاوه بر

ایفای نقش مهم خود در خانواده، بعنوان هویتی مستقل، جایگاه بایسته خویش را در جامعه بازیابند.

۱۱- تلاش برای تحقق حقوق قانونی و احترام اخلاقی اقلیت های دینی و مذهبی و قومی از طریق زمینه سازی برای مشارکت فعال و نهادمند آنان در فرایندهای تصمیم گیری سیاسی در کشور، با تکیه بر هویت مشترک ایرانی و به رسمیت شناختن تنوع و تعدد فرهنگی، یکی از فعالیت های عمده جنبش سبز است.

۱۲- و سرانجام، جنبش سبز خواهان سیاست خارجی عقلانی و عزت مند مبتنی بر تعامل شفاف و سازنده با دنیا و طرد دیپلماسی ماجراجویانه و عوام فریبانه و ارتقاء شأن ملت بزرگ و تاریخی ایران در جهان است. ملتی که بسیار بیش از این شایسته احترام و تکریم در تمام جهان است. طرد خشونت، ترور، مداخله سلطه جویانه در امور داخلی کشورها و احترام به حق تعیین سرنوشت برای همه ملت ها، نیازمند تغییر بنیادین نگرش ها در رابطه با امنیت ملی، منطقه ای و جهانی

است که راه را بروی گسترش همکاری و تعامل بین ملت ها باز کند. جنبش سبز از اقدامی که در این جهت انجام شود استقبال می کند.

باور داریم که اینهمه جز با باور به حقانیت ملت و التزام به کسب مشروعیت از او و در نظرگیری مصالح ملی و منافع ملت، میسر نخواهد بود.

مهدی کروبی

میرحسین موسوی

انتشار: ۳ اسفند ۱۳۸۹

